
۲۹
علم مفاهیم شناسی
در قرآن
نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و نهم – حرف و

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و نهم - حرف و/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴/آ۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع،

تعریف،هـدف، فایده، پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسـیر از علوم مرتبط با قرآن به شـمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسـیر به دانشـی گفته می شود که انسـان را بـا معانی و مقاصـد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعـد آن آشنا می سازد.

به عبـارت دیگر، دانش تفسـیر از چنـد بخش اساسـی تشـکیل می شود: ۱) مبانی تفسـیر؛ ۲) قواعد تفسـیر؛ ۳) منابع تفسـیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسـیر: آیات قرآن (سـخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم نازل شـده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲–اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصـیف شودمقـدمه تفسـیرخواهد شد و تفسـیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشـهای نوین زبانشناسـی است می باشـد . زبانشناسـی بیشتر نـاظر به کلام انسـانی است که دردورهـای مختلف شامـل کلام هـای مقـدس(کتابهـای آسـمانی) نیز شـده است . زبـان شناسـی شامـل: زبـان شناسـی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختـاری ؛ سبک شناسـی ؛ تجویز و توصـیف ؛ کاربردشناسـی ؛ زبانشناسـی کـاربردی ؛ اکتسـاب زبـان ؛ زبـان شناسـی روان شنـاختی ؛ زبان شناسـی جامعه شـناختی ؛ زبان شناسی شـناختی ؛ جامعه شناسـی زبان ؛ زبان شناسـی محاسـباتی؛ زبان شناسـی توصـیفی ؛ زبان شناسـی تاریخی ؛ زبان شناسـی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات

هرمنوتیک ومتودولوژی می توانـد تاثیرات خوبی درمباحث شـناخت قرآن داشـته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسـیرما از پیشـرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمـده آن این است که روی مقدمات تفسـیر کارهای اصـلی صورت نگرفته است . این مسـئله برای هرکس که باتفسـیرقرآن آشـنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتـاب نوشـته شـده است ولی می توان به جرات گفت مسـلمانان و بشـرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضـی آیات قرآن قرنها از نظر تفسـیری هیچ پیشـرفتی نداشـته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشـی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسـیرکرد در صورتی که زوایای آشـکار و پنهان کلمات خوب کالبـد شـکافی نشـده باشـد. برای آشـکارشدن این مدعی تفاسـیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشـرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسـفانه در زمان معاصـر که به این مسـئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضـی آن را با شـرح لغت اشـتباه گرفته انـد وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشـته اند و حال آنکه اصـلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین

زمینه مراکز قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به

مجله بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن

را درمنظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹-البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و

نقش آن درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردنند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن

و صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوةَ) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاةَ) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست

و یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِی ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به

آنچه فرو فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات

وبینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه

هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشـمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشـمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلـم به دست گرفته و آرزوی عاشـقان قرآن رابرآورنـد و در ابعـاد سیاسـی ، اجتمـاعی ، اقتصـادی ، نظـامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسـفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سـیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سـیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سـازش است و حتی از جنـگ و جـدال با سـتمکاران بری است . و به سـر قرآن آن آورنـد که کلیسای جاهل و سیاسـتمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشـگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزیـد و قرآن کریم را ازشـرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسـلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بـادرفته خود در راه اشـتباه و جهـالت تـاسف دارم . و شـما ای فرزنـدان برومنـد اسـلام ! حوزه ها ودانشـگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار

مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل

نطق ظـاهر که با الفاظ مسـموع انجام می یابـد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن اسـتعدادهای معرفتی او جز به کـار بردن لفـظ امکـان پـذیر نیست. پس زبـان اولاًـ توأم و همراه بـا انـدیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمـدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون اسـتعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایـدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقـط هنگـام رویـارویی بـا دیگران بکـار می رود. امـا آدمی مایـل است افکـار و انـدیشه ها و خواسـته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیسـتند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفـاظ بسـنده نکرده و یـک سلسـله علاـیم دیگر نیز وضع کرده که همـان خـط یـا علاـیم مکتوب یـا الفبـاست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) —

وجود لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که بـا اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبـارت موجزتر شـیء دارای چهـار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتـبی . از آنجـا که نقش الفـاظ در تفکرات آدمی تـا این درجه است. منطق دانـان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهنـد و البته بحـث آنهـا از الفـاظ بحـثی است بسـیار کلی بـه نحـوی کـه کـم و بیش شامـل همه زبانهـا می شـود. بر خلاف بحث علمـای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامـل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تنـدخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجویـد ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسـلمان یـا جـامعه بشـری یا مفسـرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تـدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می

کنـد و حقیقی ترین آن امـام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامـل قرآن درعـالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضـرت امام ولی عصـر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسـلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفـاهیم شناسـی قرآن فعـالیت و تحقیـق و مطـالعه می کنـد دربخش سـوم (وجـود ذهنی) جایگـاه می یابـد ووقـتی درعرصـه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضـیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبـا اسـتخراج کرده ایـم ؛ باشـد کـه انشـا ء الله در آینـده ایـن علـم(مفهـوم شناسـی قرآنی) توسـعه لازم را بنمایـد. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضـی ازاسـتانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهـای آن را درمقـدمه آن تفسیرشایسـته و مهم بخوانیـد. بایـد توجه داشت که بعضـی ازکلمـات مشـترک لفظی و بعضـی ازآنها مشترک معنوی می باشـند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسـی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسـی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسـی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی

و کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

واجبات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{واجبات}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۳

۳ - نماز و زکات ، از واجبات دینی اسلام و از ارکان عملی آن است .

و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

دعوت به اقامه نماز و پرداخت زکات، پس از فراخوانـدن اهل کتاب به ایمان، بیانگر اهمیت خاص نماز و زکات در میان سایر تکالیف عملی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ - وجوب پرستش خدا و پرهیز از پرستش غیر او

لاتعبدون إلا اللّه

جمله <لاتعبدون إلا اللّه> (پرستش نمی کنید جز خدا را) نهی است به صورت نفی و به عبارت دیگر خبر است در مقام انشا; یعنی، پرستش نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۲

۱۲ - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱

۱ - وجوب وصيت به هنگام فرا رسيدن مرگ و پيدايش آثار آن

كتب عليكم إذا حضر أحدكم الموت . .. الوصيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۱،۲

۱ - وجوب روزه بر مسلمانان

يأيها الذين ءامنوا كتب عليكم الصيام

۲ - ايمان از شرايط وجوب روزه *

يأيها الذين ءامنوا كتب

علیکم الصیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۴،۱۱

۴ - وجوب قضای روزه ماه رمضان ، بر کسی که در آن ماه مسافر و یا مریض بوده است .

فمن کان منکم مریضاً أو علی سفر فعده من أیام أخر

۱۱ - بر کسانی که به خاطر مشقت بار بودن روزه بر آنان ، روزه نمی گیرند ، پرداخت فدیه واجب است .

و علی الذین یطیقونه فدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۲

۱۲ - روزه ماه رمضان بر هر فرد فرد مسلمانان واجب است .

فمن شهد منکم الشهر فلیصمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۸

۸ - وجوب اطاعت از فرمان های خدا و ضرورت ایمان داشتن به او

فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی

برداشت فوق بر این مبناست که <استجابت> به معنای <اجابت> باشد. بنابراین <فلیستجیبوا لی> یعنی، پس بندگان باید فرمانهای مرا اطاعت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۳

۱۳ - در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لاتقتلوهم عند المسجدالحرام حتی یقتلوکم فیه فإن قتلوکم فاقتلوهم

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۶ – ۱۳،۱۴،۳۶،۴۱،۴۳

۱۳ وجوب قربانی در حج تمتّع

فمن تمتّع . .. فما استیسر من الهدی

۱۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام فی الحج و سبعه . .. تلک عشره کامله

۳۶ عمره ، همانند حج واجب است .

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام صادق (ع): العمره واجبه علی الخلق بمنزله الحجّ . .. لانّ اللّه عزّ و جل یقول <و اتمّوا الحج و العمره للّه>

علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۱ ; کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۴.

۴۱ وجوب بجا آوردن عمره تمتّع ، قبل از انجام اعمال حجّ

فمن تمتع بالعمره الی الحجّ

امام صادق (ع): انّ الحجّ متّصل بالعمره لان اللّه عزّ و جل یقول <فاذا امنتم فمن تمتّع . ..> فلیس ینبغی لاحد الاّ ان یتمتّع

علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱، ب ۱۴۹ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۶۶۹.

۴۳ وجوب سه روز روزه ، در روز ترویه و روز قبل و روز بعد از آن (عرفه) در حج بر کسی که قادر به قربانی نیست .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایّام فی الحجّ

از امام صادق (ع) درباره حج کننده ای که قادر بر قربانی نیست سؤال شد، آن حضرت فرمود: یصوم ثلاثه ایّام فی الحجّ یوماً قبل الترویه و یوم الترویه و یوم عرفه

کافی، ج ۴، ص ۵۰۸، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۶۷۷

و ۶۷۹.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۷ – ۱۳

۱۳ وجوب تهیّه توشه (پوشاک و خوراک و . . .) برای سفر حج

و تزوّدوا

با توجّه به شأن نزول نقل شده در مجمع البیان، ذیل آیه.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۸ – ۷،۸

۷ وجوب رفتن و وقوف به مَشعرالحرام ، پس از وقوف در عرفات

فاذا افضتم من عرفات فاذکروا اللّه عند المشعرالحرام

لازمه وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام پس از وقوف به عرفات، وجوب رفتن و بودن (وقوف) در مشعرالحرام است.

۸ وجوب ذکر خداوند در مَشعرالحرام

فاذکروا اللّه عند المشعرالحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۳ – ۱

۱ وجوب ذکر خداوند در روز های مشخص (ایام تشریق) بر حج گزار

و اذکروا اللّه فی ایّام معدودات

مراد از روزهای مشخّص، ایّام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۶ – ۱،۱۴

۱ وجوب جهاد بر مسلمانان ، حکمی ثابت و همیشگی

کتب علیکم القتال

<کُتب> یعنی ثبت و استقرّ.

۱۴ احکام الهی (وجوب جهاد و . . .) ، بر اساس علم خداوند نسبت به مصالح و مفاسد انسانهاست .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی . .. و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۶،۷

۶ لزوم آمیزش مردان

با همسران خویش در هر چهار ماه *

للذین یؤلون من نسائهم تربّص اربعه اشهر

به نظر می رسد که اگر ترک آمیزش در بیشتر از چهار ماه جایز بود، به همان مقدار، حکم ایلاء از نظر زمان افزایش می یافت.

۷ وجوب آمیزش یا طلاق بر ایلاءکننده ، پس از گذشت چهار ماه از ایلاء

للذین یؤلون . .. فان فاءو ... و ان عزموا الطلاق

از اینکه <تربّص> تا چهار ماه است، معلوم می شود که پس از آن، شخص مُلزم به یکی از دو کار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱

۱ وجوب شیر دادن مادران به فرزندان خویش

و الوالدات یُرضعن اولادهنّ

جمله <یرضعن . .. >، جمله ای است خبری در مقام انشا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۳

۳ وجوب پیکار در راه خداوند

و قاتلوا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۴،۳۰،۲۹،۲۱،۱۶،۱۲،۴،۳،۲

۲ وجوب تنظیم سند برای دین مدت دار بر طرفین

یا ایّها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمّی فاکتبوه

جمله <تداینتم بدین> شامل هر نوع طلبی می شود; چه در فروش کالا-یی به نسیه و یا خرید کالایی تحویل نشده به نقد

(سلف) و یا قرض دادن به شخصی.

۳ لزوم تعیین مدّت برای دیون و مطالبات *

اذا تداینتم بدین الی اجل مسمّیً

احتمال اینکه لزوم کتابت مخصوص مطالبات و دیون مدّت دار باشد، احتمالی ضعیف است; بنابراین باید <الی اجل> را توضیحی برای دیونِ مورد امضاء قرآن

دانست. یعنی دیونی که بدون ذکر مدّت صحیح نیست.

۴ وجوب مراعات عدالت در تنظیم اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> متعلق به جمله <ولیکتب> باشد.

۱۲ وجوب رعایت تقوای الهی از سوی مدیون و کم و کاست نکردن چیزی در تنظیم اسناد مبادلاتی

و لیملل الّذی . .. و لیتّق اللّه ربّه و لا یبخس منه شیئاً

۱۶ وجوب املای اسناد دین و مبادلات نسیه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املای اسناد

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

۲۱ وجوب شاهد گرفتنِ دو مرد مسلمان و در صورت نبودن آنان ، یک مرد و دو زن مسلمان در ثبت و تنظیم اسناد دیون و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یکونا رجلین فرجل و امراتان

۲۹ وجوب ادای شهادت بر گواهان به هنگام فراخوانی به شهادت

و لا یأب الشّهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه <اذا ما دعوا> دعوت برای ادای شهادت باشد; یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشّهاده.

۳۰ وجوب تحمّل شهادت بر مؤمنین ، به هنگام استشهاد از آنان

و لا یأب الشّهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه <اذا ما دعوا> دعوت برای تحمل شهادت باشد; یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشّهاده.

۴۴ لزوم شاهد گرفتن در هنگام داد و ستد هر چند معامله ای نقد و بدون مطالبه باشد .

و اشهدوا اذا تبایعتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۳ – ۳،۵

۳ وجوب ردّ امانت به صاحب آن

فلیؤدَ الّذی اؤتمن امانته

۵

وجوب ردّ عین مرهونه به صاحب آن

فرهان مقبوضه فان امن بعضکم بعضاً فلیؤدّ الّذی اؤتمن امانته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ لزوم تقیّه در برابر کافران به هنگام اضطرار

الّا ان تتقوا منهم تقیه

رسول اللّه (ص): لا ایمان لمن لا تقیه له ; قال اللّه عزّ و جل: <الّا ان تتقوا منهم تقیه>

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۲۴ ; نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۵

۵ لزوم پیروی از پیامبر (ص)

قل ان کنتم تحبون اللّه فاتبعونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۲ - ۲

۲ لزوم اطاعت از خدا و رسول

قل اطیعوا اللّه و الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۳ - ۳

۳ شایستگی های ویژه انبیا ، علّت وجوب اطاعت از آنان

قل اطیعوا اللّه و الرسول . .. انّ اللّه اصطفی ادم و نوحاً و ال ابراهیم و ال عمرا

زیرا پس از امر به اطاعت از رسول، برگزیدگی پیامبران مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۲ - ۲

۲ وجوب تبعیّت از فرامین رسول خدا (رهبران الهی)

و اطیعوا اللّه و الرّسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ وجوب فوری

توبه ، پس از ارتکاب گناه *

و سارعوا الی مغفره من ربّکم

برخی برآننـد که توبه، همـان عملی است که موجب مغفرت الهی خواهـد شـد; بنابر این نظر، امر <سارعوا . .. >، لزوم فوری توبه را ایجاب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱

۱ وجوب پرداخت اموال یتیم به وی

و اتوا الیتامی اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۱۰

۱۰ تعیین مهریّه در عقد ازدواج ، از اسباب ملکیت

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۴

۴ وجوب ردّ اموال یتیمان ، پس از بلوغ جنسی و احراز رشد اقتصادی آنان

و ابتلوا الیتامی . .. فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

مؤیّد برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: ایناس الرّشد حفظ المال.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۴، ح ۷، ب ۱۱۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۴، ح ۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ وجوب معاشرت پسندیده مردان با همسرانشان

و عاشروهنّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۹

۹ وجوب پرداخت حقوق کسانی که با آنها پیمان های مالی بسته شده است .

و الذین عقدت ایمانکم فاتوهم نصیبهم

در برداشت فوق، <الذین> مبتدا گرفته شده و جمله <فاتوهم نصیبهم> خبر آن ; در نتیجه، <الذین . ..

> از زمره وارثان نخواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۸ – ۱،۴

۱ وجوب بازگرداندن امانت ها به صاحبان آن

انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها

۴ وجوب مراعات عدالت و قضاوت

انّ اللّه یأمرکم . .. و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۹ – ۵،۶

۵ وجوب اطاعت از اولواالامر و والیان ، منوط به ایمان ایشان است .

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم

کلمه <منکم> (از میان شما مؤمنان) دلالت دارد که اولواالامر و والیانی اطاعتشان واجب است که مؤمن باشند.

۶ وجوب اطاعت از ولیّ خدا ، در صورتی است که در چارچوب اصول مشخص شده از جانب خدا و رسول عمل کند .

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم

چون اطاعت از اولواالامر در کنار اطاعت خدا و رسول قرار گرفته، نمی تواند شامل دستوراتی شود که در تضاد با اوامر خداو رسول است ; زیرا اطاعت از چنین فرامینی ملازم با اطاعت نکردن از خدا و رسولش می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۱ – ۲

۲ وجوب مراجعه به قرآن و رسول ، برای حل و فصل اختلافات

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّه و الی الرّسول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۱ – ۱

۱ وجوب حمل سلاح و ادوات جنگی و کوچ جمعی و یا گروه

گروه ، برای دفاع و نبرد

یا ایّها الّذین امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعاً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: خذوا سلاحکم . .. الثبات السّرایا و الجمیع العسکر.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۲۵۳ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۱۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۶، ۳۹۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱،۲

۱ وجوب جهاد در راه خدا

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه

۲ وجوب جنگ و مبارزه برای رهایی مستضعفان

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین

مراد از جنگ در راه مستضعفان به قرینه ادامه آیه جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است. در برداشت فوق، <المستضعفین> عطف بر <اللّه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۶

۶ وجوب نبرد با یاوران شیطان (کافران و طاغوت ها)

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۱،۳

۱ وجوب پاسخگویی به تحیّت و درود دیگران

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا

<تحیّه> در اصـل به معنـای دعـا و درخواست سـلامتی و طول عمر است و سـپس در مطلق دعـا به کار رفته است و در عرف اسلامی به معنای سلام کردن و درود فرستادن است.

۳ سلام کردن ، امری پسندیده است و پاسخ به آن ، واجب .

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن

منها ااو ردّوها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۸ – ۳،۶

۳ توانایی ، شرط وجوب هجرت برای مسلمانان تحت ستم (مستضعف)

قالوا الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها . .. الّا المستضعفین ... لا یستطیعون

۶ وجوب هجرت حتی بر زنان و کودکان مانده در سیطره کافران

الّا المستضعفین من الرّجال و النّساء و الولدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۱ – ۱۳

۱۳ وجوب شکسته خواندن نماز در سفر به هنگام ترس از فتنه دشمن

و إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح . .. ان یفتنکم الذین کفروا

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از چگونگی نماز مسافر فرمودند: ان اللّه عز و جل یقول: و اذا ضربتم فی الارض . .. فصار التقصیر فی السفر واجباً کوجوب التمام فی الحضر ... .

من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۱، باب ۵۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۲، ح ۵۲۷

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۳،۹

۳ وجوب برپا کردن نماز ، حتی در میدان رزم و شرایط دشوار

و إذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوه

۹ وجوب همراه داشتن سلاح و حفظ هوشیاری و احتی اط ، به هنگام ادای نماز خوف

و لیأخذوا اسلحتهم . .. و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

ظاهراً مراد از ضمیر در <لیأخذوا> همان کسانی هستند که به نماز ایستاده اند، نه آن گروهی که مشغول پاسداری هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ –

۱۰۳ - ۵،۶،۷

۵ وجوب برپایی نماز با تمام شرایط و آداب آن ، پس از رفع ترس از ناحیه دشمن

فاذا اطماننتم فاقیموا الصلوه

اقـامه نمـاز به معنـای انجـام نماز است با تمام شـرایط و آداب آن. و از اینکه در نماز خوف تعبیر به اقامه نماز نشـده و فرموده: <فلیصلوا>، این معنا تأیید می شود.

۶ وجوب برپایی نماز با تمام شرایط ، پس از سفر و بازگشت به وطن *

فاذا اطماننتم فاقیموا الصلوه

برخی بر آنند که مراد از <اطماننتم> بازگشت به وطن است.

۷ نماز ، وظیفه ای ثابت و واجب برای اهل ایمان

ان الصلوه کانت علی المؤمنین کتباً موقوتاً

<کتـاب> به معنـای واجب و ثـابت است. مؤیـد برداشت فوق، فرمـایش امام باقر(ع) است که درباره <کتاباً موقوتاً> در آیه فوق فرمود: یعنی مفروضاً ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۹۴، ح ۱۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۵، ح ۵۴۵.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱ – ۱

۱ وجوب وفا به تمامی عقد ها و پیمان ها (فردی ، اجتماعی ، بین المللی و پیمان های الهی)

یایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴ – ۲۴

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید

و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵ – ۲۱

۲۱ وجوب پرداخت مهریه زنان به خود آنان

و المحصنت من المؤمنت . .. إذا ءاتیتموهن اجورهن

<هن> در <ءاتیتموهن>، بیانگر آن است که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر و برادر و . .. آنان اگر این معنا مراد نبود می فرمود: <اذا ءاتیتم اجورهن>

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۴،۲۳،۴۲

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا غسله لان اللّه یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق> ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در

<برءوسکم> برای تبعیض باشد.

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تثنیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۸ وجوب تحصیل طهارت (غسل) بر شخص جنب ، برای خواندن نماز

و إن کنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان کنتم . ..> عطف بر جمله ای مقدر است و کلام با تقدیر آن چنین می شود: <اذا قمتم الی الصلوه فتوضوا ان لم تکونوا جنباً و ان کنتم جنباً فاطهروا>. بنابراین غسل مشروط می شود به هنگامی که جنب می خواهد نماز بخواند.

۹ وجوب شستن تمام بدن در غسل

و إن کنتم جنباً فاطهروا

مراد از <فاطهروا> تحصیل طهارت با شستشوی تمام بدن است و اگر عضوی خاص در نظر بود به آن تصریح می شد. چنانچه در وضو و تیمم به اعضایی خاص تصریح شده است.

۱۴ وظیفه محدث و جنب در صورت نیافتن آب برای غسل یا وضو ، تیمم است .

او جاء أحد منکم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا

۲۳ مسح قسمتی از صورت و دست ها ، از واجبات تیمم

فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه

<باء> در <وجوهکم> برای تبعیض است و کلمه <ایدیکم>، به صورت <مجرور> عطف است بر <وجوهکم>. یعنی تنها قسمتی از صورت و قسمتی از دستها باید تیمم شود. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که درباره آیه فوق فرمود: ... فلما

وضع الوضوء ان لم تجدوا الماء اثبت بعض الغسل مسحاً لانه قال <بوجوهكم> ثم وصل بها <و ایدیکم> ... .

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۲ لزوم زدن دو دست بر زمین و مسح پیشانی با آنها و کشیدن کف هر یک از دو دست بر پشت دیگری در تیمم

فلم تجدوا الماء فتیمموا صعیداً طیباً فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه

از امام باقر(ع) روایت شده که: پیامبر(ص) بعد از خواندن آیه فوق چنین تیممم نمودند: فضرب بیده الارض . .. ثم مسح یدیه بجبینه ثم مسح کفیه کل واحد منهما علی الاخری.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۲۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ ضرروت دفن و خاکسپاری مردگان *

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

می توان گفت هدف از آموزش خاکسپاری به قابیل، تنها امداد ویژه خداوند به وی نبوده، بلکه برخاسته از ضرورت دفن مردگان نیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱

۱ وجوب بریدن دست دزد

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۱

۱ اقامه نماز فرمانی است که آدمیان باید بر آن گردن نهند.

و أمرنا لنسلم لرب العلمین. و أن أقیموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۰

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <و ءاتوا

حقه يوم حصاده> قال: حقه يوم حصاده عليك واجب و ليس من الزكاه . .. .

از امـام صـادق(ع) دربـاره آيه <و ءاتوا حقه يوم حصاده> روايت شـده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و اين حق، غير از زكات است . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ نيكى به پدر و مادر از واجبات و ترك آن از محرمات الهى است.

أتل ما حرم ربكم عليكم . .. و بالولدين إحسنا

<احساناً> مصـدر و مفعول مطلقى است جانشـين فعل ; يعنى: <أحسـنوا بالوالدين إحساناً>. گفتنى است كه جمله <ءاتل ما حرم ...> بيـانگر اين است كه فرازهاى بعـد در صـدد تبيين محرمات است، در حالى كه جمله <بالوالـدين إحساناً> حاكى از وجوب احسـان است. بنـابراين بايـد گفت جمله مـذكور دلالـت بر حرمت ترك احسان نيز دارد و به اصـطلاح اصوليان امر در اينجا مقتضى نهى از ضد عامش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۷،۱۸

۱۷ وجوب پايبند بودن به پيمانهايى كه خدا بر عهده آدمى نهاده است.

و بعهدالله أوفوا

كلمه <عهـد> هم مى توانـد اضافه به فاعل شده باشد، كه در اين صورت از <عهدالله> پيمانى است كه خدا با انسانها دارد، و هـم مى توانـد اضـافه به مفعـول شـده باشـد، كه در اين صـورت مراد از <عهـدالله> پيمـان است كه انسانهـا به خداونـد مى سپارند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۸ وجوب پايبندى به پيمانهايى كه آدمى با خدا دارد.

و بعهدالله أوفوا

برداشت فوق بر

این اساس است که کلمه <عهد> اضافه به مفعولش شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۷

۷ وجوب پیروی از قوانین دین و حرکت در صراط مستقیم الهی

و أن هذا صرطی مستقیماً فاتبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و یؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قرى القرءان فاستمعوا له و أنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر <أنصتوا>) به معنای سکوت کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۸

۱۸ پیمان بستن با کافران (پیمان عدم تعرض و . . .) امری جایز و پایبندی به آن واجب است .

إلا على قوم بينكم و بينهم ميثق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۲،۱۳

۱۲ آزاد کردن اسیر در صورت توبه و پذیرفتن اسلام ، واجب است .

و خذوهم . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

۱۳ رفع حصر از محاصره شدگان به دست قوای اسلام ، در صورت پذیرفته شدن اسلام از سوی آنان ، واجب است .

و احصروهم . .. فإن تابوا .... فخلّوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷

۸ وفاداری به پیمان ، مادامی که طرف معاهده بر آن پایبند است ، واجب است .

إلا الذین عهدتم عند المسجدالحرام فما استقموا لکم فاستقیموا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۰

۱۰ وفاداری و التزام به عهد و پیمان ، واجب است .

و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۴،۵

۴ رعایت حقوق خویشاوندان ، واجب است .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً

آیه فوق که در توصیف مشرکان است، رعایت نکردن حق خویشاوندان را از خصوصیات مشرکان شمرده و به همین خاطر آنان را انسانهای متجاوز معرفی کرد (هم المعتدون) این توصیف، حکایت دارد که رعایت حق خویشاوندان امری لازم است.

۵ وفاداری و التزام به عهد و پیمان ، واجب است .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۳

۳ ممانعت از نزدیک شدن مشرکان به مسجدالحرام ، بر اهل ایمان واجب است .

یأیها الذین ءامنوا إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ انفاق دارایی ها در راه جنگ و جهاد ، واجب و امتناع ورزیدن از آن ، در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه فبشرهم بعذاب أليم

برداشت فوق با توجه به این حقیقت است که آیه شریفه به

دنبال آیات مربوط به جنگ و قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۲

۲ شرکت در جهاد و پیکار با دشمنان اسلام ، وظیفه تمامی مسلمانان ، هر چند فاقد امکانات و تجهیزات کافی نظامی باشند .

انفروا خفافاً و ثقالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱،۲

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقت للفقراء و المسکین و العملین علیها

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت . .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّه و ابن ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ اطاعت از دستورات رسول خدا در فرمان های حکومتی و . . . همانند اطاعت از خدا لازم است .

و یطیعون اللّه و رسوله

جدا آمدن اطاعت رسول از اطاعت خدا، مشعر به متفاوت بودن مواد و موضوعات مورد دستور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهادگریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۴ – ۵

۵ وفای

به عهد ، واجب است .

إلا عن موعده وعدها إياه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۰ - ۱

۱ خداوند ، انسان ها را به رعايت عهد ها و پيمانهايى ملزم ساخته است .

الذين يوفون بعهد الله

<عهد> به معناى پيمان است و مراد از <عهدالله> (پيمان خدا) مى تواند وظايف و تكاليفى باشد كه خداوند آنها را بر عهده انسانها گذاشته است و مى تواند مراد از آن تعهداتى باشد كه آدمى خويشتن را ملتزم به رعايت آن كرده است و به گونه اى$ همانند سوگند به خدا و . .. آنها را به خداوند مرتبط كرده است. برداشت فوق مبتنى بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱

۱ خداوند به برقرار كردن پيوندهايى فرمان داده و رعايت آنها را بر آدميان واجب كرده است .

والذين يصلون ما أمر الله به أن يوصل

<أن> مصدريه و <أن يوصل> بدل براى ضمير در <به> است. مراد از <ما أمرالله ...> پيوندهايى نظير صله رحم، پيوند ولايت ميان اهل ايمان، پيوند ولايت ميان پيشوايان بر حق و امت اسلامى و... است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱،۵

۱ خداوند انسان ها را به عهد ها و پيمانهايى ملزم ساخته است .

والذين ينقضون عهد الله

مراد از <عهد الله> چنان چه در آيه ۲۰ گذشت عهدها و پيمانهايى است كه خداوند با انسانها دارد و يا عهدها و پيمانهايى است كه آدميان با خداوند مى بندد.

خداوند به برقرار کردن پیوندهایی فرمان داده و رعایت آنها را بر آدمیان واجب کرده است .

والذین . .. یقطعون ما أمر الله به أن یوصل

برای توضیح عبارت <ما أمر الله> به آیه ۲۱ ذیل برداشت شماره ۱ رجوع شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۴ – ۵

۵- صراحت و قاطعیت در بیان اصول و مبانی دین ، امری لازم و تکلیفی واجب بر رهبران اسلامی

فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشرکین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۱ – ۱

۱- وجوب پایبندی انسان ، به عهد ها و میثاق های خود با خداوند

و أوفوا بعهد الله إذا عهدتّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۴،۱۶

۴- بر هر کسی واجب است به پدر و مادر خویش احسان کند .

و قضی ربّک . .. بالولدین إحسنًا

تنوین <إحساناً> برای تعظیم است و <ال> در <والدین> برای استغراق افرادی است و شامل والدین هر مکلفی می شود.

۱۶- برخورد عاطفی و مؤدبانه ، با پدر و مادر و تکریم آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان ، تکلیفی برعهده فرزندان

فلاتقل لهما أُفّ . .. و قل لهما قولاً کریمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۶ – ۱،۶،۹،۱۲

۱- ادای حق خویشاوندان ، امری واجب و لازم است .

و ءات ذاالقربی حقّه

۶- پرداخت حق مساکین و در راه ماندگان ، امری لازم و واجب است .

و ءات . .. و المسکین و ابن السبیل

۹- رسیدگی

به مشکلات خویشاوندان حتی در صورت عدم مسکنت و در راه ماندگی آنان ، امری لازم و واجب است .

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل

ذکر <ذاالقربی> به صورت جداگانه، می تواند إشعار به مطلب فوق داشته باشد.

۱۲- رعایت اعتدال در انفاق و پرهیز از زیاده روی در آن ، لازم و واجب است .

و ءات . .. و لاتبذّر تبذیرًا

مورد برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از تبذیر (زیاده روی) به مناسبت مورد آیه زیاده روی در انفاق به خویشاوندان و مستمندان باشد; چنان که در مورد مصرف اموال شخصی در زندگی و انفاق به دیگران در همین سوره (آیه ۲۹) چنین دستوری صادر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۲

۲- پرهیز از هرگونه زمینه ای که موجب کشیده شدن انسان به زنا شود ، لازم و واجب است .

و لاتقربوا الزنی

اینکه خداوند، به جای <لاتزنوا> <(زنا نکنید) فرمود: <لاتقربوا الزنی> (به زنا نزدیک نشوید)، می تواند برای توجه دادن به این نکته باشد که نه تنها عمل زنا ممنوع است; بلکه باید از عملی که در نهایت منجر به ارتکاب آن می شود و از زمینه های گرایش به فحشاست، نیز پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۳،۱۵

۳- پرهیز از هرگونه امری که موجب حیف و میل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن شود ، واجب و لازم است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

۱۵- وفای به عهد و

پیمان ، لازم و واجب است .

و أوفوا بالعهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۱

۱- وجوب کامل کردن پیمانه و کم نگذاشتن از آن ، در معاملات کیلی

و أوفوا الکیل إذا کلتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۷ - ۲

۲- پرهیز از هرگونه تکبر و خوشی و سرمستی افراطی ، امری لازم و واجب است .

و لاتمش فی الأرض مرحًا

برداشت یاد شده، بر این اساس است که مراد از <لاتمش> احتمال دارد رفتار باشد که شامل همه حالتهای انسان می شود و نه راه رفتن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۳

۳- نماز ظهر ، اولین نماز از نماز های واجب است .

أقم الصلوه لدلوک الشمس

از اینکه در بیان اوقات نمازهای پنجگانه، ابتدا زوال خورشید مطرح شد، می تواند گویای این حقیقت باشد که اولین نماز واجب، نماز ظهر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۲

۲۲- وفای به نذر واجب است .

إنّی نذرت للرحمن . .. فلن أكلّم اليوم إنسيًّا

چنانچه مريم(ع) با وجود نذر، حق سخن گفتن داشت، نذر او نمی توانست نزد مردم عذر قطعی برای سکوت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۶ – ۶

۶ – وجوب ذكر نام خدا ، به هنگام نحر کردن شترانی قربانی

فاذكروا اسم اللّه عليها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – نور – ۲۴

۳ - وجوب برهنه بودن بدن نسبت دهندگان زنا به زنان ، به هنگام اجرای کیفر (قذف) بر آنان

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۵

۵ - تأمین نیازمند های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، بر اغنیا و ثروتمندان واجب است .

و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و المهجری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۵

۵ - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر مردان واجب و کشف آن حرام است .

قل للمؤمنین . .. یحفظوا فروجهم

<فرج> و <فرجه> در اصل به معنای شکاف میان دو شیء است؛ ولی در اصطلاح متعارف به معنای عورت و شرمگاه می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۵

۵ - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر زنان واجب و کشف آن ، حرام است .

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۲،۹

۲ - نماز و زکات ، از مهم ترین و با ارزش ترین فریضه ها و احکام الهی

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت فوق با توجه به اختصاص به ذكر يافتن نماز و زكات، پس از بيان اعمال صالح

که نماز و زکات نیز جزء آنها می باشد قابل استفاده است.

۹ - < ابراهیم بن عبدالحمید عن أبی الحسن قال : سألته عن صدقه الفطر أواجبه هی بمنزله الزکاه فقال : هی ممّا قال اللّه : < أقیموا الصلوه و آتوا الزکاه > هی واجبه . . . ;

ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام رضا(ع) پرسیدم: آیا زکات فطره به منزله زکات واجب است؟ فرمود: زکات فطره، از همان زکاتی است که خداوند فرموده: <. ..و آتوا الزکاه> و آن واجب است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۵

۵ - وجوب اقامه نماز ، در مکه تشریع شده است .

و أقیموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۸

۸ - شکر و سپاس در برابر نعمت های الهی ، امری لازم و واجب

أفلایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۶

۶- فرمان های صادر شده از شخص پیامبر (ص) ، همانند فرمان های وحی واجب الاتباع است . *

أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول

فرمان به اطاعت رسول(ص)، پس از فرمان به اطاعت از خدا بدون هیچ قید و تمایز بیانگر معنای یادشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱

۱ - انفاق در راه خداوند ، وظیفه ای واجب بر مؤمنان

و ما لکم ألّاتنفقوا فی سبیل اللّه

خطاب در آیه شریفه، متوجه مؤمنان و استفهام در <ما لکم> توبیخی است. توبیخ مؤمنان

از سوی خداوند، به خاطر کوتاهی آنان در امر انفاق، بیانگر واجب بودن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۱ – ۴

۴ – اطاعت از فرمان های پیامبران واجب است .

قال نوح ربّ إنّهم عصونی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۲ – ۸

۸ – خداوند ، محکوم هیچ فرمانی نبوده و فرمان او لازم الاجرا است .

اللّه الصمد

<صمد>; یعنی، بزرگواری که فرمان او مطاع باشد و بدون خواست او کاری فیصله نیابد. (لسان العرب). و هیچ فرمان دهنده و نهی کننده ای، بر او تفوق نیابد. (مجمع البیان)

آثار اجتماعی ترک واجبات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۲ – ۵

۵– گناه ترک واجبات از سوی فرد ، دارای پیامد های ناگوار اجتماعی

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

واژه <فی الأرض>، می رساند که فسادِ روی گردانان از دین و تکالیف الهی، محدود و منحصر در قلمرو وجود خودشان نیست; بلکه همچون بیماری مسری در بستر جامعه شیوع می یابد.

آخرین واجب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳ – ۵۴

۵۴ ولایت علی (ع) ، آخرین فریضه نازل شده از سوی خداوند

اليوم اكملت لكم دينكم

امـام بـاقر(ع): امر اللّه عزوجـل رسوله بولاـيه على(ع) . .. و كـانت الولاـيه اخر الفرائض فـانزل اللّه عزوجل <اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتى> يقول اللّه عزوجل: ... قد اكملت لكم الفرائض.

كافى، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴; نورالثقلين، ج

۱، ص ۵۸۷، ح ۲۵.

اقسام واجبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۶،۷

۶ جهاد ، از واجبات کفایی

و ما کان المؤمنون لینفروا کافه

۷ تفقه در دین و شناخت عمیق و تبلیغ و نشر آن ، از واجبات کفایی است .

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم

ترک واجبات مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۵

۱۵ نپرداختن حقوق واجب مالی اسراف است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده . .. و لاتسرفوا إنه لایحب المسرفین

واجب کفایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۳

۱۳- وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه <طائفه> که به معنای گروه است استفاده می شود; زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: <و لیشهد عذابهما المؤمنون>.

واجب موقّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۸ – ۲

۲– نماز ، از تکالیفی است که دارای وقت و ساعات تعیین شده و مخصوص می باشد .

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلی غسق الّیل و قرءان الفجر

واجبات تیمم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۳ – ۳۰،۳۱

۳۰ مسح قسمتی از صورت و دست ها

، از واجبات تیمم

فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم

چون ماده <مسح> بدون واسطه حرف جرّ می تواند مفعول داشته باشد، بنابراین آوردن <باء> بر کلمه <وجوه> برای تبعیض است. و <ایدیکم> نیز به دلیل مجرور بودن، حکم <وجوه> را در تبعیض داراست.

۳۱ وجوب تقدیم مسح صورت بر دست ها در تیمم

فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم

تقدم ذکری <وجه> بر <ایدی>، دلالت بر تقدم آن در انجام تیمم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۳،۴۲

۲۳ مسح قسمتی از صورت و دست ها ، از واجبات تیمم

فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه

<باء> در <وجوهکم> برای تبعیض است و کلمه <ایدیکم>، به صورت <مجرور> عطف است بر <وجوهکم>. یعنی تنها قسمتی از صورت و قسمتی از دستها باید تیمم شود. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که درباره آیه فوق فرمود: ... فلما وضع الوضوء ان لم تجدوا الماء اثبت بعض الغسل مسحاً لانه قال <بوجوهکم> ثم وصل بها <و ایدیکم> ... .

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۲ لزوم زدن دو دست بر زمین و مسح پیشانی با آنها و کشیدن کف هر یک از دو دست بر پشت دیگری در تیمم

فلم تجدوا الماء فتیمموا صعیداً طیباً فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه

از امام باقر(ع) روایت شده که: پیامبر(ص) بعد از خواندن آیه فوق چنین تیممم نمودند: فضرب بیده الارض . .. ثم مسح یدیه بجبینه ثم مسح کفیه کل واحد منهما علی الاخری.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۲۷.

واجبات حج

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۶

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر ، از مناسک واجب حج

و یذکروا اسم اللّه . .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱،۴

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم اللّه . .. ثمّ لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث>; یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثمّ لیقضوا تفثهم>;یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

۴ - وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

واجبات حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۳

۱۳- وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه <طائفه> که به معنای گروه است استفاده می شود; زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: <و لیشهد عذابهما المؤمنون>.

واجبات در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

- ۱۱۶ - ۷

۷ وجوب نهی از منکر در ادیان پیشین

فلولا کان من القرون من قبلکم أُولُوا بقیه ینهون عن الفساد

واجبات در دین یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و یؤتون الزکوه

واجبات ذبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۴

۴ - وجوب ذبح یا نحر قربانی ، به طرف کعبه

ثمّ محلّها إلی البیت العتیق

<محل> اسم مکان و مشتق از مصدر <حلول> است. <حلول> نیز به معنای نزول و فرود آمدن است و <حلّ بالمکان>; یعنی، در آن جا فرود آمد. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <جایی که دام های قربانی فرود می آیند، به طرف کعبه است>. مقصود این است که دام های قربانی، وقتی به قربانگاه رسیدند و در آن جا برای ذبح و نحر آماده شدند، باید به سوی کعبه باشند. گفتنی است است که ذکر کیفیت قربانی کردن و این که دام ها باید به طرف کعبه ذبح و نحر بشوند، می تواند بدان جهت باشد که مشرکان عصر بعثت، دام ها را به طرف بت هایی که در منا نصب شده بود قربانی می کردند.

واجبات غسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ ضرورت شستن تمامی بدن ، برای تحقق غسل

حتی تغتسلوا

تعیین نکردن اعضایی خاص برای غسل در مقابل تصریح به مواضع تیمم، بیانگر آن است که در غسل بایـد تمامی بدن شسـته شود.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۹

۹ وجوب شستن تمام بدن در غسل

و إن کنتم جنباً فاطهروا

مراد از <فاطهروا> تحصیل طهارت با شستشوی تمام بدن است و اگر عضوی خاص در نظر بود به آن تصریح می شد. چنانچه در وضو و تیمم به اعضایی خاص تصریح شده است.

واجبات غیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۲۱

۲۱ وجوب وضو ، غسل و تیمم ، وجوب غیری است .

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم فلم تجدوا ماء فتیمموا

با توجه به اینکه وضو و . .. را برای نماز، واجب کرده است، وجوب غیری از آن استفاده می شود.

واجبات کفایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۲ – ۶،۷

۶ جهاد ، از واجبات کفایی

و ما کان المؤمنون لینفروا کافه

۷ تفقه در دین و شناخت عمیق و تبلیغ و نشر آن ، از واجبات کفایی است .

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم

واجبات لعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۷ – ۱

۱ – وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۹ – ۱

۱ – وجوب

درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقین

واجبات مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱،۲

۱ پیکارگران مسلمان باید خمس غنایم جنگی به دست آمده را بپردازند .

أنما غنمتم من شیء فأن للّه خمسه

از مصادیق مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ، چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

۲ باید خمس (یک پنجم) استفاده های مالی ، هر چند اندک باشد ، پرداخت شود .

و اعلموا أنما غنمتم من شیء فأن للّه خمسه

<غُنم> مصدر <غنمتم> به معنای به دست آوردن فایده است. راغب در مفردات می گوید: غنم به معنای به دست آوردن گوسفندان بوده و سپس در مورد هر چیزی که بدان دست یافته شود، استعمال شده است ; چه در جنگ از دشمنان به دست آید و یا از طریقی دیگر. <من شیء> بیان و توضیحی است برای <ما>ی موصوله و دلالت می کند بر اینکه باید خمس آن فایده به دست آمده، هر چند اندک باشد، پرداخت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله عزوجل فرض للفقراء فی أموال الأغنیاء فریضه . . . و مما فرض الله عزوجل أیضاً فی المال من غیر الزکاه قوله عزوجل

: < الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خداوند عزوجل برای فقرا در اموال اغنیا حقوقی را واجب کرده است . .. و از جمله چیزهایی که خداوند غیر از زکات در ثروت واجب نموده، سخن خداوند است که فرموده: الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۱ – ۱۷

۱۷– < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . و لکنّ الله عزّوحلّ فرض فی أموال الأغنیاء حقوقاً غیر الزکاه . . . و قد قال الله عزّوحلّ : < ینفقوا ممّا رزقناهم سرّاً و علانیه > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. ولی خداوند عزّوحلّ در اموال ثروتمندان، حقوقی را به غیر از زکات واجب کرده است ... و خداوند عزّوحلّ فرموده: ینفقوا ممّا رزقناهم سرّاً و علانیه ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۸ – ۱۲

۱۲ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال إنّ اللّه عزّوجلّ . . .فرض فی أموال الأغنیاء حقوقاً غیر الزکاه فقال عزّوجلّ : < . . .أقرضوا اللّه قرضاً حسناً > و هذا غیر الزکاه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خدای عزّوجلّ . ..در اموال صاحبان ثروت، حقی غیر زکات واجب نموده... و فرموده است: <...أقرضوا اللّه قرضاً حسناً> و این <قرض حسن> غیر از زکات است...>.

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۴ – ۳

۳ – وجود احکام اقتصادی و واجب مالی جدا از فریضه زکات و خمس و پیش از آن در شریعت اسلام

و الذین فی أمولهم حقّ معلوم

برداشت یاد شده، به جهت این نکته است که بنا به گفته همه مفسران، این آیه پیش از فریضه زکات و خمس نازل شده است.

واجبات محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۹ – ۲،۱۸

۲– نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (ص) علاوه بر سایر واجبات

و من الّیل فتهجّد به نافله لک

با توجه به معنای لغوی <نافله> که به معنای زیادت بر واجب است; (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص <لک> نکته یاد شده قابل استفاده است.

۱۸– < عن عمارالساباطی قال : کنّا جلوساً عند أبی عبدالله (ع) بمنی فقال له رجل : ما تقول فی النوافل ؟ فقال : فریضه قال : ففزعنا و فزع الرجل ، فقال : أبوعبدالله (ع) : إنما أعنی صلاه اللیل علی رسول الله (ص) ان الله یقول : < و من اللیل فتهجّد نافله لک > ;

عمار ساباطی گوید: در منی نزد امام صادق(ع) نشسته بودیم، شخصی به حضرت گفت: در باره نافله ها چه می گویید؟ حضرت فرمود: واجب هستند. راوی گوید: ما و آن مرد سؤال کننده برآشفتیم، پس حضرت فرمود: منظور من نماز شب است که بر رسول خدا واجب بود. همانا خداوند می فرماید: و من اللیل فتهجد به نافله لک>.

واجبات وضو

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۳۹

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الاـ غسله لاـن اللّه یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق> ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در <برءوسکم> برای تبعیض باشد.

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تثنیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۳۹ لزوم شستن صورت در وضو از رستنگاه مو تا چانه و در پهنا به اندازه ای که

ما بین انگشت شصت و وسطی قرار می گیرد .

فاغسلوا وجوهکم

از امام باقر(ع) در بیان مقداری از صورت که خداوند دستور شستن آن را در وضو داده است روایت شده: الوجه الذی امراللّه بغسله . .. ما دارت السبابه و الوسطی و الابهام من قصاص الشعر الی الذقن ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۶.

وارث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وارث

پاداش عمل خیر وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا. ..>، جمله ای مانند <من الذی تأخّرونه إلی الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

تجاوز به حقوق وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ هشدار خداوند به کسانی که نسبت به پرداخت حقوق ورثه کوتاهی می نمایند .

و لکل جعلنا موالی . .. انّ اللّه کان علی کل شیء شهیداً

جمله <ان اللّه> می تواند به منظور تهدید کسانی باشد که احکام الهی را عمل نمی کنند و حقوق بیان شده در آیه شریفه را به اهل آن نمی رسانند.

حقوق وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۸،۹

۸ سهام تعیین شده در

میراث ، حقّ وارثان است ; چه ما ترک میّت اندک باشد و چه فراوان

للرّجال نصیب . .. ممّا قلّ منه او کثر نصیباً مفروضاً

۹ لزوم دقت در تقسیم ارث و پرهیز از تضییع حقوق وارثان

للرّجال نصیب . .. و للنّساء نصیب ... ممّا قلّ منه او کثر نصیباً مفروضاً

تصریح به اینکه هر چند مال اندک باشد، وارثان باید در آن سهیم باشند و بهره خویش را ببرند، دلالت بر اهمیت مسأله ارث و لزوم دقّت در پرداخت سهام دارد.

مالکیت وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ - وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیه للولدین و الأقربین

مسؤولیّت وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۴،۲۵،۳۵،۳۹،۴۲

۲۴ وارثان پدر باید تأمین مخارج زنیکه فرزند میّت را شیر می دهد ، بر عهده بگیرند .

و علی الوارث مِثل ذلک

ظاهر این است که مراد از <وارث>، وارثان پدر کودک هستند.

۲۵ وارثان پدر نباید به فرزند شیرخوار مورّث با عدم رعایت حقوق وی ضرر بزنند .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده و علی الوارث مثل ذلک

جمله <و علی الوارث مثل ذلک>، تمامی تکالیفی را که پدر کودک باید نسبت به او رعایت کند، بر عهده وارث پدر گذاشته که از جمله، عدم اضرار به کودک (لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده) است.

۳۵ لزوم رعایت تقوا از سوی مادر ، پدر ، وارثان پدر و دایه نسبت به حقوق متقابل

یكدیگر

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه

خطاب اصلی در<اتقوا اللّه>، متوجه كسانی است كه آیه شریفه آنها را به وظایف و رعایت حقوقی مكلّف كرد; یعنی پدر، مادر و دایه و وارثان پدر.

۳۹ خداترسی و توجّه به آگاهی او ، عامل رعایت مصالح نوزادان و مسائل مربوط به شیردهی آنان از سوی پدر ، مادر ، وارثان پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه

۴۲ وارث پدر حق ندارد با جُدا كردن طفل از مادر ، به مادر زیان رساند .

و علی الوارث مِثل ذلك

امام صادق (ع): . .. لا ینبغی للوارث ان یضارّ المرأه فیقول لاادع ولدها یأتیها ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۸۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۸۸۶.

وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۳

۳- خداوند ، یگانه وارث همه موجودات است .

و نحن الورثون

وارث آثار باستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - تنها خدا وارث آثار به جا مانده (زمین ، باغ ، خانه و . . .) از جوامع هلاك شده پیشین

و كم أهلكنا من قريه . .. و كنّا نحن الورثين

وارث آل يعقوب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۷ – ۸

۸- يحيى (ع) ، وارث حضرت زكريا (ع) و خاندان يعقوب بود .

يرثنى و يرث من ءال يعقوب . .. يزكريا إنّا نبشّرك بغلم اسمه يحيى

وارث انسان ها

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۰ – ۱

۱– خداوند ، تنها وارث تمامی زمین و زمینیان است .

إنّا نحن نرث الأرض و من علیها

وارث داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۶ – ۱

۱ – سلیمان ، وارث مقام ، امکانات و دارایی های داوود

و ورث سلیمن داود

با توجه به آیه قبل (ما داوود و سلیمان را به نحو یکسان از علم ویژه برخوردار کردیم) باید اذعان کرد که مراد از <ورث سلیمان داود> چیزی از قبیل علم موهبتی نیست. علاوه بر این، علوم موهبتی همانند نبوت برخلاف علوم اکتسابی اصولاً قابل انتقال نیست.

وارث زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷ – ۸

۸- یحیی (ع) ، وارث حضرت زکریا (ع) و خاندان یعقوب بود .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب . .. یزکریا إنّا نبشّرک بغلم اسمه یحیی

وارث زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۰ – ۱

۱– خداوند ، تنها وارث تمامی زمین و زمینیان است .

إنّا نحن نرث الأرض و من عليها

وارث موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۳ – ۳

۳– خداوند ، یگانه وارث همه موجودات است .

و نحن الورثون

وارث میت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۳ – ۱،۲،۴،۷

۱ خداوند برای هر کس وارثانی تعیین نموده است .

و لكلّ

جعلنا موالی

<موالی>، جمع کلمه <مولی>، یعنی آنان که دارای حق اولویّت هستند، و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه <ممّا ترک>، وارثان می باشند.

۲ اموالی که پدر و مادر و خویشان باقی می گذارند ، دارای وارثانی معین

و لکلّ جعلنا موالی ممّا ترک الوالدان و الاقربون

در برداشت فوق، <الوالدان و الاقربون>، فاعل برای <ترک> گرفته شده است.

۴ پدر و مادر و خویشان ، وارثان میت

و لکلّ جعلنا موالی ممّا ترک الوالدان و الاقربون

فاعل <ترک> در برداشت فوق، ضمیری است که به <کلٍّ> برمی گردد و <الوالدان و الاقربون>، خبر برای ضمیری محذوف است که به موالی برمی گردد؛ یعنی آن وارثان، پدر و مادر و خویشان میّت هستند. لازم به تذکر است که <ممّا ترک> متعلق به فعل مقدر (یرثون) می باشد.

۷ زن و شوهر ، وارث یکدیگر *

و لکلّ جعلنا موالی . .. و الذین عقدت ایمانکم

برخی برآنند که مراد از پیمان در آیه شریفه، پیمان زناشویی است که منطبق بر زن و شوهر می شود.

وارثان

{وارثان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۳

۳ برادران و خواهران میت از جمله وارثان وی

قل اللّه یفتیکم فی الکلله . .. و إن کانوا اخوه و رجالا و نساءً

مراد از برادران و خواهران در این آیه بنا به گفته تمامی مفسران خواهر و برادر پدر و مادری و خواهر و برادر پدری است، و

سهام خواهر و برادر مادری در آیه ۲۱ از همین سوره تبیین شده است.

ارزش وارثان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶ – ۱۴

۱۴– وارث صالح و شایسته ، نعمتی بزرگ و گوهری ارزشمند است .

یرثنی . .. واجعله ربّ رضیًّا

اهمیت وارثان صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶ – ۱

۱– زکریا (ع) ، از درگاه خداوند ، برای خویش و خاندان حضرت یعقوب ، وارثی تمنا می کرد .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب

گرچه <یعقوب> را، برخی بر <یعقوب بن ماثان> عموی همسر زکریا و حضرت مریم(س) تطبیق داده اند; ولی بیشتر مفسران وی را همان <یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم> می دانند.

پاداش وارثان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۳ – ۳

۳ – پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّت عدن یدخلونها

درخواست وارثان صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷ – ۱

۱– دعای زکریا در طلب وارثی صالح ، مستجاب گردید .

إنّا نبشّرک بغلم

مراد از وارثان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴- < عن أبی جعفر (ع) قال : قوله عزّوجلّ : < أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون > هم أصحاب المهدی [فی] آخرالزمان ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ: <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> روایت شده که فرمود: آنان یاوران حضرت مهدی(عج) در آخرالزمان می باشند>.

نعمت وارثان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۴

۱۴- وارث صالح و شایسته ، نعمتی بزرگ و گوهری ارزشمند است .

یرثنی . .. واجعله ربّ رضیًّا

نگرانی از وارثان بد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۲

۲- زکریا (ع) ، نگران قرار گرفتن میراث وی و همسرش در اختیار نااهلان بود .

فهب لی من لدنک ولیًّا . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

وارثان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۱

۱- بندگان تقواپیشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلک الجنّه التی نورث من عبادنا من کان تقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۷

۷- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض نتبؤأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العاملین> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، تنها وارثان بهشت

قد أفلح المؤمنون . .. أُولئک هم الورثون

<أُولئک> مبتدا و اشاره به مؤمنانی است که دارای صـفات یاد شده در آیات پیشین (آیات ۲ تا ۹) هستند. <الوارثون> خبر مبتـدا و <ال> در آن برای تعریف عهـد ذهنی یا اسم موصول و به تقدیر <الذین یرثون> می باشد. به هر حال <الوارثون> بیانگر

ایـن معنـا است که کسـانی که به عنـوان میراث بر بهشت خوانـده می شونـد، این دسـته از مؤمنـان انـد. گفتنی است که ضـمیر <هم> می تواند ضـمیر فصل و مفید حصـر باشد (رساننده این معنا که مسـند (الوارثون)، تنها برای مسندالیه ثابت است) و نیز می تواند مبتدا و <الوارثون> خبر آن و جمله <هم الوارثون> خبر <أُولئك> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، وارثان بهشت اند .

الذین یرثون الفردوس

<الـذین> در محـل رفع و صـفت توضـیحی (عطف بیـان) است و یا بـدل برای <الوارثون> می باشـد. <فردوس> واژه ای معرّب و به معنای بوستان است که در این جا به جای <الجنه> به کار رفته است; چون با این که مذکّر می باشد، به آن ضمیر مؤنث (فیها) ارجاع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۴،۵

۴ - بهشت جاویدان ، میراث تقواپیشگان

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

وارثان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱،۸

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع)

باشد; چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً); ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد; چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیا، آیه ۴۸); ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۸- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد کتبنا . .. أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

وارثان سرزمین قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۴

۴ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، جانشین غرق شدگان و وارث سرزمین آنان قرار داد .

فنجّینه و من معه فی الفلک و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذین کذبوا

وارثان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد

و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>،(مائده(۵) آیه ۲۱).

وارثان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ - انتخاب مسلمانان برای وراثت قرآن و بهره مند شدن از آموزه های آن ، فضل بزرگ خداوند به آنان است .

ثمّ أورثنا الکتب الذین اصطفینا . .. ذلک هو الفضل الکبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <ذلک> به <اصطفاء> و <ایراث کتاب> (مستفاد از جمله <أورثنا الکتاب الذین اصطفینا>) اشاره داشته باشد.

وارثان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دلبستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب بپرهیزند .

ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی

والدین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

والدین

آثار احسان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲

۲- احسان به پدر و مادر ، همواره مورد توجه موحّدان و مایه دست یابی آنان به بهشت

جزاء بما کانوا یعملون . و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

بیان <وصّینا الإنسان. ..> در پی <جزاء بماکانوا یعملون> بیانگر این ارتباط است که یکی از وظایف مورد عمل یکتاپرستان، احسان به پدر و مادر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱،۷

۱- احسان به والدین ، روحیه شکر ، توبه ، صلاح جویی و تسلیم ، شرط پذیرش تمام اعمال نیک انسان به

درگاه خدا

أُولئک الذین نتقبّل عنهم أحسن ما عملوا

مراد از <أحسن. ..> می تواند اعمال واجب و مستحب در قبال اعمال مباح باشد. که در این صورت از ارتباط دو آیه استفاده می شود که اگر کسی از روحیات یاد شده برخوردار بود اعمال نیک او (واجب و مستحب) پذیرفته می شود.

۷ - احسان به والدین ، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصّینا الإنسن . .. أوزعنی أن أشکر ... و أن أعمل صلحًا ترضیه و أصلح لی فی ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و. .. یاد شده است; در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه <اُولئک> این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

آثار بداخلاقی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۵

۱۵- انسان بد رفتار با پدر و مادر و ناباور به وعده های الهی ، فاقد رشد و کمال *

أُلئک الذین نتقبّل . .. و الذی قال لولدیه أُفّ ... ما هذا إلّا أسطیر الأوّلین

با توجه به مقابله <والـذی قال. ..> با <اُولئک الـذین نتقبّل...>، به دست می آید که بد رفتاران با والدین و ناباوران به دین، در حقیقت از رشد و خرد بی بهره اند.

آثار پیری والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۳،۱۰

۱۰- کهولت و به سن پیری رسیدن والدین ، عامل سنگین تر شدن وظایف فرزند نسبت به آنها

إما یبلغنّ عندک الکبر

أحدهما أو كلاهما فلاتقل لهما أَفّ و لاتنهرهما و قل لهما قو

۱۳- پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از سوی فرزندان هستند .

إما يبلغنّ عندك الكبر . .. فلاتقل لهما أُفّ و لاتنهرهما و قل لهما قولاً كريمًا

خطاب مطلق احسان به والـدين، شامل هر والـدينی در هر سن و سالی می شود. ذکر <إمّا يبلغنّ عنـدك الكبر> ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۲

۲- ضعف و سالخوردگی پدر و مادر ، زمینه ابتلای فرزند به غرور و سرکشی است .

إمّا يبلغنّ عندك الكبر . .. و اخفض لهما جناح الذلّ

تـذکر خداونـد برای رعـایت حـال پـدر و مادر در حال پیری، احتمال دارد به خاطر وجود زمینه لغزش و تکبر فرزنـدان در این فصل از زندگی پدر و مادر باشد.

آثار دعای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ تأثیر مثبت و سازنده دعای پدر و مادر ، در حق فرزندان خود و در سرنوشت و سعادت آنان

و الذين يقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّيّتنا قرّه أعين

آثار زندگی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۲

۱۲- حضور پدر و مادر نزد فرزند ، در پی دارنده مسؤولیت فزون تر برای فرزند

إمّا يبلغنّ عندك الكبر

<عندك الكبر> ممکن است إشعار به این حقیقت داشته باشد که اگر پدر و مادر پیش فرزندان زندگی کنند، مسؤولیت نگه داری

آنان بیشتر شده و از هرگونه حرمت شکنی - هر چند به گفتن <أَفّ> - باید پرهیز شود.

آثار شرک والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۵

۵ - شرک پدر و مادر و انحراف آنها از ادیان الهی ، مجوّز کشتن فرزندان آنان نیست .

و إذا الموءوده سئلت . بأیّ ذنب قتلت

آیه شریفه ناظر به رفتاری است که برخی از مشرکان عصر بعثت با دختران خود داشتند. محکومیت این رفتار، حاکی از مصونیت جان فرزندان آنان است.

آثار عمل والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۰ - ۷

۷ - تأثیر رفتار ها و مواضع فردی و اجتماعی پدران و مادران ، بر رفتار و مواضع فرزندان و نسل های آینده

فهم علی ءاثرهم یهرعون

آثار نیکی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۴

۴- نیکی به پدر و مادر ، زمینه ساز رشد و تکامل معنوی انسان *

و زکوه . .. و برًّا بولدیه

همان گونه که <و کان تقیّاً> تعلیل برای <و حناناً من لدنّا و زکاه> بود، <برّا بوالدیه> نیز که عطف بر <کان> می باشد، همان موقعیت را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۵ – ۷

۷– تقوا ، احسان به پدر و مادر ، پرهیز از سلطه جویی و عصیان ، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است .

برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا . و سلم علیه یوم

ولد و يوم يموت و يوم يبعث

آداب تكلّم با والدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۶

۱۶- برخورد عاطفى و مؤدبانه ، با پدر و مادر و تكريم آنان به هنگام سخن گفتن با ايشان ، تكليفى برعهده فرزندان

فلاتقل لهما أُفّ . .. و قل لهما قولاً كريمًا

آداب ورود به اتاق والدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱،۳،۱۱

۱ - پدر و مادر ، وظيفه دارند كه آداب و چگونگى ورود به اتاق و محل استراحت خود را به فرزندان نابالغ خويش بياموزند .

يأيّها الذين ءامنوا ليستئذنكم الذين ملكت أيمنكم و الذين لم يبلغوا الحلم منكم ث

فعل امر <ليستئذنكم> هر چند در ظاهر متوجه بردگان و فرزندان نابالغ است; ولى به قرينه اين كه خطاب <يأيّها الذين آمنوا> متوجه پدران و مادران مؤمن است و نيز چون فرزندان نابالغ مكلف نيستند تا بشود به آنان امر و نهى كرد، از اين رو اين امر متوجه اولياى فرزندان خواهد بود كه آنان بايد محتواى اين دستور را به فرزندان خويش بياموزند.

۳ - فرزندان نابالغ ، بايد براى ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگى و خلوت آنان ، اجازه بگيرند .

ليستئذنكم . .. الذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث مرّت ... ثلث عورت لكم

۱۱ - رفت و آمد فرزندان به اتاق پدر و مادر ، در غير از سه وقت پيش از طلوع فجر ، وقت استراحت نيمروزى و پس از نماز عشا ، بدون اذن جايز است .

ليسئذنكم

. .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۱،۲

۱ - کودکـان ، به مجرد رسـیدن به سن بلوغ ، بایـد برای ورود به اتـاق خلوت و خوابگـاه پـدر و مادرشان در همه اوقات ، اذن بگیرند .

لیستئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... و إذا بلغ الأطفل منکم

۲ - کودکان ، به مجرد رسیدن به سن بلوغ ، باید برای ورود به اتاق و محل سکونت پدر و مادرشان از آنان اذن بگیرند .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستئذنوا کما استئذن الذین من قبلهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <الذین من قبلهم> افراد بالغی باشند که تکلیف آنان در آیه ۲۷ و ۲۸ ذکر شـده است؛ یعنی، همان گونه که بزرگسالان بایـد برای ورود به اتاق و منزل مسـکونی افراد اجازه بگیرنـد، اطفالی که به سـن بلوغ رسیده اند نیز، باید اذن بطلبند؛ هر چند اهل خانه و ساکنان منازل، پدر و مادر آنان باشند.

اجتناب از بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحیـد ، خـداپرستی ، احسـان به والـدین ، اجتنـاب از پرخاشـگری بر آنـان ، دعا برای والـدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

احترام به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء -

۱۶ - ۲۳ - ۱۷

۱۶- برخورد عاطفی و مؤدبانه ، با پدر و مادر و تکریم آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان ، تکلیفی برعهده فرزندان

فلاتقل لهما أُفّ . .. و قل لهما قولاً کریمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱،۳،۱۴

۱- فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم ، تواضع و فروتنی کامل بکنند .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

<من> در <من الرحمه> نشویه است؛ یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

۳- ترّحم و مهربانی به پدر و مادر ، از وظایف فرزند است .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

۱۴- < عن أبی ولادالحناط قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : . . . < و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه > قال : لاتملأعینیک من النظر إلیهما إلاّ برحمه و رقه و لاترفع صوتک فوق أصواتهما و لایدک فوق أیدیهماو لاتقدم قدامهما ؛

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ . .. <و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه> سؤال کردم، حضرت فرمود: به پدر و مادر نگاه مکن مگر با رأفت و مهربانی و صدایت را بیش از صدای آنان بالا مبر و دست خودت را بالای دست آنان قرار مده و [در راه رفتن و...]از آنان پیشی مگیر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱

۱ - سفارش خداوند به انسان ، برای رعایت حقوق و حرمت پدر

و مادر

و وصّینا الإنسن بولدیه

احسان به والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۳،۱۳،۱۴،۱۷،۲۸

۳ – احسان به پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از جمله پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً و ذی القربی و ا

<إحساناً> مفعول مطلق برای فعل محذوف <تحسنون> یا <احسنوا> می باشد. کلمات <ذی القربی و ...> عطف بر <الوالدین> است.

۱۳ – نیکی کردن به پدر ، مادر ، یتیمان و مساکین از وظایف ضروری اهل ایمان است .

و بالولدین إحساناً و ذی القربی و الیتمی و المسکین

فرمانهای موجود در آیه، هر چند که به عنوان میثاقهای خدا با بنی اسرائیل مطرح شده است، ولی بیان آن در قرآن نشانه این است که: عمل کردن به آن فرمانها وظیفه همگان خصوصاً اهل ایمان است.

۱۴ – احسان به پدر و مادر ، از مهمترین تکلیف های اجتماعی اهل ایمان است .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً

از آن جا که احسان به پدر و مادر پس از لزوم پرستش خدا بیان شده است، اهمیت خاص آن معلوم می شود.

۱۷ – یکتا پرستی و احسان به والدین ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از مصادیق اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت . .. لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً ... و المسکین

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از <الصالحات> می باشد.

۲۸ – ابی ولاد حناط می گوید : < سألت ابا عبداللّه (ع) عن قول اللّه عز و جل

< و بالوالـدین احساناً > ما هـذا الاحسان ؟ فقال : الاحسان ان تحسن صـحبتهما و ان لاتکلفهما ان یسألاک شـیئاً مما یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین . . . ;

از امـام صـادق(ع) از آیه <و بالوالـدین احسانـاً> سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان]به پـدر و مادر[آن است که بـا آنـان خوشـرفتار باشـی و کاری نکنی که آنان مجبور شونـد از تو چیزی که نیاز دارنـد درخواست کننـد ولو اینکه مستغنی باشند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۴

۴ خدمت فرزند به مادر ، حق طبیعی مادر ، و قابل گذشت از سوی او

ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۶،۷،۹،۱۵،۱۹

۶ ضرورت احسان و نیکی فرزندان به پدر و مادر خویش

و بالوالدین احساناً

۷ جایگاه ویژه احسان به پدر و مادر

و اعبدوا اللّه و لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً

امر به احسان پس از فرمان به عبادت خدا، حاکی از اهمیّت خاص احسان به پدر و مادر در پیشگاه خداوند است.

۹ اولویت احسان به پدر و مادر ، بر احسان به خویشان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی

۱۵ ضرورت احسان به ایتام و اولویت دادن به آنان ، پس از پدر ، مادر و خویشان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی

۱۹ احسان به پدر ، مادر ، خویشان ، همسایگان و زیردستان ، زمینه جلب محبّت الهی

و بالوالدين احساناً . .. انّ اللّه لا

يحبّ من كان مختالا فخوراً

از مصـاديق مورد نظر براى <مختالاـ فخوراً>، ترک احسـان به پـدر، مـادر و . .. مى باشـد. در نتيجه ترک احسان مانع محبّت الهى و احسان عامل جلب آن خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۰،۲۵،۲۸،۳۱

۱۰ نيكى به پدر و مادر از واجبات و ترک آن از محرمات الهى است.

أتل ما حرم ربكم عليكم . .. و بالولدين إحسنا

<احساناً> مصـدر و مفعول مطلقى است جانشـين فعل ; يعنى: <أحسـنوا بالوالدين إحساناً>. گفتنى است كه جمله <ءاتل ما حرم ...> بيـانگر اين است كه فرازهاى بعـد در صـدد تبيين محرمات است، در حالى كه جمله <بالوالـدين إحساناً> حاكى از وجوب احسـان است. بنـابراين بايـد گفت جمله مـذكور دلالـت بر حرمت ترک احسان نيز دارد و به اصـطلاح اصوليان امر در اينجا مقتضى نهى از ضد عامش است.

۲۵ كناره گيرى از شرک، احسان به پدر و مادر و پرهيز از كشتن فرزندان، از سفارشهاى خداوند به انسانها

ألا تشركوا به شيئا . .. ذلكم وصيكم به

۲۸ تعاليم پنجگانه (اجتناب از شرک، احسان به والدين و . ..) تعاليمى مطابق با عقل

ذلكم وصيكم به لعلكم تعقلون

۳۱ عن أبى ولاـد الحنـاط قـال: سـألت أبـا عبـدالله(ع) عن قول الله عز و جـل: <و بالوالـدين احسانـا> مـا هـذا الاحسان؟ فقال: الاحسان ان تحسن صحبتهما و ان لاتكلفهما ان يسألاک شيئا مما يحتاجان اليه و ان كانا مستغنيين . .. .

ابو ولاد گويـد: از امام صادق(ع) درباره اين سـخن خداونـد <و بالوالدين احسانا> سؤال كردم، فرمود: احسان آن است كه با آن دو

به نیکی رفتار کنی و به دشوارىِ درخواست از تو، در مورد نیازمنـدیهایشان ناچار نسازی، اگر چه از نظر امکانات مالی بی نیاز باشند . .. .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۳ – ۲

۲ نیکی به پـدر و مـادر، عـدالت در داد و سـتد، پایبنـد بودن به پیمانهای الهی و به عـدل سـخن گفتن، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

و بالولدین إحسناً . .. و أن هذا صرطی مستقیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۴،۷،۲۰

۴- بر هر کسی واجب است به پدر و مادر خویش احسان کند .

و قضی ربّک . .. بالولدین إحسنًا

تنوین <إحساناً> برای تعظیم است و <ال> در <والدین> برای استغراق افرادی است و شامل والدین هر مکلفی می شود.

۷- موّحد واقعی ، خدمتگزار و احسان کننده به پدر و مادر است .

و قضی ربّک ألاّتعبدوا إلاّ إیّاه و بالولدین إحسنًا

۲۰- < و قال الصادق (ع) : قوله تعالی < و بالوالدین إحساناً > قال : الوالد محمد (ص) و علی (ع) ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند متعال <و بالوالدین إحساناً> فرمود: مراد از پدر، محمد(ص) و علی(ع) است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۵ – ۳

۳- نیّات ، انگیزه ها و افکار آدمی در عبادت خداوند و احسان به پدر و مادر ، تحت نظارت کامل خداوند است .

و قضی ربّک ألاّتعبدوا إلاّ إیّاه و بالولدین إحسنًا . .. و اخفض لهما

جناح الذلّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۹ – ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۸ – ۱،۳

۱ – خداوند به انسان ها ، برای احسان به والدین شان ، توصیه کرده است .

و وصّینا الإنسن بولدیه حسنًا

۳ – فرزندان ، موظف اند به پدر و مادرشان ، احسان کنند و از آنان ، اطاعت نمایند ، هرچند مشرک باشند .

و وصّینا الإنسن بولدیه حسنًا وإن جهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما

از اطلاق <والدی> استفاده می شود که به والدین، در هر آیینی باشند، باید احسان شود و هیچ قیدی وجود ندارد که اطلاق را مقید سازد. گفتنی است <إن جاهداک لتشرک بی> قرینه است بر این که نهی <لاتطعهما> مربوط به دعوت به شرک آنان است و نه سایر جهت ها.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۶،۲۳

۶- انسان ، مکلف به رعایت هر چه بیشتر حقوق والدین و احسانی فراتر از رفع نیاز های اولیه آنان *

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

در واژه <إحساناً>، نوعی خدمت فزون تر از حد ضرورت نهفته است. به علاوه تنوین <إحساناً> بر بزرگی و تفخیم دلالت دارد.

۲۳- به یاد داشتن پدر و مادر به هنگام نیایش ، از احسان فرزند

به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنا . .. قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک الّتی أنعمت علیّ

با توجه به این که احسان به والـدین، نکته بارز این آیه به شـمار می رود و در صدر آن قرار دارد، می توان چنین اسـتفاده کرد که سایر بخش های آیه نیز، به نوعی با احسان به والدین در ارتباط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۳

۱۳ انفاق به پدر و مادر پیش از درخواست ایشان ، راه دستیابی به پاداش نیک خداوند

لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون

امـام صادق (ع) در پاسـخ سؤال از معنای احسان در آیه <و بالوالـدین احسانا> فرمود: و ان لا تکلّفهما ان یسـئلاک شـیئا ممّا یحتاجان الیه و ان کانا مستغنیین الیس یقول اللّه عزّ و جل <لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون . .. >.

کافی، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۱ ; بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۹، ح ۷۸.

احسان به والدین در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۴

۴- انسان ها در همه ادیان آسمانی ، موظف به رعایت حقوق والدین و احسان به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

ماضـی آمدن واژه <وصّـینا> و نیز اطلاق و شـمول واژه <الإنسان>، می رساند که این فرمان مخصوص نسل یا امتی نیست; بلکه مطلق انسان ها مأمور به آن بوده و هستند.

احسان به والدین مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۳

۳ - فرزندان ،

موظف اند به پدر و مادرشان ، احسان کنند و از آنان ، اطاعت نمایند ، هرچند مشرک باشند .

و وصّینا الإنسن بولدیه حسنًا وإن جهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما

از اطلاق <والدی> استفاده می شود که به والدین، در هر آیینی باشند، باید احسان شود و هیچ قیدی وجود ندارد که اطلاق را مقید سازد. گفتنی است <إن جاهداک لتشرک بی> قرینه است بر این که نهی <لاتطعهما> مربوط به دعوت به شرک آنان است و نه سایر جهت ها.

ارزش احترام به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۴

۴- تواضع دلسوزانه و از سر مهربانی برای پدر و مادر ، دارای ارزش است نه تواضع به انگیزه های دیگر .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

ارزش احسان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۵

۵- احسان به پدر و مادر ، دارای اهمیت و ارزشی بس مهم ، پس از پرستش خداوند

و قضی ربّک ألاّتعبدوا إلاّ إیّاه و بالولدین إحسنًا

از اینکه خداوند احسان به پدر و مادر را پس از دعوت به عبادت خالصانه خویش قرار داده است، نکته یاد شده استفاده می شود.

ارزش تواضع برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۴

۴- تواضع دلسوزانه و از سر مهربانی برای پدر و مادر ، دارای ارزش است نه تواضع به انگیزه های دیگر .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

ارزش دعای والدين

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۲۹

۲۹- ارزش دعای پدر و مادر برای صلاح فرزند

و أصلح لی فی ذرّیّتی

ارزش مهربانی با والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۴ – ۴

۴- تواضع دلسوزانه و از سر مهربانی برای پدر و مادر ، دارای ارزش است نه تواضع به انگیزه های دیگر .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

ارزش نیکی به والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۴ – ۲

۲- نیکی و احسان به پدر و مادر ، دارای ارزش والا ، نزد خداوند

و برًّا بولدیه

ارزش والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۱ – ۳۰

۳۰ منفعت فرزندان نسبت به میت ، در مقایسه با والدین ، نزدیکتر و بیشتر است . *

اباءُوکم و ابناؤکم لاتدرون ایّهم اقرب لکم نفعاً

چنانچه ملاک ارث بیشتر، نفع رسانی افزونتر وارث باشد، فزونی سهم فرزند بر سهم والدین نشانه سودمندتر بودن آنان خواهد

بود.

استغفار برای والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۸ – ۷،۱۲

۷ – مقدم داشتن خویش بر پدر و مادر و آنان بر اعضای خانواده و اینان بر دیگر زنان و مردان مؤمن در آمرزش خواهی از درگاه الهی ، کاری پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدیّ و لمن دخل بیتی مؤمنًا و للمؤمنین و المؤمنت

۱۲ – دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم

مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدیّ . و للمؤمنین و المؤمنت

استغفار برای والدین نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۸ – ۳

۳ – آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای پدر و مادر خود

ربّ اغفر . .. و لولدیّ

استمداد والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۹

۹– پدر و مادر با ایمان ، در کنار استمداد از خداوند برای هدایت فرزند خویش ، رهنمود های لازم را به او ارائه می دهند .

و هما یستغیثان اللّه ویلک ءامن إنّ وعد اللّه حقّ

استیذان از والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۸ – ۳،۲۵

۳ – فرزندان نابالغ ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان ، اجازه بگیرند .

لیستئذنکم . .. الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... ثلث عورت لکم

۲۵ – < عن أبی عبدالله (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : یا أیّها الذین آمنوا لیستئذنکم الذین ملکت أیمانکم والذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات > قیل : من هم ؟ فقال : هم المملوکون من الرجال و النساء و الصبیان الذین لم یبلغوا الحلم ;

امام صادق(ع) در پاسخ این سؤال که مراد از < الذین ملکت أیمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم> چه کسانی اند؟ فرمود: آنان بردگان اند; چه غلامان [باشند]و چه کنیزان و کودکانی که

به سن بلوغ نرسیده اند. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۱،۲

۱ - کودکـان ، به مجرد رسـیدن به سن بلوغ ، بایـد برای ورود به اتـاق خلوت و خوابگـاه پـدر و مادرشان در همه اوقات ، اذن بگیرند .

لیستئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... و إذا بلغ الأطفل منکم

۲ - کودکان ، به مجرد رسیدن به سن بلوغ ، باید برای ورود به اتاق و محل سکونت پدر و مادرشان از آنان اذن بگیرند .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستئذنوا کما استئذن الذین من قبلهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <الذین من قبلهم> افراد بالغی باشند که تکلیف آنان در آیه ۲۷ و ۲۸ ذکر شـده است؛ یعنی، همان گونه که بزرگسالان بایـد برای ورود به اتاق و منزل مسـکونی افراد اجازه بگیرنـد، اطفالی که به سـن بلوغ رسیده اند نیز، باید اذن بطلبند؛ هر چند اهل خانه و ساکنان منازل، پدر و مادر آنان باشند.

اطاعت از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداک لتشرک بی . .. فلاتطعهما

اطاعت از والدین مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - پیروی از پدر و مادری که مسیرشان خدایی است ، لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا . .. و اتّبع سبیل من أناب

>و اتّبع سبيل

من. ..> اشاره دارد به این که اگر والـدین به سوی خدا حرکت می کنند، از آنان تبعیت کن و گرنه از کسـی که دارای چنین صفتی است، پیروی بنما.

انفاق به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۵،۷

۵ لزوم توجه به والدین و مقدم داشتن آنها در انفاق

فللوالدین و الاقربین و الیتامی

۷ والدین ، خویشاوندان ، یتیمان ، فقرا و در راه ماندگان ، به ترتیب از موارد مصرف انفاق هستند .

فللوالدین و الاقربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل

انقیاد والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغیٰنًا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن>. (مفردات راغب).

اهانت به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۶

۱۶- اهانت به پدر و مادر ، در شأن منکران معاد و نه معتقدان به حقانیت وعده های خداوند *

الذی قال لولدیه أُفّ لکما أتعداننی أن أُخرج . .. ما هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

آیات پیشین، حاوی سفارش خداوند در زمینه احسان به والدین بود و در مقابل، در این آیه به دو صفت ناشایست اشاره شده است: ۱ بی احترامی به والدین، ۲ انکار معاد. از قرین آمدن این دو نکته می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

اهمیت احترام به والدین

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴– هرگونه پرخاش و اهانت به پدر و مادر ، حتی در حد گفتن < أُفّ > ، ممنوع است .

فلاتقل لهما أُفّ

۱۵– فرزندان موظفند به خواسته های پدر و مادر کهنسالشان پاسخ مثبت داده و هرگز از تأمین آن خواسته ها دریغ نکنند .

و لاتنهرهما

<نهر> در لغت به معنای منع و زجر است (لسان العرب).

۱۶– برخورد عاطفی و مؤدبانه ، با پدر و مادر و تکریم آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان ، تکلیفی برعهده فرزندان

فلاتقل لهما أُفّ . .. و قل لهما قولاً کریمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۴ – ۱،۱۳

۱– فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم ، تواضع و فروتنی کامل بکنند .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

<من> در <من الرحمه> نشویه است; یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

۱۳– تربیت فرزندان در دامان پر مهر پدر و مادر ، نعمتی بس بزرگ و شایسته قدردانی و موجب استحقاق هرگونه احسان و احترام از سوی فرزند به آنان

و بالولدین إحسنًا . ... و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه و قل ربّ ارحمهما کما ر

برداشت فوق با توجه به این نکته است که خداوند در تعلیم شیوه دعا کردن فرزندان برای پدر و مادرشان، مسأله تربیت والدین آنان را یادآور شد (کما ربّیانی صغیراً).

اهمیت احسان به والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳

۱۵ – احسان به پدر و مادر ، دارای اهمیتی برتر در قیاس با احسان به دیگران

و بالولدین إحساناً

تقدیم <والدین> بر <ذی القربی و . ..> تصریح به کلمه <احساناً> در مورد آنان و نیاوردن آن در آخرین معطوف (مساکین)، حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۱ – ۱۱

۱۱ اهمیت خاص نیکی به پدر و مادر در میان تکالیف الهی

ألا تشرکوا به شیئا و بالولدین إحسنا

آوردن جمله <و بالوالدین إحسانا> پس از بیان مهمترین اصل اعتقادی (توحید)، برای رساندن اهمیت ویژه این امر، یعنی <لزوم نیکی به پدر و مادر>، است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۵

۵– احسان به پدر و مادر ، دارای اهمیت و ارزشی بس مهم ، پس از پرستش خداوند

و قضی ربّک ألّاتعبدوا إلاّ إیّاه و بالولدین إحسنًا

از اینکه خداوند احسان به پدر و مادر را پس از دعوت به عبادت خالصانه خویش قرار داده است، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۴ – ۱۳

۱۳– تربیت فرزندان در دامان پر مهر پدر و مادر ، نعمتی بس بزرگ و شایسته قدردانی و موجب استحقاق هرگونه احسان و احترام از سوی فرزند به آنان

و بالولدین إحسنًا . ... و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه و قل ربّ ارحمهما کما ر

برداشت فوق با توجه به این نکته است که خداوند در تعلیم شیوه دعا کردن فرزندان برای پدر و مادرشان، مسأله تربیت

والدین آنان را یادآور شد (کما ربّیانی صغیراً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱،۴

۱- سفارش خداوند به انسان ها ، در مورد نیکی به پدر و مادر

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

۴- انسان ها در همه ادیان آسمانی ، موظف به رعایت حقوق والدین و احسان به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

ماضی آمدن واژه <وصّینا> و نیز اطلاق و شمول واژه <الإنسان>، می رساند که این فرمان مخصوص نسل یا امتی نیست; بلکه مطلق انسان ها مأمور به آن بوده و هستند.

اهمیت اطاعت از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - پیروی از پدر و مادری که مسیرشان خدایی است ، لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا . .. و اتّبع سبیل من أناب

<و اتّبع سبیل من. ..> اشاره دارد به این که اگر والدین به سوی خدا حرکت می کنند، از آنان تبعیت کن و گرنه از کسی که دارای چنین صفتی است، پیروی بنما.

اهمیت حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۶

۶- پدر و مادر ، دارای بالاترین و مهم ترین حق ، در میان مجموعه حقوق انسان ها بر یکدیگر

و قضی ربّک . .. بالولدین إحسنًا

از اینکه خداونـد در مقام بیان حقوق متقابل گروههایی از انسانها، حق والـدین را مقـدم بر همه آنها و پس از حق خویش قرار داده است، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۴

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالولدین إحسنًا . .. و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین

فاصله شدن <حقّه> میان <ذاالقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۴،۶

۴- انسان ها در همه ادیان آسمانی ، موظف به رعایت حقوق والدین و احسان به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

ماضی آمدن واژه <وصّینا> و نیز اطلاق و شمول واژه <الإنسان>، می رساند که این فرمان مخصوص نسل یا امتی نیست; بلکه مطلق انسان ها مأمور به آن بوده و هستند.

۶- انسان ، مکلف به رعایت هر چه بیشتر حقوق والدین و احسانی فراتر از رفع نیاز های اولیه آنان *

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

در واژه <إحساناً>، نوعی خدمت فزون تر از حد ضرورت نهفته است. به علاوه تنوین <إحساناً> بر بزرگی و تفخیم دلالت دارد.

ایمان والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن>. (مفردات راغب).

ایمان والدین نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۸ – ۱۰

۱۰ – پدر و مادر

حضرت نوح (ع) مؤمن بودند .

و لولديّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نوح(ع) در دعای خود درباره غیر پدر و مادر، قید مؤمن بودن را آورده; ولی پدر و مادر خویش را بدون این قید یاد کرده است.

بنی اسرائیل و حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

پیری والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۵

۱۵- فرزندان موظفند به خواسته های پدر و مادر کهنسالشان پاسخ مثبت داده و هرگز از تأمین آن خواسته ها دریغ نکنند .

و لاتنهرهما

<نهر> در لغت به معنای منع و زجر است (لسان العرب).

تأمین نیازهای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۵

۱۵- فرزندان موظفند به خواسته های پدر و مادر کهنسالشان پاسخ مثبت داده و هرگز از تأمین آن خواسته ها دریغ نکنند .

و لاتنهرهما

<نهر> در لغت به معنای منع و زجر است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۶

۶- انسان ، مکلف به رعایت هر چه بیشتر حقوق والدین و احسانی فراتر از رفع نیاز های اولیه آنان *

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

در واژه <إحساناً>، نوعی خدمت فزون

تر از حد ضرورت نهفته است. به علاوه تنوین <إحساناً> بر بزرگی و تفخیم دلالت دارد.

تساوی حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۷

۱۷- حضور هر یک از پدر و مادر سالخورده به تنهایی و یا هر دوی آنها نزد فرزند ، تأثیری در مقدار احترام به آنها نداشته و هر دو از حقوق مساوی برخوردارند .

و بالولدین إحسنًا إمّا یبلغنّ عندک الکبر أحدهما أو کلاهما

تشکر از زحمات والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۹

۹- درخواست رحمت از پروردگار برای پدر و مادر ، ادای گوشه ای از زحمت های بی دریغ آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

<کما> حرف تشبیه مجازی و به معنای <لما> است; یعنی، خداوندا به آنان ترحم کن به خاطر آنکه آنان مرا با زحمتهای خود پرورش داده اند.

تشکر از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۷

۷- فرزندان باید همواره به زحمات تربیتی پدر و مادر خویش ، توجه داشته باشند .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

دستور خداوند به یادآوری زحمات تربیتی پدر و مادر به وقت دعا، می تواند آموزنده حقیقت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۴ – ۱۰،۱۶

۱۰ – خداوند ، فراخوان انسان هابه سپاسگزاری در برابرش و تشکّر از والدین

أن اشکرلی و لولدیک

۱۶ – تشکر از والدین و رعایت حقوق آنها ، نباید انسان را از شکر گزاری

به درگاه خداوند ، باز دارد .

أن اشكرلى و لولديك

از این که در میان توصیه به رعایت حال و حقوق والدین و تشکر و قدردانی از آنها، یادآوری می کند که <مرا سپاس بگویید!>،احتمال دارد برای توجه دادن به نکته بالا باشد.

تضییع حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدين احساناً . .. ثم توليتم إلا قليلا منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵،۱۸

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین ونیازمند به تذکر است .

و وصّينا الإنسن بولديه . .. أن اشكرلى و لولديك

۱۸ - هشدار الهی به انسان ها ، درباره تصییع حقوق والدین

أن اشكرلى و لولديك إلىّ المصير

جمله <إلىّ المصير> پس از توصیه به رعایت حال والدین و فرمان به سپاسگزاری از آنها، ناظر به این نکته است که انسان ها، در صورت رعایت نکردن توصیه و فرمان یاد شده، مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

تقصیر در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- انسان ها حتی صالحان ، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ . .. ربّكم أعلم ... إن تكونوا صلحين فإنه كان للأوّبين غفو

تکریم زحمات والدین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۵

۱۵- توجه به نعمت های الهی و ارج نهادن به زحمات والدین ، از نمود های رشد عقلی و کمال وجودی انسان در چهل سالگی

حتّی إذا بلغ أشدّه و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی أن أشکر

خداوند، سن چهل سالگی را به عنوان زمینه و مقدمه توجه انسان به پروردگار و شکر نعمت ها و تقدیر از والدین دانسته است. این مطلب نشانگر آن است که انسان به طور طبیعی، در این سن به دلیل کمال وجودی و یا رشد قوای عقلانی، به ارزش ها می اندیشد.

تواضع برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱

۱- فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم ، تواضع و فروتنی کامل بکنند .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

<من> در <من الرحمه> نشویه است; یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۷

۷- خداوند خواهان تواضع و رحمت قلبی فرزندان به پدر و مادر است و نه صرفاً خدمات ظاهری به آنان

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه . .. ربّکم أعلم بما فی نفوسکم

خداوند در آیات قبل دستور به احسان به والدین و فروتنی از سر رحمت در برابر آنها را داده است و در این آیه می فرماید: <به نیات درونی شما آگاهی دارد>. ذکر آگاهی به نیات پس از دستور یاد شده،

می تواند به این منظور باشد که: فروتنی باید خالصانه و قلبی باشد و نه ظاهری.

توبه از بی احترامی به والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۵ – ۱۳

۱۳– بی حرمتی به پدر و مادر و کوتاهی در رعایت حقوق آنان ، گناه و نیازمند توبه است .

و اخفض لهما . .. فإنه کان للأوّبین غفورًا

حتمیت عذاب اذیت کنندگان والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۸ – ۱

۱– کافران گستاخ در برابر خداوند و پدر و مادر ، محکوم به عذاب حتمی الهی

و الذی قال لولدیه أُفّ . .. ما هذا إلّا أسطیر الأوّلین . أُولئک الذین حقّ علی

مشارالیه <اُولئک> کسی است که به پدر و مادر <اُفّ> گفته و وعده الهی را <أساطیر> خوانده است.

حرمت اهانت به والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۱۴

۱۴– هرگونه پرخاش و اهانت به پدر و مادر ، حتی در حد گفتن < أُفّ > ، ممنوع است .

فلاتقل لهما أُفّ

حقوق والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۲۸

۲۸ – ابی ولاد حناط می گوید : < سألت ابا عبدالله (ع) عن قول الله عز و جل < و بالوالدین احساناً > ما هذا الاحسان ؟ فقال : الاحسان ان تحسن صحبتهما و ان لاتکلفهما ان یسألاک شیئاً مما یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین . . . ;

از امام صادق(ع) از آیه <و

بالوالـدین احساناً> سؤال نمودم که این احسـان چیست؟ امـام فرمود: احسـان]به پـدر و مـادر[آن است که با آنان خوشـرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند . ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۱۴

۱۴ – مسؤولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان *

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۸ – ۴

۴ – پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداک لتشرک بی . .. فلاتطعهما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۴ – ۲

۲ – پدر و مادر ، حقّی الهی بر گردن فرزند دارند .

و وصّینا الإنسن بولدیه

توصـیه خداونـد به انسان ها، برای رعایت حال والـدین، می تواند گویای این حقیقت باشد که رعایت حال والدین، امری الهی است و خدا خواهان آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۵ – ۵

۵ – رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی ، امری لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفًا

خطر بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۳

۱۳- پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از

سوی فرزندان هستند .

إما يبلغنّ عندك الكبر . .. فلاتقل لهما أُفّ و لاتنهرهما و قل لهما قولاً كريمًا

خطاب مطلق احسان به والـدین، شامل هر والـدینی در هر سن و سالی می شود. ذکر <إمّا يبلغنّ عنـدك الكبر> ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

خوشرفتاری با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۸

۲۸ - ابی ولاد حناط می گویـد : < سألت ابا عبـداللّه (ع) عن قول اللّه عز و جل < و بالوالـدین احساناً > ما هـذا الاحسان ؟ فقال : الاحسان ان تحسن صحبتهما و ان لاتکلفهما ان یسألاک شیئاً مما یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین . . . ;

از امـام صـادق(ع) از آیه <و بالوالـدین احسانـاً> سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان]به پـدر و مادر[آن است که بـا آنـان خوشـرفتار باشـی و کاری نکنی که آنان مجبور شونـد از تو چیزی که نیاز دارنـد درخواست کننـد ولو اینکه مستغنی باشند . ..>.

درخواست بهشت برای والدین مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسـران و فرزندان صالح آنان به بوسـتان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

<مَن> در <و مـن صـلح. ..> می توانـد عطـف بر ضـمیر <هـم> در <أدخلهـم...> و یـا عطـف بر ضـمیر<هـم> در <وعدتهم> باشد. برداشت

یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست رحمت برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۵،۹

۵- دعا و طلب رحمت بی دریغ از پروردگار برای پدر و مادر ، از وظایف فرزند است .

قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

<کما> می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چون رحمت پدر و مادر به فرزند بی دریغ بوده، پس فرزند نیز متقابلاً باید چنین رحمتی را برای پدر و مادرش درخواست کند.

۹- درخواست رحمت از پروردگار برای پدر و مادر ، ادای گوشه ای از زحمت های بی دریغ آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

<کما> حرف تشبیه مجازی و به معنای <لما> است; یعنی، خداوندا به آنان ترحم کن به خاطر آنکه آنان مرا با زحمتهای خود پرورش داده اند.

دعا برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۵،۹،۱۲

۵- دعا و طلب رحمت بی دریغ از پروردگار برای پدر و مادر ، از وظایف فرزند است .

قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

<کما> می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چون رحمت پدر و مادر به فرزند بی دریغ بوده، پس فرزند نیز متقابلاً باید چنین رحمتی را برای پدر و مادرش درخواست کند.

۹- درخواست رحمت از پروردگار برای پدر و مادر ، ادای گوشه ای از زحمت های بی دریغ آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

<کما> حرف تشبیه مجازی و به معنای <لما> است; یعنی، خداوندا به آنان ترحم کن به خاطر آنکه آنان

مرا با زحمتهای خود پرورش داده اند.

۱۲- دعای فرزند برای پدر و مادر ، دارای تأثیر و موجب توجه ویژه خداوند و در مظان استجابت است .

و قل ربّ ارحمهما

از اینکه خداوند دستور به دعا برای والدین با کیفیت و الفاظ خاص داده است به دست می آید که خداوند به این دعا عنایت ویژه داشته و احتمال اجابت آن زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۳

۲۳- به یاد داشتن پدر و مادر به هنگام نیایش ، از احسان فرزند به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنا . .. قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک الّتی أنعمت علیّ

با توجه به این که احسان به والدین، نکته بارز این آیه به شمار می رود و در صدر آن قرار دارد، می توان چنین استفاده کرد که سایر بخش های آیه نیز، به نوعی با احسان به والدین در ارتباط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدیّ . و للمؤمنین و المؤمنت

دعای والدین

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۶ – ۱۵

۱۵ نقش دعای مادر و کمالات معنوی او ، در سعادت فرزند

ربِّ انّی نذرت . .. و انّی اعیذها بک

ذکر زحمات والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۴ – ۷،۸

۷– فرزندان باید همواره به زحمات تربیتی پدر و مادر خویش ، توجه داشته باشند .

و قل ربِّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

دستور خداوند به یادآوری زحمات تربیتی پدر و مادر به وقت دعا، می تواند آموزنده حقیقت فوق باشد.

۸– توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربِّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

رد دعوت والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۸ – ۷

۷ – هشدار خداوند ، به فرزند ، درباره جواب مساعد دادن به دعوت و تلاش والدین در جهت مشرک ساختن او

و إن جهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما

رعایت حقوق والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۴ – ۱،۱۶

۱ – سفارش خداوند به انسان ، برای رعایت حقوق و حرمت پدر و مادر

و وصّینا الإنسن بولدیه

۱۶ – تشکر از والدین و رعایت حقوق آنها ، نباید انسان را از شکرگزاری به درگاه خداوند ، باز دارد .

أن اشکرلی و لولدیک

از این که در میان توصیه به رعایت حال و حقوق والدین و تشکر و قدردانی

از آنها، یادآوری می کند که <مرا سپاس بگویید!>،احتمال دارد برای توجه دادن به نکته بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۵ – ۱

۱ – فرزندان به رغم موظف بودن به رعایت حقوق والدین در صورت تلاش پیگیر پدر و مادر به ایجاد انحراف عقیدتی (شرک) در آنان ، نباید تسلیم خواست آنان شوند .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. و إن جهداک علی أن تشرک بی ... فلاتطعهما

متعدی شدن <جاهدا> با <علی> دلالت بر مجاهده و تلاش قوی و پیگیر می کند.

روش برخورد با والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۱ – ۳۱

۳۱ عن أبی ولاد الحناط قال: سألت أبا عبدالله(ع) عن قول الله عز و جل: <و بالوالدین احسانا> ما هذا الاحسان؟ فقال: الاحسان ان تحسن صحبتهما و ان لاتکلفهما ان یسألاک شیئا مما یحتاجان الیه و ان کانا مستغنیین . .. .

ابو ولاد گوید: از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند <و بالوالدین احسانا> سؤال کردم، فرمود: احسان آن است که با آن دو به نیکی رفتار کنی و به دشواریِ درخواست از تو، در مورد نیازمندیهایشان ناچار نسازی، اگر چه از نظر امکانات مالی بی نیاز باشند . .. .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۴ – ۱۴

۱۴– < عن أبی ولادالحناط قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : . . . < و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه > قال

: لاتملأعینیک من النظر إلیهما إلاّ برحمه و رقه و لاترفع صوتک فوق أصواتهما و لایدک فوق أیدیهماو لاتقدم قدامهما ;

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ . .. <و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه> سؤال کردم، حضرت فرمود: به پدر و مادر نگاه مکن مگر با رأفت و مهربانی و صدایت را بیش از صدای آنان بالا مبر و دست خودت را بالای دست آنان قرار مده و [در راه رفتن و...]از آنان پیشی مگیر>.

زمینه تجاوز به حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه سستی در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه عواطف به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

- ۱۷ - ۲۴ - ۸

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

زیان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۸

۸ لزوم ادای شهادت به حق ، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد .

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <و لو علی انفسکم> کلمه <بالحق> گرفته شده است.

شرایط احسان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۹

۹- لزوم دور ماندن احسان به پدر و مادر ، از شائبه شرک

و قضی ربّک ألاّتعبدوا إلاّ إیّاه و بالولدین إحسنًا

قرار گرفتن تکلیف احسان به والدین پس از فرمان به توحید و پرهیز از شرک، ممکن است إشعار به این مطلب داشته باشد که علاقه و احسان بیش از حد به پدر و مادر، ممکن است انسان را به شرک بکشاند. بنابراین باید این علاقه و احسان از شائبه شرک خالی باشد.

شکر نعمتهای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - لزوم سپاس گزاری انسان به درگاه خدا به خاطر نعمت های عطا شده از سوی او به پدر

و مادرش

ربِّ أوزعنی أن أشكر نعمتك التی أنعمت علیّ و علی ولدیّ

عصیان از والدین مشرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۸ – ۲

۲ – فرزندان ، موظف اند از تلاش والدین برای مشرک ساختن آنان ، سرپیچی کنند .

و إن جهداك لتشرك بی ما لیس لك به علم فلاتطعهما

عفت والدین مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۸ – ۱،۵

۱– قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی پدر و مادر وی ، او را در فرزندار شدنِ بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أُمّك بغیًّا

۵– پدر و مادر مریم (س) میان مردم زمان خود ، به پاکی و صلاح مشهور بودند .

ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أُمّك بغیًّا

عوامل چشم روشنی والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۹ – ۵

۵ – فرزند ، مایه روشنی چشم والدین و سرور و شادمانی آنان

و قالت امرأت فرعون قرّت عین لی و لك

عوامل سرور والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۹ – ۵

۵ – فرزند ، مایه روشنی چشم والدین و سرور و شادمانی آنان

و قالت امرأت فرعون قرّت عین لی و لک

عوامل نگرانی والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۷

۷– پدر و مادر با ایمان ، با تمام وجود ، نگران و دلواپس تربیت ایمانی فرزند

خویش

و هما یستغیثان اللّه ویلک ءامن

تعبیر <یستغیثان> نگرانی عمیق و شدید والدین مؤمن را می رساند; زیرا استغاثه در مواردی صدق می کند که فریاد از جان برآید.

گناه اذیت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۲

۲- آزردن خاطر پدر و مادر ، حتی با گفتن < اُف > ، جرمی گران است .

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا . .. و الذی قال لولدیه أُفّ لکما ... إنّهم کانوا

گناه بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- بی حرمتی به پدر و مادر و کوتاهی در رعایت حقوق آنان ، گناه و نیازمند توبه است .

و اخفض لهما . .. فإنه کان للأوّبین غفورًا

گناه عاق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- < عن أبی عبداللّه (ع) [فی تعریف الکبائر] و منها عقوق الوالدین لأنّ اللّه عزّوجلّ جعل العاقّ جبّاراً شقیّاً فی قوله حکایه ، قال عیسی (ع) : < و برّاً بوالدتی و لم یجعلنی جبّاراً شقیّاً > ;

از امام صادق(ع) [در معرفی گناهان کبیره] روایت شده که از جمله آنها عقوق و نافرمانی والدین است، زیرا خداوند عزّوجلّ در سخن خود به نقل از حضرت عیسی(ع) عاق نافرمانی کننده را جبار شقی قرار داده است، آن جا که فرموده: و برّاً بوالدتی و

لم یجعلنی جبّاراً شقیّاً>.

گواهی علیه والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۴

نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ شهادت آدمی ، علیه پدر ، مادر و دیگر خویشاوندان ، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء للّه و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

محافظت از ایمان والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- حفاظت خداوند از ایمان والدین ، ریشه بروز برخی پیشامد های ناگوار برای فرزندان آنان است .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما طغیًا و کفرًا

محافظت از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۱،۱۲

۱۱- مراقبت از پدر و مادر پیر ، برعهده فرزند است .

و بالولدین إحسنًا إمّا یبلغنّ عندک الکبر . .. فلاتقل لهما أُفّ

برداشت فوق به خاطر این است که مخاطب آیه شریفه، فرزندان هستند و هم چنین ظرف <عندک> (پیش تو) گویای این است که فرزندان آن چنان باید از پدر و مادر مراقبت کنند که گویی نزد خود آنان زندگی می کنند و از نزدیک مراقب حال آنان می باشند.

۱۲- حضور پدر و مادر نزد فرزند ، در پی دارنده مسؤولیت فزون تر برای فرزند

إمّا یبلغنّ عندک الکبر

<عندک الکبر> ممکن است إشعار به این حقیقت داشته باشد که اگر پدر و مادر پیش فرزندان زندگی کنند، مسؤولیت نگه داری آنان بیشتر شده و از هرگونه حرمت شکنی - هر چند به گفتن <أُفّ> - باید پرهیز شود.

محدوده استیذان از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۱،۱۴

۱۱ - رفت و آمد فرزندان به

اتاق پدر و مادر ، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا ، بدون اذن جایز است .

لیسئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

۱۴ - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک باآنان در غیر از سه وقت مقرر است .

لیستئذنکم . .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

جمله <طوّافون علیکم. ..> جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

محدوده اطاعت از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - فرزندان به رغم موظف بودن به رعایت حقوق والدین در صورت تلاش پیگیر پدر و مادر به ایجاد انحراف عقیدتی (شرک) در آنان ، نباید تسلیم خواست آنان شوند .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. و إن جهداک علی أن تشرک بی ... فلاتطعهما

متعدی شدن <جاهدا> با <علی> دلالت بر مجاهده و تلاش قوی و پیگیر می کند.

۳ - مرز اطاعت از پدر و مادر ،

عدم تعارض با عقیده توحیدی ، است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. و إن جهداک علی أن تشرک ... فلاتطعهما

مدارا با والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۵ – ۵

۵ – رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی ، امری لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفًا

مراد از احسان به والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۲۱

۲۱– < عن أبی ولادالحناط قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : < و بالوالدین إحساناً > ما هذا الإحسان ؟ فقال : الإحسان أن تحسن صحبتهما و أن لاتکلفهما أن یسألاک شیئاً ممّا یحتاجان إلیه و إن کانا مستغنین . . . و أمّا قول الله عزّوجلّ : < إمّا یبلغنّ عندک الکبر أحدهما أو کلاهما فلاتقل لهما أُفّ و لاتنهرهما > قال : إن ضجراک فلاتقل لهما أُفّ و لاتنهرهما إن ضرباک قال : < و قل لهما قولاً کریماً > قال : إن ضرباک فقل لهما : غفر الله لکما فذلک منک قول کریم . . . ;

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ < و بالوالدین إحساناً> سؤال کردم که معنای احسان در این آیه چیست؟ پس آن حضرت فرمود: مراد از احسان، خوش رفتاری با آنان و اینکه آنها را به درخواست کردن از خودتت در مورد آنچه نیاز دارند به زحمت نیندازی، هر چند از[نظرمالی]بی نیاز باشند . .. اما در

باره سخن خداوند عزّوجلّ <إمّا يبلغنّ عندك الكبر أحدهما أو كلاهما فلاتقل لهما أَفّ و لاتنهرهما> حضرت فرمود: اگر تو را دلتنگ کردند، پس به آنان اُف مگو و بر آنها فریاد مزن و هیچ اهانتی به آنان روا مدار، گرچه تو را کتک بزنند. خداوند فرمود: <و قل لهما قولاً کریماً>. حضرت فرمود: اگر تو را زدند پس به آنان بگو: خداوند شما را ببخشاید; پس این سخن از جانب تو قول کریم محسوب می شود...>.

مراد از والدین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - < عن أبی شعیب الخراسانی قال : قلت لأبی الحسن الرضا (ع) . . . قال : إنّ مسجد الکوفه بیت نوح . . . فیه دعوه نوح حیث قال : < ربّ اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمناً > قال : قلت : من عَنی بوالدیه ؟ قال : آدم و حوّا ;

ابوشعیب خراسانی از امام رضا(ع) روایت کرده . .. که فرمود: مسجد کوفه خانه نوح(ع) است ... دعای نوح در آن جا این بوده است که گفت: <ربّ اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمناً>. ابوشعیب گفت: به امام(ع) عرض کردم: نوح(ع) از والدینش چه کسی را قصد کرده؟ فرمود: آدم و حوّا را>.

مسؤولیت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۳

۱۳ - ضرورت تلاش برای گرایش دادن فرزندان به انتخاب آیین الهی

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب یبنی . .. فلاتموتن

إلا و أنتم مسلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۳ – ۸

۸ – ضرورت توجه به سرنوشت دينى فرزندان و لزوم احساس مسؤوليت درباره آن

إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۳ – ۱۶،۱۷،۲۲،۳۵،۳۹

۱۶ پدر و مادر نبايد فرزند را وسيله تضييع حقوق يكديگر قرار دهند .

لا تُضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراينكه <لا تُضارّ>، مجهول و باء، سببيّه باشد; يعنى نبايد به بهانه فرزند، پدر و مادر به ديگرى ضرر رسانند.

۱۷ پدر و مادر ، حق ضرر زدن به فرزند خويش را ندارند . حتى بر فرض وقوع طلاق .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراينكه <لا تضارّ> به صيغه معلوم باشد يعنى پدر و مادر ضرر نزنند.

۲۲ پدر نبايد با محروم كردن همسر خود از تأمين مخارج حتى پس از طلاق او ، موجب ضرر فرزند شود .

لا تضارّ . .. و لا مولود له بولده

۳۵ لزوم رعايت تقوا از سوى مادر ، پدر ، وارثان پدر و دايه نسبت به حقوق متقابل يكديگر

و الوالدات يرضعن . .. و اتقوا اللّه

خطاب اصلى در<اتقوا اللّه>، متوجه كسانى است كه آيه شريفه آنها را به وظايف و رعايت حقوقى مكلّف كرد; يعنى پدر، مادر و دايه و وارثان پدر.

۳۹ خداترسى و توجّه به آگاهى او ، عامل رعايت مصالح نوزادان و مسائل مربوط به شيردهى آنان از سوى پدر ، مادر ، وارثان پدر و دايه

و الوالدات يرضعن . .. و اتقوا اللّه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۲

۲ مسؤولیت اولیا ، نسبت به سرنوشت فرزندان خویش

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً

نگرانی از آینده فرزندان و احساس مسؤولیت نسبت به آنان حالتی طبیعی برای انسان است که خداوند آن را تأیید کرده و مبنای حکم خویش به لزوم رعایت تقوا (فلیتّقوا اللّه) قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۹

۹- پدران و مادران ، نباید خود را روزی دهنده فرزندان تصور کنند .

نحن نرزقهم و إیّاکم

دستور به اجتناب از قتل فرزند به خاطر ترس از فقر و آنگاه اعلام این نکته که خداوند روزی دهنده خود والدین و فرزندانشان است، می تواند به دلیل نکته ذکر شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱،۵،۱۲

۱ - پدر و مادر ، وظیفه دارند که آداب و چگونگی ورود به اتاق و محل استراحت خود را به فرزندان نابالغ خویش بیاموزند .

یأیّها الذین ءامنوا لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ث

فعل امر <لیستئذنکم> هر چند در ظاهر متوجه بردگان و فرزندان نابالغ است; ولی به قرینه این که خطاب <یأیّها الذین آمنوا> متوجه پدران و مادران مؤمن است و نیز چون فرزندان نابالغ مکلف نیستند تا بشود به آنان امر و نهی کرد، از این رو این امر متوجه اولیای فرزندان خواهد بود که آنان باید محتوای این دستور را به فرزندان خویش بیاموزند.

۵ - پدران و مادران ، حق

ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت (چون برهنگی و . . .) در انظار فرزندانشان ظاهر شوند .

لیستئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم و من بعد صلوه العشاء ثلث عورت لکم

از این که فرزندان ممنوع شدند که بدون اذن، وارد اتاق و محل استراحت پدران و مادرانشان (در سه وقتی که نوعاً والدین در حال برهنگی و خلوت و متناسب با وضعیت خواب قرار دارند) شوند، می توان استفاده کرد که والدین هم نباید با چنین وضعیتی بر فرزندانشان وارد شوند. گفتنی است: مفهوم جمله <لیس علیکم و لا علیهم جناح; نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست> مؤید برداشت یاد شده است; زیرا معلوم می شود که در اوقات سه گانه، جناح (گناه) خواهد بود.

۱۲ - پدران و مادران ، باید هر گونه روابط جنسی و رفتار مخصوص زن و شوهری خود را ، از فرزندان نابالغ (بچه های ممیز) خویش پنهان دارند .

لیستئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ

ممنوعیت ورود فرزندان نابالغ به محل استراحت و خلوت پدران و مادران خود، می تواند به این خاطر باشد که روابط جنسی پدران و مادران نوعاً در این مواقع صورت می گیرد و فرزندان نباید از آن باخبر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۳

۳ - فرزند و والدین ، در مقابل هم ، مسؤولیت دارند .

قال لقمن لإبنه و هو یعظه . .. و وصّینا الإنسن بولدیه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۸،۱۰

۸- تلاش در جهت تربیت ایمانی فرزند ، وظیفه مشترک پدر و مادر *

و هما یستغیثان اللّه

لحن آیه شریفه گرچه گزارشی است; اما حمایت خداوند از والدین و تقبیح عمل فرزند، به آن بُعد دستوری می دهد. ضمیر <هما> و فعل <یستغیثان> اشاره به آن دارد که پدر و مادر مؤمن، هر دو در راستای تربیت فرزند، باید تلاش کنند.

۱۰- لزوم اهتمام پدر و مادر ، به رشد معنوی فرزند خویش ، همپای پرورش جسمانی وی

حملته أُمّه کرهًا . .. حتّی إذا بلغ أشدّه ... و هما یستغیثان اللّه ویلک ءامن

در آیات پیشین، سخن از رنج مادر برای رشد جسمی فرزند بود و در این آیه سخن از تلاش پدر و مادر در گرایش دادن فرزند به ایمان است و چون خداوند هر دو را به عنوان ارزش یاد کرده، مطلب بالا استفاده می شود.

مصالح والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۳،۲۰

۱۳ منافع شخصی و رعایت مصالح والدین ، بستگان ، فقیران و ثروتمندان ، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد .

کونوا . .. شهداء للّه و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

۲۰ مقدم داشتن مصالح خویش ، والدین و بستگان بر شهادت به حق ، هواپرستی و عدالت شکنی است .

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه و لو علی أنفسکم . .. فلاتتبعوا الهوی

معاشرت با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ -

۵ - رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی ، امری لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفًا

۹ - رعایت حال پدر و مادر و معاشرت با آنان ، در هر منطقه ای ، بسته به رسوم متفاوت آن جا است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفًا

<معروفاً> صفت برای مفعول مطلق محذوف فعلِ <صاحِبْ> است و مراد از آن، چیزی است که به خوبی و نیکی در میان مردم شهرت دارد.

معاشرت با والدین مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۷

۷ - انسان ، به داشتن رفتار نیک با پدر و مادر ، حتی در صورت مشرک بودن آنان موظّف است .

و إن جهداک علی أن تشرک . .. و صاحبهما فی الدنیا معروفًا

معاشرت ناپسند با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - خداوند به انسان ها درباره لغزش در عقیده و رفتار ناصحیح با والدین ، هشدار می دهد .

و إن جهداک علی أن تشرک بی . .. فلاتطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفًا و اتّبع سب

ملاک شرافت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۹

۹ – بدی و نااهلی فرزندان ، تأثیری در سرنوشت پدران و مادران نداشته و از شخصیت و شرافت آنان نمی کاهد .

و برکنا علیه و علی إسحق و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که برخی از

فرزندان ابراهیم و اسحاق(علیهماالسلام) افرادی کافر و نااهل شدند; ولی در عین حال این دو پیامبر از الطاف و برکات الهی به طور کامل برخوردار بودند.

موانع اجابت دعای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۵

۵- کفر شدید فرزند ، مانع از استجابت دعای والدین در حق وی *

و هما یستغیثان اللّه . .. أُولئک الذین حقّ علیهم القول

برداشت بالا بدان احتمال است که <یستغیثان>، استغاثه پدر و مادر برای هدایت فرزند و ایمن گشتن وی از عذاب الهی باشد. تعبیر <حقّ علیهم القول> نشان می دهد که این استغاثه، در مورد فرزند حق ستیز به اجابت نمی رسد.

موقعیت والدین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۲

۱۲ جامعه جاهلی در عصر بعثت جامعه ای آلوده به شرک و بی اهتمام نسبت به پدران و مادران بود.

و بالولدین إحسنا

مهربانی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱،۳،۱۴

۱- فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم ، تواضع و فروتنی کامل بکنند .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

<من> در <من الرحمه> نشویه است; یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

۳- ترّحم و مهربانی به پدر و مادر ، از وظایف فرزند است .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

۱۴- < عن أبى ولادالحناط قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : . . . <

و اخفض لهما جناح الـذلّ من الرحمه > قال : لاتملأعینیک من النظر إلیهما إلاّ برحمه و رقه و لاترفع صوتک فوق أصواتهما و لایدک فوق أیدیهماو لاتقدم قدامهما ;

ابی ولاـد حنـاط گویـد: از امام صادق(ع) در باره سـخن خداونـد عزّوجلّ . .. <و اخفض لهما جناح الـذلّ من الرحمه> سؤال کردم، حضـرت فرمود: به پـدر و مـادر نگـاه مکن مگر بـا رأفت و مهربانی و صـدایت را بیش از صـدای آنان بالا مبر و دسـت خودت را بالای دست آنان قرار مده و [در راه رفتن و...]از آنان پیشی مگیر>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۵ – ۷

۷- خداوند خواهان تواضع و رحمت قلبی فرزندان به پدر و مادر است و نه صرفاً خدمات ظاهری به آنان

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه . .. ربّکم أعلم بما فی نفوسکم

خداونـد در آیات قبل دسـتور به احسان به والـدین و فروتنی از سـر رحمت در برابر آنها را داده است و در این آیه می فرماید: <به نیات درونی شـما آگاهی دارد>. ذکر آگاهی به نیات پس از دسـتور یاد شـده، می توانـد به این منظور باشد که: فروتنی باید خالصانه و قلبی باشد و نه ظاهری.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۱ – ۶

۶- پاک و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین ، از ویژگی های فرزند شایسته است .

یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

مهربانی والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷

۶- تربیت اولاد توسط پدر و مادر ، بر اساس رحمت و محبت است .

ربِّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

<کما ربیانی> صفت برای مصدر مقدّر (رحمت) است. بنابراین، عبارت چنین می شود: <رب ارحمهما مثل رحمتهما و تربیتهما لی> (خداوندا! همان گونه که آنان به من ترحم کردند تو بر آنان ترحم کن).

ناپسندی بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

کلّ ذلک کان سیّئه عند ربّک مکروهًا

نسل والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۸،۹

۸- < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه : < فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه . . . > قال : < إنّه ولدت لهما جاریه فولدت غلاماً فکان نبیاً . > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا <فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه. ..> روایت شده که فرمود: <همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد>.

۹- < عن أبی عبداللّه (ع) : . . . [فی قول اللّه عزّوجلّ] < فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه زکاه و أقرب رحماً > : < أبدلهما اللّه به جاریه ولدت سبعین نبیاً

; < .

از امام صادق(ع) [درباره این سـخن خدای عزّوجلّ]<فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه زکاه. ..> روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.>.

نعمتهای والدین سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۶،۱۰

۶ - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشکر نعمتک التی أنعمت علیّ و علی ولدیّ

۱۰ - پدر و مادر سلیمان ، برخوردار از نعمت های ویژه الهی

نعمتک التی أنعمت علیّ و علی ولدیّ

نقش نعمتهای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - تأثیر مثبت و سازنده برخورداری پدر و مادر از نعمت های الهی در سعادت و سرنوشت فرزندان

ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک . .. و علی ولدیّ

شکر و سپاس حضرت سلیمان(ع) به خاطر برخوردار بودن پدر و مادرش از نعمت های الهی، گویای این حقیقت است که این برخورداری در سعادت و سرنوشت او مؤثر بوده است.

نقش والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۹

۹- پدر و مادر با ایمان ، در کنار استمداد از خداوند برای هدایت فرزند خویش ، رهنمود های لازم را به او ارائه می دهند .

و هما يستغيثان اللّه ويلك ءامن إنّ وعد اللّه حقّ

نيكى به والدين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۱۴ – ۱،۳،۶

–۱

یحیی (ع) نسبت به پدر و مادرش بسیار نیکوکار بود .

و برًّا بولدیه

<برّاً> عطف بر <تقیّـاً> در آیه قبل است و با کلمه <بارّ> به یک معنا است جز این که <بَرّ> مبالغه دارد و <برّالوالدین> احسان و نیکی گسترده به آنها است (مفردات راغب).

۳- احسان به پدر و مادر ، از نمود های بارز تقوا و لازمه آن

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

چون جملات پیشن در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود؛ محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

والدین انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۷ – ۶

۶ آدم و حوا پدر و مادر همه انسانها

کما أخرج أبویکم من الجنه

والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار

و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندی پاک تر و مهربان تر بود .

فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

والدین و فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۲

۲ - فرزند ، بخشی از وجود پدر و مادر است .

و جعلوا له من عباده جزءًا

وصیت برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۴،۱۱،۱۲

۴ - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

كتب عليكم . .. الوصيه للولدين و الأقربين

١١ – اولويت

پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدین و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

۱۲ - توصیه به پرداخت اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم . .. الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

وقت استراحت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۴،۱۱

۴ - پیش از نماز بامداد ، وقت استراحت نیمروزی (ظهر) وپس از نماز عشا (هنگام خواب شب) ، سه زمان برهنگی و خلوت پدران و مادران محسوب می شود .

لیستئذنکم . .. ثلث مرّت من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثیابکم من الظهیره و من بعد

۱۱ - رفت و آمد فرزندان به اتاق پدر و مادر ، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا ، بدون اذن جایز است .

لیسئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

ولایت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۵،۶

۵ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی

۶ ولایت مادر نسبت به فرزند ، در ادیان گذشته *

ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی

هدایتگری والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۹

۹- پدر و مادر با ایمان ، در کنار استمداد از خداوند

برای هدایت فرزند خویش ، رهنمود های لازم را به او ارائه می دهند .

و هما یستغیثان اللّه ویلک ءامن إنّ وعد اللّه حقّ

یحیی(ع) و تحمیل بر والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۶

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

چون جملات پیشن در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود; محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

وتر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وتر

استغفار در نماز وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۶

۶ - < قال أبوعبداللّه (ع) کانوا یستغفرون اللّه فی الوتر سبعین مرّه فی السحر ;

امام صادق(ع) درباره <و بالأسحار هم یستغفرون> فرمودند: آنان در نماز وتر به هنگام سحر، هفتاد بار استغفار می کنند.

تشریع نماز وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۶

۶ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله تعالی < و من اللیل فسبّحه و إدبار النجوم > هو الوتر آخر اللیل ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تعالی که فرموده <و من اللیل فسبّحه و إدبار النجوم>

روایت شده که [مراد نماز]وتر در آخر شب است>.

سوگند به وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و الوتر

حرف <ال> در <الشفع> و <الوتر>، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است؛ برخی گفته اند: <شفع> روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویه) و <وتر> روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که <شفع>، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از <وتر>، ذات باری تعالی باشد؛ زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۶ – ۸

۸ – سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۴ – ۸

۸ – خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إنّ ربّک لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إنّ ربّک> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

عظمت وتر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۵ – ۳

۳ – عظمت سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

تقلیل، از نکره بودن <حجر> استفاده شده است.

مراد از وتر

- فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۲،۳،۴،۵،۶

۲ - < [فی المجمع] الشفع الخلق . . . و الوتر اللّه تعالی . . . و هی روایه أبی سعید الخدری عن النبیّ (ص) ;

[در مجمع البیان آمده است:] شفع مخلوقات انـد . .. و وتر خدای تعالی است ... و این روایت ابی سعید خدری از پیامبر(ص) است>.

۳ - < عن الصادق (ع) أنّه قال : فی قول اللّه عزّوجلّ < و الشفع و الوتر > قال : الشفع الرکعتان و الوتر الواحده التی یقنت فیها ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و الشفع و الوتر>، فرمود: شفع همان دو رکعت (نماز شب) و وتر همان یک رکعتی است که در آن قنوت خوانده می شود>.

۴ - < [فی المجمع] قیل : الشفع یوم النحر و الوتر یوم عرفه . . . و هی روایه جابر عن النبیّ (ص) ;

[در مجمع البیان آمده است:]گفته شده که شفع روز <قربانی> و وتر روز <عرفه> است . .. و این روایت جابر از پیامبر(ص) است>.

۵ - < [فی المجمع] و قیل الشفع یوم الترویه و الوتر یوم عرفه و روی ذلک عن أبی جعفر و أبی عبداللّه (ع) ;

[در مجمع البیان آمده است:] گفته شده که شفع روز ترویه (هشتم ذی الحجه) و وتر روز عرفه است و این مطلب از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است>.

۶ - < عن النبیّ (ص) انّه سُئل عن الشفع و الوتر فقال : یومان و لیله

یوم عرفه و یوم النحر ، و الوتر لیله النحر لیله جُمَع ;

از پیامبر(ص) از شفع و وتر سؤال شد; آن حضرت فرمود: دو روز و یک شب است روز عرفه و روز قربانی و وتر شب قربانی است که شب مشعر است>.

نماز وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۹

۹ - < [فی مجمع البیان ، فی قوله تعالی] < و أدبار السجود > فیه أقوال . . . و رابعها أنّه الوتر من آخر اللیل . روی ذلک عن أبی عبداللّه (ع) ;

در مجمع البیان ذیل آیه <و أدبار السجود> آمده است که در تفسیر این آیه چند قول هست. قول چهارم این است که مراد، نماز <وتر> در آخر شب است و این قول از امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۳

۳ - < عن الصادق (ع) أنّه قال : فی قول اللّه عزّوجلّ < و الشفع و الوتر > قال : الشفع الرکعتان و الوتر الواحده التی یقنت فیها ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و الشفع و الوتر>، فرمود: شفع همان دو رکعت (نماز شب) و وتر همان یک رکعتی است که در آن قنوت خوانده می شود>.

وجدان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وجدان

ارزش وجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۹

۹ عدم پذیرش و کراهت وجدان آدمی از گرفتن پاره ای اموال ، نشانه ای برای

تشخیص نامرغوب از مرغوب

و لا تیمّموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه

عذاب وجدان متخلفان غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۵

۵ گرفتار شدن سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک به عذاب وجدان

و ضاقت علیهم أنفسهم

عوامل تضعیف وجدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۱ – ۳

۳– فقر و تهی دستی ، در تضعیف وجدان آدمی و از میان بردن حتی قوی ترین عواطف انسانی ، چون مهر به فرزند ، تأثیر دارد .

و لاتقتلوا أولدکم خشیه إملق

قضاوت وجدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۷ – ۷،۸

۷ احاله انفاق کننده به داوری وجدان خویش ، در پرهیز از اموال نامرغوب

و لا تیمّموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه

۸ به داوری گرفتن وجدان ، از روش های قرآن برای پرهیز از کار های ناروا و تربیت انسان ها و رعایت احکام و مقررات دینی

و لا تیمّموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۱

۱ پیامبر(ص) مأمور برانگیختن داوری وجدان مشرکان بر چگونگی فرجام آنان در صورت نزول عذاب الهی

قل أرءیتکم . .. هل یهلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۷

۷ برانگیختن داوری وجدان از طریق طرح پرسش، از روشهای تبلیغی قرآن

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۴ – ۱۱

۱۱– برانگیختن عقل و وجدان مردم به داوری ، روش حضرت ابراهیم (ع) در ارشاد و تبلیغ

لِمَ تعبد ما لایسمع . .. لاتعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

نقش وجدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ برانگیختن وجدان انسانی از روش های قرآن برای ایجاد تعهد نسبت به رعایت پیمان های زناشویی

و کیف تأخذونه . .. و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۷ – ۷

۷– سؤال از وجدان و برانگیختن حس حق جویی ، وسیله ای برای هوشیاری و روشی در اثبات حقایق

أفمن یخلق کمن لایخلق أفلاتذکّرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۴ – ۹

۹– خودیابی و مراجعه به وجدان ، زمینه ساز اعتراف به حقایق

فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنّکم أنتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و رجوع به وجدان و ضمیر خویش، به بطلان شرک و راستی توحید پی بردند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲ – ۳

۳ – وجدان اخلاقی ، از ابعاد وجود انسان

و لاأُقسم بالنفس اللوّامه

<وجدان اخلاقی>، اصطلاحی است رایج در موضوع انسان شناسی که می توان آن را از آیه شریفه استنباط کرد.

وجدان انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۲

۱۰ برانگیختن وجدان ها از روش های قرآن در تربیت

افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط من اللّه

وجدان در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

وجدان دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند (وجدان دینی) ، پشتوانه رعایت حقوق دیگران

و کفی باللّه حسیبا

وجدان مذهبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ ایمان به علم و قدرت الهی ، عامل احیای وجدان مذهبی

قل ان تخفوا . .. و یعلم ما فی السموات ... و اللّه علی کل شیء قدیر

وجدان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۲،۳

۲ عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از <ما یخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

وجه الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{وجه الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۳،۱۵

۱۳ انفاق زمینه

دستیابی به < وجه اللّه > و رضای او

و ما تنفقون الاّ ابتغاء وجه اللّه

۱۵ دستیابی به < وجه اللّه > (خشنودی خدا) ، در گرو تلاش و اجتهاد جوینده آن

و ما تنفقون الاّ ابتغاء وجه اللّه

با توجّه به واژه <ابتغاء> که در آن اجتهاد و تلاش ملحوظ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۱ – ۷

۷ – < وجه اللّه > ، رضایت او است .

ابتغاء وجه ربّه . .. و لسوف یرضی

در صورتی که فاعل <یرضی> خداوند باشد، وعده <رضایت او> به کسانی که طالب <وجه اللّه> هستند، بیانگر اتحاد آن دو خواهد بود.

زمینه دستیابی به وجه الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۱۵

۱۵– دعا زمینه دستیابی به < وجه اللّه > و جلب رضایت او است .

یدعون ربّهم بالغدوه . .. یریدون وجهه

زمینه وجه الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۰ – ۷

۷ – دستیابی به < وجه اللّه > ، در گرو تلاش و جدّیت جوینده آن است .

إلّا ابتغاء وجه ربّه

از واژه <ابتغاء> تنها در موردی استفاده می شود که طلب همراه با کوشش و تلاش باشد. (مفردات)

مراد از وجه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ - < عن الرضا (ع) . . . وجه اللّه أنبياؤه و رسله و حججه (صلوات اللّه عليهم) هم الذين يتوجّه بهم إلى

اللّه و إلى دينه و معرفته . . . و قال عزّوجلّ < كلّ شيء هالك إلاّ وجهه > . . . ;

از امام رضا(ع) روايت شده كه <وجه اللّه> پيامبران خدا و رسولان و حجت هاى او هستند كه به وسيله آنان به خدا و دين و معرفت او توجه مى شود. .. خداوند عزّوجلّ فرموده است: <كلّ شيء هالك إلاّ وجهه>...>.

وحی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وحى

{وحى}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱

۱ نزول تدريجى قرآن بر پيامبر (ص)

نزّل عليك الكتاب بالحقّ

تنزيل، معمولاً در مورد نزول تدريجى به كار مى رود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۲

۲ تلاوت آيات قرآن بر پيامبر (ص) ، از سوى خداوند

ذلك نتلوه عليك من الايات

آثار استماع وحى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۲

۲- دلدادگان به وحى و سخنان رسول (ص) ، برخوردار از عنايت ويژه خداوند در ره يابى به حق

و منهم من يستمع إليك . .. و الذين اهتدوا زادهم هدًى

<والذین اهتدوا> معرف چهره هایی است که برخلاف هواپرستان و قلب های مهر شده، با استماع سخنان پیامبر(ص) و پیام قرآن، بر هدایتشان افزوده می شود.

آثار استهزای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۵

۵ - بی توجهی به پیام وحی و استهزای آن ، از جمله عوامل نابودی جوامع در طول

تاریخ

کانوا به یستهزءون . فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا و مضی مثل الأوّلین

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که استهزای پیام وحی از سوی جوامع شرک پیشه، موجب نابودی آنان شده است.

آثار اعراض از وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵ – ۷

۷ – روی گردانی از پیام های الهی ، اعراض از رحمت او و روی برتافتن از منافع خویش است .

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن . .. معرضین

با توجه به این که پیام های الهی تبلور رحمت او است، روی گردانی از آن در حقیقت اعراض از رحمت خدا و محروم ساختن خود از لطف او می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸ – ۵

۵ – بی توجهی به پیام وحی و استهزای آن ، از جمله عوامل نابودی جوامع در طول تاریخ

کانوا به یستهزءون . فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا و مضی مثل الأوّلین

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که استهزای پیام وحی از سوی جوامع شرک پیشه، موجب نابودی آنان شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۳ – ۱۶

۱۶ – انسان ، با چشم پوشی از هدایت وحی ، فرو غلتیده در سنت های قومی و تقلید های محیطی

إلاّ قال مترفوها . .. إنّا علی ءاثرهم مقتدون

آثار انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۴

۴- پیامبراکرم (ص) از انقطاع موقت وحی دلگیر بود و به

نزول فزون تر ملائکه تمایل داشت .

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّک

در شأن نزول این آیه گفته شده است که: مدتی وحی از پیامبر(ص) قطع گردید و این امر، موجب دلگیری پیامبر(ص) شد و این آیات در پاسخ استفسار پیامبر(ص) از جبرئیل، نازل گردیده است (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۹

۹ - تأخیر وحی در برهه ای از دوران نزول قرآن ، پیامبر (ص) را نگران ساخته ، در معرض زخم زبان دشمن قرار داد .

ما ودّعک ربّک و ما قلی

لحن آیه شریفه و همراه بودن آن با سوگندهای خداوند، بیانگر اضطراب و رنجیدگی پیامبر(ص) و در صدد آرامش بخشیدن و تسلای خاطر دادن به آن حضرت است.

آثار ایمان به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۸

۸- زندگی بدون ایمان به وحی و معاد ، بازیچه و بی هدف است .

ما یأتیهم من ذکر . .. و هم یلعبون

برداشت یاد شده مبتنی براین احتمال است که <یلعبون> ناظر به زندگی طبیعی و روز مرّه مشرکان باشد; یعنی، آنان به وقت نزول وحی به همان زندگی بی هدف و بازیچه مشغولند. بنابراین کسانی که مبدأ و معاد را انکار کنند (مانند مشرکان) به لعب و بازیچه در زندگی گرفتار می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۷

۷- ثمربخشی اعمال نیک ، در پرتو پذیرش پیام وحی و گردن نهادن به آن از روی رغبت و میل

كرهوا ما أنزل

اللّه فأحبط أعملهم

از مفهوم آیه شریفه، مطلب بالاـ استفاده می شود; یعنی، اگر عمل همراه با کراهت و ناخشنودی نباشد; بلکه از روی طوع و رغبت و برای خداوند صورت گیرد، باقی مانده و ثمر خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۲

۲ - گرایش به عبادت و سجده در برابر خداوند ، نتیجه ضروری ایمان به وحی و قیامت

أزفت الأزفه . .. أفمن هذا الحدیث تعجبون ... فاسجدوا للّه و اعبدوا

<فای تفریع> در آیه شریفه می رساند که سجده و عبادت برای خداوند، در پی باور داشتن قیامت و مفاهیم وحی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

آثار پیروی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ - پیروی از دستورات وحی و رهنمود های پیامبر (ص) ، هیچگاه به خسران و گمراهی انسان نخواهد انجامید .

و إنّک لتهدی إلی صرط مستقیم

از تأکید خداوند بر نقش هدایت گری پیامبر(ص)، این نکته استفاده می شود که تعالیم وحی هیچ گاه به خسران و گمراهی انسان منتهی نخواهد شد.

آثار تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۳

۳- ناخشنودی از پیام های وحی و انکار آن از روی هوس ، مایه حبط تمامی اعمال

کرهوا ما أنزل اللّه فأحبط أعملهم

با توجه به اطلاق کلمه <أعمالهم>، حبط تمامی اعمال از آیه برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر

به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلیهم بالمودّه و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

عبارت <و قد کفروا. ..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لاتتّخذوا عدوّی) است.

آثار ذکر وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳ – ۲

۲ – توجه به سابقه داشتن وحی ، از بین برنده تردید و شگفتی نسبت به رسالت پیامبر (ص)

کذلک یوحی إلیک و إلی الذین من قبلک

چنانچه مشارٌالیه <کذلک> اصل وحی باشد، آیه می تواند اشاره به این داشته باشد که مشرکان مکه درباره وحی الهی به پیامبر(ص) در شگفتی و تردید بودند و خداوند با ذکر سابقه وحی، درصدد رفع تردید آنان بود.

آثار عظمت وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵ – ۶

۶ – عظمت وحی ، موجب تسبیح و ستایش فرشتگان

کذلک یوحی إلیک . .. و الملئکه یسبّحون بحمد ربّهم

جمله <و الملائکه . ..> عطف بر جمله <تکاد السماوات ...> است. بنابراین عظمت وحی به هنگام نزول به زمین، همان گونه که آسمان ها را در آستانه فروپاشی قرار می دهد، فرشتگان را نیز به تسبیح و تقدیس خدا وا می دارد.

آثار مصونیت وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۷ – ۱۲

۱۲– ثبات و جاودانی و مصونیت از تحریف ، ملاک ارزشمندی پیام وحی و مقتضی تلاوت و ابلاغ آن است .

واتل ما أَحی إلیك . .. لامبدّل لکلمته

آثار ناخشنودی از وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۹ – ۱،۳

۱– ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعساً لهم و أضلّ أعملهم . ذلک بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّه

بنابراین که <ذالک> اشاره به <فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۳– ناخشنودی از پیام های وحی و انکار آن از روی هوس ، مایه حبط تمامی اعمال

کرهوا ما أنزل اللّه فأحبط أعملهم

با توجه به اطلاق کلمه <أعمالهم>، حبط تمامی اعمال از آیه برداشت می شود.

آثار نزول وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵ – ۷

۷ – نزول وحی ، مایه کمال آفرینش ، در نگاه فرشتگان

کذلک یوحی إلیک . .. و الملئکه یسبّحون بحمد ربّهم

با توجه به این که <تسبیح> به معنای تنزیه و نفی نقیصه و کاستی است، تسبیح فرشتگان، حکایت از مشاهده کمال آفرینش پس از نزول وحی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۱ – ۲

۲ – از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان . .. و تلک الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

آثار وحی به مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۱،۲،۴،۱۲

۱ - تأثیر ژرف و آرامش بخش وحی الهی در دل مادر موسی

و أوحینا إلی أُمّ موسی . .. و أصبح فؤاد

أمّ موسی فرغًا

<أصبح> معادل <صار> و <فارغاً> مرادف <خالیاً> است. با توجه به ارتباط این آیه با آیه هفتم، تقدیر آن چنین می شود: <و صار فؤاد أُمّ موسی بعد الوحی خالیاً من الخوف و الحزن; دل مادر موسی بعد از وحی ما از ترس و اندوه خالی گشت>.

۲ – دل مادر موسی ، فارغ از ترس و اندوه نسبت به فرجام نوزادش پس از دریافت وحی الهی

و أوحینا إلی أُمّ موسی . .. أن لاتخافی ... و أصبح فؤاد أُمّ موسی فرغًا

۴ – اطمینان یافتن مادر موسی به بازگردانده شدن فرزندش به آغوش وی ، پس از دریافت وحی الهی

لولا أن ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین

۱۲ – قرار داشتن مادر موسی در وضیعت اضطراب و پریشانی ، پیش از وحی امیدبخش الهی به وی

و أصبح فؤاد أُمّ موسی فرغًا . .. لتبدی به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۱ – ۱

۱ – تبدیل شدن مادر موسی به شخصیتی مصمم و قادر بر انجام کار های سترگ ، پس از دریافت پیام امیدآفرین الهی

و أوحینا إلی أُمّ موسی . .. و قالت لأُخته قصّیه

جمله <و قالت. ..> عطف بر محذوف است; یعنی، <فألقیه فی الیمّ و قالت لأخته قصّیه>. مادر موسی پس از دریافت وحی، اقدام به انداختن فرزندش در رود نیل کرد; با این که پیش از آن از فرط ترس و نگرانی نزدیک بود راز فرزندش را فاش سازد. این موضوع، بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار وحی به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲

۸ - افزایش معرفت و ایمان پیامبر (ص) در نتیجه نزول وحی

ما کنت تدری ما الکتب و لا الإیمن

پیامبر(ص) پیش از وحی از معارف توحیدی مطلع بود و به آن ایمان داشت . از این نکته استفاده می شود که نزول وحی بر ایمان و معرفت آن حضرت افزوده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱ - ۳

۳ - < قال جابر : . . .حدّثنا رسولَ اللّه (ص) قال : جاورتُ بحِراء ، فلمّا قضیتُ جواری فنُودیتُ فنظرتُ عن یمینی فلم أَرَ شیئاً و نظرتُ عن شمالی فلم أر شیئاً و نظرت خَلْفی فلم أر شیئاً ، فرفعتُ رأسی فإذا المَلَك الذی جاءنی بحراء جالس علی کرسیّ بین السماء و الأرض فجثثتُ منه رُعباً فرجعتُ فقلت : دَثِّرونی فدَثَّرونی فنزلتُ < یا أیّها المدّثّر . . . > ;

جابر گوید: . .. رسول خدا(ص) برای ما حدیث نمود، که مجاور <حراء> بودم. پس چون مجاورت من پایان یافت، به من ندا داده شد و من [از پی ندا] به طرف راست خود نگاه کردم، چیزی را ندیدم; به طرف چپ خود نگاه کردم، چیزی را ندیدم; به پشت سر خود نگاه کردم، چیزی را ندیدم. پس سر خود را بالا کردم، دیدم فرشته ای که در <حراء> نزد من آمد، بین آسمان و زمین بر کرسی نشسته است، از رعب او از جای جستم و [به خانه] برگشتم و گفتم: مرا بپوشانید. پس مرا پوشاندند که آیه <یا أیّها المدّثّر...> نازل شد>.

آداب دریافت وحی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - تعلیم ادب دریافت وحی به پیامبر (ص) از سوی خداوند

لاتحرّک به لسانک لتعجل به

۳ - رعایت سکوت کامل در هنگام دریافت وحی تا پایان یافتن آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

لاتحرّک به لسانک لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۱

۱ - رعایت سکوت کامل در هنگام نزول و دریافت وحی تا پایان آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

فإذا قرأنه فاتّبع قرءانه

ابلاغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ ابلاغ کامل وحی الهی به مردم ، وظیفه پیامبر (ص)

یایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

۲ پیامبر (ص) فرستاده خدا و واسطه ابلاغ وحی به مردم

یایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک

۳ رسالت الهی پیامبر (ص) برای ابلاغ وحی ، جلوه ای از ربوبیت خداوند

یایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک

گزینش اسم <رب> نشانه ارتباط رسالت و وحی با ربوبیت الهی است.

۴ پیامبر (ص) مأمور ابلاغ پیام ویژه ای از سوی خداوند برای مردم

بلغ ما أنزل . .. و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

مراد از <ما انزل . ..> نمی توانـد تمامی احکام و معارف دینی باشـد، زیرا معنا ندارد که گفته شود: اگر همه آنچه بر تو نازل شده ابلاغ نکنی، رسالت الهی را به انجام نرسانده ای

; بنـابراین مقصود از <مـا انزل> پیـامی خاص بوده که به منزله تمامی رسالت محسوب می شـده است. که بنابر شأن نزولهای متعدد و روایات فراوان، آن پیام ویژه، اعلام ولایت امیرالمؤمنین(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۱

۱ پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ وحی و پاسخ گویی به دروغ پردازی ها و اتهام های واهی کافران ، علیه رسالت خویش و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا . .. قل أنزله الذی یعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۸،۱۱

۸ - < وحی > ، شیوه سخن گفتن فرشتگان با پیامبران ، برای رساندن پیام خداوند

أو یرسل رسولاً فیوحی

۱۱ - فرشته وحی ، پیکی امین در ابلاغ پیام خدا به پیامبران

فیوحی بإذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، در ابلاغ پیام الهی و آموختن قرآن به مردم ، بخل نمیورزید .

و ما هو علی الغیب بضنین

مراد از <الغیـب>، معـارف قرآن است که فرشـته وحی برای پیـامبر(ص) می آورد و دیگران به آن، جز از طریـق پیـامبر(ص) دست رسی نداشتند. کلمه <ضنین> از ریشه <ضِنَّه> (بخلورزی به چیزی ارزشمند) گرفته شده است. (مفردات راغب)

ابلاغ وحی به فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۹ - ۱،۲

۱ - موسی و هارون (ع) با ابلاغ پیام های وحی الهی به فرعون ،

مأموریت خویش را به انجام رساندند .

فقولا له . .. قال فمن ربّکما

آیات گذشته، جملگی سخن خداوند با موسی و هارون(ع) بود; ولی از مواجهه آنان با فرعون و آنچه روی داده، در این آیات سخنی نیست. از پاسخ فرعون برمی آید که آنان پیام خویش را به وی رساندند و پاسخ او را دریافت کردند.

۲ - فرعون با گوش فرادادن به سخنان موسی و هارون (ع) ، اجازه داد آنان پیام الهی خویش را به او برسانند .

فقولا إنّا رسولا . .. قال فمن ربّکما

ابلاغ وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۲

۲ - جبرئیل کسی جز پیامبر (ص) را بر آیات قرآن آگاه نمی ساخت .

و ما هو علی الغیب بضنین

کلمه <الغیب> به قرینه <هو> دلالت می کند که فرشته وحی آنچه را می آوْرد، به غیر پیامبر(ص) ابلاغ نمی کرد.

اتمام حجت با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۱

۱ - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

<عذر> و <نذر> مصدر و به معنای <اعذار و انذار> است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای <ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکراً> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

احتضار مدعیان دروغین وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

- ۶ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ مدعیان دروغین وحی و کسانی که مدعی آوردن مانندی برای قرآن هستند به هنگام احتضار حالتی بس دشوار دارند.

أوحی إلیّ و لم یوح إلیه شیء و من قال . .. و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت

ادعای تلقی وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۴

۲۴ دروغ بستن به خداوند و به دروغ مدعی دریافت وحی شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، سخنانی باطل و ناحق است.

ممن افتری علی الله کذبا أو قال . .. بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

ارزش وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - وحی و رسالت ، دارای ارزشی والا و غیرقابل قیاس با اندوخته های مادی

أهم یقسمون رحمت ربّک . .. و رحمت ربّک خیر ممّا یجمعون

استقلال وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۵

۵ - وحی و داوری خداوند ، تابع داوری ها و دیدگاه های انسان ها نیست .

أم لکم أیمن . .. إنّ لکم لما تحکمون

استماع تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۱،۵

۱ فرمان الهی به پیامبر (ص) مبنی بر به حضور پذیرفتن مشـرکانی که پس از انقضای مهلت چهار ماهه ، به منظور شـنیدن پیام وحی ، درخواست ملاقات کنند .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین . .. و إن أحد من المشرکین

استجارک فأجره

<استجاره> به معنای درخواست جوار و همسایگی است. درخواست جوار از سوی مشرکان پس از انقضای مهلت چهار ماهه به قرینه <حتی یسمع کلام اللّه> درخواست رسیدن به حضور پیامبر (ص) به منظور استماع دعوت آن حضرت و تحقیق پیرامون وحی است.

۵ دستور الهی مبنی بر رساندن مشرکان به مراکز امن خودشان ، پس از استماع و دریافت پیام وحی از پیامبر (ص)

فأجره حتی یسمع کلم اللّه ثم أبلغه مأمنه

استماع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، موسی (ع) را پس از برگزیدن به پیامبری ، به گوش فرادادن و دریافت وحی فرمان داد .

و أنا اخترتک فاستمع لما یوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱،۲

۱- حضور برخی از کافران ، در مجلس پیامبر (ص) ، برای استماع وحی و سخنان آن حضرت

و منهم من یستمع إلیک

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین نامشان به میان آمده است (والذین کفروا یتمّعون).

۲- فراهم بودن زمینه های حضور آزادانه کافران در مجلس پیامبر (ص) ، برای استماع وحی

و منهم من یستمع إلیک حتّی إذا خرجوا من عندک

استمرار وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، وحی را به گونه ای مستمر و مداوم دریافت می کرد .

و ما ینطق عن الهوی . إن هو إلاّ وحی یوحی

فعل

مضارع <یوحی> دال بر استمرار است.

استهزای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۳

۳- استهزای کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، در پی خارج شدن از محضر آن حضرت

حتّی إذا خرجوا من عندک قالوا . .. ماذا قال ءانفًا

پرسش <ماذا قال آنفاً> از روی توهین و استهزا بوده است.

اظهارنظر درباره وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۹

۹- اظهار نظر درست درباره دین و وحی الهی ، از مصداق های احسان است .

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت فوق، بر این اساس است که <للذین أحسنوا. ..> کلام خداوند باشد و نه ادامه کلام متقین. بنابراین خداوند با این بیان، درصدد توصیف تقواپیشگانی است که قرآن و دین را وحی دانسته اند.

اعتصام به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۸

۱ - پیامبر (ص) ، از جانب خداوند مأمور تمسک به پیام وحی و پایداری در راه دعوت به آن

فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

۸ - تمسک جویندگان به قرآن و وحی ، در صراط مستقیم الهی اند .

فاستمسک بالذی . .. إنّک علی صرط مستقیم

اعراض از تعالیم وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۰ – ۳

۳ – کافران دوزخی ، از شنیدن سخنان پیامبران و پیام های آسمانی امتناع می کردند .

و قالوا لو کنّا نسمع

برداشت یاد

شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <نسمع> امتناع از شنیدن باشد; چنان که این واکنش دستور سران کفر به توده های مردم است: <و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و ألغوا فیه لعلّکم تغلبون> (سوره فصلت (۴۱) آیه ۲۶).

افترا به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۷

۷- کفرورزی و نسبت هایِ ناروای مشرکان به ساحت وحی و پیامبر (ص) ، مورد علم و آگاهی خداوند

قل . .. هو أعلم بما تفیضون فیه

اقسام وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۶

۶ تکلم خداوند با حضرت موسی (ع) نوعی از وحی بوده است .

أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح . .. و کلم اللّه موسی تکلیماً

بنابر اینکه <کلم اللّه> عطف بر <اوحینا الی نوح> باشد، جمله این گونه خواهد بود، <اوحینا الیک کما کلم اللّه موسی تکلیماً> یعنی وحی الهی به پیامبر نظیر سخن خدا با موسی(ع) است. ، بنابراین سخن گفتن خدا نیز نوعی از وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۳،۲۷

۱۳ - خواب ، از راه های ارتباط پیامبران با مصدر وحی (خداوند)

إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک . .. افعل ما تؤمر

۲۷ - < علی بن موسی عن أبیه عن جدّه عن آبائه عن علی (ع) قال : رؤیا الأنبیاء وحی ;

امام رضا(ع) . .. روایت می کند که امام علی(ع) فرمود: رؤیای پیامبران وحی می

باشد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۲ – ۲

۲ – تحقق انواع سه گانه وحی (وحی بیواسطه ، وحی از پس حجاب و نزول فرشته) برای پیامبراکرم (ص)

و ما کان لبشر أن یکلّمه اللّه إلاّ وحیًا أو . .. و کذلک أوحینا إلیک

تعبیر به <کذلک> می تواند ناظر به مفاد آیه پیشین باشد که راه ها و اقسام وحی را معین کرده بود.

امین وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۱۴

۱۴ پیامبر اکرم (ص) ، امین وحی و پیرو بی چون و چرای فرمان های الهی

إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

انذار با وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۱ – ۶،۷

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و أنذر به

مرجع ضمیر به <قرآن> است ; یعنی با قرآن انذار کن. و چون ابزار انذار مشخص شده است، بالطبع باید قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

۷ لزوم بهره گرفتن از وحی و تعالیم آن برای انذار مردم

و أنذر به

یادآوری ابزار انذار و معین کردن آن می تواند اشاره به لزوم حرکت در محدوده وحی برای انذار باشد.

انذار مکذّبان وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۷ – ۱،۱۳

۱ پیامبر(ص) مأمور توجه دادن تکذیب کنندگان وحی به رحمت واسعه خداوند و بیم دادن آنان از عذاب حتمی اوست.

فإن کذبوک فقل ربکم

ذو رحمه وسعه و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

۱۳ ابلاغ رحمت خداوند به تکذیب کنندگان وحی و بیم دادن آنان از عذاب خداوند، روشهای کلی مقابله با آنان است.

فإن کذبوک فقل ربکم ذو رحمه وسعه و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

انقطاع وحی از یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست; بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

انقیاد کاتبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۲

۲ - نویسندگان قرآن در صحیفه های پاک و والا مرتبه ، کاتبانی راست گفتار ، مطیع خداوند و درست کرداراند .

بأیدی سفره . .. برره

<برره> و <ابرار> به یک معنا است; جز این که <برره> مبالغه بیشتری دارد; زیرا جمع <بَرّ> است و <بَرّ> مبالغه بیشتری از کلمه <بارّ> (مفرد <ابرار>) دارد (مفردات راغب). از جمله معانی ای که برای <بِرّ> ذکر شده، <صلاح و درست کاری>، <اطاعت> و <صداقت> است. (لسان العرب)

اهداف وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- تذکار بشر ، هدف نهایی و مورد انتظار وحی

فإنّما یسّرنه . .. لعلّهم یتذکّرون

اهمیت استماع وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳ – ۶

۶ – گوش سپاری به کلام خداوند ، هنگام شنیدن آن ، لازم است .

فاستمع لما یوحی

گرچه مخاطب، حضرت موسی(ع) است، ولی خداوند آداب برخورد با وحی الهی را که به موسی(ع) آموخته است، در قرآن بیان می کند تا برای همگان سودمند باشد.

اهمیت تدبر در وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۴ – ۲

۲- خداوند ، خواهان تدبّر انسان در حقایق وحی و نه برخورد سطحی با آن

أفلایتدبّرون القرءان

اهمیت تعقل در وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲ – ۷

۷- لزوم نگرش عقلانی و جدی در وحی الهی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم من ذکر . .. هم یلعبون

اهمیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲

۲ علم و آگاهی پیامبر (ص) به حقیقت داستان عیسی (ع) و مریم (س) پس از بیان سرگذشت آنان از طریق وحی

فمن حاجّک فیه من بعد ما جاءک من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۴

۴ - سپری شدن تاریخ [رخداد ها و تحولات زندگی انسان در گذر زمان] ، باعث بی نیازی بشر از وحی و هدایت های آسمانی نیست .

أفنضرب

عنکم الذکر . .. و کم أرسلنا من نبیّ فی الأوّلین

فرستاده شـدن پیامبران فراوان در امت های پیشـین، نشانگر آن است که انسان ها در هیـچ یک از دوره های تاریـخ، بی نیاز از وحی الهی نیستند.

ایمان به وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵ – ۱۷

۱۷ ایمان به خدا ، اعتقاد به وحی و رسالت و عفت و پاکدامنی ، از ارزش های والا در انتخاب همسر و تشکیل خانواده

و المحصنت . .. و المحصنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۸ – ۳

۳ توحید خالص و پیراسته از هر گونه شرک ، ایمان به قرآن و وحی ، راه رسیدن به خداست .

و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین . .. و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۲ – ۲

۲ – اهل عقل و اندیشه ، تسلیم در مقابل پیام وحی ; و نه در ضدیت با آن

أم تأمرهم أحلمهم بهذا

استفهام انکاری، می رساند که خردمندان واقعی، هرگز مردم را به ستیزه با پیام وحی دعوت نمی کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۱۱ – ۴

۴ – وحی و مشاهدات پیامبر (ص) ، مورد تصدیق قلبی آن حضرت

ما کذب الفؤاد مارأی

برداشت یاد شـده بنابراین نکته است که <مارأی> اشاره به وحی و معارف دیگری نیز باشـد که آیات پیشـین، از آن حکایت می کند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - مریم (س) ، مؤمن به وحی و کتاب های آسمانی و تصدیق کننده آنها بود .

و صدّقت بکلمت ربّها و کتبه

بازی با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۵

۵- برخورد ناشایست با وحی و بازی با آن ، از مصداق های ظلم و ستم

و هم یلعبون . لاهیه قلوبهم ... الذین ظلموا

برادران یوسف و درک وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ برادران یوسف از شنیدن و احساس کردن وحی الهی به او ، ناتوان بودند .

و أوحینا إلیه . .. و هم لایشعرون

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که عامل حال (و هم لایشعرون) فعل <أوحینا> باشد. بر این اساس مفاد <و هم لایشعرون> چنین می شود: آنان وحی ما را به یوسف(ع) نمی فهمیدند.

برهان در ادعای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۸ - ۳

۳ - ادعای دریافت وحی و ارتباط با عالم غیب ، نیازمند دلیل قاطع و روشن

فليأت مستمعهم بسلطن مبين

بی ایمانی به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۱

۱ اکثر مردم به قرآن و وحی الهی ، ایمان نمی آورند .

و ما أكثر الناس . .. بمؤمنين

متعلق <مؤمنين> به قرينه آيه قبل (نوحيه إليك) و نيز آيه بعد (إن هو . ..)

قرآن و وحی الهی است.

بی منطقی استدلال مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۶

۶- زندگی ، تلاش و استدلال های منکران وحی ، حرکتی بازیگرانه و فاقد بنیاد های متقن

فی شکّ یلعبون

بی منطقی تلاش مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۶

۶- زندگی ، تلاش و استدلال های منکران وحی ، حرکتی بازیگرانه و فاقد بنیاد های متقن

فی شکّ یلعبون

بی منطقی زندگی مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۶

۶- زندگی ، تلاش و استدلال های منکران وحی ، حرکتی بازیگرانه و فاقد بنیاد های متقن

فی شکّ یلعبون

بی منطقی مخالفان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

بی همتایی وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۷

۷ کسی را قدرت آوردن همانندی برای وحی و کتب آسمانی نیست.

و من قال سأنزل مثل ما أنزل الله

پرسش از وحی به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۰

۱۰- دعوت خداوند از مشرکان مکه برای تفحص و تحقیق از عالمان ، جهت به دست آوردن حقانیت وحی به انسان

و ما أرسلنا من قبلک

إلّا رجالاً . .. فسئلوا أهل الذكر إن كنتم لاتعلمون

مخاطب فعل <فسئلوا> به قرينه آيات قبل كه درباره مشركان بود می تواند مشركان باشد.

پوچ انگاری تعاليم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۳

۳- جدی نگرفتن پيام های وحی و بازی انگاشتن حقايق ، درپی دارنده كيفری سخت و حتمی

بل هم فی شكّ يلعبون . .. يوم نبطش البطشه الكبری إنّا منتقمون

پيروان وحی در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ - پيروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولايت الهی در قيامت

و كذلك أوحينا . .. يدخل من يشاء فی رحمته... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصير

ستمگران (كسانی كه از پيام وحی سرپيچی كنند) از ولايت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا كه مشمولان رحمت الهی (يدخل من يشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرارگرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

پيروی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۶

۶ - چون سرمنشأ صدور وحی ، ربوبيت خداوند است ، پس بايد از آن تبعيت كرد .

و اتّبع ما يوحی إليك من ربّك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷ - ۴

۴ - تبعیت از وحی و توکل بر خداوند ، از جمله پیمان های خداوند با انبیای خویش است .

و اتّبع ما یوحی إلیك . .. و توكّل علی اللّه ...

وإذا أخذنا من النبيّن ميثقهم

پیروی محمد(ص) از وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۳ – ۸

۸- پیامبر (ص) ، موظف به حرکت دقیق بر اساس وحی الهی و پرهیز از هر عملی مغایر با آن

و إن کادوا لیفتنونک عن الذی أوحینا إلیک لتفتری علینا غیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲ – ۱،۵

۱ – پیامبر (ص) ، موظف بود از تعالیمی که از ناحیه خداوند بر او وحی می شد ، تبعیت کند .

و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک

۵ – پیامبر (ص) موظف بود تا جهت گیری های رسالی خویش را بر اساس تعالیم وحی قرار دهد .

یأیّها النبیّ . .. و لاتطع الکفرین ... و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۹ – ۹

۹- پیامبراکرم (ص) ، تنها متکی به وحی و پیرو رهنمود های خداوند

إن أتّبع إلاّ ما یوحی إلیّ

تاریخ وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۳ – ۱۲

۱۲ نوح ، نخستین پیامبری که خدا به او وحی کرده است . *

كما أوحينا إلى نوح و النبين من بعده

چون آیه مورد بحث نه به صورت تفصیل و نه به صورت اجمال سخنی درباره وحی به پیامبری قبل از نوح(ع) بیان نکرده، می توان گفت قبل از حضرت نوح(ع) پیامبری که خدا به وی وحی کرده باشد وجود نداشته

; بنابراین نوح(ع) اولین پیامبری است که به وی وحی شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۸ – ۱۲

۱۲ – وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأوّلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵ – ۴

۴ – نزول وحی از سوی خدا ، دارای سابقه دیرین در تاریخ بشر

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳ – ۱

۱ – وحی خداوند به پیامبران ، دارای سابقه و دیرینه تاریخی است .

کذلک یوحی إلیک و إلی الذین من قبلک اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۸ – ۲

۲ – آبادی ها و شهر های بسیاری ، در جوامع بشری از وجود وحی و پیامبران الهی ، برخوردار بودند .

و کأیّن من قریه عتت عن أمر ربّها و رسله

تبعیت محمد(ص) از وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۶ – ۱

۱ پیامبر(ص) مأمور پیروی از وحی است.

اتبع ما أوحی الیک من ربک

تبعیت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ پیامبر(ص) تنها تابع وحی الهی است، نه تابع در خواستهای مشرکان.

إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

۶

تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءکم الحق من ربکم . .. و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

تبعیت محمد(ص) از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۷

۷ پیامر (ص) تابع وحی و همواره پیرو دستور های خداوند بود .

قل إنما أتبع ما یوحی إلیّ من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ پیامبر اکرم (ص) ، امین وحی و پیرو بی چون و چرای فرمان های الهی

إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۱

۱ پیامبر (ص) مأمور بود از آنچه که به او وحی می شد ، تبعیت کند .

و اتبع ما یوحی إلیک

تبلیغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۲

۲- رساندن پیام وحی به گوش مردم ، از وظایف رهبران الهی است .

واتل ما أُحی إلیک من کتاب ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۳

۳ - امانت ، دارای نقش محوری در ابلاغ و رساندن پیام وحی

نزل به الروح الأمین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مهم ترین صفتی که خداوند برای حامل وحی بیان داشته، امانت او است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۶

۱۶- رسالت اصلی رهبران الهی ، ابلاغ پیام وحی و اتمام حجت بر خلق

فاصبر . .. و لاتستعجل لهم ... بلغ

<بلاغ> سخنی در توجیه و تعلیل <فاصبر> و <لاتستعجل> است; یعنی، تو مأمور بلاغی و نگران فرجام کافران مباش.

تبیین وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، وظیفه دار پاسخ گویی به اتهامات مشرکان مبنی بر ساختگی بودن قرآن با روشن کردن حقیقت وحی

إنما أنت مفتر . .. قل نزّله روح القدس من ربّک

تثبیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۷ - ۲،۳،۶

۲- تثبیت مفاهیم وحی و جاودانگی آنها در قلب پیامبر (ص) ، جلوه ربوبیت خاص الهی نسبت به آن حضرت

لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا . .. إلاّ رحمه من ربّک

۳- تثبیت وحی و بقای مفاهیم قرآنی ، جلوه رحمت الهی بر بندگان

لئن شئنا لنذهبنّ . .. إلاّ رحمه من ربّک

۶- امتنان خداوند بر پیامبر (ص) به خاطر تثبیت مفاهیم وحی در قلب او

و لئن شئنا لنذهبنّ . .. إن فضله کان علیک کبیرًا

تداوم نزول ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۲

۲ - نزول فرشتگان وحی ، به صورت مستمر و پیاپی

و المرسلت عرفًا

<عُرْف>، مصدر است و در معانی <تتابع> (پی درپی) و معروف (نیک و ارزشمند) به کار می رود. برداشت یاد شده، مبتنی

بر کاربرد نخست است.

تداوم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۶

۶ وحی و بعثت پیامبران (ع) ، جریانی مداوم و پیوسته در تاریخ

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده . .. و ءاتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱

۱ - وحی به پیامبراکرم (ص) ، استمرار وحی بر انبیای پیشین است .

و کذلک أوحینا إلیک

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مشارٌالیه <ذلک>، مطلق وحی باشد (که از آیه قبل استفاده می شود).

تداوم وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، هرگز ارتباط خود را با پیامبر (ص) قطع نکرده و به آن حضرت بی اعتنا نبود .

ما ودّعک ربّک

<تودیع> که در بدرقه مسافر و ترک کردن او متعارف شده است - در این آیه به معنای ترک است (مفردات). فعل های <ما ودّع> و <ما قلی>، براساس شأن نزول هایی که برای این سوره ذکر کرده اند، به مقطع خاصی از عمر پیامبر(ص) نظر دارد که نزول وحی در آن مقطع متوقف شده بود; ولی به قرینه آیات بعد که از آخرت آن حضرت و نیز دوران خردسالی او سخن گفته است تمام حالات و زمان های وجود مبارک پیامبر(ص) مراد است.

تذکرات وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴

- ۵۸ - ۵

۵- تذکار بشر ، هدف نهایی و مورد انتظار وحی

فإنّما یسّرنه . .. لعلّهم یتذکّرون

تشبیه ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۴

۴ - فرشتگان وحی ، همچون طوفان با سرعت بسیار مأموریت خود را دنبال می کردند .

فالعصفت عصفًا

<عاصفات> از نظر لغوی، به معنای تندبادها و طوفان ها است و اگر مقصود از آن، فرشتگان باشد، در این کلام تشبیه و استعاره به کار رفته است.

تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۸

۸- توحید و یگانگی خدا ، شاخص ترین پیام های عقیدتی وحی شده بر پیامبر (ص) است .

یوحی إلیّ أنّما إلهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۴ – ۱

۱ – یگانگی خداوند و حقیقت نداشتن هیچ معبودی جز او ، سرلوحه وحی الهی به موسی (ع) در وادی طوی بود .

إنّنی أنا اللّه لا إله إلّا أنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۵ – ۳

۳- شعار < لا إله إلّا اللّه > ، پرستش خدای یگانه و

مبارزه با شرک و چندگانه پرستی ، محتوای وحی الهی به تمامی رسولان

من رسول إلّانوحی إليه أنّه لا إله إلّاأنا فاعبدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۱ – ۱۲،۱۶

۱۲ – تعیین محتوای وحی ، تنها در اختیار خداوند است و نه خواست غیر او

فیوحی بإذنه ما یشاء

۱۶ – مشیت الهی در تعیین محتوای وحی ، متکی به علو مرتبه و حکمت او است .

فیوحی بإذنه ما یشاء إنّه علیّ حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱ – ۴

۴ – وحی و ادیان الهی ، پیام آور نیکی ها و ارزش ها برای انسان ها

و المرسلت عرفًا

تعقل در وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳ – ۵

۵ – بهره گیری از معارف روشن وحی ، نیازمند تعقل و خردورزی

و الکتب المبین . .. لعلّکم تعقلون

تکذیب نزول وحی بر بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۳

۳ انکار نزول وحی بر بشر، افترا به خداوند است.

ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۹

۹ انکار وحی به پیامبر اکرم (ص) در حقیقت انکار وحی به دیگر پیامبران الهی است .

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده و أوحینا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۷

۷ نپذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمانیّت اوست .

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکّه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم . ..> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شدن به خدا، گویای این نکته است که نپذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله کفر ورزیدن به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۹

۹- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ینظرون إلاّ أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم و ما

تکذیب وحی به بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۲

۲ انکار وحی و رسالت انسان از جانب خدا ، نشانه بی خردی و کوته نظری

أکان للناس عجباً أن أوحینا إلی رجل منهم

استفهام در <أکان للناس عجباً> استفهام انکاری و برای اظهار شگفتی از موضع گیری انکارآمیز مردم مکه در برابر پدیده وحی و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتی خداوند، نشان دهنده این حقیقت است که: مسأله وحی و نبوت مسأله ای بدیهی و ضروری و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است و انکار آن به منزله انکار امور بدیهی و ضروری بوده و

بیانگر بی خردی و کوته نظری منکران آن است.

تکذیب وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلّا إفک افتریه

تلاش مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۵

۵ - تلاش وحی ناباوران ، برای مأیوس ساختن پیامبر (ص) از دعوت آنان به اسلام

و قالوا . .. فاعمل إنّنا عملون

از مانع تراشی های مشرکان و تأکیدهای مکرر آنها مبنی بر نرسیدن دعوت پیامبر(ص) به آنان و نیز تأکیدشان بر پایبندی به کیش خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

تلاوت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۳،۱۴

۱۳ - فرستادگان الهی ، با در دست داشتن وحی الهی در قالب عبارت های قابل تلاوت در میان مردم ، مبعوث می شدند .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم

۱۴ - تلاوت وحی و آیات الهی برای مردم ، از وظایف فرستادگان الهی

رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم

تهدید استهزاگران وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۵

۵ - تهدید استهزاگران وحی از سوی خداوند به کیفر های اخروی

فسیأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

تهمت جادو به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ -

۳ - ۱۵

۳ - اتهام سحر و ساحری به پیامبران و وحی ، زشت ترین موضع گیری تکذیب گران علیه آنان *

أفسحر هذه

اختصاص به ذکر یافتن موضوع <سحر>، بیانگر مطلب بالا است.

جادوانگاری وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۷

۷- اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن وحی

إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر مبین

جاذبه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۲

۲ - شیوایی و جاذبه محسوس پیام وحی ، مورد سوء تعبیر کافران

أم یقولون شاعر

کافران، به جای آن که موزون بودن و شیوایی سخنان وحی را، طریق هدایت خود قرار دهند، مورد سوء تعبیر قرار داده و نوعی شعر قلمداد کرده اند که ناخودآگاه در این نقص گیری به تمجید نشسته اند.

جرم تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فيما أوحى إلىّ محرما . .. فإن كذبوك ... و لا يرد بأسه

حامى وحى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، حامى و نگاهبان پيام وحى ، و پيامبر (ص) موظف به انجام وظيفه ابلاغ

فإنّا منهم منتقمون . .. فإنّا عليهم مقتدرون . فاستمسک بالذى أُوحى إليك

حق ناپذيرى مكذبان وحى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان

- ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۱،۷

۱ - عالمان (آشنایان به معارف آسمانی) ، آنچه را که از جانب خداوند به پیامبر (ص) نازل شده است ، حق می دانند .

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

۷ - لازمه علم و آگاهی ، قضاوت صحیح و واقع بینانه درباره تعالیم نازل شده از جانب خداوند است .

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند; از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

حقیقت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۸

۸ – پایین آمدن مفاهیم عالی وحی از مرتبه < اُمّ الکتاب > تا < زبان عرب > ، نمودی از حکمت الهی است .

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. و إنّه فی أُمّ الکتب

لدينا لعلیّ حکيم

خاستگاه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۳

۳ - وحی ، پديده ای آسمانی و از مبدئی اعلی

کذلک يوحی . .. تکاد السموت يتفطّرن من فوقهنّ

خيريت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱

۱- تقواپيشگان ، معتقد به خير محض بودن وحی الهی (قرآن)

و قيل للذين اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خيرًا

درخواست نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۹

۹ - فرشتگان ، خواهان نزول وحی بر اهل زمين *

و يستغفرون لمن فی الأرض

برداشت ياد شده با توجّه به دو مطلب زير است: الف) مغفرت بدون سبب تحقق پيدا نمی کند. ب) مراد از سبب مغفرت، نزول وحی و تشريع دين باشد که اهل زمين بدين وسيله مشمول مغفرت الهی شوند.

دريافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۶

۶ - سلامت عقلانی پیامبر (ص) ، ضامن دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی و مصونیت مرحله دریافت از خطا و تحریف

و ما صاحبکم بمجنون

دشمنی با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۶

۶ - بنای کافران بر خصومت و موضع گیری علیه هر پیام جدیدالهی ، در طول تاریخ

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث . .. معرضین

دشمنی مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه

- ۶۰ - ۱ - ۶

۶ - کافران به وحی و رسالت پیامبراکرم (ص) ، دشمنان خدا و امت اسلامی اند .

عدوّی و عدوّکم . .. و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

دلایل حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنریهم ءایتنا . .. حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ أَوَلم یکف بربّک أنّه علی کلّ شیء

دلایل نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۳

۲۳ نزول تورات دلیلی بر امکان نزول وحی بر پیامبر(ص) و گواهی بر بطلان پندار منکران نزول وحی بر بشر است.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر . .. قل من أنزل الکتب ... قل الله

رد انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، هرگز ارتباط خود را با پیامبر (ص) قطع نکرده و به آن حضرت بی اعتنا نبود .

ما ودّعک ربّک

<تودیع> که در بدرقه مسافر و ترک کردن او متعارف شده است - در این آیه به معنای ترک است (مفردات). فعل های <ما ودّع> و <ما قلی>، براساس شأن نزول هایی که برای این سوره ذکر کرده اند، به مقطع خاصی از عمر پیامبر(ص) نظر دارد که نزول وحی در آن مقطع متوقف شده بود; ولی به قرینه آیات بعد که از آخرت آن حضرت

و نیز دوران خردسالی او سخن گفته است تمام حالات و زمان های وجود مبارک پیامبر(ص) مراد است.

روش برخورد با مکذّبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۳

۱۳ ابلاغ رحمت خداوند به تکذیب کنندگان وحی و بیم دادن آنان از عذاب خداوند، روشهای کلی مقابله با آنان است.

فإن کذبوک فقل ربکم ذو رحمه وسعه و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

روش برخورد با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ لزوم ژرف نگری در آیات قرآن و پرهیز از برخورد سطحی با پیام های الهی (وحی)

بأنهم قوم لا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۵

۲۵ - موضع گیری انسان ها در برابر وحی ، تعیین کننده سرنوشت آنان در قیامت

کذلک أوحینا . .. فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

روش نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۴

۴ - شیوه وحی الهی به پیامبران ، شیوه ای همسان و همگون *

کذلک یوحی إلیک و إلی الذین من قبل

بنابراین که <کذلک> اشاره به کیفیت و چگونگی وحی داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

روشنگری وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۰ – ۳

۳ – انسان ، بدون روشنگری های وحی ، ناتوان از درک عمیق بسیاری از حقایق هستی

هذا بصائر للناس

زبان وحی

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۵ – ۱،۳

۱ – نزول مفاهیم وحی در قالب الفاظ عربی بر قلب پیامبر (ص)

نزل . .. علی قلبک ... بلسان عربیّ

۳ – انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

بلسان عربیّ مبین

در برداشت یاد شده <مبین> به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. براین اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

زمینه ابلاغ وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۷ – ۱۲

۱۲– ثبات و جاودانی و مصونیت از تحریف ، ملاک ارزشمندی پیام وحی و مقتضی تلاوت و ابلاغ آن است .

واتل ما أُحی إلیك . .. لامبدّل لکلمته

زمینه استفاده از وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳ – ۵

۵ – بهره گیری از معارف روشن وحی ، نیازمند تعقل و خردورزی

و الکتب المبین . .. لعلّکم تعقلون

زمینه اعراض از وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲ – ۹

۹- غفلت از قیامت ، زمینه ساز بی اعتنایی به وحی و بازیچه قراردادن دین است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم ... و هم یلعبون

زمینه افترا به وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ

شمردن پیام راستین وحی

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

<فاء> در <فسیقولون>، بیانگر ترتّب و نتیجه است; یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

زمینه ایمان به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۶

۶ - انسان ، در پرتو سلامت روح و اندیشه ، قادر به دریافت و پذیرش پیام وحی

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. أفأنت تسمع الصمّ ... و من کان فی ضلل مبین

در آیه شریفه قابلیت نداشتن برای هدایت، گمراهی آشکار شمرده شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که وجود قابلیت روحی و فکری برای هدایت، می تواند راه رسیدن به حق را هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۲

۲ - مطالعه در مظاهر قدرت و تدبیر الهی ، ازمیان برنده هرگونه استبعاد و اعجاب انسان ، نسبت به حقایق وحی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

<فاء> تفریع می رساند که اگر توجه کامل به مفاد آیات پیشین که بیانگر قدرت و تدبیر الهی بود مبذول شود، زمینه ای برای استبعاد و ناباوری باقی نخواهد ماند.

زمینه پیروی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- توجیه ناپذیری و نادرستی اعتماد بر غیر خدا برای شناخت حقایق ، مقتضی روی آوردن به تلاوت وحی الهی و پیروی از

آن است .

واتل ما أُحی إلیك . .. و لن تجد من دونه ملتحدًا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - اطاعت کامل از دستورات وحی ، تنها در پرتو باور و یقین به قیامت میسّر خواهد بود .

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها و اتّبعون

ارتباط دو قسمت آیه شریفه (و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها) و (اتّبعون) نشانگر آن است که اعتقاد به قیامت، زمینه ساز پیروی کامل از دستورات خداوند است.

زمینه تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۳

۱۳- استکبار و خودبرتربینی ، مایه محرومیت از هدایت وحی و تکذیب آن

و استکبرتم . .. و قال الذین کفروا ... لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه و إذ لم یهتدوا

با توجه به آیات پیشین و نیز با توجه به صدر و ذیل آیه، استفاده می شود که بهره مند نشدن کافران از هدایت قرآن و تکذیب آن از سوی ایشان، ناشی از استکبار و خودبرتربینی آنان است.

زمینه دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۷

۷- عبودیت خداوند ، زمینه ساز شایستگی انسان برای دریافت وحی الهی *

ینزّل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء من عباده

تبیین <من یشاء> به وسیله <من عباده> و آوردن واژه <عباد> به جای واژه هایی چون: <ناس>، <خلق> و . .. می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۸

۸ - عبودیت خداوند ، زمینه ساز شایستگی انسان برای دریافت وحی

یلقی الروح من أمره علی من یشاء

من عباده

زمینه شناخت ارزش وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۲

۲– تقوا ، زمینه ساز شناخت ارزش وحی الهی

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا

زمینه شناخت وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۶ – ۱۲

۱۲ – جامعه شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محیص

زمینه فهم حقانیت وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۳ – ۵

۵ – دانش بشر و دریافت های علمی او ، در پهنه طبیعت و وجود انسان ، هموارکننده راه درک حقانیت پیام وحی

سنریهم ءایتنا فی الأفاق و فی أنفسهم حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

خداوند حقایقی را در قرآن در مورد انسان مطرح نموده است. از انطباق آن با واقعیت وجودی انسان، حقانیت قرآن آشکار می گردد.این برداشت در صورتی است که ضمیر در <أنّه>، به قرآن باز گردد.

زمینه فهم وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۲

۲– بیداردلی و هوشمندی ، زمینه لازم برای فهم صحیح حقایق الهی و اثرپذیری از وحی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم . .. لاهیه قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۴ – ۷

۷– بهرهوری از مفاهیم عالی وحی ، منوط به داشتن قلب سلیم

و زمینه ساز تدبر

أفلایتدبّرون . .. أم علی قلوب أقفالها

در صورتی که <أم> به معنای <بل> باشد، مفاد آیه چنین می شود: اگر در قرآن تدبر شود، حقیقت بر انسان آشکار می گردد; ولی حق گریزان در نتیجه اعمال خودشان، قلبی بسته و ناتوان از تدبر دارند. در حالی که تدبر در قرآن، برای قلب سلیم و تأثیرپذیر، میسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۸ - ۱

۱ - دستیابی به حقایق وحی جز از طریق پیامبران ، امری ناممکن برای بشر

أم لهم سلّم یستمعون فیه

زمینه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۸

۸ - نبوت و دریافت وحی ، نیازمند سینه ای فراخ و ظرفیتی گسترده است .

قال ربّ اشرح لی صدری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۵

۵ - رحمت گسترده خداوند ، مقتضی نزول وحی و پیام نو به نو برای انسان ها

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث

برداشت یاد شده از ارتباط میان آمدن صفت <رحمان> برای خداوند و صفت <ذکر> برای وحی،استفاده می شود.

زمینه وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۹ – ۴

۴ – نقش عبودیت حضرت محمد (ص) ، در دستیابی آن حضرت به مقام نبوت و دریافت پیام وحی از جانب خداوند

هو الذی ینزّل علی عبده

تعبیر <عبده> درباره پیامبر(ص) به جای هر تعبیر دیگر می تواند حاکی از مطلب یاد شده

باشد.

زمینه وحی به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست; بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

سختی عبور وحی از آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۴

۴ - تحمل عبور وحی ، امری سخت و دشوار بر آسمان ها

تکاد السموت یتفطّرن من فوقهنّ

این که آسمان ها هنگام نزول وحی در آستانه فرو پاشی قرار می گیرند، حاکی از سختی و دشواری تحمل عبور وحی برای آنها است.

سرزنش مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۱

۱ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

سکوت هنگام دریافت وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۶ – ۳

۳ – رعایت سکوت کامل در هنگام دریافت وحی تا پایان یافتن آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

لاتحرّک به لسانک لتعجل به

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۸ – ۱

۱ – رعایت سکوت کامل در هنگام نزول و دریافت وحی تا پایان آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

فإذا قرأنه فاتّبع قرءانه

سنگینی دریافت وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۵ – ۲

۲ – دریافت وحی (قرآن) و تبلیغ آن ، امری بس سنگین و گران بار برای پیامبر (ص)

إنّا سنلقی علیك قولاً ثقیلاً

سوگند به ملائکه وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگان تلاوت گر وحیِ الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فالتّلیت ذکرًا

مراد از <ذکر> وحی الهی و یا خصوص قرآن کریم است. طبق این دیدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیامبران و یا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و المرسلت عرفًا

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده وجود دارد: ۱ تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به <بادها و طوفان ها> است; ۲ همه سوگندها، اشاره به <فرشتگان وحی> است; ۳ سوگند اول و دوم ناظر به مسأله <بادها و طوفان ها> و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم،

جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله <واو> است; در حالی که بقیه به وسیله <فاء> به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است; از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالعصفت عصفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و النشرت نشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالفرقت فرقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالملقیت ذکرًا

سهولت فهم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۸

۸- مفاهیم عالی وحی ، تنزل یافته از سوی خداوند ، در سطح فهم بشر *

و ءامنوا بما نزّل علی محمّد

بدان احتمال که واژه <نزّل> اشاره به تنزل و پایین آمدن سطح مفاهیم در حد درک بشر داشته باشد; از آیه شریفه استفاده می شود که این تنزل از سوی خداوند صورت گرفته است; نه این که مفاهیم کلی بر پیامبر(ص) وحی شده و آن حضرت خود آنها را در سطح فهم مردم بیان کرده باشد.

شرایط نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

شرایط وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ در تلقی وحی الهی و دریافت آن ، رسیدن به سن خاصی شرط نیست .

و أوحینا إلیه

شک در وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۲ - ۱

۱ - مجادلات و اظهار تردید های مشرکان ، درباره وحی و مشاهدات قلبی پیامبر (ص)

أفتمرونه علی مایری

<ممارات و مراء> (مصدر <تمارون>) معادل <مجادله و جدال> است; یعنی، <أفتمارونه علی مایری>.

شک مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۱

۱- کافران و منکران وحی ، گرفتار بازی در فضای شک و تردید

بل هم فی شکّ

این آیه در حقیقت پاسخی به این پرسش است که: چرا علی رغم دلایل روشن بر حقانیت وحی و رسالت پیامبران، گروهی به کفر و انکار وحی می گرایند؟

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۲ – ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ . .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنّا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

شگفتی وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵ – ۱

۱ – وحی ، از پدیده های شگفت انگیز جهان هستی است .

کذلك یوحی . .. تکاد السموت یتفطّرن من فوقهنّ

ذکر شکافته شدن آسمان ها پس از بیان نزول وحی، می تواند بیانگر تأثیر نزول وحی بر جهان هستی باشد و این مطلب نشانگر عظمت و شگفتی این پدیده است.

شیاطین و وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۸ – ۷

۷- وحی به هنگام نزول از آسمان ، از دخل و تصرف شیاطین در امان است . *

إنا نحن نزّلنا الذّکر و إنا له لحفظون . .. و حفظنها من کلّ شیطن رجیم . إلاّ من

احتمالاً- مراد از حفظ آسمانها از شیطانها و طرد آنها از آن جا، به منظور دست نیازیدن به وحی باشد که می تواند از جمله موارد حفظ وحی باشد.

صبر بر مشکلات وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءکم الحق

من ربکم . .. و اتبع ما یوحی إلیك و اصبر حتی یحکم اللّه

صداقت کاتبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۲

۲ - نویسندگان قرآن در صحیفه های پاك و والا مرتبه ، کاتبانی راست گفتار ، مطیع خداوند و درست کرداراند .

بأیدی سفره . .. برره

<برره> و <ابرار> به یک معنا است; جز این که <برره> مبالغه بیشتری دارد; زیرا جمع <برّ> است و <برّ> مبالغه بیشتری از کلمه <بارّ> (مفرد <ابرار>) دارد (مفردات راغب). از جمله معانی ای که برای <بِرّ> ذکر شده، <صلاح و درست کاری>، <اطاعت> و <صداقت> است. (لسان العرب)

عبور وحی از آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۲

۲ - عبور وحی الهی ، از آسمان ها

کذلك یوحی . .. تکاد السموت یتفطّرن

چنانچه عامل شکافته شدن آسمان ها را وحی الهی بدانیم، نزدیک ترین رابطه میان وحی و آسمان ها، چیزی جز این نخواهد بود که آسمان ها مسیر عبور وحی است.

عصمت در تبلیغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۸ - ۲

۲ - پیامبران ، معصوم و مصون از خطا در ابلاغ کامل پیام های الهی به مردم

لیعلم أن قد أبلغوا رسلت ربّهم

عصمت در دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه خطا ، به هنگام دریافت وحی

ما کذب الفؤاد مارأی

در صورتی که

مراد از <مارأی> وحی باشد، تعبیر <ماکذب. ..> نشانگر راه نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف به هنگام دریافت وحی است.

عظمت تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۷

۷ - مفاهیم وحی ، قبل از نزول در قالب واژگان عرب ، مفاهیمی فراتر از عقل بشر بوده است .

إنّا جعلنه قرءانًا عربیّا لعلّکم تعقلون

از این که فلسفه عربی بودن قرآن، خردورزی در آن قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

عقلانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۶

۶- معارف وحی ، آشنا برای فطرت و عقل انسان

لعلّهم یتذکّرون

کاربرد <یتذکّرون> در مقام ترسیم هدف تسهیل معارف وحی، نمایانگر این حقیقت است که حقایق وحی، مأنوس با انسان و آشنا با او است؛ لیکن وی در گذر زمان گرفتار غفلت و فراموشی گشته است.

علم به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱

۱ - آگاهی پیامبر (ص) بر وحی و زبان گشودن آن حضرت به قرائت قرآن ، وابسته به خواست خداوند و در گرو عنایت ویژه او بود .

سنقرئک

عمل صالح کاتبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۲

۲ - نویسندگان قرآن در صحیفه های پاک و والا مرتبه ، کاتبانی راست گفتار ، مطیع خداوند و درست کرداراند .

بأیدی سفره . .. برره

<برره> و <ابرار> به یک معنا است; جز این که <برره> مبالغه بیشتری دارد;

زیرا جمع <بَرّ> است و <بَرّ> مبالغه بیشتری از کلمه <بارّ> (مفرد <ابرار>) دارد (مفردات راغب). از جمله معانی ای که برای <بِرّ> ذکر شده، <صلاح و درست کاری>، <اطاعت> و <صداقت> است. (لسان العرب)

عوامل اعراض از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۵

۵ - ذهن خرافه پرست مشرکان ، بدون تمایل به کلام ناب و بی خرافه وحی *

أم له البنت و لکم البنون

با توجه به این که آیات شریفه، در مقام تأیید و تحکیم رسالت پیامبر(ص) است؛ بیان اعتقاد خرافی کافران در آیه بالا، می تواند اشاره به یکی از عوامل عمده سرپیچی کافران از پذیرش رسالت (خرافه پرستی آنان) داشته باشد.

عوامل تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱،۲

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

۲ انکار وحی و رسالت یافتن بشر، معلول نقصان معرفت آدمی به خداوند است.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۲

۲ - استکبار ، عامل نادیده انگاشتن حقایق وحی و اصرار بر انکار آن *

یسمع ءایت اللّه تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا کأن لم یسمعها

تعبیر <مستکبراً کأن لم یسمعها> چنین می نمایاند که صفت استکبار، از عوامل مهم کفر و پافشاری بر

رد آیات روشن الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ - تخلّف از دستور پیامبر (ص) و ناباوری نسبت به وحی ، ناشی از سطحی نگری است .

کذلکم قال اللّه من قبل فسیقولون بل تحسدوننا بل کانوا لایفقهون إلاّ قلیلاً

با توجّه به ارتباط صدر و ذیل آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۲

۲ - باطل گرایی و سرگرم شدن به پوچی ها ، عامل اصلی تکذیب وحی و قیامت

الذین هم فی خوض یلعبون

از این که <الذین هم. ..> به عنوان تنها وصف <المکذّبین> آمده است; نقش اصلی آن در تکذیب حق استفاده می شود.

عوامل دشمنی با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۴

۴ - طغیان و سرکشی ، عامل اصلی رویارویی کافران علیه پیامبر (ص) و آرزوی خاموشی پیام وحی

نتربّص به ریب المنون . .. أم هم قوم طاغون

عوامل غفلت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰- سرگرمی انسان به دنیا ، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر . .. و هم یلعبون

جمله <و هم یلعبون> حال برای ضـمیر فاعلی <استمعوه> و بیانگر وضـعیت مشـرکان و مردم حق گریز است. این وضـعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله <لاهیه قلوبهم> در صدر

آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - غفلت از قیامت و دور پنداشتن آن ، از موانع مهم بی توجهی انسان به حقایق وحی و قوانین الهی

اللّه الذی أنزل الکتب . .. و ما یدریک لعلّ الساعه

از این که در مسأله قیامت، امکان نزدیک بودن آن تخصیص به ذکر یافته، اهمیت آن استفاده می شود.

عوامل محرومیت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۵

۵ - اگر پیامبر (ص) کوچک ترین افترا و دروغی بر خدا می بست ، کذب وی فاش و از نعمت دریافت وحی محروم می شد .

أم یقولون افتری علی اللّه کذبًا فإن یشإِ اللّه یختم علی قلبک

بنابراین که جمله <فإن یشإ اللّه. ..> پاسخ اتهام مشرکان باشد، می توان استفاده کرد که اگر پیامبر(ص) دروغ و افترایی بر خدا می بست، خداوند قلب او را مهر و موم می کرد و در نتیجه از دریافت وحی، محروم می ماند.

عوامل مخالفت با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۴

۴ - خودبزرگ بینی و توهم اقتدار و نیرومندی ، از عوامل حق ناپذیری و وحی ستیزی

فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

تذکر <فأهلکنا أشد. ..> در حقیقت هشدار به کسانی است که با احساس توانمندی، پنداشته اند که می توانند از مجازات حق ستیزی گریخته و ایمن بمانند.

عوامل

مصونیت وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۴ – ۸

۸ – لطف ، رحمت ، قدرت و عزت خداوند ، مقتضی مصون داشتن حریم وحی از نفوذ و تصرف دروغ پردازان

اللّه لطیف بعباده . .. و هو القویّ العزیز ... و یمح اللّه البطل

ارتباط مجموعه آیات و سیاق واحد آنها، می تواند بیانگر معنای یاد شده باشد.

فرجام شوم استهزای وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۶ – ۱۶

۱۶– تمسخر پیام وحی و وعده های پیامبران ، دارای فرجامی سخت

فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین . .. و حاق بهم ما کانوابه یستهزءون

فضایل ملائکه وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۶ – ۳

۳ – سفیران الهی و واسطه های ابلاغ قرآن ، فرشتگانی ارجمند و درست کاراند .

بأیدی سفره . کرام برره

برداشت یاد شده، براساس معنای سفارت (رسالت) در <سفره> است و به احتمالی که در توضیح ۴ در آیه قبل مطرح شد، نظر دارد.

فطریت وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۶

۶- معارف وحی ، آشنا برای فطرت و عقل انسان

لعلّهم یتذکّرون

کاربرد <یتذکّرون> در مقام ترسیم هدف تسهیل معارف وحی، نمایانگر این حقیقت است که حقایق وحی، مأنوس با انسان و آشنا با او است؛ لیکن وی در گذر زمان گرفتار غفلت و فراموشی گشته است.

فلسفه انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳

۱۰ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < ما ودّعک ربّک و ما قلی > و ذلک أنّ جبرئیل أبْطَأ عن رسول اللّه (ص) . . . فقالت خدیجه لعلّ ربّک قد ترکک فلایرسل إلیک فأنزل اللّه تبارک و تعالی ، < ما ودّعک ربّک و ما قلی > ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <ما ودّعک ربّک و ما قلی> روایت شده که فرمود: داستان چنین بود که آمدن جبرئیل نزد رسول خدا(ص) چندی به تأخیر افتاد . ..خدیجه گفت: شاید پروردگارت تو را ترک کرده که دیگر [فرشته ای] به سویت نمی فرستد. پس خدای تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: <ما ودّعک ربّک و ما قلی>».

فلسفه نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - آشنا شدن مردم با معاد و باور داشتن آن ، از اهداف نزول وحی

یلقی الروح . .. لینذر یوم التلاق

فلسفه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۳

۳- وحی الهی (قرآن و . . .) ، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربّهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی الهی

به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرتِ انسانِ غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۷

۷ - ربوبیت خداوند ، مقتضی ارسال وحی به منظور هدایت بندگان است .

و إن اهتدیت فبما یوحی إلیّ ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۶

۱۶ - انذار از قیامت ، از اهداف مهم وحی الهی

کذلک أوحینا إلیک . .. و تنذر یوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۶

۶ - یکسان سازی سرنوشت انسان ها در قیامت ، ناهماهنگ با فلسفه نزول وحی و بعثت پیامبران

و کذلک أوحینا . .. لتنذر ... و لو شاء اللّه لجعلهم أمّه وحده

از آنجا که آیه شریفه در ادامه آیات مربوط به وحی می باشد، می توان استفاده کرد که نزول وحی با یکسان ساختن انسان ها، از نظر کفر و ایمان و در نتیجه وحدت سرنوشت آنان ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۴ - ۳

۳ - وحی و رسالت ، در راستای رشد و تکامل انسان ; و نه برآوردن تمنیات هواپرستانه او *

و لقد جاءهم من ربّهم الهدی . أم للإنسن ما تمنّی

برداشت یاد شده بدان احتمال است که: الف) مراد از <الهدی> در آیه پیش، وحی و رسالت باشد. ب) آیه <أم للإنسان...> با <و لقد جاءهم من ربّهم...> مرتبط باشد; یعنی، انسان نباید انتظار آن

را داشته باشد که آمال هواپرستانه اش، در شریعت ارضا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۱

۱ - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

<عـذر> و <نـذر> مصـدر و بـه معنـای <اعـذار و انـذار> اسـت و نصـب ایـن دو، بـه جهـت مفعـول لـه بـودن آنهـا برای <ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکراً> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

فلسفه وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۵

۵ - بر دوش داشتن رسالت انذار و اخطارگری ، فلسفه نزول وحی بر پیامبر (ص)

إن یوحی إلیّ إلّاأنّما أنا نذیر

برداشت یاد شـده از آن جا است که <أنّما. ..> به تقـدیر لام تعلیل است; یعنی، <إن یوحی إلیّ إلّا لأنّما أنا نذیر...> (به من وحی نمی شود، مگر به خاطر این که من نذیر و اخطارکننده هستم).

فهم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۴

۴ - کافران به دروغ ، مدعی قابل درک نبودن حقایق وحی *

أفسحر هذه أم أنتم لاتبصرون

عبارت <أم أنتم لاتبصـرون> در حقیقت تکرار همان سـخن کافران است که در دنیا نسبت به حقایق دین می گفتند و مدعی بودند که ما در سخنان وحی حقیقتی نمی یابیم.

قوم نوح و وحی به نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷

- یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۶

۶ نبوّت حضرت نوح (ع) و نزول آیات الهی بر او برای قومش امری دشوار و باور نکردنی بود .

یقوم إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت اللّه

جمله <فکذبوه> در دو آیه بعد (۷۳) دلالت می کند بر اینکه موضوع مورد بحث، نبوت و رسالت حضرت نوح (ع) است و حضرت در مقام تحدی و اثبات این ادعاست.

کافران مکه و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعث، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴

۴- کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نُزّل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

کافران و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا عليك كتبا فى قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر

مبی

کفر به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ فسق بنی اسرائیل عامل ایمان نیاوردن به خدا ، پیامبر (ص) و وحی الهی

و لو کانوا یؤمنون . .. و لکن کثیراً منهم فسقون

جمله <و لکن . ..> بیانگر علت عدم ایمان بنی اسرائیل است.

کیفر اخروی استهزاگران وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۵

۵ - تهدید استهزاگران وحی از سوی خداوند به کیفر های اخروی

فسیأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

کیفیت وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، دریافت کننده وحی بدون دخالت حواس ظاهری

نزل به الروح الأمین . علی قلبک

تعبیر <علی قلبک> به جای <علیک> اشاره به کیفیت تلقی قرآن به وسیله پیامبر(ص) دارد;یعنی، آنچه که قرآن را از روح الامین دریافت می کرد، قلب و جان پیامبر(ص) بود; بدون مشارکت حواس ظاهری آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۶ – ۴

۴ – نزول آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، به تدریج و جمله جمله بود .

لاتحرّك به لسانک لتعجل به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۸ – ۳

۳ – نزول وحی و آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، در قالب الفاظ و به شکل قرائت و روخوانی بر ایشان بود .

فإذا قرأنه فاتّبع قرءانه

برداشت یاد

شده از به کار رفتن واژه <قرائت> استفاده می شود.

لجاجت مخالفان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

محافظان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۵

۵ - خداوند ، برای حفاظت از وحی ، نگهبانانی را در اطراف پیامبر (ص) گماشته است .

فإنّه یسلک من بین یدیه و من خلفه رصدًا

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) است و مقصود از آن در این آیه، فرشتگانی است که خداوند بعد از نزول وحی، به آنها دستور داده بود پیامبرش را از هر سو احاطه کنند و آن حضرت از شرّ شیاطین جن و انس و وسوسه های آنها و آنچه اصالت وحی را خدشه دار می کند، محافظت و پاسداری نمایند; تا پیام الهی بی کم و زیاد و بدون کمترین خدشه ای به بندگان ابلاغ گردد. این خود یکی از دلایل معصوم بودن پیامبر(ص) در امر رسالت و مصونیت وحی از دستبرد است.

محافظت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۷

۷- وحی به هنگام نزول از آسمان ، از دخل و تصرف شیاطین در امان است . *

إنا نحن نزّلنا الذّکر و إنا له لحفظون . .. و حفظنها من کلّ شیطن رجیم . إلاّ من

احتمالاً مراد از حفظ آسمانها از شیطانها و

طرد آنها از آن جا، به منظور دست نیازیدن به وحی باشد که می تواند از جمله موارد حفظ وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، حامی و نگاهبان پیام وحی ، و پیامبر (ص) موظف به انجام وظیفه ابلاغ

فإنّا منهم منتقمون . .. فإنّا علیهم مقتدرون . فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

محتوای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۷

۷ توحید، محتوا و محور اصلی وحی است.

اتبع ما أوحی الیک من ربک لا إله إلا هو

محدوده وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۵

۵- مجموعه آنچه از دانش ها و معارف الهی بر پیامبر (ص) وحی شده ، در مقایسه با حقایق و اسرار نهفته در هستی و علم الهی ، اندک است .

و ما أُوتیتم من العلم إلاّ قلیلاً. و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

محل نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۶

۶ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول و دریافت وحی الهی

فإن یشإِ اللّه یختم علی قلبک

محمد(ص) و ابلاغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲ - ۱،۲،۳

۱ تکـذیب پیـامبر از سوی مشـرکان به خـاطر مطرح کردن قیـامت و نیز پیشـنهاد های نابه جای ایشان ، آن حضـرت را در خطر ترک و

عدم ابلاغ برخی از آیات قرار داده بود .

فلعلّک تارک بعض ما یوحی إلیک و ضائق به صدرک أن یقولوا لولا أُنزل علیه کنز

روشن است که خوف و شکی که <لعلّ> دلالت بر آن می کند به لحاظ متکلم (خداوند) نیست; بلکه حاکی از خوف و تردید مخاطب (پیامبر) و یا موقعیت خاصی است که هر انسانی احتمال ترک برخی از آیات را دور از انتظار نمی بیند. بنابراین <لعلک تارک ...> می رساند که پیامبر در شرایطی بود که این خوف و احتمال وجود داشت که در ابلاغ برخی از آیات به تردید بیفتد و مصلحت ببیند که آنها را موقتاً ابلاغ نکند تا شرایط و جو پیشامده تغییر کند. <أن یقولوا ...> به تقدیر <لام> و <لا> ی نافیه (لأن لایقولوا...) بیانگر علت و ریشه پدید آمدن زمینه و شرایط آن خوف و احتمال است. تفریع <لعلّک تارک...> بر آیه هفتم می رساند که تکذیب قیامت نیز می توانست در پدید آمدن آن شرایط مؤثر باشد.

۲ پیامبر (ص) وظیفه دار ابلاغ همه معارف و احکام وحی شده به او ، هر چند برخی از آنها ، جبهه گیری و مخالفت مردمان را در پی داشته باشد .

إن هذا إلاّ سحر مبین . .. فلعلّک تارک بعض ما یوحی إلیک

۳ اندیشه ترک ابلاغ برخی از آیات قرآن ، مایه دلتنگی و ناراحتی پیامبر (ص) می شد .

فلعلّک تارک بعض ما یوحی إلیک و ضائق به صدرک

در برداشت فوق، جمله <و ضائق به صدرک> حالیه گرفته شده است و ضمیر در <به> به اندیشه ترک ابلاغ که از جمله <لعلّک

تارک . ..> به دست می آید برگردانده شده است; یعنی، اگر چنان جو و پیشامدی رخ دهد که تو را در ابلاغ برخی آیات به تردید افکند و اندیشه ترک آنها را در ذهن بپرورانی این اندیشه تو را سخت دلتنگ و ناراحت می کند.

محمد(ص) و ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۶

۶ - ارتباط پیامبر (ص) با فرشته وحی

إنّه لقول رسول کریم

محمد(ص) و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۸

۸ پیامبر اکرم (ص) در پی بهانه جویی های مشرکان و پرسش های مکرر آنان از علت عدم نزول معجزه ، در انتظار پاسخ و رهنمودی از سوی خداوند بود .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه . .. إنی معکم من المنتظرین

محمد(ص) و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۳

۱۳ پیامبر (ص) در چگونگی استدلال بر حقایق و معارف دین تابع وحی و تعلیم خداوند بود .

قل لاأملک لنفسی نفعا . .. و لو کنت أعلم الغیب

آیه شریفه استدلالی است برای زدایش این توهم که، پیامبر(ص) عالم به غیب است و زمان برپایی قیامت را می داند. شروع آیه با کلمه <قل> به این نکته اشاره دارد که پیامبر حتی در تبیین استدلال تابع وحی است و چگونگی استدلال را از خداوند فرامی گیرد.

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۴ – ۲

۲ – پیامبر (ص) به هنگام انتظار وحی روی به سوی آسمان داشت و به هر طرف آن چشم می دوخت .

قد نری تقلب وجهک فی السماء

<تقلب> به معنای: چرخیدن و حرکت کردن از سویی به سوی دیگر است. چرخش صورت در آسمان به معنای نگاه کردن به این سو و آن سوی آسمان است.

مخالفان وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۳ – ۳

۳ – مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان ، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلغ دین سست گرداند .

فإمّا نذهبنّ . .. فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

از تفریع این آیه بر آیات پیشین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شده استفاده می شود.

مراتب وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۳ – ۸

۸ – تفاوت نحوه ابلاغ و انزال پیام های دینی ، به پیامبراکرم (ص) و انبیای پیشین . *

ما وصّی به . .. و الذی أوحینا إلیک

با توجه به تفاوت مواد و محتوای دو واژه <وصیت> و <وحی>، برداشت یاد شده به دست می آید.

مردم و استماع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۶

۶ - گروهی از بنی اسرائیل خود بدون واسطه پیامبر کلام خداوند را شنیدند . ❊

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه

بر

اساس نظر برخی از مفسران، مراد از <فریق منهم> در جمله فوق، آن هفتاد نفری است که موسی(ع) آنان را گزینش کرد تا خود کلام الهی را بشنوند. اینان همان سخنان را تحریف کردند.

مشرکان مکه و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۴

۴ - اظهار شگفتی و ناباوری مشرکان مکه ، نسبت به نزول وحی بر فردی عادی و غیراشرافی

لولا نزّل هذا القرءان علی رجل من القریتین عظیم

با توجه به اعتراض مشرکان مکه که چرا پیامبر، از میان اشراف و ثروتمندان برگزیده نشد، فقر و تنگدستی پیامبر(ص) به دست می آید.

مشکلات تبعیت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۵

۵ تبعیت محض از وحی الهی و گام نهادن در مدار حق ، ملازم با سختی ها و مشکلات است .

قد جاءکم الحق من ربکم . .. و اتبع ما یوحی إلیك و اصبر حتی یحکم اللّه

مصونیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۷

۷ - قلمرو وحی ، مصون از دخل و تصرف عناصر ناصالح و دروغ پرداز

و یمح اللّه البطل

مقامات ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵ – ۵

۵ – فرشتگان وحی ، موجوداتی بس بلند مرتبه و ارجمند در پیشگاه خداوند

و المرسلت عرفًا . .. فالملقیت ذکرًا

برداشت یاد شده، به این سبب است که فرشتگان، مورد سوگند الهی قرار گرفتند.

مکان ظهور ملائکه وحی

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۴

۴ - هر ناحیه ای از آسمان می توانست و احتمال داشت که محل ظهور و پیدایش فرشته وحی بر پیامبر (ص) باشد .

قد نری تقلب وجهک فی السماء

از اینکه پیامبر(ص) برای مشاهده نزول فرشته وحی به نقطه ای خاص و معین چشم نمی دوخت و صورتش را به هر سویی می چرخانید، به برداشت فوق می توان دست یافت.

مکان ظهور وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۳

۳ - آسمان محل ظهور و بروز وحی بر پیامبران

قد نری تقلب وجهک فی السماء

مکذّبان نزول وحی بر بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی

مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱،۴،۶

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شیء

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض

با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء قل من أنزل الکتب الذی جاء به موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۹

۹ ادعای عدم نزول وحی، به دروغ مدعی نبوت شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، از روشهای مخالفان برای مبارزه با اسلام و پیامبر(ص) بود.

ما أنزل الله علی بشر . .. افتری علی الله کذبا أو قال أوحی إلیّ ... سأنزل مثل ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

کذلک سلکنه . .. لایؤمنون به حتّی یروا العذاب الألیم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الألیم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا یستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزا، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۵ - ۵،۶

۵ - مردم انطاکیه ، نزول چیزی را از ناحیه خداوند رحمان برای عالم دنیا و پدیده های آن (انسان و . . .) ، ممکن نمی دانستند .

و ما أنزل الرحمن من شیء

۶ - مردم انطاکیه ، نزول وحی و آمدن پیامی از جانب خدای رحمان بر پیامبران فرستاده شده به سوی

خویش را ، انکار می کردند .

و ما أنزل الرحمن من شیء

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که چون آیه شریفه در مقام بیان علتِ انکار وحی از سوی کافران است، مقصود از <شیء> همان وحی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۲

۲ - انکار لجاجت آمیز وحی و قرآن ، از سوی مشرکان مکه

و رسول مبین . و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر و إنّا به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱

۱ - قوم نوح ، نمونه ای عبرت انگیز از اقوام تکذیب کننده وحی و رسالت در طول تاریخ

من الأنباء ما فیه مزدجر . .. کذّبت قبلهم قوم نوح

با توجه به ارتباط این آیه با آیه <من أنباء ما فیه مزدجر>، استفاده می شود که بیان کفر قوم نوح، از جمله اخبار هشداردهنده قرآن است.

ملاک ارزش وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۲

۱۲- ثبات و جاودانی و مصونیت از تحریف ، ملاک ارزشمندی پیام وحی و مقتضی تلاوت و ابلاغ آن است .

واتل ما أُحی إلیک . .. لامبدّل لکلمته

ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۳

۳- روح القدس (جبرئیل) ، واسطه ابلاغ وحی و نازل کننده قرآن از جانب پروردگار

قل نزّله روح القدس من ربّك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ –

۳ - ۶۴

۳- فرشتگان در نزول بر پیامبر (ص) و آوردن وحی ، تنها از خداوند اطاعت می کنند .

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّک

گرچه در این آیه مطرح نشده است که فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند و چه مطالبی را نازل می کنند؛ ولی به قرینه <ربک>، بارزترین مصداق برای گویندگان <ما نتنزّل. ..>، مأموران ابلاغ قرآن به پیامبر(ص) می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۵

۵ - روح القدس (جبرئیل) ، واسطه وحی الهی برای پیامبراکرم (ص) بود .

کذلک أوحینا إلیک روحًا من أمرنا

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از <روحاً> فرشته وحی (جبرئیل) باشد. دراین صورت نصب <روحاً> مبتنی به اعتبار نزع خافض و به تقدیر <أوحینا إلیک بروح من أمرنا> است و یا به لحاظ عامل محذوف و به تقدیر <أوحینا إلیک بإرسالنا روحاً من أمرنا> می باشد.

منافقان و وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۳

۳ حقانیت پیامبر (ص) و ارتباط او با وحی ، امری ثابت شده برای منافقان

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره تنبئهم بما فی قلوبهم

بیم منافقان از افشای اسرارشان به وسیله قرآن، تلویحاً می رساند که آنان ارتباط پیامبر(ص) با وحی را امری مسلّم می شمردند.

منشأ انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۸

۸ - پیدایش وقفه ای کوتاه در نزول وحی بر پیامبر (

ص) ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور رسالت آن حضرت بود .

ربّک

در شأن نزول های متعدد و ناهماهنگ درباره این سوره، این نکته مورد اتفاق است که در نزول پیاپی آیات قرآن، درنگی پدید آمد که پیامبر(ص) را غمگین و مورد شماتت دشمن قرار داد و آیات این سوره، برای آن حضرت مایه تسلای خاطر گردید. تعبیر <ربّک> بیانگر آن است که همین وقفه نیز، جلوه ربوبیت و تدبیر خداوند بوده و آن حضرت را در مسیر دریافت و ابلاغ پیام های الهی، تقویت کرده است.

منشأ مخالفت با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۳

۳- مخالفت با پیام اصول وحی ، ریشه در انحرافات روحی و روانی فرد دارد ; نه پیچیدگی و ابهام مفاهیم آن .

بل هم فی شکّ یلعبون

<شک> و <لعب> آن هم شکی که دستمایه بازی و سرگرمی و بحث و لجاج قرار گیرد از موانع رسیدن به حق و اقرار به آن می باشد و ویژگی چنین شکی، بیماری روحی است.

منشأ مصونیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۷

۷ - عزت خداوند ، ضامن بقاء و استحکام وحی و معارف الهی است .

یوحی إلیک . .. اللّه العزیز الحکیم

از توصیف خداوند به عزیز و ارتباط صدر و ذیل آیه، می توان استفاده کرد که عزت خداوند مانع از بین رفتن معارف الهی است.

منشأ نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲ - ۴

۴-وحی الهی ، یادآوری به مردمان و نجات آنان از غفلت و بی خبری ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

ما یأتیهم من ذکر من ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی نزول وحی و کتاب آسمانی

أُنزل إلیکم من ربّکم

منشأ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۴

۴- بقا و زوال علوم اعطایی خدا به بشر ، حتی دریافت وحی توسط پیامبر (ص) ، منوط به مشیت خداست .

و ما أُوتیتم من العلم إلاّ قلیلًا. و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۴

۴- خداوند ، مبدأ وحی و ارسال پیامبران

و ما أرسلنا قبلك إلاّ رجالاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۳،۶

۳ - ربوبیت الهی ، مقتضی ارسال وحی به پیامبر (ص) است .

و اتّبع ما یوحی إلیك من ربّک

۶ – چون سرمنشأ صدور وحی ، ربوبیت خداوند است ، پس باید از آن تبعیت کرد .

و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۵۰ – ۷

۷ – ربوبیت خداوند ، مقتضی ارسال وحی به منظور هدایت بندگان است .

و إن اهتدیت فبما یوحی إلیّ ربّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ –

۷ - ۱۵

۷ - گزینش پیامبران برای دریافت وحی ، وابسته به مشیت خداوند و از شؤون اختصاصی او است .

یلقی الروح من أمره علی من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۱۰

۱۰ - تحقق وحی در نظام طبیعت و انتخاب آن به عنوان راه ارتباط خداوند با خلق ، متکی به عزت و حکمت او است .

کذلک یوحی إلیک . .. اللّه العزیز الحکیم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که وصف عزیز و حکیم نظر به توجیه و تبیین اصل وحی داشته و پاسخی به دو پرسش باشد: الف) آیا راستی وحی امری ممکن است ؟ ب) چرا شیوه وحی به عنوان راه ارتباط خدا با خلق انتخاب شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴ - ۲

۲ - وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

کذلک یوحی إلیک . .. له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۳

۳ - وحی ، پدیده ای آسمانی و از مبدئی اعلی

کذلک یوحی . .. تکاد السموت یتفطّرن من فوقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱۰،۱۵

۱۰ - ارسال وحی از سوی فرشته وحی ، تنها منوط به اذن و مشیت الهی است .

فیوحی بإذنه ما یشاء

۱۵ – وحی و شیوه های گوناگون آن ، متکی بر حکمت و کاردانی خداوند است

.

و ما کان لبشر أن . .. إنّه علیّ حکیم

<حکیم> در جمله <إنّه علیّ حکیم>، می تواند مرتبط با وحی و گزینش نوع آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱

۱ - انتخاب پیامبر و تعیین جایگاه رسالت و وحی ، تنها در حوزه اراده و انتخاب الهی است .

أهم یقسمون رحمت ربّک

مراد از <رحمت ربّک> با توجه به آیه قبل نبوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۳

۳ - مفاهیم وحی و قرآن ، متکی به مبدأی مقتدر و بس نیرومند

علّمه شدید القوی

منشأ وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۶

۶ - القای وحی به پیامبران به فرمان خداوند بوده است .

یلقی الروح من أمره

<روح> در اصل به معنای مایه حیات و وسیله حیات بخش انسان است (قاموس المحیط)؛ ولی طبق نظر مفسران در این آیه در معنای کنایی به کار رفته و مقصود از آن وحی الهی است که مایه حیات معنوی انسان ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۹

۹ - وحی به پیامبر (ص) ، تابع مشیت و خواست خداوند

فإن یشإِ اللّه یختم علی قلبک

جمله <یختم علی قلبک> کنایه از انقطاع وحی است. از ارتباط آن با مشیت خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ -

۴ - فرمان دریافت و قرائت قرآن به پیامبر (ص) ، برخاسته از مقام ربوبی خداوند و مایه رشد و تعالی آن حضرت

اقرأ و ربّکَ الأکرم

موانع انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۳

۳ - توجّه پیامبر (ص) ، به ربوبیت و عنایت ویژه خداوند به او ، مایه اطمینان آن حضرت به قطع نشدن ارتباط الهی با او است .

ما ودّعک ربّک

موانع ایمان به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

موانع تأثیر وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۳

۳ - اندیشه محدود مشرکان ، مانع از تأثیر پیام وحی در آنان

فأعرض عن من . .. ذلک مبلغهم من العلم

در صورتی که <ذلک مبلغهم. ..> بیانگر فلسفه تکلیف اعراض برای پیامبر(ص) باشد، مفاد آن چنین می شود: چون محدوده دانش مشرکان از دنیا فراتر نمی رود، بنابراین از درک معارف معنوی عاجزاند. پس از آنان روی بگردان; زیرا پیام

های الهی در عناصری مانند آنان تأثیر ندارد.

موانع فهم وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۹ – ۴

۴- سر گرمی در میدان تردید و توقف در وادی شک و مصمم نبودن برای رسیدن به یقین ، مایه

محرومیت انسان از درک پیام مستدل وحی

إن کنتم موقنین . .. بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <فی شکّ> استقرار در شک را می رساند; به علاوه آن که <یلعبون> آن را تأکید می کند. از مقابله این آیه با <إن کنتم موقنین>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸،۱۱

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا . .. ماذا قال ... أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم و اتّبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیك . .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

۱۱- هواپرستی ، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم

جمله <واتّبعوا أهوائهم> می تواند بیانگر علت <طبع اللّه . ..> باشد; چه این که <طبع اللّه> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

موانع محو وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۷ - ۱

۱- لطف و رحمت خداوند ، مانع بازپس گیری وحی (حقایق و معارف وحیانی) از پیامبر (ص)

لئن شئنا لنذهبنّ . .. إلّا رحمه من ربّک

استثنا ممکن است از کلمه و یا کلامی محذوف صورت گرفته باشد: مثلاً عبارت چنین باشد آنچه را به تو دادیم، جز از

سر رحمت ندادیم و بنابراین، محو نخواهیم کرد. و یا استدراک از <لئن شئنا> باشد و عبارت چنین فرض شود: <و لکن لانشاء ذلک رحمه> (ولی زایل کردن معارف عطا شده را نمی خواهیم به خاطر رحمت به تو)

موانع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۱،۳

۱ - افراط و زیاده روی مردم عصر بعثت در مخالفت با پیامبر (ص) ، مانع لطف خدا در فرستادن وحی نبود .

أفنضرب عنکم الذکر صفحًا أن کنتم قومًا مسرفین

با توجه به مقام آیه که مسأله وحی را مطرح می کند مراد از <اسراف>، افراط و زیاده روی در مخالفت با وحی خواهد بود.

۳ - اراده خداوند در نزول وحی ، متأثر از واکنش های مردم نیست .

أفنضرب عنکم الذکر صفحًا أن کنتم قومًا مسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطهوری مردم در جرم و گناه ، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أنّ هؤلاء...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

موضعگیری علیه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۶

۶ - بنای کافران بر خصومت و موضع گیری علیه هر پیام جدیدالهی ، در طول تاریخ

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث . .. معرضین

مؤمنان به وحی

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۵

۵ - مادر موسی (ع) ، به پیام خداوند ایمان داشت و به حفظ جان موسی (ع) از جانب او مطمئن بود .

إذ أوحینا . .. أن اقذفیه ... یأخذه عدوّ

به قرینه> القیت علیك محبه <و نیز آیات دیگر قرآن; مادر موسی(ع) به محتوای وحی الهی عمل کرد و موسی(ع) را به نیل سپرد. این کار گواه اطمینان مادر موسی(ع) به آن است که پیام دریافت شده وحی الهی بوده و نیز نشان از ایمان کامل او دارد.

ناپایداری تهمتهای مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - اتهام های منکران بر حقایق وحی ، ناپایدار و نابود شدنی است .

أم یقولون افتری . .. و یمح اللّه البطل

ناخشنودی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۲

۲- کافران ، هواپرستانی ، ناخشنود از پیام های خداوند

و الذین کفروا . .. بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّه

تعبیر <کرهوا>، می رساند که کافران نه این که حقیقت دین را نفهمیده و انکار می کنند بلکه پس از فهم پیام دین، براساس تمایلات و گرایش های درونی، پذیرش پیام وحی بر آنان دشوار است.

نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۵ - ۳

۳ نزول وحی و قرآن ، ناشی از مقام ربوبیّت الهی

امن الرّسول بما انزل الیه من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۴

۴ نزول وحی از شؤون ربوبیت الهی است.

ما أوحی الیک من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۸

۸ - پایین آمدن مفاهیم عالی وحی از مرتبه < اُمّ الکتاب > تا < زبان عرب > ، نمودی از حکمت الهی است .

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا لعلیّ حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۸

۸- مفاهیم عالی وحی ، تنزل یافته از سوی خداوند ، در سطح فهم بشر *

و ءامنوا بما نزّل علی محمّد

بدان احتمال که واژه <نزّل> اشاره به تنزل و پایین آمدن سطح مفاهیم در حد درک بشر داشته باشد; از آیه شریفه استفاده می شود که این تنزل از سوی خداوند صورت گرفته است; نه این که مفاهیم کلی بر پیامبر(ص) وحی شده و آن حضرت خود آنها را در سطح فهم مردم بیان کرده باشد.

نزول وحی بر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۳

۳ - آسمان محل ظهور و بروز وحی بر پیامبران

قد نری تقلب وجهک فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵ – ۲

۲ – فرشتگان ، ابلاغ کننده وحی و کتاب های آسمانی به رسولان

فالملقیت ذکرًا

مقصود از <ذکر>، وحی و کتاب های آسمانی است و اطلاق ذکر بر این معنا، در قرآن بسیار است.

نزول وحی بر بشر

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۴ – ۱۷

۱۷– تفکر در آیات قرآن ، عامل کشف حقانیت و روا بودن نزول وحی بر بشر

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً نوحی إلیهم . .. و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس

احتمال دارد متعلق <یتفکّرون> شبهه ای باشد که از سوی مشرکان درباره عدم امکان نزول وحی بر بشر، القا و مطرح می شده است.

نزول وحی بر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۳ – ۴

۴ – قطعی بودن نزول کتاب آسمانی بر موسی (ع) جایی برای تردید در نزول وحی بر پیامبراسلام (ص) باقی نمی گذارد .

و لقد ءاتینا موسی الکتب فلاتکن فی مریه من لقائه

برداشت بالا، با توجه به دو نکته زیر است: ۱ انتخاب موسی(ع) از میان پیامبران پیشین، برای استدلال به آن، جهت حقانیت پیامبر بعدی، احتمال دارد به خاطر مقبول بودن ایشان نزد همه پیروان ادیان آسمانی باشد. ۲ مرجع ضمیر در <لقائه> احتمال دارد به قرآن برگردد که از محتوای کلام و آیه سه استفاده می شود و <فاء> در <فلاتکن> تفریعی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۱ – ۲

۲ – انتقاد جاهلانه مشرکان مکه به نزول وحی بر محمد (ص) و نه فردی از اشراف

و قالوا لولا نزّل هذا القرءان علی رجل من القریتین عظیم

نزول وحی به انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۳ –

۵- مشرکان مکه ، نزول وحی به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلك إلّا رجالاً نوحی إلیهم

آیه درصدد تعریض به مشرکان و جواب گویی به آنان است که طبق قرینه ها و آیات دیگر قرآن کریم (سوره یونس ، آیه ۲) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند برای پیامبری قبول نداشتند. فعل <نوحی> در آیه قرینه و نشانه ای است بر نکته فوق.

نزول وحی به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۵ – ۱

۱ – نزول مفاهیم وحی در قالب الفاظ عربی بر قلب پیامبر (ص)

نزل . .. علی قلبک ... بلسان عربیّ

نقش ملائکه وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۵ – ۵

۵ – دریافت وحی توسط فرشتگان از خداوند و ابلاغ آن به پیامبران

اللّه یصطفی من الملئکه رسولاً و من الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱ – ۳

۳ – فرشتگان وحی ، پیام آوران نیکی ها و ارزش ها از سوی خداوند

و المرسلت عرفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳ – ۲

۲ – فرشتگان وحی ، صحیفه های آسمانی و حقایق وحیانی را برای پیامبران می گستراندند .

و النشرت نشرًا

از آیات مشابه دیگر، استفاده می شود که مقصود از نشر در این آیه، انتشار صحیفه های آسمانی و حقایق وحیانی به وسیله فرشتگان برای پیامبران است; مانند <کلاّ إنّها تذکره . فمن شاء ذکره . فی صحف مکرّمه

. مرفوعه مطهّره . بأيدى سفره . كرام برره> (عبس، آيات ۱۱ ۱۶).

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴ – ۲

۲ – فرشتگان وحى ، جداكنندگان حق از باطل اند .

فالفرقت فرقًا

<فرق> به معناى تميزدادن ميان اشيا است و مقصود از فارق بودن فرشتگان، به اين است كه آنان اهل بهشت را از اهل دوزخ و اقوام محكوم به عذاب را (مانند قوم نوح و عاد و. ..) با غير اينها جدا كرده، تميز مى دهند و يا اين كه آنان چيزهايى مى آورند كه جداكننده حق از باطل است (وحى و كتاب هاى آسمانى). گفتنى است برداشت ياد شده، مبتنى بر احتمال نخست است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۵ – ۴

۴ – فرشتگان وحى نويسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ كنندگان آن به پيامبر (ص)

بأيدى سفره

در اين كه مراد از <سفره> چه كسانى اند; نظرهايى چند ارائه شده است. از جمله اين كه به قرينه توصيف آنان به <كرام> در آيه بعد، مراد ملائكه وحى مى باشند; زيرا در سوره اى ديگر (انفطار، ۱۱) نيز براى ملائكه، وصف <كرام> ذكر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، براى نازل ساختن آن بر پيامبر(ص)، احتمالى است كه با اين آيات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

نقش وحى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۵ – ۱۳،۱۴

۱۳ – معارف و احكام متكى بر وحى ، حقايقى عالمانه است .

من بعد ما جاءك من العلم

آوردن

کلمه <علم> به جای <وحی> اشاره به این حقیقت دارد که: دستورات متکی به وحی، دستوراتی عالمانه است.

۱۴ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حکمی عالمانه و برخاسته از وحی و دستور خداوند است .

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. من بعد ما جاءک من العلم

از مصادیق مورد نظر برای <العلم>، وحی و دستور الهی مبنی بر تغییر قبله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۲ - ۷

۷ شناخت احکام الهی ، در گرو وحی و تبیین الهی و نیز تعقل و اندیشه است .

کذلک یبیّن اللّه لکم ایاته لعلّکم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۴

۴ وحی ، بیانگر حقایق تاریخی پوشیده بر انسان

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۷

۷ پیام های الهی ، بیانگر راه ایجاد وحدت

من بعد ما جاءهم البیّنات

به مناسبتِ بحث اختلاف و تفرقه، مراد از <بیّنات>، پیامهای وحدت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۹

۱۹ جهان بینی توحیدی و هدفداری جهان بدون اتکای بر وحی با عقل و منطق قابل درک است .

و یتفکّرون فی خلق السّموات و الارض ربّنا ما خلقت هذا باطلاً

زیرا صاحبان خرد ناب پس از اندیشه در جهان، بدون تکیه بر وحی، به توحید ربوبی و هدفداری جهان رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۵

۵ ضرورت توجه به وحی برای شناخت دشمن

و اللّه اعلم باعدائکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۷

۷ وحی پشتوانه حقانیت پیامبران (ع) در ادعای پیامبری

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ نظام برخاسته از وحی الهی ، بهترین نظام حکومتی و قضایی

و من احسن من اللّه حکماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ تنها وحی الهی تعیین کننده وظایف و شأن پیامبر(ص) است.

قل لا أقول لکم . .. إنی ملک إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱،۶،۷

۱ انذار مردم با وحی و قرآن، از وظایف پیامبر(ص)

و أنذر به الذین یخافون

ضمیر <به الـذین> به <ما یوحی> برمی گردد و مراد از <ما یوحی> مطلق وحی و قرآن بزرگترین و کاملترین مصداق آن است.

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و أنذر به

مرجع ضـمیر به <قرآن> است ; یعنی با قرآن انـذار کن. و چون ابزار انـذار مشـخص شـده است، بالطبع بایـد قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

۷ لزوم بهره گرفتن از وحی و تعالیم آن برای انذار مردم

و أنذر به

یادآوری ابزار انذار و معین کردن آن می تواند اشاره به

لزوم حركت در محدوده وحى براى انذار باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۲۰

۲۰ تورات حاوى معارفى بود كه بشر بدون وحى به آن راه نمى يافت.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لا ءاباؤكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۶ – ۶،۷

۶ وحى براى تربيت انسانهاست.

اتبع ما أوحى اليک من ربک

۷ توحيد، محتوا و محور اصلى وحى است.

اتبع ما أوحى اليک من ربک لا إله إلا هو

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۵ – ۱،۲

۱ وحى تنها منبع پيامبر(ص) براى بيان احكام الهى بوده است.

قل لا أجد فيما أوحى إلىّ محرما

گزينش جمله <ما أوحى إلىّ> به جاى <ما عندى> و مانند آن مى تواند اشاره به تنها منبع اساسى احكام كه همان وحى الهى است باشد.

۲ وحى، تنها منبع تعيين كننده حرمت و حليت خوردنيهاست.

قل لا أجد فيما أوحى إلىّ محرما

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۳

۱۳ پیامبر (ص) در چگونگی استدلال بر حقایق و معارف دین تابع وحی و تعلیم خداوند بود .

قل لاأملك لنفسی نفعا . .. و لو کنت أعلم الغیب

آیه شریفه استدلالی است برای زدایش این توهم که، پیامبر(ص) عالم به غیب است و زمان برپایی قیامت را می داند. شروع آیه با کلمه <قل> به این نکته اشاره دارد که پیامبر حتی در تبیین استدلال تابع وحی است و

چگونگی استدلال را از خداوند فرامی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۱،۴

۱ بیم و نگرانی منافقان صدر اسلام ، از افشای اسرارشان توسط وحی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره تنبئهم بما فی قلوبهم

۴ فاش شدن نیات قلبی منافقان ، توسط وحی و قرآن *

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره تنبئهم بما فی قلوبهم

بیم منافقان، می تواند نشانگر افشاگریهای پیشین قرآن درباره آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۴،۱۲

۴ اطلاع یافتن پیامبر (ص) از آینده و امور غیبی ، توسط وحی

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم

۱۲ آگاهی پیامبر (ص) به اعمال نهانی متخلفان ، در پرتو وحی و هدایت الهی

و سیری اللّه عملکم و رسوله

از اینکه رؤیت تنها به خدا و رسول نسبت داده شده، استفاده می شود که ممکن است اعمال متخلفان بر دیگران مخفی باشد. گفتنی است که فاصله شدن <عملکم> میان <اللّه> و <رسوله> ممکن است اشاره به این باشد که علم پیامبر(ص) در طول علم خدا و در پرتو آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۶

۶ اطلاع یافتن پیامبر (ص) و مؤمنان از وجود منافقان ، در پرتو وحی

و ممن حولکم . .. نحن نعلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۷

۱۷ وحی الهی ، کمک کننده پیامبر (ص) در افشای چهره منافقانه و

خیانت بار بانیان مسجد ضرار

و الذین اتخذوا مسجداً . .. و اللّه یشهد إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۲

۲ وحی ، راهنمای پیامبر (ص) و تعیین کننده حدود مسؤولیت آن حضرت بود .

و اتبع ما یوحی إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۴،۵

۴ وحی و اِخبار خداوند ، طریق آ گاهی پیامبران به امور غیبی و سرنوشت انسانها

أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک إلاّ من قد ءامن

۵ وحی ، طریق ارتباط خداوند با پیامبران و ابلاغ برنامه ها و گزارش ها به ایشان

و أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن . .. فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۶

۶ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، جز از طریق وحی ، راهی برای شناخت صحیح حادثه طوفان و سرگذشت نوح (ع) در اختیار نداشتند .

ما کنت تعلمها أنت و لاقومک من قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۴

۱۴ علم و آ گاهی پیامبر (ص) ، نشأت گرفته از قرآن و وحی الهی است .

بما أوحينا إليك . .. و إن كنت من قبله لمن الغفلين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۱۰۹ – ۶

۶ ارتباط خداوند با پيامبران خويش از طريق وحی بود .

إلاّ رجالاً نوحی إليهم

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۹

۹- بخشی از تاریخ اقوام و ملل پیشین در بوته ابهام قرار دارد و دستیازی به آن جز از طریق وحی ممکن نیست .

و الذین من بعدهم لایعلمهم إلّاالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۹ - ۳

۳- انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

و قل إنی أنا النذیر المبین

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفتهای بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۴

۴- < وحی > حیات بخش انسان و جامعه است .

ینزّل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء

چنان که مفسّران گفته اند، مراد از <الروح> می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه <الروح> به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است; همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۵

۵- راه نداشتن انسان به شناخت کنه ذات و صفات خدا ، جز از طریق وحی

فلاتضربوا لله الأمثال إن الله یعلم و أنتم لاتعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <إن الله یعلم و أنتم لا تعلمون> تعلیل برای جمله <فلاتضربوا لله الأمثال>

باشد و متعلق و مفعول فعل

<یعلم> و <لا تعلمون> خدا و ذات مقدس او باشد; یعنی، شما برای خدا شریک و مثل نپندارید; چون شما به ذات و حقیقت او پی نخواهید برد و این علم تنها منحصر به خداست و جز از طریق وحی شناخته نخواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۷ – ۷

۷- عدم امکان راهیابی انسان ، به حقیقت و کیفیت و لحظه وقوع قیامت مگر از طریق وحی

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

بیان <أمر الساعه. ..> پس از <لله غیب السماوات> ممکن است از باب ذکر خاص بعد از عام باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۸ – ۵

۵- پیامبر (ص) از محرماتی که تنها برای ملت یهود وضع گردیده بود ، از راه وحی آگاه شد .

و علی الذین هادوا حرّمنا ما قصصنا علیک من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۳ – ۳

۳- پیامبر (ص) ، از آیین ابراهیم (ع) توسط وحی آگاه گردید .

ثمّ أوحینا إلیک أن اتّبع ملّه إبرهیم حنیفًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن اتّبع . ..> جمله تفسیریه باشد; یعنی، ما به تو وحی کردیم و محتوای وحی ما، همان آیین ابراهیم(ع) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۲ – ۱۱

۱۱- تبیین همه نیاز های انسان در سعادت و کمال خویش ، در قلمرو تعالیم دین و آموزه های وحی

است .

إن هذا القرءان يهدى . .. و كلّ شىء فصّلنه تفصيلاً

نوع مفسّران برآننـد كه چون قرآن، كتاب هـدايت و در جهت تأمين سـعادت و كمال آدمى است، بنابراين مقصود از <و كلّ شیء> همه امور مرتبط با سعادت و كمال و هدايت است، نه تمامى حقايق و پديده هاى عالم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٣٩ - ٣

٣- وحى پيام هاى حكيمانه به پيامبر (ص) ، جلوه ربوبيت خاص خداوند براى آن حضرت است .

أوحى إليك ربّك من الحكمه

اضافه <ربّ> به <ك> كه مرجع آن پيامبر(ص) است مى تواند مشعر به معناى ياد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٨٥ - ٧

٧- پيامبر (ص) ، موظف به پاسخ گويى سؤالات مردم بر اساس آنچه بر او وحى شده بود .

يسئلونك عن الروح قل الروح من أمر ربّى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨ - ٢٢ - ٢١

٢١- آگاهى پيامبر (ص) از ماجراى اصحاب كهف ، تنها از طريق وحى الهى امكان پذير بود .

و لاتستفت فيهم منهم أحدًا

نهى <لاتستفت> ارشاد به بى ثمر بودن نظرخواهى است و مفاد آيه اين است كه از احدى، انتظار نمى رود كه به نظرخواهى تو پاسخ صحيح بدهد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨ - ٢٦ - ١٠

۱۰- ماجرای اصحاب کهف ، رازی است که دست یافتن بشر به زوایای آن ، جز با وحی ، ممکن

نیست .

قل اللّه أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) و رهبران الهی ، در شناخت حقایق تاریخی و معرفتی ، نباید به راهی جز وحی الهی ، اعتماد کنند .

واتل ما أُحی إلیک . .. و لن تجد من دونه ملتحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۴

۴- تنها راه شناخت شیوه برخورد با مؤمنان تهیدست ، وحی الهی است نه آرای هواپرستان غافل از خداوند

و لاتطع من . .. و قل الحقّ من ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۷

۷- بخشی از علوم و اطلاعات پیامبر (ص) در گروِ نزول وحی بود .

و یسئلونک . .. قل سأتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۴

۴- دستیابی پیامبر (ص) بر علوم بی کران الهی ، در محدوده وحی است .

قل لو کان البحر . .. قل إنّما أنا بشر مثلکم یوحی إلیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸ - ۴

۴ – دسترسی مادر موسی (ع) به اطلاعات القا شده به او ، جز از طریق وحی الهی ممکن نبود .

مایوحی

مراد از <مایوحی> (آنچه وحی می شود) اموری است که قاعدتاً وحی می شود و انسان، خود به آن نمی رسد.

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۷ – ۴

۴ – وحی الهی ، راهنمای موسی (ع) در مراحل دشوار و تنگنا های مسیر رسالت .

و لقد أوحینا إلی موسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۵ – ۲

۲ – موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إلیک . .. فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۹

۹ – آگاهی های پیامبر (ص) در باره حوادث قیامت و مقدمات آن ، در گرو وحی و متکی به منبع علم الهی بود .

و یسَلونک . .. فقل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷ – ۷

۷– دعوت پیامبران ، تنها مبتنی بر وحی الهی بود .

بل قالوا أضغث . .. بل هو شاعر ... و ما أرسلنا قبلک إلّا رجالاً نوحی إلیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۵ – ۲،۳،۴،۵،۸

۲– انذار و اخطار به مردمان در پرتو وحی ، وظیفه و رسالت اصلی پیامبراسلام (ص)

قل إنّما أُنذرکم بالوحی

۳- انذار پیامبر (ص) تنها براساس وحی الهی بود ; نه آرا و هوا های شخصی و نفسانی .

قل إنّما أُنذركم بالوحی

۴- وحی ، منبع اصلی معرفت دینی و شناخت تعالیم الهی است .

قل إنّما أُنذركم بالوحی

برداشت یاد شده به

خاطر این نکته است که پیامبر(ص) مأمور بود تنها بر اساس وحی الهی، به انذار مردم بپردازد.

۵- لزوم اتّکا به وحی الهی در انذار مردم و تبلیغ دین

قل إنّما أُنذرکم بالوحی

۸- تأثیر نکردن انذار های پیامبر (ص) در برخی از مردم ، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود ; نه ناشی از ضعف در منطق وحی و بیان آن حضرت .

قل إنّما أُنذرکم بالوحی و لایسمع الصمّ الدعاء إذا ماینذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۸ - ۴

۴- دعوت پیامبراکرم (ص) تنها متکی بر وحی الهی بود ; نه انگیزه های دیگر .

قل إنّما یوحی إلیّ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) همواره به از سوی دشمنان به دروغگو یا ساحر بودن متهم می شد. بنابراین اعلام به این که تنها به من وحی می شود، می تواند برای رفع این اتهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۸

۸ - بشر ، بدون هدایت وحی ، در معرض انحراف از توحید و یکتاپرستی است .

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرنًا . .. أن اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۳ - ۴

۴ - بشر ، بدون هدایت وحی ، ناتوان از شناخت و پیمودن راه درست

و إنّک لتدعوهم إلی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۳

۳ - تصمیم گیری و حرکت

موسی (ع) ، در مقاطع مختلف بر اساس برنامه وحی

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۹

۹ - انسان ، بدون بهره مند شدن از وحی و تعالیم آسمانی ، با انواع خطر ها و آسیب های هلاکت بار مواجه خواهد بود .

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین . .. لتکون من المنذرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که انذار و اخطار در جایی متصور و معقول است که در آن جا، خطرهایی جدی وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۴

۴ - وحی ، تبیین گر واقعیات پنهان هستی برای بشر

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

قرآن در زمانی پرده از راز حرکت زمین برداشت که دانش بشر از دریافت و حتی تصدیق و تأیید آن عاجز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۷

۷ - بیدار کردن بشر ، فلسفه نزول پیاپی و پیوسته وحی و رهنمود الهی (کتاب های آسمانی)

و ما کنت بجانب الطور إذ نادینا . .. لعلّهم یتذکّرون...و لقد وصّلنا لهم القول لعل

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <القول> عموم سخنان الهی باشد; نه خصوص قرآن. ذیل آیه که فلسفه نزول را بیان می کند در مورد تورات نیز آمده است. از این رو این نکته می تواند مؤید برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۲۰،۲۲

۲۰ - لازم است که به دلایل متقن عقلی و وحی و کتاب آسمانی ، اتکا شود .

یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی و لا کتب منیر

به قرینه <هدًی> و <کتاب> که دلایل نقلی اند <علم> در آیه، می تواند دلیل عقلی باشد.

۲۲ - آگاهی عقلانی و وحی و کتاب آسمانی ، سه منبع معتبر در جهان بینی است .

یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی و لا کتب منیر

ذکر <علم> در کنار <هـدًی> و. .. می توانـد به آن دسـته از آگاهی هایی اشاره داشـته باشد که از طریق عقل به دست می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ - وحی ، نیات منافقان را در رخصت خواهی شان از پیامبر (ص) آشکار کرد .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم . .. و یستئذن ... إن یریدون إلاّ فرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۶

۶ - وحی الهی و قرآن کریم ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

فالتّلیت ذکرًا

نام گذاری وحی الهی و قرآن مجید به <ذکر>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۹ - ۱،۲

۱ - پیامبراسلام (ص) ، از ملأ اعلی (عالم فرشتگان) جز از راه وحی آگاهی نداشت .

ما کان لی من علم بالملأ الأعلی

طبق نظر مفسّران، مقصود

از <ملأـ الأعلى> فرشتگان است. با توجه به آیه بعد، استفاده می شود که آگاه نبودن پیامبر(ص) از ملأ اعلی (مضمون آیه مورد بحث) مربوط به طرق عادی است و آن حضرت از راه وحی به آن عالم آگاه بود.

۲ - پیامبر (ص) از مجادله و گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم ، تنها از راه وحی آگاه بود .

ما کان لی من علم بالملأ الأعلی إذ یختصمون

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربّک للملائکه. ..) گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۷

۷ - ممکن نبودن آگاهی از ملا اعلی (عالم فرشتگان) جز از راه وحی

ما کان لی من علم بالملأ الأعلی . .. إن یوحی إلیّ إلاّ أنّما أنا نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - قابل شناخت بودن خداوند ، از راه وحی و آیات و نشانه های او

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم

سرزنش شدن کافران به خاطر توجه نکردن به آیات الهی، نشانگر این حقیقت است که آیات الهی، قابل شناخت است و انسان از این راه می تواند به خدا پی ببرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۹

۹ - وحی ، حیات بخش انسان و جامعه است .

یلقی الروح من أمره علی من یشاء من عباده

از نام گذاری وحی به

روح، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۴،۴

۴ - نظام آسمان ها ، تحت هدایت وحی الهی (امر و تدبیر خداوند)

و أوحی فی کلّ سماء أمرها

۴ - نظام آسمان ها ، تحت هدایت وحی الهی (امر و تدبیر خداوند)

و أوحی فی کلّ سماء أمرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۰،۱۲

۱۰ - اهل زمین ، در طبیعت زمینی خود بدون بهره گیری از وحی و شریعت الهی مبتلا به لغزش و گمراهی اند .

کذلک یوحی . .. و یستغفرون لمن فی الأرض

۱۲ - وحی ، تجلی رحمت و غفران بی پایان الهی است .

کذلک یوحی . .. ألا إنّ اللّه هوالغفور الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - وحی الهی (قرآن) ، موجب تحکیم حق و نابودی باطل

یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

<کلمات> می تواند اشاره به وحی و آیات الهی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۸

۱۸ - انسان ، بدون تأثیرپذیری از مکتب وحی ، گرفتار کفران و ناسپاسی است .

فإن أعرضوا . .. فإنّ الإنسن کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱،۳

۱ - گفتو گوی خداوند با بشر ، تنها از طریق وحی ، یا از ورای حجاب و یا از طریق پیک

صورت می گیرد .

و ما کان لبشر أن یکلّمه اللّه إلاّ وحیًا . .. أو یرسل رسولاً

۳ - وحی ، عالی ترین شکل ارتباط خدا با انسان است . *

و ما کان لبشر أن یکلّمه اللّه إلاّ وحیًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعدد مراتب سه گانه، به ترتیب اولویت و تقدم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - هدایت انسان به وسیله وحی و قرآن ، تابع مشیت الهی است .

نهدی به من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۴

۴ - حس ، عقل و وحی ، ابزار اصلی دریافت معارف صحیح *

أشهدوا خلقهم . .. ما لهم بذلک من علم ... أم ءاتینهم کتبًا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیات سه گانه، اشاره به این نکته داشته باشد که مشرکان در ادعای خویش، به هیچ یک از منابع اصلی معرفت (حس، عقل و وحی) متکی نیستند و در نتیجه می توان استفاده کرد که ابزار شناخت، وحی، حس و عقل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۷،۱۲

۷ - هدایت و رستگاری کامل ، تنها در پرتو تعالیم وحی و پیامبران الهی است .

أوَ لو جئتکم بأهدی ممّا وجدتم

۱۲ - محتوای پیام وحی ، محور اصلی درگیری مستکبران تاریخ در برابر پیامبران

قال مترفوها . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به كفرون

از این که مترفان در پاسخ دعوت انبیا، مخالفت خویش را با پیام آنان ابراز کردند، برداشت

یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - ادراک فطری انسان از خداوند ، نیازمند تکمیل و تقویت به وسیله هدایت وحیانی *

إلّا الذی فطرنی فإنّه سیهدین

از سخن ابراهیم(ع)، استفاده می شود که آن حضرت قبل از برخورداری از هدایت های ویژه و فزون تر، با دلایل عقلی و فطری ره به خدا برده بود; اما آن را کافی نمی دانست و منتظر هدایتی فزون تر بود. این هدایت می توانست از ناحیه وحی یا به صورت دیگر در اختیار او قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۲،۵

۲ - همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) نیازمند تذکر و یادآوری های وحی

و إنّه لذکر لک

۵ - عظمت مسلمانان در پرتو تعالیم وحی و قرآن *

و إنّه لذکر لک و لقومک

مقصود از <قوم>، ممکن است امت پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

تعبیر <فإنّما یسّرناه. ..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۶ – ۵

۵ – حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی

و استناد به منبع وحی

و لقد ءاتینا . .. و الحکم و النبوّه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل، <حکم> دانسته شده است; آن هم در کنار <کتاب> و <نبوت> که اعطای آنها تنها از شؤون خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۳

۳ - انسان ، بدون روشنگری های وحی ، ناتوان از درک عمیق بسیاری از حقایق هستی

هذا بصائر للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۶

۶ - روش وحی ، تبیین حقایق با منطق و دلیل روشن و نه الزاماً ارائه نمود های حسّی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت . .. قالوا ائتوا بابائنا

از این که خداونـد، پس از بیـان دلایلی روشن، به درخواست مشـرکان مبنی بر ارائه نمودهای محسوس ترتیب اثر نـداده است، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۳

۱۳- لزوم مستند بودن هر عقیده دینی ، به منبع وحی و یا دلیل قطعی علمی

ائتونی بکتب من قبل هذا أو أثره من علم إن کنتم صدقین

صـداقت و درسـتی هر عقیـده دینی، از دو راه قابـل اثبـات است: ۱ ارائه دلیـل متکی به وحی و کتـاب هـای آسـمانی; ۲ ارائه گواهی از دریافت های علمی و عقلی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۹ – ۱۰،۱۳

۱۰– آگاهی پیامبر (ص) به حقایق غیبی ،

تنها برگرفته از منبع وحی

و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم إن أتّبع إلاّ ما یوحی إلیّ

از ارتباط جمله <و ما أدری> با <إن أتّبع>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

۱۳- انذار های پیامبر (ص) نسبت به امت ، برگرفته از منبع وحی

إن أتّبع إلاّ ما یوحی إلیّ و ما أنا إلاّ نذیر مبین

از ارتباط عبارت <إن أتّبع> با <ما أنا إلاّ نذیر مبین>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۵

۵- حقایق نازل شده از مقام ربوبیت الهی ، مایه رشد و تعالی و مصونیت از پوچی است .

و أصلح بالهم . ذلک بأنّ ... اتّبعوا الحقّ من ربّهم

وصف <ربّ> در آیه شریفه، مشعر به علّیت است; یعنی، آنچه از سوی <ربّ> نازل شود، جز در جهت تکامل نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۶

۶ - اندیشه و خرد آدمی ، برای ره یابی به حقیقت ، نیازمند تذکار های وحی

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السمع و هو شهید

تعبیر <لذکری> می رساند که خرد انسان در ره یابی به حقیقت، نیازمند تذکار الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳ - ۳

۳ - تضمین عصمت پیامبر (ص) ، در تمامی عمر از سوی وحی

ما ضلّ صاحبكم و ما غوی . و ما ینطق عن الهوی

خداوند، با خبر دادن از حال و آینده با عبارت <ما ینطق

. ..> در حقیقت عصمت پیامبر(ص) را در طول حیات ایشان تضمین نموده است; چنان که با <ما ضلّ...> گذشته آن حضرت را مبرّا از گمراهی دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴ - ۱

۱ - سخنان و پیام های پیامبر (ص) ، تنها نشأت یافته ، از مبدأ وحی

و ما ینطق عن الهوی . إن هو إلاّ وحی یوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۴

۴ - اتکای پیامبر (ص) به مبدأ مقتدر وحی ، بازدارنده آن حضرت از هر انحراف و هواپرستی *

و ما ینطق عن الهوی . .. علّمه شدیدالقوی

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین احتمال می رود کهوصف <شدیدالقوی> در تأکید عدم گرایش پیامبر(ص)، به هوای نفس آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۶،۱۵،۱۶

۶ - ارزشمندی باور ها و عقاید انسانی ، در گرو ریشه داشتن آن در وحی و معارف الهی است .

ما أنزل اللّه بها من سلطن

خداوند، در مقام تخطئه مشرکان، این نکته را گوشزد می کند که باورهای آنان از سر چشمه علم و حکمت الهی نشأت نگرفته است. در نتیجه از مفهوم آیه شریفه می توان نتیجه گرفت که ارزشمندی عقاید انسانی، وابسته به سرچشمه گرفتن آن از علوم الهی است.

۱۵ - وحی و رسالت ، برنامه کامل هدایت و در راستای رشد و تعالی بشر

و لقد جاءهم من ربّهم الهدی

بنابراین که <الهدی> اشاره به وحی و

رسالت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۱۶ – انسان ها ، فاقد هر عذر و بهانه ، در پیشگاه پروردگار خویش پس از آمدن وحی

إن هی إلّا أسماء سمّیتموها. .. و لقد جاءهم من ربّهم الهدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۶ – ۴

۴ – وحی ، طریق رهیابی انسان به غیب *

أعنده علم الغیب . .. أم لم ینبّأ بما فی صحف موسی

خداوند، در ابتدا علم غیب را از مشرکان نفی می کند و سپس در مقام تخطئه و توبیخ آنان می فرماید: وحی که طریق ارتباط انسان با غیب است هیچ گونه سازگاری با اندیشه آنان ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۱ – ۲

۲ – پیام های قرآن و وحی ، زداینده غفلت و غرور کاذب از آدمیان

أفمن هذا الحدیث تعجبون . .. و أنتم سمدون

توبیخ کافران به خاطر غفلت زدگی آنان و ناباوری به مفاهیم قرآن، می رساند که اگر آنان به قرآن گوش جان فرا دهند، از غفلت و غرور بیرون خواهند آمد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۹ – ۱۱

۱۱ – جوامعی که خود را در پناه تعالیم وحی قرار ندهند ، خطر گرفتار شدن در ورطه انواع گمراهی ها ، آنان را تهدید می کند .

هو الذی ینزّل علی عبده ءایت بیّنت لیخرجکم من الظلمت إلی النور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۲ – ۱۷

۱۷ – حرکت های دینی

اجتماعی پیامبر (ص) ، مستند به رهنمود های وحی

یأیّها النبیّ إذا جاءک . .. فبایعهنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۸ – ۳

۳ – پیامبران ، دارای دستورات مستقل و جدا از فرمان های خداوند از راه وحی

أمر ربّها و رسله

تصریح به فرمان رسولان، در کنار فرمان خداوند، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۷ – ۳،۴

۳ – داوری درباره دین ، باید بر مبنای وحی و کتاب آسمانی باشد .

أم لکم کتب فیه تدرسون

۴ – وحی و کتاب های آسمانی ، مبنای داوری درباره درستی و نادرستی عقاید و مسائل دینی است .

أم لکم کتب فیه تدرسون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳ – ۳

۳ – حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما الحاقّه

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره، در جهت بیان بخشی از حقایق مربوط به قیامت است. از مجموع آنها می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان ها قابل شناخت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲ – ۷

۷ – انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

إنّی لکم نذیر مبین

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر

است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، از راه وحی به استماع جن نسبت به قرآن آگاه شد .

قل أُوحی إلیّ أنّه استمع نفر من الجنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۵ – ۳

۳ – محدودیت قلمرو علم پیامبر (ص) نسبت به عالم آخرت ، من های وحی الهی به ایشان

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۷ – ۲

۲ – امکان آگاه شدن رسولان الهی ، از علم غیب و امور پنهانی به وسیله وحی و الهام خداوند

فلایظهر علی غیبه أحدًا . إلاّ من ارتضی من رسول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲ – ۳

۳ – انسان ، بدون بهره مندی از رهنمود های وحی و پیامبران الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

قم فأنذر

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۳

۳ - حقیقت دوزخ و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی

قابل شناخت و دست یابی است .

و ما أدریک ما سقر

از آیات ۲۷ تا ۳۱ که در جهت تبیین بخشی از حقایق دوزخ است می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۳

۳ - وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از باطل اند .

فالفرقت فرقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۲،۳،۴

۲ - وحی و کتاب های آسمانی ، وسیله اتمام حجت خداوند بر خلق و انذار و اخطار بدان ها است .

ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

۳ - ارائه وحی و کتاب های آسمانی از سوی فرشتگان ، مایه عذرخواهی و اثبات بی گناهی مؤمنان در پیشگاه خداوند

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <عذراً>، اعذار (عذر خواستن) مؤمنان در پیشگاه خداوند باشد.

۴ - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلّف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۳

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما یوم الفصل

از این که آیه مورد بحث، در میان آیات مربوط به قیامت

است قرار دارد، می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، تنها از طریق خود وحی برای بشر قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۲ - ۱

۱ - انسان ، در تشخیص تکالیف دشواری که خداوند خواهان انجام گرفتن آن است ، نیازمند وحی است .

و ما أدریک ما العقبه

<العقبه> گرچه مطلق است; ولی مراد از آن به قرینه سیاق آیه طریقه های سختی است که سلوک آن، مطلوب خداوند می باشد; وگرنه شناخت مطلق کارهای دشوار بر کسی سخت نیست.

نیاز به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۷

۷- بشر ، برای رفع اختلاف های عقیدتی و نیل به عقیده ای سالم و برتر ، محتاج به وحی و تعالیم آسمانی است .

و ما أنزلنا علیک الکتب إلّا لتبیّن لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۵

۵- هر موجود شعورمند مستقر در زمین ، نیازمند به وحی الهی و هدایت آسمانی

قل لو کان فی الأرض ملئکه یمشون مطمئنّین لنزّلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۴

۴ - نیاز بشر ، به وحی و دین الهی در شناخت حق و راه درست

فلمّا جاءهم بالحقّ من عندنا

برداشت یاد شده از آمدن قید <عندنا> برای <حقّ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۴

۴ - سپری شدن تاریخ [رخداد

ها و تحولات زندگی انسان در گذر زمان] ، باعث بی نیازی بشر از وحی و هدایت های آسمانی نیست .

أفنضرب عنکم الذکر . .. و کم أرسلنا من نبیّ فی الأوّلین

فرستاده شدن پیامبران فراوان در امت های پیشین، نشانگر آن است که انسان ها در هیچ یک از دوره های تاریخ، بی نیاز از وحی الهی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پرودگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن <الحقّ> به <من ربّهم> و مقابله <الحقّ من ربّهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۲ - ۱

۱ - انسان ، در تشخیص تکالیف دشواری که خداوند خواهان انجام گرفتن آن است ، نیازمند وحی است .

و ما أدریک ما العقبه

<العقبه> گرچه مطلق است; ولی مراد از آن به قرینه سیاق آیه طریقه های سختی است که سلوک آن، مطلوب خداوند می باشد; وگرنه شناخت مطلق کارهای دشوار بر کسی سخت نیست.

واسطه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲

- ۵،۱۳

۵- فرشتگان ، واسطه ابلاغ وحی بر بندگان منتخب خداوند

ینزّل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء من عباده

مراد از <روح> در آیه، به قرینه فرازهای بعد (أن أنذروا . ..) که درباره ابلاغ وحی و رسالت است می تواند وحی باشد.

۱۳- فرشتگان ، از وسایط اجرای فرمان های خدا

ینزّل الملئکه . .. أن أنذروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۶

۶- ملائکه ، تنها واسطه نزول وحی و پیام الهی به ساکنان زمین

لنزّلنا علیهم ملکًا رسولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از <ملکاً رسولاً> فرشته وحی باشد نه پیامبر(ص).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۴

۴ - دریافت پیام وحی به وسیله جبرئیل از مقام الوهیت و آوردن آن برای پیامبر (ص)

و هو بالأُفق الأعلی

مراد از <اُفق اعلی> می تواند مقام الوهیت باشد که جبرئیل از آن جا وحی را دریافت کرده، به زمین می آورد و به پیامبر(ص) می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، واسطه وحی الهی به پیامبران

فأوحی إلی عبده ما أوحی

وحی بر برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۱،۵

۱- خداوند ، فرشتگان را همراه روح (وحی الهی) بر بندگان منتخب خود نازل می کند .

ینزّل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء من عباده

مفسّران در مورد مراد از <روح> در آیه شریفه احتمالاتی

را ذکر کرده اند، مانند: <جبرئیل>، وحی و چیزی که حیات با آن تحقق می یابد. در برداشت فوق <روح> کنایه از وحی منظور شده است.

۵- فرشتگان ، واسطه ابلاغ وحی بر بندگان منتخب خداوند

ینزّل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء من عباده

مراد از <روح> در آیه، به قرینه فرازهای بعد (أن أنذروا . ..) که درباره ابلاغ وحی و رسالت است می تواند وحی باشد.

وحی به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰،۱۲

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اعلام خداوند به ابراهیم (ع) مبنی بر تحقق یافتن رؤیای او و عمل کردن وی مطابق آنچه در خواب دیده و مأموریت یافته بود

.

قد صدّقت الرءيا

تصدیق رؤیا برابر نظر بیشتر مفسران به معنای تحقق بخشیدن رؤیا در عالم خارج است. به عبارت دیگر، ابراهیم(ع) مطابق آنچه در خواب دیده بود، عمل کرد.

وحی به اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰،۱۲

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

وحی به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۵ - ۲،۳

۲- بهره مندی از وحی الهی ، ویژگی همه پیامبران است .

و ما أرسلنا من قبلک من رسول إلّانوحی إلیه

۳- شعار < لا إله إلّا اللّه > ، پرستش خدای یگانه و مبارزه با شرک و چندگانه پرستی ، محتوای وحی الهی به تمامی رسولان

من رسول إلّانوحى إليه أنّه لا إله إلّاأنا فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ۴

نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۳،۴،۵،۹،۱۰،۱۶

۳ خداوند ، پیامبران بسیاری را پس از نوح (ع) مبعوث کرد و بدان ها وحی فرستاد .

کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . .. و سلیمن

۵ خداوند ، گروهی از فرزندان یعقوب را به پیامبری برانگیخت و به آنان وحی کرد .

أوحینا إلی . .. و الاسباط

<اسباط> جمع <سبط> در لغت به فرزندزادگان گفته می شود، و مراد از آن در آیه فرزندزادگان حضرت یعقوب(ع) هستند و برخی از مفسران مقصود از <الاسباط> را فرزندان اسحاق دانسته اند. گفتنی است که آمدن کلمه <الاسباط> پس از <یعقوب> نظر اول را تأیید می کند.

۹ انکار وحی به پیامبر اکرم (ص) در حقیقت انکار وحی به دیگر پیامبران الهی است .

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده و أوحینا

۱۰ وحی الهی به پیامبر اکرم (ص) برخوردار از تمام ویژگی های وحی خداوند به پیامبران گذشته

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

چون مشبه به وحی به تمامی پیامبران است، معلوم می شود وحی به پیامبر(ص) به گونه ای بوده که از ویژگیهای تمامی وحیها برخوردار بوده است.

۱۶ وحی خداوند بر پیامبر اسلام (ص) دربردارنده هر آنچه بر دیگر پیامبران وحی شده بود .

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح

امام باقر و امام صادق(ع) بعد

از اشاره به مضمون آیه فوق فرمودند فجمع له کل وحی.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۳، ح ۶۷۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ دریافت وحی، تنها امتیاز پیامبران از دیگران

قل لا أقول لکم . .. إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۴،۵

۴ وحی و اِخبار خداوند ، طریق آگاهی پیامبران به امور غیبی و سرنوشت انسانها

اُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک إلاّ من قد ءامن

۵ وحی ، طریق ارتباط خداوند با پیامبران و ابلاغ برنامه ها و گزارش ها به ایشان

و اُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن . .. فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۶

۶ ارتباط خداوند با پیامبران خویش از طریق وحی بود .

إلاّ رجالاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۷

۷- در پی تهدید شدن انبیا از سوی کفار ، خداوند به پیامبران وحی کرد که قطعاً ستمگران را هلاک خواهد کرد .

قالوا . .. لنخرجنّكم ... فأوحى إليهم ربّهم لنهلكنّ الظلمين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۳ – ۳

۳– خداوند ، به همه پيامبران وحى مى كرده است .

و ما أرسلنا من . .. إلاّ رجالاً نوحى إليهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ –

نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۲

۲- تفاوت انبیا با سایر انسان ها ، در دریافت وحی از خدا ، داشتن مقام نبوت و کتاب آسمانی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلّا رجالاً نوحی إلیهم . .. بالبیّنت و الزبر

برداشت فوق، بنابراین نکته است که آیه در ادامه معرفی انبیا باشد بدین صورت که: آنان از جنس بشر هستند (و ما أرسلنا من قبلك إلّا رجالاً نوحی إلیهم. ..) و به آنان وحی می شود و....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۵

۵- بهره مندی پیامبران از وحی ، وجه امتیاز و تفاوت آنان با سایر بشر

و ما أرسلنا قبلك إلّا رجالاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۵

۵ - دریافت وحی توسط فرشتگان از خداوند و ابلاغ آن به پیامبران

اللّه یصطفی من الملئکه رسولاً و من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - فرستادگان الهی ، با در دست داشتن وحی الهی در قالب عبارت های قابل تلاوت در میان مردم ، مبعوث می شدند .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۱

۱ - وحی خداوند به پیامبران ، دارای سابقه و دیرینه تاریخی است .

كذلك يوحى إليك و إلى الذين من قبلك اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١۶ - شورى - ۴٢ - ١٣ - ٨

٨ -

تفاوت نحوه ابلاغ و انزال پیام های دینی ، به پیامبراکرم (ص) و انبیای پیشین . *

ما وصّی به . .. و الذی أوحینا إلیک

با توجه به تفاوت مواد و محتوای دو واژه <وصیت> و <وحی>، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۵،۱۱

۵ - پیامبران و مرتبطان با علم وحی ، کلام الهی را بدون رؤیت خداوند دریافت می کنند .

و ما کان لبشر أن یکلّمه اللّه إلاّ وحیًا

۱۱ - فرشته وحی ، پیکی امین در ابلاغ پیام خدا به پیامبران

فیوحی بإذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱

۱ - وحی به پیامبراکرم (ص) ، استمرار وحی بر انبیای پیشین است .

و کذلک أوحینا إلیک

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مشارٌالیه <ذلک>، مطلق وحی باشد (که از آیه قبل استفاده می شود).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱۴

۱۴- دریافت وحی ، تفاوت و امتیاز محوری پیامبران از دیگر مردمان

قل ما کنت بدعًا . .. و ما أدری ... إن أتّبع إلاّ ما یوحی إلیّ و ما أنا إلاّ نذیر

کافران از پیامبر(ص)، انتظارهای فوق بشری داشتند. پیامبر(ص) مأمور شد تا به آنان یادآور شود که من نیز چون دیگر پیامبران، خصائص بشری دارم; با این تفاوت که به من وحی شده و در آگاهی های خویش تابع وحی می باشم. این نشان می دهد که تمامی کمالات پیامبر(ص) بر

محور دریافت وحی و پیروی از آن، استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، واسطه وحی الهی به پیامبران

فأوحی إلی عبده ما أوحی

وحی به انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

وحی به ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۱

۱۱- ذوالقرنین از پیامبران بود و به مقام دریافت سخن های خداوند نایل شده بود . *

قلنا یذا القرنین

ظاهر کلمه <قلنا> خطاب مستقیم است، گرچه احتمال الهام و یا رساندن پیام به وسیله پیامبری دیگر نیز وجود دارد.

وحی به رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۳

۳ - فرستادگان الهی ، علاوه بر داشتن کتاب آسمانی ، دارای رهنمود ها و دریافت کننده الهام های خاصی از جانب خداوند بودند .

بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

در صورتی که مقصود

از <کتاب> جنس کتاب و مجموعه کتاب های آسـمانی باشد; مراد از <بما أرسلنا به رسلنا> رهنمودهای پیامبران و یا الهام های الهی به آنان جدا از کتاب آسمانی خواهد بود.

وحی به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۲

۲ - زمین ، دریافت کننده وحی و فرمان الهی و مطیع آن

بأنّ ربّک أوحی لها

وحی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۱

۱ - ناباوری قوم ثمود نسبت به انتخاب فردی چون < صالح (ع) > ، از میان همه قوم ، برای دریافت وحی

أءلقی الذکر علیه من بیننا

وحی به عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۶

۶- عیسی (ع) در معرفی خویش به مردم ، دریافت فرمان خداوند به نماز و زکات را از ویژگی های خویش برشمرد .

و أوصنی بالصلوه والزکوه مادمت حیًّا

وحی به قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۲

۲ - جبرئیل ، نازل کننده قرآن بر قلب پیامبر (ص)

فإنه نزله علی قلبک

وحی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲

۲ فرشتگانِ میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل

ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

وحی به مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸ - ۱،۳،۴

۱ - مادر موسی (ع) ، دریافت کننده وحی و پیام از جانب خداوند

إذ أوحینا إلی أُمّک

<وحی> در آیه ممکن است به معنای سخن گفتن خداوند با مادر موسی(ع) باشد و ممکن است از آن الهام اراده شده باشد; برخی از وعده های خداوند به مادر موسی(ع) که در سوره قصص آمده است، با معنای اول سازگارتر است.

۳ - وحی و پیام خداوند به مادر موسی (ع) از نعمت های بزرگ او به موسی (ع) بود .

و لقد مننّا . .. إذ أوحینا إلی أُمّک مایوحی

<إذ> ظرف است برای <مننّا>; یعنی نعمت بزرگی که در آیه قبل یاد شد، در آن زمان بوده است.

۴ - دسترسی مادر موسی (ع) به اطلاعات القا شده به او ، جز از طریق وحی الهی ممکن نبود .

مایوحی

مراد از <مایوحی> (آنچه وحی می شود) اموری است که قاعدتاً وحی می شود و انسان، خود به آن نمی رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۱۰،۲۲

۱۰ - خداوند در وحی به مادر موسی ، فردی را که دشمن خدا و دشمن کودک او بود ، عامل نجات آن کودک و تحت تکفل گیرنده او معرفی کرد .

یأخذه عدوّ لی و عدوّ له

۲۲ - < عن أبی جعفر (ع) قال : أنزل اللّه علی موسی التابوت و نودیت أُمّه ضعیه فی التابوت فاقذفیه فی

اليمّ و هو البحر ;

از امام باقر(ع) روایت شـده که فرمود: خداونـد تابوت را بر موسـی(ع) نازل کرد و به مادر وی نـدا داده شد که او را در تابوت قرار ده، پس آن را به دریا بیفکن>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۳

۳ - رهنمود الهی به مادر موسی در رابطه با فرزندش از طریق وحی

و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه . .. فألقیه فی الیمّ

وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۲،۶

۲ وحی ، راهی برای دریافت گزارشات غیبی و تاریخ پیشینیان ، برای پیامبر (ص)

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک

۶ آگاهی پیامبر (ص) از حقایق نهفته تاریخ زکریا و مریم ، نشانگر صدق ادعای وی در ارتباط با وحی

ذلک من انباء الغیب . .. و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱

۱ خداوند ، فرو فرستنده قرآن به سوی پیامبر (ص)

إنّا انزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ برخورداری پیامبر (ص) از وحی ، حکمت و علم لدنی ، زمینه مصونیت آن حضرت از خطا و مایه عصمت وی از گناه

و لولا فضل اللّه . .. أنزل اللّه علیک الکتب و الحکمه و علمک ما لم تکن تعلم

جمله <و انزل اللّه> بیانگر

علت جمله پیشین است. یعنی چون قرآن و حکمت را بر تو نازل کردیم، تلاش آنان برای انحراف تو بی اثر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۳ – ۱۶،۱۰،۹،۱

۱ خداوند به حضرت محمد (ص) وحی کرد و وی را به پیامبری برانگیخت .

إنّا أوحینا إلیک

۹ انکار وحی به پیامبر اکرم (ص) در حقیقت انکار وحی به دیگر پیامبران الهی است .

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده و أوحینا

۱۰ وحی الهی به پیامبر اکرم (ص) برخوردار از تمام ویژگی های وحی خداوند به پیامبران گذشته

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

چون مشبه به وحی به تمامی پیامبران است، معلوم می شود وحی به پیامبر(ص) به گونه ای بوده که از ویژگیهای تمامی وحیها برخوردار بوده است.

۱۶ وحی خداوند بر پیامبر اسلام (ص) دربردارنده هر آنچه بر دیگر پیامبران وحی شده بود .

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح

امام باقر و امام صادق(ع) بعد از اشاره به مضمون آیه فوق فرمودند فجمع له کل وحی.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۳، ح ۶۷۰.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۹ – ۱۰

۱۰ پیامبر(ص)، موظف به اعلام وحی شدن قرآن به خویش و بیان اهداف نزول آن

و أوحی إلیّ هذا القرءان لأنذرکم به و من بلغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ -

۲۳ نزول تورات دلیلی بر امکان نزول وحی بر پیامبر(ص) و گواهی بر بطلان پندار منکران نزول وحی بر بشر است.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر . .. قل من أنزل الکتب ... قل الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۱۵

۱۵ پیامبر اکرم (ص) ، کلام خدا (قرآن) را از راه وحی دریافت می کرد .

ائت بقرءان غیر هذا . .. إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۱ – ۲

۲ قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا و خوانده شده بر پیامبر (ص) .

و ما تتلوا منه من قرءان

برداشت فوق از عود ضمیر <منه> به خداوند و از تنکیر قرآن که مصدر به معنای مفعول است استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۴ – ۹

۹ ربوبیت الهی ، مقتضی نزول قرآن بر پیامبر اکرم (ص) بوده است .

لقد جاءک الحق من ربک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۹ – ۲،۳

۲ وحی ، راهنمای پیامبر (ص) و تعیین کننده حدود مسؤولیت آن حضرت بود .

و اتبع ما یوحی إلیک

۳ نزول وحی (قرآن) بر پیامبر (ص) ، تدریجی بود .

و اتبع ما یوحی إلیك

فعل مضارع <یوحی> دلالت بر تجدد و استمرار دارد و لازمه تجدد و استمرار،

تدریجی بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - هود - ١١ - ١٢ - ۶

۶ آیه های قرآن ، حقایقی که از طریق وحی به پیامبر (ص) نازل می شد .

فلعلّک تارک بعض ما یوحی إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - هود - ١١ - ۴٩ - ٣

٣ خداوند ، داستان نوح را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

تلک من أنباء الغیب نوحیها إلیک

ظاهر این است که مراد از ضمیر <ها> در <نوحیها> همان مشارالیه <تلک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - یوسف - ١٢ - ٣ - ٨،١۴

٨ خداوند ، قرآن و داستان های آن را از طریق وحی در اختیار پیامبر (ص) قرار می داد .

نحن نقصّ علیک . .. بما أوحینا إلیک هذا القرءان

حرف <باء> در <بما أوحینا> سببیه است و <ما> در آن مصدریه می باشد.

١۴ علم و آگاهی پیامبر (ص) ، نشأت گرفته از قرآن و وحی الهی است .

بما أوحینا إلیک . .. و إن کنت من قبله لمن الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - یوسف - ١٢ - ١٠٢ - ٣

٣ خداوند ، داستان یوسف (ع) را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱ – ۷،۱۰

۷ قرآن ، کتابی از ناحیه خدا و نازل شده بر پیامبر (ص)

و الذی

أَنزل إلیک من ربک الحق

۱۰ برای نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، میان او و خداوند واسطه ای وجود داشته است .

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق

فاعل <أنزل> در عبارت فوق نمی تواند خداوند فرض شود ; زیرا در این صورت صحیح آن بود که گفته می شد: <و الذی أنْزَل ربک إلیک الحق> و یا <الذی أُنزل إلیک الحق> ; یعنی، آن گاه که فاعل حذف شود و فعل به صورت مجهول آورده شود، نباید در عبارت اشاره به فاعل شود. بنابراین فاعل <أنزل> شخصی دیگر (جبرئیل یا ...) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۲

۲ قرآن ، کتابی از ناحیه خداوند و نازل شده بر پیامبر (ص)

أنما أُنزل إلیک من ربک الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۵۸

۵ قرآن حقیقتی که خداوند آن را با وحی بر پیامبر (ص) نازل کرد .

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

۸ قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) پرتوی از رحمت گسترده خداوند است .

و هم یکفرون بالرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۴

۴ نزول قرآن بر پیامبر (ص) مایه سرور و شادمانی گروهی از یهود و نصارا بود .

والذین ءاتینهم الکتب یفرحون بما أُنزل إلیک

جمله <و من الأحزاب . ..> (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از <الذین

... يفرحون>

همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱ – ۲

۲– قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند بر پیامبر (ص) نازل شده است .

کتب أنزلنه إلیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۳،۴

۳– کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

۴– کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نُزِّل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷ – ۲

۲– کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (ص) را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۴ – ۱

۱- قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

و ما أنزلنا

علیک الکتب

<ال> در <الکتاب> عهد ذهنی بوده و مراد از آن قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۵

۵- پیامبر (ص) از محرماتی که تنها برای ملت یهود وضع گردیده بود ، از راه وحی آگاه شد .

و علی الذین هادوا حرّمنا ما قصصنا علیک من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، از آیین ابراهیم (ع) توسط وحی آگاه گردید .

ثمّ أوحینا إلیک أن اتّبع ملّه إبرهیم حنیفًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن اتّبع . ..> جمله تفسیریه باشد; یعنی، ما به تو وحی کردیم و محتوای وحی ما، همان آیین ابراهیم(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱،۳

۱- مجموعه اوامر و نهی های خداوند ، که به پیامبر (ص) وحی شد ، رهنمودهایی حکیمانه است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

مشارالیه <ذلک> مجموعه تعالیم، اعم از نواهی و اوامری می باشد که در چند آیه قبل آمده است.

۳- وحی پیام های حکیمانه به پیامبر (ص) ، جلوه ربوبیت خاص خداوند برای آن حضرت است .

أوحی إلیک ربّک من الحکمه

اضافه <ربّ> به <ک> که مرجع آن پیامبر(ص) است می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- خداوند ، پیامبر (ص) را

به هنگام ابلاغ وحی ، مورد امداد غیبی خویش قرار می داد .

و إذا قرأت القرءان جعلنا بینک . .. حجابًا مستورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۵

۵- خداوند ، علاوه بر آیات قرآن کریم ، سخنانی ویژه با پیامبراکرم (ص) داشته است . *

و إذ قلنا لک إن ربّک أحاط بالناس

برداشت فوق، مبتنی بر دو نکته ادبی است: ۱. <إذ> متعلق به <أذکر> مقدر (از ماده <ذُکْر>) باشد; ۲. لام در <لک> برای اختصاص باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: <ای پیامبر! به یاد آور نکته ای را که پیش از این اختصاصاً برای تو گفتیم>. گفتنی است که نکته یاد شده در آیات پیشین نیامده است و این حکایت از آن دارد که به پیامبر(ص) غیر از قرآن، تعالیم دیگری اعطا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۱،۲،۴

۱- خداوند ، قادر بر محو و زایل کردن تمامی معارف و حقایقی است که بر پیامبر (ص) وحی کرده است .

و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

۲- پیامبر اسلام (ص) ، شخصیتی که از جانب خداوند به او وحی می شد .

و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

۴- بقا و زوال علوم اعطایی خدا به بشر ، حتی دریافت وحی توسط پیامبر (ص) ، منوط به مشیت خداست .

و ما أُوتیتم من العلم إلاّ قلیلاً. و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

- ۱۷ - ۸۷ - ۱،۲،۶

۱- لطف و رحمت خداوند ، مانع بازپس گیری وحی (حقایق و معارف وحیانی) از پیامبر (ص)

لئن شئنا لنذهبنّ . .. إلاّ رحمه من ربّک

استثنا ممکن است از کلمه و یا کلامی محذوف صورت گرفته باشد: مثلاً عبارت چنین باشد آنچه را به تو دادیم، جز از سر رحمت ندادیم و بنابراین، محو نخواهیم کرد. و یا استدراک از <لئن شئنا> باشد و عبارت چنین فرض شود: <و لکن لانشاء ذلک رحمه> (ولی زایل کردن معارف عطا شده را نمی خواهیم به خاطر رحمت به تو)

۲- تثبیت مفاهیم وحی و جاودانگی آنها در قلب پیامبر (ص) ، جلوه ربوبیت خاص الهی نسبت به آن حضرت

لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا . .. إلاّ رحمه من ربّک

۶- امتنان خداوند بر پیامبر (ص) به خاطر تثبیت مفاهیم وحی در قلب او

و لئن شئنا لنذهبنّ . .. إن فضله کان علیک کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۳

۳- قرآن کتابی وحی شده به پیامبر (ص) از جانب خداوند است .

واتل ما أُحی إلیک من کتاب ربّک

حرف <من> در <من کتاب ربک> برای تبیین است و گویای این که آنچه وحی شده است، همان کتاب خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۶،۷

۶- تشریح داستان ذی القرنین ، برپایه تلاوت وحی و نه آگاهی های شخصی پیامبر (ص) استوار است .

سأتلوا علیکم منه ذکرًا

۷- بخشی از علوم و اطلاعات پیامبر (

ص) در گروِ نزول وحی بود .

و یسئلونک . .. قل سأتلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۱۰ – ۳،۴،۸

۳- حضرت محمد (ص) ، من های وحی و نبوت ، بشری عادی است .

إنّما أنا بشر مثلکم یوحی إلیّ

۴- دستیابی پیامبر (ص) بر علوم بی کران الهی ، در محدوده وحی است .

قل لو کان البحر . .. قل إنّما أنا بشر مثلکم یوحی إلیّ

۸- توحید و یگانگی خدا ، شاخص ترین پیام های عقیدتی وحی شده بر پیامبر (ص) است .

یوحی إلیّ أنّما إلهکم إله وحد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۴ – ۱،۳،۵

۱- تاریخ پیامبران و دعوت های توحیدی آنان ، معارفی الهی است که فرشتگان آن را به امر خداوند و با برنامه ای زمان بندی شده به پیامبر (ص) ابلاغ کرده اند .

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّک

این آیه و آیه بعد به قرینه <فاعبده و اصطبر لعبادته> در آیه بعد تذییلی بر آیات پیشین و گویای این نکته است که: آنچه گفته شد، به امر خداوند بر تو نازل شده است و واسطه وحی در این زمینه از خود هیچ نقشی ندارد. بنابراین همچون پیامبرانی که سرگذشت آنان برتو خوانده شد، به عبادت خداوند بپرداز و بر آن پایدار بمان.

۳- فرشتگان در نزول بر پیامبر (ص) و آوردن وحی ، تنها از خداوند اطاعت می کنند .

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّک

گرچه در این آیه مطرح نشده است که

فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند و چه مطالبی را نازل می کنند; ولی به قرینه <ربک>، بارزترین مصداق برای گویندگان <ما نتنزّل. ..>، مأموران ابلاغ قرآن به پیامبر(ص) می باشند.

۵- نزول ملائکه بر پیامبر (ص) و آوردن وحی ، جلوه ای از ربوبیت خداوند بر آن حضرت بود .

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) ، آیات قرآن را پیش از پایان یافتن وحی آن ، به زبان جاری می ساخت و در تلاوت آن تعجیل داشت . *

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن یقضی إلیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبراسلام (ص)

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

از دیدگاه بیشتر مفسران مقصود از <فرقان> در آیه شریفه قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۱

۱ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول قرآن و پیام وحی

نزل به الروح الأمین . علی قلبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۶

۶ - اقدام الهی به بیان معارف ، شرایع و سرگذشت پیامبران ، از طریق وحی کردن قرآن به پیامبر (ص)

و لكنّا أنشأنا قرونًا فتطاول عليهم العمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲

- ۲،۳،۴

۲ - پیامبر (ص) ، دریافت کننده وحی

و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک

۳ - ربوبیت الهی ، مقتضی ارسال وحی به پیامبر (ص) است .

و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک

۴ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، برای پرورش و تنظیم جهت گیری صحیح او بود .

و لاتطع الکفرین . .. و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۱،۲،۸

۱ - پیامبراسلام (ص) ، دریافت کننده وحی از جانب خداوند

و الذی أوحینا إلیک

۲ - قرآن ، کتاب آسمانی و وحی الهی به پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

۸ - انتخاب پیامبر (ص) برای دریافت وحی و قرآن کریم ، بر اساس آگاهی خداوند ، از شایستگی ها و ارزش های نهفته در وجود آن حضرت بود .

و الذی أوحینا إلیک من الکتب . .. إنّ اللّه بعباده لخبیر بصیر

جمله <إنّ اللّه بعباده . ..> در مقام تعلیل برای <و الذی أوحینا إلیک...> بوده و در واقع پاسخ به این پرسش است که چرا به پیامبراسلام(ص) وحی می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۹ - ۱،۲

۱ - پیامبراسلام (ص) ، از ملأ اعلی (عالم فرشتگان) جز از راه وحی آگاهی نداشت .

ما كان لی من علم بالملأ الأعلی

طبق نظر مفسّران، مقصود از >ملأ الأعلی< فرشتگان است. با توجه به آیه بعد، استفاده می شود که آگاه نبودن پیامبر(ص) از ملأ اعلی

(مضمون آیه مورد بحث) مربوط به طرق عادی است و آن حضرت از راه وحی به آن عالم آگاه بود.

۲ - پیامبر (ص) از مجادله و گفت وگوی فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم ، تنها از راه وحی آگاه بود .

ما کان لی من علم بالملأ الأعلی إذ یختصمون

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربّک للملائکه. ..) گفت وگوی فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۶

۶ - وحی به پیامبر (ص) ، تنها در محدوده انذار به مردمان و به منظور اخطار به آنان بوده است .

إن یوحی إلیّ إلاّ أنّما أنا نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۲

۲ - پیامبراسلام (ص) ، دریافت کننده وحی (قرآن) از سوی خداوند

إنّا أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۳

۳ - ارتباط وحیانی با خداوند ، تنها فرق و امتیاز پیامبر (ص) با دیگران است .

قل إنّما أنا بشر مثلکم یوحی إلیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۸

۸ - تفاوت نحوه ابلاغ و انزال پیام های دینی ، به پیامبراکرم (ص) و انبیای پیشین . *

ما وصّى به . .. و الذى أوحينا إليك

با توجه به تفاوت مواد و محتواى دو واژه

<وصیت> و <وحی>، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۶

۶ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول و دریافت وحی الهی

فإن یشإِ اللّه یختم علی قلبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱،۲،۵،۷

۱ - وحی به پیامبراکرم (ص) ، استمرار وحی بر انبیای پیشین است .

و کذلک أوحینا إلیک

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مشارٌالیه <ذلک>، مطلق وحی باشد (که از آیه قبل استفاده می شود).

۲ - تحقق انواع سه گانه وحی (وحی بیواسطه ، وحی از پس حجاب و نزول فرشته) برای پیامبراکرم (ص)

و ما کان لبشر أن یکلّمه اللّه إلاّ وحیًا أو . .. و کذلک أوحینا إلیک

تعبیر به <کذلک> می تواند ناظر به مفاد آیه پیشین باشد که راه ها و اقسام وحی را معین کرده بود.

۵ - روح القدس (جبرئیل) ، واسطه وحی الهی برای پیامبراکرم (ص) بود .

کذلک أوحینا إلیک روحًا من أمرنا

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از <روحاً> فرشته وحی (جبرئیل) باشد. دراین صورت نصب <روحاً> مبتنی به اعتبار نزع خافض و به تقدیر <أوحینا إلیک بروح من أمرنا> است و یا به لحاظ عامل محذوف و به تقدیر <أوحینا إلیک بإرسالنا روحاً من أمرنا> می باشد.

۷ - پیامبراکرم (ص) ، پیش از نزول وحی با کتاب های آسمانی و مفاهیم قرآن هیچ آشنا نبود .

ما کنت تدری ما الکتب

و لا الإیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۴

۴ - قرآن ، وحی الهی بر پیامبر (ص) بوده و آن حضرت در محتوای آن نقشی نداشته است .

فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۱،۴

۱ - عزیمت جبرئیل از بالاترین افق هستی ، به سوی پیامبر (ص) جهت ابلاغ قرآن به آن حضرت

فاستوی . و هو بالأُفق الأعلی

ضمایر در این آیات، به <شدیدالقوی> (جبرئیل) بازمی گردد.

۴ - دریافت پیام وحی به وسیله جبرئیل از مقام الوهیت و آوردن آن برای پیامبر (ص)

و هو بالأُفق الأعلی

مراد از <اُفق اعلی> می تواند مقام الوهیت باشد که جبرئیل از آن جا وحی را دریافت کرده، به زمین می آورد و به پیامبر(ص) می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۸ - ۱

۱ - جبرئیل برای ابلاغ وحی ، به پیامبر (ص) خود را به آن حضرت نزدیک و نزدیک تر کرد .

ثمّ دنا فتدلّی

<دنا>; یعنی، نزدیک شد و <تدلّی>; یعنی، آویخت و این کنایه از شدت نزدیکی است. ضمیر فاعل در <دنا> و <تدلّی>به جبرئیل بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۹ - ۱

۱ - جبرئیل برای وحی کردن قرآن به پیامبر (ص) ، خود را آن قدر به آن حضرت نزدیک کرد که فاصله میان وی و حضرت به اندازه دو کمان یا کمتر

از آن رسید .

فکان قاب قوسین أو أدنی

<قاب> معادل <مقدار> و <قاب قوسین> به معنای اندازه دو کمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - جبرئیل ، آن گاه که خود را کاملاً به پیامبر (ص) نزدیک کرد ، حقایق عظیمی را به آن حضرت وحی نمود .

فأوحی إلی عبده ما أوحی

حرف <فاء> می رساند که این وحی، پس از <دنا فتدلّی. ..> صورت گرفته است. عبارت <ما أوحی> نیز دلالت بر تفخیم دارد. برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که ضمیر فاعلی در <فأوحی> به جبرئیل بازگردد.

۲ - جبرئیل ، واسطه وحی الهی به پیامبران

فأوحی إلی عبده ما أوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۱،۵

۱ - شهود قلبی پیامبر (ص) ، جبرئیل را به هنگام وحی

ما کذب الفؤاد مارأی

۵ - پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه خطا ، به هنگام دریافت وحی

ما کذب الفؤاد مارأی

در صورتی که مراد از <مارأی> وحی باشد، تعبیر <ماکذب. ..> نشانگر راه نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف به هنگام دریافت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، به هنگامی که آن حضرت جامه ای به خود پیچیده بود .

یأیّها المزّمّل

<تزمُّل> (مصدر <مزّمّل>) به معنای پیچیدن جامه و پارچه ای بر خویشتن است.

۲ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، به هنگام دل آزردگی و

تألّمات روحی آن حضرت ، در راستای رسالت

یأیّها المزّمّل

برداشت یاد شده از مجموع آنچه مفسران درباره شأن نزول این آیات ذکر کرده اند، استفاده می شود; مثلاً پیامبر(ص) به وقت دریافت اولین وحی، احساس ناراحتی کرده، به حضرت خدیجه فرمود: مرا جامه ای بپوشان و یا آن حضرت به وقت شنیدن تهمت کهانت، جنون و سحر درباره خود، احساس ناراحتی کرده به استراحت پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۲

۲ - دریافت وحی (قرآن) و تبلیغ آن ، امری بس سنگین و گران بار برای پیامبر (ص)

إنّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱ - ۱

۱ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، به هنگامی که آن حضرت رِدا بر خود پیچیده بود .

یأیّها المدّثّر

<دثار>، به معنای لباس رویین و آنچه روی لباس زیرین به تن می کنند (مانند ردا و. ..) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۱

۱ - تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر پیامبر (ص) ، تضمین شده از سوی خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

<جمع> در لغت به معنای تألیف است و مقصود از آن در این آیه تألیف و تنظیم کلمات قرآن می باشد. واژه <قرآن> نیز معنای مصدری دارد; یعنی، خواندن. بنابراین <إنّ علینا جمعه و قرآنه>; یعنی، <بی تردید تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر تو [ای پیامبر] بر عهده ما

است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۵ – ۴

۴ – فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند; نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند; زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۳ – ۵

۵ – القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن ، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است .

اقرأ و ربّک الأکرم

وحی به مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۴ – ۱۲

۱۲– در پی زایمان مریم (س) ، فرشته الهی (جبرئیل) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خبر ساخت .

فنادیها من تحتها ألاّتحزنی قد جعل ربّک تحتک سریًّا

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

وحی به ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۱،۳

۱ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر ، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان

آگاه ساخت .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه أنی معکم فثبتوا الذین

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ یوحی ربک إلی الملئکه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذکر> باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

وحی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۱

۲۱ خداوند نازل کننده کتاب تورات بر موسی(ع)

قل من أنزل الکتب الذی جاء به موسی . .. قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۲

۲ خداوند ، فرمانش را (افکندن عصا) از طریق وحی به موسی ابلاغ کرد .

و أوحینا إلی موسی أن ألق عصاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۱

۱۱ فرمان خدا به موسی (زدن عصا بر سنگ برای تهیه آب) فرمانی اعلام شده به او از طریق وحی

و أوحینا إلی موسی . .. أن اضرب بعصاک الحجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱،۳،۱۴

۱ خداوند ، از طریق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) به تهیه مسکن برای قوم خود اقدام کنند .

و أوحينا إلى موسى و أخيه أن تبوّءا لقومكما

بمصر بيوتاً

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه اولاً <مصر> به معناى شهر مصر باشد ; چنان كه به همين معنا در مفردات و لسان تصريح شده است. ثانياً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به <تبوءاً> باشد نه حال براى <قومكما>.

۳ برادر موسى (هارون) شريك او در دريافت وحى و ياور او در امر رسالت بود .

و أوحينا إلى موسى و أخيه أن تبوّءا لقومكما بمصر بيوتاً

۱۴ < عن محمد بن مسلم عن ابى جعفر (ع) قال : قلت : كان هارون أخا موسى لأبيه و أمه ؟ قال : نعم . . . قلت : و كان الوحى ينزل عليهما جميعاً ؟ قال : الوحى ينزل على موسى و موسى يوحيه الى هارون ؟

محمد بن مسلم گويد به امام باقر (ع) گفتم: آيا هارون برادر پدرى و مادرى موسى (ع) بود؟ حضرت فرمود: آرى . .. گفتم: آيا وحى بر هر دوى آنان نازل مى شد. حضرت فرمود: وحى بر موسى (ع) نازل مى شد و موسى (ع) وحى را به هارون منتقل مى كرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست كوه طور ، موسى (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندينه من جانب الطور الأيمن

<أيمن> يا از <يُمن> به معناى خير و بركت داشتن گرفته شده و يا از <يمين> كه به معناى <سمت راست> است. دراين برداشت معناى دوم مورد نظر است. در اين صورت <الأيمن> وصف كلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳ - ۵

۵ - سخن خداوند با موسی (ع) در وادی طوی (پای کوه طور) ، به صورت وحی بوده است .

فاستمع لما یوحی

جمله <إنّنی أنا اللّه> (در آیه بعد) بدل برای <ما یوحی> است. بنابراین آنچه در پایین کوه طور با موسی(ع) گفته شده بود، وحی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱،۱۰

۱ - یگانگی خداوند و حقیقت نداشتن هیچ معبودی جز او ، سرلوحه وحی الهی به موسی (ع) در وادی طوی بود .

إنّنی أنا اللّه لا إله إلاّ أنا

۱۰ - فرمان مداومت بر نماز و برپاداشتن آن ، از نخستین برنامه های عملی ابلاغ شده به موسی (ع) در وادی طوی بود .

أقم الصلوه

<اقامه نماز> (برپاداشتن آن) به مداومت بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۹

۹ – موسی و هارون (ع) ، با خطابی مشترک از سوی خداوند ، وحی الهی رادریافت کردند .

قال لاتخافا إنّنی

معکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۱

۱ - هارون نیز مانند موسی (ع) ، دریافت کننده وحی الهی بود .

إنّا قد أُوحی إلینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۱

۱ - دل قوی داشتن و نگران نبودن از پی آمد های سِحر ساحران فرعون ، مفاد وحی خداوند به موسی (ع) در میدان مقابله با ساحران

فأوجس . .. قلنا لاتخف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۳،۴

۳ - مسیر هجرت بنی اسرائیل از مصر ، از طریق وحی به موسی (ع) مشخص شده بود .

و لقد أوحینا إلی موسی . .. فاضرب لهم طریقًا فی البحر

فرمان به کوچ دادن شبانه بنی اسرائیل و بیان برخورد آنان در مسیر خود با دریا، دال براین است که مسیر حرکت نیز از طریق وحی مشخص شده بود.

۴ - وحی الهی ، راهنمای موسی (ع) در مراحل دشوار و تنگنا های مسیر رسالت .

و لقد أوحینا إلی موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۲

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إليک . .. فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۲ – ۱،۳،۶

۱ –

وحی خداوند به موسی (ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

۳ - تصمیم گیری و حرکت موسی (ع) ، در مقاطع مختلف بر اساس برنامه وحی

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

۶ - خبردادن خداوند به موسی (ع) مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در صورت خروج از مصر

أسر بعبادی إنّکم متّبعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۲

۲ - وحی الهی به موسی (ع) مبنی بر زدن عصای خویش به دریا

فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاك البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۱

۱ - فرمان الهی به موسی ، در وادی طور مبنی بر افکندن عصای خویش

و أن ألق عصاك

<إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای انداختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۲

۲ - وحی به موسی (ع) ، جلوه ربوبیت خداوند بر او و از عوامل رشد و تربیت آن حضرت برای انجام رسالت خویش بود .

إذ نادیه ربّه

وحی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۲،۱۲

۲ خداوند نوح (ع) را به پیامبری برانگیخت و به وی وحی کرد .

كما أوحينا إلى نوح

۱۲ نوح ، نخستین پیامبری که خدا به او وحی کرده است . *

كما أوحينا إلى نوح و النبين من بعده

چون آیه مورد

بحث نه به صورت تفصیل و نه به صورت اجمال سخنی درباره وحی به پیامبری قبل از نوح(ع) بیان نکرده، می توان گفت قبل از حضرت نوح(ع) پیامبری که خدا به وی وحی کرده باشد وجود نداشته ; بنابراین نوح(ع) اولین پیامبری است که به وی وحی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۳

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند ، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند .

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۲

۲ خداوند ، درپی تلاش های حضرت نوح (ع) و مؤثر نبودن آن تلاشها ، او را از ایمان آوردن کفرپیشگان قومش مأیوس کرد .

و أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک إلّا من قد ءامن

فاعل <لن یؤمن> کلمه ای همانند <أحد> می باشد; یعنی: <لن یؤمن أحد من قومک. > <إلّا> به معنای <غیر> و صفت برای <أحد من قومک> است نه استثنای از جمله <لن یؤمن ...>; زیرا استثنای مؤمنان از جمله سابق، استثنای وجیه بلکه صحیحی نیست. بنابراین جمله <لن یؤمن ...> چنین معنا می شود: احدی از افراد غیر مؤمن قومت (کافران آنان) ایمان نخواهد آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۴،۱۰

۴ نوح (ع) ، در ساخت کشتی با دریافت وحی ، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد

واصنع الفلک بأعيننا و وحينا

۱۰ خداوند ، فرجام کفرپيشگان قوم نوح (غرق شدن در طوفان آب) را برای او بيان کرد .

إنهم مغرقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۲

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحينا إليه أن اصنع الفلک

وحی به هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱،۳،۱۴

۱ خداوند ، از طريق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) به تهيه مسکن برای قوم خود اقدام کنند .

و أوحينا إلی موسی و أخيه أن تبوّءا لقومکما بمصر بيوتاً

برداشت فوق مبتنی بر اين است که اولاً <مصر> به معنای شهر مصر باشد ; چنان که به همين معنا در مفردات و لسان تصريح شده است. ثانياً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به <تبوءاً> باشد نه حال برای <قومکما>.

۳ برادر موسی (هارون) شريک او در دريافت وحی و ياور او در امر رسالت بود .

و أوحينا إلی موسی و أخيه أن تبوّءا لقومکما بمصر بيوتاً

۱۴ < عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال : قلت : کان هارون أخا موسی لأبيه و أمه ؟ قال : نعم . . . قلت : و کان الوحی ينزل عليهما جميعاً ؟ قال : الوحی ينزل علی موسی و موسی يوحيه الی هارون ؟

محمد بن مسلم گويد به امام باقر (ع) گفتم: آيا هارون برادر پدری و مادری موسی (ع)

بود؟ حضرت فرمود: آری . .. گفتم: آیا وحی بر هر دوی آنان نازل می شد. حضرت فرمود: وحی بر موسی (ع) نازل می شد و موسی (ع) وحی را به هارون منتقل می کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۹

۹ - موسی و هارون (ع) ، با خطابی مشترک از سوی خداوند ، وحی الهی رادریافت کردند .

قال لاتخافا إنّنی معکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۱

۱ - هارون نیز مانند موسی (ع) ، دریافت کننده وحی الهی بود .

إنّا قد أُوحی إلینا

وحی به یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۲

۲- یحیی (ع) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود .

ییحیی خذ الکتب بقوّه

در باره این که ندای <یا یحیی> گفته چه کسی بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداوند و توسط فرشته وحی; ۲ توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

وحی به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷

۱۷ "عن أبی عبدالله(ع): ... هبط علیه جبرئیل فقال له: یا یعقوب ربک یقرؤک السلام و یقول لک: شکوتنی إلی الناس ...

فلاتعود تشکونی إلی خلقی... فقال: "إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود

آمـد و گفت: پروردگارت سـلام می رساند و می گوید: از من به مردم شـکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشكوا بثّی و حزنی إلی الله ..."...".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰،۱۲

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

۱۲- خداونـد ، به ابراهیم ، اسـحاق و یعقوب (ع) کـار های نیک را شـناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یـاد شـده مبتنی براین است که نصب <فعـل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشـد. براین اساس وحی و الهـام فعـل خیرات می توانـد بـه ایـن معنـا باشـد که خـدا هر آن چه در میزان الهی و در واقـع، کـار خیر است به آنـان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سـخن دیگر <أوحینا> متضـمن معنای <علّمنا> است.

وحی به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۸،۹،۱۰،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۸ خداوند یوسف (ع) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا

جمله <لتنبئنّهم> (همانـا این واقعه را در آینـده به برادرانت یـادآوری خواهی کرد) دلالـت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۹ عنایت

خاص خداوند به یوسف (ع) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن یجعلوه فی غیبت الجب و أوحینا إلیه

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحینا إلیه

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف (ع) به برادرانش ، محتوای وحی خداوند به یوسف (ع)

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

۱۴ خداوند به یوسف (ع) خبر داد که ملاقات او با برادرانش ، پس از داستان چاه کنعان ، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت .

لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

جمله حالیه <و هم لایشعرون> متعلق به <لتنبئنّ> است ; یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع) بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان

هستی.

۱۶ برادران یوسف از شنیدن و احساس کردن وحی الهی به او ، ناتوان بودند .

و أوحینا إلیه . .. و هم لایشعرون

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که عامل حال (و هم لایشعرون) فعل <أوحینا> باشد. بر این اساس مفاد <و هم لایشعرون> چنین می شود: آنان وحی ما را به یوسف(ع) نمی فهمیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلك کدنا لیوسف

وحی در امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۲

۲ - آبادی ها و شهر های بسیاری ، در جوامع بشری از وجود وحی و پیامبران الهی ، برخوردار بودند .

و کأیّن من قریه عتت عن أمر ربّها و رسله

وحی در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأوّلین

وحی در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰،۱۱

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحینا إلیه

۱۱ در تلقی وحی الهی و دریافت آن ، رسیدن به سن خاصی شرط نیست .

و أوحینا إلیه

وحی و آسمان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۳،۴

۳ - آسمان محل ظهور و بروز وحی بر پیامبران

قد نری تقلب وجهک فی السماء

۴ - هر ناحیه ای از آسمان می توانست و احتمال داشت که محل ظهور و پیدایش فرشته وحی بر پیامبر (ص) باشد .

قد نری تقلب وجهک فی السماء

از اینکه پیامبر(ص) برای مشاهده نزول فرشته وحی به نقطه ای خاص و معین چشم نمی دوخت و صورتش را به هر سویی می چرخانید، به برداشت فوق می توان دست یافت.

وحی و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۶

۶- دریافت وحی الهی ، لازمه منصب رسالت

و ما أرسلنا . .. نوحی إلیهم

وضوح وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۲

۲ - شیوایی و جاذبه محسوس پیام وحی ، مورد سوء تعبیر کافران

أم یقولون شاعر

کافران، به جای آن که موزون بودن و شیوایی سخنان وحی را، طریق هدایت خود قرار دهند، مورد سوء تعبیر قرار داده و نوعی شعر قلمداد کرده اند که ناخودآگاه در این نقص گیری به تمجید نشسته اند.

وقت نزول وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۱ – ۸

۸ زمان و حالت نزول وحی دارای خصوصیتی ویژه می باشد .

و إن تسئلوا عنها حين ينزل القرءان تبدلکم

ویژگی وحی به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۶ – ۴

۴ – وحی و

نزول قرآن ، به صورت قرائت آن بر پیامبر (ص) و جاری ساختن آن بر زبان او بوده است .

سنقرئک

ویژگیهای نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۳

۳ - نزول وحی و آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، در قالب الفاظ و به شکل قرائت و روخوانی بر ایشان بود .

فإذا قرأنه فاتّبع قرءانه

برداشت یاد شده از به کار رفتن واژه <قرائت> استفاده می شود.

ویژگیهای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۲

۲ - شیوایی و جاذبه محسوس پیام وحی ، مورد سوء تعبیر کافران

أم یقولون شاعر

کافران، به جای آن که موزون بودن و شیوایی سخنان وحی را، طریق هدایت خود قرار دهند، مورد سوء تعبیر قرار داده و نوعی شعر قلمداد کرده اند که ناخودآگاه در این نقص گیری به تمجید نشسته اند.

هدایت ناپذیری معرضان از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - انسانِ رویگردان از هدایت الهی و پیام وحی ، غیرقابل هدایت بهوسیله دیگر عوامل

فمن یهدیه من بعد اللّه

هدایت ناپذیری مکذبان وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۶ – ۶

۶ – هدایت ناپذیران از وحی و آیات الهی ، تأثیرناپذیر از هر پیام و ابزار هدایتی دیگر

فبأیّ حدیث بعد اللّه و ءایته یؤمنون

جمله <فبأیّ حدیث. ..> که مفید استفهام تعجبی است می تواند بیانگر این نکته باشد که اگر انسان

در پرتو آیـات الهی هـدایت نشود; دیگر به هـدایتی دست نخواهـد یافت; چه این که هـدایت دیگری نیست تا از آن بهره مند گردد.

هدایتگری وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۵

۵- انسان ، بدون هدایت وحی ، گرفتار نوعی بیماری فکری ، روحی و اخلاقی است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه

از اینکه نزول قرآن برای شفابخشـی معرفی شده است، حکایت از آن دارد که بدون وحی، بشـر گرفتار مرضـهای علاج ناپذیر روحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۷

۷ - انسان ، بدون وحی و الهام الهی ، غرق در انواع غفلت ها و بی خبری ها است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل لعلّهم یتذکّرون

برداشت یاد شـده از تعبیر <یتـذکّرون> به دست می آیـد; زیرا تـذکر و بیدارباش در جایی به کار می رود که در مقابل آن، غفلت و بی خبری وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۴

۴ - نظام آسمان ها ، تحت هدایت وحی الهی (امر و تدبیر خداوند)

و أوحی فی کلّ سماء أمرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - برخورداری از روحیه حق پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد ، شرط بهرهوری انسان از هدایت وحی

و لو جعلنه . .. و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر و هو علیهم

عمیً

از صـدر آیه که دربـاره لجاجت کافران است و نیز فعل مضارع <لایؤمنون> که اشعار به اسـتمرار عـدم ایمان دارد می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۷

۷ - معارف وحی و آیات الهی ، نیرومندترین وسیله و عامل هدایت انسان

فبأیّ حدیث بعد اللّه و ءایته یؤمنون

خداونـد می فرمایـد: پس از قرآن دیگر پیامی نیست که بتوانـد منکران قرآن را هـدایت کنـد. از این بیان اسـتفاده می شود که قرآن بالاترین حد کارایی و روشنگری را دارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۷

۷ - انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

إنّی لکم نذیر مبین

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

هماهنگی تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۹

۹- وحدت و هماهنگی پیام وحی ، در طول تاریخ رسالت پیامبران

و من قبله کتب موسی . .. و هذا کتب مصدّق

از این که قرآن، تصـدیق گر تورات است و خداونـد این تصـدیق گری را دلیل حقانیت وحی شـمرده، مطلب یاد شده اسـتفاده

می شود.

یقین به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۱ – ۶

۶ – ایمان و عمل صالح ، از لوازم و مظاهر یقین به وحی و هدایت آسمانی است .

لقوم یوقنون . .. أن نجعلهم کالذین ءامنوا و عملواالصلحت

یهود و نزول وحی بر بشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء . .. و من أظلم ممن افتری علی

یهود و وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۷ – ۶

۶ – تصور جاهلانه یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۶ – ۱۳

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر (ص) به هیاهوی چوپان ها ، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لیّاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

وراثت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وراثت

آثار وراثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۲

۲ نقش وراثت در ساختار شخصيّت انسانها *

ذريّه بعضها من بعض

درخواست وراثت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۱

۱ - دعای ابراهيم (ع) به درگاه خدا ، برای قرار گرفتنش

در زمره وارثان بهشت

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم

<من> در این آیه تبعیضیه و <ورثه> جمع وارث است; یعنی، مرا یکی از وارثان بهشت قرار بده.

وراثت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۱

۱- بندگان تقواپیشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلك الجنّه التی نورث من عبادنا من کان تقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱،۷

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد; چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً); ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد; چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیا، آیه ۴۸); ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۷- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض نتبؤأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العاملین> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

وراثت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد

و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

كذلك و أورثنها بنى إسرءيل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنّات> بازمی گردد; نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدّسه التی کتب اللّه لکم>، (مائده(۵) آیه ۲۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۸ - ۳،۷

۳- قرار گرفتن امکانات فرعونیان ، در اختیار گروهی دیگر از مردم (بنی اسرائیل)

كذلك و أورثنها قومًا ءاخرين

برداشت بالا- بنابراین نکته است که مراد از <قوماً آخرین> گروهی از بنی اسرائیل باشد; چنان که در آیه ۵۹ سوره <شعراء> آمده است. این گروه ممکن است بخشی از بنی اسرائیل بودند که در خروج از مصر با موسی(ع) همسفر نبودند.

۷- بازگشت بنی اسرائیل به مصر و برخورداری آنان از ثروت و امکانات آن سرزمین ، پس از هلاکت فرعونیان *

كذلك و أورثنها قومًا ءاخرين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <قوماً آخرین> تمام بنی اسرائیل باشد.

وراثت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۳

۳- خداوند ، یگانه وارث

همه موجودات است .

و نحن الورثون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۰ – ۱

۱– خداوند ، تنها وارث تمامی زمین و زمینیان است .

إنّا نحن نرث الأرض و من علیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۰ – ۱

۱– خداوند ، وارث و مالک نهایی اموال و فرزندان است .

قال لأُتینّ . .. و نرثه ما یقول

مراد از <ما یقول> به قرینه آیه قبل، مال و فرزند است که کافر به کفرورزی خویش، در امید دستیابی به آن بود (لأُوتینّ مالاً و ولداً).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۸ – ۱۳

۱۳ – تنها خدا وارث آثار به جا مانده (زمین ، باغ ، خانه و . . .) از جوامع هلاک شده پیشین

و کم أهلکنا من قریه . .. و کنّا نحن الورثین

وراثت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۵ – ۱،۷

۱– به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد; چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً); ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد; چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده

است (انبیا، آیه ۴۸)؛ ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۷- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض نتبؤأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العاملین> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

وراثت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۱

۱- بندگان تقواپیشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلک الجنّه التی نورث من عبادنا من کان تقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۴،۵

۴ - بهشت جاویدان ، میراث تقواپیشگان

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

وراثت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، تنها وارثان بهشت

قد أفلح المؤمنون . .. أَولئك هم الورثون

<أُولئك> مبتدا و اشاره به مؤمنانی است که دارای صفات یاد شده در آیات پیشین (آیات ۲ تا ۹) هستند. <الوارثون> خبر مبتدا و <ال> در آن برای تعریف عهد ذهنی یا اسم موصول و به تقدیر <الذین یرثون> می باشد. به هر حال <الوارثون> بیانگر این معنا است که کسانی که به عنوان میراث بر بهشت خوانده می شوند، این دسته از مؤمنان اند. گفتنی است که ضمیر <هم> می تواند ضمیر فصل و مفید حصر باشد (رساننده این

معنا که مسند (الوارثون)، تنها برای مسندالیه ثابت است) و نیز می تواند مبتدا و <الوارثون> خبر آن و جمله <هم الوارثون> خبر <أُولئک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، وارثان بهشت اند .

الذین یرثون الفردوس

<الذین> در محل رفع و صفت توضیحی (عطف بیان) است و یا بدل برای <الوارثون> می باشد. <فردوس> واژه ای معرّب و به معنای بوستان است که در این جا به جای <الجنه> به کار رفته است; چون با این که مذکّر می باشد، به آن ضمیر مؤنث (فیها) ارجاع شده است.

وراثت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۸

۸- یحیی (ع) ، وارث حضرت زکریا (ع) و خاندان یعقوب بود .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب . .. یزکریا إنّا نبشّرک بغلم اسمه یحیی

ورد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وِرد

آداب وِرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۴

۴ پرهیز از آوای بلند در ذکر زبانی ، از آداب لب گشودن به ذکر خداوند است .

و اذکر ربک . .. دون الجهر من القول

<دون> بـه معنـای پـایینتر و <جهر> بـه معنـای آشـکار کردن و علنی سـاختن و <من القـول> بیـان برای <الجهر> است. بنـابراین <الجهر من القـول>، یعنی بلنـد کردن صـدا و <دون الجهر من القول>، یعنی ادا کردن لفـظ و سـخن پـایینتر از حد جهر.

اهمیت وِرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۳،۵ - ۲۰۵

۳ خداوند از پیامبر (ص) خواست تا لب به ذکر او گشاید و زبانش را به یاد او مترنم سازد .

و اذکر ربک . .. دون الجهر من القول

برداشت فوق بر این اساس است که <دون الجهر . .. > عطف بر <فی نفسک> باشد. بر این مبنا آیه شریفه اشاره به دو گونه ذکر دارد: ذکر قلبی که <فی نفسک> آن را بیان می کند، ذکر زبانی که <دون الجهر من القول> به آن اشاره دارد.

۵ انسان ها باید در دل و جان به یاد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذکر او گشایند .

و اذکر ربک . .. بالغدو و الاصال

<غدوه> (مفرد غدو) به معنای صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید) است. <آصال> جمع و یا جمع الجمع <اصیل> است و اصیل به زمان میان عصر تا مغرب گفته می شود. قابل ذکر است که <ال> در <الغدو> و <الأصال> برای استغراق است و افاده عموم می کند ; یعنی هر صبح و عصر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۶ - ۳،۶

۳ یاد کردن خدا در دل و جان و لب گشودن به ذکر وی ، عبادت و پرستش اوست .

و اذکر ربک . .. إن الذین عند ربک لایستکبرون عن عبادته

فرمان به ذکر خدا (اذکر ربک) و سپس بیان این حقیقت که مقربان درگاه خدا از پرستش او رویگردان نیستند، بیانگر این است که ذکر خدا مصداق بارزی از پرستش خداوند و عبادت اوست.

۶ پرستش خدا ، به زبان آوردن

اسما و صفاتی که حاکی از تنزیه او باشد و نیز سجده کردن به آستان او ، از مصادیق ذکر و یاد خداوند است .

و اذکر ربک . .. إن الذین عند ربک ... و له یسجدون

صدا در وِرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۴

۴ پرهیز از آوای بلند در ذکر زبانی ، از آداب لب گشودن به ذکر خداوند است .

و اذکر ربک . .. دون الجهر من القول

<دون> به معنای پایینتر و <جهر> به معنای آشکار کردن و علنی ساختن و <من القول> بیان برای <الجهر> است. بنابراین <الجهر من القول>، یعنی بلند کردن صدا و <دون الجهر من القول>، یعنی ادا کردن لفظ و سخن پایینتر از حد جهر.

وقت وِرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۵

۵ انسان ها باید در دل و جان به یاد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذکر او گشایند .

و اذکر ربک . .. بالغدو و الاصال

<غدوه> (مفرد غدو) به معنای صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید) است. <آصال> جمع و یا جمع الجمع <اصیل> است و اصیل به زمان میان عصر تا مغرب گفته می شود. قابل ذکر است که <ال> در <الغدو> و <الأصال> برای استغراق است و افاده عموم می کند ; یعنی هر صبح و عصر.

وزارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وزارت

آثار وزارت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ – طه – ٢٠ – ٣١ – ٢

٢ – موسى (ع)

، معاونت هارون را برای خود ، موجب توان مندی بیشتر در انجام مسؤولیت می دانست .

هرون أخی . أشدّد به أزری

شرایط تصدی وزارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ دانش و توان ، دو شرط اساسی برای مدیریت و تصدی وزارت

اجعلنی . .. إنی حفیظ علیم

فلسفه وزارت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۳ - ۱

۱ - موسی (ع) تسبیح فراوان و تبرئه مکرر خداوند را از پندار های باطل مشرکان ، در گرو همراهی هارون با او می دانست .

کی نسبّحک کثیرًا

مراد از تسبیح به قرینه مأموریت موسی(ع) برای هدایت فرعون تنزیه خداوند از داشتن شریک و هرگونه محدودیتی در الوهیت و ربوبیت است. فاعل <نسبّحک> موسی و هارون(ع) می باشد و <کی نسبّحک> تعلیل برای جمله های اخیر است که درخواست همراهی هارون رامطرح کرده بود; یعنی با پشتیبانی هارون، دعوت به توحید که متضمن تنزیه خداوند از داشتن شریک است افزایش خواهد یافت.

وزارت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - خداوند تمامی خواسته های موسی (ع) را پذیرفت و به او شرح صدر و بیان روان عطا کرد و هارون را وزیر او قرار داد .

قال ربّ . .. قال قد أُوتیت سؤلک یموسی

<سؤل>**;** یعنی احتیاجی که نفس انسان بر تحصیل آن حرص میورزد و فرق آن با آرزو این است که آرزو در فکر انسان می گذرد،

ولی <سؤل> پی گیری می شود. گویا همواره رتبه <سول> بعد از آرزو است.

۵ - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) ونصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح . .. قال قد أُتیت سؤلک

وزارت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۹

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نریک من المحسنین

یوسف(ع) و وزارت کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنى على خزائن الأرض . .. و كذلك مكّنّا ليوسف فى الأرض

وسوسه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وسوسه

آثار تداوم وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۵

۵ - تکرار وسوسه ، فراهم سازنده زمینه تأثیر آنها در انسان است .

الذی یوسوس

فعل مضارع <یوسوس> به قرینه سیاق آیه که بیانگر ویژگی های وسوسه گران است بر استمرار دلالت دارد.

آثار وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۸

۸- وسوسه ، تزیین و القای آرمان های دروغین ، ابزار شیطان در منحرف ساختن انسان ها

إنّ الذین ارتدّوا . .. الشیطن سوّل لهم و أملی لهم

مفهوم <أملی> ممکن است به معنای ایجاد آمال و آرزو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۴

۴ انکار معاد ، ناشی از وسوسه های مرموز نفس و نه نارسایی برهان آن *

بل هم فی لبس من خلق جدید . .. و نعلم ما توسوس به نفسه

آثار وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۷ – ۲

۲ پرهیز از گمراه گشتن بر اثر وسوسه های شیطان، توصیه و هشدار خداوند به انسانها

یبنی ءادم لا یفتننکم الشیطن

آثار وسوسه نفس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۲،۳

۲ وسوسه های نفسانی قابیل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار

کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

آثار وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۳

۳- تأثیر فزون تر وسوسه های شیطانی در مشرکان و افزایش گمراهی آنان بر اثر مهلت های الهی ، دلیل شتاب نورزیدن خداوند در عذاب آنان

فلاتعجل علیهم

<لاتعجل> به وسیله <فاء> بر آیات پیشین (نظیر <فلیمدد له الرحمن مدّاً> و <تؤزّهم أزّاً>) تفریع شده است; یعنی، حال که تأخیر عذاب مایه افزایش گمراهی مشرکان و فزونی فریب های شیطانی است، چه ضرورتی در تعجیل عذاب است؟ جمله <إنّما . ..> نیز که تعلیل برای <فلاتعجل علیهم> است، همین نکته را تأکید می کند; زیرا بر انبوه تر شدن مدارک عذاب مشرکان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۳،۴

۳ - آدم و حوا (ع) ، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت ، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأکلا منها . .. و عصی ءادم ... قال اهبطا منها جمیعًا

<هبوط>; یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است; زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدور نیست.

۴ - شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إلیه الشیطن . .. قال اهبطا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۷ – ۲

۲ – استفاده از شیوه های

نادرست در مبارزه با باطل ، نتیجه القائات شیطانی است .

ادفع بالتی هی أحسن السیّئه . .. و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱،۴،۹،۱۰

۱- روی گردانی از حق ، به رغم وضوح آن بر انسان ، نتیجه وسوسه ها و فریب های شیطانی است .

إنّ الذین ارتدّوا علی أدبرهم . .. الشیطن سوّل لهم

۴- ارتداد ، معلول مقهور شدن انسان در برابر وسوسه ها و دسیسه های شیطانی است .

إنّ الذین ارتدّوا . .. الشیطن سوّل لهم

۹- وسوسه ها و آرمان های شیطانی ، قفل اندیشه و قلب آگاهان حق گریز *

أم علی قلوب أقفالها . .. الشیطن سوّل لهم و أملی لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <إنّ الذین ارتدّوا. ..> در مقام تبیین و توضیح ذیل آیه قبل باشد (أم علی قلوب أقفالها). در این صورت وسوسه ها و آمال شیطانی منطبق بر <أقفالها> می شود.

۱۰- زیبایی ها و جلوه های راه کفر ، غیر واقعی و زاییده وسوسه های شیطانی است .

الشیطن سوّل لهم و أملی لهم

<سوّل> به معنای وارونه نمایاندن واقعیت ها است; یعنی، <زیبانمودن زشتی ها و متمایل ساختن نفس به جانب آن> و این تعبیر نشان می دهد که راه کفر و ضد حق و هدایت، فاقد زیبایی واقعی است; ولی شیطان به دروغ آن را می آراید.

استعاذه از وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۷،۱۴

۷ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جنیان و انسان

ها ، مایه مصونیت انسان در برابر آن

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

۱۴ – لزوم پناه بردن به خداوند از آثار وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

استعاذه از وسوسه جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۷،۱۴

۷ – پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جنیان و انسان ها ، مایه مصونیت انسان در برابر آن

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

۱۴ – لزوم پناه بردن به خداوند از آثار وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

اعراض از وسوسه گران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۴ – ۳

۳ – لزوم برحذر ماندن از وسوسه گرانی که خود را رسوا نکرده و نیت خویش را برملا نمی سازند .

من شرّ الوسواس الخنّاس

امکان دفع وسوسه های شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۹ – ۶

۶– انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنه ليس له سلطن على الذين ءامنوا و على ربّهم يتوكّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۲

۲- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنما سلطنه على الذين يتولّونه

اهداف وسوسه های شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۵ – ۳

۳ – ایجاد انگیزه های درونی در مردم ، برای مقابله با ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت خداوند ، هدف شیطان از القای وسوسه به قلب ها است .

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس . الذی یوسوس فی صدو

اهمیت وسوسه های شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۶ – ۶

۶ – انسان ، نیازمند یاری خداوند ، حتی در برابر کوچك ترین وسوسه شیطان

و إمّا ینزغنّك من الشیطن نزغ فاستعذ باللّه

برداشت یاد شده از تنکیر <نزغ> که برای تحقیر می باشد استفاده شده است.

تشخیص وسوسه شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۲۰۱ – ۵

۵ اهل تقوا توانا بر تشخیص وسوسه های شیطان به هنگام مواجه شدن با آن وسوسه ها هستند .

إن الذین اتقوا إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا

تعقل در وسوسه های شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۲ – ۶

۶ – لزوم تعقل و خردورزی در وسوسه های گمراه کننده شیطان و درس آموزی از سرنوشت شوم قربانیان فریب وی

و لقد أضلّ منکم جبلاًّ کثیرًا أفلم تکونوا تعقلون

چاره اندیشی برای وسوسه شیاطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۳

۳ – خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره

اندیشی است .

من الجنّه و الناس

خطر وسوسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۶ – ۸

۸ علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشداری به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من حبل الورید

تعبیر و <نحن أقرب. ..> در پی <نعلم ما توسوس...> می توانـد از آن جهت باشـد که آدمی با ناظر دیـدن خـدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

خطر وسوسه انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۵،۹

۵ – پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ . .. من الجنّه و الناس

۹ – وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنّه و الناس

تقـدیم <الجنّه>، به جهت یکنـواخت شـدن آخر آیه هـای این سـوره و یـا نـاظر به افزون تر بـودن خطر وسوسه جنیـان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خطر وسوسه جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۵،۹

۵ – پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ . .. من الجنّه و الناس

۹ – وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنّه و الناس

تقدیم <الجنّه>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه

های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خطر وسوسه های شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۷ – ۱۴

۱۴ – زنان و مردان ، هر دو در خطر فریفته شدن به وسوسه های شیطانی اند .

فلایخرجنّکما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۱۰

۱۰ – انسان ، همواره در خطر وسوسه های شیطان است .

من الجنّه

<شیطان> چنانچه در برخی از سوره های دیگر آمده است از جنس جن است.

خنثی سازی وسوسه شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۲۰۰ – ۵

۵ خداوند خنثی کننده وسوسه های شیطان در صورت پناه آوردن بندگان به درگاه او

فاستغذ باللّه إنه سمیع علیم

جمله <إنه سمیع علیم> به منزله تعلیلی است برای <فاستغذ باللّه> (به خدا پناه بر). و چون مجرد شنوایی و دانایی نمی تواند دلیل لزوم استعاذه باشد، می توان گفت شنوایی و دانایی خداوند کنایه از اجابت پناهخواهی است.

راههای نجات از وسوسه های شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۲ – ۷

۷ – تعقل و خرد ورزی ، راه نجات از وسوسه ها و دام های شیطان

و لقد أضلّ منکم جبلاًّ کثیرًا أفلم تکونوا تعقلون

روش برخورد وسوسه گران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۵ – ۱

۱ – وسوسه گران ، افکار پلید

را در سینه های مردم جای داده ، آنان را از درون به سمت اهداف خود تحریک می کنند .

الذی یوسوس فی صدور الناس

روش وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۷

۷ - پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إلیه الشیطن فقال هل أدّلک

زمینه وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲

۲ اموال یتیمان، وسوسه انگیز و دست اندرکاران آن اموال در خطر تجاوزگری و تصرفهای عدوانی

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف با فعل <لاتقربوا> می تواند اشاره به این جهت نیز داشته باشد که داراییهای یتیمان به سبب نبود مدافع لغزشگاهی است وسوسه انگیز که آدمی با کمترین بی احتیاطی به گناه تصرف آلوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲

۲- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه <لاتقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لاتأکلوا و لاتصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدّی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

زمینه وسوسه انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۰ – ۱۱

۱۱ – شیطان ، از نیاز ها و خواسته های آدمی برای فریب و

وسوسه در دل آنان بهره می برد .

هل أدّلک علی شجره الخلد و ملک لایبلی

زمینه وسوسه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۷

۷ - شیطان ، ایوب (ع) را به خاطر گرفتار بودنش در رنج و عذاب سخت وسوسه می کرد .

أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

<مسّ شیطان> به معنای وسوسه و نزدیک شدن او برای فریب است و <باء> در <بنصب> برای سببیت است; یعنی، شیطان وقتی ایوب(ع) را گرفتار رنج و عذاب دید، به وسوسه او پرداخت.

زمینه وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۸

۸ - آمال و آرزو های آدمی ، زمینه ساز وسوسه شیاطین و هم نشینان بد

فزیّنوا لهم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که مراد از <ما بین أیدیهم> وضعیت موجود و مقصود از <ما خلفهم> آینده ای باشد که در پیش دارند.

زمینه وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۹

۹- انسان در هر عمل صالح ، مورد هجوم و وسوسه شیطان و نیازمند استعاذه و پناه بردن به خداوند است . *

من عمل صلحًا . .. فإذا قرأت القرءان فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

برداشت فوق، بـدان احتمال است که قراءت قرآن به عنوان نمونه ای از عمل صالح ذکر شده باشد که در آیه قبل از آن سـخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

- ۱۷ - ۵۳ - ۱۱

۱۱- خارج شدن از جاده صواب در گفتار ، پیامد وسوسه ها و تلاش های شیطان است .

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

سفارش به گفتار پسندیده و نیکو، و سپس تعلیل به <إن الشیطان ینزغ . ..> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۶۸

۶- کفرورزی ، زمینه ساز و هموارکننده راه نفوذ شیطان و وسوسه های او در آدمی

أرسلنا الشیطین علی الکفرین تؤزّهم

تعبیر <علی الکافرین> دلالت دارد که خداوند پس از تحقق کفر کافران، شیاطین را مأمور گمراه ساختن آنان می کند و در حقیقت ارسال شیاطین پی آمد کفر است.

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از < استدراج > و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدًّا . .. ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

این آیه با آیه <من کان فی الضلاله فلیمدد له الرحمن مدّاً> که بیانگر سنت <امهال> بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فلیمدد. .. مدّاً> است که همان <امهال> و <استدراج> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - رنج ها و مصیبت ها ، میدان و بستری مناسب برای وسوسه های شیاطین

أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۳

۳ - تمامی انسان ها حتی پیامبر (ص) در

معرض تحریک ها و وسوسه های شیطان قرار دارند .

و إمّا ینزغنّک من الشیطن نزغ

<نزغ> در اصل به معنای تحریک کردن است و مراد از آن در آیه شریفه، وسوسه می باشد.

عمومیت وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۹

۹ - همه انسان ها ، حتی خوبان و پاکان ، در معرض وسوسه های شیطان اند .

أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

برداشت یاد شده به خاطر این حقیقت است که وقتی انسان والا-یی چون ایوب(ع) از دست وسوسه های شیطان بنالد و به درگاه الهی شکوائیه ببرد، دیگر مردمان به طریق اولی با چنین وسوسه هایی رو به رو خواهند شد.

عوامل وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۲

۲ - تنها جنیان و انسان ها ، به القای افکار پلید و وسوسه های شیطانی در ذهن بشر می پردازند .

الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

عوامل وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۹

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب . .. > مترتب بر <لیطهرکم ... > است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در

مجاهدان ایجاد می کرده است.

محمد(ص) و وسوسه شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مواجه با وسوسه گرانی از جن و انس که مردم را درباره ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت خداوند به تردید می افکندند .

قل أعوذ بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس ... من الجنّه و الن

در برداشت یاد شده، مجموع سوره با این نگاه تفسیر شده است که پیامبر(ص)، در مسیر ابلاغ یکتایی خداوند در ربوبیت، فرمان روایی و الوهیت، با عده ای از جن و انس مواجه شده بود که در سینه های مردم وسوسه ایجاد کرده، هدایت آنان را بر آن حضرت دشوار می ساختند; خداوند، آن حضرت را در پناه خود قرار داده و او را به این پناهنده شدن فرا خوانده است تا وسوسه گران و اغواگران مردم را، از سر راه او بردارد.

محمد(ص) و وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مواجه با وسوسه گرانی از جن و انس که مردم را درباره ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت خداوند به تردید می افکندند .

قل أعوذ بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس ... من الجنّه و الن

در برداشت یاد شده، مجموع سوره با این نگاه تفسیر شده است که پیامبر(ص)، در مسیر ابلاغ یکتایی خداوند در ربوبیت، فرمان روایی و الوهیت، با عده ای از

جن و انس مواجه شده بود که در سینه های مردم وسوسه ایجاد کرده، هدایت آنان را بر آن حضرت دشوار می ساختند; خداوند، آن حضرت را در پناه خود قرار داده و او را به این پناهنده شدن فرا خوانده است تا وسوسه گران و اغواگران مردم را، از سر راه او بردارد.

منشأ وسوسه های شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۵

۵- وسوسه گری ها و القاآت تحریک آمیز شیاطین ، وابسته به اراده الهی است .

ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین علی الکفرین تؤزّهم

موانع تأثیر وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۶

۶ - توجه به عهد ها و فرمان های الهی و به یاد داشتن همواره آن ، حفاظت کننده آدمی از گرفتار شدن در دام وسوسه های شیطانی است .

و لقد عهدنا . .. فنسی ... فأکلا منها

موانع وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۶،۸

۶ - خداوند ، توانا بر خنثی ساختن وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس ... من الجنّه و الناس

موانع وسوسه جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶

۶ - خداوند ، توانا بر خنثی ساختن وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس ... من الجنّه و الناس

موانع وسوسه دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۲،۴

۲ - پناه بردن به خداوند و توجه به ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت او ، فرمانی الهی به پیامبر (ص) ، برای محفوظ ماندن آن حضرت از وسوسه های دشمن

قل أعوذ بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس

۴ - خداوند ، بر بی اثر ساختن وسوسه های شدید و مرموز دشمنان ، توانا است .

قل أعوذ بربّ الناس . .. من شرّ الوسواس الخنّاس

موانع وسوسه شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

موانع وسوسه شیاطین جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۱۳

۱۳ – خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای

اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

موانع وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۵

۵ - ربوبیت و فرمان روایی خداوند بر مردم و شایستگی او برای الوهیت ، دلیل توانایی او بر ناکام گذاشتن وسوسه گران

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس

نجات از وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۵

۵ - پرهیز از شرک و رهایی از وسوسه های شیطان ، مقدمه و پیش شرط ورود به آستان بندگی خدا و گام نهادن در صراط مستقیم الهی است .

ألم أعهد إلیکم یبنی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن . .. و أن اعبدونی هذا صرط مستقیم

از تقدم توصیه خداوند به پرهیز از اطاعت شیطان، بر فرمان به عبادت خالص خدا و دعوت به صراط مستقیم، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

وسوسه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۳

۳ - شیطان با وسوسه آدم در بهشت ، سعی در زمینه سازی برای اخراج آنان ازبهشت داشت .

فلایخرجنّکما . .. فوسوس إلیه الشیطن

وسوسه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هابیل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاد(ع) روایت شده که بعد از خواندن

آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۹

۹ تزویر، وسوسه انگیزی و دروغپردازی، از شیطنتهای ابلیس

إلا إبلیس . .. فوسوس لهما الشیطن

خداونـد در آیـات پیشـین شـیطان را بـا واژه <ابلیس> نـام برد و آنگـاه که توطئه گری و تزویر را یـاد نمود، او را بـا وصـف <شیطان> توصیف کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

وسوسه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۴

۴ - همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض هجوم وسوسه های شیطان

و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطین

وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۰ – ۷

۷ – پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إلیه الشیطن فقال هل أدّلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۷ – ۴

۴ – همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض هجوم وسوسه های شیطان

و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۴

۴ – پیامبر

(ص) ، در معرض تهاجم وسوسه های جنیان و انسان ها

قل أعوذ . .. من الجنّه و الناس

وسوسه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۸،۱۳

۸ - شکوه ایوب (ع) به درگاه الهی ، از دست وسوسه های شیطان در مورد ابتلای آن حضرت به سختی ها و رنج ها

إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

۱۳ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : لمّا طال بلاء أیوب و رأی إبلیس صبره أتی إلی أصحاب له کانوا رهباناً فی الجبال فقال لهم : مرّوا بنا إلی هذا العبد المبتلی و نسأله عن بلیته . . . و قالوا یا أیوب لو أخبرتنا بذنبک فلانری تبتلی إلاّ لأمر کنت تستره . . . فعند ذلک دعا ربّه و قال : < ربّ أنّی مسّنی الشیطان بنصب و عذاب > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چون ابتلای ایوب(ع) طولانی گشت و ابلیس صبر او را دید، نزد دیرنشینانی که از اصحاب وی بودند آمد و به آنان گفت: بیایید تا نزد این بنده مبتلا برویم و از او درباره ابتلایش سؤال کنیم. .. آنان گفتند: ای ایوب! کاش گناهی را که انجام داده ای به ما می گفتی؟ ما را عقیده بر آن است که تو تنها به خاطر چیزی (گناهی) که از ما پنهان می کنی، مبتلا شده ای... پس در آن موقع پروردگارش را خواند و گفت: (ربّ أنّی مسّنی الشیطان بنصب و عذاب)>.

وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۱،۴

۱ – برخی از جنیان ، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده ، آنها را وسوسه می کنند .

من الجنّه و الناس

حرف <من> برای تبعیض است و بیان می کند که مراد از <الوسواس الخنّاس>، برخی از جنّیان و انسان ها است. <جِنّه> به معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است.(تاج العروس)

۴ – پیامبر (ص) ، در معرض تهاجم وسوسه های جنیان و انسان ها

قل أعوذ . .. من الجنّه و الناس

وسوسه دشمنان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۴ – ۱

۱ – پیامبر (ص) ، مورد هجوم وسوسه های پی گیر دشمنانی بود که مقاصد سوء خود را پوشیده نگه می داشتند .

من شرّ الوسواس الخنّاس

<وسوسه> به معنای تصورات پست است (مفردات). به شرّی که به قلب خطور کند و نیز به آنچه خیری در آن نباشد، <وسواس> گفته می شود (مصباح). کلمه <وسواس> اسم مصدر <وسوسه> است و برای مبالغه بر شخص وسوسه کننده اطلاق شده است؛ یعنی، او به قدری وسوسه گر است که گویا خود مصداق <وسوسه کردن> یا <تفکر پلید> است. <خنّاس> که صیغه مبالغه و یا بیانگر نسبت است از ریشه <خُنوس> (گرفته خاطر شدن و نهان ساختن خویش <لسان العرب>) و به معنای <بسیار نهانکار> یا <اهل نهانکاری> می باشد.

وسوسه شیاطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۲ – ۱۰

۱۰ وسوسه و ظاهر سازی فریبکارانه، روش شیاطین

است.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۷ – ۶

۶ – نقش مؤثر دعا در ایمن ماندن انسان ها از خطر وسوسه های شیاطین

و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطین

وسوسه شیاطین انس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۳،۱۱

۳ – خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

۱۱ – برخی از انسان ها ، مانند برخی از جنیان ، شیطان اند و مخفیانه مردم را وسوسه می کنند .

الوسواس الخنّاس . .. من الجنّه و الناس

عموم مفسران <شیطان> را مصداق <وسواس خنّاس> قرار داده اند. این آیه نیز او را از نوع جن و انس می داند؛ بنابراین شیطان، عنوانی عام خواهد بود که بر افرادی از بشر و جنیان، تطبیق می کند.

وسوسه شیاطین جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۳،۱۱

۳ – خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

۱۱ - برخی از انسان ها ، مانند برخی از جنیان ، شیطان اند و مخفیانه مردم را وسوسه می کنند .

الوسواس الخنّاس . .. من الجنّه و الناس

عموم مفسران <شیطان> را مصداق <وسواس خنّاس> قرار داده اند. این آیه نیز او را از نوع جن و انس می داند; بنابراین شیطان، عنوانی عام خواهد بود که بر افرادی از بشر و جنیان، تطبیق می کند.

وسوسه شیطان

جلد - نام

سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۹

۹ فريبکاری و وسوسه شيطان ، از راه های گوناگون و تدريجی است .

و لا تتبعوا خطوات الشيطان

کلمه <خطوات> که به معنی <گامها> است ; بيانگر راههای متعدّد شيطان برای فريبکاری است. و چون گامها هميشه يکی پس از ديگری برداشته می شود، حکايت از تدريجی بودن آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۵،۸

۵ شيطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دليل تحريم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکين أو تکونا من الخلدين

۸ دروغ، اساس کار شيطان در وسوسه گری و فريب دادن آدم و حوا

ما نهيکما ربکما . .. أو تکونا من الخلدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۱،۳،۶

۱ شيطان با وسوسه های خود همواره در صدد واداشتن انسان ها به تخلف از فرمان های خداوند است .

و إما ينزغنک من الشيطن نزغ

<نزغه> يعنی او را اندکی تحريک کرد و <نزغ> به کلامی گفته می شود که مايه تحريک شود. (لسان العرب). <من الشيطان> حال برای <نزغ> می باشد. و مراد از <نزغ شيطان> وسوسه اوست، بنابراين <اما ينزغنك ... >، يعنی اگر وسوسه ای از سوی شيطان تو را تحريک کرد. گفتنی است با توجه به آيه قبل، مراد از تحريک، ترغيب کردن به مخالفت با دستورهای خداوند است.

۳ پناه خواستن از خدا به هنگام مواجه شدن با وسوسه

های شیطان ، فرمان خداوند به پیامبر (ص)

إما ینزغنک . .. فاستغذ باللّه

۶ باور به شنوایی و آگاهی گسترده خداوند مایه التجا به او در برابر وسوسه گری های شیطان

فاستغذ باللّه إنه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ شیطان با گردش در پیرامون آدمی در صدد نفوذ در افکار او و القای وسوسه های خویش است .

إذ امسهم طئف من الشیطن

<طائف> به کسی یا چیزی گفته می شود که پیرامون محوری در چرخش است. <من> در <من الشیطان> می تواند بیانیه باشد. بر این مبنا <طائف> همان شیطان است ; یعنی شیطان در پیرامون قلبها می چرخد. همچنین <من> می تواند نشویه باشد که در این صورت مراد از <طائف> وسوسه های شیطانی است که برای جایگیر شدن گرداگرد قلبها می چرخد تا راه نفوذ بیابد.

۲ تقواپیشگان به هنگام مواجه شدن با شیطان و وسوسه های او ، فرمان های خدا را به یاد آورده و به راهی که مسیر تقواست ، واقف می شوند .

إن الذین اتقوا إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

تذکر در اینجا به معنای توجه کردن و به خاطر آوردن دانسته هاست و مراد از دانسته ها، به قرینه آیه ۱۹۹، اوامر الهی است. <ابصار> (مصدر مبصرون) به معنای بینا شدن و آگاهی یافتن است و مراد از آن به دلیل <الذین اتقوا> قرار گرفتن در مسیر تقواپیشگی و در نتیجه رهیدن از دام شیطان است.

۳ تقواپیشگان به هنگام احساس وسوسه گری های شیطان با یادآوری فرمان خدا (

استعاذه) به وی پناه می برند و با بصیرت و آگاهی از دام شیطان می رهند .

إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

در برداشت فوق، به قرینه <فاستعذ بالّله> در آیه قبل، متعلق <تذکروا> لزوم استعاذه گرفته شده است.

۴ باور به شنوایی و آگاهی خدا ، زمینه ساز دور ماندن از وسوسه های شیطان و رهیدن از دام اوست .

تذکروا فإذا هم مبصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که متعلق <تذکروا>، به قرینه فراز قبل (إنه سمیع علیم)، شنوایی و آگاهی خداوند باشد.

۶ تقوا عامل توجه آدمی به خداوند و فرمان های او به هنگام وسوسه انگیزی های شیطان

إن الذین اتقوا إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان ، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ینزل علیکم . .. و یذهب عنکم رجز الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱

۱ - هشدار خداوند به همه انسان ها ، در رابطه با وسوسه و فریبکاری های شیطان

إنّ الشیطن لکم عدوّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۴

۴ - انسان در گرایش به کفر ، دارای آزادی و اختیارات بوده و وسوس های شیطان ، فقط در حد دعوت و انگیزش است .

إذ قال للإنسن اكفر فلمّا كفر

امر <اُکفر>، نشانگر نقش شیطان در انگیزش انسان است و

معنای <کفر> با انتساب آن به خود انسان، بیانگر اختیار آدمی در انتخاب راه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۶،۷

۶ - شیطان ، موجودی بس وسوسه گر و پنهان کار

من شرّ الوسواس الخنّاس

یکی از مصداق های مورد نظر برای <وسواس> به قرینه کلمه <جِنّه> در آخر سوره <شیطان> است.

۷ - شیطان ، فریب کاری که پس از القای فکر پلید در انسان ، خود را کنار کشیده و متواری می شود .

من شرّ الوسواس الخنّاس

برای فعل <خَنَسَ> چند معنا ذکر شده است; از جمله: عقب نشینی کرد; بازگشت، متواری و غایب شد (لسان العرب). براساس این معانی، آیه شریفه ترسیمی از وسوسه گری های شیطان دارد که پس از هر وسوسه، خود را عقب کشیده، مخفی می شود; تا آن وسوسه کار خود را کرده و زمینه را برای وسوسه بعدی فراهم سازد.

وسوسه قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۵

۵ - مردم سبا ، دلبسته و مفتخر به آداب و عقاید نادرست خود و گرفتار در دسیسه های شیطان

و زیّن لهم الشیطن أعملهم

وسوسه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۱

۱- کافران ، گرفتار در دام تحریکات و وسوسه های شیاطین

أرسلنا الشیطین علی الکفرین تؤزّهم

<أزّ> به معناى تهييج و برانگيختن است و <تؤزّهم>; يعنى، شياطين، كافران را به سوى گمراهى و انحراف بيشتر سوق داده و تحريك مى كنند.

وسوسه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۳،۴

۳ - تمامی انسان ها حتی پیامبر (ص) در معرض تحریک ها و وسوسه های شیطان قرار دارند .

و إمّا ینزغنّک من الشیطن نزغ

<نزغ> در اصل به معنای تحریک کردن است و مراد از آن در آیه شریفه، وسوسه می باشد.

۴ - تلاش شیطان ، در واداشتن مؤمنان و پیامبر (ص) به انتقام جویی

ادفع بالتی هی أحسن . .. و إمّا ینزغنّک من الشیطن نزغ

تأکید در فعل <ینزغنّک> اشعار به تلاش شیطان دارد و از آن جا که این آیه در پی توصیه به شیوه برخورد نیکو و به دور از انتقام جویی در برابر بدرفتاری دیگران آمده است، مطلب بالا استفاده می شود.

وسوسه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۴

۴ - تلاش شیطان ، در واداشتن مؤمنان و پیامبر (ص) به انتقام جویی

ادفع بالتی هی أحسن . .. و إمّا ینزغنّک من الشیطن نزغ

تأکید در فعل <ینزغنّک> اشعار به تلاش شیطان دارد و از آن جا که این آیه در پی توصیه به شیوه برخورد نیکو و به دور از انتقام جویی در برابر بدرفتاری دیگران آمده است، مطلب بالا استفاده می شود.

وسوسه نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۴

۴ قابیل ، فریفته وسوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

وسوسه های شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ -

۱،۲،۳

۱- کافران ، گرفتار در دام تحریکات و وسوسه های شیاطین

أرسلنا الشیطین علی الکفرین تؤزّهم

<أزّ> به معنای تهییج و برانگیختن است و <تؤزّهم>; یعنی، شیاطین، کافران را به سوی گمراهی و انحراف بیشتر سوق داده و تحریک می کنند.

۲- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر (ص) مخفی نسیت .

ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

۳- شیاطین ، موجوداتی وسوسه گر و تحریک کننده در جهت گمراهی مردم

أرسلنا الشیطین علی الکفرین تؤزّهم

وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۹

۹ آزادیِ انسان در پذیرش دعوت خدا و یا وسوسه شیطان

الشّیطان یعدکم . .. و اللّه یعدکم مغفره منه و فضلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۱

۲۱ شیطان با وسوسه ها و دسیسه های خویش ، میان یوسف (ع) و برادرانش فسادانگیزی کرد .

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

<نزغ> به معنای تحریک کردن بر فساد است و مراد از <نزغ شیطان> وسوسه هایی است که او برای ایجاد فساد به انسانها القا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱،۵

۱- بندگان مقرب خدا ، مصون از سلطه شیطان هستند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

۵- عبودیت و بندگی خداوند ، بیمه کننده و نیروبخش آدمیان در برابر وسوسه ها و لشکرکشی های شیطان

لأحتنکنّ ذریّته . .. إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۱

طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۲،۳

۲ - شیطان ، موجودی وسوسه گر در دل های آدمیان

فوسوس إلیه الشیطن

۳ - شیطان با وسوسه آدم در بهشت ، سعی در زمینه سازی برای اخراج آنان ازبهشت داشت .

فلایخرجنّکما . .. فوسوس إلیه الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۵

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إلیه الشیطن . .. فأکلا منها

۵ - تأثیرپذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع ، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود .

و لقد عهدنا . .. فنسی ... فأکلا منها

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و پی آمدهای آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۱،۴،۷

۱ - استعاذه (پناه بردن) به خدا از وسوسه های شیطان ، از رهنمود های الهی به پیامبر (ص)

و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطین

<عوذ> (مصدر <أعوذ>) به معنای پناه بردن و <همزه> (مفرد <همزات>) به معنای وسوسه است.

۴ - همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض هجوم وسوسه های شیطان

و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطین

۷ – شیطان ، مظهر وسوسه گری و انحراف و دارای افراد و نیرو های متعدد

أعوذ بک من همزت الشیطین

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۴ – ۵

۵ – مردم سبا ، دلبسته و مفتخر به آداب و عقاید نادرست خود و گرفتار در دسیسه های شیطان

و زیّن لهم الشیطن أعملهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۲ – ۳

۳ – هشدار خداوند به فرزندان آدم ، درباره وسوسه های گمراه کننده شیطان

ألم أعهد إلیکم یبنی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن . .. و لقد أضلّ منکم جبلًّا کثیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۱ – ۷،۸

۷ – شیطان ، ایوب (ع) را به خاطر گرفتار بودنش در رنج و عذاب سخت وسوسه می کرد .

أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

<مسّ شیطان> به معنای وسوسه و نزدیک شدن او برای فریب است و <باء> در <بنصب> برای سببیت است; یعنی، شیطان وقتی ایوب(ع) را گرفتار رنج و عذاب دید، به وسوسه او پرداخت.

۸ – شکوه ایوب (ع) به درگاه الهی ، از دست وسوسه های شیطان در مورد ابتلای آن حضرت به سختی ها و رنج ها

إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۶ – ۱،۴،۱۰

۱ – لزوم استعاذه (پناه بردن) به خداوند ، در برابر وسوسه ها و تهییج های شیطان

و إمّا ینزغنّک من الشیطن نزغ فاستعذ باللّه

۴ – تلاش شیطان ، در واداشتن مؤمنان و پیامبر (ص) به انتقام جویی

ادفع بالتی هی أحسن . .. و إمّا ینزغنّک من الشیطن

نزغ

تأکید در فعل <ينزغنّك> اشعار به تلاش شيطان دارد و از آن جا که اين آيه در پى توصيه به شيوه برخورد نيکو و به دور از انتقام جويى در برابر بدرفتارى ديگران آمده است، مطلب بالا استفاده مى شود.

۱۰ - علم و آگاهى خداوند ، مقتضى استعاذه و پناه بردن به او در برابر وسوسه هاى شيطان

فاستعذ باللّه إنّه هو السميع العليم

وسوسه گران

اعراض از وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۳

۳ - لزوم برحذر ماندن از وسوسه گرانى که خود را رسوا نکرده و نيت خويش را برملا نمى سازند .

من شرّ الوسواس الخنّاس

روش برخورد وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۱

۱ - وسوسه گران ، افکار پليد را در سينه هاى مردم جاى داده ، آنان را از درون به سمت اهداف خود تحريک مى کنند .

الذى يوسوس فى صدور الناس

موانع وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۵

۵ - ربوبيت و فرمان روايى خداوند بر مردم و شايستگى او براى الوهيت ، دليل توانايى او بر ناکام گذاشتن وسوسه گران

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس

وصیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وصیت

آثار عمل به وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۹

۹ - آدمی در صورت انجام وظیفه خویش در امر وصیت ، در پیشگاه خدا مسؤول نبوده و مؤاخذه نخواهد شد

، هر چند به وصیت های او عمل نشود .

فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

آثار وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۸

۸ – وصیت از اسباب ملکیت است .

إن ترک خیراً الوصیه للولدین و الأقربین

آثار وصیت تملیکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۷،۱۰

۷ – وصیت های مالی میت نافذ و دارای ارزش حقوقی است .

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت إن ترک خیراً الوصیه

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن – که آیه بعد دلالت بر آن دارد – مستلزم این معناست که: وصیتهای میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

۱۰ – وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیه للولدین و الأقربین

آثار وصیت ناعادلانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۲ – ۴

۴ – احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت ، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن ، کافی است .

فمن خاف . .. فلا إثم عليه

برداشت فوق از به کارگیری کلمه <خاف> به دست می آید.

اثبات وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۵

۵ حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

<اولیان> صیغه تفضیل و به معنای

سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

احکام وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۷،۱۶،۱۰،۹،۸،۷،۵،۴،۲،۱

۱ - وجوب وصیت به هنگام فرا رسیدن مرگ و پیدایش آثار آن

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت . .. الوصیه

۲ - داشتن دارایی فراوان از شرایط وجوب وصیت های مالی است .

کتب علیکم . .. إن ترک خیراً الوصیه

مراد از <خیر> مال و دارایی است. برخی از مفسران فراوانی آن را نیز قید کرده و گفته اند: به دارایی اندک کلمه خیر اطلاق نمی شود. مناسبت حکم و موضوع; یعنی، وصیت برای پدر و مادر و همه خویشان و نیز نکره آوردن کلمه <خیراً> مؤید این معنا در آیه شریفه است.

۴ - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

کتب علیکم . .. الوصیه للولدین و الأقربین

۵ - وصیت های مالی باید در حد متعارف بوده و به گونه ای که مردم آن را نابه جا و ناروا نشمارند .

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف

معروف مقابل منکر به معنای شناخت شده است و

مراد از آن، چیزی است که مردم در جامعه دینی آن را شایسته بدانند و مورد انکار قرار ندهند.

۷ - وصیت های مالی میت نافذ و دارای ارزش حقوقی است .

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت إن ترک خیراً الوصیه

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن - که آیه بعد دلالت بر آن دارد - مستلزم این معناست که: وصیتهای میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

۸ - وصیت از اسباب ملکیت است .

إن ترک خیراً الوصیه للولدین و الأقربین

۹ - وصیت های ناعادلانه و غیر متعارف فاقد اعتبار و ارزش حقوقی است . *

الوصیه للولدین و الأقربین

۱۰ - وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیه للولدین و الأقربین

۱۶ - < عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال : سألته عن الوصیه للوارث ، فقال : تجوز ، قال : ثم تلا هذه الآیه إن ترک خیراً الوصیه للوالدین و الأقربین ;

محمد بن مسلم از امام باقر(ع) از حکم وصیت برای وارث سؤال کرد، حضرت فرمود: وصیت جایز است و سپس آیه فوق را تلاوت نمود>.

۱۷ - عروه گوید : < إن علی بن أبی طالب دخل علی مولی لهم فی الموت ، و له سبعمأئه درهم أو ستمأئه درهم ، فقال : ألا أوصی ، قال : لا إنما قال اللّه < إن ترک خیراً > و لیس لک کثیر مال فدع مالک لورثتک ;

علی (ع) بر بالین یکی از موالی بنی هاشم به هنگام مرگش حاضر شد در حالی که آن

شخص هفتصد یا ششصد درهم داشت. به علی(ع) گفت: در مال خود وصیت ننمایم؟ حضرت فرمود: نه! خداوند فرموده: <إن ترک خیراً>; یعنی، اگر مال فراوان به جای گذاشته اید وصیت کنید در حالی که تو مال فراوانی نداری پس بگذار این مقدار مال برای ورثه باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱،۲،۴،۵،۱۰

۱ - تغییر و تبدیل وصیت میت ، حرام و گناه است .

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

۲ - تغییر و تبدیل وصیت های غیر متعارف میت ، گناه نیست . *

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

مراد از ضمیر مفعولی در <بدله>، وصیت متعارف و عادلانه - که آیه قبل بر آن دلالت دارد - است.

۴ - وصیت های میت ، با احتمال و گمان ثابت نمی شود و بدون علم به آنها ، اعتبار قانونی ندارد .

فمن بدله بعد ما سمعه

شنیدن وصیت میت (بعد ما سمعه) کنایه از علم به مفاد وصیت است و این قید در حقیقت قید توضیحی است و اشاره به این دارد که: بدون علم به مضمون وصیت، وصیت ثابت نشده و موضوع برای تغییر و تبدیل به وجود نمی آید.

۵ - اعتبار وصیت ، در گرو تلفظ وصیت کننده به مواد آن است . *

فمن بدله بعد ما سمعه

برداشت فوق را می توان از به کارگیری کلمه شنیدن (بعد ما سمعه) استفاده کرد.

۱۰ - محمد بن مسلم می گوید : < سألت أباعبداللّه (ع) عن رجل أوصی بماله فی سبیل اللّه فقال : أعطه لمن أوصی به له

و إن كان يهودياً إن اللّه تبارك و تعالى يقول : فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه على الذين يبدلونه ;

از امام صادق(ع) سؤال كردم: شخصى وصيت كرده مالش در راه خدا مصرف شود امام فرمودند: مال را به هر كسى كه وصيت كرده بدهيد اگر چه آن شخص يهودى باشد. خداى تبارك و تعالى مى فرمايد: هر كس تغييرى در وصيت بدهد بعد از آنكه آن را شنيد، همانا گناهش بر كسانى است كه آن را تغيير داده اند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱،۲،۴،۵،۶،۹،۱۰

۱ - اگر وصيت هاى مالى ناعادلانه باشد و موجب مشاجره ميان صاحبان منفعت شود ، مى توان وصيت كننده را به تغيير وصيتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

<جنف> به معناى ستم و ميل به باطل است - كه به مناسبت مورد - مقصود وصيت غير متعارفى است كه در حق بازماندگان ستم محسوب مى شود. مراد از <إثماً> نيز همين معناست و مقصود از <فأصلح بينهم>: واداشتن وصيت كننده است. به اينكه وصيت نادعالانه خويش را بگونه اى تغيير دهد كه احتمال مشاجره و نزاعى كه ممكن است بر اثر آن وصيت ناعادلانه پيش بيايد، منتفى گردد.

۲ - در جواز تغيير وصيت هاى ناعادلانه و ترغيب وصيت كننده به تغيير آن ، تفاوتى ميان صورت عمد و سهو نيست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

چنانچه گذشت مقصود از <جنفاً> و <إثماً> وصيت ناعادلانه است. اين تقسيم حاوى اين نكته است كه: وصيت ناعادلانه

چه عمدی باشد - که در این صورت وصیت کننده گنهکار است - و چه سهوی و بدون توجه، شایسته تغییر و تبدیل است.

۴ - احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت ، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن ، کافی است .

فمن خاف . .. فلا إثم علیه

برداشت فوق از به کارگیری کلمه <خاف> به دست می آید.

۵ - واداشتن وصیت کننده به تغییر وصیت های ناعادلانه ، مصداق حرمت تبدیل وصیت نبوده و وادار کننده ، گنهکار نیست .

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه ... فمن خاف ... فلا إثم علیه

۶ - تغییر وصیت های ناعادلانه میت ، جایز و تغییر دهنده گنهکار نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

می توان آیه شریفه را در فرض حیات وصیت کننده تصویر کرد و نیز می توان زمان آن را پس از مرگ وی دانست. برداشتهای قبلی بر مبنای نخست و برداشت فوق، بر اساس فرض دوم است.

۹ - عمل به وصیت های ناعادلانه میت واجب نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

۱۰ - وصی میت ، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص . .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّه

فلاتقربوها

مشاراليه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۳

۳ لزوم وصیّت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین یتوفّون منکم و یذرون ازواجاً وصیهً لازواجهم متاعاً الی الحول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۲۲،۲۳،۲۵،۴۴،۴۵

۲۲ پیش از تقسیم ارث ، اموال مورد وصیّت میت و دَین او ، باید از اصل مالش جدا شود .

یوصیکم اللّه فی اولادکم للذّکر مثل حظّ الانثیین . .. من بعد وصیه یوصی بها او دَی

<من بعد> متعلق به جمله <یوصیکم اللّه> است ; یعنی تا بعد از تنفیذ وصیت میت و پرداخت دیون او، خداوند سفارش و دستوری به تقسیم میراث ندارد.

۲۳ نافذ بودن وصیت انسان نسبت به اموالش (برای پس از مرگ)

من بعد وصیه یوصی بها او دَین

۲۵ تنفیذ وصیت میت و پرداخت دیون او ، شرط مالکیت وارثان نسبت به میراث

للذّکر مثل حظّ الانثیین . .. من بعد وصیه یوصی بها او دَین

<لام> در <للذکر> و <لهن> و . .. ، برای تملیک و <من بعد وصیّه> بیانگر ظرف تحقق آن است.

۴۴ وصیّت غیر مشروع میّت ، نافذ نیست .

من بعد وصیه یوصی به او دین

امام صادق (ع) فرمود: اذا اوصی الرجل بوصیه فلا یحل للوصی ان یغیّر وصیّته . .. الّا ان یوصی بغیر ما امر اللّه ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۵ ; بحارالانوار، چ اض ایران، ج ۱۰۰،

ص ۲۰۱، ح ۱.

۴۵ لزوم پرداخت بدهی های میّت ، قبل از انجام وصیت وی

من بعد وصیه یوصی به او دین

امام صادق (ع) فرمود: اِنّ الدّینَ قبل الوصیه . .. .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۶، ح ۵۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۱۱۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۱۱،۱۲

۱۱ وصیّت نباید به گونه ای باشد که به ضرر وارث تمام شود .

من بعد وصیّه . .. غیر مضارّ

کلمه <غیر مضار> می تواند حال باشد برای هر یک از وصیّت و دین، و اصطلاحاً گفته می شود ذوالحال آن عنوان انتزاعی احد الامرین است، یعنی وصیت میّت یا دیون او نباید ضرری باشد و می تواند حال باشد برای مورث ; یعنی او نباید با وصیّت و دین خود برای وارث ضرری ایجاد کند.

۱۲ وصیّتی که به ضرر وارث است ، عمل به آن الزامی نیست .

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ

کلمه <غیر مضارّ> از یکسو وظیفه وصیت کننده را تعیین می کند که مبادا وصیّت او باعث ضرر به وارث شود و از سوی دیگر وصیّتهایی را که موجب ضرر می گردد، فاقد اعتبار می شمارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱،۲،۴،۵،۶،۹،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۹

۱ وصیت (تقاضای تصرف در مال و غیر مال پس از مرگ) امری مشروع ، لازم الاجرا و دارای اعتبار قانونی

شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۲ ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل ،

توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یایها الذین ءامنوا شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۴ شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان باللّه ان ارتبتم . .. لانکتم شهده اللّه

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از <ءاخران من غیرکم> غیرمسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

جمله <تحبسونهما . ..> می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخران من غیرکم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <و ءاخران من غیرکم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

۱۳ سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر

وصیت

فیقسمان باللّه

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان باللّه ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

ضمیر در <به> به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در <کان> به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان باللّه . .. و لانکتم شهده اللّه

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

۱۹ شهادت بر وصیت امری بس عظیم

و لانکتم شهده اللّه

مراد از <شهده اللّه>، شهادت بر وصیت است یعنی شاهدان بر وصیت در حقیقت شهادت الهی را بر دوش دارند و این حکایت از اهمیت والای شهادت بر وصیت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد،

استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عُثر> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق

داشته باشد.

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقا اثماً> گفته شده <من الذین استحق ...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

۵ حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

<اولیان> صیغه تفضیل و به معنای سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان باللّه

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت

آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان باللّه لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افعل تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر ...> دلالت بر این تفسیر دارد.

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان باللّه . .. ما اعتدینا

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه إنّا اذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱،۲

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و . . .) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد أیمن بعد أیمنهم

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد أیمن) بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق

سوگند به دیگران بازگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۸،۱۹

۱۸ - مؤمنان ، مجازند تا وصیت کنند که بخشی از مال شان ، به غیر خویشاوندان نَسبی ، داده شود .

إلّا أن تفعلوا إلی أولیائکم معروفًا

مراد از <أن تفعلوا. ..معروفاً> به قرینه این که سخن از ارث بردن خویشاوندان نَسبی است، تصمیم شخص به اِعطای بخشی از مال اش، پس از مرگ، به غیر وارثان است. لازم به ذکر است که <تفعلوا> به تأویل مصدر می رود و مبتدا است و خبرش که چیزی مانند <حسن و...> می باشد محذوف است.

۱۹ - وصیت به اِعطای بخشی از مال ، به کسی ، باید بر اساس متعارف باشد .

إلّاأن تفعلوا إلی أولیائکم معروفًا

اختیارات وصی در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۰

۱۰ - وصی میت ، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

ارزش وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۷

۷ - وصیت های مالی میت نافذ و دارای ارزش حقوقی است .

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت إن ترک خیراً الوصیه

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن - که آیه بعد دلالت بر آن دارد - مستلزم این معناست که: وصیتهای

میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

اعتبار وصیت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱

۱ وصیت (تقاضای تصرف در مال و غیر مال پس از مرگ) امری مشروع ، لازم الاجرا و دارای اعتبار قانونی

شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

اولویتها در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۱

۱۱ - اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدین و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

اهمیت وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۸

۸ - اهمیت والای محافظت بر وصیت های عادلانه و مصون داشتن آن از تغییر و تبدیل

فمن خاف . .. فلا إثم علیه إن اللّه غفور رحیم

جمله < إن اللّه غفور رحیم> را می توان در ارتباط با شخصی که عهده دار تغییر وصیت ناعادلانه است، دانست. بر این فرض، سخن از مغفرت گناه در کاری شایسته و بجا، اشاره به این دارد که تغییر وصیت، امری بس نارواست به گونه ای که اگر وصیت ناعادلانه باشد و وصی نیز به تغییر آن مجاز باشد، گویا امر خلافی را مرتکب شده و نیازمند مغفرت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱،۳۴

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هر گز نباید شکسته شود .

كتب عليكم القصاص . .. كتب عليكم ... الوصيه ... تلك حدود اللّه فلاتقربوها

مشاراليه <تلک> علاوه بر روزه

و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

۳۴ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو و نیز احکام قصاص و وصیت ، از آیات الهی است .

کذلک یبین اللّه ءایته للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد مقررات ارث ، وصیّت و دَین میّت

و لکم نصف ما ترک من بعد وصیّه . .. و اللّه علیم حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۳

۳ سهل انگاری در وصیت به هنگام مشاهده آثار مرگ هر چند در سفر و دیار کافران امری ناشایست برای اهل ایمان

إذا حضر احدکم الموت حین الوصیه

<حین الوصیه> بدل از <اذا> می باشد، یعنی هنگام مشاهده آثار مرگ هنگام پرداختن به وصیت است نه انجام کاری دیگر و این گویای تأکید الهی بر امر وصیت می باشد.

بهترین وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۴

۱۴ - توصیه به پذیرش آیین الهی و تسلیم خدا بودن ، از بهترین وصیتهاست .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب ینبی . .. فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

بی عدالتی در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۴

۱۴ - < عن ابى عبدالله (ع) فى قوله : < فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً > قال : يعنى إذا اعتدى فى الوصيه اذا زاد

علی الثلث ;

از امام صادق(ع) درباره آیه <فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً> روایت شده است; یعنی، هنگامی که در وصیت، از اعتدال خارج گردد و بیش از ثلث را وصیت کند>.

پاداش وصیت به عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند اللّه هو خيرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا. ..>، جمله ای مانند <من الذی تأخّرونه إلی الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

ترک وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۳

۱۳ - ترک وصیت های مالی نشانه بی تقوایی است .

کتب علیکم . .. الوصیه ... حقاً علی المتقین

تغییر جایز وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۲

۲ - تغییر و تبدیل وصیت های غیر متعارف میت ، گناه نیست . *

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

مراد از ضمیر مفعولی در <بدله>، وصیت متعارف و عادلانه - که آیه قبل بر آن دلالت دارد - است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۳، ۱۰،۶،۵،۴،۲،۱

۱ - اگر وصیت های مالی ناعادلانه باشد و موجب مشاجره میان صاحبان منفعت شود ، می توان

وصیت کننده را به تغییر وصیتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

<جنف> به معنای ستم و میل به باطل است - که به مناسبت مورد - مقصود وصیت غیر متعارفی است که در حق بازماندگان ستم محسوب می شود. مراد از <إثماً> نیز همین معناست و مقصود از <فأصلح بینهم>: واداشتن وصیت کننده است. به اینکه وصیت نادعالانه خویش را بگونه ای تغییر دهد که احتمال مشاجره و نزاعی که ممکن است بر اثر آن وصیت ناعادلانه پیش بیاید، منتفی گردد.

۲ - در جواز تغییر وصیت های ناعادلانه و ترغیب وصیت کننده به تغییر آن ، تفاوتی میان صورت عمد و سهو نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

چنانچه گذشت مقصود از <جنفاً> و <إثماً> وصیت ناعادلانه است. این تقسیم حاوی این نکته است که: وصیت ناعادلانه چه عمدی باشد - که در این صورت وصیت کننده گنهکار است - و چه سهوی و بدون توجه، شایسته تغییر و تبدیل است.

۴ - احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت ، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن ، کافی است .

فمن خاف . .. فلا إثم علیه

برداشت فوق از به کارگیری کلمه <خاف> به دست می آید.

۵ - واداشتن وصیت کننده به تغییر وصیت های ناعادلانه ، مصداق حرمت تبدیل وصیت نبوده و وادار کننده ، گنهکار نیست .

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه ... فمن خاف ... فلا إثم علیه

۶ - تغییر وصیت های ناعادلانه میت ، جایز و تغییر دهنده گنهکار

نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

می توان آیه شریفه را در فرض حیات وصیت کننده تصویر کرد و نیز می توان زمان آن را پس از مرگ وی دانست. برداشتهای قبلی بر مبنای نخست و برداشت فوق، بر اساس فرض دوم است.

۱۰ - وصی میت ، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

۱۳ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند < جنفاً أو إثماً > روایت شده است : < فالجنف المیل إلی بعض ورثته دون بعض : و الاثم ان یأمر بعماره النیران و اتخاذ المسکر فیحل للوصی ان لایعمل بشیء من ذلک ;

مراد از <جنف> تمایل به بعضی از ورثه است و مراد از <اثم> این است که دستور به ساختن آتشکده و ساختن شراب دهد، پس برای وصی جایز است که به آنها عمل نکند>.

تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱۰

۱۰ - محمد بن مسلم می گوید : < سألت أباعبداللّه (ع) عن رجل أوصی بماله فی سبیل اللّه فقال : أعطه لمن أوصی به له و إن کان یهودیاً إن اللّه تبارک و تعالی یقول : فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه علی الذین یبدلونه ;

از امام صادق(ع) سؤال کردم: شخصی وصیت کرده مالش در راه خدا مصرف شود امام فرمودند: مال را به هر کسی که وصیت کرده بدهید اگر چه آن شخص یهودی باشد. خدای تبارک و تعالی

می فرماید: هر کس تغییری در وصیت بدهد بعد از آنکه آن را شنید، همانا گناهش بر کسانی است که آن را تغییر داده اند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۲ – ۸،۱۱

۸ – اهمیت والای محافظت بر وصیت های عادلانه و مصون داشتن آن از تغییر و تبدیل

فمن خاف . .. فلا إثم علیه إن اللّه غفور رحیم

جمله < إن اللّه غفور رحیم> را می توان در ارتباط با شخصی که عهده دار تغییر وصیت ناعادلانه است، دانست. بر این فرض، سخن از مغفرت گناه در کاری شایسته و بجا، اشاره به این دارد که تغییر وصیت، امری بس نارواست به گونه ای که اگر وصیت ناعادلانه باشد و وصی نیز به تغییر آن مجاز باشد، گویا امر خلافی را مرتکب شده و نیازمند مغفرت الهی است.

۱۱ – چنانچه وصیت ناعادلانه تبدیل و اصلاح شود ، خداوند گناه وصیت کننده را خواهد بخشید .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه إن اللّه غفور رحیم

در برداشت فوق <إن اللّه غفور> در ارتباط با گناه وصیت کننده (فمن خاف من موص . .. إثماً> ملاحظه شده است.

تلفظ به وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۱ – ۵

۵ – اعتبار وصیت ، در گرو تلفظ وصیت کننده به مواد آن است . *

فمن بدله بعد ما سمعه

برداشت فوق را می توان از به کارگیری کلمه شنیدن (بعد ما سمعه) استفاده کرد.

حرمت تغییر وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

- بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱

۱ - تغییر و تبدیل وصیت میت ، حرام و گناه است .

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

روش اثبات وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۴،۵

۴ شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

سوگند در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۰،۱۴،۱۵،۱۶

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تحبسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان باللّه ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

ضمیر در <به>

به شـهادت که از سـیاق آیه بر می آید و ضـمیر در <کان> به مشـهود له یعنی کسـی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصـیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان باللّه . .. و لانکتم شهده اللّه

۱۶ شاهـدان بر وصـیت بایـد در خاتمه سوگنـد خویش تأکیـد کنند که اگر در ادای شـهادت خیانت کرده باشـند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۷ – ۷،۸

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان باللّه لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افعل تفضـیل است و هـدف از بیان آن حقانیت شـهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر ...> دلالت بر این تفسیر دارد.

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان باللّه . .. ما اعتدینا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۸ – ۱،۲

۱ قوانین و شـرایط شـهادت بر وصـیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و . . .) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها

به درستی و راستی

ذلك ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد أیمن بعد أیمنهم

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد أیمن) بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

سوگند گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۹،۱۱،۱۶

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شك در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

جمله <تحبسونهما . ..> می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخران من غیرکم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <و ءاخران من غیرکم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه . ..

إنّا اذاً لمن الاثمين

شرایط اثبات وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۱ – ۴

۴ – وصیت های میت ، با احتمال و گمان ثابت نمی شود و بدون علم به آنها ، اعتبار قانونی ندارد .

فمن بدله بعد ما سمعه

شنیدن وصیت میت (بعد ما سمعه) کنایه از علم به مفاد وصیت است و این قید در حقیقت قید توضیحی است و اشاره به این دارد که: بدون علم به مضمون وصیت، وصیت ثابت نشده و موضوع برای تغییر و تبدیل به وجود نمی آید.

شرایط تغییر وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۲ – ۱،۴،۱۰

۱ – اگر وصیت های مالی ناعادلانه باشد و موجب مشاجره میان صاحبان منفعت شود ، می توان وصیت کننده را به تغییر وصیتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

<جنف> به معنای ستم و میل به باطل است – که به مناسبت مورد – مقصود وصیت غیر متعارفی است که در حق بازماندگان ستم محسوب می شود. مراد از <إثماً> نیز همین معناست و مقصود از <فأصلح بینهم>: واداشتن وصیت کننده است. به اینکه وصیت نادعاالانه خویش را بگونه ای تغییر دهد که احتمال مشاجره و نزاعی که ممکن است بر اثر آن وصیت ناعادلانه پیش بیاید، منتفی گردد.

۴ – احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت ، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن ، کافی است .

فمن خاف . .. فلا إثم علیه

برداشت فوق از به کارگیری

کلمه <خاف> به دست می آید.

۱۰ – وصی میت ، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

شرایط گواهی بر وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۸ – ۱

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و . . .) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

شرایط وجوب وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۲

۲ – داشتن دارایی فراوان از شرایط وجوب وصیت های مالی است .

کتب علیکم . .. إن ترک خیراً الوصیه

مراد از <خیر> مال و دارایی است. برخی از مفسران فراوانی آن را نیز قید کرده و گفته اند: به دارایی اندک کلمه خیر اطلاق نمی شود. مناسبت حکم و موضوع; یعنی، وصیت برای پدر و مادر و همه خویشان و نیز نکره آوردن کلمه <خیراً> مؤید این معنا در آیه شریفه است.

شرایط وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۲ – ۱۷

۱۷ سفارش اکید خداوند مبنی بر ضرر نرساندن به وارثان به واسطه دَین و وصیت

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ وصیه من اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که <وصیّه>، تأکید بر آخرین بخش آیه باشد که ضرر نزدن به وارث به واسطه وصیّت و دین است.

صحت گواهی

بر وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۷ – ۳

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عُثر> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

علاقه به وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۰ – ۵

۵ – اشتیاق و علاقه شدید انسان ها به توصیه و سفارش درباره خانواده و اموال خود ، به وقت رو به رو شدن با مرگ

فلایستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

یاد کرد ناتوانی انسان ها از توصیه و سفارش درباره اموال و کسان خود، می رساند که در سرشت بشر چنین علاقه و تمایلی وجود دارد.

عمل به وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۲ – ۹

۹ – عمل به وصیت های ناعادلانه میت واجب نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۲ – ۱۶،۱۲،۱۰

۱۰ لزوم اهتمام به وصیّت میت و پرداخت دیون او

من بعد وصیّه یوصین بها او دین . .. من بعد وصیّه توصون بها او دین ... من بعد وصیّ

تکرار مسأله وصیت و دَین، دلالت بر اهمیّت ویژه آن

دارد.

۱۲ وصیّتی که به ضرر وارث است ، عمل به آن الزامی نیست .

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ

کلمه <غیر مضارّ> از یکسو وظیفه وصیت کننده را تعیین می کند که مبادا وصیّت او باعث ضرر به وارث شود و از سوی دیگر وصیّتهایی را که موجب ضرر می گردد، فاقد اعتبار می شمارد.

۱۶ احکام و حدود ارث ، عمل به وصیّت میت و پرداخت دیون وی ، وصیّت و سفارش اکید خداوند به مردم

و لکم نصف ما ترک . .. وصیّه من اللّه

<وصیّه>، مفعول مطلق است و می تواند تأکیدی بر کلیّه قوانین و احکامی باشد که در آیات پیشین بیان شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۳ – ۱

۱ لزوم عمل به وصیّت میّت ، ادای دین او ، احکام و قوانین ارث ، حدود الهی است .

تلک حدود اللّه

<تلک>، اشاره به تمامی احکامی است که در آیات ارث بیان شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۶ – ۱

۱ وصیت (تقاضای تصرف در مال و غیر مال پس از مرگ) امری مشروع ، لازم الاجرا و دارای اعتبار قانونی

شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

کتمان وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۶ – ۲۲

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیز های مادی ، از زمره گنهکارانند .

لانشتری . .. و لانکتم شهده

اللّه إنّا اذاً لمن الاثمين

کيفيت سوگند در وصيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۱

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصيت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند ياد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان باللّه ان ارتبتم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۹

۹ شاهدان جايگزين در امر وصيت بايد در خاتمه سوگند خويش تأکيد کنند که در صورت خيانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فيقسمان باللّه إنّا اذاً لمن الظلمين

کيفيت گواهی بر وصيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ شاهدان بر وصيت بايد در سوگند خويش بيان دارند که شهادتشان را وسيله دستيابی به منافع مادی و يا نفع رسانی به خويشان خود قرار نداده اند .

فيقسمان باللّه ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

ضمير در <به> به شهادت که از سياق آيه بر می آيد و ضمير در <کان> به مشهود له يعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصيت بايد در سوگند خويش بيان دارند که تمام محتوای وصيت را ذکر کرده و چيزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان باللّه . .. و لانکتم شهده اللّه

۱۶ شاهـدان بر وصـیت بایـد در خاتمه سوگنـد خویش تأکیـد کنند که اگر در ادای شـهادت خیانت کرده باشـند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۷ – ۶،۷،۸،۹

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان باللّه

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان باللّه لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افعل تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر ...> دلالت بر این تفسیر دارد.

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان باللّه . .. ما اعتدینا

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه إنّا اذاً لمن الظلمین

گناه تغییر وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۱ – ۱،۳

۱ – تغییر و تبدیل وصیت میت ، حرام و گناه است .

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

۳ – گناه تغییر و تبدیل وصیت های میت ، تنها بر تغییر دهندگان است نه بر وصیت کننده و نه کسانی که بر اثر آن از اموال میت بهره مند می شوند .

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

کلمه <إنما> دلالت بر حصر دارد و این حصر ناظر

به وصیت کننده است و نیز کسانی که از وصیت اطلاعی نداشته و بر اثر تغییر آن، اموالی از میت نصیبشان می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۶ – ۲۲

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیز های مادی ، از زمره گنهکارانند .

لانشتری . .. و لانکتم شهده اللّه إنّا اذاً لمن الاثمین

گناه وصیت ناعادلانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۲ – ۳،۱۱

۳ – وصیت های ناعادلانه اگر از سرعمد باشد ، گناه است .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً

۱۱ – چنانچه وصیت ناعادلانه تبدیل و اصلاح شود ، خداوند گناه وصیت کننده را خواهد بخشید .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه إن اللّه غفور رحیم

در برداشت فوق <إن اللّه غفور> در ارتباط با گناه وصیت کننده (فمن خاف من موص . .. إثماً> ملاحظه شده است.

گواهان وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۶ – ۸،۱۰،۱۴،۱۵،۲۲

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

جمله <تحبسونهما> تا آخر آیه می توانـد می توانـد ناظر به ادای شـهادت باشـد یعنی شـرایط ذکر شـده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصـیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند،

باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ ارزش و اعتبار شـهادت شاهدان بر وصـیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تحبسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهـدان بر وصـیت باشـد و اعتبار شـهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۴ شاهـدان بر وصیت بایـد در سوگنـد خویش بیـان دارنـد که شـهادتشان را وسـیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان باللّه ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

ضمیر در <به> به شـهادت که از سـیاق آیه بر می آید و ضـمیر در <کان> به مشـهود له یعنی کسـی که شـهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصـیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان باللّه . .. و لانکتم شهده اللّه

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیز های مادی ، از زمره گنهکارانند .

لانشتری . .. و لانکتم شهده اللّه إنّا اذاً لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقا اثماً> گفته شده <من الذین استحق ...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

۵ حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

<اولیان> صیغه تفضیل و به معنای سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان باللّه

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که

شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان باللّه لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افعل تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر ...> دلالت بر این تفسیر دارد.

گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۹،۱۳،۱۰،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۲

۲ ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل ، توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یایها الذین ءامنوا شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۴ شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان باللّه ان ارتبتم . .. لانکتم شهده اللّه

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از <ءاخران من غیرکم> غیرمسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

۷ مرگ ، مصیبت و حادثه ای سخت و ناگوار .

مصیبه الموت

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان باللّه

جمله <تحبسونهما> تا آخر آیه می تواند می

تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

جمله <تحبسونهما . ..> می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخران من غیرکم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <و ءاخران من غیرکم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او ءاخران من غیرکم . .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <تحبسونهما> ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۳ سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر وصیت

فیقسمان باللّه

شهادت بر وصیت امری بس عظیم

و لانکتم شهده اللّه

مراد از <شهده اللّه>، شهادت بر وصیت است یعنی شاهدان بر وصیت در حقیقت شهادت الهی را بر دوش دارند و این حکایت از اهمیت والای شهادت بر وصیت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۸ – ۲

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد أیمن بعد أیمنهم

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد أیمن) بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

گواهی گواهان وصیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۷ – ۳

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عُثر> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

مالکیت موصی له

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۷

۷ – وصیت های مالی میت نافذ و

دارای ارزش حقوقی است .

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت إن ترک خیراً الوصیه

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن - که آیه بعد دلالت بر آن دارد - مستلزم این معناست که: وصیتهای میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

محدوده وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۵

۵ - وصیت های مالی باید در حد متعارف بوده و به گونه ای که مردم آن را نابه جا و ناروا نشمارند .

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف

معروف مقابل منکر به معنای شناخت شده است و مراد از آن، چیزی است که مردم در جامعه دینی آن را شایسته بدانند و مورد انکار قرار ندهند.

مسؤول تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۳

۳ - گناه تغییر و تبدیل وصیت های میت ، تنها بر تغییر دهندگان است نه بر وصیت کننده و نه کسانی که بر اثر آن از اموال میت بهره مند می شوند .

فمن بدله . .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

کلمه <إنما> دلالت بر حصر دارد و این حصر ناظر به وصیت کننده است و نیز کسانی که از وصیت اطلاعی نداشته و بر اثر تغییر آن، اموالی از میت نصیبشان می شود.

مسؤولیت گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۸ – ۳

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی

بر عهده ایشان و نشان تقواپیشگی آنان است .

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها . .. و اتقوا اللّه و اسمعوا

مشروعیت وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱

۱ وصیت (تقاضای تصرف در مال و غیر مال پس از مرگ) امری مشروع ، لازم الاجرا و دارای اعتبار قانونی

شهده بینکم . .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

مصارف وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱۰

۱۰ - محمد بن مسلم می گوید : < سألت أباعبداللّه (ع) عن رجل أوصی بماله فی سبیل اللّه فقال : أعطه لمن أوصی به له و إن کان یهودیاً إن اللّه تبارک و تعالی یقول : فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه علی الذین یبدلونه ;

از امام صادق(ع) سؤال کردم: شخصی وصیت کرده مالش در راه خدا مصرف شود امام فرمودند: مال را به هر کسی که وصیت کرده بدهید اگر چه آن شخص یهودی باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید: هر کس تغییری در وصیت بدهد بعد از آنکه آن را شنید، همانا گناهش بر کسانی است که آن را تغییر داده اند>.

ملاکهای اعتبار وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۴،۵

۴ - وصیت های میت ، با احتمال و گمان ثابت نمی شود و بدون علم به آنها ، اعتبار قانونی ندارد .

فمن بدله بعد ما سمعه

شنیدن وصیت میت (بعد ما سمعه) کنایه از علم

به مفاد وصیت است و این قید در حقیقت قید توضیحی است و اشاره به این دارد که: بدون علم به مضمون وصیت، وصیت ثابت نشده و موضوع برای تغییر و تبدیل به وجود نمی آید.

۵ - اعتبار وصیت ، در گرو تلفظ وصیت کننده به مواد آن است . *

فمن بدله بعد ما سمعه

برداشت فوق را می توان از به کارگیری کلمه شنیدن (بعد ما سمعه) استفاده کرد.

موانع تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۸

۸ - باور و توجه به دانایی خداوند ، بازدارنده انسان از تغییر و تبدیل وصیت های میت

فمن بدله . .. إن اللّه سمیع علیم

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان حرمت تغییر وصیت و گناه بودن آن، این است که: آدمی با توجه به آن، در اندیشه تغییر و تبدیل وصیت برنیاید.

وصیت برای خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۴،۱۱،۱۲

۴ - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

کتب علیکم . .. الوصیه للولدین و الأقربین

۱۱ - اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدین و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

۱۲ - توصیه به پرداخت اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

كتب عليكم . .. الوصيه للولدين و الأقربين بالمعروف حقاً على المتقين

وصيت براى والدين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١ –

بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۴،۱۱،۱۲

۴ - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

کتب علیکم . .. الوصیه للولدین و الأقربین

۱۱ - اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدین و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

۱۲ - توصیه به پرداخت اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم . .. الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

وصیت به انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۹،۲۳،۲۴

۱۹ - وصیت به اِعطای بخشی از مال ، به کسی ، باید بر اساس متعارف باشد .

إلّاأن تفعلوا إلی أولیائکم معروفًا

۲۳ - وصیت به اِعطای بخشی از اموال به غیر وارثان ، امری ثبت شده در کتاب (تشریع الهی) است .

إلّاأن تفعلوا إلی أولیائکم معروفًا کان ذلک فی الکتب مسطورًا

۲۴ - در صورت وصیت مورّث به اِعطای بخشی از مال اش به غیر وارث ، وارثان ، نسبت به آن مال ، از اولویت برخوردار نخواهند بود .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه . .. إلّاأن تفعلوا إلی أولیائکم م

وصیت به انفاق مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶ – ۱۸

۱۸ – مؤمنان ، مجازند تا وصیت کنند که بخشی از مال شان ، به غیر خویشاوندان نَسبی ، داده شود .

إلاّ أن تفعلوا إلی أولیائکم معروفًا

مراد از <أن تفعلوا. ..معروفاً> به قرینه این که

سخن از ارث بردن خویشاوندان نَسبی است، تصمیم شخص به اِعطای بخشی از مال اش، پس از مرگ، به غیر وارثان است. لازم به ذکر است که <تفعلوا> به تأویل مصدر می رود و مبتدا است و خبرش که چیزی مانند <حسن و...> می باشد محذوف است.

وصیت به بدهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۱ – ۲۴

۲۴ در پرداخت دیون میت ، نیازی به وصیت از جانب او نیست .

من بعد وصیه یوصی بها او دَین

وصیت به نفقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۰ – ۳

۳ لزوم وصیّت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین یتوفّون منکم و یذرون ازواجاً وصیهً لازواجهم متاعاً الی الحول

وصیت بی اعتبار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۹

۹ – وصیت های ناعادلانه و غیر متعارف فاقد اعتبار و ارزش حقوقی است . *

الوصیه للولدین و الأقربین

وصیت در احتضار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۶ – ۵

۵ شـهادت دو مرد غیر مسـلمان ، کافی برای اثبات وصـیت و حدود آن ، در صورتی که وصـیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

وصیت در سفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۳،۵

۳ سهل انگاری در وصیت به

هنگام مشاهده آثار مرگ هر چند در سفر و دیار کافران امری ناشایست برای اهل ایمان

إذا حضر احدکم الموت حین الوصیه

<حین الوصیه> بدل از <اذا> می باشد، یعنی هنگام مشاهده آثار مرگ هنگام پرداختن به وصیت است نه انجام کاری دیگر و این گویای تأکید الهی بر امر وصیت می باشد.

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

وصیت غیر متعارف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۹

۹ – وصیت های ناعادلانه و غیر متعارف فاقد اعتبار و ارزش حقوقی است . *

الوصیه للولدین و الأقربین

وصیت مالی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۱۰،۱۲،۱۷

۱۰ – وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیه للولدین و الأقربین

۱۲ – توصیه به پرداخت اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم . .. الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

۱۷ – عروه گوید : < إن علی بن أبی طالب دخل علی مولی لهم فی الموت ، و له سبعمأئه درهم أو ستمأئه درهم ، فقال : ألا أوصی ، قال : لا إنما قال اللّه < إن ترک خیراً > و لیس لک کثیر مال فدع مالک لورثتک ;

علی (ع) بر بالین یکی از موالی بنی

هاشم به هنگام مرگش حاضر شد در حالی که آن شخص هفتصد یا ششصد درهم داشت. به علی(ع) گفت: در مال خود وصیت ننمایم؟ حضرت فرمود: نه! خداوند فرموده: <إن ترک خیراً>; یعنی، اگر مال فراوان به جای گذاشته اید وصیت کنید در حالی که تو مال فراوانی نداری پس بگذار این مقدار مال برای ورثه باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱

۱ - اگر وصیت های مالی ناعادلانه باشد و موجب مشاجره میان صاحبان منفعت شود ، می توان وصیت کننده را به تغییر وصیتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

<جنف> به معنای ستم و میل به باطل است - که به مناسبت مورد - مقصود وصیت غیر متعارفی است که در حق بازماندگان ستم محسوب می شود. مراد از <إثماً> نیز همین معناست و مقصود از <فأصلح بینهم>: واداشتن وصیت کننده است. به اینکه وصیت نادعالانه خویش را بگونه ای تغییر دهد که احتمال مشاجره و نزاعی که ممکن است بر اثر آن وصیت ناعادلانه پیش بیاید، منتفی گردد.

وصیت معتبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ - وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیه للولدین و الأقربین

وصیت میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۷

۷ - خداوند ، به وصیت های میت آگاه و به عملکرد وصی و بازماندگان او داناست .

فمن بدله . ..

فإنما إثمه على الذين يبدلونه إن اللّه سميع عليم

وصيت ناعادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱،۲،۴،۵،۶،۹،۱۰

۱ - اگر وصيت هاى مالى ناعادلانه باشد و موجب مشاجره ميان صاحبان منفعت شود ، مى توان وصيت كننده را به تغيير وصيتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

<جنف> به معناى ستم و ميل به باطل است - كه به مناسبت مورد - مقصود وصيت غير متعارفى است كه در حق بازماندگان ستم محسوب مى شود. مراد از <إثماً> نيز همين معناست و مقصود از <فأصلح بينهم>: واداشتن وصيت كننده است. به اينكه وصيت نادعالانه خويش را بگونه اى تغيير دهد كه احتمال مشاجره و نزاعى كه ممكن است بر اثر آن وصيت ناعادلانه پيش بيايد، منتفى گردد.

۲ - در جواز تغيير وصيت هاى ناعادلانه و ترغيب وصيت كننده به تغيير آن ، تفاوتى ميان صورت عمد و سهو نيست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

چنانچه گذشت مقصود از <جنفاً> و <إثماً> وصيت ناعادلانه است. اين تقسيم حاوى اين نكته است كه: وصيت ناعادلانه چه عمدى باشد - كه در اين صورت وصيت كننده گنهكار است - و چه سهوى و بدون توجه، شايسته تغيير و تبديل است.

۴ - احتمال ناعادلانه بودن وصيت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت ، در جواز واداشتن وصيت كننده به تغيير آن ، كافى است .

فمن خاف . .. فلا إثم عليه

برداشت فوق از به كارگيرى كلمه <خاف> به دست مى آيد.

۵ - واداشتن وصيت كننده

به تغيير وصيت هاى ناعادلانه ، مصداق حرمت تبديل وصيت نبوده و وادار كننده ، گنهكار نيست .

فمن بدله . .. فإنما إثمه على الذين يبدلونه ... فمن خاف ... فلا إثم عليه

۶ - تغيير وصيت هاى ناعادلانه ميت ، جايز و تغيير دهنده گنهكار نيست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

مى توان آيه شريفه را در فرض حيات وصيت كننده تصوير كرد و نيز مى توان زمان آن را پس از مرگ وى دانست. برداشتهاى قبلى بر مبناى نخست و برداشت فوق، بر اساس فرض دوم است.

۹ - عمل به وصيت هاى ناعادلانه ميت واجب نيست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

۱۰ - وصى ميت ، داراى حق ولايت در تغيير و اصلاح وصيت هاى ناعادلانه ميت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

وقت وجوب وصيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱

۱ - وجوب وصيت به هنگام فرا رسيدن مرگ و پيدايش آثار آن

كتب عليكم إذا حضر أحدكم الموت . .. الوصيه

وضو از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

وضو

احكام وضو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۲۰

۲۰ وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

رسول اللّه (ص) در پاسخ سؤال از وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی فرمود: و لا تقتلوا انفسکم انّ اللّه کان بکم رحیماً.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۲ ;

نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳،۲۱،۲۴،۳۸

۳ وضو ، غسل و تیمّم در حال مستی ، باطل است . *

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

نهی از نزدیک شدن به نماز می تواند اشاره به بطلان وضو و غسل و تیمم نیز باشد، چون نزدیک شدن به نماز با آنها تحقق می یابد.

۲۱ خروج بول و غائط ، از موجبات وضو و تیمم

او جاء احد منکم من الغائط . .. فلم تجدوا ماءً فتیمّموا

<غائط> به محل دفع بول و مدفوع گفته می شود. و آمدن از آن محل، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

۲۴ محدث پس از یافتن آب باید غسل کند و یا وضو بگیرد ، هر چند پیش از آن به جهت نبود آب تیمم کرده باشد .

یا ایّها الذین امنوا . .. فتیمّموا

مفهوم جمله شرطیه <ان کنتم . .. لمستم ... فلم تجدوا ماءً فتیمّموا>، این است که در صورت یافتن آب، با تیمم نمی توان نماز خواند. بنابراین کسی که به آب دسترسی نداشته و تیمم کرده در صورت یافتن آب باید غسل کند یا وضو بگیرد.

۳۸ لزوم خرید آب برای وضو ، در حد توان مالی

فلم تجدوا ماءً

امام کاظم (ع) درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیّه آب وضو و غسل در صورت نبودن آب فرمود: ذلک علی قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱،۲،۳،۵،۷،۱۵،۱۶،۳۸،۳۹،۴۰،۴۱،۴۳،۴۵

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا غسله لان اللّه یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق> ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در <برءوسکم> برای تبعیض باشد.

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تثنیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۷ لزوم رعایت ترتیب در افعال وضو

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

تقدم ذکری صورت بر دستها و مسح سر بر مسح پاها، دلالت بر لزوم ترتیب در شستن و

مسح اعضای وضو دارد. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که در مورد افعال وضو در آیه فوق فرمود: ... ابدأ الوجه ثم باليدين ثم امسح الراس و الرجلين ... ابدأ بما بدأ اللّه به.

كافى، ج ۳، ص ۳۴، ح ۵; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۹۹، ح ۷۹.

۱۵ لزوم جستجوی برای یافتن آب جهت وضو و غسل

فلم تجدوا ماء

کلمه <نیافتن> در موردی به کار برده می شود که شخص چیزی را جستجو کند و نیابد.

۱۶ خروج بول و غائط ، موجب وضو و ناقض آن است .

او جاء أحد منكم من الغائط . .. فلم تجدوا ماء فتيمموا

<غائط> در کلام عرب به معنای گودال مستراح است و آمدن از مستراح، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

۳۸ لزوم وضو گرفتن برای نماز بعد از بیدار شدن از خواب

إذا قمتم إلى الصّلوه فاغسلوا وجوهكم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای <اذا قمتم> در آیه فوق فرمود: <اذا قمتم من النوم . ..>.

تهذيب، ج ۱، ص ۷، ح ۹، ب ۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۱.

۳۹ لزوم شستن صورت در وضو از رستنگاه مو تا چانه و در پهنا به اندازه ای که ما بین انگشت شصت و وسطی قرار می گیرد .

فاغسلوا وجوهكم

از امام باقر(ع) در بیان مقداری از صورت که خداوند دستور شستن آن را در وضو داده است روایت شده: الوجه الذى امراللّه بغسله . .. ما دارت السبابه و الوسطى و الابهام من قصاص الشعر الى الذقن ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۶.

۴۰

کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: . .. ان المسح ببعض الرأس لمکان الباء ثم وصل الرجلین بالرأس کما وصل الیدین بالوجه ... فعرفنا حین وصلها بالرأس ان المسح علی بعضها ... .

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۱ حد مسح پا در وضو ، مفصل آن است .

إلی الکعبین

امام باقر(ع) در بیان معنای <کعبین> در آیه فوق فرمود: . .. ههنا یعنی المفصل دون عظم الساق ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۸، ح ۷۳.

۴۳ لزوم خرید آب برای وضو و غسل ، در حد توان مالی به وقت دسترسی نداشتن به آن

فلم تجدوا الماء

از امام کاظم(ع) روایت شده که درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیه آب وضو و غسل در صورت نبود آب فرمود: ذلک علی قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

۴۵ تیمم ، باید بر زمین پاکیزه باشد .

فتیمموا صعیداً طیباً

از امام صادق(ع) درباره <صعیداً طیباَ> در آیه فوق روایت شده: <الصعید> الموضع المرتفع و< الطیب> الموضع الذی ینحدر عنه الماء.

مرتفع بودن زمین و عبور آب بر روی آن که در حدیث آمده، کنایه از پاکیزه بودن زمین است چون اگر زمین گود باشد، جایگاه کثافات شده و آب در آن مانده و لجن می گردد.

معانی الاخبار، ص ۲۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۲۷۵.

اهمیت وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۶ - ۳۲

۳۲ تشریع وضو ، غسل و تیمم ، از نعمت های الهی

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و لکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۷

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشدن متعلق <یطهرکم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

ترتیب در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۷

۷ لزوم رعایت ترتیب در افعال وضو

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

تقدم ذکری صورت بر دستها و مسح سر بر مسح پاها، دلالت بر لزوم ترتیب در شستن و مسح اعضای وضو دارد. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که در مورد افعال وضو در آیه فوق فرمود: ... ابدأ الوجه ثم بالیدین ثم امسح الراس و الرجلین ... ابدأ بما بدأ اللّه به.

کافی، ج ۳، ص ۳۴، ح ۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۹، ح ۷۹.

شستن دست در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۱،۲

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای

نماز

إذا قمتم إلى الصّلوه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم . .. و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهكم و ايديكم إلى المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا ـ غسله لا ـن اللّه یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق> ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

شستن صورت در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصّلوه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم . .. و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

فلسفه وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۹

۲۹ هدف از تشریع وضو ، غسل و تیمم ، طهارت مؤمنان و اتمام نعمت الهی به آنان است ، نه ایجاد حرج و مشقت .

إذا قمتم إلى الصّلوه فاغسلوا . .. و لكن يريد ليطهركم وليتم نعمته عليكم

مبطلات وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۶،۳۸

۱۶ خروج

بول و غائط ، موجب وضو و ناقض آن است .

او جاء أحد منكم من الغائط . .. فلم تجدوا ماء فتيمموا

<غائط> در کلام عرب به معنای گودال مستراح است و آمدن از مستراح، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

۳۸ لزوم وضو گرفتن برای نماز بعد از بیدار شدن از خواب

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای <اذا قمتم> در آیه فوق فرمود: <اذا قمتم من النوم . ..>.

تهذیب، ج ۱، ص ۷، ح ۹، ب ۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۱.

محدوده مسح پا در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۴۰،۴۱

۴۰ کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: . .. ان المسح ببعض الرأس لمکان الباء ثم وصل الرجلین بالرأس کما وصل الیدین بالوجه ... فعرفنا حین وصلها بالرأس ان المسح علی بعضها ... .

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۱ حد مسح پا در وضو ، مفصل آن است .

إلی الکعبین

امام باقر(ع) در بیان معنای <کعبین> در آیه فوق فرمود: . .. ههنا یعنی المفصل دون عظم الساق ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۸، ح ۷۳.

محدوده مسح سر در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۴۰

۴۰ کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

امام باقر(ع)

در توضیح آیه فوق فرمود: . .. ان المسح ببعض الرأس لمکان الباء ثم وصل الرجلین بالرأس کما وصل الیدین بالوجه ... فعرفنا حین وصلها بالرأس ان المسح علی بعضها ... .

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

مسح پا در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱،۴،۵،۶

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تثنیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۶ در مسح پا باید همه آن مسح شود . *

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

منصوب بودن <ارجلکم> حکایت از آن دارد که باء تبعیض بر آن داخل نشده است، بلکه <ارجلکم> عطفِ بر محل <برءوسکم> شده و در حقیقت مفعول بدون واسطه برای <امسحوا> است.

مسح سر در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۱،۳

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و

امسحوا برءوسكم و ارجلكم

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسكم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در <برءوسكم> برای تبعیض باشد.

موجبات وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۲۱

۲۱ خروج بول و غائط ، از موجبات وضو و تیمم

او جاء احد منكم من الغائط . .. فلم تجدوا ماءً فتيمّموا

<غائط> به محل دفع بول و مدفوع گفته می شود. و آمدن از آن محل، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۶

۱۶ خروج بول و غائط ، موجب وضو و ناقض آن است .

او جاء أحد منكم من الغائط . .. فلم تجدوا ماء فتيمموا

<غائط> در کلام عرب به معنای گودال مستراح است و آمدن از مستراح، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

واجبات وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۳۹

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصّلوه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم . .. و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود

است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا غسله لان اللّه یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق> ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در <برءوسکم> برای تبعیض باشد.

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تثنیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۳۹ لزوم شستن صورت در وضو از رستنگاه مو تا چانه و در پهنا به اندازه ای که ما بین انگشت شصت و وسطی قرار می گیرد .

فاغسلوا وجوهکم

از امام باقر(ع) در بیان مقداری از صورت که خداوند دستور شستن آن را در وضو داده است روایت شده: الوجه الذی امراللّه بغسله . .. ما دارت السبابه و الوسطی و الابهام من قصاص الشعر الی الذقن ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۶.

وجوب وضو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۲۱

۲۱ وجوب وضو ، غسل و تیمم ، وجوب غیری است .

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و

ایدیکم فلم تجدوا ماء فتیمموا

با توجه به اینکه وضو و . .. را برای نماز، واجب کرده است، وجوب غیری از آن استفاده می شود.

وضو در مستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳

۳ وضو ، غسل و تیمّم در حال مستی ، باطل است . *

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

نهی از نزدیک شدن به نماز می تواند اشاره به بطلان وضو و غسل و تیمم نیز باشد، چون نزدیک شدن به نماز با آنها تحقق می یابد.

وطن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وطن

آثار علاقه به وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۵

۵ وابستگی به خانه و سرزمین ، از موانع هجرت در راه خدا

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله

تکیه بر خروج از خانه (یخرج من بیته)، اشاره به این دارد که وابستگی آدمیان به خانه و کاشانه، عامل ترک هجرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۷

۷ - دلبستگی به زندگی دنیایی و مرز و بوم خویش ، زمینه ساز گریز از حق و هدایت

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا

آثار وطن پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۴

۴ شیفتگی فرعونیان به حکومت و سلطنت و وابستگی شدیدشان به موطن خویش ، از عوامل تکذیب موسی و جبهه گیری آنان در برابر وی

یرید أن یخرجکم من أرضکم

ترس از اخراج از وطن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲

۲ - ترس ربوده شدن از سرزمین مکه به وسیله مشرکان عرب (کوچ اجباری و از دست دادن ملك و خانه و اموال) ، بهانه شرك پیشگان مکه در نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص)

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا

جلای وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ ضرورت عمل به تکالیف الهی ، هر چند لازمه آن ترك دیار و هجرت به سرزمین دیگر باشد .

قالوا الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها

حق سکونت در وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۴

۴ - سکونت در زادگاه و موطن ، حق مشروع انسان ها

الذین أُخرجوا من دیرهم بغیر حقّ

حق وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن بـا اضـافه کردن کلمه <دیـار> به <کم> و نسـبت دادن خـانه و وطن به انسانهـا (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقـت را امضـا و تثبیت می کنـد کـه: هر ملـت و طـایفه ای این حـق را دارد که در سـرزمینی سـکنا گزینـد و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

ظلم اخراج از وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲

۲ - اخراج ناروای مردم از

موطن و سرزمین خویش ، از آشکارترین ظلم ها

بأنّهم ظلموا . .. الذین أُخرجوا من دیرهم

بـا توجه به این که از میـان تمـام اذیت و آزارهـای مسـلمانان صدراسـلام، آوارگی آنان اختصاص به ذکر شـده، برداشت فوق استفاده می شود.

علاقه به وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۶ - ۷

۷ وابستگی انسان به خویش ، شهر و دیار (خانه و کاشانه) مانعی جهت تسلیم در برابر خداوند

و یسلّموا تسلیماً. و لو انّا کتبنا ... ما فعلوه الّا قلیل منهم

محدوده علاقه به وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - ر ها کردن تقواپیشگی و احسان ، به خاطر دلبستگی به وطن و محل سکونت ، عملی ناپسند و عذری ناپذیرفتنی

یعباد الذین ءامنوا اتّقوا ربّکم . .. و أرض اللّه وسعه

ملاک انتخاب وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - وجود شـرایط مناسب و مساعـد برای دینداری ، تقواپیشـگی و احسان ، از معیار های شایسـته و بایسـته در انتخاب وطن و محل زندگی

یعباد الذین ءامنوا اتّقوا ربّکم . .. و أرض اللّه وسعه

وطن پرستی

آثار وطن پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۴

۴ شیفتگی فرعونیان به حکومت و سلطنت و وابستگی شدیدشان به موطن خویش ، از عوامل تکذیب موسی و جبهه گیری آنان در برابر وی

یرید أن یخرجکم من أرضکم

وعده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{وعده}

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲،۴،۱۹،۲۰

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۴ وفای خداوند به وعده های خویش ، جلوه ای از ربوبیّت او

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۱۹ نقش دعا در تحقق وعده های الهی و رهایی از خذلان در آخرت

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

اگر دعا در تحقق وعده های الهی تأثیر نداشت، خداوند آن را به عنوان ویژگی مؤمنان خردمند نقل نمی کرد.

۲۰ ایمان ، زمینه تحقق نوید های الهی به خردمندان و رهایی از خواری و خذلان اخروی

فامنّا ربّنا . .. ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

با توجّه به اینکه <اتنا> عطف است بر <اغفر لنا>، در جمله <فامنّا ربّنا فاغفرلنا>، معلوم می شود که خردمندان انتظار برآورده شدن دعا و خواست خویش را، بر ایمانشان به ربوبیّت خداوند مترتب ساختند.

آثار ایمان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - تقوا و ایمان به قیامت و وعده های خدا ، مانع فریفتگی انسان به زندگی دنیا است .

اتقوا ربّکم و اخشوا یومًا . .. إنّ وعد اللّه حقّ فلاتغرّنّکم الحیوه الدنیا

آثار بی اعتنایی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۹

۹ – پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه سازگرفتاری آنان به

غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامريّ . .. أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربّكم

<أم> در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت <أم أردتم> این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبود; بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله <أردتم...> استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

آثار تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا . .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۲

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، درپی دارنده کیفری حتمی

فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأوّلین . أُولئک الذین حقّ علیهم القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۷

۷ - طغیان گری ، اصرار بر گناه و تکذیب پیام های الهی ، مایه سقوط و تباهی نفس انسان است .

و قد خاب من دسّیها . کذّبت ثمود بطغویها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۱ - ۲

۲ - بخلورزی ، و زراندوزی و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز سقوط و هلاکت

و أمّا من بخل . .. إذا تردّى

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۴ – ۳

۳ – بخل و ثروت اندوزیِ حاصل از آن و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و أمّا من بخل و استغنی . و کذّب ... فأنذرتکم نارًا تلظّی

آثار خلف وعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۳ – ۵

۵ – < عن هِشام بن سالم قال : سمعت أباعبدالله (ع) یقول : عِدهُ المؤمن أخاه نذرٌ لا کفّارهَ له فمن أخلف فَبِخُلْفِ الله بَدأ و لمَقْته تعرّض و ذلک قوله : < یا أیّها الذین آمنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون . کبر مقتاً عندالله أن تقولوا ما لاتفعلون > ;

هشام بن سالم گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: وعده مؤمن به برادر مؤمنش، نذری است که کفّاره ندارد. [ولی]کسی که خلف وعده کند، نخست با خدا خلف وعده کرده و خود را در معرض خشم او قرار داده است و این، سخن خداوند است که فرمود: یا أیّها الذین آمنوا لِمَ تقولون ما لاتفعلون . کبر مقتاً عندالله أن تقولوا ما لاتفعلون>.

آثار شک به وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۳ – ۵

۵– نپذیرفتن دعوت انبیا و وعده های الهی و شک و تردید مستمر در آن ، پیامددار عذاب الهی

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

فعل مضارع <یمترون> با آمدن فعل <کانوا> پیش از آن، بیانگر استمرار مضمون آن است.

آثار عجله در وفای به وعده

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۴ – ۶

۶ – شتاب در کار خیر و تعجیل در وفای به وعده ، موجب جلب رضایت خدا است .

و ما أعجلك . .. و عجلت إلیك ربّ لترضی

هر چند که موسی(ع) به جهت جدا شدن از مردم، مورد پرس و جوی خداوند قرار گرفت; ولی هدف او از این تعجیل، مورد نقد قرار نگرفته است; یعنی، تسریع در وفای به وعده و حضور در میقات، به خودی خود، کار مطلوبی بوده است.

آثار وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۶ – ۷

۷ – وعده یاری خداوند و آگاهی گسترده او بر جزئیات ماجرای ارشاد فرعون ، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های نگران موسی و هارون (ع) بود .

إنّنا نخاف . .. لاتخافا إنّنی معكما أسمع و أری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۱ – ۳

۳– دوری عده ای از آتش جهنم ، براساس وعده نیك الهی به ایشان در دنیا است .

إنّ الذین سبقت . .. مبعدون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <الحسنی> صفت برای موصوفی محذوف چون <الوعده> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۹ – ۱

۱ – وعده ها و تهدید های الهی برای كافران عصر بعثت ، ثمربخش و كارساز نبود .

بل الذین كفروا

حرف <بل> اضراب از ما قبل است; یعنی، تهدیدهای پیش برای کافران بی تأثیر است. عنوان <الذین کفروا>، ممکن است عنوان مشیر و ناظر به

مصادیق خارجی آن باشد که کافران مکه بودند و نیز می توانند به تمام کافران در طول تاریخ نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

آداب اعلام وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۱

۱- توجه به مشیّت خداوند و گفتن < إنْ شاء اللّه > به هنگام اعلان هرگونه وعده و تصمیم ، لازم است .

و لاتقولنّ . .. إلاّ أن يشاء اللّه

<إلاّ أن يشاء اللّه> نیاز به تقدیر دارد؛ زیرا، بدون تقدیر، نهی <لاتقولنّ. ..> توجیه پذیر نیست. مناسب ترین تقدیری که مفسّران بیان کرده اند، عبارت <إلاّ أن تقرنه بأن يشاء اللّه> است. در این صورت، مفاد آیه، با توجه به آیه قبل، چنین می شود: <در گفته خود، انجام هیچ کاری را برای زمان آینده، قطعی مساز، مگر آن را به مشیّت و خواست خداوند همراه سازی>.

اجتناب از تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان ، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أتی أمر الله فلاتستعجلوه سبحنه و تعلی عمّا يشركون

با توجه به اینکه <لاتستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

استهزای وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - قوم لوط ، از سرزنش حضرت لوط (ع) و وعده وی به عذاب ، پندنگرفتند و او را استهزا کردند .

فما كان

جواب قومه إلّا أن قالوا ائتنا بعذاب اللّه

استهزای وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۹

۹ کفرپیشگان ، عذاب های موعود از ناحیه پیامبران را همواره به استهزا و تمسخر می گیرند .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و یستعجلونک بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

اعتماد به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- ایمان به خداوند ، مقتضی اعتماد کامل بر وعده ها و گواهی او *

و کفی باللّه شهیدًا

خداوند، پس از وعده به پیروزی اسلام بر سایر ادیان، فرمود: <و کفی. ..>. این جمله ممکن است بیانگر این باشد که اگر شما به مقام الوهیت ایمان دارید، لازمه آن، اعتماد به گواهی او است.

اقرار به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن . .. إنّ الله وعدکم وعد

الحق و وعدتکم فأخلفتکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۴ – ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض . .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

اقرار به درستی وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۴

۴ – بر زبان آوردن راستی و درستی وعده های خداوند و پیامبرش ، امر پسندیده ای است .

هذا ما وعدنا اللّه و رسوله و صدق اللّه و رسوله

از این که خداوند، سخن مؤمنان را درباره راستی وعده خدا و پیامبرش، بیان می کند، در حالی که عقیده به راستی آن، امری درونی است و نیاز به اظهار ندارد، پسندیده بودن اظهار اعتقاد به راستی وعده خدا و پیامبرش قابل استفاده است.

اقرار به درستی وعده های محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۴

۴ – بر زبان آوردن راستی و درستی وعده های خداوند و پیامبرش ، امر پسندیده ای است .

هذا ما وعدنا اللّه و رسوله و صدق اللّه و رسوله

از این که خداوند، سخن مؤمنان را درباره راستی وعده خدا و پیامبرش، بیان می کند، در حالی که عقیده به راستی آن، امری درونی است و نیاز به اظهار ندارد، پسندیده بودن اظهار اعتقاد به راستی وعده خدا و پیامبرش قابل استفاده است.

اهمیت وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۲ – ۵

۵

- صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

برداشت بالا بـدان بـدان احتمال است که <إنّ وعـد اللّه حقّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

ایمان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - لزوم ایمان به وعده های خداوند و پرهیز از بی اعتنایی به آنها

أفطال علیکم العهد أم أردتّم أن یحلّ علیکم غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۴

۴ - ایمان به وعده الهی به نصرت جبهه حق ، زمینه ساز پیدایش روحیه صبر و شکیبایی است .

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

یـادآوری <إنّ وعـد اللّه حقّ> که به منزله تعلیـل برای فرمان به صبر است، می توانـد برای مطمئن ساختن پیامبر(ص) به ثمره صبر باشد. در نتیجه، در صورتی که ایمان حاصل شود که وعده خدا تخلف ندارد، شـخص، آمادگی بیشتری برای صبر در راه خدا پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۳

۳ - مسلمانان مدینه ، به وعده های خداوند و پیامبرش ، ایمان راسخ داشتند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۱ – ۳

۳ – مؤمن ، همواره در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع یوم یناد

المناد من مكان قريب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۹ – ۲

۲ – انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

یؤفک عنه من أُفک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۶ – ۲،۳

۲ – پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدّق بالحسنی

کلمه <حسنی> یا مصدر است (مانند <رجعی>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت; بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنی> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

۳ – سخاوت مندی ، انفاق و تقواپیشگی ، نشانه پذیرش وعده های خداوند و باور داشتن پاداش های الهی است .

فأمّا من أعطی و اتّقی . و صدّق بالحسنی

عطف این آیه بر آیه قبل، عطف سبب بر مسبب و یا عکس آن است و در هر صورت، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۷ – ۲،۶،۸

۲ – انفاق ، تقوا و ایمان به وعده های خداوند ، فراهم سازنده زمینه برای دستیابی به آینده ای آسوده و راحت

فأمّا من أعطی . .. فسنیسّره للیسری

حرف <سین> در <سنیسّره>، برای تأکید است و بعید نیست که برای استقبال و ناظر به این باشد که رسیدن به این نتیجه، نیازمند گذشت زمان و تکرار اعمالی است که آیات پیشین، بیانگر

آن بود.

۶ - سخاوت مندی ، انفاق ، تقواپیشگی و تصدیق وعده های الهی ، زمینه ساز امداد های ویژه خداوند و مایه نشاط انسان در انجام دادن تکالیف دینی است .

فأمّا من أعطی . .. فسنیسّره للیسری

۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < . . . فسنیسّره للیسری > قال : لایرید شیئاً من الخیر إلاّ یسّره اللّه له ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <فسنیسّره للیسری> روایت شده که فرمود: [هر که در راه خدا بخشش کند و تقوا پیشه سازد و نیکوترین پاداش الهی را تصدیق کند]هیچ خیری را اراده نمی کند، جز آن که خداوند انجام دادن آن را برای او آسان می سازد>.

ایمان به وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۳

۳ - مسلمانان مدینه ، به وعده های خداوند و پیامبرش ، ایمان راسخ داشتند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۵

۵ - < قال البزنطی : . . . و سمعت الرضا (ع) یقول فی تفسیر < و الّیل إذا یغشی > قال : إنّ رجلاً من الأنصار کان لرجل فی حائطه نخله و کان یُضِرّ به فشکا ذلک إلی رسول اللّه (ص) فدعاه فقال : اعطنی نخلتک بنخله فی الجنّه فأبی فبلغ ذلک رجلاً من الأنصار یکنّی أبا الدحداح فجاء إلی صاحب النخله فقال : بعنی نخلتک بحائطی

فباعه فجاء إلی رسول اللّه (ص) فقال : یا رسول اللّه قد اشتریت نخله فلان بحائطی ، قال : فقال رسول اللّه (ص) فلک بدل ها نخله فی الجنّه فـأنزل اللّه تبارک و تعالی علی نبیّه (ص) < . . .فأمّا من أعطی > یعنی النخله < و اتّقی و صـدّق بالحسـنی > بوعد رسول اللّه (ص) . . . ;

بزنطی گفت: از امام رضا(ع) شنیدم که در تفسیر <و الّیل إذا یغشی> سخن می گفت و فرمود: در باغِ مردی از انصار درخت خرمایی متعلق به شـخص دیگری بود و آن شـخص [به هنگام اسـتفاده از درخت] به مرد انصاری زیان می رساند. مرد انصاری از این عمل به رسول خـدا(ص) شـکایت کرد; رسول خـدا(ص) صاحب درخت را فراخواند و به او فرمود: درخت خرمایت را در ازای یـک اصـله درخت خرما در بهشت، به من واگـذارکن و آن مرد امتناع کرد. پس این خبر به مردی از انصار رسـید که کنیه او <ابودحداح> بود. وی نزد صاحب آن درخت رفت و گفت: آن درخت خرمایت را در ازای باغ من به من بفروش، او هم فروخت. آن گـاه ابودحـداح نزد رسول خـدا(ص) آمـد و عرض کرد: درخت خرمای فلانی را در عوض باغ خود خریـدم، رسول خـدا(ص) به او فرمود: تو به جای آن درخت، درختی را در بهشت مالک هستی. پس خدای تبارک و تعالی بر پیامبرش [ایـن آیه را] نـازل فرمـود: <فأمّـا من أعطی> مقصـود [بخشـیدن]درخت خرمـا است <و اتّقی و صـدّق بالحسـنی> مقصـود [تصدیق]وعده رسول خدا است>.

بهشتیان و وعده

انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

بی اعتنایی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۶

۶ - بنی اسرائیل با بی توجهی به وعده خداوند (اعطای تورات) ، زمینه گمراهی خویش را فراهم آوردند .

و أضلّهم السامریّ . .. ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

بی ایمانی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لایرجون أیّام اللّه> یاد فرموده; استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

بیماردلان مدینه و وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۵

۵ – منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

بیماردلان مدینه و وعده خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳

- ۱۲ - ۹

۹ - ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون باللّه الظنونا . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه و رسوله إلّا

<و إذ یقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

بیماردلان مدینه و وعده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۹

۹ - ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون باللّه الظنونا . .. و إذ یقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه و رسوله إلّا

<و إذ یقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

پوچی وعده های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴،۵

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن . .. إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فأخلفتکم

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۶

۱۶- همه وعده ها و نوید های شیطان ، بی اساس و فریب است .

و ما يعدهم الشيطن إلاّ غرورًا

<غرور> مصدر فعل <غرّ> به معنای خدعه و مکر است.

پوچی وعده

های منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۶ – ۱۱

۱۱ – هشدار الهی به کافران ، در دل نبستن به وعده منافقان

کمثل الشیطن إذ قال . .. إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

آیه شریفه از یک سو نویدی است به مؤمنان که منافقان به همکاری با کافران وفا نخواهند کرد. و از سوی دیگر تشبیه منافقان به شیطان در بی وفایی به تعهدات خویش، هشداری است به کافران که با ریسمان منافقان به چاه نروند.

تحقق وعده خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۰ – ۵

۵ – ارتباط اهل ایمان با خدا و تأمین نیاز های جامعه ، فراهم کننده شرایط و زمینه های وعده خداوند (فرمان به مبارزه با توطئه گران)

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّه بأمره . .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۲

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادی . .. أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۷ – ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>،

مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۰ – ۱۶

۱۶ – وعده خداوند به موسی (ع) در مورد برتری و غلبه او در میدان مبارزه با ساحران ، به بهترین شکل تحقق یافت .

إنّک أنت الأعلی . .. فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۵ – ۹

۹– حقانیت اسلام و وعده های الهی ، برای همیشه مخفی نمی ماند و در آینده نزدیک برای همگان روشن خواهد شد .

فتربّصوا فستعلمون من أصحب الصرط السویّ

تحقق وعده عذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۶ – ۳

۳ پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و کذّب به قومک و هو الحق

از معانی حق، <ثابت> و <واجب> است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر <به>، <عذاب> در آیه قبل باشد، جمله <و هو الحق> تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته را به وضوح تأیید کرد.

تحقق وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۵ – ۱

۱ – خداوند ، توانا بر تحقق بخشیدن به وعده های خود

و إنّا على أن نريک ما نعدهم لقدرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۷

۷ تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ، انتظار و توقع متقین از خداوند

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

<مسؤول>; یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه به قرینه مقام مقصود این است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو تری إذ المجرمون . .. ربّنا أبصرنا و سمعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا > فإن القوم کانوا فی القبور ، فلمّا قاموا حسبوا أنّهم کانوا نیامًا ، قالوا < یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا > قالت الملائکه < هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون > ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا. ..> روایت شده که فرمود: مردم که در قبراند; وقتی برمی خیزند می پندارند که در خواب بوده اند [ازاین رو] می گویند: <یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا>. فرشتگان می گویند: <هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ . .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنّا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۶،۷

۶ - تحقق وعده های الهی به نزول رحمت یا عذاب ، از سمت آسمان

فی السّماء رزقکم و ماتوعدون

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از <ما توعدون>، همه وعد و وعیدهای الهی باشد و نه خصوص بهشت.

۷ - تدبیر ، تقدیر و قدرت الهی در تأمین روزی زمینیان از آسمان ، نشانه قدرت او بر تحقق وعده های خویش *

و فی السّماء رزقکم و ما توعدون

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از تحقق رستاخیز و وجود دوزخ و بهشت بود; ممکن است این آیه درصدد رفع شبهه انسان در قدرت خدا باشد. ازاین رو عبارت <و فی السّماء رزقکم> به عنوان نمودی از قدرت خداوند یاد شده است.

تخلف از وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲۱

۲۱ خداوند ، هرگز از وعده های خویش تخلف نمی کند .

انّک لا تخلف المیعاد

تخلف وعده ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۷

۲۷- < قال رسول الله (ص) : إذا جمع الله الأولین و الأخرین و

قضی بینهم و فرغ من القضاء . . . الکافرون . . . یأتون إبلیس فیقولون : . . . قم أنت فاشفع لنا فإنک أنت أضللتنا فیقوم إبلیس . . . و یقول عند ذلک : < إن الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فاخلفتکم . . . > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند اولین و آخرین انسانها را جمع کرد و میان آنان حکم نمود و از حکم کردن فارغ شد . .. کافران ... نزد ابلیس آیند و گویند:... تو برخیز و برای ما شفاعت کن; پس همانا تنها تو ما را گمراه کردی. پس ابلیس می ایستد ... و در این هنگام می گوید: <إن الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فاخلفتکم...>.

تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۵

۵- شتاب و بی صبری در مورد تحقق زودرس وعده های خداوند ، روا نیست .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۹

۹ - کافران ، به تحقق وعده نصرت خداوند ، ناباورند .

إنّ وعد اللّه حقّ و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

مراد از <الذین لایوقنون> می تواند کافرانی باشد که در آیات پیش از آنان سخن به میان آمده است. لازم به ذکر است که متعلق <لایوقنون> می تواند همین وعده ای باشد که در آیه آمده است.

تکذیب وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴

۳ - ۲۹ -

۳ - مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت و معاد درست نمی دانستند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تکذیب وعده های هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۵

۵- اظهار ناباوری قوم عاد ، نسبت به وعده ها و سخنان هود (ع)

قالوا . .. فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

قوم عاد با پیشنهاد نزول عذاب، در واقع می خواستند بنمایانند که به نادرستی و کذب سخنان هود(ع) یقین دارند.

حتمیت وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲

۲ تخلّف ناپذیری وعده های الهی

و لقد صدقکم اللّه وعده

صدق به معنای تحقق وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۷،۹

۷ بهشت ، وعده حتمی و تخلّف ناپذیر خداوند به مؤمنانِ دارای اعمال شایسته

سندخلهم جنت . .. وعد اللّه حقّاً

<وَعْدَ اللّه> و <حقاً>، مفعول مطلق برای فعل محذوف است. یعنی <وعد اللّه وعداً حَقَه حقاً> و حق بودن وعده به این

است که تخلّف نشود و در موعد مقرر انجام پذیرد.

۹ وعده های خداوند حق و سخنان او راست و تخلّف ناپذیر است .

وعد اللّه حقّاً و من اصدق من اللّه قیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۲۶

۲۶ خداوند ، قطعاً به وعده های خویش وفا می کند .

لئن اقمتم الصلوه . .. لاکفرن عنکم سیاتکم

و لادخلنكم جنت

لام و نون تأكيد در <لاكفرن> و <لادخلنكم> و قسم نهفته در جمله <لئن اقمتم الصلوه>، بيانگر قطعيت وعده هاى الهى است.

حتميت وعده هاى اخروى خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۵

۱۵- وصول به وعده هاى الهى و نيل به آن در طول تاريخ ، دليل دستيابى حتمى بندگان به آن در آخرت

وعد الرحمن . .. إنّه كان وعده مأتيًّا

<كان> در <إنّه كان . ..> بر ديرباز بودن محتواى جمله و عبارت <إنّه كان...> بر تحقق حتمى موعود در <وعدالرحمن...> دلالت دارد.

حتميت وعده هاى خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ وعده هاى خدا تخلف ناپذير است.

و لقد كذبت . .. حتّى أتهم نصرنا و لا مبدل لكلمت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۴ - ۱،۲،۳

۱ وعده هاى خداوند تخلف ناپذير است.

إن ما توعدون لأت

۲ احضار ظالمان در قيامت و بازخواست و كيفر ايشان از وعده هاى تخلف ناپذير خداوند

و ينذرونكم لقاء يومكم هذا . .. إن ما توعدون لأت

۳ آدمی توان جلوگیری از تحقق وعده ها و برنامه های خداوند و گریز از آن را ندارد.

إن ما توعدون لأت و ما أنتم بمعجزين

در لسان العرب آمده است: <معنی الاعجاز الغوث و السبق>. یعنی اعجاز فرو نهادن و پیشی گرفتن است. <معجزه> اسم فاعل آن، به معنی فروگذارنده و پیشی گیرنده است. یعنی شما نمی توانید از بروز قیامت و وعده های خداوند جلوگیری کنید

و یا بر آن پیشی گیرید و از شمول آن خارج گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۲

۲ پذیرش توبه بندگان ، وعده حتمی خدا به آنان

ألم یعلموا أن اللّه هو یقبل التوبه عن عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد اللّه حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد اللّه حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

یقولون متی هذا الوعد . .. ألا إن وعد اللّه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۴ – ۶،۷

۶ کلمات خدا (وعده ها و سنن الهی) بدون تغییر و تخلف ناپذیر است .

لا تبدیل لکلمت اللّه

۷ بشارت های ویژه به اولیای خدا در دنیا و آخرت ، وعده تخلف ناپذیر الهی

لهم البشری فی الحیوه الدنیا و فی الأخره لا تبدیل لکلمت اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۵ –

۴ خداوند ، به تمامی وعده های خویش وفا می کند .

و ان وعدك الحق

حق بودن وعـده ، به این است که: آنچه مورد وعده قرار گرفته امری درست و به جا باشد و نیز وعده کننده به آن ، پایبند بوده و بدان وفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ وعده های خداوند قطعی و تخلف ناپذیر است .

إن الله لایخلف المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۱،۳،۴

۱- گمان تخلف وعده خداوند ، گمانی واهی و نادرست است .

فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

۳-وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

۴- تأخیر عذاب ستمگران به معنای تخلف وعده الهی به رسولان خویش نیست .

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم . .. فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

جمله <فلاتحسبنّ الله . ..> می تواند پاسخ به این سؤال مقدر باشد که: چرا برخی از ستمگران هنوز دچار عذاب استیصال نشده اند، پس وعده خدا ممکن است تخلف پیدا کند؟

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱ – ۶

۶– وعده های الهی تخلف ندارد و در زمان خود واقع می شود .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳ – ۷

۷– آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله . .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات . ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۸

۸– وعده قطعی و تخلف ناپذیر خداوند به حیات مجدد انسان ها پس از مرگ

لایبعث الله . .. بلی وعدًا علیه حقًّا

<وعداً> و <حقّاً> مفعول مطلق برای فعلهای محذوف می باشند و دلالت بر تأکید می کنند. بنابراین معنای <بلی وعداً علیه حقّاً> چنین می شود: آری خبر رستاخیز انسانها، وعده ای است حق و باطل در آن راه ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۰ – ۹

۹– قدرت مطلق خداوند ، ضامن تحقق وعده او در زنده کردن دوباره انسان ها و برپایی قیامت

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... إنما قولنا لشیء إذا أ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۹

۹- فسادانگیزی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان توسط جنگاورانی قدرتمند ، وعده قطعی و تخلف ناپذیر

خداوند

بعثنا عليكم . .. و كان وعدًا مفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۵،۷،۸

۵- اذعان عالمان اهل كتاب به تخلف ناپذيرى وعده هاى خداوند ، با مشاهده تحقق بشارت خدا در پرتو نزول قرآن

أُوتوا العلم من قبله . .. يقولون ... إن كان وعد ربّنا لمفعولاً

۷- ربوبيت كامل خداوند نسبت به انسان ها ، مستلزم تخلف ناپذيرى وعده هاى او

سبحن ربّنا إن كان وعد ربّنا لمفعولاً

۸- معاد و حيات مجدد انسان ، وعده حتمى و تخلف ناپذير خداوند در بينش عالمان *

يقولون . .. إن كان وعد ربّنا لمفعولاً

احتمال دارد كه مراد از <وعد> به قرينه آيات ۹۷ و ۹۸ همين سوره مسأله حيات مجدّد انسانها و معاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۷

۷- تحقّق وعده هاى خداوند ، حتمى و تخلّف ناپذير است .

أنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۹

۱۹- وعده هاى الهى ، حتمى و تخلّف ناپذير است .

و كان وعد ربّى حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۲

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال کذلک

چنان چه مشارالیه <ذلک> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است; یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۱۳،۱۴

۱۳– وعده های خداوند تخلف ناپذیر است .

إنّه کان وعده مأتیًّا

<مأتیّ> اسم مفعول و به معنای <آمده شده> است و در حقیقت تأکیدی بر حتمی بودن وعده های خداوند است; یعنی، حتماً نزد آن وعده (بهشت) خواهید رفت; زیرا وصول به این وعده ها، از دیرباز محقق بوده است.

۱۴– بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

یدخلون الجنّه . .. وعد الرحمن ... إنّه کان وعده مأتیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۳

۳– قیامت ، وعده راستین و تخلف ناپذیر الهی

و اقترب الوعد الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۴ – ۹

۹– وعده ها و برنامه های خداوند ، حتمی الوقوع و تخلف ناپذیر است .

وعدًا علینا إنّا کنّا فعلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۷ – ۵

۵ – وعده های الهی ، قطعی و تخلف ناپذیر است .

و لن یخلف اللّه وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۳

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعـده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. لیستخلفنّهم فی الأرض ... لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان -

۲۵ - ۱۶ - ۳

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۴

۴ - علم خدا به مواضع فکری و عملی مردم در قبال پیامبر (ص) ، تضمینی بر تحقق وعده ها و وعید های او

و یقولون متی هذا الوعد . .. و إنّ ربّک لیعلم

مطرح ساختن علم الهی به نهان و آشکار خلق (پس از آیات مربوط به وعده عذاب) می رساند که خداوند به اتکای علم خویش، موضع گیری مردم را در قبال پیامبر(ص) جزا خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد اللّه> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامان مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

۱۲ - بیشتر مردم ، بی بهره از اعتقاد به تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۴

۴ - دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

وعدنه وعدًا حسنًا فهو لقیه

قید <هو لاقیه> بیانگر

آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۷

۷ - وعده خداوند درباره اعطای پاداش بهترین عمل به اعمال مؤمنان ، وعده ای قطعی و تخلف ناپذیر است .

و الذین ءامنوا . .. و لنجزینّهم أحسن الذی کانوا یعملون

<لام> و <نون تأکید> در <لنجزینّهم> دلالت بر حتمیّت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۹ - ۲

۲ - وعده خداوند به قرارگرفتن مؤمنانِ دارای عمل صالح در زمره صالحان ، وعده ای قطعی است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنّهم فی الصلحین

<لام> و <نون تأکید> در <لندخلنّ> دلالت بر قطعیّت وعده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۲

۲ - وعده های خداوند ، قطعی و تخلف ناپذیر است .

لایخلف اللّه وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۲،۳

۲ - وعده نصرت خدا به پیامبر (ص) حتمی و تخلف ناپذیر است .

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

متعلق وعـده، در این آیه، به قرینه دعوت خداونـد از پیامبر(ص) برای صبر پیشه کردن در برابر مخالفت های کافران، می تواند

نصرت خدا باشد.

۳ – وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۹ – ۳،۴،۶

۳ – وعده خداوند به پاداش مؤمنان و

کیفر معرضان از آیات خدا ، وعده ای حق و تخلّف ناپذیر است .

فبشّره بعذاب أليم . .. لهم جنّت النعيم ... وعد اللّه حقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقّاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلّف ناپذیری آن می کند.

۴ - وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لهم جنّت النعيم خلدين فيها وعد اللّه حقًّا

۶ - عزت و حکمت خداوند ، منشأ تخلّف ناپذیری وعده های او است .

وعد اللّه حقًّا و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - وعده الهی به برپایی قیامت ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و اخشوا يومًا . .. إنّ وعد اللّه حقّ

بنابراین که متعلق <وعد>، واژه <یوماً> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جِنّی و اِنْسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لكن حقّ القول منّى لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۹،۱۲

۹ - بهترین روزی رسان بودن خداوند ، تضمین کننده وعده جایگزین ساختن برای مال انفاق شده

و ما أنفقتم من شىء فهو يخلفه و هو خير الرزقين

١٢ - < قال الراوی قلت لأبی عبداللّه (ع) . . .قول اللّه عزّوجلّ < و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه

و هو خیر الرازقین > و إنّی أنفق و لا ـ أری خلفاً قال : أفتری اللّه عزّوجلّ أخلف وعده ؟ قلت : لا ـ قال : فممّ ذالك . قلت : لا أدری قال : لو أنّ أحدکم إکتسب المال من حلّه و أنفقه فی حلّه لم ینفق درهماً إلا أخلف علیه ;

راوی می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: . ..سخن خدای عزّوجلّ است که می فرماید: <و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین> در حالی که من انفاق می کنم و هیچ چیزی جایگزین آن ندیدم، فرمود: آیا نظر تو این است که خداوند در وعده خود تخلف می کند؟ گفتم نه. فرمود: پس این [توهم تو] از کجا است؟ گفتم نمی دانم. حضرت فرمود: اگر یکی از شما مالی را از راه حلال کسب کند و در راه حلال انفاق نماید، هیچ درهمی را انفاق نمی کند; مگر آن که [خدا]جایگزین آن را می دهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ - وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۹

۹ - تحقق وعده خداوند مبنی بر عذاب کافران ، حتمی است .

و یحقّ القول علی الکفرین

مقصود از <قول> طبق نظر مفسران وعده خداوند به عذاب کافران است; مثل آیه شریفه <لکن حقّت کلمه العذاب علی الکافرین>، (زمر، آیه ۷۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۲۰ - ۱۱،۱۰

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف . .. وعد اللّه لایخلف اللّه المیعاد

۱۱ - وعده های خداوند تخلف ناپذیر است .

لایخلف اللّه المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۳

۳ - وعده الهی ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۵،۶،۷

۵ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

۶ - وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنانِ دین است .

إنّا لننصر رسلنا . .. فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که جمله <إنّ وعد اللّه حقّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد; یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۲ – ۱

۱ – وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۱۱

۱۱– معاد و خروج مردگان

از خاک ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی

أتعداننی أن أُخرج . .. إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۷

۷ - وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحنا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۱،۲،۴

۱ - وعده های خداوند به خلق ، صادق و تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لصادق

۲ - وعده رستاخیز ، راست و غیر قابل تخلّف است .

إنّما توعدون لصادق

تعبیر <ما توعدون> گرچه عام و شامل همه وعده های الهی است; لکن ذکر مسأله قیامت و معاد در قسمت بعد، قرینه است بر این که مصداق مورد نظر از آن، وعده قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ می باشد.

۴ - خداوند جهان آفرینِ حکیم و قادر ، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذریت ذروًا . فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا . فالمقسّمت أمرًا . إنّما تو

با توجه به این که <إنّما ..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۳

۳ - کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن کنتم غیر مدینین

با این که مسأله

کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینده باید تحقق یابد; به کار گیری قالب ماضی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷ - خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبراکرم (ص)

فیضعفه له و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <تری>، خطاب به خصوص پیامبراکرم(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۶،۷

۶ - برپایی قیامت و زندگی دشوار و طاقت فرسای محشر ، وعده ای است تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی از سوی خداوند به کافران .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> بازگردد.

۷ - وعده های خداوند ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

كان وعده مفعولاً

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين احتمال است

که ضمیر <وعده> به <اللّه> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۱،۲

۱ - وعده های الهی ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لوقع

<إنّما> مرکب است از <إنّ> و <ما>ی موصوله و حرف <إنّ> و <لام> در <لواقع> برای تأکید است.

۲ - قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لوقع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۶ - ۳

۳ - هیچ مانعی ، خداوند را از انجام دادن وعده ها و تهدید های اراده شده اش ، بازنمی دارد .

فعّال لما یرید

ارتباط این آیه با آیه <إنّ بطش ربّک. ..> و <هو الغفور الودود>، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۲

۲ - فراهم ساختنِ آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل ، وعده تخلّف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است .

فسنیسّره للیسری . .. فسنیسّره للعسری ... إنّ علینا للهدی

جمله <إنّ علینا للهدی>، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است; یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام مناسب برخوردشان با هدایت را فراهم می سازیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۷ – ۳

۳ – وعده رهایی تقواپیشگان از آتش دوزخ ، حتمی

و تخلّف ناپذیر است .

سیجنّبها الأتقی

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف>، لام قسم و یا لام ابتدا است; برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

حقانیت وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۹

۹ وعده های خداوند حق و سخنان او راست و تخلّف ناپذیر است .

وعد اللّه حقّاً و من اصدق من اللّه قیلا

حقانیت وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۴

۴ مشرکان مکه به زودی حقانی وعده های عذاب الهی را درخواهند یافت.

علی أن یبعث . .. لکل نبإ مستقر و سوف تعلمون

پس از تهدید مشرکان مکه در آیات قبل به عذاب الهی، گویا از سوی آنان سؤالی مطرح شد که چرا عذاب تحقق نمی یابد. این آیه بدین گونه پاسخ می دهد که وقوع عذاب، حتمی، ولی منوط به زمان مناسب و شرایط خاص است.

حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۶

۶ گذر زمان و حوادث تاریخ همواره تأیید بر حقانیت وعده های قرآن خواهد بود.

لکل نبإ مستقر و سوف تعلمون

جمله <سوف تعلمون> تصریح به این نکته است که همواره در آینده حقانیت وعده های قرآن را نشان

خواهد داد. و چون این جمله همواره صادق است، پس حوادث هر زمان، تأییدی بر حقانیت قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد اللّه حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد اللّه حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

یقولون متی هذا الوعد . .. ألا إن وعد اللّه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۵

۵- پدیدار ساختن اصحاب کهف و پرده برداشتن از راز خواب و بیداری آنان ، زمینه ساز آگاهی مردم بر حقّانیّت وعده های خداوند بود .

و کذلک أعثرنا علیهم لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ

مراد از ضـمیر فاعـل در <لیعلموا> همـان مفعول محـذوفی است که برای <أعثرنا> درنظر گرفته شـده است; یعنی: <أعثرنا الناس لیعلموا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۲

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید

های الهی برای مردمان در قیامت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . و برّزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد اللّه> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامان مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳

۳ - وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا ، وعده ای حق و تخلّف ناپذیر است .

فبشّره بعذاب ألیم . .. لهم جنّت النعیم ... وعد اللّه حقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقّاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلّف ناپذیری آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ - وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۵

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۵

۵ – وعده های خداوند ، حق و تخلف

ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ

۲ - برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

عطف جمله <الساعه. ..> بر جمله <إنّ وعد اللّه حقّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ - صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

برداشت بالا بدان احتمال است که <إنّ وعد اللّه حقّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنّ المسجد الحرام . .. هو الذی أرسل رسوله ... لیظهره علی الدین کلّه

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه; بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

حقانیت وعده های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باورانـد که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است; اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

درخواست تحقق وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و کذّب به قومک . .. قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضـمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل . .. > گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عـذاب واقع شـدنی است بایـد پیـامبر(ص) آن را عملی سازد. بنـابراین جمله <قل لست ... > قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

درخواست تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۲،۴

۲- مسلمانان صدراسلام ، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

در مورد مخاطب <لاتسـتعجلوه> دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان صورت می گرفته و دیگر آنکه مشرکان خواهان شتاب در تحقق وعده های الهی (عذاب، یا غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

۴- مشرکان صدراسلام از سر عناد و از روی استهزا ، خواهان تحقق زودرس وعده های الهی (عذاب ، غلبه اسلام و

قیامت) بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

محتمل است مخاطب <لاتستعجلوه> مشرکانی باشد که خواهان تحقق وعده های الهی بودند، و از آن جایی که معمولاً کسی خواهان پیروزی دشمن و شکست و خذلان خویش نیست، می توان گفت: تعجیل مشرکان برای آمدن عذاب، از سر عناد و تمسخر بوده است.

دلایل تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنَّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

دلایل حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۹

۹- قدرت شکست ناپذیر خدا و صاحب انتقام بودن او ، دلیل تخلف ناپذیری وعده هایش در یاری رسولان و عذاب کردن ستمگران

فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله إن الله عزیز ذو انتقام

جمله <إن الله عزیز ذو انتقام> به منزله تعلیل برای بخش اول آیه (فلاتحسبنّ . ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۵

۱۵- وصول به وعده های الهی و نیل به آن در طول تاریخ ، دلیل دستیابی حتمی بندگان به آن در آخرت

وعد الرحمن . .. إنّه کان وعده مأتیًّا

<کان> در <إنّه کان . ..> بر دیرباز

بودن محتوای جمله و عبارت <إنّه کان...> بر تحقق حتمی موعود در <وعدالرحمن...> دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۴

۴ - ربوبیت یگانه و توانمندانه خداوند بر نظام هستی ، خود گواه تحقق پذیری وعده های او است .

و ما توعدون . فَوَربِّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

از ارتباط میان حقانیتِ وعده های خداوند و سوگند به ربوبیت او، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجّه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

دلایل حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۸

۸ - پرهیز شعورمندان از کلام دروغین ، دلیل راه نداشتن باطل در حریم وعده های خداوند (آفریدگار شعور) *

إنّه لحقّ مثل ما أنّکم تنطقون

تعبیر <مثل أنّکم تنطقون> ممکن است در بیان این معنا آمده باشد که اگر انسان شعورمند، از باطل گریزان است و ارزش را در حقیقت می بیند; پس چگونه ممکن است که سخن پروردگار آدمیان و خالق نطق (شعور)، بی حقیقت و وعده اش تحقق ناپذیر باشد.

ذکر حتمیت وعده های خدا

آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۱۳

۱۳– توجّه به وقوع حتمی وعده های الهی ، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إنّ وعد اللّه حقّ

<إنّ> بیانگر تعلیل است; یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

زمان تحقق وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۸ – ۱۴

۱۴– قیامت ، زمان به وقوع پیوستن وعده های الهی است .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

زمینه تحقق وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۱ – ۷

۷ – علم و قدرت گسترده ، دو پشتوانه مهم تحقّق وعده های الهی

وعدکم اللّه . .. و أخری لم تقدروا علیها و قد أحاط اللّه بها و کان اللّه علی کلّ

از این که خداوند، پس از بشارت های مختلف به مؤمنان، به دو صفت مهم خویش (علم و قدرت فراگیر) اشاره کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۷ – ۹

۹– تحقق وعده های الهی در حق مؤمنان ، منوط به حفظ صلاحیت ایمانی و عملی خویش *

لتدخلنّ . .. إن شاء اللّه

تعبیر <إن شاء اللّه> از سوی خداونـد می تواند بیانگر این واقعیت باشد که اراده او، آن گاه به امور تعلق می گیرد که زمینه و شایستگی کافی برای تحقق یافتن آن، فراهم باشد.

سرزنش مکذبان وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۱

۱ -

توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

سند وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۱

۲۱ تورات ، انجیل و قرآن ، سند وعده های خدا به مجاهدان و شهیدان و مایه اطمینان آنان

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

سوءظن به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۱

۱- گمان تخلف وعده خداوند ، گمانی واهی و نادرست است .

فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

سوگند بر حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنّه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

سوگند بر حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربِّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنّه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس

این احتمال است.

شرایط تحقق وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۷ – ۲

۲ وعده های عذاب خداوند در زمان خود و تحت شرایط خاص تحقق خواهد یافت.

قل هو القادر . .. لکل نبإ مستقر

شک به وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵ – ۳

۳ – انسان ، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إنّما توعدون لصادق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

شک در وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۶ – ۶

۶ – تردید در تحقق وعده های خداوند ، برخاسته از جهل و نادانی است .

لایخلف اللّه وعده و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

صبر بر وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان ، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أتی أمر الله فلاتستعجلوه سبحنه و تعلی عمّا یشرکون

با توجه به اینکه <لاتستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

عقیده به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

- ۲۸ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی ، اعتقاد دارند .

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

مفعول <لا-یعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <و لکنّ أکثر الناس لایعلمون أنّ وعد اللّه حقّ>. مفهوم آن این است که تنها اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی یقین دارند.

عوامل تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ عزت و حکمت الهی ، تضمین کننده تحقق وعده ها و بشارت های او به مؤمنان

أولئک سیرحمهم اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۳ - ۵

۵ ربوبیت الهی ، مقتضی تحقق قطعی وعده های اوست .

قل إی و ربی إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - رحمت وسیع و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده تحقق وعده او ، مبنی بر تأمین نیازمندی های فقیرانی که در صدد ازدواج اند .

إن یکونوا فقراء یغنهم اللّه من فضله و اللّه وسع علیم

جمله <و اللّه واسع علیم> استینافیه تعلیلیه است و بیانگر علت و چگونگی بی نیاز کردن فقیران و تهی دستان به وسیله خدا است; یعنی، چون خداوند گشایش گر و دانای مطلق به همه حقایق و نیازمندی های انسان است، پس بر انجام وعده خود نیز،

توانا خواهد بود.

عوامل تکذیب وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۱ –

۳ – طغیان گری قوم ثمود ، آنان را به تکذیب پیام های الهی کشاند .

کذّبت ثمود بطغویها

حرف <باء> در بطغواها> سببیه است; یعنی، طغیان زمینه ساز تکذیب بود.

عوامل غفلت از وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۱ – ۲

۲ – انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خرّاصون> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

غفلت از وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵ – ۳

۳ – انسان ، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إنّما توعدون لصادق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

فرعون و تخلف وعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۸ – ۷

۷ – فرعون به موسی (ع) اطمینان داد که او و یارانش ، از حضور در میعادگاه تخلف نخواهند ورزید .

موعدًا لانخلفه نحن

فرعونیان و تخلف وعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۸ – ۷

۷ – فرعون به موسی (ع) اطمینان داد که او و یارانش ، از حضور در میعادگاه

تخلف نخواهند ورزید .

موعدًا لانخلفه نحن

فلسفه وعده استغفار به آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۵

۵- حضرت ابراهیم (ع) با وعده استغفار به آزر ، سعی در متمایل ساختن او به توحید و درمان سرسختی او داشت .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

نرمی پاسخ ابراهیم(ع) و وعده استغفار به او، ممکن است به جهت متنبه ساختن و نرم کردن دل او برای دست برداشتن از بت پرستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۸

۱۸ - سخن نرم و خالی از عداوت ابراهیم (ع) به آزر ، در راستای گرایش دادن وی به ایمان *

حتّی تؤمنوا . .. إلاّ قول إبرهیم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: ۱ از تعبیر <لأستغفرنّ>، عطوفت و محبت ابراهیم(ع) نسبت به آزر استفاده می شود ۲ واژه استغفار، تعریض به کجروی گذشته، آزر و زمینه سازی برای گرایش یافتن او به راه درست دارد.

فلسفه وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۰

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبـدوننی. ..> حال برای ضـمایر غایب گذشـته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل

اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

کافران و وعده اصلاح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۸ – ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

کافران و وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۱ – ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

کفر به وعده خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۸ – ۹

۹ ایمان نداشتن به وعده های الهی و قیامت ، منشأ ریاکاری

رئاء النّاس و لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

بدان احتمال که جمله <الذین لا یؤمنون> بیانگر علت و ریشه انفاقهای ریایی باشد.

کمی مؤمنان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی ، اعتقاد دارند .

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <و لکنّ أکثر الناس لایعلمون أنّ وعد اللّه حقّ>.

مفهوم آن این است که تنها اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی یقین دارند.

مشرکان و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۶

۶ بیشتر مشرکان ، نسبت به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و تحقق قطعی وعده های او ، جاهل و ناآگاهند .

ألا إن للّه ما فی السموت . .. ألا إن وعد اللّه حق و لکن أکثرهم لایعلمون

مکذبان حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفًا . .. یقولوا سحاب مرکوم

مکذبان وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و یستعجلونک بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲

۲ – کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی

گيرند .

بل الذين كفروا فى تكذيب

حرف <فى>، ظرفيه و بيانگر غوطهور بودن كافران در تكذيب است. متعلق تكذيب به قرينه <بل هو قرآن مجيد> در آيات بعد قرآن است كه وعده ها و تهديدهايى كه در آيات قبل آمده بود، بخشى از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۱

۱ - قوم ثمود ، پيام هاى الهى را دروغ پنداشته ، پيامبر خدا را تكذيب كردند .

كذّبت ثمود

به قرينه <فقال لهم رسول اللّه> (در آيات بعد)، مراد از تكذيب در جمله <كذّبت ثمود>، تكذيب فرستاده الهى و رسالت هاى او است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۹ - ۱

۱ - گروهى از مردم ، پاداش هاى موعود خداوند را دروغ پنداشته و وعده هاى الهى را تكذيب مى كنند .

و كذّب بالحسنى

منافقان مدينه و وعده پيروزى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۵

۵ - منافقان و بيماردلان مدينه ، وعده خدا و پيامبر را بر پيروزى ، فريب و خدعه اى بيش نمى دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذين فى قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

منافقان مدينه و وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۹

۹ – ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون باللّه الظنونا . ..

و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ

<و إذ يقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

منافقان مدينه و وعده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۹

۹ - ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنّون باللّه الظنونا . .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ

<و إذ يقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

منشأ حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- مقام الوهیت خداوند ، مقتضی تخلف ناپذیری وعده های او

إنّ وعد اللّه حقّ

تصریح به نام <اللّه> در بیان حقانیت معاد، در بردارنـده این پیام است که امکان نـدارد مقامی چون خداونـد، وعده ای دهد که محقق نشود.

منشأ وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۵

۲۵ وعده الهی به شمول رحمتش بر مؤمنان ، نشأت یافته از حکمت اوست نه عجز از افاضه رحمت فعلی .

أولئک سيرحمهم اللّه إن اللّه عزيز حكيم

جمله <إن اللّه . .. > می توانـد تعلیلی برای پرسـش مقـدر باشـد، که چرا خداونـد نزول رحمت به مؤمنان را موکول به آینده کرده است.

موارد تحقق وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۱ – ۶

۶- اصحاب کهف ، نمونه ای از موحّدانی که وعده های خداوند در باره

آنان تحقّق یافته است .

لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ

کسانی که از اصحاب کهف بازدید به عمل آوردند به دلیل ذیل آیه مردمی بودند که ربوبیّت خداوند را پذیرفته بودند. عرضه اصحاب کهف بر این مردم، می تواند به عنوان ارائه نمونه ای عینی از امدادهای موعود خداوند باشد تا مردم، با مشاهده آن ها به حقانیّت وعده های خداوند، پی ببرند.

مؤمنان به وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- اشخاص مؤمن ، وعده الهی در مورد بهشت را علی رغم پنهان بودن آن از دیده ها در دنیا پذیرفته و باور دارند .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب

در این برداشت یاد شده <بالغیب . ..>، حال برای ضمیر محذوف گرفته شده است که به <التی> برمی گردد. در این صورت حرف <با> به معنای ملابست است; یعنی، وعده خدا به بندگان، در مورد بهشت هایی است که از دیده ها پنهان است و آنان گرچه بهشت های عدن را ندیده اند; ولی به آن ایمان دارند. این نحوه بیان، حاوی نوعی تمجید از مؤمنان به وعده الهی می باشد. هم چنین اگر <بالغیب> حال برای <عباده> گرفته شود و مراد غایب بودن بندگان از بهشت های عدن باشد، همین معنا استفاده می شود.

مؤمنان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۱

۱ - دسته ای از مردم ، پاداش های موعود الهی را تصدیق کرده ، برای رسیدن به آن تلاش می کنند .

و

صدّق بالحسنی

مراد از <الحسنی> به قرینه فعل های <صدّق> و <کذّب> پاداش های نیکو و وعده به آنها است; بنابراین مراد از آن، <المثوبه الحسنی> یا <العِدَه الحسنی> و نظایر آن است. جمله <صدّق بالحسنی> بیان یکی از مصداق های <سعی> در آیات پیشین است; از این رو شامل تصدیق عملی نیز می شود.

ناپسندی خلف وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - خلف وعده و قرارشکنی ، عملی زشت و غیرخدا پسندانه

لایخلف اللّه المیعاد

نشانه های بی اعتمادی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۳

۳ - بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نیازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

و أمّا من بخل و استغنی و کذّب بالحسنی

از عطف این آیه بر آیه قبل چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عکس آن برداشت یاد شده استفاده می شود.

نشانه های تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۴

۴ مالکیت مطلق و همه جانبه خداوند بر جهان هستی ، نشان توانمندی او بر تحقق بخشیدن به تمامی وعده های خویش است .

ألا إن للّه ما فی السموت و الأرض ألا إن وعد اللّه حق

نقش وعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۷ – ۵،۶

۵ نقش وعده پاداش و تضمین آن در

ترغیب به عمل

لهم اجرهم عند ربّهم

۶ وعده پاداش به اهل ایمان دارای عمل صالح از روش های قرآن برای ایجاد انگیزه به ایمان و عمل صالح

لهم اجرهم عند ربّهم

نقش وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۸

۸ وعده خداوند بر مخلّد ساختن بهشتیان در بهشت ، مشیّت او را محدود نخواهد ساخت و مانع او در موقت قرار دادن آن نخواهد شد .

خلدین فیها . .. إلاّ ما شاء ربک عطاءً غیر مجذوذ

<عطاءً غیر مجذوذ> حاکی از دوام بهشت و نعمتهای آن و تأکیدی بر <خالدین فیها> است. استثنای <ما شاء ربک> در ضمن بیان خلود و دوام نعمتهای بهشت گویای این نکته است که وعده های خداوند، موجب آن نمی شود که مشیت او مقیّد شود و وی را از این که برخلاف آن عمل کند، ناتوان سازد.

نوح(ع) و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق

وضوح حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۷

۷ - حقانیت وعده های الهی مانند قدرت آدمیان بر نطق ، روشن و انکارناپذیر است .

و ما توعدون . .. إنّه لحقّ مثل ما أنّكم تنطقون

بنابراین که ضمیر <إنّه> به <ما توعدون> بازگردد، تمثیل آیه

شریفه در جهت بیان این معنا است که تحقق وعده های الهی، همان قدر روشن است که سخن گفتن آدمیان و قدرت ایشان بر نطق واضح می باشد.

وعده آبادانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۲

۲ - وعـده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آباد شـدن باغ ها و نهرهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربّکم . .. و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرًا

وعده آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۹،۱۶،۱۴

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسـی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

برداشت یـاد شـده، مبتنی بر این است که جمله <یعبـدوننی. ..> استینـافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبـدیل ترس و اضـطراب به امنیت و آرامش باشد; یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می

گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

وعده آشامیدنیهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۱

۱ – بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

وعده آمرزش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۳۰

۳۰ کفر (شکستن پیمان خدا ، ترک نماز و . . .) پس از دریافت وعده بهشت و آمرزش گناهان ، ضلالت و انحراف است .

لاکفرن عنکم سیاتکم . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک>، جمله <لاکفرن . .. و لادخلنکم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۹ – ۱

۱– وعده قطعی خداوند به بخشش گناه بدکاران ، در صورت روی آوردن آنان به توبه و صلاح

ثمّ إن ربّک للذین عملوا السوء بجهله ثمّ تابوا من بعد ذلک و أصلحوا إن ربّک من بع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۴ – ۱۷

۱۷– وعده خداوند به آمرزش مشرکان ، در صورت بازگشت از شرک

تعلی عمّا یقولون . .. إنه کان حلیمًا غفورًا

ذکر تعلیل <غفور> در پایان جمله، می تواند نویدی باشد بر مشرکان که علی رغم گناه بزرگ و سخنان ناروا درباره خداوند، امکان آمرزش

آنان، وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۹

۹ - یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، در عین وعده او به آمرزش تمامی گناهان بندگان ، امری بی جا و نامعقول است .

لاتقنطوا من رحمه اللّه إنّ اللّه یغفر الذنوب جمیعًا

جمله <إنّ اللّه یغفر الذنوب جمیعاً> به منزله تعلیل برای جمله <لا تقنطوا. ..> می باشد; یعنی، از رحمت خدا مأیوس نشوید; چون او همه گناهان را می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

یغفر لکم من ذنوبکم و یوخّرکم إلی أجل مسمًّی

<أجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمّی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

وعده آمرزش به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ضحی - ۹۳ - ۵ - ۲

۲ - خداوند ، با وعده قطعی به پیامبر (ص) ، درباره بخشش پیاپی به آن حضرت تا حد رضایت کامل در آخرت ، او را تسلا داده و بر دور بودن همیشگی آن حضرت از قهر و خشم خود تأکید کرد .

ما ودّعک . .. و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<لام> در <لسوف>، حرف ابتدا و برای تأکید است.

وعده اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۲

۲ - استجابت دعای بندگان و برآوردن خواسته های آنان ، وعده الهی است .

و قال ربّکم ادعونی أستجب لکم

وعده استغفار به آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۳

۳- حضرت ابراهیم (ع) پس از پایان گفتوگو با آزر ، به او وعده داد که آمرزش گناه شرک او را به زودی از خداوند خواهد خواست .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

ابراهیم(ع) به قرینه <أخاف> در آیات قبل، آزر را مشرکی که قابل بخشش نباشد و به تعبیر برخی آیات <دشمن خدا> نمی دانست; بنابراین به بخشش گناه شرک او امیدوار بود، لذا نه عذاب او را قطعی دانست و نه به او وعده مغفرت حتمی داد، بلکه با اطمینان به مهرورزی خداوند به او، اظهار امیدواری کرد که استغفارش تأثیر بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ - وعده ابراهیم (ع) به پدرش (جد مادری یا عمویش آزر) ، در

مورد استغفار برای او از درگاه خداوند

إلاّ قول إبرهیم لأبیه لأستغفرنّ لک

۱۷ – عدم برقراری رابطه میان ابراهیم (ع) و قوم مشرک او ، مگر در وعده استغفار آن حضرت برای آزر

إذ قالوا لقومهم إنّا برءؤا منکم . .. إلاّ قول إبرهیم لأبیه

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إلاّ>، استثنا از برائت ابدی باشد که از بخش پیشین آیه استفاده می شود.

وعده امداد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۴

۴ وعده الهی به بنی اسرائیل بر نصرت آنان

اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. و قال اللّه انی معکم

در برداشت فوق مخاطب در <معکم>، بنی اسرائیل گرفته شده است، نه خصوص نقبای آنها.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۲

۲ – وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۱۸

۱۸ – وعده تأیید و امداد ، از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام در قبال دشمنانشان

یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنصار اللّه . .. فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم فأصب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۱

۱ - وعـده نـوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یـاری شـدنشان بـا اموال و فرزنـدان از سوی خداونـد ، در صورت ایمـان آوردن و استغفار آنان

استغفروا

ربّكم . .. و يمددكم بأمول و بنين

وعده امداد غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۹

۹ - خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخرى تحبّونها نصر من اللّه و فتح قريب

وعده امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۹،۱۶،۱۴

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . .. و ليبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًا

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . .. و ليبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًا

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . .. و ليبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد; یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

وعده با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٣ - آل

عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲۲

۲۲ خوار نگشتن و رسوا نشدن در قیامت ، با ارزشترین نوید الهی به خردمندان مؤمن

اتنا ما وعدتنا . .. فلا تخزنا ... انّک لا تخلف المیعاد

جمله <انّک . . > پس از جمله <و لا تخزنا>، دلالت می کند که عدم خواری، از وعده های الهی به خردمندان مؤمن است. بنابراین عطف <لا تخزنا> بر <اتنا ما وعدتنا>، عطف خاص بر عام است و دلالت بر اهمیّت برتر معطوف (لا تخزنا) دارد.

وعده باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربّکم . .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سماء>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدراراً> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

وعده بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۲

۲ معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، وعده الهی است .

إلیه مرجعکم جمیعاً وعد اللّه

وعده بازگشت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۰

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إنّا رادّوه إليک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ -

۹ – وعده خدا به مادر موسی ، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

این آیه اشاره به وعـده ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسـی داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند>، (إنّا رادّوه إلیك).

وعده برپایی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۸ – ۵

۵ – وعده وقوع حتمی قیامت ، از سوی مؤمنان به کافران داده شده بود .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

وعده برگزیدگی موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷ – ۱۱

۱۱ – برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی . .. و جاعلوه من المرسلین

وعده به اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۱ – ۶

۶– اصحاب کهف ، نمونه ای از موحّدانی که وعده های خداوند در باره آنان تحقّق یافته است .

لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ

کسانی که از اصحاب کهف بازدید به عمل آوردند به دلیل ذیل آیه مردمی بودند که ربوبیّت خداوند را پذیرفته بودند. عرضه اصحاب کهف بر این مردم، می تواند به عنوان ارائه نمونه ای عینی از امدادهای موعود خداوند باشد تا مردم، با مشاهده آن ها به حقانیّت وعده های خداوند، پی ببرند.

وعده به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱- وعده خداوند

به اسکان انبیا در سرزمین خویش ، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم من أرضنا . . فأوحی إلیهم ... و لنسکننّکم الأر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲،۳،۶،۹

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا . . و قد مکروا مکرهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبنّ> مؤید این ارتباط است.

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذین ظلموا . . و قد مکروا مکرهم ... فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

۶- خنثی و بی نتیجه کردن مکر و ترفند های ستمگران ، وعده خداوند به رسولان خویش

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال . فلاتحسبنّ ال

۹- قدرت شکست ناپذیر خدا و صاحب انتقام بودن او ، دلیل تخلف ناپذیری وعده هایش در یاری رسولان و عذاب کردن ستمگران

فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله إن الله عزیز ذو انتقام

جمله <إن الله عزیز ذو انتقام> به منزله تعلیل برای بخش اول آیه (فلاتحسبنّ . . .) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۲

۲- نابودی دشمنان ، وعده خداوند به پیامبران و مؤمنان

ثمّ صدقنهم الوعد. . و أهلکنا المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۴

۴ – وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر

وعده به انفاقگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۹ – ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم اللّه فی رحمته

وعده به انفاقگران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۲

۲۲ – وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و کلًّا وعد اللّه الحسنی

وعده به اهل تسلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۶ – ۱۱

۱۱– قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

وعده به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

وعده به بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی

خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

وعده به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۶

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان ، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۳

۱۳ تصرف سرزمین فاسقان و دیدن مناظر آن ، وعده ای از جانب خداوند به امت موسی

سأوریکم دار الفسقین

در اینکه مراد از <الفسقین> چه کسانی هستند، سه احتمال وجود دارد: فرعونیان، ساکنان سرزمین قدس پیش از ورود قوم موسی به آنجا، متخلفان قوم موسی برداشت فوق ناظر به احتمال اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۹

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بـدان احتمال است که <وعـد الأخره> اشاره ای باشـد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴)
برای بنی اسرائیل پیش

بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۰ – ۳

۳ – خداوند ، پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، با آنان قرار گفت وگو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

متعلق <واعدناکم> به قرینه <و ما أعجلك عن قومك یا موسی> (در آیات بعد) وعده مناجات و گفت وگو با موسی(ع) بوده است. این مواعده گرچه با همه بنی اسرائیل نبود; اما بازگشت منافع آن (از قبیل نزول تورات) به عموم آنان، سبب شد که از آن به عنوان نعمتی بر همه بنی اسرائیل یاد شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۵،۷

۵ – بنی اسرائیل ، پیش از رفتن موسی (ع) به میقات ، وعده خوبی (نزول تورات) از ناحیه خداوند دریافت کرده بودند .

ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

استفهام تقریری یا انکاری موسی(ع) از بنی اسرائیل، نشان از داده شدن وعده ای به آنان پیش از رفتن موسی(ع) به میقات دارد. محتوای این وعده را، برخی نزول تورات دانسته اند.

۷ – بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم یعدکم ربّکم . .. أفطال علیکم العهد

استفهام در <أفطال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم یعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی(ع) باشد.

وعده به بنی نضیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۱ – ۷

۷ – وعده منافقان مدینه به یهود بنی نضیر ، نسبت به همگامی کامل با آنان در صورت نبرد یا تبعید

الذین نافقوا یقولون . .. لئن أُخرجتم لنخرجنّ معکم ... و إن قوتلتم لننصرنّکم

وعده به بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۳۲

۳۲ ترغیب الهی به تحمّل رنج ها و سختی های راه ایمان ، با وعده بهشت و آمرزش گناه مؤمنان آزاردیده و رنج کشیده

فالّذین هاجروا . .. لاکفّرنّ عنهم سیّئاتهم و لادخلنّهم جنّات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۲

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادی . .. أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

وعده به پدران مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۲

۲ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدّتهم

وعده به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۵،۲۲

۱۵ تردید برخی از مسلمانان نبرد احد در حقّانیّت اسلام و وعده رسول خدا (ص) به پیروزی مسلمانان بر دشمنانشان

و طائفه . .. یقولون هل لنا من الامر من شیء

برخی از مسلمانان گمان

می کردند چون به اسلام گرویده اند و اسلام دین حق و الهی است، باید همه امور بر طبق خواسته آنان پیش رود; ولی آنگاه که شکست خوردند، به تردید افتادند و گفتند گویا اختیار امور به دست ما نیست و در نتیجه اسلام دین حق نیست و وعده های رسول خدا (ص) بی مورد است.

۲۲ انکار حقانیّت رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خودگزینان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه . .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لك

وعده به تائبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۲،۳

۲ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

۳ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَن> در <و من صلح . ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد; یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

وعده به جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۲ – ۲،۳

۲ – تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی ، با پیروزی بر موسی (ع)

و

إنّكم إذًا لمن المقرّبين

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. و إنّكم إذًا لمن المقرّبين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند; ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرّب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وعده به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷ - خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبراکرم (ص)

فیضعفه له و له أجر كريم . يوم ترى المؤمنين و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <ترى>، خطاب به خصوص پیامبراکرم(ص) باشد.

وعده به شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذى كانوا يوعدون

وعده به شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده به شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۷

۲۷ - < عن علی بن الحسین (ع)

انه قرء الآیه < و عـدالله الذین آمنوا منکم . . . > و قال : هم والله شـیعتنا أهل البیت یفعل الله ذالک بهم علی یدی رجل منّا و هو مهدی هذه الاُمّه . . . ;

از حضـرت علی بن الحسـین(ع) روایت شده است که آن حضـرت در پی تلاوت آیه <وعد الله الذی آمنوا منکم. ..> فرمود: سوگند به خدا! آنان شـیعیان ما اهل بیت هسـتند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

وعده به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

وعده به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۶

۶ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلک وعد غیر مکذوب

وعده به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۳،۹،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹،۲۰

۳ – خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و

جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده أکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد; یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد

می پردازند.

۲۰ – عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۶ – ۱۱

۱۱– قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۴۳

۴۳– وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

وعده به فرزندان مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۲

۲ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

وعده به فقرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۲ – ۹

۹ – وعده خداوند به تأمین نیازمندی های فقیران غیر متأهل ، در صورت اقدام آنان به ازدواج

و أنکحوا الأیمی منکم . .. إن یکونوا فقراء یغنهم اللّه من فضله

وعده به قوم نوح

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۴ – ۱

۱ – وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

یغفر لکم من ذنوبکم و یوخّرکم إلی أجل مسمًّی

<أجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمّی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۱ – ۱

۱ – وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربّکم . .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سماء>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدراراً> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۲ – ۲

۲ – وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آباد شدن باغ ها و نهرهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربّکم . .. و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرًا

وعده به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ –

یس - ۳۶ - ۶۳ - ۲،۳

۲ - جهنم ، وعده الهی به مجرمان و کافران است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

۳ - به دوزخ رفتن کافران و مجرمان ، وعده ای که پیوسته به آنان در دنیا ابلاغ شده است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

آمدن فعل مضارع به ویژه با فعل <کنتم> نشانگر استمرار و پیوستگی این وعده الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۴

۴ - عذاب اخروی و شکست دنیوی ، وعده الهی به کافران حق ناپذیر

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

وعده به مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إنّا رادّوه إلیک

۱۱ - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی . .. و جاعلوه من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۹

۹ - وعده خدا به مادر موسی ، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

این آیه اشاره به وعده ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسی داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند>، (إنّا رادّوه إلیک).

وعده به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۴

۴ زندگی

در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف . .. وعد اللّه لایخلف اللّه المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۲

۲ - برآورده شدن تمامی خواسته های تقواپیشگان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

کلمه <عند> برای التزام و وعده به کار می رود; مثل <لک عندی. ..> (برای تو پیش من چنین و چنان است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۱

۱– بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقواپیشگان

الجنّه الّتی وعد المتّقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق –

۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۱

۱ - بهشت وعده أکید خداوند به اهل تقوا

إنّ المتقین فی جنّت و عیون

وعده به متوکلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری متوکلان از عطا و تفضلش

و قالوا حسبنا اللّه سیؤتینا اللّه من فضله

آیه فوق در مقام تعلیم به انسان است و بی تردید آنچه خداوند تعلیم دهد، منطبق با واقعیت می باشد در نتیجه جمله <سیؤتینا> حاکی از عطای الهی به متوکلان است.

وعده به مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۳ – ۴

۴ – امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم . .. و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

وعده به مجاهدان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۲

۲۲ – وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و کلاًّ وعد

اللّه الحسنی

وعده به مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۲،۳

۲ - جهنم ، وعده الهی به مجرمان و کافران است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

۳ - به دوزخ رفتن کافران و مجرمان ، وعده ای که پیوسته به آنان در دنیا ابلاغ شده است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

آمدن فعل مضارع به ویژه با فعل <کنتم> نشانگر استمرار و پیوستگی این وعده الهی است.

وعده به محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنیا> ظرف برای <حسنه> باشد، نه برای <أحسنوا>; چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر. ..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

وعده به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ وعده پیروزی به پیامبر (ص) در برابر موج توطئه ها و تکذیب های شرکورزان عصر بعثت

أو كذب بأيته إنه لا يفلح المجرمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۱۰۹ – ۹

۹ دلجويي خداوند از پيامبر (ص) در برابر مشكلات رسالت و دادن وعده پيروزی به آن حضرت

و اصبر حتى يحكم اللّه و هو خير الحكمين

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۱ – ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۴ – ۲۵

۲۵– خداوند ، پیامبر (ص) را به ارائه آیاتی آموزنده تر از داستان اصحاب کهف ، وعده داد .

و قل عسی أن یهدین ربّی لأقرب من هذا رشدًا

<هذا> می تواند اشاره به بیان سرگذشت اصحاب کهف باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۳ – ۵

۵– خداوند به ارائه مطالبی درباره < ذی القرنین > به وسیله آیاتی از قرآن ، وعده حتمی داد .

قل سأتلوا علیکم منه ذکرًا

ضمیر در <منه> به <ذی القرنین> برمی گردد و <من> برای تبعیض است ; یعنی، بخشی از اخبار و حالات او. مراد از <ذکراً> به قرینه <سأتلوا> آیات قرآن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۹ – ۲

۲ – تداوم نقل اخبار پیامبران و امت های گذشته ، از وعده های خداوند به پیامبر (ص)

كذلك نقصّ عليك من أنباء ما قد سبق

<نقصّ عليك. ..> وعده خداوند به نقل گوشه هايى از تاريخ پيشنيان است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۶

۶ وعده خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اعطای باغ هایی با نهر های روان و قصر ها در قیامت

إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت . .. و یجعل لک قصورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که آیه شریفه، ناظر به جهان آخرت باشد که در این صورت، اعطای باغ ها و قصرها به پیامبر(ص)، وعده خداوند به آن حضرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین . إنّ ربّک یقضی بینهم

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <یقضی بینهم> به معنای <یقضی بین من آمن بالقرآن و بین من کفر

به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۸ – ۱۵

۱۵ – وعده خداوند ، به پیامبر (ص) برای جلوگیری از آزار و اذیت کافران و منافقان به آن حضرت

و دَعْ أذیهم و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۲

۲ – وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۶ – ۵

۵ – خنثی ساختن تبلیغات مکّارانه کافران در برابر قرآن ، وعده تسلّابخش خداوند به پیامبر (ص)

و أکید کیدًا

روی سخن در این آیه به قرینه آیه بعد (فمهّل. ..) با پیامبر(ص) و به منظور اطمینان بخشیدن به آن حضرت است که در درخواست عقوبت سریع برای کافران شتاب نورزد; زیرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۷ – ۳

۳ – وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أکید کیدًا . فمهّل

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمهّل> استفاده شده است; یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه

شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت

ده; زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۲،۱۲

۲ - خداوند ، پیامبر (ص) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد .

سنقرئک

<إقراء>; یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف <سین> در <سنقرئک> برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

۱۲ - خداوند پیامبر (ص) را به داشتن حافظه ای نیرومند و فراموش نکردن آنچه خوانده است ، وعده داد .

سنقرئک فلاتنسی

حذف مفعول از فعل های <نقرء> و <لاتنسی>، ممکن است برای افاده عموم باشد; یعنی، تو را بر قرائت توانا می سازیم و تو خوانده های خویش را، از یاد نخواهی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۸ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) وعده داد که او را به برنامه و شریعتی ساده راهنمایی کرده و بر انجام دادن آن آماده و توانا سازد .

و نیسّرک للیسری

<یسری> وصف برای موصوفی محذوف از قبیل <الطریقه> یا <الشریعه> و به معنای سهل تر و آسان تر است. اسناد فعل <نیسّر> به ضمیر خطاب با آن که در این موارد طبیعی آن است که تعبیر <آسان کردن یسری برای پیامبر(ص)> به کار رود; نه <آسان ساختن پیامبر(ص) برای یسری> بیانگر آن است که خداوند وعده ایجاد تحولات

درونی در شخص پیامبر(ص) را، به آن حضرت داده است که با سهولت پذیرای برنامه الهی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گر او ، وعده داد .

لیطغی . .. ربّک

خطاب در <ربّک>; چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

وعده به مسافران به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - اختصاص غنایم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . .. قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد; چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

وعده به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن

را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

وعده به مسلمانان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۶ – ۴

۴– محبوبیت اجتماعی و ایجاد پایگاه در دل های مردم ، وعده خداوند به مسلمانان رنج کشیده صدراسلام

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

نزول این آیات در مکه و همچنین ارتباط آن با آیات پیشین که حاوی ادعاهای ناروای مشرکان و فشارهای روحی و تبلیغاتی آنان بود چنین اقتضا دارد که جمله <سیجعل . ..>، وعده خداوند به محبوب شدن مؤمنان و یافتن پایگاه مناسب اجتماعی در میان مردمان آن عصر باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۳ – ۹،۶

۶ – خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

۹ – خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۱۸

۱۸ – وعده تأیید و امداد ، از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام در قبال دشمنانشان

یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنصار اللّه . .. فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم فأصب

وعده به مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۹ – ۲

۲ – وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در

آینده

و یقولون متی هذا الوعد

وعده به موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

وعده به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لک منه ذکرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بَایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۹ – ۲

۲ – بلعیده شدن سِحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت .

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان

العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۰،۱۲

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندک>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

۱۲ - فرعونیان پس از گرفتاری به عذاب الهی به موسی (ع) وعده دادند که در صورت رفع عذاب ، ایمان خواهند آورد .

و قالوا یأیّه السحر ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

وعده به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۴

۴ پیروزی بر سپاه مشرکان قریش و یا تسلط بر کاروان تجاری آنان ، وعده خداوند به اهل ایمان

و إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ جبران خسارت های وارده بر مؤمنان ، در نتیجه مبارزه با دشمنان اسلام ، وعده الهی به ایشان

إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام . .. و إن خفتم عیله فسوف یغنیکم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۵

۲۵ وعده الهى به شمول رحمتش بر مؤمنان ، نشأت يافته از حكمت اوست نه عجز از افاضه رحمت فعلى .

أولئك سيرحمهم اللّه إن اللّه عزيز حكيم

جمله <إن اللّه . .. > مى

تواند تعلیلی برای پرسش مقدر باشد، که چرا خداوند نزول رحمت به مؤمنان را موکول به آینده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنین . .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم اللّه فی رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه > و هی النقمه < أوتحلّ قریباً من دارهم > فتحلّ بقوم غیرهم فیرون ذلک و یسمعون به و الذین حلّت بهم عصاه کفار مثلهم و لایتعظ بعضهم ببعض و لن یزالوا کذلک < حتی یأتی وعد الله > الذی وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لایزال . ..> روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله،

همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۴

۱۴- بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

یدخلون الجنّه . .. وعد الرحمن ... إنّه کان وعده مأتیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۲

۲- نابودی دشمنان ، وعده خداوند به پیامبران و مؤمنان

ثمّ صدقنهم الوعد. .. و أهلکنا المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۷

۷- وعده خداوند به نجات مؤمنان از غم و گرفتاری ، در صورت دعای خالصانه آنان

فنادی . .. و کذلک ننجی المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إنّ الذين سبقت لهم منّا الحسنى أولئك عنها مبعدون

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در

باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۳ – ۶

۶– قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۳،۹،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹،۲۰

۳ – خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۹ – خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ – وعده أکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۴ – تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۶ – وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۹ – خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان

دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد; یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲،۳

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

۳ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَن> در <و من صلح . ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد; یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیبر

و أخرى لم

تقدروا عليها

با توجه به اين كه آيه قبل در زمينه غنايم خيبر بوده; واژه <أخرى> در مقايسه با غنايم خيبر به كار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهى به بهره مندى مؤمنانِ نيك كردار ، از مغفرت و پاداشى عظيم

وعد اللّه الذين ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷ - خداوند ، تحقق بخش وعده هاى خود به مردان و زنان مؤمن در قيامت ، در مشهد و منظر پيامبراكرم (ص)

فيضعفه له و له أجر كريم . يوم ترى المؤمنين و المؤمنت

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه واژه <ترى>، خطاب به خصوص پيامبراكرم(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۲۸ - ۶

۶ - دستيابى به دو بهره كافى از رحمت الهى ، وعده خدا به مؤمنانى است كه تقواپيشه كنند و از پيامبراكرم (ص) پيروى كامل نمايند .

يأيّها الذين ءامنوا اتّقوا . .. يؤتكم كفلين من رحمته

<كفل> (مفرد <كفلين>) به معناى حظ و بهره اى است كه كفايت مى كند (مفردات راغب). گفتنى است كه <يؤتكم...> جواب براى شرط مقدر مى باشد و تقدير آن چنين است: <إن تتّقوا و تؤمنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته> (اگر تقوا پيشه كنيد و از رسول او تبعيت كامل نماييد، از رحمت خود به شما دو بهره كافى خواهد داد).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ -

مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۱۷

۱۷ – وعده بهشت از سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولئك . .. يدخلهم جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۳ – ۴

۴ – امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

يغفر لكم . .. و أُخرى تحبّونها نصر من اللّه و فتح قريب

وعده به مؤمنان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۲۸ – ۱۲

۱۲ وعده خداوند به جبران خسارت های مادّی مؤمنان صدر اسلام ، که در نتیجه قطع رابطه با مشرکان متوجه آنان می شد .

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام . .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم اللّه

وعده به مؤمنان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۵

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتى يأتى وعد الله

وعده به مهتدین

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۱ – ۳

۳ – پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

وعده به همسران مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۲

۲ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

وعده بهشت

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۳۰

۳۰ کفر (شکستن پیمان خدا ، ترک نماز و . . .) پس از دریافت وعده بهشت و آمرزش گناهان ، ضلالت و انحراف است .

لاکفرن عنکم سیاتکم . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک>، جمله <لاکفرن . .. و لادخلنکم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنین . .. تحتها الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۱۴

۱۴- بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

یدخلون الجنّه . .. وعد الرحمن ... إنّه کان وعده مأتیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۶ – ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جنّت عدن التى وعد الرحمن . .. و يقول الإنسن أءذا ما متّ

چنانچه دو آيه قبل (<و ما نتنزّل. .. سميًّا>) جملاتى معترضه و بريده از آيات قبل و بعد باشد، آيه مورد

بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف . .. وعد اللّه لایخلف اللّه المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۲،۳

۲ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

۳ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان

ایشان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَن> در <و من صلح . ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد; یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقواپیشگان

الجنّه الّتی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۱

۱ - بهشت وعده أکید خداوند به اهل تقوا

إنّ المتقين فى جنّت و عيون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - وعده بهشت از

سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولئک . .. یدخلهم جنّت

وعده بهشت به متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۱

۱ بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقواپیشگان

مثل الجنه التی وعد المتقون

وعده بهشت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۴

۴- خداوند به بندگان خویش ، وعده ورود به بهشت های عدن داده است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده

وعده پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۴ – ۵

۵ نقش وعده به پاداش و تضمین آن ، در ترغیب به عمل خیر

فلهم اجرهم عند ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۱ – ۶

۶ وعده پاداش و تضمین آن ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و عمل

انّ اللّه لا يضيع اجر المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۷

۲۷ وعده و تضمين پاداش ، از روش هاى قرآن براى تشويق به ايمان و تقوا

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلكم اجر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۲،۲۳

۲۲ نويد پاداش و تضمين آن ، پرتوى از ربوبيّت الهى نسبت به مؤمنان

لهم اجرهم عند ربّهم

۲۳ وعده و تضمين اجر و پاداش ، از روش هاى قرآن براى دعوت مردم به اسلام و ايمان به قرآن

اولئك

لهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ وعده پاداش ، از روش های قرآن برای برانگیختن مردم به نیکوکاری

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إنّ المنفقین فی الدرک . .. و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ – وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۲

۲۲ – وعده پاداش از سوی خداوند ،

به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و كلاًّ وعد اللّه الحسنى

وعده پاداش اخروى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۲ – ۶

۶ – برپايى قيامت و كيفر و پاداش آن روز ، وعده الهى به همگان

حتّى يلقوا يومهم الذى يوعدون

وعده پاداش عمل خير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۸ – ۶

۶ – ترغيب به كار خير و وعده پاداش به آن ، مقدّم بر تهديد در امر تربيت

فمن يعمل مثقال ذرّه خيرًا يره . و من يعمل مثقال ذرّه شرًّا يره

وعده پاداش مادى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۱۰ – ۱۶

۱۶– تشويق مردم با وعده به پاداش مادى و معنوى ، از روش هاى انبيا در هدايت

يدعوكم ليغفر لكم . .. و يؤخّركم إلى أجل مسمًّى

پاداش مادى از طول عمر و پاداش معنوى از آمرزش، قابل استفاده است.

وعده پاداش معنوى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۰ – ۱۶

۱۶– تشویق مردم با وعده به پاداش مادی و معنوی ، از روش های انبیا در هدایت

یدعوکم لیغفر لکم . .. و یؤخّرکم إلی أجل مسمًّی

پاداش مادی از طول عمر و پاداش معنوی از آمرزش، قابل استفاده است.

وعده پاداش نیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۶ – ۲

۲ – پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدّق بالحسنی

کلمه <حسنی> یا مصدر است

(مانند <رجعی>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت; بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنی> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

وعده پاداش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنیا> ظرف برای <حسنه> باشد، نه برای <أحسنوا>; چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر. ..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲،۳

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبنّ> مؤید این ارتباط است.

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر

(ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتی یحکم اللّه و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴،۶

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم . .. و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

۶ - خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

وعده پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

وعده پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر

آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجالاً .. ثمّ صدقنهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

وعده پیروزی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱۰

۱۰- پیروزی بر مشرکان ، وعده خداوند به پیامبراسلام (ص)

ثمّ صدقنهم الوعد

آیه شریفه در مقام دلداری به پیامبراسلام است و خداوند با بیان جریان عمومی (وعده پیروزی همه پیامبران)، در واقع به آن حضرت نیز وعده پیروزی می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إذا جاء نصر اللّه و الفتح

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقاییس اللغه>) حرف <إذا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

وعده پیروزی به مسلمانان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّغرورًا

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذين فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

وعده پیروزی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ -

۱۶ - وعده خداوند به موسی (ع) در مورد برتری و غلبه او در میدان مبارزه با ساحران ، به بهترین شکل تحقق یافت .

إنّک أنت الأعلی . .. فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا

وعده پیروزی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه للّه جمیعاً

وعده پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

وعده پیروزی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت

بشر در زمين ، وعده أكيد خداوند

وعد اللّه الذين ءامنوا

منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده پیروزی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۲

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

وعده پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

وعده پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

وعده پیروزی موسی(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۲

۲ - موسی (ع) ، برخوردار از اعتمادی قوی به وعده های خداوند در پیروزی بر مخالفان

قال بل ألقوا

در آیات پیشین، خداوند به موسی(ع) اطمینان داد که بر رخدادها، اِشراف کامل دارد و جای نگرانی نیست (لاتخافا إنّنی معکما أسمع و أری). واگذار کردن صحنه کارزار به دشمنان و به تماشا نشستن موسی(ع) حاکی از اعتماد کامل او به آن وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷ - شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من اتّبعکما الغلبون

وعده پیروزی مومنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأَوريكم ءايتى . .. و يقولون متى هذا الوعد

برداشت يادشده مبتنى براين است كه مقصود از <وعد> دراين آيه، غلبه مؤمنان و شكست كافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پيامبران و مؤمنان از

دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجالاً .. ثمّ صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۴

۴ – شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۵ – ۱

۱ – وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

وعده پیروزی هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۵ – ۷

۷ – شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من اتّبعکما الغلبون

وعده تأمین فقرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۲ – ۱۶

۱۶ – رحمت وسیع و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده تحقق وعده او ، مبنی بر تأمین نیازمندی های فقیرانی که در صدد ازدواج اند .

إن یکونوا فقراء یغنهم اللّه من فضله و اللّه وسع علیم

جمله <و اللّه واسع علیم> استینـافیه تعلیلیه است و بیـانگر علت و چگونگی بی نیاز کردن فقیران و تهی دسـتان به وسـیله خـدا است; یعنی، چون خداوند گشایش گر و دانای مطلق به همه

حقایق و نیازمندی های انسان است، پس بر انجام وعده خود نیز، توانا خواهد بود.

وعده تثبیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده أکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

وعده تملک سرزمین های ناشناخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۳

۳ - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

وعده جایگزینی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۷،۹

۷ - وعده خداوند به جایگزین ساختن برای اموالی که انفاق می شود .

و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه

۹ - بهترین روزی رسان بودن

خداوند ، تضمین کننده وعده جایگزین ساختن برای مال انفاق شده

و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرزقین

وعده حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

وعده حکمت به محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

۸ -

اعطای دانش و حکمت ، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و کذلک نجزی المحسنین

وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۰

۱۰ وعده الهی به آمرزش و رحمت استغفارکنندگان

و استغفروا اللّه ان اللّه غفور رحیم

گر چه آیه مزبور درباره کوچ از مَشعر و عرفات است ; ولی تعلیل <ان اللّه غفور رحیم>، عام است. بنابراین وعده رحمت و آمرزش، به مطلق استغفارکنندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۷

۱۷ وعده الهی به مؤمنان نسبت به برتری آنان در قیامت ، عامل تسلّی و مقاومت آنان در برابر استهزای کافران

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

به نظر می رسد جمله <و الذین اتّقوا . ..>، پس از عنوان کردن تمسخر تقواپیشگان از سوی کافران، به منظور تسلّی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۲،۱۳

۱۲ وعده الهی به نصرت پیامبران و مؤمنان

متی نصر اللّه الا انّ نصر اللّه قریب

۱۳ زمان یاری و امداد الهی به مؤمنان صبور و مقاوم در برابر گرفتاری ها ، نزدیک است .

الا انّ نصر اللّه قریب

به قرینه جملات سابق (مستهم البأساء . ..) به دست می آید که زمان نصرت الهی به مؤمنان صبور نزدیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۷

۷ خداوند ترغیب کننده آدمی به انفاق ، با وعده آمرزش گناهان و فزونی رزق

و اللّه یعدکم مغفره منه و فضلا

کلمه <فضلا>

به قرینه مقابله آن با وسوسه شیطان بر تهیدستی، به معنای فزونی در رزق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۱ – ۱

۱ وعده الهی به القای رعب و هراس در دل های کفرپیشگان

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۲ – ۱،۳،۹

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله <و لقد صدقکم اللّه وعده>، حاکی از این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم اللّه> است ; یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتّحاد صفوف ، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقکم اللّه وعده . .. حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۴ – ۱۷،۲۲،۲۷

۱۷ شکست ها و حوادث ناگوار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه در مورد حقّانیّت پیامبر (ص) و وعده های خدا به پیروزی آنان

طائفه . ..

يقولون هل لنا من الامر من شیء

۲۲ انکـار حقـانیّت رسول خـدا (ص) و نـادرست پنداشـتن وعـده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خودگزینان شـرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه . .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

۲۷ پندار های جاهلانه نسبت به خداوند ، منشأ تردید در حقّانیّت اسلام و وعده های خدا و رسول (ص)

یظنّون باللّه غیر الحقّ . .. یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۲،۶

۲ وعده خداوند به دریافت کامل سزای اعمال در روز قیامت

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

<توفّون>، از مصدر <توفیه>، به معنای دریافت کامل و تمام است.

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص) ، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان کذّبوک . .. و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

از مصـادیق مورد نظر برای <و انّمـا توفّون اجورکم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسـلی و دلـداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲،۴،۱۹،۲۰،۲۱

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۴ وفای خداوند به وعده های خویش ، جلوه ای از ربوبیّت او

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۱۹ نقش دعا در تحقق وعده های الهی و رهایی از خذلان در آخرت

ربّنا و

اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

اگر دعا در تحقق وعده های الهی تأثیر نداشت، خداوند آن را به عنوان ویژگی مؤمنان خردمند نقل نمی کرد.

۲۰ ایمان ، زمینه تحقق نوید های الهی به خردمندان و رهایی از خواری و خذلان اخروی

فامنّا ربّنا . .. ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

با توجّه به اینکه <اتنا> عطف است بر <اغفر لنا>، در جمله <فامنّا ربّنا فاغفرلنا>، معلوم می شود که خردمندان انتظار برآورده شدن دعا و خواست خویش را، بر ایمانشان به ربوبیّت خداوند مترتب ساختند.

۲۱ خداوند ، هرگز از وعده های خویش تخلف نمی کند .

انّک لا تخلف المیعاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۶

۶ تضمین تحقق وعده های الهی به خردمندان مؤمن و تضمین رهایی آنان از خواری در قیامت

ربّنا اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه . .. فاستجاب لهم ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۵ – ۱۴،۱۵

۱۴ نوید خداوند به نسخ کیفر زنا (حبس ابد)

و الّتی یأتین الفاحشه . .. فامسکوهنّ ... او یجعل اللّه لهنّ سبیلاً

۱۵ وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند .

حتّی یتوفّیهنّ الموت او یجعل اللّه لهُنّ سبیلا

جمله <او یجعل اللّه . .. >، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد ; و لام در <لهنّ>، مشعر به این است که آن

کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۱

۱ وعده الهی به پذیرش توبه گنهکاران

انّما التّوبه علی اللّه للّذین یعملون السّوء بجهاله ثمّ یتوبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۸

۸ وعده خداوند به مصونیت جامعه ایمانی از آسیب مشرکان مکّه در صورت شرکت مسلمانان در جنگ بدر (بدر صغرا)

فقاتل . .. و حرّض المؤمنین عسی اللّه ان یکفّ بأس الّذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۵،۶

۵ وعده خداوند به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ

۶ وعده خداوند به بیان و تلاوت آیاتی از قرآن ، درباره احکام زنان یتیم

قل اللّه یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب فی یتمی النساء

در برداشت فوق، <مایتلی>، بر ضـمیر <فیهن> عطف شده است و اضافه <یتمی> به <النساء>، اضافه صفت به موصوف است، یعنی زنانی که یتیم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۳،۵

۳ وعده خداوند به رفع نیاز مرد و زن ، در صورت وقوع طلاق از روی ناچاری

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته

۵ توجه به وعده الهی در مورد رفع نیاز ها ، برطرف کننده نگرانی های برخاسته از طلاق های ناگزیر

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

- ۴ - ۱۳۱ - ۳

۳ مالکیت خداوند بر هستی ، پشتوانه وفای او به وعده های خویش

یغن اللّه کلا . .. و للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله <و لله ما فی السموت . ..>، تعلیل جمله <یغن اللّه کلا من سعته> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری مؤمنان ، از پاداشی بس بزرگ

و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۵

۵ ایمان دارندگان به خدا و تمامی انبیا ، مورد وعده الهی به برخورداری از پاداش های فراوان

و الذین ءامنوا باللّه و رسله . .. أولئك سوف یؤتیهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۱

۱ وعده الهی به مؤمنان دارای عمل صالح ، به آمرزش و پاداش بزرگ

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۴

۴ وعده الهی به بنی اسرائیل بر نصرت آنان

اخذ اللّه میثق بنی اسرءیل . .. و قال اللّه انی معکم

در برداشت فوق مخاطب در <معکم>، بنی اسرائیل گرفته شده است، نه خصوص نقبای آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱

۱ وعده حتمی خداوند به آمرزش تمامی گناهان گذشته اهل کتاب در صورت ایمان به خدا ، پیامبر

(ص) ، همه کتب آسمانی و پرهیز از گناهان

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

بـا توجه به آیه ۵۹ (هـل تنقمون منـا الاـ ان ءامنـا باللّه و ما انزل الینا و ما انزل من قبل) و نیز آیه ۶۱ (و اذا جـاءوکم قالوا ءامنا)، معلوم می شود مراد از ایمان در <ءامنوا> ایمان به خدا، قرآن، همه کتب آسمانی و ایمان به پیامبر اکرم(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۵

۵ وعده ها و وعید های خداوند ، برخاسته از ربوبیت او و برای رشد و تربیت انسانهاست .

قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۴

۴ استجابت دعای موسی در رفع عذاب از فرعونیان از وعده های خداوند به موسی (ع)

ادع لنا ربک بما عهد عندك

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <عهـد خـدا با موسـی> اسـتجابت دعای وی در خصوص برطرف شدن عذاب از فرعونیان باشد، نه مطلق دعاهای وی. آنان با تجربه های گذشته و یا گفته خود موسی(ع) فهمیده بودند که خداوند به او وعده داده که اگر برای رفع عذاب از فرعونیان دعا کند، دعایش پذیرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۶

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان ، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت کلمت

ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۳

۳ سخن گفتن خدا با موسی (ع) ، از وعده های الهی به وی در هنگام دعوتش برای مناجات

و لما جاء موسی لمیقتنا و کلمه ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۳

۱۳ تصرف سرزمین فاسقان و دیدن مناظر آن ، وعده ای از جانب خداوند به امت موسی

سأوریکم دار الفسقین

در اینکه مراد از <الفسقین> چه کسانی هستند، سه احتمال وجود دارد: فرعونیان، ساکنان سرزمین قدس پیش از ورود قوم موسی به آنجا، متخلفان قوم موسی برداشت فوق ناظر به احتمال اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت . .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۴

۴ پیروزی بر سپاه مشرکان قریش و یا تسلط بر کاروان تجاری آنان ، وعده خداوند به اهل ایمان

و إذ يعدكم اللّه إحدى الطائفتين

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۲ – ۵

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۱ – ۱۰

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم و اللّه علیم حکیم

وعده خدا به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۵ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

<أمَد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به قرینه <قریب> مدت طولانی است.

وعده خلافت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱،۲

۱ – خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده أکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا

چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲

عـده ای دیگر آن را نیـابت و جانشـینی اقوام هلاـکت شـده و یـا شـکست خورده می شـمرند که با هلاکت و یا شـکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ – خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده خلافت مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱،۲

۱ – خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده أکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

<خلاـفت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شـریفه، از طرف چه کسـی و یا چه کسانی است، میان مفسـران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشـینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیـابت و جانشـینی اقوام هلاـکت شـده و یـا شـکست خورده می شـمرند که بـا هلاـکت و یا شـکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ – خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده در هدایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۶

۶ – استفاده از

وعده و وعید و هشدار و تشویق ، روش قرآن برای هدایت مردم است .

هدًی . .. فبشّره بعذاب ... لهم جنّت النعیم

گوشـزد کردن فرجام مؤمنان، پس از یادآوری عـذاب معرضان از آیات خـدا، شـیوه ای است که در آن، برای شـنونده امیـد و ترس ایجاد می شود و چنین حالتی شخص را در حالت اعتدال نگه می دارد.

وعده رحمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۹ – ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم اللّه فی رحمته

وعده رفع اضطراب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱۶

۱۶ – وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًا

وعده رفع ترس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱۶

۱۶ – وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًا

وعده شکر گزاری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۱۴

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و

ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا اللّه مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من ال

وعده شکست دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۴

۴ - عذاب اخروی و شکست دنیوی ، وعده الهی به کافران حق ناپذیر

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

وعده شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

وعده شکست فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۵ – ۷

۷ – شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من اتّبعکما الغلبون

وعده شکست کافران

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۴

۴ – شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده شکست کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۸ – ۱

۱– هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده شکست مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۴ – ۲

۲ – پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۸ – ۲

۲ – پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّى حين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهى ، به فروپاشى جماعت مشركان و ناپايدارى آنان در برابر جبهه ايمان

سيهزم الجمع و يولّون الدّبر

وعده شيطان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۰ – ۱،۲،۳،۵

۱ وعده های دروغین و ایجاد آرزو های موهوم ، از روش های شیطان برای گمراه ساختن مردم

و لاضلنهم . .. یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطن الا غروراً

۲ وعده های شیطان ، جز دروغ و فریب نیست .

یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطن الا غروراً

۳ وعده های دروغین شیطان ، زمینه برانگیختن آرزو های پوچ در انسان

یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطن الا غروراً

۵ دلخوشی به وعده ها و آرزو های شیطانی ، زیانی آشکار

فقد خسر خسراناً مبیناً. یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطن الا غروراً

جمله <یعدهم و یمنیهم> دلیل برای جمله <فقد خسر خسراناً مبیناً> است.

وعده عذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۱ – ۴

۴ گناهی که وعده عذاب دوزخ در پی داشته باشد ، کبیره است . *

سوف نصلیه ناراً . .. ان تجتنبوا کبائر

مؤیّد برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: الکبائر، التی اوجب اللّه عزّ و جل علیها النار.

کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۷.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۷

۷ مشرکان و منکران رسالت پیامبر(ص)، خواهان تحقق زودرس وعده های آن حضرت در مورد نزول عذاب بودند.

و کذبتم به به ما عندی ما تستعجلون به

در آیات متعددی، مانند آیه ۶، ۹ و ۱۱ سوره انعام، به کافران وعده عذاب و کیفر دنیوی داده شده است.

لذا ممکن است مراد از <ما تستعجلون> نزول عذاب باشد که کافران از سر انکار و تمسخر خواهان نزول سریع آن بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۷ – ۳

۳ نزول عذاب، امری قانونمند و دارای ضوابط و زمینه های مشخص است.

علی أن یبعث علیکم عذابا . .. لکل نبإ مستقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۹ – ۱

۱ نوح (ع) ، به کفرپیشگان قومش اعلام کرد که به عذاب دنیوی و اخروی ، گرفتار خواهند شد .

فسوف تعلمون من یأتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

با توجه به تکرار کلمه <عذاب> و توصیف عذاب دوم به همیشگی بودن، می توان گفت: مراد از <عذاب یخزیه>، عذاب دنیوی و مقصود از <عذاب مقیم>، آتش دوزخ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۹ – ۹

۹ – لوط (ع) ، قوم اش را به خاطر ارتکاب عمل لواط ، راهزنی و ارتکاب علنی منکر ، به عذاب الهی وعده داد .

أئنّکم لتأتون الرجال . .. فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا ائتنا بعذاب اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱ – ۲

۲ – وعده خداوند ، به عذاب شدن کافرانِ حق ناپذیر در عصر بعثت

سأل سائل بعذاب واقع

وعده عذاب اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۴ – ۴

۴ – عذاب اخروی و شکست دنیوی

، وعده الهی به کافران حق ناپذیر

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

وعده عذاب به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۹ – ۱۳

۱۳– آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم . .. مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح ... ألم

وعده عذاب به مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۵ – ۵

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

یقولون متی هذا الوعد . .. ألا إن وعد اللّه حق

وعده عذاب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۲ – ۵

۵ – آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول علیهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

وعده علم به محسنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

۸ - اعطای دانش و حکمت ، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و کذلک نجزی المحسنین

وعده عمر طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن

آنان

يغفر لكم من ذنوبكم و يوخّركم إلى أجل مسمًّى

<أجل> به معناى پايان زندگى و نهايت زمان عمر آدمى و <مسمّى> به معناى معين و مشخص است. مقصود از تأخير اجل مسمى، نازل نشدن عذاب الهى و تداوم زندگى تا فرارسيدن مرگ مقدر الهى است كه هر انسانى، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

وعده غنايم غزوه خيبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - اختصاص غنايم خيبر به شركت كنندگان سفر حديبيه ، براساس وعده قبلى خداوند *

إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها . .. قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است كه آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنايم، به حاضران صلح حديبيه باشد; چه اين كه اين نكته از نظر تاريخى نيز تأييد شده است.

وعده غنيمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهى به مسلمانان ، در دستيابى به فتح خيبر و غنايم آن ، پس از صلح حديبيه

سيقول المخلّفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعكم

آيه شريفه، در زمينه جنگ خيبر است و خداوند از حركت مسلمانان به اين جنگ به عنوان حركت به سوى غنايم ياد كرده است. از اين نكته استفاده مى شود كه خداوند به طور ضمنى، نويد فتح خيبر و غنايم آن را به جبران مشكلات سفر حديبيه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه

بر غنایم خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیبر بوده; واژه <أخری> در مقایسه با غنایم خیبر به کار رفته است.

وعده فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۷

۷ - وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحنا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۹

۹ - خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

وعده قبول توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۲

۲ پذیرش توبه بندگان ، وعده حتمی خدا به آنان

ألم یعلموا أن اللّه هو یقبل التوبه عن عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۱ – ۴

۴ – پذیرش توبه گنه کاران ، وعده اکید خدا به آنان

إلّا من ظلم ثمّ بدّل حسنًا . .. فإنّی غفور رحیم

وعده قبول عمل صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۶ – ۱۱

۱۱– قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

وعده قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۸ – ۲

۲– برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۱

۱– تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

و اقترب الوعد الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۳ – ۶

۶– قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۴ – ۸

۸– برپایی قیامت با آفرینش و سازماندهی دوباره جهان ، وعده قطعی خداوند است .

وعدًا علینا إنّا کنّا فعلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لقد وعدنا هذا . .. إن هذا إلّا أسطير الأوّلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۲

۲ - وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در آینده

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس

- ۳۶ - ۴۸ - ۴

۴ - برپایی قیامت ، وعده ای الهی به انسان ها است .

متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مکرر خداوند به خلق

یومهم الذی یوعدون

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۳

۳ - وعده برپایی حتمی قیامت ، از پیام ها و هشدار های مهم خداوند به انسان ها

ءایتی تتلی علیکم . .. و إذا قیل إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه

از این که خداوند، پس از بیان کلی <آیاتی تتلی علیکم> صرفاً به مسأله معاد به عنوان یکی از آن آیات تصریح کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۳

۳ – برپایی قیامت ، وعده اعلام شده خداوند به انسان ها

و یقولون متی هذا الوعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۲ – ۶

۶ – برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۲

۲ - قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لوقع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، به مردم وقوع قیامت را وعده داده است .

و الیوم الموعود

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از <الیوم الموعود> قیامت است.

وعده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

وعده کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

وعده کیفر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

وعده کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلّای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشدید

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

وعده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۷

۲۷ پندار های جاهلانه نسبت به خداوند ، منشأ تردید در حقّانیّت اسلام و وعده های خدا و رسول (ص)

یظنّون باللّه غیر الحقّ . .. یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

وعده مصونیت از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

یغفر لکم من ذنوبکم و یوخّرکم إلی أجل مسمًّی

<أجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمّی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

وعده معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۲

۲ معاد و بازگشت انسان ها به سوی

خدا ، وعده الهی است .

إليه مرجعكم جميعاً وعد اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۵ – ۳

۳ – وعده معاد و حیات دوباره انسان ها در قیامت ، یکی دیگر از مهم ترین پیام های پیامبر جامعه پس از نوح

أيعدكم . .. و كنتم ترابًا و عظمًا انّكم مخرجون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۱۸

۱۸– وعده ادیان الهی به معاد ، وعده ای پیشینه دار و پرسابقه در تاریخ بشر

أتعداننى أن أُخرج . .. فيقول ما هذا إلّا أسطير الأوّلين

تعبیر <الأولین>، نشان می دهد که مسأله معاد در میان جوامع بشری، از دیر زمان مطرح بوده است.

وعده معجزه به مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۷

۷ وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و يقولون لو لا أنزل عليه ءايه من ربه فقل إنما الغيب للّه فانتظروا

وعده مقابله به مثل به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۷ – ۳

۳ – وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای

آنان

و أكيد كيدًا . فمهّل

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمهّل> استفاده شده است; یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده; زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود

ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

وعده میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

وعده نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱

۱۱ - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی . .. و جاعلوه من المرسلین

وعده نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إنّ الذين سبقت لهم منّا الحسنى أولئك عنها مبعدون

<الحسـنی> مؤنث <أحسن> و صـفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان

راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده رهایی تقواپیشگان از آتش دوزخ ، حتمی و تخلّف ناپذیر است .

سیجنّبها الأتقی

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سیجنّبها الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

وعده نجات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱،۳

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلک رجالاً. .. ثمّ صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء

۳- خداوند ، به وعده خویش مبنی بر نجات پیامبران و مؤمنان و هلاکت دشمنان ، عمل کرد .

ثمّ صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء و أهلکنا المسرفین

<صدق> (مصدر <صدقنا>) در دو چیز استعمال می شود: ۱ در اعتقاد است، که دراین صورت به معنای اعتقاد مطابق با واقع خواهد بود. ۲ در جوارح و افعال انسان، که در این صورت به معنای انجام دادن کار به طور شایسته و بایسته خواهد بود. (مفردات راغب). در آیه بالاـ معنای دوم منظور است. گفتنی است ماده <صدق> در مواردی به دو مفعول متعدی می شود که این آیه یکی از آن موارد است.

وعده نجات به انفاقگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۸ – ۵

۵ – دوری از آتش دوزخ ،

وعده خداوند به اهل زكات و انفاق

و سيجنّبها الأتقى . الذى يؤتى ماله يتزكّى

وعده نجات به مؤديان زكات

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – ليل – ۹۲ – ۱۸ – ۵

۵ – دورى از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زكات و انفاق

و سيجنّبها الأتقى . الذى يؤتى ماله يتزكّى

وعده نجات خانواده نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۵ – ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده هاى خويش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنى من أهلى و إن وعدك الحق

وعده نجات مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۹ – ۱،۳

۱– نجات پيامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پيروزى بر آنان ، وعده خداوند به ايشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجالاً .. ثمّ صدقنهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

۳– خداوند ، به وعده خويش مبنى بر نجات پيامبران و مؤمنان و هلاكت دشمنان ، عمل كرد .

ثمّ صدقنهم الوعد فأنجينهم و من نشاء و أهلكنا المسرفين

<صـدق> (مصدر <صدقنا>) در دو چیز اسـتعمال می شود: ۱ در اعتقـاد است، که دراین صورت به معنـای اعتقاد مطابق با واقع خواهد بود. ۲ در جوارح و افعال انسان، که در این صورت به معنای انجام دادن کار به طور شایسـته و بایسـته خواهد بود. (مفردات راغب). در آیه بالاـ معنـای دوم منظور است. گفتنی است ماده <صـدق> در مواردی به دو مفعول متعـدی می شود که این

آیه یکی از آن موارد است.

وعده نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون . .. یقولون سبحن ربّنا إن کان

وعده نزول قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، در آغاز رسالت پیامبر (ص) ، آن حضرت را به نزول آیاتی خواندنی (قرآن) وعده داد .

اقرأ

مشهور این است که سوره <علق> یا <پنج آیه نخست آن>، اولین آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل گردید. تعبیر <اقرء> در سر آغاز وحی، شروع مناسبی است که در خود دو نکته دارد: ۱. پس از این مطالبی به پیامبر نازل خواهد شد; ۲. آن مطالب خواندنی خواهد بود، نه این که به دانستن آن بسنده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

وعده نصرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۴

۴ – وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر

و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم . .. و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

وعده نصرت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إذا جاء نصر اللّه و الفتح

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقاییس اللغه>) حرف <إذا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

وعده نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن . .. و یقول الإنسن أءذا ما متّ

چنانچه دو آیه قبل)< و ما نتنزّل. .. سمیًّا>) جملاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

وعده نیکو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص

- ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳ - پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

وعده های ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱،۶

۱ وعده ابراهیم (ع) به پدرش ، مبنی بر استغفار برای وی

و ما کان استغفار إبرهیم لأبیه إلا عن موعده وعدها

۶ وعده ابراهیم (ع) به استغفار برای پدرش ، قبل از یقین به بقای وی بر شرک و به امید متمایل ساختن او به ایمان بود .

إلا عن موعده . .. فلما تبین له أنه عدو للّه تبرأ منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۳،۵

۳- حضرت ابراهیم (ع) پس از پایان گفتوگو با آزر ، به او وعده داد که آمرزش گناه شرک او را به زودی از خداوند خواهد خواست .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

ابراهیم(ع) به قرینه <أخاف> در آیات قبل، آزر را مشرکی که قابل بخشش نباشد و به تعبیر برخی آیات <دشمن خدا> نمی دانست؛ بنابراین به بخشش گناه شرک او امیدوار بود، لذا نه عذاب او را قطعی دانست و نه به او وعده مغفرت حتمی داد، بلکه با اطمینان به مهرورزی خداوند به او، اظهار امیدواری کرد که استغفارش تأثیر بخشد.

۵- حضرت ابراهیم (ع) با وعده استغفار به آزر ، سعی در متمایل ساختن او به توحید و درمان سرسختی او داشت .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

نرمی پاسخ ابراهیم(ع) و وعده استغفار به او، ممکن است به جهت

متنبه ساختن و نرم کردن دل او برای دست برداشتن از بت پرستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ - وعده ابراهیم (ع) به پدرش (جد مادری یا عمویش آزر) ، در مورد استغفار برای او از درگاه خداوند

إلّا قول إبرهیم لأبیه لأستغفرنّ لک

۱۷ - عدم برقراری رابطه میان ابراهیم (ع) و قوم مشرک او ، مگر در وعده استغفار آن حضرت برای آزر

إذ قالوا لقومهم إنّا برءؤا منکم . .. إلّا قول إبرهیم لأبیه

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إلّا>، استثنا از برائت ابدی باشد که از بخش پیشین آیه استفاده می شود.

وعده های اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۶

۱۶ - وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

وعده های الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۸

۸ وعده الهی به نزول پنجهزار فرشته برای یاری رزمندگان بدر و یا احد و یا حمراءالاسد ، در صورت صابر بودن و تقوا داشتن

ان تصبروا و تتّقوا . .. یمددکم ربّکم بخسمه الاف من الملئکه

برخی مفسّران به قرینه جمله <یأتوکم من فورهم هذا>، آیه مورد بحث را درباره قضیه حمراءالاسد دانسته اند که مشرکان
پس از غلبه در احد و انصراف از معرکه، پشیمان شدند و تصمیم بر یورش به مدینه

را داشتند که پیامبر(ص) پس از دریافت این خبر، مسلمانان را برای رویارویی با آنان فراخواند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۵ – ۱۰

۱۰ اصرارکنندگان بر گناه ، محروم از وعده الهی به آمرزش گناهانشان

و الّذین اذا فعلوا فاحشه . .. و من یغفر الذّنوب الّا اللّه و لم یصرّوا علی ما فع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۴ – ۱۸

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سیجزی اللّه الشّاکرین

وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۵ – ۶

۶ وعده الهی به پاداش انفاق کنندگان برای کسب رضایت خداوند

مثل الّذین ینفقون . .. فاتت اُکُلها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۴ – ۴

۴ وعده الهی بر پاداش اهل انفاق ، بر انگیزنده آدمی به آن

فلهم اجرهم عند ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹ – ۱،۱۰

۱ اذعان عالمان ژرفنگر ، به وقوع قیامت ، بر اساس وعده الهی

و الراسخون فی العلم . .. ربّنا انّک جامع النّاس لیوم لا ریب فیه انّ اللّه لایخلف

۱۰ وعده خداوند ، تخلف ناپذیر است .

انّ اللّه لا یخلف المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۲

۲ پیروزی ایمان بر کفر ، از وعده های الهی

قل للّذین کفروا

ستغلبون و تحشرون الى جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۳ – ۱

۱ جنگ بدر ، شاهد روشن صدق وعده های الهی در مورد شکست کافران

قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا

بنا به گفته مفسّرین، آیه فوق مربوط به جنگ بدر است. گفتنی است که در شأن نزول آیه، اختلافی نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۲۲،۲۳

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و یقتلون النّبیّن بغیر حقّ و یقتلون الّذین یأمرون بالقسط من النّاس فبشّرهم بعذاب

رسول اللّه (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلک الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریّا و یحیای پیامبر (ع)

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. انّ نبی اللّه زکریّا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّه.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳

۱۸ - ۳۵ -

۱۸ وعده خداوند به عمران که پسری به تو خواهم داد ، سبب شد که همسرش گمان کند حمل او پسر خواهد بود .

ربّ انّی نذرت لک . .. فتقبّل منّی

امام صادق (ع): ان اللّه تعالی اوحی الی عمران، انی واهب لک ذکراً سویاً مبارکاً . .. فحدث عمران امرأته حنّه بذلک ... .

کافی، ج ۱، ص ۵۳۵، ح ۱ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۸

۱۸ وعده قطعی خداوند به یاری و نصرت پیامبر (ص) ، در مباهله با نصارا

فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین

پیشنهاد مباهله از جانب خدا به پیامبر (ص) بوده و این،$مستلزم نصرت دادن پیامبر اکرم (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ وعده خداوند به جبران خسارت های مادّی مؤمنان صدر اسلام ، که در نتیجه قطع رابطه با مشرکان متوجه آنان می شد .

إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام . .. و إن خفتم عیله فسوف یغنیکم اللّه

۱۳ جبران خسارت های وارده بر مؤمنان ، در نتیجه مبارزه با دشمنان اسلام ، وعده الهی به ایشان

إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام . .. و إن خفتم عیله فسوف یغنیکم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری متوکلان از عطا و تفضلش

و قالوا حسبنا اللّه سيؤتينا اللّه من فضله

آيه فوق در مقام تعليم به انسان است

و بی تردیـد آنچه خداونـد تعلیم دهد، منطبق با واقعیت می باشد در نتیجه جمله <سیؤتینا> حاکی از عطای الهی به متوکلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۰

۲۰ وعده خداوند به بهره مند ساختن مؤمنان راستین ، از رحمت خاص خویش در قیامت

و المؤمنون و المؤمنت . .. أولئک سیرحمهم اللّه

تعبیر <سیرحمهم> که اختصاص به آینده دارد به جای <یرحم> می تواند اشاره به قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱،۱۷

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنین . .. تحتها الأنهر

۱۷ از امام سجاد (ع) روایت شـده که فرمود : < إذا صار اهل الجنه فی الجنه . . . فیقول لهم تبارک و تعالی : رضای عنکم و محبتی لکم خیر و اعظم ممـا انتم فیه . . . ثم قرء علی بن الحسین هـذه الآیه < وعـد اللّه المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحت ها الانهار . . . و رضوان من اللّه اکبر . . . > ;

آن گاه که بهشتیان در بهشت قرار گیرند . .. خدای تبارک و تعالی به آنان می فرماید: رضایت و محبت من درباره شما بهتر و بزرگتر است از نعمتهـای بهشتی که غرق در آن هستیـد. سپس امـام (ع) این آیه را قراءت فرمود: خداونـد به مردان و زنـان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرهایی از زیر

درختانش جاری است ... و رضایت و خشنودی خدا [از همه اینها]بزرگ تر است >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم اللّه فی رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۲

۲ معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، وعده الهی است .

إلیه مرجعکم جمیعاً وعد اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۷

۷ وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه فقل إنما الغیب للّه فانتظروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتی یحکم اللّه و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۶

۶ نزول عذاب بر

قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلک وعد غیر مکذوب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۵،۱۸

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لا یزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه > و هی النقمه < أوتحلّ قریباً من دارهم > فتحلّ بقوم غیرهم فیرون ذلک و یسمعون به و الذین حلّت بهم عصاه کفار مثلهم و لایتعظ بعضهم ببعض و لن یزالوا کذلک < حتی یأتی وعد الله > الذی وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لایزال . ..> روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۱

۱ بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقواپیشگان

مثل الجنه التی وعد المتقون

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱- وعده خداوند به اسکان انبیا در سرزمین خویش ، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم من أرضنا .. فأوحی إلیهم ... و لنسکننّکم الأر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲،۶

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبنّ> مؤید این ارتباط است.

۶- خنثی و بی نتیجه کردن مکر و ترفند های ستمگران ، وعده خداوند به رسولان خویش

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال . فلاتحسبنّ ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۱

۱- وعده قطعی خداوند به بخشش گناه بدکاران ، در صورت روی آوردن آنان به توبه و صلاح

ثمّ إن ربّک للذین عملوا السوء بجهله ثمّ تابوا من بعد ذلک و أصلحوا إن ربّک من بع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- وعده خداوند به آمرزش مشرکان ، در صورت بازگشت از شرک

تعلی عمّا یقولون . .. إنه کان حلیمًا غفورًا

ذکر تعلیل <غفور> در پایان جمله، می تواند نویدی باشد بر مشرکان که علی رغم گناه

بزرگ و سخنان ناروا درباره خداوند، امکان آمرزش آنان، وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۹

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که <وعد الأخره> اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون . .. یقولون سبحن ربّنا إن کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۲۵

۲۵- خداوند ، پیامبر (ص) را به ارائه آیاتی آموزنده تر از داستان اصحاب کهف ، وعده داد .

و قل عسی أن یهدین ربّی لأقرب من هذا رشدًا

<هذا> می تواند اشاره به بیان سرگذشت اصحاب کهف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۵

۵- خداوند به ارائه مطالبی درباره < ذی القرنین > به وسیله آیاتی از قرآن ، وعده حتمی داد .

قل سأتلوا علیکم منه ذکرًا

ضمیر در <منه> به <ذی القرنین> برمی گردد و <من> برای تبعیض است ; یعنی، بخشی از اخبار و حالات او. مراد از

<ذکراً> به قرینه <سأتلوا> آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۷،۱۸

۱۷- ذوالقرنین ، به وعده های خداوند ، ایمان داشت و به تحقّق آنها ، مطمئن بود .

و کان وعد ربّی حقًّا

۱۸- برپایی قیامت ، وعده خداوند و تخلّف ناپذیر است .

و کان وعد ربّی حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۴

۴- خداوند به بندگان خویش ، وعده ورود به بهشت های عدن داده است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن . .. و یقول الإنسن أءذا ما متّ

چنانچه دو آیه قبل)< و ما نتنزّل. .. سمیًّا>) جملاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۴

۴- محبوبیت اجتماعی و ایجاد پایگاه در دل های مردم ، وعده خداوند به مسلمانان رنج کشیده صدراسلام

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت سيجعل

نزول این آیات در مکه و همچنین ارتباط آن با آیات پیشین که حاوی ادعاهای ناروای مشرکان و فشارهای روحی و تبلیغاتی آنان بود چنین اقتضا

دارد که جمله <سیجعل . ..>، وعده خداوند به محبوب شدن مؤمنان و یافتن پایگاه مناسب اجتماعی در میان مردمان آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بَایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۲

۲ - موسی (ع) ، برخوردار از اعتمادی قوی به وعده های خداوند در پیروزی بر مخالفان

قال بل ألقوا

در آیات پیشین، خداوند به موسی(ع) اطمینان داد که بر رخدادها، اِشراف کامل دارد و جای نگرانی نیست (لاتخافا إنّنی معکما أسمع و أری). واگذار کردن صحنه کارزار به دشمنان و به تماشا نشستن موسی(ع) حاکی از اعتماد کامل او به آن وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۲

۲ - بلعیده شدن سِحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت .

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- طه - ۲۰ - ۸۰ - ۳

۳ - خداوند ، پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، با آنان قرار گفت وگو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

متعلق <واعدناکم> به قرینه <و ما أعجلک عن قومک یا موسی> (در آیات بعد) وعده مناجات و گفت وگو با موسی(ع) بوده است. این مواعده گرچه با همه بنی اسرائیل نبود; اما بازگشت منافع آن (از قبیل نزول تورات) به عموم آنان، سبب شد که از آن به عنوان نعمتی بر همه بنی اسرائیل یاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۵،۷

۵ - بنی اسرائیل ، پیش از رفتن موسی (ع) به میقات ، وعده خوبی (نزول تورات) از ناحیه خداوند دریافت کرده بودند .

ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

استفهام تقریری یا انکاری موسی(ع) از بنی اسرائیل، نشان از داده شدن وعده ای به آنان پیش از رفتن موسی(ع) به میقات دارد. محتوای این وعده را، برخی نزول تورات دانسته اند.

۷ - بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم یعدکم ربّکم . .. أفطال علیکم العهد

استفهام در <أفطال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم یعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۲

۲

- تداوم نقل اخبار پیامبران و امت های گذشته ، از وعده های خداوند به پیامبر (ص)

كذلك نقصّ عليك من أنباء ما قد سبق

<نقصّ عليك. ..> وعده خداوند به نقل گوشه هایی از تاریخ پیشنیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۷

۷- وعده خداوند به نجات مؤمنان از غم و گرفتاری ، در صورت دعای خالصانه آنان

فنادی . .. و كذلك ننجى المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱

۱- تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

و اقترب الوعد الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إنّ الذين سبقت لهم منّا الحسنى أولئك عنها مبعدون

<الحسنى> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۸

۸- برپایی قیامت با آفرینش و سازماندهی دوباره جهان ، وعده قطعی خداوند است

.

وعدًا علينا إنّا كنّا فعلين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۶ – ۳

۳– وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۹ – ۶

۶ – وعده یاری ، حمایت و پشتیبانی از سوی خداوند ، به مسلمانان صدراسلام در پیکارشان علیه جبهه کفر

أُذن للذین یقتلون . .. و إنّ اللّه علی نصرهم لقدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۰ – ۴

۴ – خداوند ، به مسلمان مورد ستم ، وعده قطعی داد که او را نصرت و یاری خواهد داد تا انتقام خود را از ستمگران بازستاند .

و من عاقب . .. ثمّ بغی علیه لینصرنّه اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۲ – ۹

۹ – وعده خداوند به تأمین نیازمندی های فقیران غیر متأهل ، در صورت اقدام آنان به ازدواج

و أنکحوا الأیمی منکم . .. إن یکونوا فقراء یغنهم اللّه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۸

۸ -

وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز های غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج ، در صورت رعایت عفت و پاکدامنی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲،۳،۴،۹،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹،۲۷

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده أکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمرند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۳ - خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا

منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده أکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد; یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

۲۷ - < عن علی بن الحسین (ع) انه قرء الآیه < و عداللّه

الذین آمنوا منکم . . . > و قال : هم واللّه شیعتنا أهل البیت یفعل اللّه ذالک بهم علی یدی رجل منّا و هو مهدی هذه الأُمّه . . . ;

از حضرت علی بن الحسین(ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه <وعد اللّه الذی آمنوا منکم. ..> فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۶

۶ وعده خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اعطای باغ هایی با نهر های روان و قصر ها در قیامت

إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت . .. و یجعل لک قصورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که آیه شریفه، ناظر به جهان آخرت باشد که در این صورت، اعطای باغ ها و قصرها به پیامبر(ص)، وعده خداوند به آن حضرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۴

۴ زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت

پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشـمنان تبه کار مواجه بودنـد می توانـد درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشـکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایـداری در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۴

۴ - پذیرش توبه گنه کاران ، وعده اکید خدا به آنان

إلاّ من ظلم ثمّ بدّل حسنًا . .. فإنّی غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۶

۶ - تهدید کافران به نزدیک بودن بخشی از عذاب دنیوی وعده داده شده به آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

مراد از <الذی تسـتعجلون> می تواند تنها عذاب دنیایی باشد. بنابراین <بعض الذی تستعجلون>; یعنی، بخشی از آن عذاب که خواستار شتاب آن هستید، در پی شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین . إنّ ربّک یقضی بینهم

در صورتی که آیه یاد شـده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشـد عبارت <یقضـی بینهم> به معنای <یقضـی بین من آمن بالقرآن و بین من کفر به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۴،۵

۴ - پاکسازی نهایی زمین از وجود

کافران ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر

و إذا وقع القول علیهم . .. أنّ الناس کانوا بایتنا لایوقنون

تعبیر <أنّ الناس. ..> دربرگیرنده همه کافران است.

۵ – آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول علیهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۳ – ۸

۸ – وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۳ – ۷،۹

۷ – وعده خداوند به نشان دادن آیات غیرقابل انکار خویش ، به همه حق ستیزان در زمانی نه چندان دور

سیریکم ءایته فتعرفونها

با توجه به این که مخاطب آیات پیشین منکران توحید و معاد بوده اند، ممکن است مخاطب <سیریکم> و <تعرفونها> نیز همان ها باشند.

۹ – وعده خداوند به آشکار ساختن آیات و نشانه های جدید خود در طول زمان هابرای هر نسل

سیریکم ءایته فتعرفونها

احتمال می رود که عبارت <سیریکم آیاته. ..> وعده ای به نسل های آینده باشد که از درک حضور پیامبر(ص) محروم اند; اما خداوند در هر زمان با نشان دادن آیاتی جدید، به آنان معرفت می بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به

آغوش وی

إنّا رادّوه إليک

۱۱ - برگزيدن موسى (ع) براى مقام رسالت ، وعده الهى به مادرش جهت آرام بخشيدن خاطر وى

و لاتخافى و لاتحزنى . .. و جاعلوه من المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۹

۹ - وعده خدا به مادر موسى ، مبنى بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وى

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

اين آيه اشاره به وعده اى دارد كه خداوند قبلًا به مادر موسى داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهيم گرداند>، (إنّا رادّوه إليك).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

۸ - اعطاى دانش و حكمت ، وعده الهى به محسنان و نيكوكاران

و كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷ - شكست نهايى فرعون و غلبه موسى ، هارون (ع) و پيروانشان بر وى ، وعده الهى به موسى در وادى طور

أنتما و من اتّبعكما الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱

۱ – وعده دوبار اجر (اجر مضاعف) از سوی خداوند ، به ایمان آوردگان از اهل کتاب

الذین ءاتینهم الکتب . .. أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین

مفسران، تعبیر <مرّتین> را کنایه از اجر مضاعف دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۱ – ۳

۳ – پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۷ – ۵

۵ – تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح ، وعده حتمی خداوند است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفّرنّ عنهم سیّئاتهم

لام و نون تأکید <لنکفّرنّ> دلالت بر قطعیت می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۱ – ۶

۶ – وعده خداوند ، به برخورداری مؤمنان از پاداش ; و کیفر شدن منافقان

و لیعلمنّ اللّه الذین ءامنوا و لیعلمنّ المنفقین

مراد از علم خداوند به مؤمنان و منافقان، پاداش و کیفر دادن به آنها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۷ – ۶

۶ – وعده خداوند ، به مؤمنان مهاجری که درصدد حفظ ارزش های دین خود بودند ، مبنی بر برخوردار کردنشان از پاداش

إنّ أرضی وسعه . .. کلّ نفس ذائقه الموت ثمّ إلینا ترجعون

برداشت بالا بنابراین است که <ثم إلینا ترجعون> کنایه از اعطای پاداش به مؤمنان و مؤاخذه کافران باشد. در این آیه، به قرینه مقام، پاداش دهی، به مؤمنان مهاجر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۶ – ۱،۳،۷

۱ – تقویت جبهه رومیان و چیره ساختن آنان بر ایرانیان ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان عصر بعثت

سیغلبون . .. وعد اللّه لایخلف اللّه وعده

<وعد اللّه> مفعول مطلق فعل محذوف است و نویدهای خداوند در آیات قبل را تأکید می کند.

۳ - اکثر انسان ها ، در وفای خداوند به وعده های خویش ،

گرفتار تردیدند .

لایخلف اللّه وعده و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت بالاـ بر این اسـاس است که به قرینه جمله <لاـیخلف اللّه وعـده> مفعولِ محـذوفِ <لاـیعلمون> همان قطعی بودن وعده های خداوند باشد.

۷ - اکثر مردم عصر بعثت ، در پیروزی رومیان حتی در صورت وعده خداوند به یاری آنان ، دچار تردید بودند .

وعد اللّه . .. و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

حرف <ال> در <النـاس> برای عهـد است و به قرینه آیـات بعـد که ویژگی های اقتصادی قریش را بیان می کنـد به مکیان عصر بعثت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا اللّه و رسوله إلّاغرورًا

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلّا غرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱

۱ - مسـلمانان مـدینه ، با دیـدن سـپاهیان احزاب متّحـد ، اذعان داشـتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۳

۳ – وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی

علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود که به همسران خود بگوید در صورتی که آنان ، خداخواهی و آخرت طلبی را پیشه کنند ، خداوند آنان را پاداشی عظیم خواهد داد .

قل لأزوجک . .. و إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله و الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند ، به همسران پیامبر ، در صورت اطاعت خاضعانه آنان از خدا و پیامبر (ص) و انجام عمل صالح ، وعده پاداش دوچندان داده است .

و من یقنت منکنّ للّه و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتین

<قنوت> (مصدر <یقنت>) به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - وعده خداوند ، به پیامبر (ص) برای جلوگیری از آزار و اذیت کافران و منافقان به آن حضرت

و دَعْ أذیهم و

توكّل على اللّه و كفى باللّه وكيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۷

۷ - وعده خداوند به جايگزين ساختن براى اموالى كه انفاق مى شود .

و ما أنفقتم من شىء فهو يخلفه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۴۸ - ۴

۴ - برپايى قيامت ، وعده اى الهى به انسان ها است .

متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپايى قيامت و حسابرسى از بندگان ، وعده الهى به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسيله اتمام حجت بر كافران و تحقق بخش وعده الهى درباره آنان است .

و قرءان مبين . لينذر ... و يحقّ القول على الكفرين

از عطف جمله <و يحقّ الحقّ . ..> بر جمله <لينـذر> كه لاـم در اين جمله براى تعليـل است برداشت يـاد شـده به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۱ – ۶

۶ – چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

برداشت یاد شده از آن جا است که <حَقَّ> به معنای <ثَبَتَ> و <لَزَمَ> است و ثابت و لازم بودن عذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ –

صافات – ۳۷ – ۱۷۳ – ۲

۲ – پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۴ – ۲

۲ – پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۸ – ۲

۲ – پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۱

۱ – بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۶

۶ – اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیـدگاه است که <فی هذه الدنیا> ظرف برای <حسـنه> باشد، نه برای <أحسـنوا>; چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره

خیر. ..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۲

۲ - برآورده شدن تمامی خواسته های تقواپیشگان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

کلمه <عند> برای التزام و وعده به کار می رود؛ مثل <لک عندی. ..> (برای تو پیش من چنین و چنان است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۹

۹ - یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، در عین وعده او به آمرزش تمامی گناهان بندگان ، امری بی جا و نامعقول است .

لاتقنطوا من رحمه اللّه إنّ اللّه یغفر الذنوب جمیعًا

جمله <إنّ اللّه یغفر الذنوب جمیعاً> به منزله تعلیل برای جمله <لا تقنطوا. ..> می باشد؛ یعنی، از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ چون او همه گناهان را می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲،۳

۲ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

۳ – بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و

من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَن> در <و من صلح . ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد; یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۲

۲ - استجابت دعای بندگان و برآوردن خواسته های آنان ، وعده الهی است .

و قال ربّکم ادعونی أستجب لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۹ – ۱۰

۱۰ – وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی

آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندك إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعـد، به دست می آیـد که مراد از <ما عهـد عندك>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مکرر خداوند به خلق

یومهم الذی یوعدون

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- وعده الهی به معاد ، اسطوره ای کهنه و بی اساس ، در نگاه نسل کافر عصیانگر

و الذی قال لولدیه أُفّ لکما أتعداننی أن أُخرج . .. فیقول ما هذا إلّا أسطیر الأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض . .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۲۷

۲۷– وعده خداوند ، به حفظ و تداوم اعمال و تلاش های شهیدان

و

الذين قتلوا فی سبيل اللّه فلن يضلّ أعملهم

مراد از <فلن يضلّ> ممكن است هدر نرفتن تلاش ها و ايثارگری های شهيدان، در دنيا باشد; يعنی، گرچه شهيدان خود چشم فرومی بندند; اما خداوند خود آرمان ها و تلاش هايشان را پاس می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پيروزی و ثبات قدم مؤمنان ، در صورت اقدام به جهاد و حمايت از دين

يأيّها الذين ءامنوا إن تنصروا اللّه . .. و يثبّت أقدامكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقواپيشگان

الجنّه الّتی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳،۱۲

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستيابی به فتح خيبر و غنايم آن ، پس از صلح حديبيه

سيقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعكم

آيه شريفه، در زمينه جنگ خيبر است و خداوند از حركت مسلمانان به اين جنگ به عنوان حركت به سوی غنايم ياد كرده است. از اين نكته استفاده می شود كه خداوند به طور ضمنی، نويد فتح خيبر و غنايم آن را به جبران مشكلات سفر حديبيه، به مسلمانان داده است.

۱۲ - اختصاص غنايم خيبر به شركت كنندگان سفر حديبيه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . .. قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است كه آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنايم، به حاضران صلح حديبيه باشد;

چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۲۱

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۲۱ - < عن علیّ . . . قال : فی قوله تعالی < وعدکم اللّه مغانم کثیره > . . . < تأخذونها > . . . < فعجّل لکم . . . > من ذلک خیبر ;

از علی(ع) . .. روایت شده که درباره قول خدای تعالی <وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم> فرمود: از میان غنایم فراوانی که خداوند به شما وعده داده بود خیبر را زودتر به شما داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیبر بوده; واژه <أخری> در مقایسه با غنایم خیبر به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۳

۳ - برپایی نظام کیفر و پاداش ، از بارزترین و مهم ترین وعده های خداوند به خلق

إنّما توعدون . .. و إنّ الدین لوقع

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <و إنّ الدین> عطف تفسیری برای <إنّما توعدون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۱

۱ - بهشت وعده أکید خداوند به اهل تقوا

إنّ المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، دارای سرنوشتی تأسف بار هنگام فرا رسیدن وعده های خداوند

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۱

۱ - فرستادن ناقه صالح به سوی قوم ثمود ، وعده الهی برای آزمایش ایشان

إنّا مرسلوا الناقه فتنه لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۲

۲۲ – وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۸ – ۶

۶ – دستیابی به دو بهره کافی از رحمت الهی ، وعده خدا به مؤمنانی است که تقواپیشه کنند و از پیامبراکرم (ص) پیروی کامل نمایند .

یأیّها الذین ءامنوا اتّقوا . .. یؤتکم کفلین من رحمته

<کفل> (مفرد <کفلین>) به معنای حظ و بهره ای است که کفایت می کند (مفردات راغب). گفتنی است که <یؤتکم...> جواب برای شرط مقدر می باشد و تقدیر آن چنین است: <إن تتّقوا و تؤمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته> (اگر تقوا پیشه کنید و از رسول او تبعیت کامل نمایید، از رحمت خود به شما دو بهره کافی خواهد داد).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۱۷

۱۷ – وعده بهشت از سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولئک . .. یدخلهم جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۸ – ۳

۳ – پشتیبانی همه جانبه از دین اسلام و فروزان نگه داشتن نور آن ، وعده قطعی و حتمی خداوند

و اللّه متمّ نوره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۳ – ۹،۶،۴

۴ – امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم . ..

و أَخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

۶ – خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

۹ – خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۱۸

۱۸ – وعده تأیید و امداد ، از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام در قبال دشمنانشان

یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنصار اللّه . .. فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم فأصب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۵ – ۳

۳ – برپایی قیامت ، وعده اعلام شده خداوند به انسان ها

و یقولون متی هذا الوعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۲ – ۶

۶ – برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۴ – ۳

۳ – زندگی خفّت بار و ذلّت آفرین در آخرت ، وعده همیشگی خداوند به کافران حق ناپذیر

ذلک اليوم الذی کانوا یوعدون

آمدن فعل <کانوا> با فعل مضارع <یوعدون>، بر استمرار وعده الهی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، به مردم وقوع قیامت را وعده داده است .

و

اليوم الموعود

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از <اليوم الموعود> قيامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رويارويى قهرآميز و سريع خداوند با كافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مايه آرامش و تسلّاى خاطر پيامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشديد

خطاب به پيامبر(ص)، به هنگام بيان مؤاخذه كافران، بيانگر تأثير مثبت اين خبر در روحيه آن حضرت و پيروان ايشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۵

۵ - خنثى ساختن تبليغات مكّارانه كافران در برابر قرآن ، وعده تسلّابخش خداوند به پيامبر (ص)

و أكيد كيدًا

روى سخن در اين آيه به قرينه آيه بعد (فمهّل. ..) با پيامبر(ص) و به منظور اطمينان بخشيدن به آن حضرت است كه در درخواست عقوبت سريع براى كافران شتاب نورزد; زيرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مكر كافران ، كافى براى شتاب نورزيدن پيامبر (ص) در مورد درخواست كيفر براى آنان

و أكيد كيدًا . فمهّل

برداشت ياد شده، از حرف <فاء> در <فمهّل> استفاده شده است; يعنى، حال كه از مكر خداوند درباره كافران آگاه شدى، با خاطرى آسوده به كافران فرصت ده; زيرا آنان هر چند در هر فرصت به مكر خود ادامه دهند، ولى مكر آنان مقهور مكر خداوند است.

سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۲،۱۲

۲ - خداوند ، پیامبر (ص) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد .

سنقرئک

<إقراء>; یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف <سین> در <سنقرئک> برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

۱۲ - خداوند پیامبر (ص) را به داشتن حافظه ای نیرومند و فراموش نکردن آنچه خوانده است ، وعده داد .

سنقرئک فلاتنسی

حذف مفعول از فعل های <نقرء> و <لاتنسی>، ممکن است برای افاده عموم باشد; یعنی، تو را بر قرائت توانا می سازیم و تو خوانده های خویش را، از یاد نخواهی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۷ - ۴

۴ - هیچ یک از وعده های خداوند ، او را بر کاری مجبور نساخته و مشیت او را مقهور خود نمی سازد .

فلاتنسی . إلاّ ما شاء اللّه

جمله <فلاتنسی> وعده خداوند به پیامبر(ص) است که قرآن از خاطر او محو نخواهد شد و استثنای <إلاّ ما شاء اللّه> در صورتی که مراد استثنای حقیقی نباشد بیانگر این نکته است که حتی پس از این وعده نیز اختیار، از خداوند سلب نمی شود و مشیت او هم چنان حاکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۸ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) وعده داد که او را به برنامه و

شریعتی ساده راهنمایی کرده و بر انجام دادن آن آماده و توانا سازد .

و نیسّرک للیسری

<یسری> وصف برای موصوفی محذوف از قبیل <الطریقه> یا <الشریعه> و به معنای سهل تر و آسان تر است. اسناد فعل <نیسّر> به ضمیر خطاب با آن که در این موارد طبیعی آن است که تعبیر <آسان کردن یسری برای پیامبر(ص)> به کار رود; نه <آسان ساختن پیامبر(ص) برای یسری> بیانگر آن است که خداوند وعده ایجاد تحولات درونی در شخص پیامبر(ص) را، به آن حضرت داده است که با سهولت پذیرای برنامه الهی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سیجنّبها الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۲

۲ - خداوند ، با وعده قطعی به پیامبر (ص) ، درباره بخشش پیاپی به آن حضرت تا حد رضایت کامل در آخرت ، او را تسلا داده و بر دور بودن همیشگی آن حضرت از قهر و خشم خود تأکید کرد .

ما ودّعک . .. و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<لام> در <لسوف>، حرف ابتدا و برای تأکید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، در آغاز رسالت پیامبر (ص) ، آن حضرت را به نزول آیاتی خواندنی (قرآن) وعده داد .

اقرأ

مشهور این است که سوره <علق> یا <پنج آیه نخست

آن>، اولین آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل گردیـد. تعبیر <اقرء> در سر آغاز وحی، شروع مناسبی است که در خود دو نکته دارد: ۱. پس از این مطالبی به پیامبر نازل خواهد شد; ۲. آن مطالب خواندنی خواهد بود، نه این که به دانستن آن بسنده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گر او ، وعده داد .

لیطغی . .. ربّک

خطاب در <ربّک>; چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إذا جاء نصر اللّه و الفتح

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقاییس اللغه>) حرف <إذا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱،۲

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

وعده های خدا در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده های خدا در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده های خدا در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و

لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

وعده های خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۰ – ۵

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لک منه ذکرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

وعده های ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۸ – ۱،۷

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

۷- ذوالقرنین ، به رعایت نرمش و مدارا در صدور فرمان و ابلاغ خواسته های حکومتی خویش به مؤمنان ، نوید داد .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

وعده های رهبران مستکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدينا الله لهدينكم

وعده های شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۴ – ۱۴

۱۴– وعده دادن و آرزوپروری

، از شگرد های شیطان در به دام افکندن انسان

و شارکهم . .. و عدهم

وعده های فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۲ – ۲،۳

۲ – تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی ، با پیروزی بر موسی (ع)

و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

۳ – فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند; ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرّب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وعده های کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۸ – ۴

۴– عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون . .. یقولون سبحن ربّنا إن کان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۳ – ۸

۸ – وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارك دینی اهل کتاب

إنّا کنّا من قبله مسلمین

برداشت یاد شـده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۴،۵

۴ – خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا اللّه و رسوله إلّاغرورًا

۵ – منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلّا غرورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۱

۱ – مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متّحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۹ – ۲

۲ – وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در آینده

و یقولون متی هذا الوعد

وعده های محمد(ص) در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۱۰

۱۰ – توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

وعده های منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹

٧ - ١١ -

٧ - وعده منافقان مدینه به یهود بنی نضیر ، نسبت به همگامی کامل با آنان در صورت نبرد یا تبعید

الذین نافقوا یقولون . .. لئن أُخرجتم لنخرجنّ معکم ... و إن قوتلتم لننصرنّکم

وعده های نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - نوح - ٧١ - ۴ - ١

١ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

یغفر لکم من ذنوبکم و یوخّرکم إلی أجل مسمًّی

<أجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمّی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - نوح - ٧١ - ١١ - ١

١ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربّکم . .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سماء>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدراراً> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - نوح - ٧١ - ١٢ - ١،٢

١ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر

یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربّکم . .. و یمددکم بأمول و بنین

۲ – وعـده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آباد شـدن باغ ها و نهرهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و اسـتغفار آنان

استغفروا ربّکم . .. و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرًا

وعده های یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۹ – ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعـده داد که اگر در سـفر بعـد ، بنیـامین را به همراه بیاورنـد ، باز هم از آنان به خوبی پـذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

وعده هلاکت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۳

۳ – خداونـد ، شـکست و هلاکت کافران و مشـرکان حاکم و جایگزین آنان شـدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسـلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده هلاکت کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۸ – ۱

۱– هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأَوريكم ءايتى . .. و يقولون متى هذا الوعد

برداشت يادشده مبتنى براين است كه مقصود از <وعد> دراين آيه، غلبه مؤمنان و شكست كافران باشد.

وعده هلاكت مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۳

۳ - خداوند ، شكست

و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

وفای ابراهیم(ع) به وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۳

۳ اقدام ابراهیم (ع) به استغفار برای پدرش ، تنها به دلیل وعده ای بود که به وی داده بود و نه به خاطر وجود پیوند پدر و فرزندی .

و لو کانوا أولی قربی . .. و ما کان استغفار إبرهیم لأبیه إلا عن موعده وعدها أیاه

وفای به وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۶

۲۶ خداوند ، قطعاً به وعده های خویش وفا می کند .

لئن اقمتم الصلوه . .. لاکفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

لام و نون تأکید در <لاکفرن> و <لادخلنکم> و قسم نهفته در جمله <لئن اقمتم الصلوه>، بیانگر قطعیت وعده های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۴ – ۳

۳ – وعده الهی ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

صدقنا وعده

وفای خدا به وعده

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۴

۴ خداوند ، به تمامی وعده های خویش وفا می کند .

و ان وعدک الحق

حق بودن وعـده ، به این است که: آنچه مورد وعده قرار گرفته امری درست و به جا باشد و نیز وعده کننده به آن ، پایبند بوده و بدان وفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۳

۳- خداوند ، به وعده خویش مبنی بر نجات پیامبران و مؤمنان و هلاکت دشمنان ، عمل کرد .

ثمّ صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء و أهلکنا المسرفین

<صـدق> (مصدر <صدقنا>) در دو چیز اسـتعمال می شود: ۱ در اعتقـاد است، که دراین صورت به معنـای اعتقاد مطابق با واقع خواهد بود. ۲ در جوارح و افعال انسان، که در این صورت به معنای انجام دادن کار به طور شایسـته و بایسـته خواهد بود. (مفردات راغب). در آیه بالاـ معنـای دوم منظور است. گفتنی است ماده <صـدق> در مواردی به دو مفعول متعـدی می شود که این آیه یکی از آن موارد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱

۱ - سپاس گزاری تقواپیشگان از خداوند ، به خاطر وفا کردن به وعده های خود درباره آنان

و قالوا الحمد للّه الذی صدقنا وعده

وقت تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۱،۲،۴

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ صریح آگاه نبودن خویش ،

از زمان تحقق وعده های خداوند به مردم

قل إن أدری أقریب ما توعدون

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

<أمَد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به قرینه <قریب> مدت طولانی است.

۴ - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره <نضربن حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کنتم صادقین> (۱۰/۴۸).

ویژگیهای وعده های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۹

۹ - وعده های مشرکان به یک دیگر ، براساس فریب و مکر است .

بل إن یعد الظلمون بعضهم بعضًا إلاّ غرورًا

یقین به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- یقین به حقانیّت وعده های خداوند و باور به معاد ، تکلیفی الهی و معرفتی ارجمند است .

أعثرنا علیهم لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لا ریب فیها

یقین به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰

- یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی (ع) به آغوش وی

فرددنه إلی أُمّه . .. و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

وعده های

آثار ایمان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - تقوا و ایمان به قیامت و وعده های خدا ، مانع فریفتگی انسان به زندگی دنیا است .

اتقوا ربّکم و اخشوا یومًا . .. إنّ وعد اللّه حقّ فلاتغرّنّکم الحیوه الدنیا

آثار بی اعتنایی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۹

۹ - پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه سازگرفتاری آنان به غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامریّ . .. أم أردتم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

<أم> در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت <أم أردتم> این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبود; بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله <أردتم...> استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

آثار تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذين كفروا . .. قالوا يويلنا ... هذا ما وعد الرحمن و

صدق المرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۸ – ۲

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، درپی دارنده کیفری حتمی

فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأوّلین . أُولئک الذین حقّ علیهم القول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۱ – ۷

۷ – طغیان گری ، اصرار بر گناه و تکذیب پیام های الهی ، مایه سقوط و تباهی نفس انسان است .

و قد خاب من دسّیها . کذّبت ثمود بطغویها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۱ – ۲

۲ – بخلورزی ، و زراندوزی و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز سقوط و هلاکت

و أمّا من بخل . .. إذا تردّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۴ – ۳

۳ – بخل و ثروت اندوزیِ حاصل از آن و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و أمّا من بخل و استغنی . و کذّب ... فأنذرتکم نارًا تلظّی

آثار شک به وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۳ – ۵

۵- نپذیرفتن دعوت انبیا و وعده های الهی و شک و تردید مستمر در آن ، پیامددار عذاب الهی

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

فعل مضارع <یمترون> با آمدن فعل <کانوا> پیش از آن، بیانگر استمرار مضمون آن است.

آثار وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ -

طه - ۲۰ - ۴۶ - ۷

۷ - وعده یاری خداوند و آگاهی گسترده او بر جزئیات ماجرای ارشاد فرعون ، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های نگران موسی و هارون (ع) بود .

إنّنا نخاف . .. لاتخافا إنّنی معکما أسمع و أری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوری عده ای از آتش جهنم ، براساس وعده نیک الهی به ایشان در دنیا است .

إنّ الذین سبقت . .. مبعدون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <الحسنی> صفت برای موصوفی محذوف چون <الوعده> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۱

۱ - وعده ها و تهدید های الهی برای کافران عصر بعثت ، ثمربخش و کارساز نبود .

بل الذین کفروا

حرف <بل> اضراب از ما قبل است; یعنی، تهدیدهای پیش برای کافران بی تأثیر است. عنوان <الذین کفروا>، ممکن است عنوان مشیر و ناظر به مصادیق خارجی آن باشد که کافران مکه بودند و نیز می تواند به تمام کافران در طول تاریخ نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

اجتناب از تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان ، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أتی أمر الله فلاتستعجلوه سبحنه و تعلی عمّا یشرکون

با توجه به اینکه <لاتستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

استهزای وعده

های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۹

۹ کفرپیشگان ، عذاب های موعود از ناحیه پیامبران را همواره به استهزا و تمسخر می گیرند .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و یستعجلونک بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

اعتماد به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- ایمان به خداوند ، مقتضی اعتماد کامل بر وعده ها و گواهی او *

و کفی باللّه شهیدًا

خداوند، پس از وعده به پیروزی اسلام بر سایر ادیان، فرمود: <و کفی. ..>. این جمله ممکن است بیانگر این باشد که اگر شما به مقام الوهیت ایمان دارید، لازمه آن، اعتماد به گواهی او است.

اقرار به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن . .. إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فأخلفتکم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض . .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

اقرار به درستی وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۴

۴ - بر زبان آوردن راستی و درستی وعده های خداوند و پیامبرش ، امر پسندیده ای است .

هذا ما وعدنا اللّه و رسوله و صدق اللّه و رسوله

از این که خداوند، سخن مؤمنان را درباره راستی وعده خدا و پیامبرش، بیان می کند، در حالی که عقیده به راستی آن، امری درونی است و نیاز به اظهار ندارد، پسندیده بودن اظهار اعتقاد به راستی وعده خدا و پیامبرش قابل استفاده است.

اقرار به درستی وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۴

۴ - بر زبان آوردن راستی و درستی وعده های خداوند و پیامبرش ، امر پسندیده ای است .

هذا ما وعدنا اللّه و رسوله و صدق اللّه و رسوله

از این که خداوند، سخن مؤمنان را درباره راستی وعده خدا و پیامبرش، بیان می کند، در حالی که عقیده به راستی آن، امری درونی است و نیاز به اظهار ندارد، پسندیده بودن اظهار اعتقاد به راستی وعده خدا و پیامبرش قابل استفاده است.

اهمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۵

۵ – صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود

کافی برای یقین به حقانیت آن

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

برداشت بالا بـدان بـدان احتمال است که <إنّ وعـد اللّه حقّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

ایمان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - لزوم ایمان به وعده های خداوند و پرهیز از بی اعتنایی به آنها

أفطال علیکم العهد أم أردتّم أن یحلّ علیکم غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۴

۴ - ایمان به وعده الهی به نصرت جبهه حق ، زمینه ساز پیدایش روحیه صبر و شکیبایی است .

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

یـادآوری <إنّ وعـد اللّه حقّ> که به منزله تعلیـل برای فرمان به صبر است، می توانـد برای مطمئن ساختن پیامبر(ص) به ثمره صبر باشد. در نتیجه، در صورتی که ایمان حاصل شود که وعده خدا تخلف ندارد، شـخص، آمادگی بیشتری برای صبر در راه خدا پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۳

۳ - مسلمانان مدینه ، به وعده های خداوند و پیامبرش ، ایمان راسخ داشتند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۱ – ۳

۳ – مؤمن ، همواره در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۹ – ۲

۲ – انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

یؤفک عنه من أُفک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۶ – ۲،۳

۲ – پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدّق بالحسنی

کلمه <حسنی> یا مصدر است (مانند <رجعی>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت; بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنی> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

۳ – سخاوت مندی ، انفاق و تقواپیشگی ، نشانه پذیرش وعده های خداوند و باور داشتن پاداش های الهی است .

فأمّا من أعطی و اتّقی . و صدّق بالحسنی

عطف این آیه بر آیه قبل، عطف سبب بر مسبب و یا عکس آن است و در هر صورت، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۷ – ۲،۶،۸

۲ – انفاق ، تقوا و ایمان به وعده های خداوند ، فراهم سازنده زمینه برای دستیابی به آینده ای آسوده و راحت

فأمّا من أعطی . .. فسنیسّره للیسری

حرف <سین> در <سنیسِّره>، برای تأکید است و بعید نیست که برای استقبال و ناظر به این باشد که رسیدن به این نتیجه، نیازمند گذشت زمان و تکرار اعمالی است که آیات پیشین، بیانگر آن بود.

۶ – سخاوت مندی ، انفاق ، تقواپیشگی و

تصدیق وعده های الهی ، زمینه ساز امداد های ویژه خداوند و مایه نشاط انسان در انجام دادن تکالیف دینی است .

فأمّا من أعطی . .. فسنیسّره للیسری

۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < . . . فسنیسّره للیسری > قال : لایرید شیئاً من الخیر إلاّ یسّره اللّه له ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <فسنیسّره للیسری> روایت شده که فرمود: [هر که در راه خدا بخشش کند و تقوا پیشه سازد و نیکوترین پاداش الهی را تصدیق کند]هیچ خیری را اراده نمی کند، جز آن که خداوند انجام دادن آن را برای او آسان می سازد>.

ایمان به وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۳

۳ - مسلمانان مدینه ، به وعده های خداوند و پیامبرش ، ایمان راسخ داشتند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۵

۵ - < قال البزنطی : . . . و سمعت الرضا (ع) یقول فی تفسیر < و الّیل إذا یغشی > قال : إنّ رجلاً من الأنصار کان لرجل فی حائطه نخله و کان یُضِرّ به فشکا ذلک إلی رسول اللّه (ص) فدعاه فقال : اعطنی نخلتک بنخله فی الجنّه فأبی فبلغ ذلک رجلاً من الأنصار یکنّی أبا الدحداح فجاء إلی صاحب النخله فقال : بعنی نخلتک بحائطی فباعه فجاء إلی رسول اللّه (ص) فقال :

یا رسول اللّه قد اشتریت نخله فلان بحائطی ، قال : فقال رسول اللّه (ص) فلک بدل ها نخله فی الجنّه فأنزل اللّه تبارک و تعالی علی نبیّه (ص) < . . .فأمّا من أعطی > یعنی النخله < و اتّقی و صدّق بالحسنی > بوعد رسول اللّه (ص) . . . ;

بزنطی گفت: از امام رضا(ع) شنیدم که در تفسیر <و الّیل إذا یغشی> سخن می گفت و فرمود: در باغِ مردی از انصار درخت خرمایی متعلق به شخص دیگری بود و آن شخص [به هنگام استفاده از درخت] به مرد انصاری زیان می رساند. مرد انصاری از این عمل به رسول خدا(ص) شکایت کرد; رسول خدا(ص) صاحب درخت را فراخواند و به او فرمود: درخت خرمایت را در ازای یک اصله درخت خرما در بهشت، به من واگذارکن و آن مرد امتناع کرد. پس این خبر به مردی از انصار رسید که کنیه او <ابودحداح> بود. وی نزد صاحب آن درخت رفت و گفت: آن درخت خرمایت را در ازای باغ من به من بفروش، او هم فروخت. آن گاه ابودحداح نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: درخت خرمای فلانی را در عوض باغ خود خریدم، رسول خدا(ص) به او فرمود: تو به جای آن درخت، درختی را در بهشت مالک هستی. پس خدای تبارک و تعالی بر پیامبرش [این آیه را] نازل فرمود: <فأمّا من أعطی> مقصود [بخشیدن]درخت خرما است <و اتّقی و صدّق بالحسنی> مقصود [تصدیق]وعده رسول خدا است>.

بی اعتنایی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۶

۶ - بنی اسرائیل با بی توجهی به وعده خداوند (اعطای تورات) ، زمینه گمراهی خویش را فراهم آوردند .

و أضلّهم السامریّ . .. ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

بی ایمانی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لایرجون أیّام اللّه> یاد فرموده; استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

پوچی وعده های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴،۵

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن . .. إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فأخلفتکم

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۶

۱۶- همه وعده ها و نوید های شیطان ، بی اساس و فریب است .

و ما یعدهم الشیطن إلاّ غرورًا

<غرور> مصدر فعل <غرّ> به معنای خدعه و مکر است.

پوچی

وعده های منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۶ – ۱۱

۱۱ – هشدار الهی به کافران ، در دل نبستن به وعده منافقان

کمثل الشیطن إذ قال . .. إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

آیه شریفه از یک سو نویدی است به مؤمنان که منافقان به همکاری با کافران وفا نخواهند کرد. و از سوی دیگر تشبیه منافقان به شیطان در بی وفایی به تعهدات خویش، هشداری است به کافران که با ریسمان منافقان به چاه نروند.

تحقق وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۵ – ۱

۱ – خداوند ، توانا بر تحقق بخشیدن به وعده های خود

و إنّا علی أن نریک ما نعدهم لقدرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۶ – ۷

۷ تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ، انتظار و توقع متقین از خداوند

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

<مسؤول>; یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه به قرینه مقام مقصود این است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۲ – ۱۱

۱۱ – همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو ترى إذ المجرمون . .. ربّنا أبصرنا و سمعنا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا > فإن القوم کانوا فی القبور ، فلمّا قاموا حسبوا أنّهم کانوا نیامًا ، قالوا < یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا > قالت الملائکه < هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون > ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا. ..> روایت شده که فرمود: مردم که در قبراند; وقتی برمی خیزند می پندارند که در خواب بوده اند [ازاین رو] می گویند: <یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا>. فرشتگان می گویند: <هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ . .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنّا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۶،۷

۶ - تحقق وعده های الهی به نزول رحمت یا عذاب ، از سمت آسمان

فی السّماء رزقکم و ماتوعدون

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از <ما توعدون>، همه وعد و وعیدهای الهی باشد و نه خصوص بهشت.

۷ - تدبیر ، تقدیر و قدرت الهی در تأمین روزی زمینیان از آسمان ، نشانه

قدرت او بر تحقق وعده های خویش *

و فی السّماء رزقکم و ما توعدون

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از تحقق رستاخیز و وجود دوزخ و بهشت بود; ممکن است این آیه درصدد رفع شبهه انسان در قدرت خدا باشد. ازاین رو عبارت <و فی السّماء رزقکم> به عنوان نمودی از قدرت خداوند یاد شده است.

تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۵

۵- شتاب و بی صبری در مورد تحقق زودرس وعده های خداوند ، روا نیست .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۹

۹ - کافران ، به تحقق وعده نصرت خداوند ، ناباورند .

إنّ وعد اللّه حقّ و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

مراد از <الذین لایوقنون> می تواند کافرانی باشد که در آیات پیش از آنان سخن به میان آمده است. لازم به ذکر است که متعلق <لایوقنون> می تواند همین وعده ای باشد که در آیه آمده است.

تکذیب وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۳

۳ - مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت و معاد درست نمی دانستند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تکذیب وعده های هود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۲ – ۵

۵- اظهار ناباوری قوم عاد ، نسبت به وعده ها و سخنان هود (ع

)

قالوا . .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقين

قوم عاد با پیشنهاد نزول عذاب، در واقع می خواستند بنمایانند که به نادرستی و کذب سخنان هود(ع) یقین دارند.

حتمیت وعده های اخروی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۱۵

۱۵– وصول به وعده های الهی و نیل به آن در طول تاریخ ، دلیل دستیابی حتمی بندگان به آن در آخرت

وعد الرحمن . .. إنّه کان وعده مأتیًّا

<کـان> در <إنّـه کـان . ..> بر دیربـاز بـودن محتـوای جملـه و عبـارت <إنّه کـان...> بر تحقـق حتمی موعـود در <وعدالرحمن...> دلالت دارد.

حتمیت وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۴ – ۱۴

۱۴ وعده های خدا تخلف ناپذیر است.

و لقد کذبت . .. حتّی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۴ – ۱،۲،۳

۱ وعده های خداوند تخلف ناپذیر است.

إن ما توعدون لأت

۲ احضار ظالمان در قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا . .. إن ما توعدون لأت

۳ آدمی توان جلوگیری از تحقق وعده ها و برنامه های خداوند و گریز از آن را ندارد.

إن ما توعدون لأت و ما أنتم بمعجزین

در لسان العرب آمده است: <معنی الاعجاز الغوث و السبق>. یعنی اعجاز فرو نهادن و پیشی گرفتن است. <معجزه> اسم فاعل آن، به معنی فروگذارنده و پیشی گیرنده است. یعنی شما نمی توانید از بروز قیامت و

وعده های خداوند جلوگیری کنید و یا بر آن پیشی گیرید و از شمول آن خارج گردید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۴ – ۲

۲ پذیرش توبه بندگان ، وعده حتمی خدا به آنان

ألم یعلموا أن اللّه هو یقبل التوبه عن عباده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴ – ۳

۳ وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد اللّه حقاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۵ – ۳،۵

۳ وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد اللّه حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

یقولون متی هذا الوعد . .. ألا إن وعد اللّه حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۴ - ۶،۷

۶ کلمات خدا (وعده ها و سنن الهی) بدون تغییر و تخلف ناپذیر است .

لا تبدیل لکلمت اللّه

۷ بشارت های ویژه به اولیای خدا در دنیا و آخرت ، وعده تخلف ناپذیر الهی

لهم البشری فی الحیوه الدنیا و فی الأخره لا تبدیل لکلمت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

۴ - ۴۵ - ۱۱ -

۴ خداوند ، به تمامی وعده های خویش وفا می کند .

و ان وعدك الحق

حق بودن وعـده ، به این است که: آنچه مورد وعده قرار گرفته امری درست و به جا باشد و نیز وعده کننده به آن ، پایبند بوده و بدان وفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ وعده های خداوند قطعی و تخلف ناپذیر است .

إن الله لايخلف الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشيطن ... إنّ الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۱،۳،۴

۱- گمان تخلف وعده خداوند ، گمانی واهی و نادرست است .

فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذین ظلموا . .. و قد مكروا مكرهم ... فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

۴- تأخیر عذاب ستمگران به معنای تخلف وعده الهی به رسولان خویش نیست .

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم . .. فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

جمله <فلاتحسبنّ الله . ..> می توانـد پاسـخ به این سؤال مقـدر باشد که: چرا برخی از سـتمگران هنوز دچار عذاب استیصال نشده اند، پس وعده خدا ممکن است تخلف پیدا

کند؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱ – ۶

۶- وعده های الهی تخلف ندارد و در زمان خود واقع می شود .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳ – ۷

۷- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله . .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات . ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۸

۸- وعده قطعی و تخلف ناپذیر خداوند به حیات مجدد انسان ها پس از مرگ

لایبعث الله . .. بلی وعدًا علیه حقًّا

<وعداً> و <حقّاً> مفعول مطلق برای فعلهای محذوف می باشند و دلالت بر تأکید می کنند. بنابراین معنای <بلی وعداً علیه حقّاً> چنین می شود: آری خبر رستاخیز انسانها، وعده ای است حق و باطل در آن راه ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۰ – ۹

۹- قدرت مطلق خداوند ، ضامن تحقق وعده او در زنده کردن دوباره انسان ها و برپایی قیامت

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... إنما قولنا لشیء إذا أ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۹

۹- فسادانگیزی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان توسط جنگاورانی قدرتمند ،

وعده قطعی و تخلف ناپذیر خداوند

بعثنا علیکم . .. و کان وعدًا مفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۵،۷،۸

۵- اذعان عالمان اهل کتاب به تخلف ناپذیری وعده های خداوند ، با مشاهده تحقق بشارت خدا در پرتو نزول قرآن

أُوتوا العلم من قبله . .. یقولون ... إن کان وعد ربّنا لمفعولاً

۷- ربوبیت کامل خداوند نسبت به انسان ها ، مستلزم تخلف ناپذیری وعده های او

سبحن ربّنا إن کان وعد ربّنا لمفعولاً

۸- معاد و حیات مجدد انسان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند در بینش عالمان *

یقولون . .. إن کان وعد ربّنا لمفعولاً

احتمال دارد که مراد از <وعد> به قرینه آیات ۹۷ و ۹۸ همین سوره مسأله حیات مجدّد انسانها و معاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۷

۷- تحقّق وعده های خداوند ، حتمی و تخلّف ناپذیر است .

أنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۹

۱۹- وعده های الهی ، حتمی و تخلّف ناپذیر است .

و کان وعد ربّی حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۲

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال کذلک

چنان چه مشارالیه <ذلک> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است; یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۱۳،۱۴

۱۳– وعده های خداوند تخلف ناپذیر است .

إنّه کان وعده مأتیًّا

<مأتیّ> اسم مفعول و به معنای <آمده شده> است و در حقیقت تأکیدی بر حتمی بودن وعده های خداوند است؛ یعنی، حتماً نزد آن وعده (بهشت) خواهید رفت؛ زیرا وصول به این وعده ها، از دیرباز محقق بوده است.

۱۴– بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

یدخلون الجنّه . .. وعد الرحمن ... إنّه کان وعده مأتیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۳

۳– قیامت ، وعده راستین و تخلف ناپذیر الهی

و اقترب الوعد الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۴ – ۹

۹– وعده ها و برنامه های خداوند ، حتمی الوقوع و تخلف ناپذیر است .

وعدًا علینا إنّا کنّا فعلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۷ – ۵

۵ – وعده های الهی ، قطعی و تخلف ناپذیر است .

و لن یخلف اللّه وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۳

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعـده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. لیستخلفنّهم فی الأرض ... لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۳

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۴

۴ - علم خدا به مواضع فکری و عملی مردم در قبال پیامبر (ص) ، تضمینی بر تحقق وعده ها و وعید های او

و یقولون متی هذا الوعد . .. و إنّ ربّک لیعلم

مطرح ساختن علم الهی به نهان و آشکار خلق (پس از آیات مربوط به وعده عذاب) می رساند که خداوند به اتکای علم خویش، موضع گیری مردم را در قبال پیامبر(ص) جزا خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد اللّه> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامان مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

۱۲ - بیشتر مردم ، بی بهره از اعتقاد به تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۴

۴ - دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

وعدنه وعدًا حسنًا

فهو لقيه

قید <هو لاقیه> بیانگر آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۷

۷ - وعده خداوند درباره اعطای پاداش بهترین عمل به اعمال مؤمنان ، وعده ای قطعی و تخلف ناپذیر است .

و الذین ءامنوا . .. و لنجزینّهم أحسن الذی کانوا یعملون

<لام> و <نون تأکید> در <لنجزینّهم> دلالت بر حتمیّت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۹ - ۲

۲ - وعده خداوند به قرارگرفتن مؤمنانِ دارای عمل صالح در زمره صالحان ، وعده ای قطعی است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنّهم فی الصلحین

<لام> و <نون تأکید> در <لندخلنّ> دلالت بر قطعیّت وعده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۲

۲ - وعده های خداوند ، قطعی و تخلف ناپذیر است .

لایخلف اللّه وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۲،۳

۲ - وعده نصرت خدا به پیامبر (ص) حتمی و تخلف ناپذیر است .

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

متعلق وعـده، در این آیه، به قرینه دعوت خداونـد از پیامبر(ص) برای صبر پیشه کردن در برابر مخالفت های کافران، می تواند نصرت خدا باشد.

۳ – وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۹ – ۳،۴،۶

۳ – وعده

خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا ، وعده ای حق و تخلّف ناپذیر است .

فبشّره بعذاب أليم . .. لهم جنّت النعيم ... وعد اللّه حقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقّاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلّف ناپذیری آن می کند.

۴ – وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لهم جنّت النعيم خلدين فيها وعد اللّه حقًّا

۶ – عزت و حکمت خداوند ، منشأ تخلّف ناپذیری وعده های او است .

وعد اللّه حقًّا و هو العزيز الحكيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۳ – ۱۳

۱۳ – وعده الهی به برپایی قیامت ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و اخشوا يومًا . .. إنّ وعد اللّه حقّ

بنابراین که متعلق <وعد>، واژه <یوماً> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۳ – ۵

۵ – وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جِنّی و اِنْسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لكن حقّ القول منّى لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس أجمعين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۹ – ۹،۱۲

۹ – بهترین روزی رسان بودن خداوند ، تضمین کننده وعده جایگزین ساختن برای مال انفاق شده

و ما أنفقتم من شىء فهو يخلفه و هو خير الرزقين

١٢ - < قال الراوى قلت لأبى عبدالّله (ع) . . .قول الّله عزّوجلّ < و ما

أنفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین > و إنّی أنفق و لا أری خلفاً قال : أفتری اللّه عزّوجلّ أخلف وعده ؟ قلت : لا قال : فممّ ذالک . قلت : لا أدری قال : لو أنّ أحدکم إکتسب المال من حلّه و أنفقه فی حلّه لم ینفق درهماً إلا أخلف علیه ;

راوی می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: . ..سخن خدای عزّوجلّ است که می فرماید: <و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین> در حالی که من انفاق می کنم و هیچ چیزی جایگزین آن ندیدم، فرمود: آیا نظر تو این است که خداوند در وعده خود تخلف می کند؟ گفتم نه. فرمود: پس این [توهم تو] از کجا است؟ گفتم نمی دانم. حضرت فرمود: اگر یکی از شما مالی را از راه حلال کسب کند و در راه حلال انفاق نماید، هیچ درهمی را انفاق نمی کند; مگر آن که [خدا]جایگزین آن را می دهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ - وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۹

۹ - تحقق وعده خداوند مبنی بر عذاب کافران ، حتمی است .

و یحقّ القول علی الکفرین

مقصود از <قول> طبق نظر مفسران وعده خداوند به عذاب کافران است; مثل آیه شریفه <لکن حقّت کلمه العذاب علی الکافرین>، (زمر، آیه ۷۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف . .. وعد اللّه لایخلف اللّه المیعاد

۱۱ - وعده های خداوند تخلف ناپذیر است .

لایخلف اللّه المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۳

۳ - وعده الهی ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۵،۶،۷

۵ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

۶ - وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنانِ دین است .

إنّا لننصر رسلنا . .. فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که جمله <إنّ وعد اللّه حقّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد; یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ -

۱۱- معاد و خروج مردگان از خاک ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی

أتعداننی أن أُخرج . .. إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۷

۷ - وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحنا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۱،۲،۴

۱ - وعده های خداوند به خلق ، صادق و تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لصادق

۲ - وعده رستاخیز ، راست و غیر قابل تخلّف است .

إنّما توعدون لصادق

تعبیر <ما توعدون> گرچه عام و شامل همه وعده های الهی است; لکن ذکر مسأله قیامت و معاد در قسمت بعد، قرینه است بر این که مصداق مورد نظر از آن، وعده قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ می باشد.

۴ - خداوند جهان آفرینِ حکیم و قادر ، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذریت ذروًا . فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا . فالمقسّمت أمرًا . إنّما تو

با توجه به این که <إنّما. ..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۶ – ۳

۳ – کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن کنتم

غیر مدینین

با این که مسأله کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینـده بایـد تحقق یابـد; به کار گیری قالب ماضـی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷ - خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبراکرم (ص)

فیضعفه له و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <تری>، خطاب به خصوص پیامبراکرم(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسـمان هـا و زمین و تـدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعـده های خداونـد به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۶،۷

۶ - برپـایی قیامت و زنـدگی دشوار و طاقت فرسای محشـر ، وعـده ای است تخلف ناپـذیر و تحقق یافتنی از سوی خداونـد به کافران .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> بازگردد.

۷ – وعده های خداوند ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده،

مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <اللّه> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۱،۲

۱ - وعده های الهی ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لوقع

<إنّما> مرکب است از <إنّ> و <ما>ی موصوله و حرف <إنّ> و <لام> در <لواقع> برای تأکید است.

۲ - قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لوقع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۶ - ۳

۳ - هیچ مانعی ، خداوند را از انجام دادن وعده ها و تهدید های اراده شده اش ، بازنمی دارد .

فعّال لما یرید

ارتباط این آیه با آیه <إنّ بطش ربّک. ..> و <هو الغفور الودود>، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۲

۲ - فراهم ساختنِ آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل ، وعده تخلّف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است .

فسنیسّره للیسری . .. فسنیسّره للعسری ... إنّ علینا للهدی

جمله <إنّ علینا للهدی>، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است؛ یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام مناسب برخوردشان با هدایت را فراهم می سازیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده رهایی تقواپیشگان

از آتش دوزخ ، حتمی و تخلّف ناپذیر است .

سیجنّبها الأتقی

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف>، لام قسم و یا لام ابتدا است؛ برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۶

۶ گذر زمان و حوادث تاریخ همواره تأیید بر حقانیت وعده های قرآن خواهد بود.

لکل نبإ مستقر و سوف تعلمون

جمله <سوف تعلمون> تصریح به این نکته است که همواره در آینده حقانیت وعده های قرآن را نشان خواهد داد. و چون این جمله همواره صادق است، پس حوادث هر زمان، تأییدی بر حقانیت قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد اللّه حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد اللّه حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

یقولون متی هذا الوعد . .. ألا إن وعد اللّه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در

قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۵

۵- پدیدار ساختن اصحاب کهف و پرده برداشتن از راز خواب و بیداری آنان ، زمینه ساز آگاهی مردم بر حقّانیّت وعده های خداوند بود .

و کذلک أعثرنا علیهم لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ

مراد از ضمیر فاعل در <لیعلموا> همان مفعول محذوفی است که برای <أعثرنا> درنظر گرفته شده است; یعنی: <أعثرنا الناس لیعلموا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۲

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . و برّزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد اللّه> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامان مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳

۳ – وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا ،

وعده ای حق و تخلّف ناپذیر است .

فبشّره بعذاب أليم . .. لهم جنّت النعيم ... وعد اللّه حقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقّاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلّف ناپذیری آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ - وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۵

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۵

۵ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ

۲ - برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاريب فيها

عطف جمله <السـاعه. ..> بر جمله <إنّ وعـد اللّه حقّ>، می توانـد تفسـيری و يا از قبيل عطف خاص بر عام باشـد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ – صدور وعده قيامت ، از جانب خداوند ، خود كافی برای يقين به حقانيت آن

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاريب فيها

برداشت بالا بدان بدان احتمال است كه <إنّ وعد اللّه حقّ>

تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنّ المسجد الحرام . .. هو الذی أرسل رسوله ... لیظهره علی الدین کلّه

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه؛ بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

حقانیت وعده های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باورانـد که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است؛ اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

درخواست تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۲،۴

۲- مسلمانان صدراسلام ، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

در مورد مخاطب <لاتستعجلوه> دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان صورت می گرفته و دیگر آنکه

مشرکان خواهان شتاب در تحقق وعده های الهی (عذاب، یا

غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

۴- مشرکان صدراسلام از سر عناد و از روی استهزا ، خواهان تحقق زودرس وعده های الهی (عذاب ، غلبه اسلام و قیامت) بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

محتمل است مخاطب <لاتستعجلوه> مشرکانی باشد که خواهان تحقق وعده های الهی بودند، و از آن جایی که معمولاً کسی خواهان پیروزی دشمن و شکست و خذلان خویش نیست، می توان گفت: تعجیل مشرکان برای آمدن عذاب، از سر عناد و تمسخر بوده است.

دلایل تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

دلایل حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۹

۹- قدرت شکست ناپذیر خدا و صاحب انتقام بودن او ، دلیل تخلف ناپذیری وعده هایش در یاری رسولان و عذاب کردن ستمگران

فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله إن الله عزیز ذو انتقام

جمله <إن الله عزیز ذو انتقام> به منزله تعلیل برای بخش اول آیه (فلاتحسبنّ . ..) می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۱۵

۱۵– وصول به

وعده های الهی و نیل به آن در طول تاریخ ، دلیل دستیابی حتمی بندگان به آن در آخرت

وعد الرحمن . .. إنّه کان وعده مأتیًّا

<کـان> در <إنّـه کـان . ..> بر دیربـاز بـودن محتـوای جملـه و عبـارت <إنّـه کـان...> بر تحقـق حتمی موعـود در <وعدالرحمن...> دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۴

۴ - ربوبیت یگانه و توانمندانه خداوند بر نظام هستی ، خود گواه تحقق پذیری وعده های او است .

و ما توعدون . فَوَربِّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

از ارتباط میان حقانیتِ وعده های خداوند و سوگند به ربوبیت او، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یـاد کردن قیـامت پس از ذکر آسـمان و برج هـای آن ممکن است به این لحـاظ باشـد که توجّه به آسـمان، بـاور به قیـامت را تقویت می کند.

دلایل حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۸

۸ - پرهیز شعورمندان از کلام دروغین ، دلیل راه نداشتن باطل در حریم وعده های خداوند (آفریدگار شعور) *

إنّه لحقّ مثل ما أنّکم تنطقون

تعبیر <مثل أنّکم تنطقون> ممکن است در بیان این معنا آمده باشد که اگر انسان شعورمند، از باطل گریزان است و ارزش را

در حقیقت

می بیند; پس چگونه ممکن است که سخن پروردگار آدمیان و خالق نطق (شعور)، بی حقیقت و وعده اش تحقق ناپذیر باشد.

ذکر حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۳

۱۳- توجّه به وقوع حتمی وعده های الهی ، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إنّ وعد اللّه حقّ

<إنّ> بیانگر تعلیل است; یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

زمان تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۴

۱۴- قیامت ، زمان به وقوع پیوستن وعده های الهی است .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

زمینه تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۷

۷ - علم و قدرت گسترده ، دو پشتوانه مهم تحقّق وعده های الهی

وعدکم اللّه . .. و أخری لم تقدروا علیها و قد أحاط اللّه بها و کان اللّه علی کلّ

از این که خداوند، پس از بشارت های مختلف به مؤمنان، به دو صفت مهم خویش (علم و قدرت فراگیر) اشاره کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۹

۹- تحقق وعده های الهی در حق مؤمنان ، منوط به حفظ صلاحیت ایمانی و عملی خویش *

لتدخلنّ . .. إن شاء اللّه

تعبیر <إن شاء اللّه> از سوی خداوند می تواند بیانگر این واقعیت باشد که اراده او، آن گاه به امور تعلق می گیرد که

زمینه و شایستگی کافی برای تحقق یافتن آن، فراهم باشد.

سرزنش مکذبان وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۹ – ۱

۱ – توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

سند وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۲۱

۲۱ تورات ، انجیل و قرآن ، سند وعده های خدا به مجاهدان و شهیدان و مایه اطمینان آنان

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

سوءظن به وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۷ – ۱

۱– گمان تخلف وعده خداوند ، گمانی واهی و نادرست است .

فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

سوگند بر حتمیت وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۳ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربِّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنّه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

سو گند بر حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سو گند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربِّ السّماء و

الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنّه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

شرایط تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۲

۲ وعده های عذاب خداوند در زمان خود و تحت شرایط خاص تحقق خواهد یافت.

قل هو القادر . .. لکل نبإ مستقر

شک به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۳

۳ - انسان ، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إنّما توعدون لصادق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

شک در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۶

۶ - تردید در تحقق وعده های خداوند ، برخاسته از جهل و نادانی است .

لایخلف اللّه وعده و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

صبر بر وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان ، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أتی أمر الله فلاتستعجلوه سبحنه و تعلی عمّا یشرکون

با توجه

به اینکه <لاتستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

عقیده به وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۳ – ۱۳

۱۳ – اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی ، اعتقاد دارند .

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

مفعول <لا۔یعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <و لکنّ أکثر الناس لایعلمون أنّ وعد اللّه حقّ>. مفهوم آن این است که تنها اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی یقین دارند.

عوامل تحقق وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۱ – ۲۴

۲۴ عزت و حکمت الهی ، تضمین کننده تحقق وعده ها و بشارت های او به مؤمنان

أولئک سیرحمهم اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۳ – ۵

۵ ربوبیت الهی ، مقتضی تحقق قطعی وعده های اوست .

قل إی و ربی إنه لحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۲ – ۱۶

۱۶ – رحمت وسیع و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده تحقق وعده او ، مبنی بر تأمین نیازمندی های فقیرانی که در صدد ازدواج اند .

إن یکونوا فقراء یغنهم اللّه من فضله و اللّه وسع علیم

جمله <و اللّه واسع علیم> استینافیه تعلیلیه است و بیانگر علت و چگونگی بی نیاز کردن فقیران و تهی دستان به وسیله خدا است; یعنی، چون خداوند گشایش گر و دانای مطلق به همه حقایق و نیازمندی

های انسان است، پس بر انجام وعده خود نیز، توانا خواهد بود.

عوامل تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۳

۳ - طغیان گری قوم ثمود ، آنان را به تکذیب پیام های الهی کشاند .

کذّبت ثمود بطغویها

حرف <باء> در بطغواها> سببیه است; یعنی، طغیان زمینه ساز تکذیب بود.

عوامل غفلت از وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۲

۲ - انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خرّاصون> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

غفلت از وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۳

۳ - انسان ، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إنّما توعدون لصادق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

فلسفه وعده های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۲۰

۲۰ – عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا

. .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

کافران و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

کمی مؤمنان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی ، اعتقاد دارند .

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <و لکنّ أکثر الناس لایعلمون أنّ وعد اللّه حقّ>. مفهوم آن این است که تنها اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی یقین دارند.

مشرکان و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۶

۶ بیشتر مشرکان ، نسبت به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و تحقق قطعی وعده های او ، جاهل و ناآگاهند .

ألا إن للّه ما فی السموت . .. ألا إن

وعد اللّه حق و لكن أكثرهم لايعلمون

مكذبان حقانيت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن يروا كسفًا . .. يقولوا سحاب مركوم

مکذبان وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و يستعجلونك بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲

۲ - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بل الذين كفروا فى تكذيب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۱ – ۱

۱ – قوم ثمود ، پیام های الهی

را دروغ پنداشته ، پیامبر خدا را تکذیب کردند .

کذّبت ثمود

به قرینه <فقال لهم رسول اللّه> (در آیات بعد)، مراد از تکذیب در جمله <کذّبت ثمود>، تکذیب فرستاده الهی و رسالت های او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، پاداش های موعود خداوند را دروغ پنداشته و وعده های الهی را تکذیب می کنند .

و کذّب بالحسنی

منشأ حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- مقام الوهیت خداوند ، مقتضی تخلف ناپذیری وعده های او

إنّ وعد اللّه حقّ

تصریح به نام <اللّه> در بیان حقانیت معاد، در بردارنده این پیام است که امکان ندارد مقامی چون خداوند، وعده ای دهد که محقق نشود.

منشأ وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۵

۲۵ وعده الهی به شمول رحمتش بر مؤمنان ، نشأت یافته از حکمت اوست نه عجز از افاضه رحمت فعلی .

أولئک سیرحمهم اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه . .. > می تواند تعلیلی برای پرسش مقدر باشد، که چرا خداوند نزول رحمت به مؤمنان را موکول به آینده

کرده است.

موارد تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۶

۶- اصحاب کهف ، نمونه ای از موحّدانی که وعده های خداوند در باره آنان تحقّق یافته است .

لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ

کسانی که از اصحاب کهف بازدید

به عمل آوردند به دلیل ذیل آیه مردمی بودند که ربوبیّت خداوند را پذیرفته بودند. عرضه اصحاب کهف بر این مردم، می توانـد به عنوان ارائه نمونه ای عینی از امدادهای موعود خداوند باشد تا مردم، با مشاهده آن ها به حقانیّت وعده های خداوند، پی ببرند.

مؤمنان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۱

۱ - دسته ای از مردم ، پاداش های موعود الهی را تصدیق کرده ، برای رسیدن به آن تلاش می کنند .

و صدّق بالحسنی

مراد از <الحسنی> به قرینه فعل های <صدّق> و <کذّب> پاداش های نیکو و وعده به آنها است; بنابراین مراد از آن، <المثوبه الحسنی> یا <العِدَه الحسنی> و نظایر آن است. جمله <صدّق بالحسنی> بیان یکی از مصداق های <سعی> در آیات پیشین است; از این رو شامل تصدیق عملی نیز می شود.

نشانه های بی اعتمادی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۳

۳ - بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نیازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

و أمّا من بخل و استغنی و کذّب بالحسنی

از عطف این آیه بر آیه قبل چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عکس آن برداشت یاد شده استفاده می شود.

نشانه های تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۴

۴ مالکیت مطلق

و همه جانبه خداوند بر جهان هستی ، نشان توانمندی او بر تحقق بخشیدن به تمامی وعده های خویش است .

ألا إن للّه ما فی السموت و الأرض ألا إن وعد اللّه حق

نقش وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۸

۸ وعده خداوند بر مخلّد ساختن بهشتیان در بهشت ، مشیّت او را محدود نخواهد ساخت و مانع او در موقت قرار دادن آن نخواهد شد .

خلدین فیها . .. إلاّ ما شاء ربک عطاءً غیر مجذوذ

<عطاءً غیر مجذوذ> حاکی از دوام بهشت و نعمتهای آن و تأکیدی بر <خالدین فیها> است. استثنای <ما شاء ربک> در ضمن بیان خلود و دوام نعمتهای بهشت گویای این نکته است که وعده های خداوند، موجب آن نمی شود که مشیت او مقیّد شود و وی را از این که برخلاف آن عمل کند، ناتوان سازد.

نوح(ع) و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق

وضوح حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۷

۷ - حقانیت وعده های الهی مانند قدرت آدمیان بر نطق ، روشن و انکارناپذیر است .

و ما توعدون . .. إنّه لحقّ مثل ما أنّكم تنطقون

بنابراين كه ضمير <إنّه> به <ما توعدون>

بـازگردد، تمثیـل آیه شـریفه در جهت بیـان این معنا است که تحقق وعـده های الهی، همان قـدر روشن است که سـخن گفتن آدمیان و قدرت ایشان بر نطق واضح می باشد.

وعده های ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱،۶

۱ وعده ابراهیم (ع) به پدرش ، مبنی بر استغفار برای وی

و ما کان استغفار إبرهیم لأبیه إلا عن موعده وعدها

۶ وعده ابراهیم (ع) به استغفار برای پدرش ، قبل از یقین به بقای وی بر شرک و به امید متمایل ساختن او به ایمان بود .

إلا عن موعده . .. فلما تبین له أنه عدو للّه تبرأ منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۳،۵

۳- حضـرت ابراهیـم (ع) پس از پایـان گفتوگـو بـا آزر ، به او وعـده داد که آمرزش گنـاه شـرک او را به زودی از خـداوند خواهد خواست .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

ابراهیم(ع) به قرینه <أخاف> در آیات قبل، آزر را مشـرکی که قابل بخشـش نباشـد و به تعبیر برخی آیات <دشـمن خـدا> نمی دانست؛ بنابراین به بخشش گناه شرک او امیدوار بود، لذا نه عذاب او را قطعی دانست و نه به او وعده مغفرت حتمی داد، بلکه با اطمینان به مهرورزی خداوند به او، اظهار امیدواری کرد که استغفارش تأثیر بخشد.

۵- حضرت ابراهیم (ع) با وعده استغفار به آزر ، سعی در متمایل ساختن او به توحید و درمان سرسختی او داشت .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

نرمی

پاسخ ابراهیم(ع) و وعده استغفار به او، ممکن است به جهت متنبه ساختن و نرم کردن دل او برای دست برداشتن از بت پرستی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۴ – ۱۶،۱۷

۱۶ – وعده ابراهیم (ع) به پدرش (جد مادری یا عمویش آزر) ، در مورد استغفار برای او از درگاه خداوند

إلاّ قول إبرهیم لأبیه لأستغفرنّ لک

۱۷ – عدم برقراری رابطه میان ابراهیم (ع) و قوم مشرک او ، مگر در وعده استغفار آن حضرت برای آزر

إذ قالوا لقومهم إنّا برءؤا منکم . .. إلاّ قول إبرهیم لأبیه

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إلاّ>، استثنا از برائت ابدی باشد که از بخش پیشین آیه استفاده می شود.

وعده های اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۲ – ۱۶

۱۶ – وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

وعده های الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۵ – ۸

۸ وعده الهی به نزول پنجهزار فرشته برای یاری رزمندگان بدر و یا احد و یا حمراءالاسد ، در صورت صابر بودن و تقوا داشتن

ان تصبروا و تتّقوا . .. یمددکم ربّکم بخسمه الاف من الملئکه

برخی مفسّران به قرینه جمله <یأتوکم من فورهم هذا>، آیه مورد بحث را درباره قضیه حمراءالاسد دانسته اند که مشرکان پس از غلبه در احد و

انصراف از معرکه، پشیمان شدند و تصمیم بر یورش به مدینه را داشتند که پیامبر(ص) پس از دریافت این خبر، مسلمانان را برای رویارویی با آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ اصرارکنندگان بر گناه ، محروم از وعده الهی به آمرزش گناهانشان

و الّذین اذا فعلوا فاحشه . .. و من یغفر الذّنوب الّا اللّه و لم یصرّوا علی ما فع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سیجزی اللّه الشّاکرین

وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱،۲

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ

الأرض يرثها عبادى الصلحون . إنّ فى هذا لبلغًا لقوم عبدين

برداشت ياد شـده مبتنى بر اين است كه <هذا> اشاره به مضـمون آيه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پيام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنى است كه لحن و آهنگ دو آيه، حاوى وعده و بشارت الهى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۶

۶ وعده الهى به پاداش انفاق كنندگان براى كسب رضايت خداوند

مثل الّذين ينفقون . .. فاتت اُكُلها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۴

۴ وعده الهى بر پاداش اهل انفاق ، بر انگيزنده آدمى به آن

فلهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۱،۱۰

۱ اذعان عالمان ژرفنگر ، به وقوع قيامت ، بر اساس وعده الهى

و الراسخون فى العلم . .. ربّنا انّك جامع النّاس ليوم لا ريب فيه انّ اللّه لايخلف

۱۰ وعده خداوند ، تخلف ناپذير است .

انّ اللّه لا يخلف الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۲

۲ پيروزى ايمان بر كفر ، از وعده هاى الهى

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۳ – ۱

۱ جنگ بدر ، شاهد روشن صدق وعده های الهی در مورد شکست کافران

قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا

بنا به گفته مفسّرین، آیه فوق مربوط

به جنگ بدر است. گفتنی است که در شأن نزول آیه، اختلافی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲،۲۳

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و یقتلون النّبیّن بغیر حقّ و یقتلون الّذین یأمرون بالقسط من النّاس فبشّرهم بعذاب

رسول اللّه (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلک الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریّا و یحیای پیامبر (ع)

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. انّ نبی اللّه زکریّا قـد نشـر بالمناشـیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّه.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ وعده خداوند به عمران که پسری به تو خواهم داد ، سبب شد که همسرش گمان کند حمل او پسر خواهد بود .

ربّ انّی نذرت لک . .. فتقبّل منّی

امام صادق (ع): ان اللّه تعالی اوحی الی عمران، انی واهب لک ذکراً سویاً مبارکاً

. .. فحدث عمران امرأته حنّه بذلک ... .

کافی، ج ۱، ص ۵۳۵، ح ۱ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۸

۱۸ وعده قطعی خداوند به یاری و نصرت پیامبر (ص) ، در مباهله با نصارا

فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین

پیشنهاد مباهله از جانب خدا به پیامبر (ص) بوده و این،$مستلزم نصرت دادن پیامبر اکرم (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ وعده خداوند به جبران خسارت های مادّی مؤمنان صدر اسلام ، که در نتیجه قطع رابطه با مشرکان متوجه آنان می شد .

إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام . .. و إن خفتم عیله فسوف یغنیکم اللّه

۱۳ جبران خسارت های وارده بر مؤمنان ، در نتیجه مبارزه با دشمنان اسلام ، وعده الهی به ایشان

إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام . .. و إن خفتم عیله فسوف یغنیکم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری متوکلان از عطا و تفضلش

و قالوا حسبنا اللّه سیؤتینا اللّه من فضله

آیه فوق در مقام تعلیم به انسان است و بی تردید آنچه خداوند تعلیم دهد، منطبق با واقعیت می باشد در نتیجه جمله <سیؤتینا> حاکی از عطای الهی به متوکلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۰

۲۰ وعده خداوند به بهره مند ساختن مؤمنان راستین

، از رحمت خاص خویش در قیامت

و المؤمنون و المؤمنت . .. أولئک سیرحمهم اللّه

تعبیر <سیرحمهم> که اختصاص به آینده دارد به جای <یرحم> می تواند اشاره به قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱،۱۷

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنین . .. تحتها الأنهر

۱۷ از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمود : < إذا صار اهل الجنه فی الجنه . . . فیقول لهم تبارک و تعالی : رضای عنکم و محبتی لکم خیر و اعظم مما انتم فیه . . . ثم قرء علی بن الحسین هذه الآیه < وعد اللّه المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحت ها الانهار . . . و رضوان من اللّه اکبر . . . > ;

آن گاه که بهشتیان در بهشت قرار گیرند . .. خدای تبارک و تعالی به آنان می فرماید: رضایت و محبت من درباره شما بهتر و بزرگتر است از نعمتهای بهشتی که غرق در آن هستید. سپس امام (ع) این آیه را قراءت فرمود: خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرهایی از زیر درختانش جاری است ... و رضایت و خشنودی خدا [از همه اینها]بزرگ تر است >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم اللّه فی

رحمته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴ – ۲

۲ معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، وعده الهی است .

إلیه مرجعکم جمیعاً وعد اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۷

۷ وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه فقل إنما الغیب للّه فانتظروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۵ – ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه للّه جمیعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۹ – ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتی یحکم اللّه و هو خیر الحکمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۵ – ۶

۶ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلک وعد غیر مکذوب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۵،۱۸

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و

از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لا‌یزال الـذین کفروا تصـیبهم بمـا صـنعوا قـارعه > و هی النقمه < أوتحـلّ قریبـاً من دارهم > فتحلّ بقوم غیرهم فیرون ذلک و یسـمعون به و الذین حلّت بهم عصاه کفار مثلهم و لایتعظ بعضهم ببعض و لن یزالوا کذلک < حتی یأتی وعد الله > الذی وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امـام بـاقر(ع) درباره سـخن خداونـد: <و لایزال . ..> روایت شـده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آیـد و آنان می بیننـد و می شـنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شـده،ماننـد ایشان گناهکار و کافرنـد و [لیکن] برخی از برخی دیگر پنـد نمی گیرنـد و همواره چنین هسـتند تا وعـده خدا فرا رسـد و، حتی یـأتی وعـد الله، همـان وعـده ای که به مؤمنـان داده است که آنـان را پیروز کنـد و خداونـد کـافران را خوار می سازد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱

۱ بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقواپیشگان

مثل الجنه التی وعد المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱- وعده خداوند به اسکان انبیا در سرزمین خویش ، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم من أرضنا. .. فأوحی إلیهم ... و لنسکننّکم الأر

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۷ – ۲،۶

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبنّ> مؤید این ارتباط است.

۶- خنثی و بی نتیجه کردن مکر و ترفند های ستمگران ، وعده خداوند به رسولان خویش

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال . فلاتحسبنّ ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۹ – ۱

۱- وعده قطعی خداوند به بخشش گناه بدکاران ، در صورت روی آوردن آنان به توبه و صلاح

ثمّ إن ربّک للذین عملوا السوء بجهله ثمّ تابوا من بعد ذلک و أصلحوا إن ربّک من بع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۴ – ۱۷

۱۷- وعده خداوند به آمرزش مشرکان ، در صورت بازگشت از شرک

تعلی عمّا یقولون . .. إنه کان حلیمًا غفورًا

ذکر تعلیل <غفور> در پایان جمله، می تواند نویدی باشد بر مشرکان که علی رغم گناه بزرگ و سخنان ناروا درباره خداوند، امکان آمرزش آنان، وجود دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۴ – ۹

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در

آن سرزمین

جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بـدان احتمال است که <وعـد الأخره> اشاره ای باشـد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون . .. یقولون سبحن ربّنا إن کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۲۵

۲۵- خداوند ، پیامبر (ص) را به ارائه آیاتی آموزنده تر از داستان اصحاب کهف ، وعده داد .

و قل عسی أن یهدین ربّی لأقرب من هذا رشدًا

<هذا> می تواند اشاره به بیان سرگذشت اصحاب کهف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۵

۵- خداوند به ارائه مطالبی درباره < ذی القرنین > به وسیله آیاتی از قرآن ، وعده حتمی داد .

قل سأتلوا علیکم منه ذکرًا

ضمیر در <منـه> بـه <ذی القرنیـن> برمی گردد و <من> برای تبعیض است ; یعنی، بخشی از اخبـار و حالات او. مراد از <ذکراً> به قرینه <سأتلوا> آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۷،۱۸

۱۷- ذوالقرنین ، به وعده های خداوند ، ایمان داشت و به تحقّق آنها ، مطمئن بود .

و کان وعد ربّی حقًّا

۱۸- برپایی قیامت ، وعده

خداوند و تخلّف ناپذیر است .

و کان وعد ربّی حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۴

۴- خداوند به بندگان خویش ، وعده ورود به بهشت های عدن داده است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن . .. و یقول الإنسن أءذا ما متّ

چنانچه دو آیه قبل)< و ما نتنزّل. .. سمیًّا>) جملاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۴

۴- محبوبیت اجتماعی و ایجاد پایگاه در دل های مردم ، وعده خداوند به مسلمانان رنج کشیده صدراسلام

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

نزول این آیات در مکه و همچنین ارتباط آن با آیات پیشین که حاوی ادعاهای ناروای مشرکان و فشارهای روحی و تبلیغاتی آنان بود چنین اقتضا دارد که جمله <سیجعل . ..>، وعده خداوند به محبوب شدن مؤمنان و یافتن پایگاه مناسب اجتماعی در میان مردمان آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدبیضا

به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بَایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۲

۲ - موسی (ع) ، برخوردار از اعتمادی قوی به وعده های خداوند در پیروزی بر مخالفان

قال بل ألقوا

در آیات پیشین، خداوند به موسی(ع) اطمینان داد که بر رخدادها، اِشراف کامل دارد و جای نگرانی نیست (لاتخافا إنّنی معکما أسمع و أری). واگذار کردن صحنه کارزار به دشمنان و به تماشا نشستن موسی(ع) حاکی از اعتماد کامل او به آن وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۲

۲ - بلعیده شدن سِحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت .

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۳

۳ - خداوند ، پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، با آنان قرار گفت وگو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

متعلق <واعدناكم> به قرينه <و ما أعجلك عن قومك يا موسى> (در آيات بعد) وعده

مناجات و گفت و گو با موسی(ع) بوده است. این مواعده گرچه با همه بنی اسرائیل نبود; اما بازگشت منافع آن (از قبیل نزول تورات) به عموم آنان، سبب شد که از آن به عنوان نعمتی بر همه بنی اسرائیل یاد شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۵،۷

۵ – بنی اسرائیل ، پیش از رفتن موسی (ع) به میقات ، وعده خوبی (نزول تورات) از ناحیه خداوند دریافت کرده بودند .

ألم یعدکم ربّکم وعدًا حسنًا

استفهام تقریری یا انکاری موسی(ع) از بنی اسرائیل، نشان از داده شدن وعده ای به آنان پیش از رفتن موسی(ع) به میقات دارد. محتوای این وعده را، برخی نزول تورات دانسته اند.

۷ – بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم یعدکم ربّکم . .. أفطال علیکم العهد

استفهام در <أفطال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم یعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی(ع) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۹ – ۲

۲ – تداوم نقل اخبار پیامبران و امت های گذشته ، از وعده های خداوند به پیامبر (ص)

کذلک نقصّ علیک من أنباء ما قد سبق

<نقصّ علیک. ..> وعده خداوند به نقل گوشه هایی از تاریخ پیشنیان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء

- ۲۱ - ۸۸ - ۷

۷- وعده خداوند به نجات مؤمنان از غم و گرفتاری ، در صورت دعای خالصانه آنان

فنادی . .. و كذلك ننجی المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۷ - ۱

۱- تحقق وعده راستين خداوند به برپايی قيامت ، نزديک است .

و اقترب الوعد الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نيکو و خصلت پسنديده دارند (مؤمنان راستين) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إنّ الذين سبقت لهم منّا الحسنی أولئک عنها مبعدون

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرينه مقابله با آيه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آيه شريفه در باره مؤمنان راستين است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قيامت (بهشت) ، وعده پيشين خداوند به مؤمنان راستين

هذا يومکم الذی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۸

۸- برپايی قيامت با آفرينش و سازماندهی دوباره جهان ، وعده قطعی خداوند است .

وعدًا علینا إنّا کنّا فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۶

۶ - وعده یاری ، حمایت و پشتیبانی از سوی خداوند ، به مسلمانان صدراسلام در پیکارشان علیه جبهه کفر

أُذن للذین یقتلون . .. و إنّ اللّه علی

نصرهم لقدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۴

۴ - خداوند ، به مسلمان مورد ستم ، وعده قطعی داد که او را نصرت و یاری خواهد داد تا انتقام خود را از ستمگران بازستاند .

و من عاقب . .. ثمّ بغی علیه لینصرنّه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۹

۹ - وعده خداوند به تأمین نیازمندی های فقیران غیر متأهل ، در صورت اقدام آنان به ازدواج

و أنکحوا الأیمی منکم . .. إن یکونوا فقراء یغنهم اللّه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۸

۸ - وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز های غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج ، در صورت رعایت عفت و پاکدامنی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّی یغنیهم اللّه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲،۳،۴،۹،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹،۲۷

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده أکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمرند که با

هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۳ - خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده أکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیمکّننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت

. .. و ليبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

۱۹ – خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد; یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

۲۷ – < عن علی بن الحسین (ع) انه قرء الآیه < و عداللّه الذین آمنوا منکم . . . > و قال : هم واللّه شیعتنا أهل البیت یفعل اللّه ذالک بهم علی یدی رجل منّا و هو مهدی هذه الاُمّه . . . ;

از حضرت علی بن الحسین(ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه <وعد اللّه الذی آمنوا منکم. ..> فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۰ – ۶

۶ وعده خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اعطای باغ هایی با نهر های روان و قصر ها در قیامت

إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت . .. و یجعل لک

قصورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که آیه شریفه، ناظر به جهان آخرت باشد که در این صورت، اعطای باغ ها و قصرها به پیامبر(ص)، وعده خداوند به آن حضرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۴

۴ زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقواپیشگان

جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۴

۴ - پذیرش توبه گنه کاران ، وعده اکید خدا به آنان

إلاّ من ظلم ثمّ بدّل حسنًا . .. فإنّی غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۶

۶ - تهدید کافران به نزدیک بودن بخشی از عذاب دنیوی وعده داده شده به آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

مراد از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیایی باشد. بنابراین <بعض الذی تستعجلون>; یعنی، بخشی از

آن عذاب که خواستار شتاب آن هستید، در پی شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین . إنّ ربّك یقضی بینهم

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <یقضی بینهم> به معنای <یقضی بین من آمن بالقرآن و بین من کفر به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۴،۵

۴ - پاکسازی نهایی زمین از وجود کافران ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر

و إذا وقع القول علیهم . .. أنّ الناس کانوا بایتنا لایوقنون

تعبیر <أنّ الناس. ..> دربرگیرنده همه کافران است.

۵ - آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول علیهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۷،۹

۷ - وعده خداوند به نشان دادن آیات غیرقابل انکار خویش ، به همه

حق ستیزان در زمانی نه چندان دور

سیریکم ءایته فتعرفونها

با توجه به این که مخاطب آیات پیشین منکران توحید و معاد بوده اند، ممکن است مخاطب <سیریکم> و <تعرفونها> نیز همان ها باشند.

۹ - وعده خداوند به آشکار ساختن آیات و نشانه های جدید خود در طول زمان هابرای هر نسل

سیریکم ءایته فتعرفونها

احتمال می رود که عبارت <سیریکم آیاته. ..> وعده ای به نسل های آینده باشد که از درک حضور پیامبر(ص) محروم اند; اما خداوند در هر زمان با نشان دادن آیاتی جدید، به آنان معرفت می بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إنّا رادّوه إلیک

۱۱ - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی . .. و جاعلوه من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۹

۹ - وعده خدا به مادر موسی ، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

این آیه اشاره به وعده ای دارد که خداوند قبلًا به مادر موسی داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند>، (إنّا رادّوه إلیک).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

۸ - اعطای دانش و حکمت ، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷ - شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من اتّبعکما الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱

۱ - وعده دوبار اجر (اجر مضاعف) از سوی خداوند ، به ایمان آوردگان از اهل کتاب

الذین ءاتینهم الکتب . .. أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین

مفسران، تعبیر <مرّتین> را کنایه از اجر مضاعف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳ - پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۵

۵ - تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح ، وعده حتمی خداوند است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفّرنّ عنهم سیّئاتهم

لام و نون تأکید <لنکفّرنّ> دلالت بر قطعیت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به برخورداری مؤمنان از پاداش ؛ و کیفر شدن منافقان

و ليعلمنّ اللّه الذين ءامنوا و ليعلمنّ المنفقين

مراد از علم خداوند به مؤمنان و منافقان، پاداش و کيفر دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به مؤمنان مهاجری که درصدد حفظ ارزش های دين خود بودند ، مبنی

بر برخوردار کردنشان از پاداش

إنّ أرضی وسعه . .. کلّ نفس ذائقه الموت ثمّ إلینا ترجعون

برداشت بالاـ بنـابراین است که <ثم إلینـا ترجعون> کنایه از اعطای پاداش به مؤمنان و مؤاخـذه کافران باشـد. در این آیه، به قرینه مقام، پاداش دهی، به مؤمنان مهاجر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۶ – ۱،۳،۷

۱ – تقویت جبهه رومیان و چیره ساختن آنان بر ایرانیان ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان عصر بعثت

سیغلبون . .. وعد اللّه لایخلف اللّه وعده

<وعد اللّه> مفعول مطلق فعل محذوف است و نویدهای خداوند در آیات قبل را تأکید می کند.

۳ – اکثر انسان ها ، در وفای خداوند به وعده های خویش ، گرفتار تردیدند .

لایخلف اللّه وعده و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت بالاـ بر این اسـاس است که به قرینه جمله <لاـیخلف اللّه وعـده> مفعولِ محـذوفِ <لاـیعلمون> همان قطعی بودن وعده های خداوند باشد.

۷ – اکثر مردم عصر بعثت ، در پیروزی رومیان حتی در صورت وعده خداوند به یاری آنان ، دچار تردید بودند .

وعد اللّه . .. و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

حرف <ال> در <النـاس> برای عهـد است و به قرینه آیـات بعـد که ویژ گی های اقتصادی قریش را بیان می کنـد به مکیان عصر بعثت اشاره دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۴،۵

۴ – خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا اللّه و رسوله إلّاغرورًا

منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذين فى قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱

۱ - مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متّحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۳

۳ - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملّك آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثكم . .. و أرضًا لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود که به همسران خود بگوید در صورتی که آنان ، خداخواهی و آخرت طلبی را پیشه کنند ، خداوند آنان را پاداشی عظیم خواهد داد .

قل لأزوجك . .. و إن كنتنّ تردن

اللّه و رسوله و الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند ، به همسران پیامبر ، در صورت اطاعت خاضعانه آنان از خدا و پیامبر (ص) و انجام عمل صالح ، وعده پاداش دوچندان داده است .

و من یقنت منکنّ للّه و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتین

<قنوت> (مصدر <یقنت>) به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - وعده خداوند ، به پیامبر (ص) برای جلوگیری از آزار و اذیت کافران و منافقان به آن حضرت

و دَعْ أذیهم و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۷

۷ - وعده خداوند به جایگزین ساختن برای اموالی که انفاق می شود .

و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۴

۴ - برپایی قیامت ، وعده ای الهی به انسان ها است .

متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۲ – ۶

۶ – برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۰ – ۱۰

۱۰ – قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده

الهی درباره آنان است .

و قرءان مبین . لینذر ... و یحقّ القول علی الکفرین

از عطف جمله <و یحقّ الحقّ . ..> بر جمله <لینـذر> که لام در این جمله برای تعلیـل است برداشت یـاد شـده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۶

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

برداشت یاد شـده از آن جا است که <حَقَّ> به معنای <ثَبَتَ> و <لَزَمَ> است و ثابت و لازم بودن عـذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۲

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۱

۱ – بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواپیشگان

جنّت . .. یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۶

۶ – اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنیا> ظرف برای <حسنه> باشد، نه برای <أحسنوا>; چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر. ..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۴ – ۲

۲ – برآورده شدن تمامی خواسته های تقواپیشگان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

کلمه <عند> برای التزام و وعده به کار می رود; مثل <لک عندی. ..> (برای تو پیش من چنین و چنان است).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۳ – ۹

۹ – یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، در عین وعده او به آمرزش تمامی گناهان بندگان ، امری بی جا و نامعقول است .

لاتقنطوا من رحمه اللّه إنّ اللّه یغفر الذنوب جمیعًا

جمله <إنّ اللّه یغفر الذنوب جمیعاً> به منزله تعلیل برای جمله <لا تقنطوا. ..> می باشد; یعنی، از رحمت خدا مأیوس

نشوید; چون او همه گناهان را

می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواپیشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲،۳

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

۳ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَن> در <و من صلح . ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد; یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۲

۲ - استجابت دعای بندگان و برآوردن خواسته های آنان ، وعده الهی است

.

و قال ربّكم ادعونی أستجب لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری كردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با كافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مكرر خداوند به یكتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی كنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندك إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید كه مراد از <ما عهد عندك>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مكرر خداوند به خلق

یومهم الذی یوعدون

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- وعده الهی به معاد ، اسطوره ای کهنه و بی اساس ، در نگاه نسل کافر عصیانگر

و الذی قال لولدیه أُفّ لکما أتعداننی أن أُخرج . .. فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض . .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۷

۲۷- وعده خداوند ، به حفظ و تداوم اعمال و تلاش های شهیدان

و الذین قتلوا فی سبیل اللّه فلن یضلّ أعملهم

مراد از <فلن یضلّ> ممکن است هدر نرفتن تلاش ها و ایثارگری های شهیدان، در دنیا باشد; یعنی، گرچه شهیدان خود چشم فرومی بندند; اما خداوند خود آرمان ها و تلاش هایشان را پاس می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان ، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

یأیّها الذین ءامنوا إن تنصروا اللّه . .. و یثبّت أقدامکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقواپیشگان

الجنّه الّتی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳،۱۲

۳

- وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

۱۲ - اختصاص غنایم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . .. قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد; چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۲۱

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۲۱ - < عن علیّ . . . قال : فی قوله تعالی < وعدکم اللّه مغانم کثیره > . . . < تأخذونها > . . . < فعجّل لکم . . . > من ذلک خیبر ;

از علی(ع) . .. روایت شده که درباره قول خدای تعالی <وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم> فرمود: از میان غنایم فراوانی که خداوند به شما وعده داده بود خیبر را زودتر

به شما داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیبر بوده; واژه <أخری> در مقایسه با غنایم خیبر به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۳

۳ - برپایی نظام کیفر و پاداش ، از بارزترین و مهم ترین وعده های خداوند به خلق

إنّما توعدون . .. و إنّ الدین لوقع

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <و إنّ الدین> عطف تفسیری برای <إنّما توعدون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ذاريات – ۵۱ – ۱۵ – ۱

۱ – بهشت وعده أكيد خداوند به اهل تقوا

إنّ المتقين فى جنّت و عيون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – ذاريات – ۵۱ – ۶۰ – ۱

۱ – كفرپيشگان ، داراى سرنوشتى تأسف بار

هنگام فرا رسیدن وعده های خداوند

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۱

۱ - فرستادن ناقه صالح به سوی قوم ثمود ، وعده الهی برای آزمایش ایشان

إنّا مرسلوا الناقه فتنه لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۶

۶ – دستیابی به دو بهره کافی از رحمت الهی ، وعده خدا به مؤمنانی است که تقواپیشه کنند و از پیامبراکرم (ص) پیروی کامل نمایند .

یأیّها الذین ءامنوا اتّقوا . .. یؤتکم کفلین من رحمته

<کفل> (مفرد <کفلین>) به معنای حظ و بهره ای است که کفایت می کند (مفردات راغب). گفتنی است که <یؤتکم...> جواب برای شرط مقدر می باشد و تقدیر آن چنین است: <إن تتّقوا و تؤمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته> (اگر تقوا پیشه کنید و از رسول او تبعیت کامل

نمایید، از رحمت خود به شما دو بهره کافی خواهد داد).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۱۷

۱۷ – وعده بهشت از سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولئک . .. یدخلهم جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۸ – ۳

۳ – پشتیبانی همه جانبه از دین اسلام و فروزان نگه داشتن نور آن ، وعده قطعی و حتمی خداوند

و اللّه متمّ نوره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۳ – ۴،۶،۹

۴ – امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم . .. و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

۶ – خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

۹ – خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۱۸

۱۸ – وعده تأیید و امداد ، از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام در قبال دشمنانشان

يأيّها الذين ءامنوا كونوا أنصار اللّه . .. فأيّدنا الذين ءامنوا على عدوّهم فأصب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۳

۳ - برپايى قيامت ، وعده اعلام شده خداوند به انسان

ها

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۳

۳ - زندگی خفّت بار و ذلّت آفرین در آخرت ، وعده همیشگی خداوند به کافران حق ناپذیر

ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون

آمدن فعل <کانوا> با فعل مضارع <یوعدون>، بر استمرار وعده الهی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، به مردم وقوع قیامت را وعده داده است .

و الیوم الموعود

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از <الیوم الموعود> قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلّای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشدید

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۵

۵ - خنثی ساختن تبلیغات مکّارانه کافران در برابر قرآن ، وعده تسلّابخش خداوند به پیامبر (ص)

و أکید کیدًا

روی سخن در این آیه به قرینه آیه بعد (فمهّل. ..) با پیامبر(ص) و به منظور اطمینان

بخشیدن به آن حضرت است که در درخواست عقوبت سریع برای کافران شتاب نورزد; زیرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أکید کیدًا . فمهّل

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمهّل> استفاده شده است; یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده; زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۲،۱۲

۲ - خداوند ، پیامبر (ص) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد .

سنقرئک

<إقراء>; یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف <سین> در <سنقرئک> برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

۱۲ - خداوند پیامبر (ص) را به داشتن حافظه ای نیرومند و فراموش نکردن آنچه خوانده است ، وعده داد .

سنقرئک فلاتنسی

حذف مفعول از فعل های <نقرء> و <لاتنسی>، ممکن است برای افاده عموم باشد; یعنی، تو را بر قرائت توانا می سازیم و تو خوانده های خویش را، از یاد نخواهی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی

۴ - ۷ - ۸۷ -

۴ - هیچ یک از وعده های خداوند ، او را بر کاری مجبور نساخته و مشیت او را مقهور خود نمی سازد .

فلاتنسی . إلاّ ما شاء اللّه

جمله <فلاتنسی> وعده خداوند به پیامبر(ص) است که قرآن از خاطر او محو نخواهد شد و استثنای <إلاّ ما شاء اللّه> در صورتی که مراد استثنای حقیقی نباشد بیانگر این نکته است که حتی پس از این وعده نیز اختیار، از خداوند سلب نمی شود و مشیت او هم چنان حاکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۸ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) وعده داد که او را به برنامه و شریعتی ساده راهنمایی کرده و بر انجام دادن آن آماده و توانا سازد .

و نیسّرک للیسری

<یسری> وصف برای موصوفی محذوف از قبیل <الطریقه> یا <الشریعه> و به معنای سهل تر و آسان تر است. اسناد فعل <نیسّر> به ضمیر خطاب با آن که در این موارد طبیعی آن است که تعبیر <آسان کردن یسری برای پیامبر(ص)> به کار رود; نه <آسان ساختن پیامبر(ص) برای یسری> بیانگر آن است که خداوند وعده ایجاد تحولات درونی در شخص پیامبر(ص) را، به آن حضرت داده است که با سهولت پذیرای برنامه الهی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سیجنّبها الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۵ – ۲

۲ – خداوند ، با وعده قطعی به پیامبر (ص) ، درباره بخشش پیاپی به آن حضرت تا حد رضایت کامل در آخرت ، او را تسلا داده و بر دور بودن همیشگی آن حضرت از قهر و خشم خود تأکید کرد .

ما ودّعک . .. و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<لام> در <لسوف>، حرف ابتدا و برای تأکید است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱ – ۲

۲ – خداوند ، در آغاز رسالت پیامبر (ص) ، آن حضرت را به نزول آیاتی خواندنی (قرآن) وعده داد .

اقرأ

مشهور این است که سوره <علق> یا <پنج آیه نخست آن>، اولین آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل گردید. تعبیر <اقرء> در سر آغاز وحی، شروع مناسبی است که در خود دو نکته دارد: ۱. پس از این مطالبی به پیامبر نازل خواهد شد; ۲. آن مطالب خواندنی خواهد بود، نه این که به دانستن آن بسنده شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۴ – ۱۱

۱۱ – نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۸ – ۷

۷ – خداوند ، پیامبر (ص) را به

تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گر او ، وعده داد .

لیطغی . .. ربّک

خطاب در <ربّک>; چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إذا جاء نصر اللّه و الفتح

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقاییس اللغه>) حرف <إذا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

وعده های خدا در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده های خدا در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده های خدا در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان

، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزابَ قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

وعده های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لك منه ذكرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

وعده های ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱،۷

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیك ، به مؤمنان نیك کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

۷- ذوالقرنین ، به رعایت نرمش و مدارا در صدور فرمان و ابلاغ خواسته های حکومتی خویش به مؤمنان ، نوید داد .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

وعده های رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن

خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدينا الله لهدينكم

وعده های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۴

۱۴- وعده دادن و آرزوپروری ، از شگرد های شیطان در به دام افکندن انسان

و شارکهم . .. و عدهم

وعده های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی ، با پیروزی بر موسی (ع)

و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند؛ ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرّب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وعده های کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون . .. یقولون سبحن ربّنا إن کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۸

۸ - وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إنّا كنّا من قبله مسلمين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست

آورده بودند.

وعده های محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۴،۵

۴ – خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّغرورًا

۵ – منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۱

۱ – مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متّحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۹ – ۲

۲ – وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در آینده

و یقولون متی هذا الوعد

وعده های محمد(ص) در غزوه احزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۲ – ۱۰

۱۰ – توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّه و رسوله . .. و ما زادهم إل

وعده های منافقان مدینه

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۱ – ۷

۷ – وعده منافقان مدینه به یهود بنی نضیر ، نسبت به همگامی کامل با آنان در صورت نبرد یا تبعید

الذین نافقوا یقولون . .. لئن أُخرجتم لنخرجنّ معکم ... و إن قوتلتم لننصرنّکم

وعده های نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۴ – ۱

۱ – وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

یغفر لکم من ذنوبکم و یوخّرکم إلی أجل مسمًّی

<أجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمّی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۱ – ۱

۱ – وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربّکم . .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سماء>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدراراً> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۲ – ۱،۲

وعـده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یاری شـدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و اسـتغفار آنان

استغفروا ربّکم . .. و یمددکم بأمول و بنین

۲ - وعـده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آباد شـدن باغ ها و نهرهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و اسـتغفار آنان

استغفروا ربّکم . .. و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرًا

وعده های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعـده داد که اگر در سـفر بعـد ، بنیـامین را به همراه بیاورنـد ، باز هم از آنان به خوبی پـذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

وقت تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۱،۲،۴

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ صریح آگاه نبودن خویش ، از زمان تحقق وعده های خداوند به مردم

قل إن أدری أقریب ما توعدون

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

<أمَد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به قرینه <قریب> مدت طولانی است.

۴ - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقريب ما توعدون أم يجعل له ربّى

أمدًا

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره <نضربن حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کنتم صادقین> (۱۰/۴۸).

ویژگیهای وعده های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۹

۹ - وعده های مشرکان به یک دیگر ، براساس فریب و مکر است .

بل إن یعد الظلمون بعضهم بعضًا إلاّ غرورًا

یقین به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- یقین به حقانیّت وعده های خداوند و باور به معاد ، تکلیفی الهی و معرفتی ارجمند است .

أعثرنا علیهم لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لا ریب فیها

یقین به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی (ع) به آغوش وی

فرددنه إلی أُمّه . .. و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

وعید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وعید

آثار وعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۹

۹ - ایجاد روحیه تقوا در آدمی ، نیازمند به کارگیری هشدار ها و وعید ها است .

و صرّفنا فیه من الوعید لعلّهم یتّقون

تحقق وعید خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۳

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادی . .. فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

وعید به پیروان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۳ - ۲

۲- هشدار و وعده تهدیدآمیز خداوند به پیروان گمراه ابلیس

إلّا من اتبعک من الغاوین. و إن جهنّم لموعدهم أجمعین

وعید به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبنّ> مؤید این ارتباط است.

وعید به قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۵،۶

۵ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای راستین و تخلف ناپذیر

ذلک وعد غیر مکذوب

۶ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلک وعد غیر مکذوب

وعید به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ عذاب های وعده داده شده به کفرپیشگان ، قانونمند و دارای حساب و کتاب تعیین شده و مشخص

و عنده أمّ الکتب .

.. و علینا الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۲ – ۱

۱ – وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

وعید خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۸ – ۷

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۴ – ۵

۵ وعده ها و وعید های خداوند ، برخاسته از ربوبیت او و برای رشد و تربیت انسانهاست .

قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

وعید در هدایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۶

۶ – استفاده از وعده و وعید و هشدار و تشویق ، روش قرآن برای هدایت مردم است .

هدًی . .. فبشّره بعذاب ... لهم جنّت النعیم

گوشـزد کردن فرجام مؤمنان، پس از یادآوری عـذاب معرضان از آیات خـدا، شـیوه ای است که در آن، برای شـنونده امیـد و ترس ایجاد می شود و چنین حالتی شخص را در حالت اعتدال نگه می دارد.

وعید های خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۸ – ۱،۲

۱– هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ،

وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

وعید های

وعید های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱،۲

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

وقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وقت

ابزار وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۲،۴

۲ - ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هی موقیت للناس

<مواقیت> (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل

تعیین می گردد. (لسان العرب)

۴ - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

اختفای وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۵

۵ - زمان قیامت ، نامعلوم است .

ثمّ إذا شاء أنشره

کارهایی که در آیات پیشین به خداوند نسبت داده شد، گرچه مقید به مشیت الهی است; ولی قید <إذا شاء> تنها در مورد محشور شدن انسان ذکر شده است تا این نکته را برساند که هر چند برای آن افعال (خَلَقه، یسّره، أماته و أقبره) می توان زمانی را حدس زد; ولی در مورد قیامت، تنها باید به خواست خداوند نظر داشت.

اختفای وقت هجوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۳

۳ - پنهان داشتن زمان یورش بر دشمن و هجوم در لحظه های استراحت او ، روشی مطلوب در جهاد

فالمغیرت صبحًا

اِعلام وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۳

۳- زکریا (ع) ، در مدت سکوت سه روزه ، دخول وقت عبادت را در صبح و عصر ، با اشاره به مردم اعلام می کرد .

فخرج علی قومه من المحراب فأوحی إلیهم أن سبّحوا بکره و عشیًّا

احتمال می رود جمله <فخرج . ..> در باره خروج زکریا(ع) در مدت سه روز باشد. در این صورت، <بکره و عشیّاً> ظرف برای فعل های <خرج> و <أوحی> خواهد بود و مفاد آیه چنین می شود: چون

زکریا(ع) وظیفه اعلام دخول وقت عبادت را برعهده داشت، در صبح و عصر آن سه روز که نمی توانست با مردم سخن بگوید، دستور <سبّحوا> را با اشاره به آنان تفهیم می کرد.

اهمیت نماز اول وقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۲۰

۲۰ - لزوم خواندن نماز ، در ابتدای وقت آن *

وانحر

در <تاج العروس> آمده است: <نَحَرَ الصلاه>; یعنی، نماز را در آغاز وقت آن خواند.

اهمیت وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۲،۲۳،۳۸

۲۲ - آن هنگام که رشته سفیدِ ظاهر شده در افق از رشته سیاهِ شب تمییز داده شود ، هنگام فجر است .

حتی یتبیّن لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر

حرف <من> در <من الفجر> بیان برای <الخیط الأبیض> است; یعنی، آن رشته سفید همان فجر است.

۲۳ - طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لکم لیله الصیام . .. کلوا و اشربوا حتی یتبیّن لکم الخیط الأبیض

<أیاماً معدودات> در آیه ۱۸۴، روزه را مخصوص روز می دانـد و <حتی یتبین . ..> شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

۳۸ - < عن ابی عبداللّه (ع) فی قوله تعالی < أتموا الصیام إلی اللیل > قال : سقوط الشفق ;

از امام صادق(ع) در معنای <لیل> در آیه <أتموا الصیام إلی اللیل> روایت شده که شب با زائل شدن شفق شروع می شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ -

بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۴

۴ - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- شناخت زمان و تنظیم آن ، برای زندگی انسان امری با اهمیت و حیاتی است .

لتعلموا عدد السنین و الحساب

اهمیت وقت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۵

۵- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

اهمیت وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ - < عن الإمام موسی بن جعفر عن أبیه علیهما السلام فی قول اللّه عزّوجلّ < . . . یسبّح له فیها بالغدوّ والأصال > . . . قال الصلاه فی أوقاتها ;

امام موسی بن حعفر(ع) از پـدر بزرگوارش نقل می کنـد که درباره قول خدای عزّوجل <. ..یسبّح له فیها بالغدوّ و الأصال> فرمود: مقصود خواندن نماز در اوقات معین آن است>.

اهمیت وقت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۵ – ۵

۵- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

بهترین وقت آسایش

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۹

۹ - شب ، بهترین و مناسب ترین زمان برای استراحت و آسایش

یأتیکم بلیل تسکنون فیه

تصریح خداوند به این که شب را برای آسایش و استراحت بشر قرار داده است، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

بهترین وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۹

۹ سحرگاهان ، بهترین و مناسب ترین وقت برای نماز و عبادت

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۳

۳ - شب هنگام ، فرصتی مناسب و شایسته برای عبادت پروردگار

أمّن هو قنت ءاناء الّیل

یاد شدن وقت شب برای عبادت، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱

۱ - شب ، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قم الّیل . .. إنّ ناشئه الّیل ... و أقوم قیلاً

<ناشئه> مشتق از <نَشْأ> (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه <ناشئه> به

<الليـل>، می توانـد اضـافه بیـانیه و یا اضافه ظرفیه باشـد. گفتنی است که آیه یاد شـده تعلیل برای <قم اللیل...> می باشـد; یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۱

۱ - شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی

شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إنّ لک فی النهار سبحًا طویلًا

<سبح> در معانی متعددی به کار می رود; از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحیط). جمله <إنّ لک فی النهار>، تعلیل دیگری برای <قم اللیل>است; یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

بهترین وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۹

۹ سحرگاهان ، بهترین و مناسب ترین وقت برای نماز و عبادت

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱

۱ - شب ، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قم الّیل . .. إنّ ناشئه الّیل ... و أقوم قیلًا

<ناشئه> مشتق از <نَشْأ> (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه <ناشئه> به <اللیل>، می تواند اضافه بیانیه و یا اضافه ظرفیه باشد. گفتنی است که آیه یاد شده تعلیل برای <قم اللیل...> می باشد; یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

تعیین وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۱

۱ خداوند برای برپایی قیامت ، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

تفاوت وقت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۷ – ۵

۵ – زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و

برخی از آنها ، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن اللّه حین تمسون و حین تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقـدار حرکت ماده انـد، تفاوتی با هم ندارنـد، اما از این که برخی ایام برای تسبیـح خداونـد مناسـب معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۶

۶ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن اللّه . .. و عشیًّا و حین تظهرون

جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۴

۴ زمان برپایی قیامت برای انسان ها مجهول است و همچنان مجهول خواهد ماند .

و ما نؤخّره إلاّ لأجل معدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۲،۳

۲- خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضـمیر فـاعلی در <یشـعرون> و <یبعثون> معبودهای باطل باشـد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۳- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <یبعثون> پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی <یدعون> است.

شگفتی وقت افشای رازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۶

۶ - غفلت از

فرجام اخروی و لحظه برملا شدن اسرار آدمی ، شگفت آور و حالتی نکوهیده است .

أفلایعلم إذا . .. و حصّل ما فی الصدور

مفعول <أفلایعلم> یا محذوف است; یعنی: <أفلایعلم مآله؟> و یا کلمه <إذا> از ظرفیه خارج شده و مفعول به قرار گرفته است; یعنی: <أفلایعلم وقت . .. تحصیل ما فی الصدور؟>. در این صورت مراد، توبیخ بر غفلت از حوادث آن زمان است.

علم به وقت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۴

۴- علم به زمان کیفر و عذاب انسان ها ، درگرو آگاهی به نهان و آشکار آنان است .

إن أدری أقریب . .. إنّه یعلم الجهر من القول

علم به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۴

۴- داشتن حیات و مطلع بودن از زمان وقوع قیامت ، از شرایط الوهیت

أموت غیر أحیاء و ما یشعرون أیّان یبعثون

از اینکه خداوند در مقام رد الوهیت معبودهای مشرکان، از آنها به عنوان مردگانی فاقد هرگونه حیات و شعور نام می برد، می توان استفاده کرد که خدا باید دارای حیات و علم باشد.

فضیلت نماز اول وقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۹

۹- نماز صبح در اول فجر ، مورد شهود و نظاره ای ویژه

إن قرءان الفجر کان مشهودًا

چنان که از روایات استفاده می شود <شهود ویژه> عبارت است از شهود ملائکه شب و ملائکه روز که هر دوی آنان، شاهد نماز صبح نمازگزارند.

نقش جهل به وقت قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۴

۲۴- مشخص نبودن زمان وقوع قیامت و نزدیک شمردن آن ، دارای نقش تربیتی و هدایتی برای انسان

قل عسی أن یکون قریبًا

مشخص نکردن زمان دقیق وقوع قیامت از سویی و یادآوری قریب الوقوع بودن آن از سوی دیگر، می تواند برای توجه دادن انسانها به آن باشد تا آنان خود را همواره برای وقوع قیامت آماده کنند.

نقش علم به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۳

۲۳- بی نیازی انسان از دانستن زمان دقیق وقوع رستاخیز و تأثیر نداشتن آن در هدایت و کمال او

قل عسی أن یکون قریبًا

از اصرار قرآن در اثبات اصل معاد و از عدم تعیین وقت مشخص برای آن، استفاده می شود که انسان برای راه یابی به صلاح و هدایت و ایمان به قیامت، نیازی به دانستن زمان دقیق معاد ندارد.

وقت آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۲

۲ - شب ، زمانی مناسب برای آرمیدن و آرامش یافتن

اللّه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه

وقت آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۲

۲ – شب ، بستری مناسب برای سکون و آرامش انسان

جعل لکم الّیل . .. لتسکنوا فیه

وقت احتجاج ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۲ – ۴

۴- گفت و گوی ابراهیم (ع) با آزر ، در زمان

نبوت آن حضرت بوده است . *

إنّه كان صدّيقًا نبيًّا . إذ قال لأبيه

در باره <إذ قال . ..> چنـدين احتمال ادبى وجود دارد. ۱ بـدل براى <ابراهيم> باشد كه دراين صورت حكم مفعولٌ به براى <اذكر> در آيه قبل را دارد. ۲ ظرف براى <كان> و يا <نبيّاً> باشد. برداشت فوق بر احتمال دوم مبتنى است.

وقت ارائه معجزه موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۹ - ۶

۶ - موسى (ع) ، مناسب ترين زمان را براى تبليغ و ارائه معجزات خويش و منكوب ساختن فرعون برگزيد .

قال موعدكم يوم الزينه و أن يحشرالناس ضحًى

روز عيـد، نوعاً روز فراغت و آمادگى فكرى مردم است. انتخاب چنين روزى از سوى موسـى(ع) و نيز توجه به حضور گسترده مردم در روشنايى روز، حكايت از انتخاب مناسب آن حضرت دارد.

وقت ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۵

۵ - سحرگاهان ، لحظاتى مباركـ ، براى صالحان *

نجّينهم بسحر

تصريح به <سحر> و تعيين زمان نجات خاندان لوط، ممكن است بيانگر مطلب ياد شده باشد.

وقت استراحت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترين زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتًا . و جعلنا الّیل لباسًا

وقت استراحت مصریان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۵ – ۱

۱ – ورود موسی (ع) به شهر مصر ، در ساعت استراحت و غفلت و بی

خبری مردم

و دخل المدینه علی حین غفله من أهلها

<غفلت> به معنای بی خبری و مراد از <علی حین غفله من أهلها> (ساعت بی خبری مردم شهر) زمانی است که مردم دست از کسب و کار می کشند و به خانه هایشان برمی گردند و از آنچه در شهر می گذرد بی خبر می مانند.

وقت استراحت مولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۰،۱۵

۱۰ - رفت و آمد خدمت کاران به اتاق صاحبان خود ، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، استراحت نیمروزی و هنگام خواب شب ، بدون اذن جایز است .

لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم . .. من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و لا علیهم جنا

۱۵ - ضرورت معاشرت تنگاتنگ خدمت کاران با صاحبان خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل لازم نبودن اذن خواستن برای رفت و آمد نزدیک آنان در غیر از سه وقت مقرر

لیستئذنکم . .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

وقت استراحت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۴،۱۱

۴ - پیش از نماز بامداد ، وقت استراحت نیمروزی (ظهر) وپس از نماز عشا (هنگام خواب شب) ، سه زمان برهنگی و خلوت پدران و مادران محسوب می شود .

لیستئذنکم . .. ثلث مرّت من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثیابکم من الظهیره و من بعد

۱۱ - رفت و آمد فرزندان به اتاق پدر و مادر ، در غیر

از سه وقت پیش از طلوع فجر ، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا ، بدون اذن جایز است .

لیسئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

وقت استغفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۵

۱۵- خصوصیت های زمانی ، در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت دخیل است .

سأستغفر لک ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۲

۲ - سحرگاهان ، بهترین و مناسب ترین زمان برای راز و نیاز با خداوند و طلب آمرزش از او

و بالأسحار هم یستغفرون

وقت استغفار یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۸

۱۸ < عن أبی عبدالله (ع) : فی قول یعقوب لبنیه < سوف أستغفر لکم ربی > قال : أخّرها إلی السحر لیله الجمعه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب که گفت: <سوف أستغفر لکم ربی> روایت شده است که فرمود: یعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت>.

وقت اعلام تبری از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۳

۳ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، روز ابلاغ پیام برائت خدا و پیامبر (ص) به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من اللّه و رسوله إلی الناس یوم الحج الأکبر

بر اساس نظر مفسران، سال نهم هجرت، سال اعلام برائت است

و بر پایه روایاتی که از ائمه معصومین (ع) رسیده است، روز حج اکبر، دهم ذیحجه است.

وقت انتقام از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۲

۲- انتقام اصلی خداوند از کفر پیشگان ، موکول به روز قیامت

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

وقت ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم

وقت بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۶،۷،۸

۶ - بازگشت انسان به سوی خدا است .

یوم یرجعون إلیه

۷ - خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قد یعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <و یوم. ..> عطف بر <ما أنتم...> باشد.

۸ - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز)

است .

ألا إنّ للّه ما فى السموت و الأرض قد يعلم ما أنتم عليه و يوم يرجعون إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۷

۷ - بازگشت به خدا ، بلافاصله پس از مرگ نیست ، بلکه پس از گذشت مدتی طولانی خواهد بود .

کلّ نفس ذائقه الموت ثمّ إلینا ترجعون

<ثمّ> حرف عطف تراخی دلالت

بر نکته بالا می کند.

وقت بازگشت مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۹ – ۴

۴– ورود مریم (س) با نوزادش عیسی (ع) بر قوم خویش ، به هنگام روز بود .

فلن أكلّم اليوم إنسيًّا . .. فأشارت إليه

وقت برپایی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۷ – ۳،۶،۱۰

۳ پیامبر (ص) موظف به اعلام عدم آگاهی خویش به لحظه فرارسیدن قیامت

قل إنما علمها عند ربی

۶ برپایی و ظهور قیامت دارای وقتی مشخص

لا يجليها لوقتها إلا هو

۱۰ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت ، حتی به صورت احتمال

لا تأتيكم إلا بغته

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که انسان زمان تحقق آن را، حتی به صورت احتمال و حدس، در ذهن خویش ترسیم نکرده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۸ – ۱۴

۱۴ زمان برپایی قیامت از امور غیبی است .

لو كنت أعلم الغيب لاستكثرت من الخير

پيامبر(ص) در پاسخ كسانى كه مى پنداشتند او به زمان برپايى قيامت آگاهى دارد، با جمله <لو كنت أعلم الغيب . .. > بيان مى دارد كه من عالم به غيب نيستم ; يعنى زمان برپايى قيامت از امور غيبى جهان است.

وقت برخورد سپاه فرعون با بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۱

۱ - نزديك شدن سپاه فرعون به بنى اسرائيل

، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه <مشـرقین> از مصـدر <اشـراق> (داخـل شـدن در وقـت طلـوع خورشـید) مشـتق شـده اسـت و حـال از ضـمیر فـاعل <أتبعوهم> می باشـد; یعنی، <فلحقوا بهم حـالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشـمس>. گفتنی است که <إتباع> (مصـدر <أتبعوا>) در این جا به معنای ملحق شدن است.

وقت بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۳

۳ - < قال الصادق (ع) : < أُقّتت > أی بعثت فی اوُقات مختلفه ;

امام صادق(ع) درباره <أُقّتت> فرمود: یعنی [آن گاه که رسولان] در اوقات مختلف مبعوث شوند>.

وقت بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۷

۷- بیداری اصحاب کهف ، هم زمان با یکدیگر و در هنگامی بود که پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض . .. فابعثوا أحدکم

از گفتوگوی اصـحاب کهف در باره مشـخصات زمان خواب شان و نیز از تصـمیم آنان به تهیه غذا از شـهر، نکته فوق استفاده می شود.

وقت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفی> برای جزای اخروی، نشانگر آن

است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد; اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

وقت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

وقت پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۹

۹- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت ممّا عملوا و لیوفّیهم أعملهم و هم لایظلمون

لام در <لیوفّیهم>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ -

۱۱ – قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت أین ما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً

جمله <أین ما تکونوا . ..> تعلیل جمله قبل است; یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک بپردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۶ – ۱

۱ – قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

وقت پاداش مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۰ – ۲

۲ – اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

وقت پیروزی مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۹ – ۱۲،۱۳

۱۲– پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

وقت تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۷ – ۳

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الّیل> ; و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ; یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۳ – ۶

۶ – روز ، زمان مناسب برای تلاش و کوشش جهت تأمین زندگی است .

و من ءایته . .. و النهار و ابتغاؤکم من فضله

برداشت بالاـ همان گونه که برخی مفسران نیز گفته اند، بنابراین اساس است که در آیه، تقدیم و تأخیری به این صورت <و من آیاته منامکم بالیل و ابتغاؤکم من فضله بالنهار> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۲۲

۲۲ – روز ، زمان مناسب برای تلاش اقتصادی و تأمین زندگی

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. یبتغون من فضل اللّه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که تلاش روزانه (یبتغون. ..) در برابر شب زنده داری (تقوم...اللیل) واقع شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۱ – ۲

۲ – روز ، زمانی مناسب برای فعالیت و فراهم سازی آذوقه زندگانی

و جعلنا النهار معاشًا

از جمله معانی <معاش، <معیشت> است; یعنی، آنچه زندگی به آن

تداوم یابد (لسان العرب). مفاد آیه شریفه با توجّه به این معنا، مبالغه در سبب بودن روز برای معیشت و زندگانی است.

وقت تأمین نیاز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < إنّ لک فی النهار سبحاً طویلًا > یقول : فراغاً طویلًا لنومک و لحاجتک ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <إنّ لک فی النهار سبحاً طویلًا> روایت شده که خدا [به رسول خود]می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت>.

وقت تجمع اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۱ - ۱

۱ - صاحبان بوستان یمنی در سپیده صبح ، همدیگر را صدا زده و در یک جا اجتماع کردند .

فتنادوا مصبحین

<مصبح> (مفرد <مصبحین>) به کسی گویند که در آغاز طلوع فجر (سپیده صبح) وارد شده باشد.

وقت تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۱،۲،۴

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ صریح آگاه نبودن خویش ، از زمان تحقق وعده های خداوند به مردم

قل إن أدری أقریب ما توعدون

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

<أمَد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به

قرینه <قریب> مدت طولانی است.

۴ - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره <نضربن حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کنتم صادقین> (۱۰/۴۸).

وقت تسبیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۳،۴

۳ - تسبیح و تنزیه خداوند ، در هر صبح و شام ، لازم است .

فسبحن اللّه حین تمسون و حین تصبحون

برداشت بالا، بنابراین است که <سبحان> بدل از فعل امر باشد.

۴ - صبح گاهان و شام گاهان ، لحظه هایی ویژه و مناسب برای تسبیح و عبادت خدا است .

فسبحن اللّه حین تمسون و حین تصبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۲،۴

۲ - تسبیح خداوند به هنگام شام گاه و نیم روز ، لازم است .

فسبحن اللّه . .. و عشیًّا و حین تظهرون

۴ - تسبیح خداوند در همه لحظه ها و فرصت ها ، لازم است .

فسبحن اللّه حین تمسون و حین تصبحون . .. و عشیًّا و حین تظهرون

احتمال دارد ذکر اوقات یاد شده که وقت های ممتاز شبانه روز است کنایه از همه لحظه های مناسب شبانه روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲

۳ - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا اللّه . .. و سبّحوه بکره و أصیلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۶

۶ - شبانگاه و بامداد ، بهترین وقت برای تسبیح پروردگار جهان

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که تصریح به شبانگاه و بامداد به خاطر خصوصیت ویژه ای باشد که در آن دو زمان وجود دارد و قهراً این خصوصیت می تواند حاکی از برتری و امتیاز آن دو وقت باشد.

وقت تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۵

۱۵- سپیده دم و پسین گاه ، زمان های مناسب برای تسبیح خداوند

أن سبّحوا بکره و عشیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۶،۷

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

<باء> در <بحمد ربّک> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب

<سبّح> گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از

اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآیِ الّیل فسبّح و أطراف النهار

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و <من> معنای تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل>; یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربّک> در صدر آیه، قرینه براین است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۳،۱۰

۱۰ - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند ، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع . .. یسبّح له فیها بالغدوّ و الأصال

۱۳ - صبح و شب ، موقعیت های بسیار مناسب برای تسبیح و تقدیس خداوند

یسبّح له فیها بالغدوّ و الأصال

قید <بالغدوّ و الأصال> برای این نیست که تسبیح را به دو وقت صبح و شب مقید سازد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این دو وقت از میان دیگر وقت ها بیانگر مناسب تر بودن آن دو، برای تسبیح و عبادت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶،۱۲

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد

به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۹ – ۹

۹ – آغاز و پایان هر روز ، مناسب ترین لحظات برای یاد خدا و تسبیح او

و تسبّحوه بکره و أصیلاً

اختصاص یافتن <بکره> و <أصیلاً> به ذکر، ممکن است کنایه از همه لحظات نباشد، بلکه تأکیدی بر این دو مجال به حساب آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۹ – ۵،۱۰

۵ – پیامبر (ص) ، مأمور تسبیح و ستایش پروردگار ، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

۱۰ – < عن النبی (ص) فی قوله < و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب > قال : قبل طلوع الشمس صلاه الصبح ، و قبل الغروب صلاه العصر ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس. ..> روایت شده است که فرمود: [مراد از تسبیح] قبل از طلوع خورشید <نماز صبح> و [مراد از تسبیح] قبل از غروب <نماز عصر> است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ – شب هنگام ، وقت مناسب برای عبادت ، تسبیح و ستایش خداوند

و من الّیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً

وقت تشخیص جنسیت جنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۵

۵ - مشخص شدن جنسیت (نر و ماده بودن) ، پس از استقرار

نطفه در رحم

و أنّه خلق الزوجين الذكر و الأُنثى . من نطفه إذا تمنى

وصف <إذا تمنى>، می تواند بیانگر این معنا باشد که نوع زوجین و جنسیت آنها، پس از جریان نطفه و استقرار در رحم صورت می گیرد.

وقت تعیین سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۶

۶- شب قدر ، شب سرنوشت

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

با این که در معنای آیه شریفه، احتمال های مختلفی رخ می نماید; اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شده است. به علاوه که ارتباط این آیه با وصف <مبارکه> در آیه قبل، مؤید آن است.

وقت تقدیر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۱

۱- شب قدر ، شب تقدیر ، تدبّر و تثبیت امور هستی

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

واژه <یفرق> ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۵

۵ - مشخصات امور جهان در شب قدر ، تعیین می شود .

لیله القدر

<قدر> در معانی گوناگونی به کار رفته است; از جمله <تقدیر> (مصباح); <تدبیرامور> (قاموس); <تقسیم ارزاق>، <شرف> و <عظمت> (تاج العروس) و . .. . برداشت یاد شده ناظر به معنای اول و دوم است. مطلق بودن کلمه <قدر>، آن را شایسته تطبیق بر تمام مقدّرات ساخته و <من کلّ أمر> (در ذیل سوره) گواه تعمیم است.

وقت تقسیم روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ -

۱۰ - < عن اسحاق بن عمار عن أبی عبدالله (ع) قال : سمعته یقول و ناس یسألونه و یقولون إنّ الأرزاق تقسم لیله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلک إلاّ فی لیله تسع عشره من شهر رمضان و احدی و عشرین و ثلاث و عشرین فإنّ فی لیله تسع عشره یلتقی الجمعان و فی لیله احدی و عشرین یفرق کلّ أمر حکیم و فی لیله ثلاث و عشرین یمضی ما أراد الله جلّ جلاله ذلک و هی لیله القدر التی قال الله : < خیر من ألف شهر > ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست ویکم و شب بیست و سوم; زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد]فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن]فرموده: خیر من ألف شهر>.

وقت تلاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۲

۲ - روز ، زمانی مناسب برای فعالیت و فراهم سازی آذوقه زندگانی

و جعلنا النهار معاشًا

از جمله معانی <معاش، <معیشت>

است; یعنی، آنچه زندگی به آن تداوم یابد (لسان العرب). مفاد آیه شریفه با توجّه به این معنا، مبالغه در سبب بودن روز برای معیشت و زندگانی است.

وقت توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إنّ الذین کفروا و . .. ثمّ ماتوا و هم کفّار فلن یغفر اللّه لهم

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن یغفر اللّه> نخواهد بود.

وقت تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- لحظات آرام و تیره شب ، لحظاتی مناسب برای ارتباط با خدا و اوج گرفتن در مقامات معنوی

و من الّیل فتهجّد به . .. عسی أن یبعثک ربّک مقامًا محمودًا

هر چند عبادت در همه حالات مناسب است، اما اختصاص به ذکر شب از میان سایر اوقات بخصوص با لفظ <تهجّد> که بیدار شدن از خواب را دربردارد می تواند بر نکته فوق دلالت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۵

۵ - لزوم پرداختن به تهّجد ، پس از استراحت

إنّ ناشئه الّیل هی أشدّ وطًا

برخی از اهل لغت <ناشئه اللیل> را به برخاستن پس از خوابیدن (القومه بعد النومه) معنا کرده اند (قاموس المحیط).

وقت ثبت عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۷

جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۸

۸ - نسخه برداری از اعمال آدمیان ، هم زمان با صدور عمل از سوی آنان *

إنّا كنّا نستنسخ

تعبیر <إنّا كنّا. ..> با <ما كنتم...> هم وزن و هر دو ماضی استمراری است. این هماهنگی تعبیرها، افاده می کند که استنساخ عمل، هم زمان با خود عمل صورت گرفته است.

وقت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۴،۵

۴ - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

۵ - حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحج

<الحج> عطف به <الناس> می باشد; یعنی، هی مواقیت الحج.

وقت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۶،۷

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سبّح بحمد ربّك قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

<باء> در <بحمد ربّك> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب <سبّح> گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآيِ الّيل فسبّح و أطراف النهار

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و <من> معنای

تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل>; یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربّك> در صدر آیه، قرینه براین است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۲،۱۶

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربّك بالعشیّ و الإبكر

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّك بالعشیّ و الإبكر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

وقت خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۰

۲۰ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < یوم الجمعه سید الأیام . . . خلق اللّه فیه آدم واهبط فیه آدم إلی الأرض ;

روز جمعه شریف ترین روزهاست . .. در آن روز خداوند آدم را آفرید و در همین روز او را به زمین فرستاد>.

وقت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۳،۵

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الّیل> ; و به قرینه <لتسکنوا

فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ; یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

۵ شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۳

۳ - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و <النهار> مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به <إبتغاء> و <بالّیل> متعلق به <منامکم> باشد، نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتًا . و جعلنا الّیل لباسًا

وقت خواب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < إنّ لک فی النهار سبحاً طویلاً > یقول : فراغاً طویلاً لنومک و لحاجتک ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <إنّ لک فی النهار سبحاً طویلاً> روایت شده که خدا [به رسول خود]می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت>.

وقت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۵

۱۵ - ماه رمضان ، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان

. .. و إذا سألك عبادى عنى فإنى أجيب دعوه الداع

برداشت فوق بيانگر وجه ارتباط آيه مورد بحث با آيه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۹

۹ بامدادان و شامگاهان، فرصتهايى مناسب براى نيايش و دعاست.

يدعون ربهم بالغدوه و العشىّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۸

۸- سپيده دم و پسين ، فرصت هايى مناسب براى دعا به درگاه خداوند است .

بالغدوه و العشىّ

مراد از <غداه و عشىّ> ممكن است دو زمان مخصوص باشد و احتمال مى رود تمام ساعات شبانه روز مورد نظر باشد. برداشت بالا، ناظر به نخستين معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۵

۱۵- خصوصيت هاى زمانى ، در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت دخيل است .

سأستغفر لك ربّى

وقت ذبح قربانى حج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۲

۲ - مراسم قربانى ، داراى زمانى معين است .

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۴ – ۳

۳ – مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هریک از ادیان آسمانی پیشین

و لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا

وقت ذکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۱ – ۱۴

۱۴ آغاز و پایان روز ، از مناسبترین اوقات برای یاد خدا

و اذکر ربّک . .. بالعشیّ

و الابکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۲ – ۳

۳ – صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا اللّه . .. و سبّحوه بکره و أصیلًا

بنابراین که <بکره> و <أصیلًا> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

وقت ذکر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۱۶

۱۶ – شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّك بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۹ – ۹

۹ – آغاز و پایان هر روز ، مناسب ترین لحظات برای یاد خدا و تسبیح او

و تسبّحوه بکره و أصیلًا

اختصاص یافتن <بکره> و <أصیلًا> به ذکر، ممکن است کنایه از همه لحظات نباشد، بلکه تأکیدی بر این دو مجال به حساب آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۹ – ۹

۹ - قبل از طلوع و غروب خورشید ، لحظه هایی مناسب برای یاد خدا *

و سبّح بحمد ربّك قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۲

۲ - لزوم ذکر و یادکردن پروردگار در ضمن تلاش

گسترده روزانه

إنّ لک فی النهار سبحًا طویلًا . و اذکر اسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۱،۵

۱ - ذکر نام پروردگار و یاد او در سپیده دم و پسین گاه ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

<بکره>، هم به فاصله میان نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب) و هم به آغاز روز (مفردات راغب). <اصیلاً> به فاصله میان عصر و مغرب گفته می شود (صحاح اللغه) و نیز به معنای آخر روز آمده است (العین). <ذکر> هم دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان. (مفردات راغب)

۵ - سپیده دم و پسین گاه ، از اوقات مناسب برای ذکر و یاد خداوند

و اذکر اسم ربّک بکره و$ أصیلاً

أصیلاً

وقت روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱

۱ - زمان روزه گرفتن ، روزهاست نه شبها

کتب علیکم الصیام . .. أیاماً

<أیاماً> ظرف زمان برای <الصیام> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱

۱ - ماه رمضان ، ماهی که برای روزه گرفتن تعیین شده است .

كتب عليكم الصيام . .. أياماً معدودت ... شهر رمضان

<شهر رمضان> خبر براى مبتداى محذوف; يعنى، <هى> است كه به <أياماً معدودات> بر مى گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۱

۲۱ - زمان روزه از طلوع فجر تا شب است .

ثم أتموا

الصیام إلی الیل

وقت شب قدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۵ – ۳۷

۳۷ – فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده : < فان قال : فلم جعل الصوم فی شهر رمضان خاصه دون سایر الشهور ؟ قیل لأن شهر رمضان هو الشهر الذی أنزل اللّه فیه القرآن و فیه فرّق بین الحق و الباطل کما قال اللّه عز و جل < شهر رمضان الذی أنزل فیه القرآن هدًی للناس و بینات من الهدی و الفرقان > و فیه نبّیء محمد (ص) و فیه لیله القدر التی هی خیر من ألف شهر . . . ;

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده <شهر رمضان الذی أنزل فیه القرآن هدًی للناس و بینات من الهدی و الفرقان>. در این ماه حضرت محمد(ص) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ... >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴ – ۹

۹– < عن أبی عبداللّه (ع) : . . . إذا کانت لیله ثلاث و عشرین (من رمضان) < فیها یفرق کلّ أمر حکیم > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: .

..هر گاه شب بیست سوم رمضان فرا رسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد>... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ - < عن اسحاق بن عمار عن أبی عبداللّه (ع) قال : سمعته یقول و ناس یسألونه و یقولون إنّ الأرزاق تقسم لیله النصف من شعبان فقال : لا و اللّه ما ذلک إلاّ فی لیله تسع عشره من شهر رمضان و احدی و عشرین و ثلاث و عشرین فإنّ فی لیله تسع عشره یلتقی الجمعان و فی لیله احدی و عشرین یفرق کلّ أمر حکیم و فی لیله ثلاث و عشرین یمضی ما أراد اللّه جلّ جلاله ذلک و هی لیله القدر التی قال اللّه : < خیر من ألف شهر > ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست ویکم و شب بیست و سوم; زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد]فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن]فرموده: خیر من ألف شهر>.

۱۱ - < عن زراره عن أبی جعفر

(ع) قال : سألته عن ليله القدر قال : هی احدی و عشرين أو ثلاث و عشرين ;

زراره گويد: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال كردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بيست و يكم يا شب بيست و سوم است>.

۱۲ - < عن ابن عمر قال : قال رسول اللّه (ص) : التمسوا ليله القدر ليله سبع و عشرين ;

از ابن عمر روايت شده كه رسول خدا(ص) فرمود: شب قدر را در شب بيست و هفتم بخواهيد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۵

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پايان سپيده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> كه برای بيان انتهای غايت است دلالت دارد كه نكته قبل، شامل زمان طلوع فجر نيز می شود.

وقت شكست حق ناپذيران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمايش كافران و مشركان حق ناپذير صدراسلام ، فلسفه به تأخير افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شكست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لكم

ضمير <لعلّه> به نكته ای برمی گردد كه از دو آيه قبل استفاده می شود. آن نكته، مسأله تأخير عذاب كافران و مشركان و يا نامعلوم بودن زمان شكست آنان و پيروزی مسلمين است.

وقت شكست كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شكست كافران و برپايی قيامت ، از امور غيبی

و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است; یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد; یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

وقت شکست کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۱ – ۱

۱– آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت شکست مشرکان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۱ – ۱

۱– آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت شناسی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ ضرورت بهره گیری مبلغان دینی ، از فرصت های مناسب برای ارشاد و هدایت مردم

أءنک لأنت یوسف قال أنا یوسف . .. من یتّق و یصبر

وقت طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۸

۸- بامداد و عصر ، وقت هایی مناسب برای غذا خوردن

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

وقت طلوع فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۲

۲۲ - آن هنگام که رشته سفیدِ ظاهر شده در افق از رشته سیاهِ شب تمییز داده شود ، هنگام فجر است .

حتی یتبیّن لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر

حرف <من> در <من الفجر> بیان برای <الخیط الأبیض> است; یعنی، آن رشته سفید همان فجر است.

وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۵

۵ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها ، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن اللّه حین تمسون و حین تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقدار حرکت ماده اند، تفاوتی با هم ندارند، اما از این که برخی ایام برای تسبیح خداوند مناسب

معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۸ – ۵،۶

۵ – ظهر و عشا ، لحظه هایی مناسب و ممتاز برای عبادت خداوند است .

فسبحن اللّه . .. و له الحمد ... و عشیًّا و حین تظهرون

در

صورتی که مراد از <حین تظهرون> همان لحظه های خاص عصرگاه و نیم روز باشد، این برداشت قابل استفاده است.

۶ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن اللّه . .. و عشیًّا و حین تظهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۷ - ۶

۶ - شب هنگام ، وقت مناسب و شایسته برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی$

کانوا قلیلاً من الّیل ما یهجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷ - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إنّ ناشئه الّیل هی أشدّ وطًا

یکی از معانی <ناشئه اللیل>، ساعات اول شب است (قاموس المحیط).

وقت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۸،۹

۸ - کیفر و عذاب خداوند ، تابع سنتِ اجلِ تعیین شده او است .

و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب

۹ - عذاب تعیین شده برای کافران ، به خاطر اجل معین ، تأخیر دارد و لکن تحقق اش قطعی است .

و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب

وقت عذاب اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ کفرپیشگان قوم شعیب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند .

فأصبحوا فی دیرهم جثمین

<أصبحوا> می تواند به معنای <دخلوا فی الصباح> (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای <صاروا> (شدند و گشتند) باشد.

بر اساس معنای نخست، جمله <فأصبحوا> دلالت می کند که هلاکت قوم شعیب در آغاز صبحدم بوده است و صیحه و غرش به قرینه <فاء> در <فأصبحوا> پیش از صبح; یعنی، در شب تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۴

۴ - زلزله مدین ، در شب رخ داد .

فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

احتمال دارد که <أصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصبح> باشد. بنابراین، زلزله، در شب اتفاق افتاده است.

وقت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲،۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

وقت عذاب قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۹

۹ کفرپیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دیرهم جثمین

چنان چه <أصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصباح> باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صیحه و غرش به قرینه فاء در <فأصبحوا> پیش از صبح; یعنی

در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۳ – ۱

۱– اصـحاب حجر (قـوم ثمـود) پس از تكـذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیـات الهی ، صـبحگاهان گرفتـار صـدای وحشتناك و غرش سهمگین شدند .

و لقد كذّب أصحب الحجر المرسلین . و ءاتینهم ءایتنا ... معرضین ... فأخذتهم الصی

وقت عذاب قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۳ – ۱،۴

۱– اظهار بی اطلاعی هود (ع) ، از كیفیت و زمان نزول عذاب الهی بر كافران قومش

فأتنا . .. قال إنّما العلم عند اللّه

۴– هود (ع) ، تنها موظف به ابلاغ رسالت خویش و نه تعیین زمان عذاب و آوردن آن

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنّما العلم عند اللّه و أُبلّغكم ما أُرسلت به

وقت عذاب قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۳،۲۳،۲۸

۳ فرشتگان ، فرا رسیدن زمان عذاب و كیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ كردند .

إنا رسل ربك لن یصلوا إلیك فأسر . .. ألیس الصبح بقریب

۲۳ صبحگاهِ ورود فرشتگان به دیار قوم لوط ، زمان مقرر شده برای نزول عذاب بر آن قوم

إن موعدهم الصبح

<ال> در <الصبح> جانشين مضاف اليه است. بنابراين <إن موعدهم الصبح>; يعنى: پگاه امشب ، زمان عذاب موعود قوم لوط مى باشد.

۲۸ < عن أبى بصير و غيره عن أحدهما عليهما السلام : . . . لما قال جبرئيل :

< إنا رسل ربك > قال له لوط : يا جبرئيل عجّل ، قال : نعم ، قال : يا جبرئيل عجّل ، قال : < إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب > . . . فأدخل جناحه تحتها حتّى إذا استعلت قلّبها عليهم و رمى جدران المدينه بحجار من سجّيل و سمعت إمرأه لوط الهَدّه فهلكت منها ;

ابوبصير و غير او از امام باقر يا امام صادق عليهما السلام روايت كرده اند كه فرمود: هنگامى كه جبرئيل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستيم، لوط به او گفت: عجله كن، جبرئيل گفت: باشد. لوط گفت: عجله كن، جبرئيل گفت: <موعد هلاكت آنها صبح است، آيا صبح نزديك نيست؟>... پس بال خود را به زير زمين آن ديار فرو برد، آن گاه كه آن آبادى بالا رفت آن را به روى آنان واژگون كرد و ديوارهاى شهر را با سجيل (سنگ گِل) سنگباران كرد. همسر لوط صداى شديد فرو ريختن ديوارها را شنيد و از آن صدا به هلاكت رسيد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۴

۴- عذاب و هلاكت قوم لوط ، در صبحگاهان تحقق پذيرفت .

أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - نزول عذاب بر قوم لوط ، در صبحگاهان

و لقد صبّحهم بكره عذاب مستقرّ

۲ - وزش طوفان شن بر قوم لوط ، در نخستين ساعات روز

إنّا أرسلنا عليهم حاصبًا . .. و لقد صبّحهم بكره عذاب

وقت عذاب كافران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲،۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۵،۱۰

۵ - عذاب های تعیین شده از سوی خداوند برای کافران ، دارای اجل و وقت معینی است .

و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب

۱۰ - عذاب کافران در موعد مقرر ، به صورت ناگهانی ، آنان را فراخواهد گرفت .

و لیأتینّهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۷

۷ - کافران ، اگر به خاطر اجل تعیین شده در دنیا ، گرفتار عذاب نشوند ، عذاب اخروی شان قطعی است .

و یستعجلونک بالعذاب و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب . .. یستعجلونک بالعذاب و إنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است; یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب>

خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد; یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری أقریب ما توعدون . .. إلّا من ارتضی من رسول

وقت عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۶

۱۶- تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا ، مهلت خداوند به آنان است .

فلیمدد له الرحمن مدًّا حتّی إذا رأوا ما یوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعه

وقت عذاب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲،۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدرى أقريب أم بعيد ماتوعدون

وقت غسل در ماه رمضان

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۵

۱۵ - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشروهن و ابتغوا ما کتب اللّه لکم . .. حتّی یتبیّن لکم الخیط الأبیض

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <ما کتب اللّه> تحصیل طهارت است; چنانچه در سوره مائده (آیه ۶) آمده است: <و إن کنتم جنباً فاطهروا . .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیداً طیباً>.

وقت فراغت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۳

۳ - فراغت بال پیامبر (ص) در شب

إنّ لک فی النهار سبحًا طویلاً

وقت فضیلت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۸،۱۵

۸- مطلوبیت و فضیلت اقامه نماز صبح در اول وقت (طلوع فجر)

و قرءان الفجر

با اینکه وقت نماز صبح نیز موسع است و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب مجال دارد، اضافه شدن نماز به <فجر> اهمیت و فضیلت اول وقت را می رساند.

۱۵- < عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبی عبدالله (ع) : أخبرنی بأفضل المواقیت فی صلاه الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عزّوجلّ یقول : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر کان مشهوداً > یعنی صلاه الفجر تشهده ملائکه اللیل و ملائکه النهار فإذا صلّی العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرّتین اثبت ها ملائکه اللیل و ملائکه النهار ;

اسحاق بن عمار گوید: به

امـام صادق(ع) عرض كردم: مرا از با فضـيلت ترين اوقات نماز صـبح خبر ده، حضـرت فرمود: نمازى است كه همگام با طلوع فجر باشـد. همانا خداونـد عزّوجلّ مى فرمايـد:< و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشـهوداً> مقصود نماز طلوع فجر است كه فرشـتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگى با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت مى دهند. پس زمانى كه بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا مى آورد، نماز صبح او دو بار ثبت مى شود: يك بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار ديگر [به وسيله]فرشتگان مأمور روز>.

وقت قربانى حج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۹

۹ - انجام تكليف قربانى ، موقوف به زمانى خاص و معين (دهم تا سيزدهم ذى حجه)

و يذكروا اسم اللّه فى أيّام معلومت على ما رزقهم من بهيمه الأنعم

براساس رواياتى كه از اهل بيت(ع) وارد شده است، مراد از <أيام معلومات>، ايام تشريق (دهم تاسيزدهم) ذى حجه است.

وقت قضاى روزه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۶

۶ - قضاى روزه هاى رمضان ، مشروط به وقتى خاص نيست .

فعده من أيام أخر

تعيين <أياماً معـدودات> به ماه رمضان - كه در آيه بعـد مطرح شده - و عدم تعيين <أيام أخر> به روزها و يا ماهى خاص، بيانگر اين است كه براى قضاى روزه هاى رمضان وقت خاصى در نظر گرفته نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۵ – ۱۸

۱۸ – قضای روزه های ماه رمضان مشروط به زمانی خاص نیست .

فعده من أیام أخر

دلیل این برداشت، نظیر استدلالی است که در برداشت شماره ۶ در آیه قبل گذشت.

وقت قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۴ – ۱،۳،۵

۱ خداوند برای برپایی قیامت ، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

۳ برای تأخیر قیامت ، دلیل و علتی جز انتظار فرارسیدن زمان مخصوص آن وجود ندارد .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

برداشت فوق ، بر این مبناست که لام در <لأجل> برای تعلیل باشد.

۵ تا برپایی قیامت ، تنها زمانی اندک باقی مانده است .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

کلمه <معدود> (شمارش دار) به اندک بودن تعداد اشاره دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۷ – ۷

۷ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت حتی به صورت احتمال

أو تأتیهم الساعه بغته و هم لایشعرون

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهـانی و بی خبر تحقق یافت که آدمی زمان تحقق آن را حتی به صورت احتمال و حـدس تعیین نکرده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۸ – ۲

۲– روز قیامت و زمان دقیق برپایی آن ، مشخص و معلوم در نزد خداوند

فأنظرنی إلی یوم یبعثون . قال فإنک من المنظرین . إلی یوم الوقت المعلوم

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از <الوقت المعلوم> روز رستاخیز و قیامت باشد و نام

گذاری آن روز به <وقت معلوم> برای این است که تنها خدا، زمان دقیق آن را می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۵

۵- نزدیکی برپایی قیامت در نظر خداوند ، علی رغم دور جلوه کردن آن در چشم آدمیان

و ما أمر الساعه إلّا کلمح البصر أو هو أقرب

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أمر الساعه> رخداد قیامت باشد نه فرمان برپایی آن; که در این صورت آیه می تواند به بینش آدمیان نسبت به دور بودن قیامت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۱،۲۰،۱۷

۱۷- مشرکان ، انتظار داشتند که پیامبر (ص) به زمان وقوع قیامت آگاه باشد .

و یقولون متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

۲۰- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد .

متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

۲۱- زمان وقوع قیامت ، نزدیک است .

و یقولون متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند به اراده خویش ، زمان برپایی قیامت را از انسان ها مخفی نگه داشته است .

أکاد أُخفیها

در قاموس آمده است که <أکاد> (در این آیه) به معنای <أرید> است و <أکاد أخفیها>; یعنی، اراده می کنم که آن را مخفی نگه دارم، براین اساس مراد از اخفای قیامت، پنهان داشتن زمان وقوع آن خواهد

بود، نه اصل وقوع آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۹

۹- زمان فروپاشی نظام طبیعت و برپایی قیامت ، زمانی معین در نزد خداوند

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

<ال> در <الساعه> برای عهد است. بنابراین <الساعه> آن هنگام اشاره به زمانی مشخص و معین دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۴

۴ - زمان برپایی قیامت ، زمانی است مشخص در پیشگاه خداوند .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

به کارگیری <ساعه> با الف و لام عهد بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۷۸

۷ - خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قد یعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <و یوم. ..> عطف بر <ما أنتم...> باشد.

۸ - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

ألا إنّ للّه ما فی السموت و الأرض قد یعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۵،۶

۵ - زمان برپایی قیامت ، از امور غیبی و علم آن تنها در اختیار خداوند

قل لایعلم . .. الغیب إلّاالله و ما یشعرون أیّان یبعثون

از ارتباط <أیّان یبعثون> با <الغیب> استفاده می شود که رستاخیز، خود مصداق و

نمونه ای از امور غیبی است که دانش آن تنها در اختیار خدا است.

۶ – آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز ، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

بـا توجه به این که معبودهـای دروغین مشـرکان، از مصـادیق مورد نظر در <مـا یشـعرون> هسـتند، از ارتباط آن با صـدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۱ – ۳

۳ – پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا. .. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۵ – ۶

۶ – زمان برپایی قیامت ، در آخرین لحظه های پایانی دنیا است . *

و یوم تقوم الساعه

نامیـده شـدن قیامت به <الساعه> ممکن است به جهت این باشد که قیامت، در آخرین دقیقه ها و لحظه های عمر دنیا رخ می دهد و ازاین رو، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۶ – ۱۲

۱۲ – کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

یقسم المجرمون . .. فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۱

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إنّ اللّه عنده علم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰

۱ - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

یسئلک الناس عن الساعه . .. لعلّ الساعه تکون قریبًا

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۴ - آگاهی از زمان وقوع قیامت ، امری برای مردم بس مهم بود .

یسئلک الناس عن الساعه

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد استهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ینته المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. یسئلک الناس عن الساعه

بنابراین که <ال> در <الناس> عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت بر گردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۶ - پیامبر (ص) نیز از زمان وقوع قیامت بی اطلاع بود .

یسئلک الناس عن الساعه . .. و مایدریک لعلّ الساعه تکون قریبًا

۷ - پیامبر (ص) هیچ راهی برای آگاهی از زمان وقوع قیامت ندارد .

و مایدریک لعلّ الساعه تکون قریبًا

<ما> در <مایدریک> استفهامیه و مبتدا، و جمله بعدی، خبر آن است و معنای عبارت چنین است: چه چیزی تو را آگاه می

کند از وقت وقوع قیامت؟

۹ – پاسخ خداوند به پرسش مردم درباره زمان قیامت ، این است

که جز خدا ، کسی خبر ندارد .

یسئلک الناس عن الساعه قل إنّما علمها عند اللّه

۱۰ – زمان وقوع قیامت ، از اخبار غیبی است .

قل إنّما علمها عند اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۰ – ۱،۵،۶

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم لاتستأخرون عنه ساعه

۵ – زمان وقوع قیامت ، تغییر ناپذیر است .

قل لکم میعاد یوم لاتستأخرون عنه ساعه و لاتستقدمون

۶ – زمان وقوع قیامت ، برای هیچ کس روشن نیست .

یقولون متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۸ – ۲

۲ – قیامت ، روزی است قریب الوقوع .

یوم الأزفه

<الآزفه> اسم فاعل از فعل <أزِفَ به معنای <قَرُبَ> می باشد. <یوم الآزفه>; یعنی، روز نزدیک شونده.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱،۲،۳

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إلیه یردّ علم الساعه

تقدیم <إلیه> بر <یردّ> مفید حصر است.

۲ - قیامت و زمان برپایی آن ، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إلیه یردّ علم الساعه

۳ - آگاهی خداوند از زمان برپایی قیامت ، لازمه ربوبیت او است .

و ما ربّک بظلّم . .. إلیه یردّ علم

الساعه

با توجه به رجوع ضمیر <إلیه> به <ربّک> در آیه قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ - امکان برپایی قیامت ، در هر لحظه از زمان

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

۱۲ - زمان وقوع قیامت ، مخفی و پنهان حتی برای پیامبر (ص)

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۹

۹ - تعیین زمان برپایی قیامت ، در اختیار خداوند و در گرو مشیت او است .

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

با توجه به این که زمان جمع آوری موجودات روز قیامت است، از آیه شریفه استفاده می شود که تعیین زمان آن وابسته به اراده و مشیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۵

۵ - آگاهی به زمان برپایی قیامت مختص خداوند است .

له ملک السموت و الأرض . .. و عنده علم الساعه

از تقدم خبر بر مبتدا، حصر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود; زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- واقعه - ۵۶ - ۵۰ - ۴

۴ - زمان برپایی قیامت ، معلوم و مشخص نزد خداوند

إلی میقت یوم معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۴

۴ - زمان برپایی رستاخیز ، خارج از قلمرو دانش بشر

و ننشئکم فی ما لاتعلمون

<ما>ی موصوله در <فیما>، می تواند کنایه از کیفیت خلقت اخروی و یا کنایه از زمان حیات مجدد یافتن انسان در آخرت باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است; یعنی، ما مرگ را بر این اساس مقدر کردیم که در زمانی که نمی دانید، شما را بار دیگر ایجاد کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱،۷

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست; بلکه از باب تهکّم و استهزا است.

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۲،۳،۵

۲ - آگاهی از زمان دقیق برپایی قیامت ، تنها در انحصار خداوند است و هیچ کس از آن باخبر نیست .

و يقولون متى هذا الوعد . .. قل إنّما العلم عند اللّه

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إنّما العلم عند

اللّه

پاسخ پیامبر(ص) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در انحصار خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

۵ - پیامبر (ص) ، تنها عهده دار انذار مردمان ، درباره برپایی قیامت بود ، نه مشخص ساختن زمان دقیق آن .

قل إنّما العلم عند اللّه و إنّما أنا نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حصر در <إنّما أنا نذیر> حصر اضافی بوده و نسبت به علم به زمان برپایی قیامت سنجیده شده است؛ یعنی، من تنها انذارگر به وقوع قیامت هستم، نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری أقریب ما توعدون . .. إلاّ من ارتضی من رسول

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱،۲

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل أیّان یوم القیمه

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، از دیر زمان و در علم خداوند ، دارای زمانی مشخص بوده است .

إنّ یوم الفصل کان میقتًا

فعل <کان> دلالت دارد که وقت قیامت از پیش مشخص بوده است. <میقات> گر چه اسم آلت است; ولی معنای <وقت> دارد; نظیر میعاد و میلاد که از اسم آلت بودن خارج شده و به معنای مصدر خود استعمال شده اند. متعلق میقات به قرینه سیاق کلام محشور شدن و مجازات دیدن است; یعنی، قیامت وقت مشخص شده برای این حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۱

۱ - تنها خداوند ، خصوصیات قیامت و زمان وقوع آن را می داند .

إلی ربّک منتهیها

<منتهاها> به قرینه سیاق آیات پیشین به معنای منتهای علم به قیامت و شناخت خصوصیات و زمان آن است. تقدیم <إلی ربّک> بیانگر حصر است.

وقت کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۷ – ۱

۱ – شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إنّ لک فی النهار سبحًا طویلاً

<سبح>

در معانی متعددی به کار می رود; از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحیط). جمله <إنّ لک فی النهار>، تعلیل دیگری برای <قم اللیل>است; یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

وقت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفی> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد; اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

وقت کیفر عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۹ – ۹

۹- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت ممّا عملوا و

ليوفّيهم أعملهم و هم لايظلمون

لام در <ليوفّيهم>، بيانگر غايت و هدف است و اين كه با <واو> آمده است (و ليوفّيهم) نشان مى دهد كه اهداف چندى براى وجود معاد در كار است كه به ذكر يكى از آنها اكتفا شده است و آن نفى ظلم در نظام پاداش و كيفر و برخوردارى انسان ها از نتايج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قيامت ، روز برانگيخته شدن انسان ها براى محاكمه و كيفر و پاداش

يوم يبعثهم اللّه جميعًا فينبّئهم بما عملوا

وقت گواهى اخروى انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ - ۱

۱ - گواهى پيامبران بر امت هاى خويش ، داراى وقتى معيّن در عرصه قيامت

و إذا الرسل أُقّتت . لأىّ يوم أُجّلت

<أىّ> اسم استفهام و يا موصوله و مفيد تعظيم و تهويل است. <اُجّلت> به معناى <أخّرت> است. در اين برداشت مرجع ضمير فاعلى <اُجّلت>، ميقات و گواهى پيامبران (قابل استفاده از آيه قبل) دانسته شد.

وقت لقاءاللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۵،۶،۱۴

۵ لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشكار شدن حق براى اوست .

يوم يلقونه

مراد از <يوم يلقونه> مى تواند مرگ باشد و همچنين مى تواند قيامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۶ قیامت ، روز ملاقات انسان با خدا

یوم یلقونه

۱۴ از علی (ع) روایت شده که : < و اما قوله تعالی : . .

. > إلی یوم یلقونه بما أخلفوا اللّه ما وعدوه . . . یعنی البعث فسمّاه اللّه عز و جل لقائه ;

مراد از <یوم یلقونه> در آیه شریفه، روز رستاخیز است که خدای عز و جل آن را روز لقای خود نامیده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۱

۱ قیامت ، روز دیدار با خداست .

إن الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۵

۵ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لایرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵ - ۲،۴،۵

۲ - لقای الهی ، موعد مشخّصی دارد .

من کان یرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

۴ - قیامت ، ظرف تحقق لقاءاللّه و حضور در پیشگاه خداوند است .

من کان یرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

<لقاءاللّه> عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

۵ – لقاءاللّه ، پس از مرگ ، برای مشتاقان به آن ، تحقق پیدا می کند .

من کان یرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

<أجل> در اصل، به معنای <مدت تعیین شده برای هرچیز> است و در <مدت تعیین شده برای حیات انسان> که از آن، به <مرگ> تعبیر

می شود نیز استعمال می شود(مفردات راغب) بنابر معنای استعمالی آن، احتمال دارد مراد از <أجل اللّه> مرگی باشد که خداوند، برای انسان ها، مقرر کرده است. در این صورت، <فإنّ أجل اللّه لأت> اشعار دارد که لقاءاللّه، پس از مرگ، جامه عمل می پوشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۸ – ۱۴

۱۴ – قیامت ، جایگاه ملاقات مردم با خداوند است .

و إنّ کثیرًا من الناس بلقای ربّهم لکفرون

مراد از <لقاء ربّهم> برپایی قیامت است. اطلاق <لقاء ربّ> برای قیامت، از باب اطلاق فعل بر ظرفِ تحقق آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۶ – ۴

۴ – آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذین . .. کذّبوا ... و لقایِ الأخره

تعبیر از <تکذیب آخرت> به <تکذیب لقای آخرت>، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۴ – ۲

۲ – قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۶ – ۸

۸ – قیامت ، میعاد ملاقات انسان با خداوند است .

فملقیه

وقت مبارزه با موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۸ – ۳،۴

۳ – گردآوری ساحران ، برای هماوردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحره

لمیقت یوم معلوم

<میقات> به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴ – اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هماوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

وقت مبارزه جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۸ – ۳،۴

۳ – گردآوری ساحران ، برای هماوردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

<میقات> به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴ – اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هماوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

وقت محرومیت از تعلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵ – ۲۱

۲۱– قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری

محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا

وقت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۱ - ۴

۴ - هرکس ، دارای اجل (زمان مردن) معینی است که فرا خواهد رسید .

و لن یؤخّر اللّه نفسًا إذا جاء أجلها

وقت میوه چینی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۲ - ۱

۱ - باغداران یمنی ، همدیگر را به چیدن میوه ها در سپیده صبح تحریک و ترغیب کردند .

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرمین

وقت نابودی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۹

۹- زمان فروپاشی نظام طبیعت و برپایی قیامت ، زمانی معین در نزد خداوند

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

<ال> در <الساعه> برای عهد است. بنابراین <الساعه> آن هنگام اشاره به زمانی مشخص و معین دارد.

وقت نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۴ – ۴

۴ – نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نجّینهم بسحر

وقت نزول بلا بر باغ سوخته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۹ – ۲

۲ – در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فطاف . .. و هم نائمون

وقت نزول زبور

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۵ – ۱۲

۱۲– < [النبی (ص)] قال : . . . أمّا العشـرون : أنزل الزبور علی داود فی عشـرین یوماً خلون من شهر رمضان و ذلک قوله فی القرآن : < و آتینا داود زبوراً > . . . ;

پیامبر(ص)] فرمود: . .. اما بیست ... مقصود بیستم ماه رمضان است که در آن زبور بر داوود نازل شد و این سخن خدا در قرآن است که می فرماید: و آتینا داود زبوراً...>.

وقت نزول قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳ – ۱۱

۱۱– < عن حُمران انّه سأل أبا جعفر (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < إنّا أنزلناه فی لیله مبارکه > قال : نعم هی لیله القدر و هی فی کلّ سنه فی شهر رمضان فی العشر الأواخر فلم ینزل القرآن إلاّ فی لیله القدر . . . ;

از حمران روایت شده است که از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <إنّا أنزلناه فی لیله مبارکه> سؤال کرد; حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قدر – ۹۷ – ۱ – ۳

۳ – قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إنّا أنزلنه فی لیله القدر

وقت نزول وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده

- ۵ - ۱۰۱ - ۸

۸ زمان و حالت نزول وحی دارای خصوصیتی ویژه می باشد .

و إن تسئلوا عنها حین ینزل القرءان تبدلکم

وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۸

۸ نماز را باید در اوقاتی خاص و معین برپا کرد .

ان الصلوه کانت علی المؤمنین کتباً موقوتاً

<موقوتاً> از ماده <وقت>، به معنای زمان مشخص و محدود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷ - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إنّ ناشئه الّیل هی أشدّ وطًا

یکی از معانی <ناشئه اللیل>، ساعات اول شب است (قاموس المحیط).

وقت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۶

۶ - برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إنّ ناشئه الّیل

<ناشئه اللیل>، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحیط).

وقت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۷

۳۷ - < عن علی بن مهزیار قال : کتب ابوالحسن بن الحصین إلی أبی جعفر الثانی (ع) معی جعلت فداک ، قد اختلفت موالوک فی صلاه الفجر فمنهم من یصلی إذا طلع الفجر الأول المستطیل فی السماء و منهم من یصلی إذا اعترض فی أسفل الأفق و استبان . . . فکتب (ع) بخطه و قرأته : الفجر - یرحمک اللّه - هو الخیط الأبیض المتعرض لیس هو الأبیض صعداً .

. . فقال : كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر . . . ;

علی بن مهزیار می گوید: ابوالحسن بن حصین در نامه ای که توسط من به امام جواد(ع) فرستاد، نوشت: فدایت شوم، دوستان و شیعیان شما در وقت نماز صبح اختلاف دارند; گروهی از آنان، وقتی سپیده اول (فجر کاذب) که در آسمان کشیده می شود طلوع نمود، نماز صبح می خوانند و بعضی نیز وقتی سپیده در پایین افق پخش و آشکار شد نماز می خوانند. امام (ع) با خط خود نوشت و من آن را خواندم که فجر همان نوار سفیدی است که در عرض افق ظاهر می شود و آن سفیدی که به طرف بالا می رود نیست; خداوند فرموده: کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفًا من الّیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلَف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ < عن أبی جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارک و تعالی : . . . < أقم الصلاه طرفی النهار > و طرفاه صلاه المغرب و

الغداه . < و زلفاً من الليل > فهی صلاه العشاء الأخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضـمن حديثی روايت شده است: . .. خداوند تبارك و تعالی فرمود: <أقم الصـلاه طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود]<زلفاً من الليل> آن نماز عشاء است...>.

وقت نماز عشا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر يا صبح و مغرب) و اوايل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفًا من الّيل

<طرف> به معنای جانب و ناحيه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و يا صبح و مغرب. <زُلَف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اوليه شب است كه وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ < عن أبی جعفر (ع) [فی حديث] : . . . و قال تبارك و تعالی : . . . < أقم الصلاه طرفی النهار > و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . < و زلفاً من الليل > فهی صلاه العشاء الأخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضـمن حديثی روايت شده است: . .. خداوند تبارك و تعالی فرمود: <أقم الصـلاه طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود]<زلفاً من الليل> آن نماز عشاء است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۴

۴- آخرين وقت نماز عشا ، نيمه شب است .

إلی غسق الّيل

برداشت فوق،

مبتنی بر این نکته است که مراد از <غسق اللیل> چنان که مفسّران نیز گفته اند نصف شب باشد.

وقت نماز عصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۴ – ۲

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفًا من الّیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلَف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

وقت نماز قضا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۴ – ۱۹

۱۹ – < عن أبی جعفر (ع) قال : إذا فاتتک صلاه فذکرتها فی وقت أخری فإن کنت تعلم أنّک إذا صلیت التی فاتتک کنت من الأخری فی وقت فابدأ بالتی فاتتک فإنّ اللّه عزّوجلّ یقول : < أقم الصلاه لذکری > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هر وقت نمازی از تو فوت شد و در وقت نماز دیگر آن را به یاد آوردی، اگر می دانی با انجام نماز قضا برای به جا آوردن نماز واجب در وقت خود فرصت باقی می ماند، پس ابتدا نماز قضا را به جا آور، چون خدای عزّوجلّ می فرماید: <أقم الصلاه لذکری>. (این استفاده فقهی ناظر به این نکته است که لام در <لذکری> برای توقیت است، در نتیجه معنای آیه این می شود:

که <أقم الصلاه وقت تذکیری إیّاک>».

وقت نماز مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفًا من الّیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلَف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ < عن أبی جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارک و تعالی : . . . < أقم الصلاه طرفی النهار > و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . < و زلفاً من اللیل > فهی صلاه العشاء الأخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضـمن حدیثی روایت شده است: . .. خداوند تبارک و تعالی فرمود: <أقم الصـلاه طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود]<زلفاً من اللیل> آن نماز عشاء است...>.

وقت نماز های مستحبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۶

۲۶ - < عن زراره عن أبی جعفر (ع) . . . قال : قلت له : < و أطراف النهار لعلّک ترضی > قال : یعنی تطوع بالنهار ;

از زراره نقل شده که گفت به امام باقر(ع) عرض کردم: [این که خدا فرموده: <و سبّح>] <و أطراف النهار لعلّک ترضـی> [مراد

چیست ؟] فرمود: یعنی در روز، نماز مستحبی بخوان>.

وقت نماز های یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱،۷،۱۱،۱۲

۱- فرمان الهی به پیامبر (ص) برای اقامه نمازهایی ، از هنگام زوال خورشید تا نیمه شب و نیز در سپیده صبح

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلی غسق الّيل و قرءان الفجر

<دلوك> به معنای رفتن خورشید به سوی غروب، <غسق> به معنای شدت ظلمت است (مفردات راغب). با توجه به معناهای لغوی، برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <لدلوك الشمس> زوال خورشید و <غسق الليل> نیمه شب باشد.

۷- وقت نماز های پنجگانه ، موسّع (وسعت داده شده) است .

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلی غسق الّيل و قرءان الفجر

۱۱- < عن زراره قال : سألت أباعبدالله (ع) عن هده الأيه < أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الليل > قال : دلوك الشمس زوالها عند كبد السماء < إلى غسق الليل > إلى انتصاف الليل فرض الله فيما بينهما أربع صلوات الظهر و العصر و المغرب و العشاء . . . و < قرآن الفجر > قال : ركعتا الفجر . . . ;

زراره گوید از امام صادق(ع) از این آیه <أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الليل> سؤال کردم، حضرت فرمود: <دلوك الشمس>[یعنی]میل پیدا کردن خورشید از میان آسمان و <إلى غسق الليل>[یعنی]تا نصف شب که خدا میان این دو (ظهر و نصف شب) چهار نماز را واجب کرده است: ظهر، عصر، مغرب و عشا و درباره <قرآن الفجر> [حضرت]فرمود: [آن] دو رکعت نماز صبح است.

..>.

۱۲- < عن أميرالمؤمنين (ع) قال : . . . دلاله الصلاه . . . الشمس يقول الله جلّوعزّ < أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر . . . > فلاتعرف مواقيت الصلاه إلاّ بالشمس . . . ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده است كه فرمود: راهنماى [وقت] نماز . .. خورشيد است. خداى عزّوجلّ مى فرمايد: <أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر...> پس اوقات نماز شناخته نمى شود مگر به وسيله خورشيد...>.

وقت وجوب وصيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱

۱ - وجوب وصيت به هنگام فرا رسيدن مرگ و پيدايش آثار آن

كتب عليكم إذا حضر أحدكم الموت . .. الوصيه

وقت وِرد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۵

۵ انسان ها بايد در دل و جان به ياد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذكر او گشايند .

و اذكر ربك . .. بالغدو و الاصال

<غدوه> (مفرد غدو) به معناى صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشيد) است. <آصال> جمع و يا جمع الجمع <اصيل> است و اصيل به زمان ميان عصر تا مغرب گفته مى شود. قابل ذكر است كه <ال> در <الغدو> و <الأصال> براى استغراق است و افاده عموم مى كند ; يعنى هر صبح و عصر.

وقت ورود موسى(ع) به مدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۲،۳

۲ - ورود موسی (ع

) به حوالی مدین در اثنای روز

و لمّا ورد ماء مدین وجد علیه أُمّه من الناس یسقون

۳ – ورود موسی (ع) به محل آب شرب مدین هم زمان با آمدن چوپانان برای آب دادن دام هایشان

و لمّا ورد ماء مدین وجد علیه أُمّه من الناس یسقون

وقت ولادت اسحاق(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۷ – ۲

۲ – اسحاق (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

و قال إنّی مهاجر . .. و وهبنا له إسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

وقت ویرانی باغ سوخته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۶ – ۳

۳ – ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فلمّا رأوها قالوا إنّا لضالّون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

وقت هجرت موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۳ – ۲۰

۲۰ – تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا . .. و أبونا شیخ کبیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۴ – ۵

۵ – هم زمانی هجرت موسی (

ع) به مدین با فصل گرما

ثمّ تولّی إلی الظلّ

وقت هجوم مجاهدان غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبحًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

وقت هلاکت اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ کفرپیشگان قوم شعیب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند .

فأصبحوا فی دیرهم جثمین

<أصبحوا> می تواند به معنای <دخلوا فی الصباح> (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای <صاروا> (شدند و گشتند) باشد. بر اساس معنای نخست، جمله <فأصبحوا> دلالت می کند که هلاکت قوم شعیب در آغاز صبحدم بوده است و صیحه و غرش به قرینه <فاء> در <فأصبحوا> پیش از صبح; یعنی، در شب تحقق یافته است.

وقت هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱،۳

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس

۳ – اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز

که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج علی قومه فی زینته . .. فخسفنا به ... و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

وقت هلاکت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۹

۹ کفرپیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دیرهم جثمین

چنان چه <أصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصباح> باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صیحه و غرش به قرینه فاء در <فأصبحوا> پیش از صبح; یعنی در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

وقت هلاکت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۲ - ۱

۱ - قوم نوح ، قومی هلاک شده به اراده خداوند ، قبل از عاد و ثمود

و أنّه أهلک عادًا . .. و ثمودا ... و قوم نوح من قبل

وقت شناسی

{وقت شناسی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱،۲۱

۱ مراسم حج ، باید در ماههایی مخصوص انجام گیرد .

الحج اشهر معلومات

۲۱ ماه های حج ، شوال ، ذی القعده و ذی الحجه است و در غیر آنها حج صحیح نیست .

الحج اشهر معلومات

امام صادق (ع): <الحج اشهر معلومات> شوال و ذوالقعده و ذوالحجه لیس لأحد ان یحج فی ما سواهن

کافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۱ ; نورالثقلین، ج

۱، ص ۱۹۳، ح ۶۹۷.

ابزار وقت شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۹ – ۲،۴

۲ – ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هی موقیت للناس

<مواقیت> (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

۴ – از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

اهمیت وقت شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۷ – ۲۲،۲۳،۳۸

۲۲ – آن هنگام که رشته سفیدِ ظاهر شده در افق از رشته سیاهِ شب تمییز داده شود ، هنگام فجر است .

حتی یتبیّن لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر

حرف <من> در <من الفجر> بیان برای <الخیط الأبیض> است; یعنی، آن رشته سفید همان فجر است.

۲۳ – طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لکم لیله الصیام . .. کلوا و اشربوا حتی یتبیّن لکم الخیط الأبیض

<أیاماً معدودات> در آیه ۱۸۴، روزه را مخصوص روز می داند و <حتی یتبین . ..> شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

۳۸ – < عن ابی عبدالله (ع) فی قوله تعالی < أتموا الصیام إلی اللیل > قال : سقوط الشفق ;

از امام صادق(ع) در معنای <لیل> در آیه <أتموا الصیام إلی اللیل> روایت شده که شب با زائل

شدن شفق شروع می شود>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۹ – ۴

۴ – از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۲ – ۱۰

۱۰– شناخت زمان و تنظیم آن ، برای زندگی انسان امری با اهمیت و حیاتی است .

لتعلموا عدد السنین و الحساب

وقت شناسی در تبلیغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۱۷

۱۷ ضرورت بهره گیری مبلغان دینی ، از فرصت های مناسب برای ارشاد و هدایت مردم

أءنک لأنت یوسف قال أنا یوسف . .. من یتّق و یصبر

وقت ها

تفاوت وقت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۷ – ۵

۵ – زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها ، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن اللّه حین تمسون و حین تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقـدار حرکت ماده انـد، تفاوتی با هم ندارنـد، اما از این که برخی ایام برای تسبیـح خداونـد مناسـب معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۶

۶ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن اللّه . .. و عشيًّا و حين تظهرون

وقف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وقف

وقف برای بتها

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

وقف در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان

و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

وکالت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وکالت

احکام وکالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۲،۲۴

۲۲- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله <فابعثوا. ..> گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحّت است.

۲۴- نامشخص بودن جنس و مقدار کالا ، مانع از صحّت وکالت نیست .

فابعثوا . .. فلیأتکم برزق منه

کفایت وکالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳ - ۵

۵ - خداوند ، وکیل و کارسازی کفایت کننده ، برای توکل کنندگان است .

و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ - خداوند ، کارساز و وکیلی کفایت کننده است .

و کفی باللّه وکیلاً

۱۴ - کفایت کنندگی و کارسازی خداوند ، دلیل وجوب توکل بر او در همه امور است .

و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلاً

وکالت جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۲

۲۲- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله <فابعثوا. ..> گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحّت است.

وکالت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۲ – ۱۲،۱۳

۱۲ تنها خداوند، وکیل و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

و هو علی کل شیء وکیل

۱۳ خداوند، ایجادکننده عالم و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

خلق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

مفاد جمله <و هو علی کل شیء وکیل>، پس از سخن از آفرینش، رد پندار کسانی است که در تدبیر عالم برای غیر خالق نقشی قائل باشند. به عبارت دیگر جمله أول توحید در خلق و جمله دوم توحید در امر را بیان می نماید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱۴

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

وکالت در بیع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۹ – ۲۲،۲۴

۲۲– وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله <فابعثوا. ..> گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحّت است.

۲۴– نامشخص بودن جنس و مقدار کالا ، مانع از صحّت وکالت نیست .

فابعثوا . .. فليأتكم برزق منه

وکالت در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۹ – ۷

۷ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و

جایی برای وکیل مدافع نیست .

و کان اللّه بما یعملون محیطاً . .. فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علی

<وکیل> به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

وکیل

محدوده اختیارات وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۲

۱۲ - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از <ما ملکتم مفاتحه> کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملك و حیواناتی مانند گاو، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۲،۱۴

۱۲ خداوند ، وکیل و کفایت کننده مؤمنان مطیع ، صابر ، نیکوکار و تقواپیشه

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا ... و قالوا حسبنا اللّه و

۱۴ خداوند ، کفایت کننده مؤمنان و بهترین وکیل برای آنان

حسبنا اللّه و نعم الوکیل

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۱ – ۱۵،۱۶

۱۵ خداوند ، وکیل است .

و کفی باللّه وکیلا

۱۶ خداوند ، وکیلی کفایت کننده برای انسان متوکّل

و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۲ – ۱۲

۱۲ تنها خداوند، وکیل و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

و هو علی کل شیء وکیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲ – ۱۲

۱۲ خداوند ، نگهبان همه چیز و تدبیر کننده آن است .

و الله علی کل شیء وکیل

<وکیل> به کسی گفته می شود که کار دیگری را به عهده گرفته است و چون در آیه شریفه با <علی> متعدی شده معنای حفاظت و نگهداری نیز در آن اشراب شده است. بنابراین جمله <والله علی ...> اشاره به این معنا دارد که: خداوند عهده دار، حافظ و نگهبان امور همگان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳ – ۶

۶ – خداوند ، < وکیل > (کارساز) است .

و کفی باللّه وکیلًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۸ – ۱۲

۱۲ – خداوند ، < وکیل > (کارساز) است .

و کفی باللّه وکیلاً

وکیل در حسابرسی اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۴ – ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ،

دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیًا

وکیل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

ولادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ولادت

آثار ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۱۳

۱۳- اشتهار مریم (س) به عفت و پاکدامنی در بین مردم ، فزاینده نگرانی او از بازتاب منفی تولد عیسی (ع) در افکار عمومی جامعه

یلیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیًا منسیًّا

<نَسْیِ>، چیزی است که اهمیت چندانی ندارد، گرچه هنوز از خاطرها محو نشده باشد (مفردات راغب). توصیف آن به <منسیّاً> (فراموش شده) گویای آن است که صرف شایستگی برای فراموشی، مطلوب مریم نبوده؛ بلکه تحقق فراموشی را آرزو می کرده است. این آرزو نشان می دهد که آن حضرت، پیش از این به عنوان شخصیتی آبرومند در جامعه مطرح بوده و از این که این حادثه بازتاب های منفی در مردم داشته باشد، نگران بوده است.

آیات خدا در ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۵

۵- ناتوانی زکریا (ع) از سخن گفتن با مردم به مدت سه شبانه روز کامل ، نشانه ای الهی بر زمان تحقق یافتن بشارت فرزند بود .

قال ءایتک ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال سویًّا

<سویّاً> یا صفت برای <ثلاث لیال> است و یا حال برای فاعل <ألاّ تکلّم> و

در هر دو صورت مراد از <سه شب> سه شبانه روز است. آیه چهل و یکم سوره آل عمران شاهد این معنا است. فعل <ألاّ تکلّم> فعل نفی است و مراد از آن، تکلیف زکریا به سکوت نیست، بلکه از صادر نشدن سخنی از زکریاخبر می دهد.

ابراهیم(ع) هنگام ولادت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

استهزای ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۳

۳ - موضع گیری استهزاآمیز مشرکان مکه ، نسبت به بیان قرآن درباره تولد و زندگی عیسی بن مریم (ع)

و لمّا ضرب ابن مریم مثلًا إذا قومک منه یصدّون

<صدید> (مصدر <یصدّون>) به معنای خندیدن و فریاد کشیدن و سر و صدا راه انداختن است. این امور معمولاً به هنگام استهزا، تحقق پیدا می کند.

اعجاز ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۱۱

۱۱- تجلّی عظمت و قدرت الهی در بارداری مریم (س) و تولد اعجاز آمیز عیسی (ع)

و جعلنها و ابنها ءایه للعلمین

اعلام بشارت ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۸

۸- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه ، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند .

أن سبّحوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد; یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

الوهیت و ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۸

۸ ناسازگاری پدیده بودن (حدوث) و فناپذیری ، با الوهیت و خدا بودن

قالوا إنّ اللّه هو المسیح . .. الا رسول قد خلت من قبله الرسل

فرزندی مسیح(ع) برای مریم اشاره به پدیده و حادث بودن او و بیان رحلت رسولان پیشین اشاره به فناپذیری مسیح(ع) است و هدف از یادآوری این دو صفت استدلال بر خدا نبودن مسیح(ع) می باشد. یعنی مسیح(ع) حادث است و هیچ حادثی نمی تواند خدا باشد و نیز او فناپذیر است و فناپذیر خدا نیست.

امنیت هنگام ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و . ..

است.

اهمیت وقت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۵

۵- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

اهمیت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۵

۵- زمان ولادت ، مرگ و رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

والسلم علیّ . .. یوم أُبعث حیًّا

بشارت ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۴

۴ - فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط ، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع)) ، نیز به ابراهیم (ع) دادند .

و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم(ع) بشارت فرزنددار شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که <البشری> در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ - < بریـده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبداللّه (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسـماعیل و بین بشارته بإسـحاق قال کان بین البشارتین خمس سـنین قال اللّه سـبحانه فبشّـرناه بغلام حلیم یعنی اسـماعیل . . . فلمّا کان فی اللیل أتی ابراهیم آت من ربّه فأراه الرؤیا فی ذبح

ابنه اسـماعيل بموسم مكه . . . ثمّ انطلقا إلى السـعى فلمّا صارا فى المسـعى قال ابراهيم (ع) لاسماعيل يابنىّ إنّى أرى فى المنام أنّى أذبحك فى موسم عامى هـذا فماذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدى اسـماعيل بكبش عظيم فذبحه و تصدق بلحمه على المساكين ;

بريـد عجلى گويـد: به امـام صـادق(ع) گفتم: بين بشـارت ابراهيم به اسـماعيل و بشـارت او به اسـحاق، چه مقـدار فاصـله بود؟ حضـرت فرمود: فاصـله دو بشارت پنج سال بود خدا مى فرمايد: <فبشّـرناه بغلام حليم; يعنى، . ..چون شب شد فرسـتاده اى از سوى خـدا نزد ابراهيم آمـد و در خواب ذبـح فرزنـدش اسـماعيل را در زمان حج در مكه به او نشان داد... آن گاه هر دو براى سعى به راه افتادند و چون به محل سعى رسيدند، ابراهيم به اسماعيل گفت: پسرم! من در خواب ديدم كه تو را امسال در زمان حـج ذبـح مى كنـم، تـو چه نظرى دارى؟ اسـماعيل گفت: اى پـدر! آنچه را مـأمور شـدى انجـام ده ... و قـوچ بزرگى به جـاى اسماعيل فديه شد. پس ابراهيم(ع) آن را ذبح كرد و گوشت آن را به مساكين صدقه داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ - بشارت خداوند به ابراهيم (ع) ، به تولد فرزندى به نام اسحاق براى او

و بشّرنه بإسحق

بشارت ولادت اسماعيل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ -

صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۱،۱۱

۱ - تولّد نوجوانی بردبار (اسماعیل) ، بشارت خداوند به ابراهیم (ع)

فبشّرنه بغلم حلیم

<غلام> به پسری می گویند که تازه سبیل درآورده باشد و در اصطلاح فارسی به او نوجوان می گویند. گفتنی است مقصود از این نوجوان در این آیه به قرینه آیات بعد اسماعیل(ع) است.

۱۱ - < بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبداللّه (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته بإسحاق قال کان بین البشارتین خمس سنین قال اللّه سبحانه فبشّرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلمّا کان فی اللیل أتی ابراهیم آت من ربّه فأراه الرؤیا فی ذبح ابنه اسماعیل بموسم مکه . . . ثمّ انطلقا إلی السعی فلمّا صارا فی المسعی قال ابراهیم (ع) لاسماعیل یابنیّ إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک فی موسم عامی هذا فماذا تری قال یا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدی اسماعیل بکبش عظیم فذبحه و تصدق بلحمه علی المساکین ;

برید عجلی گوید: به امام صادق(ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا می فرماید: <فبشّرناه بغلام حلیم; یعنی، . ..چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسرم! من در خواب دیدم

که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیه شد. پس ابراهیم(ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد>.

بشارت ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- < قال الباقر (ع) : إنّها (مریم) بشرت بعیسی فبینا هی فی المحراب إذ تمثّل لها الروح الأمین بشراً سویّاً ;

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۲

۲- مأمور ویژه الهی با بشارت فرزند به مریم (س) ، خود را مأمور بخشیدن پسری پاک نهاد به وی معرفی کرد .

قال إنّما أنا رسول ربّک لأهب لک غلمًا زکیًّا

اسناد <هبه فرزند> به جبرئیل به خاطر وساطت او در بخشش الهی است. <زکیّ> از ریشه <زکاء> به معنای صلاح گرفته شده است (مصباح). <تزکیه> و <زکاه> در معانی <طهارت> و <نموّ> و <برکت> و <مدح> استعمال دارد و در هر مورد، معنای مناسب آن مورد نظر است. طهارت و صلاح کودک به شایستگی های ذاتی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۲

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی

بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال کذلک

چنان چه مشارالیه <ذلک> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است; یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

بشارت ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱

۱- خداوند ، زکریا (ع) را بر فراهم آوردن زمینه تولد یحیی (ع) به رغم سال خوردگی وی و نازایی همسرش مطمئن ساخت .

قال کذلک

جمله <قال کذلک>; یعنی، <قال اللّه الأمر کما وعدتک> یا <قال اللّه الأمر کما قلت>; در صورت اول، خداوند بر وعده سابقش تأکید میورزد که <ای زکریا همان گونه که گفته ام تو به هر کیفیت دارای پسر خواهی شد و در صورت دوم، خداوند موانع تولد یحیی را تصدیق کرده است; یعنی، <واقعیت همان است که تو گفتی و اسباب عادی برای تولد یحیی فراهم نیست، ولی خدای تو گفته است: این کار بر من آسان است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۲

۲- زکریا (ع) ، خواهان علامت و نشانه ای بر الهی بودن بشارت تولد یحیی به وی *

قال ربّ اجعل لی ءایه

علامت خواهی زکریا ممکن است از آن جهت باشد که وی اطمینان یابد آنچه او دریافت داشته، وحی الهی بوده است و نه القاآت شیطانی; امکان تردید در این امور برای پیامبران با توجه به این نکته است که آنان تنها با امدادهای خداوند از آزار

شیاطین و القاآت آنها مصون می ماندند و خداوند گاه با ارائه نشانه و گاه با وسیله دیگر آنان را مطمئن می ساخت.

تاریخ ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۸

۸- اسماعیل (ع) ، پیش از اسحاق (ع) به دنیا آمد و از نظر سنی بزرگتر از او بود .

وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

از تقدم ذکری اسماعیل(ع) بر اسحاق(ع) در این آیه و آیات مشابه تقدم سنی استفاده می شود و تاریخ نیز مؤید این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض . .. و وهبنا له إسحق و یعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

تاریخ ولادت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۸

۸- اسماعیل (ع) ، پیش از اسحاق (ع) به دنیا آمد و از نظر سنی بزرگتر از او بود .

وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

از تقدم ذکری اسماعیل(ع) بر اسحاق(ع) در این آیه و آیات مشابه تقدم سنی استفاده می شود و تاریخ نیز مؤید این برداشت

است.

تاریخ ولادت عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۲ – ۴

۴- < عن الرضا (ع) قال : لیله خمس و عشرین من ذی القعده . . . ولد فیها عیسی بن مریم (ع) . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: شب بیست و پنجم ذی القعده عیسی(ع) تولد یافت>.

تاریخ ولادت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷ – ۱۲

۱۲- < عن أبی جعفر (ع) قال : إنّما ولد یحیی بعد البشاره له من اللّه بخمس سنین ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: همانا یحیی، پنج سال بعد از آن که خداوند به ولادت او بشارت داد، متولد شد>.

تاریخ ولادت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۹ – ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۲ – ۱،۴

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نجّينه و لوطًا إلى الأرض . .. و وهبنا له إسحق و يعقوب

سیر داستان حضرت

ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

۴- تولد یعقوب (ع) ، در زمان حیات ابراهیم (ع) بود .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) است; ولی از آن جا که خداوند نام یعقوب را همراه با اسحاق ذکر فرمود و هر دو را به عنوان موهبت خود به ابراهیم یادآور شد، می رساند که یعقوب(ع) در زمان حیات ابراهیم(ع) تولد یافته بود.

ترس هنگام ولادت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱

۱ - تولد موسی (ع) ، در فضایی آکنده از خوف و خطر و به دور از چشم دیگران

یذبّح أبناءهم . .. و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه

ترسناکی ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- < عن أبی الحسن الرضا (ع) : إنّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یوم یولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی (ع) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع

برای ایـن خلـق در سـه موضـع است: روزی که متولـد می شـود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شـود... و خداوند سـلام فرسـتاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سـلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...>.

تشبیه به ولادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۸ – ۷

۷– انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشـبیه حضور انسـان هـا در قیـامت به زمـان تولـد آنـان، ممکن است از جهت همراه نداشـتن امکانـات مـادّی و خـالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

حتمیت ولادت عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۱ – ۱۳

۱۳– تولـد عیسـی (ع) بـدون پدر و نشانه بودن او برای قدرد خداوند و رحمت الهی بودن او ، از مقدرات خداوند و غیر قابل تغییر بود .

کذلک . .. و لنجعله ءایه للناس و رحمه منّا و کان أمرًا مقضیًّا

جمله <کـان أمراً مقضـیّاً> ممکن است تنهـا در باره تولـد عیسـی(ع) باشـد و ممکن است به هر سه موضوعی که در آیه ذکر شـده است، مربوط باشـد. <مقضـیّاً> اسم مفعول از <قضاء> است; یعنی آنچه قطعی شـده و فیصـله یافته باشـد. <أمر> در معانی <فرمان> و <حادثه> استعمال می شود. کلمه <مقضیّاً> قرینه بر اراده معنای دوم است.

خدا و ولادت

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۳ – ۲،۳،۴

۲ – خداوند ، فرزند کسی نیست .

و لم یولد

۳ – تجزیه شدن ذات خداوند و جدا شدن چیزی از او ، ممکن نیست .

لم یلد

تعبیر ولادت در این آیه، شامل صادر شدن از مبدأ دیگر و انفصال جزء از کلّ نیز می باشد.

۴ – خداوند ، از چیزی به وجود نیامده است .

و لم یولد

زکریا(ع) هنگام ولادت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۱ – ۱،۲،۸

۱- زکریا (ع) ، در زمان فرا رسیدن نشانه وعده داده شده برای پیدایش فرزندش یحیی ، در عبادت گاه بود .

فخرج علی قومه من المحراب

محراب های بنی اسرائیل همان مسجدهای آنها بود که برای نماز در آن اجتماع می کردند(کتاب <العین>). فاء در <فخرج> فصیحه است ; یعنی از جملاتی محذوف حکایت می کند. به قرینه آیه قبل، آن محذوف، سخن نگفتن زکریا به مدت سه روز است که چه به اعجاز و چه با اراده خود و به فرمان خداوند در آن سه روز سخن نگفت. تعبیر <فخرج ...; آنگاه از عبادتگاه خود بیرون آمد>، حاکی از این است که در آن سه روز در عبادتگاه بود.

۲- زکریا (ع) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم ، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد .

فخرج علی قومه من المحراب

۸- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه ، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند

.

أن سبّحوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد; یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

سلامتی هنگام ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و . .. است.

عبرت از ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - چگونگی تولد و زندگی عیسی (ع) ، پیامدار آموزه هایی چند برای بنی اسرائیل

و جعلنه مثلًا لبنی إسرءیل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <مثل> قرار گرفتن عیسی(ع)، نحوه خلقت و آفرینش آن حضرت باشد.

عظمت منافع ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱۰

۱۰- پیدایش حضرت عیسی (ع) بدون پدر و اسباب متعارف ، کاری هدف مند و دارای منافع گسترده و بسیار بود .

هو علیَّ هیّن و لنجعله ءایه للناس

متحمل است عبارت <لنجعله. ..> عطف بر علّتی محذوف باشد; یعنی <خلقناه من غیر أب لأغراض لا مجال لذکرها و لنجعله> فایده این

حذف <ایهام> است; یعنی به قدری اغراض این کار بزرگ و گسترده است که گویا در کلام نمی گنجد.

فلسفه ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱۰

۱۰- پیدایش حضرت عیسی (ع) بدون پدر و اسباب متعارف ، کاری هدف مند و دارای منافع گسترده و بسیار بود .

هو علیَّ هیّن و لنجعله ءایه للناس

متحمل است عبارت <لنجعله. ..> عطف بر علّتی محذوف باشد; یعنی <خلقناه من غیر أب لأغراض لا مجال لذکرها و لنجعله> فایده این حذف <ایهام> است; یعنی به قدری اغراض این کار بزرگ و گسترده است که گویا در کلام نمی گنجد.

کیفیت ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - چگونگی تولد و زندگی عیسی (ع) ، پیامدار آموزه هایی چند برای بنی اسرائیل

و جعلنه مثلاً لبنی إسرءیل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <مثل> قرار گرفتن عیسی(ع)، نحوه خلقت و آفرینش آن حضرت باشد.

معجزه ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۴،۱۱،۱۳

۴- تولد عیسی (ع) ، امری خارق العاده و اعجازآمیز بود .

قال ربّک هو علیَّ هیّن

۱۱- حضرت عیسی (ع) و آفرینش او بدون پدر ، نشانه ای بزرگ برای پی بردن مردم به قدرت خداوند

و لنجعله ءایه للناس

ضمیر مفعولی <لنجعله> به عیسی(ع) بازمی گردد. تنوین <آیةً>، مفید تفخیم است**;** یعنی بدان جهت عیسی(ع) را به تو عطا کردیم که او را برای مردم

آیتی بزرگ قرار دهیم.

۱۳- تولـد عیسـی (ع) بـدون پدر و نشانه بودن او برای قدرد خداوند و رحمت الهی بودن او ، از مقدرات خداوند و غیر قابل تغییر بود .

کذلک . .. و لنجعله ءایه للناس و رحمه منّا و کان أمرًا مقضیًّا

جمله <کـان أمراً مقضـیّاً> ممکن است تنهـا در باره تولـد عیسـی(ع) باشـد و ممکن است به هر سه موضوعی که در آیه ذکر شـده است، مربوط باشـد. <مقضـیّاً> اسم مفعول از <قضاء> است; یعنی آنچه قطعی شـده و فیصـله یافته باشـد. <أمر> در معانی <فرمان> و <حادثه> استعمال می شود. کلمه <مقضیّاً> قرینه بر اراده معنای دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۰ – ۲

۲ – تولد عیسی از مریم بدون پدر ، معجزه بزرگ الهی بود .

و جعلنا ابن مریم و أُمّه ءایه

نکره آمدن <آیه> برای تفخیم است و آن به معنای نشانه ای بزرگ می باشد.

معجزه ولادت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹ – ۶

۶- تولد یحیی ، امری اعجاز آمیز و غیر عادی بودو

قال کذلک قال ربّک هو علیَّ هیّن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۲ – ۱

۱- بشارت و وعده خداوند به زکریا ، با تولد اعجاز گونه یحیی تحقق یافت .

نبشّرک بغلم اسمه یحیی . .. ییحیی خذ الکتب

مکان ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۲

۲ - اسحاق (ع) ،

پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

و قال إنّی مهاجر . .. و وهبنا له إسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

وقت ولادت اسحاق(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۷ – ۲

۲ – اسحاق (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

و قال إنّی مهاجر . .. و وهبنا له إسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

ولادت اسحاق(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۹ – ۱۱

۱۱– حضرت ابراهیم (ع) قبل از تولد اسماعیل و اسحاق (ع) از خداوند خواستار فرزند شده بود .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

ولادت اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۹ – ۱۱

۱۱– حضرت ابراهیم (ع) قبل از تولد اسماعیل و اسحاق (ع) از خداوند خواستار فرزند شده بود .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

ولادت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۵

۵ - ناتوانی و نادانی انسان ، در آغاز تولد

ذرنی و من خلقت وحیدًا

کلمه <وحیداً> می تواند حال برای مفعول محذوف باشد; یعنی،

<خلقته منفرداً>. بر این اساس و به قرینه آیات بعد (و جعلت له مالاً ـ ممدوداً ...)، مقصود از <خلقت وحیداً>، ناتوانی و ناداری انسان در آغاز تولد است.

ولادت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۸ – ۱،۲،۳

۱– تولد انسان ها از مادرانشان ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

إن الله علی كلّ شیء قدیر . و الله أخرجكم من بطون أمّهتكم

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط این آیه با آیه قبل است که در پایان آن، سخن از قدرت بی پایان الهی به میان آمده بود.

۲– انسان به هنگام تولد از مادر ، فاقد هرگونه دانش و آگاهی است .

أخرجكم من بطون أمّهتكم لاتعلمون شیًا

۳– عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجكم من بطون أمّهتكم لاتعلمون شیًا

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

ولادت تکوینی عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۰ – ۲۶

۲۶ عیسی (ع) ، برخوردار از ولایت تکوینی

و اذ تخلق من الطین . .. و تبری الاكمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

ولادت در الوهیت

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۷

۷ - کسی که از دیگری تولّد یافته ، نمی تواند خدا باشد .

و لم یولد

جمله <لم یولد>، علاوه بر این که تصور هر گونه مبدئی را برای خداوند باطل می داند; تعریض به کسانی است که عیسی(ع) را خدا می پنداشتند، با آن که به متولّد شدن آن حضرت معترف بودند.

ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۱۰

۱۰ اتهام ارتباط نامشروع مریم (ع) با مردی نجار به نام یوسف ، و باردار شدن وی به عیسی (ع) ، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً

امام صادق(ع): . .. الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ... .

امالی صدوق، ص ۹۲، ح ۳، مجلس ۲۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۴،۶

۴ مسیح (ع) فرزند مریم نه خدا و نه زده او

المسیح ابن مریم

۶ زاده شدن مسیح (ع) از مریم (ع) گواهی روشن بر خدا نبودن او

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم

تصریح به فرزندی مسیح(ع) برای مریم، برای بیان این حقیقت است که فرزند بودن (مخلوق بودن) با الوهیت تنافی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۴

۴ زاده شدن

مسیح (ع) از مادر ، دلیل روشن بر خدا نبودن او

قالوا إنّ اللّه هو المسیح . .. ما المسیح ابن مریم

توصیف مسیح(ع) به فرزندی او برای مریم پس از بیان ادعای الوهیت مسیح(ع) رد پندار خدا بودن اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۱

۱- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۴

۴- خداوند ، هم زمان با ولادت عیسی (ع) ، در نقطه ای پایین تر از مکان استقرار مریم (س) ، جویباری پدیدار ساخت .

فنادیها من تحتها ألاّتحزنی قد جعل ربّک تحتک سریًّا

<سریّ> به معنای نهر کوچک است و به معنای <رفیع> نیز استعمال شده است، ولی جمله <اشربی> در آیات بعد قرینه بر اراده معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۲۸

۲- حضرت عیسی (ع) در زمان تولد ، دارای جسم و روحی سالم و آماده رشد و کمال بود .

والسلم علیّ یوم ولدت

۸- حضرت عیسی (ع) همانند دیگر

انسان ها ، دارای تولد ، مرگ و رستاخیز و خود معترف به آن است .

یوم ولدت و یوم أموت و یوم أُبعث حیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۲،۱۴

۲- توهم فرزند بودن عیسی (ع) برای خداوند ، برخاسته از تحلیل نادرست ماجرای تولد و سخن گفتن معجزنمای او بود .

ذلک عیسی ابن مریم . .. ما کان للّه أن یتّخذ من ولد

نفی فرزند از خداوند پس از بیان قصه تولد عیسی(ع) می تواند بیانگر این نکته باشد که گروهی این نوع امور معجزه آسا را دلیل فرزند خدابودن او قرار داده اند.

۱۴- ماجرای تولد و سخن گفتن عیسی (ع) ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر هستی است ; نه نشان فرزندی عیسی (ع) برای خداوند .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد . .. إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۶

۶ - بارداری مریم (س) و تولد مسیح (ع) ، با دمیده شدن روح الهی در او

فنفخنا فیه من روحنا

ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱،۲،۱۰

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۲- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان

بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سـلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهـد; لذا <سـلام علیه> ; یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسـمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۱۰- < عن أبی الحسن الرضـا (ع) : إنّ أوحش مـا یکـون هـذا الخلـق فی ثلاـثه مواطن یوم یولـد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قـد سـلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی (ع) فی هـذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سـلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شـده است: همانا وحشـتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...>.

ویژگیهای ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۱

۱۱- ویژگی های حضرت عیسی (ع) ، از اولین لحظه میلاد او بروز کرد .

فنادیها من تحتها ألاّتحزنی قد جعل ربّک تحتک سریًّا

کلمه <من تحتها> (از

پایین او) دلالت می کند که حضرت عیسی(ع) هنگامی این سخنان را گفته که هنوز مادرش، حتی او را به آغوش نگرفته و بر دامن خویش ننشانده بود، شناخت حالات مادر و پی بردن به نیازهای روحی او، بیانگر عمق توان مندی های حضرت عیسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۴

۴- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی ، بر مبرّابودن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد .

والسلم علیّ یوم ولدت

ویژگیهای ولادت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱

۱ - تولد موسی (ع) ، در فضایی آکنده از خوف و خطر و به دور از چشم دیگران

یذبّح أبناءهم . .. و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه

ولایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{ولایت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۵،۱۱

۵ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی

۱۱ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش ، به هنگام در حیات نبودن عمران *

ربّ انّی نذرت لک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۷

۷ نصرت و یاری الهی به مؤمنان ، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

و اللّه ولیّهما . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جمله <و لقد نصرکم اللّه>، می تواند استدلالی باشد برای جمله <و اللّه

ولیّهما>. یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است; به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۹

۱۹ مؤمنان مجاهد ، از اولیای خداوند و دور از ولایت شیطان هستند . *

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه . .. ان کنتم مؤمنین

چون دشمنان دین (کافران و منافقان) از اولیای شیطانند، بنابراین مجاهدان، دور از ولایت شیطان و در نتیجه از اولیای خدا خواهند بود. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که <یخوّف اولیاءه> به معنای <یخوفکم اولیاءه> باشد.

آثار اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند ، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

آوردن <ولی> به صورت مفرد به جای <أولیاء> در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن <أولیاء> اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۹

۹ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند ، اسیر ولایت های متعدد و گوناگون می شوند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

برداشت فوق از جمع آوردن <أولیاء> استفاده شده است.

آثار ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۶

۶ توجه صالحان به

ولايت و سرپرستى خدا بر ايشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرك و نهراسيدن از توطئه هاى ايشان

ثم كيدون فلاتنظرون . .. هو يتولى الصلحين

از اهـداف بيـان ولايت خـدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشـركان، اين است كه صالحان همواره توجه به يارى خـدا داشـته باشند و هرگز از مكرهاى مشركان نهراسند.

آثار رد ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۸

۸ كسانى كه ولايت خدا را نپذيرند ، خويشتن را به ولايتهايى متعدد و بى اساس گرفتار خواهند كرد .

و ما كان لهم من دون الله من أولياء

جمع آوردن كلمه <أوليـاء> بـا وجود اين كه بيان معناى مقصود با كلمه <ولىّ> نيز ممكن بود ، اشاره به اين نكته دارد كه انسان ، اگر ولايت الهى را نپذيرد ، گرفتار تعدد اوليا مى شود و ناچار است به ولايتهاى متعددى گردن نهد.

آثار عقيده به ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۴

۲۴ - اعتقاد به مولويت و سرپرستى خداوند ، مقتضى اعتصام به او و پرهيز از چنگ زدن به دامن غير او

و اعتصموا باللّه هو موليكم

جمله <هو موليكم> به منزله تعليل براى <اعتصموا باللّه> است; يعنى، به خدا اعتصام كنيد; زيرا او مولا و قيّم شما است.

آثار قبول ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۵

۲۵ پذيرش ولايت خداوند ، زمينه ساز تسليم شدن در برابر خدا و شايسته بودن براى همزيستى با صالحان

در سرای آخرت

أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۱۶

۱۶ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرو رفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . .. أم هل تستوی الظلمت والنور

آثار قبول ولایت شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴ – ۴،۵

۴- ضلالت و گمراهی ، پیامد قطعی قرار گرفتن در قلمرو ولایت شیطان و پیروی از او

من تولّاه فإنّه یضلّه

۵- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند .

کتب علیه أنّه من تولّاه. .. ویهدیه إلی عذاب السعیر

آثار قبول ولایت غیر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۱۶

۱۶ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرو رفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . .. أم هل تستوی الظلمت والنور

آثار قبول ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ پذيرش ولايت كافران و دوستى با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنى اسرائيل

ترى كثيراً منهم يتولون . .. لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه عليهم

آثار محروميت از ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إنّ الظلمین فی عذاب مقیم . و ما کان لهم من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلّت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمّر اللّه علیهم . .. ذلک ... و أنّ الکفرین لا مولی لهم

آثار نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۹

۹- موجود نیازمندِ ولایت (سرپرستی و دوستی) ، از سر ذلّت موجودی درمانده و دارای کاستی است .

و لم یکن له ولیّ من الذلّ

<ولایت> یا به معنای دوستی است و یا به معنای سرپرستی است که در هر دو صورت، در صورتی که از سر ذلّت باشد نشانگر وجود نقص و کاستی در شیء مورد حمایت و دوستی است.

آثار ولایت آل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۹

۱۹- < عن أبی عبدالله (ع) قال : من تولّی آل محمّد . . . فهو من آل محمّد . . . لا انه من القوم بأعیانهم و إنما هو منهم بتولّیه إلیهم و اتباعه إیّاهم و کذلک . . . قول إبراهیم : < فمن تبعنی فإنه منّی . . . > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: کسی که آل

محمـد را ولّی خود قرار دهـد . .. پس او از آل محمد است ... نه آنکه در حقیقت از قوم آل محمد شود; بلکه او از آل محمد است، به خاطر آنکه آنان را ولّی خود برگزیده است و از آنان تبعیت می کند و چنین است ... سـخن ابراهیم(ع): <فمن تبعنی فإنه منّی ...>.

آثار ولایت ائمه(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۸

۱۸- < عن أبی عبدالله (ع) . . . [فی قوله] < و شارکهم فی الأموال و الأولاد > . . . قال : إن الشـیطان لیجیء حتی یقعد من المرأه کما یقعـد الرجل منها و یحدث کما یحدث و ینکح کما ینکح قلت : بأی شـیء یعرف ذلک ؟ قال : بحبّنا و بغضـنا ، من أحبّنا کان من نطفه العبد و من أبغضنا کان نطفه الشیطان ;

از امام صادق(ع) در باره[سخن خداوند]<و شارکهم فی الأموال و الأولاد> روایت شده است که فرمود: همانا شیطان می آید و بر زنـان می نشـیند، همـان گـونه کـه مردان بر آنـان می نشـینند و همـان می کننـد کـه آنـان انجـام می دهنـد . ..[راوی می گوید]گفتم: به چه چیزی این مسأله شناخته می شود؟ حضرت فرمود: به حبّ و بغض نسبت به ما. هر کس ما را دوست بدارد، از نطفه پدرش می باشد و هر کس بر ما بغض بورزد، از نطفه شیطان می باشد>.

آثار ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۵

۱۵ کسب

عزت ، تنها در گرو محبت خداوند و پذیرش ولایت اوست .

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جمیعاً

خداونـد پس از بیـان این حقیقت که هـدف منافقـان در دوستی بـا کـافران رسـیدن به عزت است، می فرمایـد که عزتها از آن خداست. یعنی اگر طالب عزت هستید، باید ولایت خدا را پذیرا شوید و با او پیمان مودّت داشته باشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۶ – ۵

۵ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب اللّه هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب.)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶ – ۵

۵ گزینش خداوند یگانه به ولایت و سرپرستی، زمینه شمول رحمت الهی بر آدمی است.

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۱۵

۱۵– ولایت و نظارت یگـانه خـدا بر اصـحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عـدم آگاهی دیگران به زوایای سـر گذشت آنان است .

قل اللّه أعلم بما لبثوا . .. ما لهم من دونه من ولیّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۴ – ۷

۷– ولایت خداوند و حقّانیّت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالک الولیه للّه الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۲۵،۲۶،۲۷

۲۵ – لزوم ادای تکالیف الهی ، برخاسته از حق ولایت خداوند بر آدمی

فأقیموا الصلوه . .. هو مولیکم

۲۶ – حق ولایت الهی ، تنها مجوز برای تشریع و قانون گذاری

فأقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه و اعتصموا باللّه هو مولیکم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <هو مولاکم> اشاره به این داشته باشد که چون خداوند بر آدمیان حق ولایت دارد، از این رو به جعل مقررات و تکالیف پرداخته است. بنابراین هر گونه تشریع و قانون گذاری، بایستی به گونه ای به ولایت الهی منتهی شود.

۲۷ – مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری ، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است .

هو مولیکم

با توجه به ظهور <هو مولاکم> در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۰ – ۶

۶ – مقام ولایت و سرپرستی خداوند ، مقتضی مرجعیت نهایی او برای رفع تنازعات بشری است .

فاللّه هو الولیّ . .. و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه إلی اللّه

از ارتباط این آیه با آیه قبل، می توان استفاده کرد که ولایت خداوند، مقتضی مرجعیت او در حل اختلافات است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۷

۷ – رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت ، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است .

و لایغنی عنهم . .. و لا ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۱ – ۱

۱– سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ینصرکم و یثبّت أقدامکم . .. ذلک بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا

آثار ولایت شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۴

۴ توجیه ارتکاب کارهای زشت و ناپسند به پندار اجرای فرمان خداوند، برخاسته از نفوذ و ولایت شیطان است.

إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون . .. الله أمرنا بها

آثار ولایت غیر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵ – ۵

۵ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، موجب گرفتاری به عذاب شدید اخروی

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و لا تکونن من المشرکین. قل إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب ی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۱۴

۱۴ – انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا ، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء . .. و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

آثار ولایت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱،۳

۱ مدعیان ایمان ، در صورت پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، در زمره اهل نفاقند .

بشّر المنفقين بأنّ لهم عذاباً أليماً. الذين يتّخذون الكفرين أولياء

<أولياء> جمع <ولی> می تواند به معنای دوست و یا سرپرست باشد. گفتنی است که در برداشت فوق، <الذین>، وصف برای منافقان گرفته

شده است.

۳ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، در پی دارنده عذابی دردناک

بشّر المنفقین بأنّ لهم عذاباً أليماً. الذین یتّخذون الکفرین أولیاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۳ – ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، خیانت در جنگ ، خدعه با خدا ، سستی در عبادت ، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن ، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است .

و من یضلل اللّه فلن تجد له سبیلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۱ – ۱۱،۱۶

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا ، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من یتولهم منکم فانه منهم

۱۶ مسلمانانِ پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۶ – ۸

۸ ناکامی و شکست ، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود ، نصارا و دیگر کافران

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب اللّه . ..> می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبنا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

آثار ولایت یتیم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۷

۱۷- قبول سرپرستی اموال یتیم ، تعهدی مسؤولیت آور است . *

و لاتقربوا مال الیتیم . .. و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً

احتمالاًـ <أوفوا. ..> با توجه به اینکه پس از جمله <لاـتقربوا مال الیتیم> آمده است، از نوع ذکر عام پس از خاص باشد. بنابراین کفالت اموال یتیمان، می تواند از موارد معاهدات باشد.

اجتناب از ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا . .. الکفار أولیاء

<هزواً> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

احکام ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۷

۷ - هرگونه ولایت و سرپرستی ، منتهی به ولایت غیر خداوند نامشروع و باطل

فاللّه هو الولیّ

از انحصار ولایت در خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

ارزش ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۷ – ۶

۶ پیام مهم و ویژه خداوند در آیه تبلیغ (ولایت علی (ع)) ، دارای ارزشی هم طراز با تمامی رسالت

بلغ ما أنزل . .. و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

اعراض از ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی

كافران است .

كانت أعينهم فى غطاء . .. أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا

ارتباط محتوايى اين آيه با آيات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنين مى نمايد كه برگزيدن اوليا از سوى كافران، از نتايج كورى و كرى و فقدان شناخت آنان است.

اعراض از ولايت مسيحيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱

۱ ضرورت پرهيز مسلمانان از پذيرش ولايت و حاكميت يهود و نصارا

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى أولياء

يكى از معانى ولايت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحيط)، بنابراين <ولى> مى تواند به معناى امير و حاكم باشد.

اعراض از ولايت يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱

۱ ضرورت پرهيز مسلمانان از پذيرش ولايت و حاكميت يهود و نصارا

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى أولياء

يكى از معانى ولايت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحيط)، بنابراين <ولى> مى تواند به معناى امير و حاكم باشد.

اعلام ولايت امام على(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۷،۱۱،۱۲،۱۹

۷ انجام وظيفه رسالت الهى از سوى پيامبر (ص) ، در گرو ابلاغ پيام ويژه خداوند (اعلام ولايت على (ع)) به مردم

بلغ ما أنزل . .. و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

۱۱ احساس خطر پیامبر (ص) از ناحیه برخی مردم جهت انجام رسالت ویژه خویش (ابلاغ ولایت علی (ع))

بلغ ما أنزل . .. و اللّه

یعصمک من الناس

۱۲ خداوند ، تضمین کننده حفاظت پیامبر (ص) از خطر احتمالی ابلاغ پیام ویژه الهی (ولایت علی (ع))

بلغ ما أنزل . .. و اللّه یعصمک من الناس

۱۹ اعلام ولایت علی (ع) در روز غدیر خم توسط پیامبر (ص) به امر خداوند

یایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک

امام باقر(ع): . .. فاوحی اللّه عزوجل الیه <یایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ...> ... فقام بولایه علی(ع) یوم غدیر خم . ...

کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۲، ح ۲۹۱.

اولویت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۷،۱۳

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

۱۳ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن اللّه بکل شیء علیم

جمله <إن اللّه . .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

اهمیت ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۲۱

۲۱ رسول خدا (ص) بیانگر ولایت کسانی که خداوند به ولایت آنان فرمان داده است .

قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

امام باقر(ع) درباره

<بالحق> در آیه فوق فرمود: بولایه من امر اللّه تعالی بولایته.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۲۱، ذیل آیه; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۳،۲۴،۲۷،۲۹

۲۳ ولایت و امامت ، مکمّل اسلام

الیوم اکملت لکم دینکم

۲۴ ولایت و امامت ، متمّم نعمت خداوند بر مردم

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

ذکر اتمام نعمت پس از اکمال دین با تعیین امامت و رهبری، می تواند اشاره به این معنا باشد که تعیین امامت، موجب اتمام نعمت شده است.

۲۷ جایگاه ویژه و والای امامت و ولایت در اسلام

الیوم یئس . .. الیوم اکملت لکم دینکم

۲۹ اسلامِ همراه با ولایت ، دین کامل و مورد رضایت خداست .

الیوم . .. و رضیت لکم الاسلم دیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۵

۲۵ بهره مندی یهود و نصارا از نعمت های بیکران خداوند ، در گرو برپا داشتن حکومت و ولایت الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: الولایه.

کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰، ح ۴۸۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۴،۹

۴ انسان در جستجوی ولی و سرپرست برای خویش و نیازمند به آن است.

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا

در استفهام انکاری صدر آیه، موضوعی مسلم فرض شده و آن نیاز به ولی و سرپرست

است. لذا سخن از آن است که چه کسی را باید به عنوان ولی و سرپرست برگزید.

۹ نیازمندی و فقر آدمی، فلسفه احیتاج او به ولی و سرپرست

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا . .. و هو یطعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۳ – ۱۱

۱۱ < عن محمد بن الفضـیل عن ابی الحسن الماضی (ع) قال : قلت : < هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق > قال : . . . الولایه هی دین الحق قلت : < لیظهره علی الدین کلّه > قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم . . . ;

محمد بن فضـیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره <هو الذی ارسل رسوله . .. > سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره <لیظهره علی الدین کله> فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۴ – ۸

۸– < عن أبی جعفر و أبی عبدالله علیهما السلام فی قول الله : < ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء > قال : یعنی النبی (ص) و الأئمه من بعده هم الأصل الثابت و الفرع الولایه لمن دخل فیها ;

از امام باقر و امام صادق علیهما السـلام روایت شده است که در باره سخن خدا <ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشحره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء>

فرمودنـد: یعنی، پیامبر(ص) و ائمه(ع) بعد از او، ریشه های ثابت [آن درخت] و شاخه های آن، ولایت است برای کسـی که با [پذیرش آن] تحت ولایت داخل شود.

اهمیّت ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۲۰

۲۰ اعلان نکردن ولایت علی (ع) از سوی رسول خدا (ص) موجب حبط عمل آن حضرت

و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

از رسـول خـدا(ص) روایت شـده که بعـد از خوانـدن آیه فوق خطـاب به علی(ع) فرمود: و لو لم ابلغ مـا امرت به من ولا‌یتک لحبط عملی . .. .

امالی صدوق، ص ۴۰۰، ح ۱۳، مجلس ۷۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۴، ح ۲۹۶.

اهمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنـان که ولا‌یت خـدا و ربوبیت او را بر هستی پـذیرفته انـد بیناینـد و کسانی که برای غیر خـدا ولایت و تـدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

کلمـات <أعمی> (کور)، <بصیر> (بینـا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشـنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشـرکان و موحدان باشد و محتمل است صـفات و ویژگیهای معبودهای اهل شـرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۵

۵ – انسان ها ، هیچ گونه سرپرست و یاوری جز خداوند ندارند .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا

نصیر

ایمان به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۹

۹ ایمان به خدا و سرپرستی او بر انسان ها ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از غیر اوست .

هو مولینا و علی اللّه فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ باور به توحید و ولایت خدا و ربوبیت او ، مراتبی گوناگون دارد و هر انسانی به اندازه استعدادش آن را درمی یابد .

قل من رب السموت و الأرض . .. أنزل من السماء ماء فسالت أودیه بقدرها ... کذلک یضرب

ایمان و ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۴

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

برخورداری از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۹

۹ بهای بهشت و برخورداری از ولایت الهی، عمل در پرتو ایمان است.

لهم دارالسلم . .. بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۹

۹ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو ولیهم بما کانوا یعملون . .. نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون

بطلان ولایت غیر خدا

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۵ – ۵

۵ ظهور بطلان ولایت غیر خدا برای مشرکان با آمدن عذاب الهی

و لاتتبعوا . .. فما کان دعویهم إذ جاء بأسنا إلا ان قالوا إنا کنا ظلمین

بـا توجه به جمله <و لا تتبعوا من دونه أولیـاء> معلوم می شود که مشـرکان بـا نزول عـذاب استیصال، حقیقت امر را دریافته و خود را به سبب پذیرش ولایت غیر خدا ستمگر خواندند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۰ – ۹

۹ قیـامت ، روز ظهـور مولویت و مـالکیت به حق و پروردگـاری بی همتـای خداونـد و بر ملا شـدن بطلان انـدیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشر هم جمیعاً . .. و ردوا إلی اللّه مولیهم الحق و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۹ – ۷

۷ – هرگونه ولایت و سرپرستی ، منتهی به ولایت غیر خداوند نامشروع و باطل

فاللّه هو الولیّ

از انحصار ولایت در خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

پاداش ولایت اهل بیت(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۸ – ۱۰

۱۰ – < قـال الرضـا (ع) و لقـد حـدثنی أبی عن أبیه أبی عبـداللّه الصـادق (ع) . . . قـال : إنّ اللّه عزّوجـلّ لایسـئل عباده عمّا تفضّل علیهم و لا یمنّ بـذلک علیهم و الإمتنـان بالإنعـام مسـتقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلی الخالق عزّوجلّ ما لایرضـی

المخلوق به و لكنّ

النعیم حبّنـا أهـل البیت و موالاتنا یسـئل اللّه عباده عنه بعـد التوحیـد و النّبوه لأنّ العبـد إذا وفی بـذلک ادّاه إلی نعیم الجنّه الـذی لایزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پـدرم از پـدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بنـدگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منّت نمی گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشـیدن، از جـانب مخلوق ها کار زشتی است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسـبت داده می شود که مخلوق از نسـبت دادن آن ناخشـنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش]ولایت ما است که خداونـد همه بنـدگان را بعد از توحید و نبّوت، از آن بازخواست خواهد کرد; زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

پرسش از ولایت اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قـال الرضـا (ع) و لقـد حـدثنی أبی عن أبیه أبی عبـداللّه الصـادق (ع) . . . قـال : إنّ اللّه عزّوجـلّ لایسـئل عباده عمّا تفضّـل علیهم و لا ـیمنّ بـذلک علیهم و الإمتنـان بالإنعـام مسـتقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلی الخالق عزّوجلّ ما لایرضـی المخلوق به و لکنّ النعیم حبّنا أهل البیت و موالاتنا یسـئل اللّه عباده عنه بعـد التوحیـد و النّبوه لأنّ العبـد إذا وفی بذلک ادّاه إلی نعیم الجنّه الذی لایزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از

پـدر خویش از امـام صـادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خـدای عزّوجـلّ درباره آنچه به بنـدگانش تفضل کرده است، از آنهـا بـازخواست نمی کنـد و بـا این کـار بر آنـان منّت نمی گـذارد. منّت نهـادن به جهت نعمت بخشـیدن، از جـانب مخلوق هـا کـار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسـبت داده می شود که مخلوق از نسـبت دادن آن ناخشـنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت مـا اهـل بیت و [پـذیرش]ولاـیت مـا است که خداونـد همه بنـدگان را بعـد از توحیـد و نبّوت، از آن بازخواست خواهـد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

جاودانگی ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشـته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شـد شـرک و پرسـتش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۳

۳ - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیّضنا لهم قرناء . .. قال الذین کفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن

أولياؤكم

از ارتباط آيات، مى توان استفاده كرد كه ولايت خدايى فرشتگان، تا قيامت پا برجا خواهد بود و ولايت هاى غير خدايى در قيامت تبديل به دشمنى خواهد شد.

حاكميت ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده ، قدرت و ولايت الهى ، يگانه و بدون معارض

و من لايجب داعى اللّه . .. و ليس له من دونه أولياء

حرمت ولايت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۲،۳

۲ حرمت و ممنوعيت پذيرش ولايت و سرپرستى كافران ، براى مؤمنان

لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء

۳ حرمت برگزيدن كافران و مقدّم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستى و ارتباط و ولايت

لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ حرمت پذيرش ولايت و حكومت كافران

و لن يجعل اللّه للكفرين على المؤمنين سبيلا

بنابر اينكه جمله <لن يجعل . ..>، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. يعنى نبايد مؤمنان سلطه كافران را پذيرا باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۴ – ۱

۱ حرمت ایجاد روابط دوستی و مودّت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

يأيها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكفرين أولياء من دون المؤمنين

حرمت ولایت منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۴ – ۷

۷ حرمت برقراری روابط دوستی با منافقان و پذیرش ولایت و حکومت

آنان

إنّ المنفقين . .. لاتتخذوا الكفرين أولياء

حق ولايت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴

۴ امر به معروف و نهى از منكر ، حقى است برخاسته از شأن ولايت و سرپرستى عموم مؤمنان به يكديگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پيامبران الهى ، داراى حق ولايت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطيعون

تفريع <اتّقوا اللّه و أطيعون> بر جمله <إنّى لكم رسول> بيانگر اين معنا است كه: اگر قبول داريد من رسول الهى و امين هستم; پس بر شما لازم است كه تقواى الهى پيشه كنيد و از من فرمان ببريد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پيامبران الهى ، داراى حق ولايت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطيعون

تفريع <فاتقوااللّه و أطيعون> بر آيه قبل (إنّى لكم رسول أمين) بيانگر اين حقيقت است كه با توجه به اين كه من رسول الهى و امين هستم، پس بر شما لازم است كه تقواى الهى پيشه كنيد و از من فرمان ببريد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق

ولایت و اطاعت بر مردم

و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان برید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه وأطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۳ – ۴

۴- پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أطیعوا اللّه و

أطیعوا الرسول

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبراکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت

حقانیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۵

۵- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

دلایل بی منطقی ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۶

۶- بندگی و نیاز همه موجودات به درگاه خدا ، خود ، دلیل پوچی پندار ولایت برای آنان در برابر خداوند است .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

با این که معنای آیه، بدون کلمه <عبادی> نیز تمام است، ولی ذکر <عبادی> برای توجه دادن به این نکته است که آنچه به عنوان <ولیّ> از سوی کافران انتخاب و در

رتبه الوهیّت و ربوبیّت پنداشته شده است، جملگی عبد خدایند و چگونه است که بی خردان، عبد را در رتبه معبود پنداشته اند؟! بنابراین، آیه، متضمن نوعی استدلال نیز هست.

دلایل رد ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۳

۳- حضور نداشتن شیاطین در کار آفرینش جهان ، نشان عدم صلاحیت آنان برای ولایت و تدبیر امور عالم است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی . .. ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض

دلایل ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۹

۲۹ یکتایی خدا و غلبه و تسلط او بر هستی ، دلیل ربوبیت و ولایت اوست .

أفاتخذتم من دونه أولیاء . .. و هو الوحد القهّر

دین و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت . .. > حکایت از صدور فرمانی تشریعی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر اللّه أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

ذکر ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۴ – ۱۴

۱۴ – لازم است که اتکا و توجه انسان ، تنها به ولایت و

نصرت الهی باشد .

ما لكم من دونه من وليّ و لاشفيع أفلاتتذكّرون

ذلّت نیازمند به ولایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱۱ – ۹

۹- موجود نیازمندِ ولایت (سرپرستی و دوستی) ، از سر ذلّت موجودی درمانده و دارای کاستی است .

و لم يكن له وليّ من الذلّ

<ولایت> یا به معنای دوستی است و یا به معنای سرپرستی است که در هر دو صورت، در صورتی که از سر ذلّت باشد نشانگر وجود نقص و کاستی در شیء مورد حمایت و دوستی است.

رد ولایت غیرخدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۸ – ۳

۳ معبود های مشرکان در روز رستاخیز ، اظهار می دارند که حقِ برگفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند .

قالوا سبحنك ما كان ينبغى لنا أن نتّخذ من دونك من أولياء

<أولیاء> می تواند از <وَلایت> (به فتح <واو>) به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از وِلایت (به کسر <واو>) به معنای <نصرت> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

رد ولایت مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۹ – ۲

۲ مدعیان ایمان در صورت قطع رابطه دوستی با اهل ایمان و نپذیرفتن ولایت آنان ، در شمار منافقانند .

بشّر المنفقين . .. الذين يتّخذون الكفرين أولياء من دون المؤمنين

زمينه ذكر ولايت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – شورى – ۴۲ – ۲۸ – ۹

۹ – دريافت

باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

و هو الذی ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا . .. و هو الولیّ الحمید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۱ – ۹

۹ – بلا ها و تنگنا های زندگی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی و یاوری خواستن از او

و ما أصبکم . .. و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

زمینه قبول ولایت غیر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۳ – ۱۰

۱۰ نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند ، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

آوردن <ولی> به صورت مفرد به جای <أولیاء> در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن <أولیاء> اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

زمینه ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۲۹

۲۹ – اقامه نماز ، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند ، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فاقیموا الصلوه . .. فنعم المولی و نعم النصیر

برداشت فوق، بدان احتمال است که <فنعم المولی. ..> مترتب بر تکالیف پیشین باشد که انجام آن، موجب بهره مندی از ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۱ – ۳

۳- ایمان ، عامل قرار گرفتن تحت ولایت و سرپرستی خداوند

اللّه مولی الذین ءامنوا

زمینه ولایت شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۳ – ۱۲

۱۲- تسلیم اغوا و ظاهرسازی های شیطان شدن ، ولایت او را در پی دارد .

فزیّن لهم الشیطن أعملهم فهو ولیّهم الیوم

زمینه ولایت ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۹ – ۹

۹ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو ولیهم بما کانوا یعملون . .. نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون

زمینه ولایت موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱ – ۳

۳ – جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعونی ، زمینه اعطای رسالت و سرپرستی بنی اسرائیل به وی از جانب خداوند

ففررت منکم . .. فوهب لی ربّی حکمًا و جعلنی من المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تفریع <وهب> بر <ففررت> اشاره به تأثیر جدایی موسی(ع) از دستگاه فرعون در

شایستگی وی برای دریافت حکم و رسالت داشته باشد. گفتنی است که در برداشت فوق واژه <حکم> به معنای ولایت و سرپرستی گرفته شد و مراد از آن سرپرستی بر بنی اسرائیل و هجرت دادن آنان از سرزمین مصر می باشد.

سرزنش قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از

سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی و هم لکم عدوٌّ

همزه <استفهام> در <أفتتّخذونه> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

سرزنش قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی و هم لکم عدوٌّ

همزه <استفهام> در <أفتتّخذونه> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

سرزنش قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

کلمات <أعمی> (کور)، <بصیر> (بینا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱

۱- کافران به جهت پذیرش ولایت غیر خدا ، مورد ملامت اویند .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

استفهام در آیه، برای انکار و توبیخ است; یعنی، گزینش غیر

خدا، به عنوان ولیّ، کاری نادرست و سزاوار توبیخ است. و مراد از <اتخاذ ولیّ> در آیه اطاعت معبودان و انتظار یاری از آن ها است.

سرزنش ولایت غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱،۲

۱ - سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به واسطه پذیرش ولایت غیر او

أم اتّخذوا من دونه أولیاء

۲ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی ، امری شگفت انگیز و ملامت بار

أم اتّخذوا من دونه أولیاء

سرزنش ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۹

۹ پذیرش ولایت کافران ، هرگز مایه عزت و سربلندی نخواهد شد .

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جمیعاً

سقوط ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۵

۵ سرپرستان مسجدالحرام در صورت بازداشتن اهل ایمان از ورود به آن ، گنهکارند و از حق ولایت و سرپرستی محروم خواهند شد .

یصدون . .. و ما کانوا أولیاؤه إن أولیاؤه إلا المتقون

شرایط ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۷

۷ لیاقت و برتری ، از شرایط سرپرستی و مدیریت

الرّجال قوّامون علی النساء بما فضّل اللّه بعضهم علی بعض

چون حق مدیریت مردان بر زنان به لحاظ برتری آنان دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۷۸

۷ بپاداشتن همواره نماز با تمامی شرایط آن و کوتاهی نورزیدن در پرداخت

زکات ، شرط شایستگی برای ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم اللّه . .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

اقامه نماز به معنای برپا داشتن آن با تمامی شرایط است و فعل مضارع <یقیمون> و <یؤتون>، حاکی از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زکات است.

۸ حالت خضوع و فروتنی در پرداخت صدقه و زکات ، از شرایط لازم برای تصدی حکومت و ولایت بر اهل ایمان

انما ولیکم اللّه . .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۲

۲- داشتن اطلاع و آگاهی همه جانبه به ابعاد امور ، شرط ضروری ولایت و سرپرستی است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی . .. ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - قدرت و توانایی ، شرط شایستگی برای ولایت و سرپرستی است .

فاللّه هو الولیّ . .. و هو علی کلّ شیء قدیر

شرایط ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۹

۹ - شرط بهره مندی از ولایت و سرپرستی خداوند ، تقوا است .

و اللّه ولیّ المتّقین

شرایط ولایت مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۲ – ۲

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار

، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولیاء بعض

مشارالیه <أولئك> و مرجع ضـمیر در <بعضهم>، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلا اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

شگفتی قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پـذیرش ولا‌یت شیطان و نسـل او از سوی برخی مردم ، با وجود عـداوت شـیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شـگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی و هم لکم عدوٌّ

همزه <استفهام> در <أفتتّخذونه> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

شگفتی قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پـذیرش ولا‌یت شیطان و نسـل او از سوی برخی مردم ، با وجود عـداوت شـیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شـگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی و هم لکم عدوٌّ

همزه <استفهام> در <أفتتّخذونه> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

شگفتی ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۲

۲ – انتخاب غیر خدا به عنوان ولی ، امری شگفت انگیز و ملامت بار

أم اتّخذوا من دونه أولياء

شؤون ولایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ –

۷ - ۱۰

۷ - توان مندی بر رفع اختلافات و داوری بایسته ، از شؤون ولایت

فاللّه هو الولیّ . .. و ما اختلفتم فیه من شیء

شؤون ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ آفرینش و تأمین نیازمندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۶

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و إن یمسسک اللّه بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲۲

۲۲ آمرزش گناه خطاکاران و گسترانیدن رحمت بر ایشان ، از شؤون ولایت و سرپرستی خداوند بر بندگان خویش است .

أنت ولینا فاغفرلنا و ارحمنا

تفریع جمله <اغفر لنا و . .. > بر <أنت ولینا> به وسیله حرف فاء، حاکی از برداشت فوق است.

ظالمان و ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ ستمکاران ، شایسته ولایت و سرپرستی نیستند .

و لاترکنوا إلی الذین ظلموا . .. و ما لکم من دون الله من أولیاء

عقل و ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴ – ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت . .. > حكایت از صدور فرمانی تشریعی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انكاری <أغیر اللّه أتخذ ... > نیز اشاره به حكم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یكسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حكم می رانند.

عقیده به ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ شرك (اعتقاد به وجود مولویت و ربوبیت برای غیر خدا) پنداری باطل و افترا بر خداوند است .

و ردوا إلی اللّه مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۳

۳ - اعتقاد انسان به ولایت غیرخدا ، ظلم و ستم بر خویشتن

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر . أم اتّخذوا من دونه أولیاء

عقیده به ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ مشركان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء . .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق علیهم

جمله <خلقوا كخلقه> صفت برای <شركاء> است. <خلق> در هر دو مورد (<كخلقه> و <الخلق>) مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. <تشابُه> (مصدر تشابَه) به قرینه كلمه <علی> به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. <أم> در جمله فوق أم منقطعه و

حاوی اسـتفهام انکاری است و می رساند که خود مشـرکان نیز برای شـرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

علم در ولایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۱ – ۲

۲– داشتن اطلاع و آگاهی همه جانبه به ابعاد امور ، شرط ضروری ولایت و سرپرستی است .

أفتتّخذونه و ذرّيّته أولياء من دونى . .. ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض

عوامل محرومیت از ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۷ – ۹

۹ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به محروم کردن از یاری و حفاظت خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالك من الله من ولىّ ولاواق

<ولیّ> به معنای یاور و <واق> اسم فاعل از <وقایه> به معنای نگهدارنده است. <من الله> می تواند متعلق به محذوف و حال برای <ولیّ> و <واق> باشـد. بر این مبنا جمله <مالك ...> چنین معنا می شود: برای تو از جانب خداوند هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود ; یعنی، امدادهای خداوند به تو نخواهد رسید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۱۴

۱۴ – انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا ، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الذين اتّخذوا من دونه أولياء . .. و الظلمون ما لهم من ولىّ و لا نصير

عوامل ولایت ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

- انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۷

۷ حاکمیت و ولایت یافتن ظالمان معلول کردار ظالمانه مردم جامعه است.

و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون

فرجام شوم ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۵

۵- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند .

کتب علیه أنّه من تولّاه. .. ویهدیه إلی عذاب السعیر

قبول ولایت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین . .. أولیاء و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین> می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی بر قرار کرده بودند.

قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲،۱۲،۱۸،۲۷

۲ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر(ص)

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا

۱۲ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا

فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا يطعم

۱۸ پذیرش ولایت خداوند، مستلزم تسلیم شدن محض در برابر اوست.

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت . .. > حکایت از صدور فرمانی تشریعی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر اللّه أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۰

۱۰ پیروی از قرآن، پذیرش ولایت خداوند و فرمانبرداری از اوست.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۸

۸ پذیرش ولایت خداوند شرط بهرهوری از هدایت اوست.

و فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطین أولیاء من دون الله

مفهوم جمله <إنهم . ..> بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۱

۲۱- پذیرش ولایت شیطان ، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی

قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۵،۱۰

۵ پذیرش سرپرستی شیاطین بجای خدا، عامل تثبیت گمراهی و

دور ماندن از هدایت الهی

فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطین أولیاء من دون الله

۱۰ پذیرندگان ولایت شیاطین، بی خبر از گمراهی خویش و در پندار برخورداری از توفیق هدایت هستند.

و یحسبون أنهم مهتدون

قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۸

۸ شرک و بت پرستی ، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است .

ان یدعون من دونه الا انثاً . .. قال لاتخذن من عبادک نصیباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۵،۱۶،۱۹،۲۳

۱۵ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه فقد خسر خسراناً مبیناً

۱۶ اطاعت از دستورات شیطان ، در حقیقت پذیرش ولایت اوست .

و لامرنهم فلیغیرن خلق اللّه و من یتخذ الشیطن ولیاً

۱۹ پذیرندگان ولایت شیطان ، مردمی زیانکار با خسارتی آشکار

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه فقد خسر خسراناً مبیناً

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۱ – ۲

۲ دوزخ ، فرجام پذیرندگان ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً . .. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۰ – ۵

۵- پذیرش ولایت شیطان و پیروی از او ، شرک به خداوند است .

الذین یتولّونه .

.. هم به مشرکون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <باء> در <به> برای سببیت باشد و ضمیر آن به <قبول و پذیرش> که در معنای <یتولّونه> (از او فرمان می برند) اشراب شده است برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۱،۲۸،۲۹

۲۱- پذیرش ولایت شیطان ، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی

۲۸- گزینش ولایت شیطان به جای ولایت خدا ، انتخابی ظالمانه و زشت است .

أفتتّخذونه . .. بئس للظلمین بدلاً

مخصوص به <ذم> در فعل <بئس> ابلیس است. و <بدلاً> تمیز برای آن، لذا معنای جمله، چنین می شود که: <شیطان، بدجایگزینی است (به جای خداوند) برای ظالمان>.

۲۹- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او ، ظالم اند .

بئس للظلمین بدلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۱

۱- پیروی از شیطان ، به معنای پذیرش ولایت و سرپرستی او است .

و یتّبع کلّ شیطن . .. من تولّاه فإنّه یضلّه

قبول ولایت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۶

۶ - پیروی از تمایلات جاهلانه ظالمان ، به معنای پذیرش ولایت و رهبری آنان است .

و لاتتّبع أهواء . .. و إنّ الظلمين بعضهم أولياء بعض

بـا توجه به این که <إنّ الظالمین بعضـهم أولیاء. ..> تعلیل برای نهی <لاتتبع> است، مفاد آیه شـریفه چنین خواهـد بود: اگر پیامبر یا موحد دیگری، در برابر خواسته یا خواسته های هواپرستان جاهل تسلیم شود، در حقیقت رهبری

و ولایت آن هواپرستان ظالم را پذیرفته است.

قبول ولایت غیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۲۲

۲۲ پذیرش اندیشه و فرمان های دیگران ، قبول ولایت آنهاست .

و لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم . .. و من یتخذ الشیطن ولیاً

قبول ولایت غیر اولیاءالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۵ – ۱۸

۱۸ – < عن أبی عبدالله (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < و من یرد فیه بإلحاد بظلم > فقال : من عبد فیه غیر اللّه عزّوجلّ أو تولّی فیه غیر أولیاء اللّه فهو ملحد بظلم . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و من یرد فیه بالحاد بظلم> روایت شده است که فرمود: کسی که در مکّه، غیر از خدای عزّوجلّ را پرستش کند، یا ولایت غیر اولیای خدا را بپذیرد، <الحاد به ظلم> کرده است>.

قبول ولایت غیر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴ – ۲۵

۲۵ پذیرش ولایت غیر خدا، شرک است.

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و لا تکونن من المشرکین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵ – ۴

۴ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، عصیان بر اوست.

أغير اللّه أتخذ وليا . .. و لا تكونن من المشركين. قل إنى أخاف إن عصيت ربى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – اعراف – ۷ – ۳ – ۹

۹ اطاعت

و پیروی از دیگران در حقیقت پذیرش ولایت آنهاست.

اتبعوا . .. و لاتتبعوا من دونه أولیاء

با اینکه کلمه ای مانند <احدا> به جای <أولیاء> می توانست بیانگر معنای مقصود باشد، ولی کلمه <أولیاء> به کار برده شده تا اشاره باشد به اینکه پیروی و فرمانبرداری مساوی با پذیرش ولایت و سرپرستی پیروی شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۲

۲ عذاب سهمگین خداوند در انتظار جوامع مختلف از قوانین دین و پذیرنده ولایتهای غیر خداوند

و لاتتبعوا من دونه . .. و کم من قریه أهلکنها

بیان هلاکت جوامع پیشین پس از فرمان به رعایت قوانین دین و سرپیچی از ولایت غیر خدا <اتبعوا ما أنزل الیکم . ..>، بیانگر آن است که عذاب امتهای پیشین به سبب تخلف آنان از این فرمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۸

۸ کسانی که ولایت خدا را نپذیرند ، خویشتن را به ولایتهایی متعدد و بی اساس گرفتار خواهند کرد .

و ما کان لهم من دون الله من أولیاء

جمع آوردن کلمه <أولیاء> با وجود این که بیان معنای مقصود با کلمه <ولیّ> نیز ممکن بود ، اشاره به این نکته دارد که انسان ، اگر ولایت الهی را نپذیرد ، گرفتار تعدد اولیا می شود و ناچار است به ولایتهای متعددی گردن نهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۲

۲۲ پذیرش سرپرستی و ولایت غیر خدا شرک است .

أفاتخذتم من دونه أولیاء . .. أم

جعلوا لله شركاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۴

۴- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سرنهاده بر آستان شماریِ از بندگان اویند .

يتّخذوا عبادى من دونى أولياء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۴ – ۱۰

۱۰- کسانی که غیر خدا را معبود و ولیّ خود ساخته اند ، به خطا ، خود را کام روا و نیک کردار می پندارند .

أن يتّخذوا عبادى من دونى أولياء . .. و هم يحسبون أنّهم يحسنون صنعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۱ – ۲،۴،۸

۲ – انتخاب کنندگان ولیّ و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنکبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مثل الذين اتّخذوا من دون اللّه أولياء كمثل العنكبوت اتّخذت بيتًا

۴ – کسانی که ولایت و کارسازی خدا را ر ها کنند و به سراغ غیرخدا بروند ، مبتلا به اولیای متعددی می شوند .

مثل الذين اتّخذوا من دون اللّه أولياء كمثل العنكبوت

جمع آورده شدن <أولياء> احتمال دارد که ناظر به واقعیت خارجی باشد و آن، این است که گریزندگان از ولایت الهی، ارباب و اولیای متعدد پیدا می کنند.

۸ – ولیّ و کارساز گیرندگانِ غیرخدا ، جاهلانه و از سر بی خبری ، انتخاب کرده اند .

مثل الذين اتّخذوا من دون اللّه أولياء كمثل العنكبوت اتّخذت بيتًا . .. لو كانوا ی

قبول ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

- ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، جبهه گیری در مقابل خداوند است .

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۲

۲ مؤمنان ، در صورت پذیرش ولایت کافران ، محکوم به نفاق خواهند بود .

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار

ظاهراً جمله <إنّ المنفقین . ..>، بیان علت برای جمله <لاتتخذوا ...> است. بنابراین مراد از <المنفقین>، همان کسانی خواهند بود که ولایت کافران را پذیرا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۲

۳۲ بیماردلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّه بقوم . .. ذلک فضل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳،۱۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا . .. الكفار أولياء

<هزواً> به معناى ريشخند زدن و مسخره كردن است.

۱۳ پذيرش ولايت و دوستى كافران و تمسخر كنندگان اسلام ، ناسازگار با ايمان و تقوا

و اتقوا اللّه ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰

۷،۸،۹،۱۰،۱۶،۱۷ -

۷ بنی اسرائیل همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لایتناهون عن منکره فعلوه . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از <منکر> که در آیه قبل مطرح شده بود.

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با آنان

کانوا لایتناهون عن منکر . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون . .. کانوا لایتناهون ... یتولون الذین کفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

۱۷ غضب الهی و عذاب همیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان

یتولون الذین کفروا لبئس . .. ان سخط اللّه علیهم

و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون

قبول ولایت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۱،۱۶،۱۷

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا ، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من یتولهم منکم فانه منهم

۱۶ مسلمانانِ پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲،۶،۱۱،۱۳،۲۰

۲ شتاب زدگی بیماردلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق <یسرعون فیهم> به قرینه آیه قبل به معنای <یسارعون فی تولیهم> گرفته شده است.

۶ شتاب بیماردلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إنّ اللّه لايهدى القوم الظلمين. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

۱۱ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فترى

الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یسرعون فیهم . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا ، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

بدان احتمال که مراد از <اعملهم> تلاشهایی است که بیماردلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند ; بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا ، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نهی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام ، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۶ – ۸

۸ ناکامی و شکست ، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود ، نصارا و دیگر کافران

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب اللّه . ..> می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبنا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

قبول ولایت مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۱،۶

۱ بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از <الذین کفروا> مشرکان مکه می باشد.

۶ پذیرش ولایت مشرکان و دوستی با آنان از جمله اعمال ناپسند و رایج در بین انبوهی از یهودیان عصر پیامبر (ص)

لبئس ما کانوا یفعلون. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

جمله <یتولون الذین کفروا> مصداقی برای جمله <لبئس ما کانوا یفعلون> است. وبه قرینه آیه ۸۲ (و لتجدن اقربهم موده ...) که مسیحیان را دوستار مسلمانان معرفی کرده است، معلوم می شود، مراد از بنی اسرائیل در این بخش از آیات، یهودیان است.

قبول ولایت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۱ – ۱۱،۱۶،۱۷

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا ، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من يتولهم منكم فانه منهم

مسلمانانِ پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲،۶،۱۱،۱۳،۲۰

۲ شتاب زدگی بیماردلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق <یسرعون فیهم> به قرینه آیه قبل به معنای <یسارعون فی تولیهم> گرفته شده است.

۶ شتاب بیماردلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۱۱ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یسرعون فیهم . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶

بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

بدان احتمال که مراد از <اعملهم> تلاشهایی است که بیماردلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند ; بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا ، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نهی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام ، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۸

۸ ناکامی و شکست ، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود ، نصارا و دیگر کافران

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب اللّه . ..> می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبنا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

قدرت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری -

۴۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - قدرت و توانایی ، شرط شایستگی برای ولایت و سرپرستی است .

فاللّه هو الولیّ . .. و هو علی کلّ شیء قدیر

کفر ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کیفر قبول ولایت غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

محبت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۵

۲۵- محبت و دل سوزی ، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی و هم لکم عدوٌّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینهوزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

محرومان از ولايت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۴۴ - ۱

۱ - كسانى كه خداوند ، آنان را گمراه كند ، از هرگونه سرپرست و ياور محروم اند .

و من يضلل اللّه فما له من ولىّ من بعده

محرومان از ولايت اخروى

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - ستم پیشگان ، محروم از هرگونه ولیّ و یاوری در قیامت

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸

۱۸ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هوا هـای نفسـانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شـدن از ولایت و یاری خـداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۱

۱۱ خداونـد ، مخالفـان پیـامبر (ص) و تفرقه افکنـان در جـامعه ایمـانی را از ولایت خویش خارج و به حال خودشان ر ها می سازد .

و من یشاقق الرسول . .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۷

۷ شرکورزی و پرستش غیر خدا ، کرداری ناشایسته و مایه محرومیت از ولایت و حمایت های خداوند است .

و هو یتولی الصلحین

مصداق مورد نظر برای صلاح و صالحان، به قرینه آیات گذشته، توحید و مؤمنان موحد است و در مقابل آن شرک و مشرکان خواهد بود. بنابراین مفهوم جمله <و هو ... > عدم حمایت خداوند از مشرکان است.

محمد(ص) و ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴ – ۲

۲ ولایت الهی، تنها ولایت

مورد پذیرش پیامبر(ص)

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا

محمد(ص) ولایت امام علی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۵ – ۱۸

۱۸ فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای نصب علی (ع) به ولایت و سرپرستی امت

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. یؤتون الزکوه و هم رکعون

امام باقر(ع): امر اللّه عزوجل رسوله بولایه علی(ع) و انزل علیه <انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا . .. .

کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۶، ح ۲۶۴; الدرالمنثور، ج ۳، ص ۱۰۵.

مدح ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۳۰

۳۰ – ستایش خدا از سرپرستی خود نسبت به مسلمانان و یاری رساندن به آنان

هو سمّیکم المسلمین. .. فنعم المولی و نعم النصیر

مشرکان و ولایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۴ – ۱۶

۱۶ – مشرکان ، به شفاعت و ولایت و سرپرستی غیرخدا ، اعتقاد داشتند .

أم یقولون . .. ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع أفلاتتذکّرون

مشمولان ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۴

۴ هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

فمن یرد الله . .. لقوم یذکرون. لهم دارالسلم عند ربهم و هو ولیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

- پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و کذلک أوحینا . .. یدخل من یشاء فی رحمته... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرارگرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۹

۹ - پیامبر (ص) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذلکم اللّه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۳،۲۸

۲۳ - خدا ، مولا و سرپرست امت اسلامی

سمّیکم المسلمین . .. هو مولیکم

۲۸ - خدا ، سرپرست و یاور خوب و شایسته برای امت اسلامی

هو سمّیکم المسلمین . .. و اعتصموا باللّه ... فنعم المولی و نعم النصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۱،۴،۶

۱ خداوند سرپرست پیامبر (ص) و یاور او در برابر کید ها و توطئه های مشرکان

ثم کیدون فلاتنظرون. إن ولی اللّه

۴ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو یتولی الصلحین

۶ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهراسیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلاتنظرون . .. هو یتولی الصلحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره

توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهراسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۴،۶

۱۴- اصحاب کهف ، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولیّ

مراد از ضمیر در <لهم> اصحاب کهف است.

۶- تنها خداوند بر تمام اسرار هستی آگاه است .

قل اللّه أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جمله <له غیب. ..> به قرینه <اللّه أعلم> علاوه بر بیان مالکیت خداوند بر اسرار هستی، بر آگاهی فراگیر او نیز دلالت دارد.

مشمولان ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمم من قبلک فزیّن لهم الشیطن أعملهم فهو ولیّهم الیوم

معرضان از ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۸

۸ رویگردانان از ولایت خداوند، در وادی ولایتهای متعدد غیر خدا سرگردان هستند.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء

بدیهی است حرمت تبعیت از غیر خداوند مشروط به این نیست که پیروی شونده متعدد باشد. بنابراین آوردن کلمه <أولیاء>

به صورت جمع می تواند اشاره به این باشد که آدمی با دور شدن از ولایت خدا و قرآن همواره تحت سیطره حاکمانی متعدد قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۵ - ۲

۲ جوامع بی اعتنا به قوانین دین و اعراض کنندگان از ولایت خداوند، از ظالمان هستند.

اتبعوا .

.. قالوا إنا كنا ظلمين

ظالم خواندن اقوام هلاک شده پیشین پس از فرمان به تبعیت از قوانین دین و بر حذر داشتن مردم از پذیرش ولایت غیر خدا، بیانگر آن است که پذیرش ولایت غیر خدا و پیروی نکردن از قوانین دین، ظلم است.

معرضان از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۴

۴- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سرنهاده بر آستان شماریِ از بندگان اویند .

يتّخذوا عبادى من دونى أولياء

ملاک ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۸

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغير اللّه أتّخذ وليا فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا يطعم

۸ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

قل أغير اللّه أتّخذ وليا فاطر السموت و الأرض و هو يطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموت و الأرض أنت وليّ فى الدنيا و الأخره

یوسف(ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولیّ خویش می خواند تا به این حقیقت اشاره کند که: چون خدا خالق هستی است ، ولیّ و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۱،۲۸

۱۱ تنها کسی شایسته ولایت و

سرپرستی است که بر نفع رسانی و دفع ضرر توانا باشد .

لایملکون لأنفسهم نفعًا و لا ضرًّا

۲۸ ربوبیّت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفاتخذتم من دونه أولیاء . .. قل الله خلق کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۷

۱۷- شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات ، در انحصار مالک آگاه و هوشمند جهان هستی است .

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع ما لهم من دونه من ولیّ

منشأ ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۲،۳،۵،۶

۲ خداوند ، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران ، با ذکر نشانی معین و مشخص

انما ولیکم اللّه . .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله <و هم راکعون> جمله ای است حالیه و عامل آن فعل <یؤتون> است و نیز با توجه به ظهور <رکوع> در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر دارد ; یعنی برای معرفی شخصی معین است.

۳ پرداخت زکات در حال رکوع نماز ، نشانه فرد تعیین شده در بین مسلمانان صدر اسلام برای حکومت و ولایت بر آنان

و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا . .. و یؤتون الزکوه و

هم ركعون

۶ ولايت و رهبرى پيامبر (ص) و مؤمنان واجد شرايط ، در طول ولايت خدا و پرتويى از حاكميت اوست .

انما وليكم اللّه و رسوله و الذين ءامنوا

مفرد آوردن كلمه <ولىّ> على رغم جمع بودن خبر آن ، رساى به اين حقيقت است كه ولايت رسول خدا(ص) و ديگر واجدان شرايط، در طول ولايت خدا و پرتويى از ولايت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۷

۲۷ - مشروعيت ولايت ها و حكومت هاى بشرى ، در گرو منتهى شدن آن به ولايت الهى است .

هو موليكم

با توجه به ظهور <هو مولاكم> در حصر، برداشت ياد شده به دست مى آيد.

منشأ ولايت امام على(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۵

۵ نصب على (ع) به امامت و ولايت بر اهل ايمان ، حكم نازل شده به رسول خدا (ص) در آيه تبليغ

بلغ ما أنزل إليك

بر اساس شأن نزولهاى متعدد و روايات فراوان، مراد از <ما انزل اليك>، امامت و ولايت اميرالمؤمنين على ابن ابى طالب(ع) است.

منشأ ولايت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ ولايت رسول خدا (ص) بر مؤمنان ، نشأت يافته از مقام رسالت آن حضرت

و یطیعون اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۴،۵

۴- پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم

، در پرتو جعل و تفويض الهی

أطيعوا اللّه و أطيعوا الرسول

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفويض او واجب شده است.

۵- ولايت پيامبر (ص) بر مردم ، نشأت يافته از منصب رسالت الهی آن حضرت

أطيعوا اللّه و أطيعوا الرسول

وصف <الرسول>، می تواند مشعر به عليت باشد; يعنی، رسالت پيامبر(ص)، ولايت بر خلق را برای او به ارمغان آورده است.

موانع ولايت حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۸

۸- به كارگيری نيرو های ناصالح ، ناسازگار با ولايت دل سوزانه و بر حق است .

و ما كنت متّخذ المضلّين عضدًا

موانع ولايت شياطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ ايمان به خداوند و آيات او مانع ولايت و حاكميت شياطين بر انسان

إنا جعلنا . .. للذين لا يؤمنون

موانع ولايت غير خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۶

۶ ترس از عذاب قيامت، مانع از شرك و پذيرش ولايت غير خدا

أغير اللّه أتخذ وليا . .. إنى أخاف إن عصيت ربى عذاب يوم عظيم

مهربانی در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۵

۲۵- محبت و دل سوزی ، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أفتتّخذونه و ذرّيّته أولياء من دونى و هم لكم عدوٌّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این

است که رهبری ولایت، باید از کینهوزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

نشانه های ولایت حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۰ – ۲۵

۲۵– محبت و دل سوزی ، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی و هم لکم عدوٌّ

خداونـد، بـا به رخ کشیـدن عـداوت شیطان، سزاوار نبودن پـذیرش ولایـت او را یادآور شـده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینهوزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

نشانه های ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۱ – ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قـدرت و مکنت و بهره منـدی او از دانش تعـبیر رؤیـا هـا و تحلیـل حوادث ، پرتوی از ولایـت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۸ – ۱۱

۱۱ – تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس ونا امیدی انسان ، جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط اللّه الرزق . .. و لکن ینزّل بقدر ما یشاء ... و هو الذی ینزّل الغیث ..

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۲

۲– ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذلك

بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا . .. إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلح

نعمت ولایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۵ – ۳۸

۳۸ – < بعض اصحابنا رفعه فی قول اللّه عز و جل < و لتکبروا اللّه علی ما هداکم > قال : < التکبیر > التعظیم للّه ، و < الهدایه > الولایه ;

از امام معصوم (ع) درباره سخن خداوند عز و جل که فرموده <و لتکبروا اللّه علی ما هداکم> روایت شده که مراد از <تکبیر>، تعظیم و بزرگداشت خداست و مراد از <هدایت> ولایت است (یعنی خدا را به عظمت یاد کنید به خاطر نعمت ولایت)>.

نعمت ولایت اهل بیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۸ – ۱۰

۱۰ – < قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبداللّه الصادق (ع) . . . قال : إنّ اللّه عزّوجلّ لایسئل عباده عمّا تفضّل علیهم و لایمنّ بذلک علیهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلی الخالق عزّوجلّ ما لایرضی المخلوق به و لکنّ النعیم حبّنا أهل البیت و موالاتنا یسئل اللّه عباده عنه بعد التوحید و النّبوه لأنّ العبد إذا وفی بذلک ادّاه إلی نعیم الجنّه الذی لایزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منّت نمی گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت

بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش]ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبوت، از آن بازخواست خواهد کرد; زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

نقش ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ محبت و دوستی و انتخاب ولی و سرپرست ، دارای نقشی اساسی و کارآمد در هدایت و گمراهی

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

با توجه به اینکه آیه مورد بحث، ناظر به آیات پیشین است و در آن آیات پذیرش ولایت یهود و نصارا، مایه محرومیت از هدایت الهی دانسته شده بود، معلوم می شود پذیرش ولایت خدا، پیامبر(ص) و مؤمنان واجد شرایط، مایه هدایت است.

نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان در قیامت ، نیازمند ولایت و یاوری است .

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

نیاز به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۴

۴ - انسان ، نیازمند ولایت و یاوری از جانب خداوند ، در تمامی حالات زندگی خویش

و من یضلل اللّه فما له من ولیّ من بعده

این که گمراهان با محروم

شـدن از ولاـیت الهی ره به جایی نمی برنـد، نشانگر آن است که انسان ها در تمامی حالات زنـدگی خویش نیازمنـد امـداد و ولایت الهی اند.

ولایت اخروی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۰ – ۹

۹ قیـامت ، روز ظهـور مولویت و مـالکیت به حق و پروردگـاری بی همتـای خداونـد و بر ملاـ شـدن بطلاـن انـدیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشر هم جمیعاً . .. و ردوا إلی اللّه مولیهم الحق و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۱ – ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۱۵

۱۵ – پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و کذلک أوحینا . .. یدخل من یشاء فی رحمته... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

ستمگران (کسـانی که از پیـام وحی سـرپیچی کننـد) از ولاـیت و نصـرت الهی محروم خواهنـد بـود و از آن جـا که مشـمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرارگرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۶ – ۳

۳ – قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

و ما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون اللّه

ولايت الله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۲ – ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶

۱۱ پذيرش ولايت خداوند ، از بين برنده هر نوع سستى در انجام وظايف دينى

اذ همّت . .. و اللّه وليّهما

<و اللّه وليّهما>، با لحن اعتراض گونه اش (در حالى كه خداوند سرپرست و حمايت كننده شماست، سستى چرا؟) به اين نكته اشاره دارد كه پذيرش ولايت الهى و اعتقاد به آن، مانع از هر گونه سستى در راه انجام وظايف الهى است.

۱۲ سستى و هراس در هنگامه هاى دشوار (همانند جنگ) و تصميم به نافرمانى از پيامبر (ص) ، به تنهايى ، موجب خروج از ولايت و حمايت الهى نيست .

اذ همّت . .. و اللّه وليّهما

جمله <و اللّه وليّهما>، در عين اعتراض به گروههايى كه قصد انحراف از جنگ و نافرمانى از رسول خدا (ص) را داشتند، بيانگر اين است كه اين تصميمشان، باعث نشد كه ولايت الهى از آنان منقطع شود.

۱۳ افتادن بندگان به ورطه انحراف ، در صورت قطع ولايت و حمايت الهى از آنان

اذ همّت . .. و اللّه وليّهما

جمله <اللّه وليّهما>، بيانگر علت انصراف مسلمانان از تصميم بر مخالفت پيامبر (ص) است. بنابراين قطع ولايت، موجب گرفتار شدن آدمى به انحراف و مخالفت پيامبر (ص) است.

۱۶ پذيرش ولايت خداوند ، مستلزم توكّل و اتكا به او در هر حال و در همه امور

و اللّه وليّهما و على اللّه فليتوكّل المؤمنون

جمله <و على اللّه فليتوكّل>، با كلمه <فاء>، تفريع به جمله <و اللّه وليّهما> شده است يعنى حال كه خداوند ولى شماست، تنها

به او توکّل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۷

۷ نصرت و یاری الهی به مؤمنان ، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

و اللّه ولیّهما . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جمله <و لقد نصرکم اللّه>، می تواند استدلالی باشد برای جمله <و اللّه ولیّهما>. یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است; به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۱،۵،۶،۷،۸،۹

۱ تنها خداوند مولی و سرپرست اهل ایمان و بهترین یاور آنان است .

بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

۵ اطاعت و پیروی جامعه ایمانی از کفرپیشگان ، موجب خروج از ولایت خداوند و محرومیّت از یاری او

ان تطیعوا الّذین کفروا . .. بل اللّه مولیکم و هو خیرُ النّاصرین

۶ پذیرش ولایت خداوند ، موجب بهره مندی از پشتیبانی وی و زمینه ساز پیروزی بر کافران

بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

تقدیم ذکری ولایت الهی بر یاری او، نشانه تقدّم خارجی آن است; یعنی آنگاه خداوند شما را یاری خواهد کرد که تنها ولایت او را پذیرا باشید.

۷ پذیرش ولایت الهی و عقیده به خدا به عنوان بهترین یاور ، مانع اطاعت از کافران و پذیرش ولایت آنان

ان تطیعوا الّذین . .. بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

چون معمولاـ اطاعت آدمی از کسی برای جلب یاری اوست، قرآن با بیان اینکه خداوند تنها سرپرست و بهترین یاور است به مؤمنان

می فهماند که با یاری خداوند هیچ نیازی به یاری کافران نخواهید داشت تا مجبور شوید از آنان تبعیّت کنید.

۸ توجّه به ولایت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند ، از عوامل تقویت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

۹ پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او ، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردّوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین. بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذیرش ولایت خداوند به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران باعث رشد و سعادت خواهد بود.

ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۳،۵۴

۵۳ اعلام جانشینی و ولایت علی (ع) توسط رسول خدا (ص) ، موجب کمال دین و تمام نعمت و رضای پروردگار

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

از رسول خدا(ص) روایت شده که هنگام نزول آیه فوق فرمود: ان کمال الدین و تمام النعمه و رضی الرب بارسالی الیکم بالولایه بعدی لعلی ابن ابی طالب(ع).

امالی صدوق، ص ۲۹۱، ح ۱۰، مجلس ۵۶؛ بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۱۱، ح ۳.

۵۴ ولایت علی (ع) ، آخرین فریضه نازل شده از سوی خداوند

الیوم اکملت لکم دینکم

امام باقر(ع): امر اللّه عزوجل رسوله بولایه علی(ع) . .. و کانت الولایه اخر الفرائض فانزل اللّه عزوجل <الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی> یقول اللّه عزوجل: ... قد اکملت لکم الفرائض.

کافی،

ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۷، ح ۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۵،۱۸

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۱۸ فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای نصب علی (ع) به ولایت و سرپرستی امت

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. یؤتون الزکوه و هم رکعون

امام باقر(ع): امر اللّه عزوجل رسوله بولایه علی(ع) و انزل علیه <انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا . .. .

کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۶، ح ۲۶۴; الدرالمنثور، ج ۳، ص ۱۰۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ خداوند هرگز به مخالفان پیام ویژه الهی (ولایت و امامت علی (ع)) مجال توطئه علیه پیامبر (ص) را نخواهد داد .

بلغ . .. إنّ اللّه لایهدی القوم الکفرین

بدان احتمال که متعلق حذف شده از فعل <یهدی> به قرینه (و اللّه یعصمک من الناس) توطئه های کافران باشد، یعنی خداوند کافران را به توطئه علیه پیامبر(ص) موفق نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۶

۶ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله تعالی : < یا

أیها الذین آمنوا لا تتخذوا آبائکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان > قال : فإن الإیمان ولایه علی بن ابی طالب (ع) ;

از امام باقر (ع) درباره قول خدای تعالی: <ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر پدران و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دادند، آنان را ولی خود نگیرید. > روایت شده است: به درستی که ایمان، ولایت علی بن ابی طالب (ع) است>.

ولایت امام مهدی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۳ – ۷

۷- < عن سدیرالصیرفی قال : دخلت . . . علی . . . أبی عبدالله الصادق (ع) . . . قال : . . . نظرت فی کتاب الجفر . . . و تأملت منه مولـد قائمنا و غیبته . . . و بلوی المؤمنین فی ذلک الزمان و تولـد الشکوک فی قلوبهم من طول غیبته و إرتـداد أکثرهم عن دینهم و خلعهم ربقه الإسلام من أعناقهم التی قال الله تقدس ذکره : < و کلّ إنسان ألزمناه طائره فی عنقه > یعنی الولایه ;

از سدیرصیرفی روایت شده است که گفت: بر امام صادق(ع) وارد شدم . .. فرمود:... در کتاب حفر نگاه کردم ... و در آن در بـاره تولـد و غیبت قائممـان تأمـل کردم:... و [دیـدم از]آزمـایش مؤمنین در آن زمان و پیـدایش شک در دلهایشان از طولانی شدن عیبت آن حضرت و مرتد شدن اکثر مؤمنان از دینشان و گسستن ریسمان اسلام از گردنهایشان، ریسمانی که خداوند تقدس ذکره می فرماید: <و کلّ إنسان ألزمناه

طائره فی عنقه> که مقصود ولایت می باشد>.

ولایت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر جمله <إنّی لکم رسول> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم؛ پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتقوااللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

و أطيعون

تفريع <فاتّقوا اللّه و أطيعون> بر آيه قبل (إنّى لكم رسول أمين)، بيانگر اين معنا است كه با توجه به اين كه من رسول خدا هستم، بر شما لازم است كه تقواى او را پيشه كنيد و از من فرمان بريد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه وأطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

ولایت اولیای مقتول در دوران صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۸

۸ - وجود قانون ولایت اولیای مقتول برای خونخواهی وی ، در عصر صالح پیامبر

لنبیّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله

ولایت باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۲ – ۴

۴ ولایت غیر خداوند، بی اساس و باطل است.

ثم ردوا إلى الله موليهم الحق

ولایت بر اصحاب کهف

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۴،۱۵

۱۴- اصحاب کهف ، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولیّ

مراد از ضمیر در <لهم> اصحاب کهف است.

۱۵- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است .

قل اللّه أعلم بما لبثوا . .. ما لهم من دونه من ولیّ

ولایت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ - هارون ، دارای حق ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) بود .

و لقد قال لهم هرون . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

فرمان هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

ولایت بر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمم من قبلک فزیّن لهم الشیطن أعملهم فهو ولیّهم الیوم

ولایت بر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۴،۵،۷،۱۱

۴ عدم وجوب پرداخت نصف مَهر تعیین شده از سوی شوهر ، در صورت گذشتن ولیّ زن از حقّ وی

او یعفوا الّذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلقه است، ظاهر این است که <الّا>، بیانگر موارد استثناء و

سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که <الذی . .. > حمل بر ولیّ زن شود; نه شوهر.

۵ اختیار ازدواج زن در صورتی که شرعاً دارای ولیّ باشد با ولیّ اوست .

الّذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه <الذی>، ولیّ زن باشد و این ولیّ، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

۷ چشمپوشی زن ، شوهر و ولیّ زن از حقوق خویش (مهریّه) ، به تقوا نزدیکتر است .

و ان تعفوا اقرب للتقوی

در صورتی که خطاب <اَن تعفوا> به کلیّه افراد اعم از زن و مرد و ولیّ باشد.

۱۱ ولیّ زن مطلّقه می تواند از حقّ وی (نصف مَهر) ، صرفنظر کند .

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از <اَلذی . .. > ولیّ زن است ; البته این حکم در صورتی است که زن، ولیّ شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱،۲،۶،۱۱،۱۹

۱ مدیریّت و سرپرستی زنان هر جامعه بر عهده مردان است .

الرجال قوّامون علی النّساء

در برداشت فوق، کلمه <الرجال> و <النساء>، مطلق مردان و زنان گرفته شده، نه خصوص شوهران و همسران آنان. قوّام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

۲ شوهران ، وظیفه دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش

الرجال قوّامون علی النّساء

به قرینه <بما انفقوا>، مراد از <الرجال> شوهران و <النساء> همسران آنان خواهد بود ; زیرا هزینه زندگی زنان بر عهده شوهران خویش است و نفقه مطلق زنان

بر عهده مردان نیست.

۶ برتری مردان بر زنان ، فلسفه تشریع حق سرپرستی و مدیریت آنان بر همسران خویش

الرّجال قوّامون علی النساء بما فضّل اللّه بعضهم علی بعض

۱۱ تأمین هزینه های زندگی از سوی مردان ، فلسفه تشریع حق مدیریت و سرپرستی آنان بر همسران خویش

الرّجال قوّامون علی النساء . .. و بما انفقوا من اموالهم

۱۹ اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی ، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است .

الرجال قوّامون . .. و بما انفقوا ... فالصّالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ اللّ

مراد از <بما حفظ اللّه>، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و <باء> مقابله در <بما حفظ> می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

ولایت بر فرزند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۹ – ۷

۷- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

اینکه خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

ولایت بر فرزندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۵ – ۵،۱۱

۵ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ولایت همسر عمران بر فرزند خویش ، به هنگام در حیات نبودن عمران *

ربّ انّی نذرت لک

ولایت بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۹

۹ - پیامبر (ص) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذلکم اللّه ربّی

ولایت بر مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۶

۶ ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقواپیشگان است .

و ما کانوا أولیاؤه إن أولیاؤه إلا المتقون

ولایت بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

تفریع جمله <اتخذتم . ..> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آنِ خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجّه و بدون دلیل است.

ولایت بر موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۱۶،۱۷

۱۶– موجودات آسمان ها و زمین ، فاقد ولیّ و سرپرستی جز خدا

له غیب السموت و الأرض . .. ما لهم من دونه من ولیّ

محتمل است که ضمیر <لهم> به قرینه <السموات و الأرض> به موجوداتی که در آن ها است، بازگردد. در چنین مواردی، اهمیت عقلا، دیگران را

تحت الشعاع قرار می دهد و ضمیر، مناسب آنان آورده می شود.

۱۷- شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات ، در انحصار مالک آگاه و هوشمند جهان هستی است .

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع ما لهم من دونه من ولیّ

ولایت بر موجودات آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۶

۱۶- موجودات آسمان ها و زمین ، فاقد ولیّ و سرپرستی جز خدا

له غیب السموت و الأرض . .. ما لهم من دونه من ولیّ

محتمل است که ضمیر <لهم> به قرینه <السموات و الأرض> به موجوداتی که در آن ها است، بازگردد. در چنین مواردی، اهمیت عقلا، دیگران را تحت الشعاع قرار می دهد و ضمیر، مناسب آنان آورده می شود.

ولایت بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۲

۲ کافران ، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱،۳،۵،۷،۸،۹

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۳ پرداخت زکات در حال رکوع نماز ، نشانه فرد تعیین شده در بین مسلمانان صدر اسلام برای حکومت و ولایت

بر آنان

و يؤتون الزكوه و هم ركعون

۵ ولايت و سرپرستى بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و اميرالمؤمنين على ابن ابى طالب (ع)

انما وليكم اللّه و رسوله و الذين ءامنوا . .. و يؤتون الزكوه و هم ركعون

۷ بپاداشتن همواره نماز با تمامى شرايط آن و كوتاهى نورزيدن در پرداخت زكات ، شرط شايستگى براى ولايت و حكومت بر مؤمنان

انما وليكم اللّه . .. الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه و هم ركعون

اقامه نماز به معناى برپا داشتن آن با تمامى شرايط است و فعل مضارع <يقيمون> و <يؤتون>، حاكى از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زكات است.

۸ حالت خضوع و فروتنى در پرداخت صدقه و زكات ، از شرايط لازم براى تصدى حكومت و ولايت بر اهل ايمان

انما وليكم اللّه . .. الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه و هم ركعون

در برداشت فوق، ركوع به معناى لغوى آن (خضوع) گرفته شده است.

۹ هرگونه حكومت و ولايت بر اهل ايمان ، به جز ولايت خدا ، پيامبر (ص) و مؤمنان واجد شرايط ، حكومت و ولايتى نامشروع و غير قانونى

انما وليكم اللّه و رسوله و الذين ءامنوا

برداشت فوق با توجه به كلمه <انما> كه براى حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ ولايت رسول خدا (ص) بر مؤمنان ، نشأت يافته از مقام رسالت آن حضرت

و يطيعون اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱،۲،۲۷ - ۶ - ۳۳

۱ - پیامبراکرم (ص) ، دارای ولایتی تام بر مؤمنان است .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

۲ - ولایت پیامبر (ص) بر مؤمنان ، از ولایت خود آنان بر امورشان ، برتر است .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

۲۷ - < عن النبیّ (ص) قال : ما من مؤمن إلاّ و أنا أولی الناس به فی الدنیا و الأخره اقرأوا إن شئتم : < النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم > فأیّما مؤمن ترک مالاً فلیرثه عصبته من کانوا . فإنْ ترک دیناً أو ضیاعاً فلیأتنی فأنا مولاه ;

از نبی اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: <النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم> پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند; زیرا من ولیّ او هستم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۱

۱- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ینصرکم و یثبّت أقدامکم . .. ذلک بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا

ولایت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۷

۷- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

اینکه

خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱۲

۱۲ – ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج ، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال إنّی أُرید أن أُنکحک . .. علی أن تأجرنی ثمنی حجج

ولایت پسندیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۲۰

۲۰ تنها خداوند شایسته ولایت بر انسان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه فقد خسر خسراناً مبیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳ – ۷

۷ ولایت خداوند، تنها ولایت شایسته و بایسته پذیرش است.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء

ولایت تشریعی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۶ – ۴

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

جمله <مكّنّا ليوسف . ..> هم شامل اقتدار تكوينى است و هم گوياى اقتدار تشريعى ; يعنى ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمين مصر را عطا كرد.

ولايت تكوينى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۸

۱۸ اعطاى ولايت تكوينى از جانب خدا ، براى برخى از بندگان

خاصّ خود

و اذ قال ابرهیم . .. یأتینک سعیاً

ولایت تکوینی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۴

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

جمله <مکّنّا لیوسف . ..> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریعی ; یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولایت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۵

۵ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت

ولایت حقیقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۲

۲ خداوند، مولا و سرپرست حقیقی آدمیان است.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

ولایت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموت و الأرض أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

یوسف(ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولیّ خویش می خواند تا به این حقیقت اشاره کند که: چون خدا خالق هستی است ، ولیّ و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۸

۲۸ ربوبیّت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفاتخذتم من

دونه أولياء . .. قل الله خلق كل شيء

ولايت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۷ – ۴،۱۰

۴ – سرپرستی انسان ها و تدبیر امورشان ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

و ما لکم من دون اللّه من ولی و لانصیر

۱۰ – مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یاوری برای بندگان جز او

له ملك السموت و الأرض و ما لکم من دون اللّه من ولی و لانصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۷ – ۱،۲،۴،۸،۱۲،۱۳،۱۴

۱ شمول ولایت خاص الهی ، بر مؤمنانی که به طاغوت کفر ورزند .

فمن یکفر بالطّاغوت . .. اللّه ولیّ الّذین امنوا

۲ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستی ، یاوری و دوستی خداوند

فمن یکفر بالطّاغوت . .. اللّه ولیّ الّذین امنوا

برای <ولیّ>، معانی متعدّدی گفته شده است ; از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

۴ هدایت مؤمنان از تاریکی ها به نور ، پرتویی از ولایت الهی بر آنان

اللّه ولیّ الّذین امنوا یخرجهم من الظّلمات الی النّور

جمله <یخرجهم . .. > پس از طرح ولایت الهی نسبت به مؤمنان، به منزله بیان و یا ارائه نمونه ای است از ولایت خداوندی.

۸ مؤمنان از ولیِّ واحد (خداوند) برخوردار هستند و کافران از اولیای متعدد

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

۱۳ هر ولایتی جز ولایت الهی ، طاغوتی است .

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

برداشت فوق مبتنی بر این است که اوّلاـ تمامی انسانها تحت ولاـیت و سرپرستی هستند; به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت; بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیّت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۸ – ۸،۹

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبیّن الرّشد . .. اللّه ولیّ الّذین ... الم تر الی الّذی حاجّ ابرهیم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولاـیت <اللّه> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

۹ حضرت ابراهیم (ع) ، نمونه ای از هدایت یافتگان به راه رشد ، بهره مندان از ولایت الهی

و روندگان به سوی نور

قد تبيّن الرّشد . .. اللّه ولىّ الّذين امنوا ... الم تر الى الّذى حاجّ ابرهيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۱۹،۲۰،۲۶

۱۹ اعتقاد و اقرار و اعتراف مؤمنان به ولايت الهى بر آنان

ربّنا . .. انت مولينا

۲۰ عفو ، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان ، از شؤون ولايت الهى

و اعف عنّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولينا

جمله <انت مولينا> به منزله دليل براى درخواست مطالب قبلى است; يعنى خدايا چون تو مولاى ما هستى عفو كن و . ..

۲۶ نصرت و يارى مؤمنان در رويارويى با كافران ، از شؤون ولايت الهى بر مؤمنان

انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين

تفريع جمله <فانصرنا> بر <انت مولينا> بيانگر آن است كه ولايت الهى بر مؤمنان، مقتضى يارى آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۷،۹

۷ اعتقاد به ولايت تكوينى خداوند ، مستلزم پذيرش ولايت مؤمنان در نظام اجتماعى اسلام

قل اللّهم مالك الملك . .. لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گويا آيه مورد بحث، نتيجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آيه <قل اللّهم . .. > است.

۹ متضاد بودن پذيرش ولايت خداوند با پذيرش ولايت كفار

و من يفعل ذلك فليس من اللّه فى شىء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۸ – ۹

۹ خداوند ، ولیّ و سرپرست مؤمنان

و اللّه ولیّ المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳

- ۱۵۱ - ۲

۲ ایجاد رعب و هراس در دل های کفرپیشگان ، نمونه ای از نصرت خداوند به پذیرندگان ولایت او

بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین. سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جمله <سنلقی . .. >، پس از جمله <و اللّه خیر النّاصرین>، بیانگر مصداقی از یاری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۷،۱۰

۷ خداوند ، دوست و سرپرستی کافی است .

و کفی باللّه ولیّاً

۱۰ مؤمنان با اعتماد به ولایت و نصرت الهی ، نباید از دشمنی مخالفان ضعف و ترسی به خود راه دهند .

و اللّه اعلم باعدائکم و کفی باللّه ولیّاً و کفی باللّه نصیراً

هدف از بیان ولایت و نصرت الهی پس از معرفی یهودیان به عنوان دشمن، این است که مبادا با تصور دشمنی یهود از آنان بهراسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۵،۲۰

۱۵ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه فقد خسر خسراناً مبیناً

۲۰ تنها خداوند شایسته ولایت بر انسان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه فقد خسر خسراناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳۸

۳۸ خداوند برای وکالت و سرپرستی و تدبیر جهان ، کافی است .

و کفی باللّه وکیلا

وکیل به کسی گفته می شود که کاری را به عهده بگیرد و تدبیر کند و چون سخن از جهان هستی بود، مراد از وکیل، سرپرست و مدبر

جهان هستی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۳ – ۱۱

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۵ – ۱،۵،۶،۹،۱۰

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولیّ> علی رغم جمع بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت

فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۳

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب اللّه (یاران و پیروان خدا)

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

<الذین ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۳ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

عطف <رسوله> و <الذین ءامنوا> بر <اللّه> بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه <ولیّ> در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۸

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۸ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا فاطر السموت و الأرض و هو

يطعم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۷ – ۵

۵ تنها خداى قادر بر رساندن هر گونه ضرر و يا منفعت به آدمى، شايسته پرستش و ولايت مى باشد.

أغير اللّه أتخذ وليا . .. و إن يمسسك اللّه بضر ... فهو على كل شىء قدير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۶۲ – ۱،۲

۱ آدميان پس از مرگ، به سوى خداوند (مولاى حقيقى خود) بازمى گردند.

ثم ردوا إلى الله موليهم الحق

۲ خداوند، مولا و سرپرست حقيقى آدميان است.

ثم ردوا إلى الله موليهم الحق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۷ – ۵

۵ خداوند خود امور ره يافتگان به دارالسلام را بر عهده خواهد داشت.

لهم دارالسلم عند ربهم و هو وليهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – اعراف – ۷ – ۳ – ۷

۷ ولايت خداوند، تنها ولايت شايسته و بايسته پذيرش است.

و لاتتبعوا من دونه أولياء

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲۰

۲۰ خداوند سرپرست همه انسانهاست .

أنت ولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۱،۲،۳

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز بپردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن اللّه مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ; یعنی <إن تولوا عن الانتهاء

فلم يتركوا الفتنه>. و جواب شرط، به قرينه آيه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

۲ خداوند ، سرپرست و ياوری نيک برای مؤمنان

نعم المولی و نعم النصير

۳ باور اهل ايمان به سرپرستی خدا و ياری او ، مايه نهراسيدن آنان از دشمنان دين و اجرای فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن اللّه موليكم نعم المولی و نعم النصير

جمله <فاعلموا . .. > علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقويت روحيه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگيز ايراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۴،۵

۴ اتكای مؤمنان راستين بر ولايت و حمايت خداوند ، در جهاد و اقدام به تكاليف

قل لن يصيبنا إلا ما كتب اللّه لنا هو مولينا

۵ خدا ، سرپرست و صاحب اختيار انسانهاست .

هو مولينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۷

۷ برای انسان ها ، هيچ سرپرست و ياوری جز خداوند نيست .

و ما لكم من دون اللّه من ولیّ و لانصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۳۰ - ۷

۷ خدا ، مولا و مالک حقيقی انسانهاست .

و ردوا إلى اللّه موليهم الحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۰ – ۶

۶ تنها خداوند ، ولی و سرپرست انسانهاست .

و ما كان لهم من دون الله من أولياء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۳ – ۹

۹ تنها

خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ تنها خداوند سرپرست و یاور انسانهاست .

ما لهم من دونه من وال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷،۸

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

تفریع جمله <اتخذتم . ..> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آنِ خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجّه و بدون دلیل است.

۸ تنها خداوند ولیّ و اختیاردار امور انسانهاست .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۱

۱- آدمی ، به هنگام شداید ، به ولایت و تسلّط مطلق خداوند بر همه امور ، پی می برد .

و لم تکن له فئه ینصرونه . .. هنالک الولیه للّه الحقّ

تردیدی نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره

به مکان و واقعه خاص با واژه <هنالك> از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۰

۲۲- ولایت الهی ، تنها ولایت شایسته پذیرش و اتکا است .

أفتتّخذونه و ذرّيّته أولياء من دونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۵،۷

۵ - ولیّ مطلق ، در عالم آخرت ، فقط خداوند است .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

۷ - خداوند ، انسان ها را تشویق می کند که او را یار و ولیّ ، بگیرند و نه فرودستانش را .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ - سرپرستی و شفاعت از شؤون تدبیر و مدیریت خداوند است .

ثمّ استوی علی العرش ما لکم من دونه من ولیّ و لا شفیع

این که خداوند، پس از ذکر مدبریت خویش، وجود هر نوع ولایت و شفاعت را از غیر خود نفی کرده، می رساند که ولایت و شفاعت، تنها از آنِ مدبر هستی و شأنی از شؤون او است.

۱۱ - انسان ها ، هیچ سرپرستی جز خداوند ندارند .

اللّه الذی خلق . .. ما لکم من دونه من ولیّ

۱۲ - یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم ، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یاوری برای انسان ها جز خود او است .

اللّه الذی خلق . .. ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع

احتمال دارد ذکر <ما لکم من دونه. ..> پس از بیان یکتایی خداوند در آفرینندگی و تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند

ولىّ و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۲

۲ - ولایت و سرپرستی هستی ، تنها از آنِ خداوند است .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء

از لحن تهدیدآمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۸

۱۸ - ولایت و نصرت الهی ، جلوه ای از رحمت او است .

یدخل من یشاء فی رحمته و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

از مقابله دو بخش از آیه شریفه (یدخل من یشاء فی رحمته> و <والظالمون. ..) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۵

۵ - ولایت و سرپرستی انسان ها ، در انحصار خداوند است .

فاللّه هو الولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۸

۸ - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریع و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فاللّه هو الولیّ . .. ذلکم اللّه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - ولایت بی نقص و شایسته ستایش ، مخصوص خداوند است .

و هو الولیّ الحمید

برداشت یاد شده بدین احتمال که <حمید>، وصف <ولیّ> باشد; نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۶

۶ - تنها خداوند ، سرپرست و یاور

حقیقی انسان ها ، در دنیا و آخرت است .

ولا یغنی . .. ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۸

۸ - خداوند ، سرپرست و حامی تقواپیشگان

و اللّه ولیّ المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۲

۲- خداوند ، ولیّ (سرپرست و حامی) مؤمنان

بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۱

۱ - ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فللّه الأخره و الأُولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۶،۷

۶ - خداوند ، مولا و سرپرست حقیقی انسان ها است .

و اللّه مولیکم

۷ - تشریع خداوند ، از موضع مولویت او نسبت به انسان ها است .

قد فرض اللّه لکم . .. و اللّه مولیکم

یادآوری مولا و سرپرست بودن خداوند پس از تشریع قانون شکستن سوگند می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ولایت در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۵

۵ - ولیّ مطلق ، در عالم آخرت ، فقط خداوند است .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

ولایت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۶

۶ ولایت مادر نسبت به فرزند ، در ادیان گذشته

*

ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی

ولایت در ازدواج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۱ – ۹

۹ ولایت مردان (پدران و . . .) بر زنان ، در امر ازدواج

و لا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا

بنابراین اگر ولایت مردان نبود، خطاب به خود زنان می شد که به ازدواج مشرکان درنیایند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۷ – ۵

۵ اختیار ازدواج زن در صورتی که شرعاً دارای ولیّ باشد با ولیّ اوست .

الّذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه <الذی>، ولیّ زن باشد و این ولیّ، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۵ – ۱۲

۱۲ ازدواج با کنیز ، مشروط به اذن مالک اوست .

فانکحوهنّ باذن اهلهنّ

<اهل کنیز>، همان مالک اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱۲

۱۲ – ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج ، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال إنّی أُرید أن أُنکحک . .. علی أن تأجرنی ثمنی حجج

ولایت در انصار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۲ – ۱،۷

۱ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند .

إن الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولیاء بعض

جمله <أولئک بعضهم أولیاء بعض> جمله ای خبری

است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

۷ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر ، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد .

و الذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء

<ولایت> به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه <شیء> مبتدا و <من> در آن زایده می باشد. <من> در <من ولایتهم> بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای <من شیء> می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در <ولایتهم> مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن اللّه بکل شیء علیم

جمله <إن اللّه . .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

ولایت در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۷،۱۳

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن اللّه بکل شیء علیم

جمله <إن اللّه . .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

ولایت در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۳ – ۱۱

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

ولایت در مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۲ – ۱،۷،۱۱

۱ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند .

إن الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولیاء بعض

جمله <أولئک بعضهم أولیاء بعض> جمله ای خبری است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

۷ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر ، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد .

و الذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء

<ولایت> به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه <شیء> مبتدا و <من> در آن زایده می باشد. <من> در <من ولایتهم> بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای <من شیء> می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در

<ولا-یتهم> مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

۱۱ مؤمنان غیر مهاجر در صورت هجرت ، همسان با دیگر مهاجران در برخورداری از حقوق ولایت و حمایت مقرر شده در میان مؤمنان

ما لکم من ولیتهم من شیء حتی یهاجروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱،۷

۱ خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند .

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إلیه کلمه <بعد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجره الاولی> است. جمله <فأولئک منکم> اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

ولایت در مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱،۲،۷

۱ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند .

إن الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولیاء

بعض

جمله <أولئك بعضهم أولياء بعض> جمله ای خبری است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا . .. أولیاء بعض

مشارالیه <أولئك> و مرجع ضمیر در <بعضهم>، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلا اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

۷ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر ، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد .

و الذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء

<ولایت> به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه <شیء> مبتدا و <من> در آن زایده می باشد. <من> در <من ولایتهم> بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای <من شیء> می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در <ولایتهم> مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن اللّه بکل

شیء علیم

جمله <إن اللّه . .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

ولایت دنیوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

ولایت رهبری دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۲۰

۲۰ امداد و نصرت خداوند ، پیامد پذیرش ولایت رهبران الهی *

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

تقدیم تعیین <ولیّ> بر تعیین <نصیر>، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ کافران و منکران آیات الهی تحت نفوذ و ولایت شیاطین هستند.

ذلک من ءایت الله . .. إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون

جمله <ذلک من آیات الله> در آیه قبل می تواند بیانگر متعلق <لا یؤمنون> باشد.

ولایت شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۵ – ۱۹

۱۹ مؤمنان مجاهد ، از اولیای خداوند و دور از ولایت شیطان هستند . *

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه . .. ان کنتم مؤمنین

چون دشمنان دین (کافران و منافقان) از اولیای شیطانند، بنابراین مجاهدان، دور از ولایت شیطان و در

نتیجه از اولیـای خـدا خواهنـد بود. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که <یخوّف اولیاءه> به معنای <یخوفکم اولیاءه> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۲۱

۲۱ انحراف در تفکر و ایجـاد آرزو های باطل و سـپس تحت فرمان گرفتن ، راه و روش شـیطان برای اغوای مردم و سـرپرستی آنان

و لاضلنهم و لامنینهم . .. و لامرنهم فلیغیرن خلق اللّه و من یتخذ الشیطن ولیاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۲ – ۴

۴ مؤمنان دارای اعمالِ صالح ، خارج از نفوذِ ولایت شیطان هستند .

و من یتخذ الشیطن ولیاً . .. و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

چون پذیرنـدگان ولایت شـیطان، اهل دوزخ شـمرده شدنـد و در مقابل، مؤمنان صالح به بهشت وعده داده شده اند، معلوم می شود که مؤمنان هرگز ولایت شیطان را نپذیرفته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۵

۵ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون . .. الله أمرنا بها

ولایت طاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۷ – ۱۲،۱۳

۱۲ عدم پذیرش ولایت الهی ، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

۱۳ هر ولایتی جز ولایت الهی ، طاغوتی است .

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

برداشت فوق

مبتنی بر این است که اوّلاـ تمامی انسانها تحت ولاـیت و سرپرستی هستند; به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولاـیت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت; بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۲

۱۲ ر ها شدن در ورطه ولایت و حکومت گمراهان ، پیامد مخالفت با رسول خدا (ص)

و من یشاقق الرسول . .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی

ولایت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ عیسی (ع) ، برخوردار از ولایت تکوینی

انّی اخلق لکم . .. فانفخ فیه فیکون طیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۱۴

۱۴ پندار غلط و خلافگویی یهود ، در مورد تولد و مرگ حضرت عیسی (ع)

قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً. و قولهم إنّا قتلنا المسیح ... ما لهم به من علم

ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۴

۴ ولایت غیر خداوند، بی اساس و باطل است.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳ – ۸

۸ رویگردانان از ولایت خداوند، در وادی ولایتهای متعدد غیر خدا سر گردان هستند.

و لاتتبعوا من دونه أولياء

بدیهی است حرمت

تبعیت از غیر خداوند مشروط به این نیست که پیروی شونده متعدد باشد. بنابراین آوردن کلمه <أولیاء> به صورت جمع می تواند اشاره به این باشد که آدمی با دور شدن از ولایت خدا و قرآن همواره تحت سیطره حاکمانی متعدد قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۸

۸ تبعیت از ولایتهای غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمتهای اوست.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء . .. قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأرض . .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا . ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست; بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۹

۹ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند ، اسیر ولایت های متعدد و گوناگون می شوند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

برداشت فوق از جمع آوردن <أولیاء> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۱

- خداوند ، ناظر و مراقب عملکرد نهان و آشکار کسانی است که غیر او را ولی و سرپرست خویش بر می گزینند .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء اللّه حفیظ علیهم

ولایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۲

۱۲ قرآن، ولی و پیشوایی شایسته برای انسانهاست.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <من دونه> به <ما أنزل . ..> برگردانده شود.

ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۹،۱۶،۱۵،۱۳،۱۱،۹،۸،۱

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللّهم مالک الملک . .. لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

۸ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

۹ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

۱۱ حاکمیّت و سرپرستی کافران بر امور مؤمنان ، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیا ء . .. و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

۱۳ پذیرش سرپرستی کافران ، جز در اضطرار و تقیّه ، جایز نیست .

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. الاّ ان تتقوا منهم تقیه

بنابراینکه ولایت به معنای سرپرستی باشد.

۱۵

تحذیر و هشدار مؤکد خداوند ، نسبت به مؤمنانی که پذیرای ولایت و سرپرستی کافران شده اند .

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. و یحذّرکم اللّه نفسه و الی اللّه المصیر

۱۶ ترس از خداوند ، موجب پرهیز از پذیرش ولایت کافران

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. و یحذّرکم الله نفسه

۱۹ توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن ، عامل مقاومت در برابر ولایت کافران

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. و الی اللّه المصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۹ – ۶،۱۳

۶ روابط پنهانی با کافران و برگزیدن ولایت آنان ، از حیطه علم الهی خارج نیست .

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین . .. قل ان تخفوا ما فی صدورکم ... یعلمه اللّه

۱۳ تهدید خداوند نسبت به کسانی که ولایت کافران را بدون تقیه بپذیرند .

لا یتّخذ . .. قل ان تخفوا ... یعلمه اللّه ... و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۰ – ۲،۳،۴،۷

۲ اطاعت از کفرپیشگان ، نشانه پذیرش ولایت و سرپرستی آنان

ان تطیعوا الّذین کفروا . .. بل اللّه مولیکم

کلمه <بل> برای اضراب و نفی ولایت غیر خداوند است و چون در آیه قبل سخن از ولایت و پذیرش آن نیامده که با <بل> آن را نفی کند، معلوم می شود که همان اطاعت از کافران، در حقیقت پذیرش ولایت آنان است.

۳ ناشایستگی کافران برای ولایت و سرپرستی و یاری جامعه ایمانی

ان تطیعوا الّذین کفروا . ..

بل اللّه موليكم و هو خير النّاصرين

۴ ضرورت پرهيز جامعه ايمانى از پذيرش ولايت كفرپيشگان و يارى جويى از آنان

ان تطيعوا الّذين كفروا . .. بل اللّه موليكم و هو خير النّاصرين

از جمله <بل اللّه موليكم>، انحصار ولايت به خداوند استفاده مى شود و مفهوم آن برحذرداشتن مسلمانان از پذيرش ولايت غير خداوند است كه از مصاديق مورد نظر به قرينه آيه قبل، ولايت و سرپرستى كافران است.

۷ پذيرش ولايت الهى و عقيده به خدا به عنوان بهترين ياور ، مانع اطاعت از كافران و پذيرش ولايت آنان

ان تطيعوا الّذين . .. بل اللّه موليكم و هو خير النّاصرين

چون معمولاـ اطاعت آدمى از كسى براى جلب يارى اوست، قرآن با بيان اينكه خداوند تنها سرپرست و بهترين ياور است به مؤمنان مى فهماند كه با يارى خداوند هيچ نيازى به يارى كافران نخواهيد داشت تا مجبور شويد از آنان تبعيّت كنيد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۹ – ۴،۷

۴ عدم جواز پذيرش ولايت و سرپرستى كفار

الذين يتّخذون الكفرين أولياء من دون المؤمنين

در برداشت فوق، <ولىّ>، به معناى سرپرست گرفته شده است.

۷ دستيابى به عزت و شكوه ، هدف منافقان در پذيرش ولايت كافران و طرح دوستى با آنان

الذين يتّخذون الكفرين أولياء . .. أيبتغون عندهم العزّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۳

۳ گروهى از مسلمانان صدر اسلام ، پذيراى دوستى و ولايت كفار ، در عين نهى خداوند حتى از همنشينى با آنها

الذين يتّخذون الكفرين أولياء . .. يكفر بها

و یستهزأ بها فلاتقعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۲،۳،۸،۹

۲ کافران ، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء

۳ ایمان به خداوند ، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

۸ مؤمنان با پذیرش ولایت کافران ، حجت روشن خداوند را علیه خویش فراهم می کنند .

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۵

۵ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۱ – ۵

۵ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و کتب آسمانی راه رسیدن به استقلال و رهایی از یوغ بندگی کافران

و لو کانوا یؤمنون . .. ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که ولی به معنای سرپرست باشد.

ولایت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۹ – ۳

۳ پیامبر (ص) ، دارای منصب حکومت و ولایت

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول

تکرار کلمه <اطیعوا> دلالت بر این دارد که مراد از اوامر رسول خدا (ص)، آن اوامری نیست که از طریق وحی خداوند ابلاغ شده، بلکه دستوراتی است که از ناحیه رسول خدا صادر می شده که همان اوامر حکومتی و ولایتی آن حضرت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۸ – ۱۱

۱۱ گستره دین اسلام و حکومت و ولایت پیامبر (ص) ، فراگیر پیروان دیگر ادیان آسمانی

فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۵ – ۱،۵،۶،۹

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولیّ> علی رغم جمع

بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۳

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب اللّه (یاران و پیروان خدا)

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

<الذین ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۳ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

عطف <رسوله> و <الذین ءامنوا> بر <اللّه> بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه <ولیّ> در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۴

۴ پیامبر (ص) ، دارای مقام ولایت و مؤمنان موظف به پیروی بی چون و چرا از آن حضرت

ما

کان . .. أن یتخلفوا عن رسول اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶ – ۱،۲،۴،۲۷

۱ – پیامبراکرم (ص) ، دارای ولایتی تام بر مؤمنان است .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

۲ – ولایت پیامبر (ص) بر مؤمنان ، از ولایت خود آنان بر امورشان ، برتر است .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

۴ – مقام نبوّت ، برای پیامبر (ص) حق ولایت و تصمیم گیری ایجاد کرده است .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

۲۷ – < عن النبیّ (ص) قال : ما من مؤمن إلّا و أنا أولی الناس به فی الدنیا و الأخره اقرأوا إن شئتم : < النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم > فأیّما مؤمن ترک مالاً فلیرثه عصبته من کانوا . فإنْ ترک دیناً أو ضیاعاً فلیأتنی فأنا مولاه ;

از نبی اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: <النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم> پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند; زیرا من ولیّ او هستم>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۶ – ۲،۷

۲ – پیامبر (ص) غیر از اوامر و نواهی خداوند ، دارای اوامر و نواهی ولاییِ لازم الاتباع است .

و

ما کان لمؤمن و لامؤمنه إذا قضی اللّه و رسوله أمرًا أن یکون لهم الخیره من أمرهم

۷ - تمرّد از فرمان های ولایی پیامبر (ص) ، در حد تمرّد از فرمان های خداوند است .

و من یعص اللّه و رسوله فقد ضلّ ضللاً مبینًا

این که نتیجه تمرّد از خدا و پیامبر(ص) یکی شمرده شده است، نشان می دهد که تمرّد از فرمان رسول اللّه در حدّ نافرمانی از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبراکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، دارای منصب حکومت و ولایت

و أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از <أطیعوا الرسول>، اطاعت در امور حکومتی و ولایی است; زیرا اگر مراد احکام و اوامر الهی باشد، ذکر <أطیعوا اللّه> کافی است و تکرار <أطیعوا> درباره پیامبر(ص)، مؤید همین برداشت است.

ولایت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۹

۹ ولایت مردان (پدران و . . .) بر زنان ، در امر ازدواج

و لا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا

بنابراین اگر ولایت مردان نبود، خطاب به خود زنان می شد که به ازدواج مشرکان درنیایند.

ولایت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

ولایت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱،۲

۱ بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از <الذین کفروا> مشرکان مکه می باشد.

۲ روابط دوستانه و ولایی بنی اسرائیل با کافران مشرک رابطه ای مداوم ، علنی و آشکار

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

کلمه <تری> می رساند که روابط دوستانه بنی اسرائیل با مشرکان علنی بوده و فعل مضارع <یتولون> حاکی از استمرار و تداوم آن روابط می باشد.

ولایت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13 پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

قل أغير اللّه أتّخذ وليا فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا يطعم

استفهام انکاری همراه با توبیخ و تعجب در <قل أغير اللّه> حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور

از منطق و خرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۱ – ۳

۳ – مشرکان ، معبودان خود را ، به عنوان کارساز و ولیّ برای خود ، انتخاب می کنند .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا

با توجه به آیه بعد که در آن، از معبودان مشرکان سخن گفته شده است احتمال دارد مراد از <أولیاء> همان معبودان مشرکان باشد.

ولایت مقبول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۰ – ۲۲

۲۲– ولایت الهی ، تنها ولایت شایسته پذیرش و اتکا است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی

ولایت ممنوع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۹ – ۵

۵ ممنوعیّت پذیرش ولایت و سرپرستی منافقانِ گسترش دهنده آیین کفر *

ودّوا لو تکفرون . ..فلا تتّخذوا منهم اولیاء

در برداشت فوق، <ولیّ> به معنی سرپرست گرفته شده است.

ولایت منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۵

۵ ممنوعیّت پذیرش ولایت و سرپرستی منافقانِ گسترش دهنده آیین کفر *

ودّوا لو تکفرون . ..فلا تتّخذوا منهم اولیاء

در برداشت فوق، <ولیّ> به معنی سرپرست گرفته شده است.

ولایت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۲

۱۲ - ولایت مؤمنان بر یکدیگر در اصلاح اعمال خلاف *

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بینهم فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

عمران - ۳ - ۲۸ - ۷

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللّهم مالك الملك . .. لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۷

۷ نصرت و یاری الهی به مؤمنان ، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

و اللّه وليّهما . .. و لقد نصركم اللّه ببدر و انتم اذلّة

جمله <و لقد نصرکم اللّه>، می تواند استدلالی باشد برای جمله <و اللّه ولیّهما>. یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است; به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۱

۱ تنها خداوند مولی و سرپرست اهل ایمان و بهترین یاور آنان است .

بل اللّه موليكم و هو خير النّاصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۲

۲ مدعیان ایمان در صورت قطع رابطه دوستی با اهل ایمان و نپذیرفتن ولایت آنان ، در شمار منافقانند .

بشّر المنفقين . .. الذين يتّخذون الكفرين أولياء من دون المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱،۲،۶،۹

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر

مؤمنان

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۲ خداوند ، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران ، با ذکر نشانی معین و مشخص

انما ولیکم اللّه . .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله <و هم راکعون> جمله ای است حالیه و عامل آن فعل <یؤتون> است و نیز با توجه به ظهور <رکوع> در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر دارد ; یعنی برای معرفی شخصی معین است.

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولیّ> علی رغم جمع بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۳

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (ص

) و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب اللّه (یاران و پیروان خدا)

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

<الذین ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۳ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

عطف <رسوله> و <الذین ءامنوا> بر <اللّه> بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه <ولیّ> در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱،۲،۴،۵،۲۶،۲۷

۱ روح ولایت و دوستی ، حاکم بر جامعه مؤمنان

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض

۲ عموم مؤمنان (زنان و مردان مؤمن) دارای نوعی ولایت و سرپرستی بر یکدیگر از جانب خداوند هستند .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ولیّ> به قرینه <یأمرون . .. و ینهون> به معنای سرپرست باشد.

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن

المنکر

۲۶ صفوان جمال می گوید : قلت لأبی عبداللّه (ع) . . . : تأتینی المرأه المسلمه قد عرفتنی بعملی . . . و لیس ل ها محرم قال : فإذا جائتک المرئه المسلمه فاحمل ها فإن المؤمن محرم المؤمنه و تلا هذه الآیه < المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض > ;

به امام صادق (ع) عرض کردم: زن مسلمانی نزد من می آید و مرا به شغلم [که مسافربری است]می شناسد . .. و محرمی همراه ندارد؟ فرمود هر گاه زن مسلمانی نزد تو آمد، او را به مسافرت ببر ; زیرا مرد مؤمن محرم (معتمد) زن مؤمنه است. سپس امام (ع) این آیه را تلاوت فرمود: المؤمنون و المؤمنان بعضهم اولیاء بعض>.

۲۷ از امام حسین (ع) روایت شده . . . و به امیرالمؤمنین (ع) نیز نسبت داده شده که فرمودند : . . . خدا می فرماید : . . . < المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر > فبدءاللّه بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضه منه لعلمه بأن ها إذا ادیت و اقیمت استقامت الفرائض کل ها هیّن ها و صعب ها . . . ;

. .. <مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند>. خداوند [قبل از نماز و زکات] از امر به معروف و نهی از منکر آغاز کرد ; زیرا می دانست اگر این دو فریضه عملی گردد همه فرایض آسان و مشکل آن پابرجا می شود>.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۲،۳

۲ - ولایت پیامبر (ص) بر مؤمنان ، از ولایت خود آنان بر امورشان ، برتر است .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

۳ - مؤمنان ، دارای ولایت و حق تصمیم گیری درباره امور مختلف خودند .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

ولایت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان ، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین کفروا . .. إلا تفعلوه تکن فتنه

ضمیر مفعولی در <لاتفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین کفروا ... > استفاده شده، برگردانده شده است.

ولایت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۵،۶

۵ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی

۶ ولایت مادر نسبت به فرزند ، در ادیان گذشته *

ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی

ولایت هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۰ – ۱۴

۱۴ – هارون ، دارای حق ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) بود .

و لقد قال لهم هرون . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

فرمان

هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

ولایت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۵ – ۱۰

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

ویژگیهای ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۱ – ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۱ – ۳

۳ – تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیّضنا لهم قرناء . .. قال الذین کفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولیاؤکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

ولایت تکوینی

{ولایت تکوینی}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۷

۷ اعتقاد به ولايت تكوينى خداوند ، مستلزم پذيرش ولايت مؤمنان در نظام اجتماعى اسلام

قل اللّهم مالك الملك . .. لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گويا آيه مورد بحث، نتيجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آيه <قل اللّهم . .. > است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ عیسی (ع) ، برخوردار از ولایت تکوینی

انّی اخلق لکم . .. فانفخ فیه فیکون طیراً

ولایت تکوینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۸

۱۸ اعطای ولایت تکوینی از جانب خدا ، برای برخی از بندگان خاصّ خود

و اذ قال ابرهیم . .. یأتینک سعیاً

ولایت تکوینی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۴

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

جمله <مکّنّا لیوسف . ..> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریعی ; یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولایت خدا

آثار اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند ، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

آوردن <ولی> به صورت مفرد به جای <أولیاء> در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن <أولیاء> اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۹

۹ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند ، اسیر

ولایت های متعدد و گوناگون می شوند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

برداشت فوق از جمع آوردن <أولیاء> استفاده شده است.

آثار ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۶

۶ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهراسیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلاتنظرون . .. هو یتولی الصلحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهراسند.

آثار رد ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۸

۸ کسانی که ولایت خدا را نپذیرند ، خویشتن را به ولایتهایی متعدد و بی اساس گرفتار خواهند کرد .

و ما کان لهم من دون الله من أولیاء

جمع آوردن کلمه <أولیاء> با وجود این که بیان معنای مقصود با کلمه <ولیّ> نیز ممکن بود ، اشاره به این نکته دارد که انسان ، اگر ولایت الهی را نپذیرد ، گرفتار تعدد اولیا می شود و ناچار است به ولایتهای متعددی گردن نهد.

آثار عقیده به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۴

۲۴ - اعتقاد به مولویت و سرپرستی خداوند ، مقتضی اعتصام به او و پرهیز از چنگ زدن به دامن غیر او

و اعتصموا باللّه هو مولیکم

جمله <هو مولیکم> به منزله تعلیل برای <اعتصموا باللّه> است; یعنی، به خدا اعتصام کنید; زیرا او

مولا و قيّم شما است.

آثار قبول ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۵

۲۵ پذيرش ولايت خداوند ، زمينه ساز تسليم شدن در برابر خدا و شايسته بودن براى همزيستى با صالحان در سراى آخرت

أنت ولىّ فى الدنيا و الأخره توفنى مسلمًا و ألحقنى بالصلحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ پذيرش ولايت و ربوبيت غير خدا ، فرو رفتن در تاريكيهاست و پذيرش ولايت و ربوبيت خدا ، راهيابى به نور است .

قل من رب السموت . .. أم هل تستوى الظلمت والنور

آثار محروميت از ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگى ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتيجه محروميت آنان از ولايت خدا و تكيه بر ولايت غير او است .

إنّ الظلمين فى عذاب مقيم . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلّت و بدفرجامى كافران ، معلول برخوردار نبودن از ولايت و حمايت خداوند

دمّر اللّه عليهم . .. ذلك ... و أنّ الكفرين لا مولى لهم

آثار ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۵

۱۵ کسب عزت ، تنها در گرو محبت خداوند و پذیرش ولایت اوست .

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جمیعاً

خداوند پس از بیان این حقیقت که هدف منافقان در دوستی

با کافران رسیدن به عزت است، می فرماید که عزتها از آن خداست. یعنی اگر طالب عزت هستید، باید ولایت خدا را پذیرا شوید و با او پیمان مودّت داشته باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۵

۵ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب اللّه هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۵

۵ گزینش خداوند یگانه به ولایت و سرپرستی، زمینه شمول رحمت الهی بر آدمی است.

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است .

قل اللّه أعلم بما لبثوا . .. ما لهم من دونه من ولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۷

۷- ولایت خداوند و حقّانیّت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالك الولیه للّه الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۲۵،۲۶،۲۷

۲۵ – لزوم ادای تکالیف الهی ، برخاسته از حق ولایت خداوند بر آدمی

فأقیموا الصلوه . .. هو

مولیکم

۲۶ – حق ولایت الهی ، تنها مجوز برای تشریع و قانون گذاری

فأقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه و اعتصموا باللّه هو مولیکم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <هو مولاکم> اشاره به این داشته باشد که چون خداوند بر آدمیان حق ولایت دارد، از این رو به جعل مقررات و تکالیف پرداخته است. بنابراین هر گونه تشریع و قانون گذاری، بایستی به گونه ای به ولایت الهی منتهی شود.

۲۷ – مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری ، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است .

هو مولیکم

با توجه به ظهور <هو مولاکم> در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۰ – ۶

۶ – مقام ولایت و سرپرستی خداوند ، مقتضی مرجعیت نهایی او برای رفع تنازعات بشری است .

فاللّه هو الولیّ . .. و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه إلی اللّه

از ارتباط این آیه با آیه قبل، می توان استفاده کرد که ولایت خداوند، مقتضی مرجعیت او در حل اختلافات است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۷

۷ – رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت ، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است .

و لایغنی عنهم . .. و لا ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۱ – ۱

۱– سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ينصركم و يثبّت أقدامكم . .. ذلك

بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا

اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

کانت أعینهم فی غطاء . .. أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

اهمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

کلمات <أعمی> (کور)، <بصیر> (بینا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۵

۵ - انسان ها ، هیچ گونه سرپرست و یاوری جز خداوند ندارند .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

ایمان به ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۱ – ۹

۹ ایمان به خدا و سرپرستی او بر انسان ها

، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از غیر اوست .

هو مولینا و علی اللّه فلیتوکل المؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۱۸

۱۸ باور به توحید و ولایت خدا و ربوبیت او ، مراتبی گوناگون دارد و هر انسانی به اندازه استعدادش آن را درمی یابد .

قل من رب السموت و الأرض . .. أنزل من السماء ماء فسالت أودیه بقدرها ... کذلك یضرب

برخورداری از ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۷ – ۹

۹ بهای بهشت و برخورداری از ولایت الهی، عمل در پرتو ایمان است.

لهم دارالسلم . .. بما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۹ – ۹

۹ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو ولیهم بما کانوا یعملون . .. نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون

جاودانگی ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرك و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۱ – ۳

۳ – تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیّضنا لهم قرناء . .. قال الذین کفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولیاؤکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

حاکمیت ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۲ – ۵

۵– اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی اللّه . .. و لیس له من دونه أولیاء

حقانیت ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۵

۵– ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادی من دونی أولياء

دلايل ولايت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد –

۱۳ - ۱۶ - ۲۹

۲۹ یکتایی خدا و غلبه و تسلط او بر هستی ، دلیل ربوبیت و ولایت اوست .

أفاتخذتم من دونه أولیاء . .. و هو الوحد القهّر

دین و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت . .. > حکایت از صدور فرمانی تشریعی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر اللّه أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۴

۱۴ - لازم است که اتکا و توجه انسان ، تنها به ولایت و نصرت الهی باشد .

ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع أفلاتتذکّرون

زمینه ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۹

۹ - دریافت باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

و هو الذی ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا . .. و هو الولیّ الحمید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۱ – ۹

۹ – بلا ها و تنگنا های زندگی ، زمینه

ساز توجه انسان به ولایت الهی و یاوری خواستن از او

و ما أصبکم . .. و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

زمینه ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۹

۲۹ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند ، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فاقیموا الصلوه . .. فنعم المولی و نعم النصیر

برداشت فوق، بـدان احتمـال است که <فنعم المولی. ..> مترتب بر تکالیف پیشـین باشـد که انجام آن، موجب بهره منـدی از ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۳

۳- ایمان ، عامل قرار گرفتن تحت ولایت و سرپرستی خداوند

اللّه مولی الذین ءامنوا

شرایط ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۹

۹ - شرط بهره مندی از ولایت و سرپرستی خداوند ، تقوا است .

و اللّه ولیّ المتّقین

شؤون ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ آفرینش و تأمین نیازمندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۶

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و إن یمسسک اللّه بضر ...

فهو علی کل شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۵ – ۲۲

۲۲ آمرزش گناه خطاکاران و گسترانیدن رحمت بر ایشان ، از شؤون ولایت و سرپرستی خداوند بر بندگان خویش است .

أنت ولینا فاغفرلنا و ارحمنا

تفریع جمله <اغفر لنا و . .. > بر <أنت ولینا> به وسیله حرف فاء، حاکی از برداشت فوق است.

عقل و ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴ – ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت . .. > حکایت از صدور فرمانی تشریعی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر اللّه أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

عوامل محرومیت از ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۷ – ۹

۹ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به محروم کردن از یاری و حفاظت خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

<ولیّ> به معنای یاور و <واق> اسم فاعل از <وقایه> به معنای نگهدارنده است. <من الله> می تواند متعلق به محذوف و حال برای <ولیّ> و <واق> باشد. بر این مبنا جمله <مالک ...> چنین معنا می شود: برای

تو از جانب خداوند هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود ; یعنی، امدادهای خداوند به تو نخواهد رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۴

۱۴ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا ، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء . .. و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲،۱۲،۱۸،۲۷

۲ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر(ص)

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا

۱۲ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۱۸ پذیرش ولایت خداوند، مستلزم تسلیم شدن محض در برابر اوست.

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت . .. > حکایت از صدور فرمانی تشریعی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر اللّه أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین

عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۰

۱۰ پیروی از قرآن، پذیرش ولایت خداوند و فرمانبرداری از اوست.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۸

۸ پذیرش ولایت خداوند شرط بهرهوری از هدایت اوست.

و فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطین أولیاء من دون الله

مفهوم جمله <إنهم . ..> بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۱

۲۱- پذیرش ولایت شیطان ، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی

محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۱

۱۱ خداونـد ، مخالفـان پیـامبر (ص) و تفرقه افکنـان در جـامعه ایمـانی را از ولایت خویش خارج و به حال خودشان ر ها می سازد .

و من یشاقق الرسول . .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۷

۷ شرکورزی و پرستش غیر خدا ، کرداری ناشایسته و مایه محرومیت از ولایت و حمایت های خداوند است .

و هو یتولی الصلحین

مصداق مورد نظر برای صلاح و صالحان، به قرینه آیات گذشته، توحید و مؤمنان موحد است و در مقابل آن شرک و مشرکان خواهد بود.

بنابراین مفهوم جمله <و هو ... > عدم حمایت خداوند از مشرکان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۰ – ۱۸

۱۸ – پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هوا هـای نفسـانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شـدن از ولایت و یاری خـداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

محمد(ص) و ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴ – ۲

۲ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر(ص)

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا

مدح ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۳۰

۳۰ – ستایش خدا از سرپرستی خود نسبت به مسلمانان و یاری رساندن به آنان

هو سمّیکم المسلمین. .. فنعم المولی و نعم النصیر

مشمولان ولایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۹۶ – ۱،۴،۶

۱ خداوند سرپرست پیامبر (ص) و یاور او در برابر کید ها و توطئه های مشرکان

ثم کیدون فلاتنظرون. إن ولی اللّه

۴ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو یتولی الصلحین

۶ توجه صالحـان به ولایت و سـرپرستی خـدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شـرک و نهراسـیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلاتنظرون . .. هو یتولی الصلحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته

باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهراسند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۱۴،۶

۱۴– اصحاب کهف ، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولیّ

مراد از ضمیر در <لهم> اصحاب کهف است.

۶– تنها خداوند بر تمام اسرار هستی آگاه است .

قل اللّه أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جمله <له غیب. ..> به قرینه <اللّه أعلم> علاوه بر بیان مالکیت خداوند بر اسرار هستی، بر آگاهی فراگیر او نیز دلالت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۲۳،۲۸

۲۳ – خدا ، مولا و سرپرست امت اسلامی

سمّیکم المسلمین . .. هو مولیکم

۲۸ – خدا ، سرپرست و یاور خوب و شایسته برای امت اسلامی

هو سمّیکم المسلمین . .. و اعتصموا باللّه ... فنعم المولی و نعم النصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۷ – ۴

۴ هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

فمن یرد الله . .. لقوم یذکرون. لهم دارالسلم عند ربهم و هو ولیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۱۵

۱۵ – پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و کذلك أوحینا . .. یدخل من یشاء فی رحمته... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از

آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۹

۹ - پیامبر (ص) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذلکم اللّه ربّی

معرضان از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۴

۴- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سرنهاده بر آستان شماریِ از بندگان اویند .

یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

نشانه های ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس وناامیدی انسان ، جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط اللّه الرزق . .. و لکن ینزّل بقدر ما یشاء ... و هو الذی ینزّل الغیث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۲

۲- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذلک بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا . .. إنّ

اللّه يدخل الذين ءامنوا و عملوا الصلح

نياز به ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۴۴ - ۴

۴ - انسان ، نيازمند ولايت و ياورى از جانب خداوند ، در تمامى حالات زندگى خويش

و من يضلل اللّه فما له من ولىّ من بعده

اين كه گمراهان با محروم شدن از ولايت الهى ره به جايى نمى برند، نشانگر آن است كه انسان ها در تمامى حالات زندگى خويش نيازمند امداد و ولايت الهى اند.

ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۴،۱۰

۴ - سرپرستى انسان ها و تدبير امورشان ، تنها به دست خدا و در اختيار اوست .

و ما لكم من دون اللّه من ولى و لانصير

۱۰ - مالكيت و حاكميت انحصارى خدا بر هستى ، مقتضى نبود هيچ سرپرست و ياورى براى بندگان جز او

له ملك السموت و الأرض و ما لكم من دون اللّه من ولى و لانصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱،۲،۴،۸،۱۲،۱۳،۱۴

۱ شمول ولايت خاص الهى ، بر مؤمنانى كه به طاغوت كفر ورزند .

فمن يكفر بالطّاغوت . .. اللّه ولىّ الّذين امنوا

۲ ايمان به خداوند و كفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستى ، ياورى و دوستى خداوند

فمن یکفر بالطّاغوت . .. اللّه ولیّ الّذین امنوا

برای <ولیّ>، معانی متعدّدی گفته شده است ; از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

۴ هدایت مؤمنان از تاریکی ها به نور ،

پرتویی از ولایت الهی بر آنان

اللّه ولیّ الّذین امنوا یخرجهم من الظّلمات الی النّور

جمله <یخرجهم . .. > پس از طرح ولایت الهی نسبت به مؤمنان، به منزله بیان و یا ارائه نمونه ای است از ولایت خداوندی.

۸ مؤمنان از ولیِّ واحد (خداوند) برخوردار هستند و کافران از اولیای متعدد

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

۱۲ عدم پذیرش ولایت الهی ، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

۱۳ هر ولایتی جز ولایت الهی ، طاغوتی است .

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

برداشت فوق مبتنی بر این است که اوّلا ـ تمامی انسانها تحت ولایت و سرپرستی هستند; به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت; بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیّت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۸ – ۸،۹

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبیّن

الرّشد . .. اللّه ولىّ الّذين ... الم تر الى الّذى حاجّ ابرهيم

خداونـد پس از بيـان ايمـان و كفر (ولايت <اللّه> و <طاغوت> در آيات پيشين) براى نشان دادن نمونه خارجى، داستان ابراهيم (ع) و نمرود را بيان كرده كه ابراهيم (ع) نمونه اى از ايمان و نمرود، نمونه اى از كفر است.

۹ حضرت ابراهيم (ع) ، نمونه اى از هدايت يافتگان به راه رشد ، بهره مندان از ولايت الهى و روندگان به سوى نور

قد تبيّن الرّشد . .. اللّه ولىّ الّذين امنوا ... الم تر الى الّذى حاجّ ابرهيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۶،۲۰،۱۹

۱۹ اعتقاد و اقرار و اعتراف مؤمنان به ولايت الهى بر آنان

ربّنا . .. انت مولينا

۲۰ عفو ، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان ، از شؤون ولايت الهى

و اعف عنّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولينا

جمله <انت مولينا> به منزله دليل براى درخواست مطالب قبلى است; يعنى خدايا چون تو مولاى ما هستى عفو كن و . ..

۲۶ نصرت و يارى مؤمنان در رويارويى با كافران ، از شؤون ولايت الهى بر مؤمنان

انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين

تفريع جمله <فانصرنا> بر <انت مولينا> بيانگر آن است كه ولايت الهى بر مؤمنان، مقتضى يارى آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۹،۷

۷ اعتقاد به ولايت تكوينى خداوند ، مستلزم پذيرش ولايت مؤمنان در نظام اجتماعى اسلام

قل اللّهم مالك الملك . .. لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گويا آيه مورد

بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

۹ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۸ – ۹

۹ خداوند ، ولیّ و سرپرست مؤمنان

و اللّه ولیّ المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۱ – ۲

۲ ایجاد رعب و هراس در دل های کفرپیشگان ، نمونه ای از نصرت خداوند به پذیرندگان ولایت او

بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین. سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جمله <سنلقی . .. >، پس از جمله <و اللّه خیر النّاصرین>، بیانگر مصداقی از یاری خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۵ – ۷،۱۰

۷ خداوند ، دوست و سرپرستی کافی است .

و کفی باللّه ولیّاً

۱۰ مؤمنان با اعتماد به ولایت و نصرت الهی ، نباید از دشمنی مخالفان ضعف و ترسی به خود راه دهند .

و اللّه اعلم باعدائکم و کفی باللّه ولیّاً و کفی باللّه نصیراً

هدف از بیان ولایت و نصرت الهی پس از معرفی یهودیان به عنوان دشمن، این است که مبادا با تصور دشمنی یهود از آنان بهراسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۵،۲۰

۱۵ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه فقد خسر خسراناً مبیناً

۲۰ تنها خداوند شایسته

ولایت بر انسان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه فقد خسر خسراناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳۸

۳۸ خداوند برای وکالت و سرپرستی و تدبیر جهان ، کافی است .

و کفی باللّه وکیلا

وکیل به کسی گفته می شود که کاری را به عهده بگیرد و تدبیر کند و چون سخن از جهان هستی بود، مراد از وکیل، سرپرست و مدبر جهان هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱،۵،۶،۹،۱۰

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم اللّه و

رسوله و الذين ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولیّ> علی رغم جمع بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم . .. انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۳

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب اللّه (یاران و پیروان خدا)

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

<الذین ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۳ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

عطف <رسوله> و <الذین ءامنوا> بر <اللّه> بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه <ولیّ> در آیه قبل این معنا را تأیید

می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۸

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۸ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۵

۵ تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و إن یمسسک اللّه بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۱،۲

۱ آدمیان پس از مرگ، به سوی خداوند (مولای حقیقی خود) بازمی گردند.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

۲ خداوند، مولا و سرپرست حقیقی آدمیان است.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۵

۵ خداوند خود امور ره یافتگان به دارالسلام را بر عهده خواهد داشت.

لهم دارالسلم عند ربهم و هو وليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۷

۷ ولایت خداوند، تنها ولایت شایسته و بایسته پذیرش است.

و لاتتبعوا من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۷ - ۱۵۵ - ۲۰

۲۰ خداوند سرپرست همه انسانهاست .

أنت ولينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۱،۲،۳

۱ اهل ايمان بايد با باور به يارى خداوند و سرپرستى او ، به جهاد با كافران فتنه انگيز بپردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن اللّه موليكم نعم المولى و نعم النصير

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگيزى است ; يعنى <إن تولوا عن الانتهاء فلم يتركوا الفتنه>. و جواب شرط، به قرينه آيه قبل، جمله اى همانند <فقاتلوهم> است.

۲ خداوند ، سرپرست و ياورى نيك براى مؤمنان

نعم المولى و نعم النصير

۳ باور اهل ايمان به سرپرستى خدا و يارى او ، مايه نهراسيدن آنان از دشمنان دين و اجراى فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن اللّه موليكم نعم المولى و نعم النصير

جمله <فاعلموا . .. > علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقويت روحيه مسلمانان براى جهاد با دشمنان فتنه انگيز ايراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۴،۵

۴ اتكاى مؤمنان راستين بر ولايت و حمايت خداوند ، در جهاد و اقدام به تكاليف

قل لن يصيبنا إلا ما كتب اللّه لنا هو مولينا

۵ خدا ، سرپرست و صاحب اختيار انسانهاست .

هو مولينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۷

۷ برای انسان ها ، هیچ سرپرست و یاوری جز خداوند نیست .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۷

۷ خدا ، مولا و مالك حقیقی انسانهاست .

و ردوا إلی اللّه مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۶

۶ تنها خداوند ، ولی و سرپرست انسانهاست .

و ما کان لهم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۹

۹ تنها خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ تنها خداوند سرپرست و یاور انسانهاست .

ما لهم من دونه من وال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷،۸

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفاتخذتم من دونه أولياء

تفريع جمله <اتخذتم . ..> به وسيله حرف <فاء> بر بيان كارها و شؤونى كه براى خداوند برشمرده شد$ كه مشركان نيز آنها را باور دارند مى رساند كه ولايت بر انسانها تنها از آنِ خداست و پندار ولايت غير او ، پندارى ناموجّه و بدون دليل است.

۸ تنها خداوند ولىّ و اختياردار امور انسانهاست .

أفاتخذتم من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۴ - ۱

۱- آدمى ، به هنگام شدايد ، به ولايت و تسلّط مطلق خداوند بر همه امور ، پى مى

برد .

و لم تکن له فئه ینصرونه . .. هنالک الولیه للّه الحقّ

تردیدی نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره به مکان و واقعه خاص با واژه <هنالک> از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۲

۲۲- ولایت الهی ، تنها ولایت شایسته پذیرش و اتکا است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۵،۷

۵ - ولیّ مطلق ، در عالم آخرت ، فقط خداوند است .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

۷ - خداوند ، انسان ها را تشویق می کند که او را یار و ولیّ ، بگیرند و نه فرودستانش را .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ - سرپرستی و شفاعت از شؤون تدبیر و مدیریت خداوند است .

ثمّ استوی علی العرش ما لکم من دونه من ولیّ و لا شفیع

این که خداوند، پس از ذکر مدبریت خویش، وجود هر نوع ولایت و شفاعت را از غیر خود نفی کرده، می رساند که ولایت و شفاعت، تنها از آنِ مدبر هستی و شأنی از شؤون او است.

۱۱ - انسان ها ، هیچ سرپرستی جز خداوند ندارند .

لکم من دونه من ولیّ

۱۲ - یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم ، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یاوری برای انسان ها جز خود او است .

اللّه الذی خلق . .. ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع

احتمال دارد ذکر <ما لکم من دونه. ..> پس از بیان یکتایی خداونـد در آفرینندگی و تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند ولیّ و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۲

۲ - ولایت و سرپرستی هستی ، تنها از آنِ خداوند است .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء

از لحن تهدیدآمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۸

۱۸ - ولایت و نصرت الهی ، جلوه ای از رحمت او است .

یدخل من یشاء فی رحمته و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

از مقابله دو بخش از آیه شریفه (یدخل من یشاء فی رحمته> و <والظالمون. ..) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۵

۵ - ولایت و سرپرستی انسان ها ، در انحصار خداوند است .

فاللّه هو الولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۰ – ۸

۸ – ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریع و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فاللّه هو الولیّ .

.. ذلکم اللّه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - ولایت بی نقص و شایسته ستایش ، مخصوص خداوند است .

و هو الولیّ الحمید

برداشت یاد شده بدین احتمال که <حمید>، وصف <ولیّ> باشد; نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۶

۶ - تنها خداوند ، سرپرست و یاور حقیقی انسان ها ، در دنیا و آخرت است .

ولا یغنی . .. ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۸

۸ - خداوند ، سرپرست و حامی تقواپیشگان

و اللّه ولیّ المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۲

۲- خداوند ، ولیّ (سرپرست و حامی) مؤمنان

بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۱

۱ – ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فللّه الأخره و الأُولی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۲ – ۶،۷

۶ – خداوند ، مولا و سرپرست حقیقی انسان ها است .

و اللّه مولیکم

۷ – تشریع خداوند ، از موضع مولویت او نسبت به انسان ها است .

قد فرض اللّه لکم . .. و اللّه مولیکم

یادآوری مولا و سرپرست بودن خداوند پس از تشریع قانون شکستن سوگند می تواند گویای حقیقت یاد شده

باشد.

ویژگیهای ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۳

۳ - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیّضنا لهم قرناء . .. قال الذین کفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولیاؤکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

ولایت و امامت

{ولایت و امامت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۲۶

۲۶ تمامیّت و کمال حج ، به دیدار امام است .

و اتمّوا الحج

امام باقر (ع): تمام الحج لقاء الإمام.

کافی، ج ۴، ص ۵۴۹، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۶۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۷

۱۷ صِله و کمک مالی به امام مسلمین ، از مصادیق قرض به خداوند است .

من ذا الّذی یقرض اللّه قرضاً

امام کاظم (ع) درباره آیه <من ذا الّذی . .. > فرمود: نزلت فی صله الإمام

کافی، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۴ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۴۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران -

۳ - ۲۸ - ۱۹،۱۶،۱۵،۱۳،۱۱،۱۰،۸،۷،۶،۵

۵ ولایت و سرپرستی ، ضرورت نظام اجتماعی *

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

به نظر می آید تعیین ولی و سرپرست در آیه، مفروغ عنه گرفته شده و تنها نسبت به مصداق آن تذکر داده شده است.

۶ ایمان ، ملاکی مهم برای شایستگی مدیریّت و سرپرستی در نظام اسلامی

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللّهم مالک الملک . .. لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

۸ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا یتّخذ المؤمنون . .. و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

۱۱ حاکمیّت و سرپرستی کافران بر امور مؤمنان ، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیا ء . .. و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

۱۳ پذیرش سرپرستی کافران ، جز در اضطرار و تقیّه ، جایز نیست .

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. الاّ ان تتقوا منهم تقیه

بنابراینکه ولایت به معنای سرپرستی باشد.

۱۵ تحذیر و هشدار مؤکد خداوند ، نسبت به مؤمنانی که پذیرای ولایت و سرپرستی کافران شده اند .

لا يتّخذ المؤمنون الکافرين اولياء . .. و يحذّرکم اللّه نفسه و الی اللّه المصير

۱۶ ترس از

خداوند ، موجب پرهیز از پذیرش ولایت کافران

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. و یحذّرکم الله نفسه

۱۹ توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن ، عامل مقاومت در برابر ولایت کافران

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. و الی اللّه المصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۱ – ۸،۱۱

۸ کردار انسان ، نمایانگر عُلقه ها و گرایش های درونی است .

قل ان کنتم تحبون اللّه فاتبعونی

۱۱ جلب محبّت خدا ، هدف نهایی دین و دینداری است .

فاتّبعونی یحببکم اللّه

زیرا می فرماید تبعیّت از پیامبر (ص)، موجب محبّت خدا خواهد شد.

ولی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ولیّ

آگاهی ولیّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۶ – ۱۷

۱۷– شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات ، در انحصار مالك آگاه و هوشمند جهان هستی است .

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع ما لهم من دونه من ولیّ

اختیارات ولیّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۲۱،۲۰،۱۹،۱۲

۱۲ جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال یتیم ، در قبال خدمت به او ، در صورت فقر

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولیّ یتیم از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن (کافی بودن) آن مال

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحبس نفسه عن المعیشه فلابأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصلح

لهم اموالهم فان کان المال قليلا فلاياکل منه شيئاً . ... .

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

۲۰ جواز بهره گيری سرپرست يتيم از دارايی وی ، در صورت نياز ضروری به آن

فلياکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آيه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصّی او القيّم فی اموالهم و ما يصلحهم.

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۳ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۵۴۶، ح ۶۷.

۲۱ جواز برداشت سرپرست يتيم از دارايی وی به عنوان قرض ، در صورت نياز ضروری به آن

فلياکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آيه فوق فرمود: معناه من کان فقيراً فليأخذ من مال اليتيم قدر الحاجه و الکفايه علی جهه القرض ثم يردّ عليه ما أخذ اذا وجد.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۱۷ ; تفسير برهان، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

دفع ضرر در ولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ تنها کسی شايسته ولايت و سرپرستی است که بر نفع رسانی و دفع ضرر توانا باشد .

لايملکون لأنفسهم نفعًا و لا ضرًّا

شرايط ولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ ستمکاران ، شایسته ولایت و سرپرستی نیستند .

و لاتركنوا إلى الذين ظلموا . .. و ما لكم من دون الله من أولياء

منفعت رسانی در ولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ تنها کسی شایسته ولایت و سرپرستی است که بر نفع

رسانی و دفع ضرر توانا باشد .

لایملکون لأنفسهم نفعًا و لا ضرًّا

ولیّ مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

تفریع جمله <اتخذتم . ..> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آنِ خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجّه و بدون دلیل است.

ولیّ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

ولید بن مغیره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آرزوهای ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، هرگز به تمامی آرزو های مادی خود نرسید و عطش زیاده خواهی او سیراب نگردید .

ثمّ يطمع أن أزيد . كلاّ

استکبار ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۳

۳ - ولیدبن مغیره ، دارای خوی استکبار و برتری طلبی

و استکبر

اظهار دشمنی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۲ - ۱

۱ - ظاهر شدن عناد و دشمنی ولیدبن مغیره ، در چهره او به هنگام روبه رو شدن با آیات الهی قرآن

ثمّ عبس و بسر

<عبس> به معنای روی ترش کردن و اخم نمودن است. <بسر> نیز به دو معنا آمده است: ۱ رو ترش کردن (این معنا معادل معنای <عبس> است.) ۲ عجله کردن و گرفتن پیش از وقت.

اعراض ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۱

۱ - روی گردانی کامل ولیدبن مغیره ، از آیات الهی و دعوت پیامبراسلام (ص)

ثمّ أدبر و استکبر

<إدبار> (مصدر <أدبر>) به معنای پشت کردن است و مقصود از آن اعراض و روی گردانی کامل است.

امکانات مادی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۴ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، برخوردار از وسایل و امکانات بسیار زندگی

و مهّدت له تمهیدًا

انگیزه دشمنی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ – مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه کان لأیتنا عنیدًا . .. إنّه فکّر و قدّر

بینش باطل ولید بن مغیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۴ – ۳

۳ – قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین

بود .

فقال إن هذا إلّا سحر يؤثر

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين نكته است كه <يؤثر> از ماده <أثر> (روايت و مطلب نقل شده از پيشينيان) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۱

۱ - قرآن ، در نظر غرض آلود وليدبن مغيره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلّا قول البشر

تداوم توطئه وليد بن مغيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۱

۱ - انديشه عميق و مستمر وليدبن مغيره ، عليه قرآن و رسالت پيامبر (ص)

ثمّ نظر

<ثمّ> در <ثمّ نظر> يا براى تراخى زمانى است و يا رتبى. در هر دو صورت بيانگر نظر و انديشه عميق و مستمر كافرانى است كه پيش از اين، به فكر و حسابگرى عليه دين مشغول بودند (إنّه فكّر و قدّر و...).

تفكر وليد بن مغيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه كافران با قرآن و رسالت پيامبر (ص) ، با انديشه شيطانى و سنجيده كارى همراه بود .

إنّه كان لأيتنا عنيدًا . .. إنّه فكّر و قدّر

توطئه وليد بن مغيره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۲ – ۲

۲ – چاره اندیشی عجولانه و شتاب آلودِ ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و پیامبر (ص)

إنّه فکّر و قدّر . .. ثمّ نظر . ثمّ عبس و بسر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ –

مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۲

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنّه فكّر و قدّر . .. فقال إن هذا إلاّ سحر

تهدید ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۱

۱ - تهدید شدن ولیدبن مغیره به عذاب و شکست ، از سوی خداوند

ذرنی و من خلقت وحیدًا

مطابق نظر مفسّران، این آیه تا آیه ۲۵ درباره ولیدبن مغیره (یکی از سران مکه) نازل شده است (مجمع البیان). گفتنی است کلمه <وحیداً> در این برداشت، حال برای <یا> در <ذرنی> است و عبارت <ذرنی و من خلقت وحیداً> (مرا تنها بگذار با آن کس که خلقش کردم) و مانند آن، برای تهدید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، ولیدبن مغیره را به عذابی سخت و طاقت فرسا تهدید کرد .

سأُرهقه صعودًا

<إرهاق>، به معنای به کاری دشوار واداشتن یا کار دشواری را بر شخصی تحمیل کردن است. <صعود> در اصل، به گردنه و راه دشوار کوه گفته می شود (قاموس المحیط). برای هر امر شاق و طاقت فرسا نیز استعاره آورده می شود. بنابراین <سأُرهقه صعوداً>; یعنی، به زودی او را بر کاری بس سخت و طاقت فرسا وادار خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۱

۱ - تهدید ولیدبن مغیره ، به عذاب دوزخ از سوی خداوند

سأَصليه سقر

تهمتهای وليد بن مغيره

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، از سوی ولیدبن مغیره

فقال إن هذا إلّا سحر

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنّه فكّر و قدّر . .. فقال إن هذا إلّا سحر

۳ - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلّا سحر يؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <يؤثر> از ماده <أثر> (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

ثروتمندی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۲ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، فردی ثروتمند و دارای اموال فراوان

ذرني و من خلقت وحيدًا . و جعلت له مالاً ممدودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۴ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، برخوردار از وسایل و امکانات بسیار زندگی

و مهّدت له تمهيدًا

حق ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۶ – ۲

۲ – ولیدبن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إنّه کان لأیتنا عنیدًا

حق ناپذیری ولید بن مغیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۳ – ۲

۲ – ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثمّ أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

دشمنی ولید

بن مغیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۳ – ۵

۵ – برخی از عناصر زنازاده (ولیدبن مغیره) ، سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (ص)

و لاتطع کلّ . .. زنیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۶ – ۲،۳

۲ – ولیدبن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إنّه کان لأیتنا عنیدًا

۳ – دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلاّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاّ) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

رذایل اخلاقی ولید بن مغیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۵ – ۱

۱ – ولیدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدودًا . .. ثمّ یطمع أن أزید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۳ – ۲،۳

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثمّ أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

۳ - ولیدبن مغیره ، دارای خوی استکبار و برتری طلبی

و استکبر

زنازادگی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۶

۶ - < عن أبی عبداللّه و أبی جعفر (علیهماالسلام) أنّ الوحیدَ ولدُ الزّنا ;

از امام صادق و امام باقر(ع) روایت شده که مقصود از <وحید>، زنازاده است (کسی که برای او پدری شناخته نشده)>.

زیاده طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدودًا . .. ثمّ یطمع أن أزید

طمع ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدودًا . .. ثمّ یطمع أن أزید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - ولیدبن مغیره ، هرگز به تمامی آرزو های مادی خود نرسید و عطش زیاده خواهی او سیراب نگردید .

ثمّ یطمع أن أزید . کلاّ

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ يطمع أن أزيد . كلّا

برداشت یـاد شـده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیـدبن مغیره از ثروت انـدوزان و قـدرت منـدان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

عجله ولید بن مغیره

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۲ - ۲

۲ - چاره اندیشی عجولانه و شتاب آلودِ ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و پیامبر (ص)

إنّه فکّر و قدّر . .. ثمّ نظر . ثمّ عبس و بسر

فرزندان ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۳ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، دارای فرزندانی همیشه حاضر

و بنین شهودًا

فلسفه دین ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۴

۴ - خوی استکبار و برتری طلبی ، عامل اصلی دین ستیزی و مخالفت ولیدبن مغیره ، با آیات الهی و پیامبراسلام (ص)

و استکبر

خداوند در آیه ۱۶، ولیدبن مغیره را به عنوان مخالف و دشمن آیات قرآن معرفی کرده (إنّه کان لآیاتنا عنیداً) و در آیه مورد بحث، از او به عنوان مستکبر و برتری طلب یاد نموده است. از این نکته می توان استفاده کرد که مخالفت و دشمنی او با قرآن و پیامبراسلام(ص)، ناشی از خوی استکبار و برتری طلبی او بود.

فلسفه مخالفت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۴

۴ - خوی استکبار و برتری طلبی ، عامل اصلی دین ستیزی و مخالفت ولیدبن مغیره ، با آیات الهی و پیامبراسلام (ص)

و استکبر

خداوند در آیه ۱۶، ولیـدبن مغیره را به عنوان مخالف و دشـمن آیات قرآن معرفی کرده (إنّه کان لآیاتنا عنیداً) و در آیه مورد بحث، از او

به عنوان مستکبر و برتری طلب یاد نموده است. از این نکته می توان استفاده کرد که مخالفت و دشمنی او با قرآن و پیامبراسلام(ص)، ناشی از خوی استکبار و برتری طلبی او بود.

قدرت طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلّا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

قیاس ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه کان لأیتنا عنیدًا . .. إنّه فکّر و قدّر

لجاجت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثمّ أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

لعن بر ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۱

۱ -

ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدّر

عبارت <قتل>، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثمّ قتل کیف قدّر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و <ثمّ> برای دلالت بر تفاوت رتبه است; یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

مخالفت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت ها و کارشکنی های سران کفر و شرک (همچون ولیدبن مغیره)

ذرنی و من خلقت وحیدًا

ولید بن مغیره و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۱

۱ - قرآن ، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلّا قول البشر

ویرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ویرانی

آثار ویرانی باغ سوخته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۹ – ۱،۲

۱ – توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربّنا إنّا کنّا ظلمین

۲ – باغداران یمنی ، از مشاهده نابودی محصولات خویش از خواب غفلت بیدار شده و به تسبیح و تنزیه خداوند پرداختند .

قالوا سبحن ربّنا

حتمیّت ویرانی شهر ها

جلد – نام سوره

- سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۸ – ۴

۴– ویرانی شهر ها و مرگ و میر همه مردمان قبل از قیامت ، امری حتمی ، غیر قابل تغییر و نوشته شده در کتاب تقدیر الهی است .

کان ذلک فی الکتب مسطورًا

<ال> در <الکتاب> برای معرفه و عهد است و مراد از آن، لوح محفوظ و کتاب تقدیر است.

زمینه ویرانی روستا ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۲ – ۴

۴ – کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهر ها و روستا ها (نابودی باغ ها ، نهر ها و . . .)

استغفروا ربّکم . .. و یمددکم بأمول و بنین ... و یجعل لکم أنهرًا

زمینه ویرانی شهر ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۲ – ۴

۴ – کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهر ها و روستا ها (نابودی باغ ها ، نهر ها و . . .)

استغفروا ربّکم . .. و یمددکم بأمول و بنین ... و یجعل لکم أنهرًا

عذاب با ویرانی شهرها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۲ – ۱

۱ جوشش آب های سیل آسا ، بارش باران های طوفان زا ، زیر و زبر شدن آبادیها ، فرو ریختن سنگ های عذاب و ایجاد صیحه و غرش های تخریب گر ، نمونه هایی است از عقوبت های الهی

و عذاب های استیصال .

و کذلک أخذ ربک

<ذلک> اشاره به عـذابهایی است که در این سوره بیان شده است; از قبیل طوفان نوح ، زیر و زبر شدن آبادیهای قوم لوط و . . .

عوامل ویرانی شهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳ - ویرانی شهر ها ، تباهی جامعه و ذلّت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

۴ - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إنّ الملوک . .. و کذلک یفعلون

عوامل ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۳،۴

۳ - ظلم و طغیان ، عامل نابودی شهر های قوم لوط

إنّهم کانوا هم أظلم و أطغی . و المؤتفکه أهوی

از این که در آیه قبل، قوم نوح <أظلم> و <أطغی> معرفی شـده اند، اصل ظلم و طغیان برای اقوام دیگری که در این بخش آمده اند، ثابت می شود.

۴ - عذاب الهی ، باعث پرتاب شدن شهر های قوم لوط ، به طرف بالا و سپس سقوط و هلاکت آنها

و المؤتفکه أهوی

<أهوی> معادل <أسقط> (فرو افکند) است.

ملاک ویرانی مسجد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۴ – ۸

۸ – مساجدی که مردم در آن حضور نیابند و در آنها ذکر خدا نگویند ، در حقیقت مساجدی ویرانه اند .

و من أظلم ممن منع مسجد اللّه أن یذکر فیها اسمه

و سعی فی خرابها

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که جمله <سعی فی خرابها> (در تلاش برای تخریب مساجد هستند) تفسیر و توضیح جمله <منع مساجد اللّه أن یذکر فیها اسمه> باشد.

منشأ ویرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۷

۷ - ویرانی و آبادانی سرزمین ها ، به اراده خدا و نشان قدرت او است .

کم أهلکنا من قبلهم . .. أنّا نسوق ... فنخرج به زرعًا

منشأ ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۱

۱ - شهر های قوم لوط ، از جمله سرزمین های نابودشده به اراده خداوند

و المؤتفکه أهوی

مفسران، <المؤتفکه> را شهرهای قوم لوط دانسته اند; یعنی، <والقری المؤتفکه>.

وقت ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۳

۳ - ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فلمّا رأوها قالوا إنّا لضالّون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

ویرانی باغ سوخته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۶ – ۱

۱ – باغداران یمنی ، با مشاهده باغ خویش هیچ اثری از آن ندیده و گمان بردند که راه راگم کرده اند .

فلمّا رأوها قالوا إنّا لضالّون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است

که در این جا معنای اصلی و لغوی <ضالّون> مراد باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۲ – ۲

۲ – اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار ، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إنّا إلی ربّنا رغبون

ویرانی خانه دشمنان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۶ – ۳،۱۲،۱۳

۳- توطئه کنندگان علیه دین الهی ، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان ، به هلاکت رسیدند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخّر علیهم السقف من فوقهم

ذکر قید <من فوقهم> پس از بیان <فخر علیهم السقف> (سقف بر آنها فرو ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

۱۲- < عن أبی جعفر (ع) فی قول الله : < فأتی الله بنیانهم من القواعد > قال : کان بیت غدر یجتمعون فیه ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <فأتی الله بنیانهم من القواعد> فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند>.

۱۳- < عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنیانهم من القواعد > فخّر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لایشعرون قال : بیت مکرهم أی ماتوا فألقاهم الله فی النار . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده

است که درباره قول خـدا <. .. فأتی الله بنیانهم من القواعد...> فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد; یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند>.

ویرانی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۱،۴

۱ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، نشانه ای گویا از فرود آمدن کیفر الهی بر آنان

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین . فتلک بیوتهم خاویه

<خواء> (مصدر <خاویه>) به معنای ویرانی و نیز خالی از سکنه شدن است. در برداشت فوق هر دو معنا لحاظ شده است.

۴ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای اهل فهم و دانش

فتلک بیوتهم خاویه . .. إنّ فی ذلک لأیه لقوم یعلمون

واژه <آیـه> در آیـه یـاد شـده معـادل <عـبره> و تنکیر آن بیـانگر بزرگی اسـت; یعنی، <إنّ فی ذلـک لعـبره عظیمه لقـوم یعلمون>.

ویرانی سد ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۹

۹- موانع هجوم یأجوج و مأجوج به همسایگان خود ، در آستانه قیامت ، منهدم خواهد شد .

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۳،۷

۳- از پیدایش درگیری های داخل میان یأجوج و مأجوج ، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است . *

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء . .. و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

بدان احتمال که ضمیر در <بعضهم> به یأجوج و مأجوج

بازگردد; یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

۷- ویرانی سدّ ذوالقرنین ، از علایم نزدیکی قیامت است . *

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء . .. و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعًا

ویرانی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۳

۳ شهر قوم لوط ، به وسیله بارانی از سنگ گل ، به ویرانه ای تبدیل شد .

و لقد أتوا علی القریه التی أُمطرت مطر السوء

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید به قرینه آیات دیگر از جمله آیه ۸۲ سوره <هود> (و أمطرنا علیها حجاره من سجیل منضود) سنگ گل و کلوخ بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۱

۱ - بارش بارانی از سنگ گِل (سجیل) بر قوم لوط ، پس از هلاکت آنان و ویرانی کامل دیارشان

ثمّ دمّرنا الأخرین . و أمطرنا علیهم مطرًا

<إمطار> (مصدر <أمطرنا>) به معنای بارانیدن است. <مطرًا> مفعول <أمطرنا> و تنکیر آن تنکیر تنویع است; یعنی، <بر روی آنان نوعی باران فرو ریختیم>. در سوره حجر (آیه ۷۴) نوع باران را بیان کرده است: <فجعلنا عالیها سافلها و أمطرنا علیهم حجاره من سجیل; شهرشان را زیرورو کردیم و بر آنان سنگ هایی از سجیل (سنگ گِل) فرو ریختیم>.

ویرانی شهر بصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۵

۵ - < عن أبی بصیر عن أبی عبداللّه (ع)

فی قول اللّه . . . < و المؤتفکه أهوی > قال : هم أهل البصره هی المؤتفکه . . . ;

ابی بصیر از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند . .. <و المؤتفکه أهوی> روایت نموده که مراد، اهل بصره هستند. آن جا شهر زیرورو شده است...>.

ویرانی شهر قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۵ – ۱

۱ – مأموران عذاب قوم لوط ، شهر آن قوم را ، با عذابی آسمانی ، درهم کوبیدند .

إنّا منزلون علی أهل هذه القریه رجزًا من السماء. .. و لقد ترکنا منها ءایه

ویرانی شهر ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۸

۸ واژگون شدن بسیاری از شهر های آباد با نزول عذاب الهی

و المؤتفکت

<ائتفاک> به معنای انقلاب و زیر و رو شدن است. بنابراین مقصود از <مؤتفکات> به قرینه مقام، شهرهایی است که با عذاب و قهر الهی زیر و رو شده اند.

ویرانی شهرهای اقوام پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۸ – ۹

۹ – غیر مسکونی شدن شهر های جوامع هلاک شده پیشین ، پس از نابودی آنها

فتلک مسکنهم لم تسکن من بعدهم

ویرانی شهرهای امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۱،۲

۱- خداوند ، آبادی های فراوانی را از امت های پیشین ، ویران ساخت و مردم آنها را هلاک کرد .

و تلك القری أهلكنهم

۲- ستم گری و کفر برخی از جوامع

پیشین ، مایه هلاکت آنان با عذاب ویران کننده الهی است .

أهلکنهم لمّا ظلموا

مراد از ظلم در <ظلموا> به قرینه آیات قبل اِعراض از آیات خدا است.

ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۲

۲ - هلاکت قوم لوط ، به وسیله زیرورو شدن سرزمین آنان

و المؤتفکه أهوی

<ائتفاک> به معنای زیرورو شدن است. <قرای مؤتفکه>; یعنی، آبادی هایی که با اهلش زیرورو شده اند.

ویرانی کاخ فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۶

۱۶ خداوند پس از هلاکت فرعونیان ، کاخ ها و خوش نشین های آنان را بکلی ویران کرد .

و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما کانوا یعرشون

<تدمیر> (مصدر دمرنا) به معنای نابودن کردن است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹